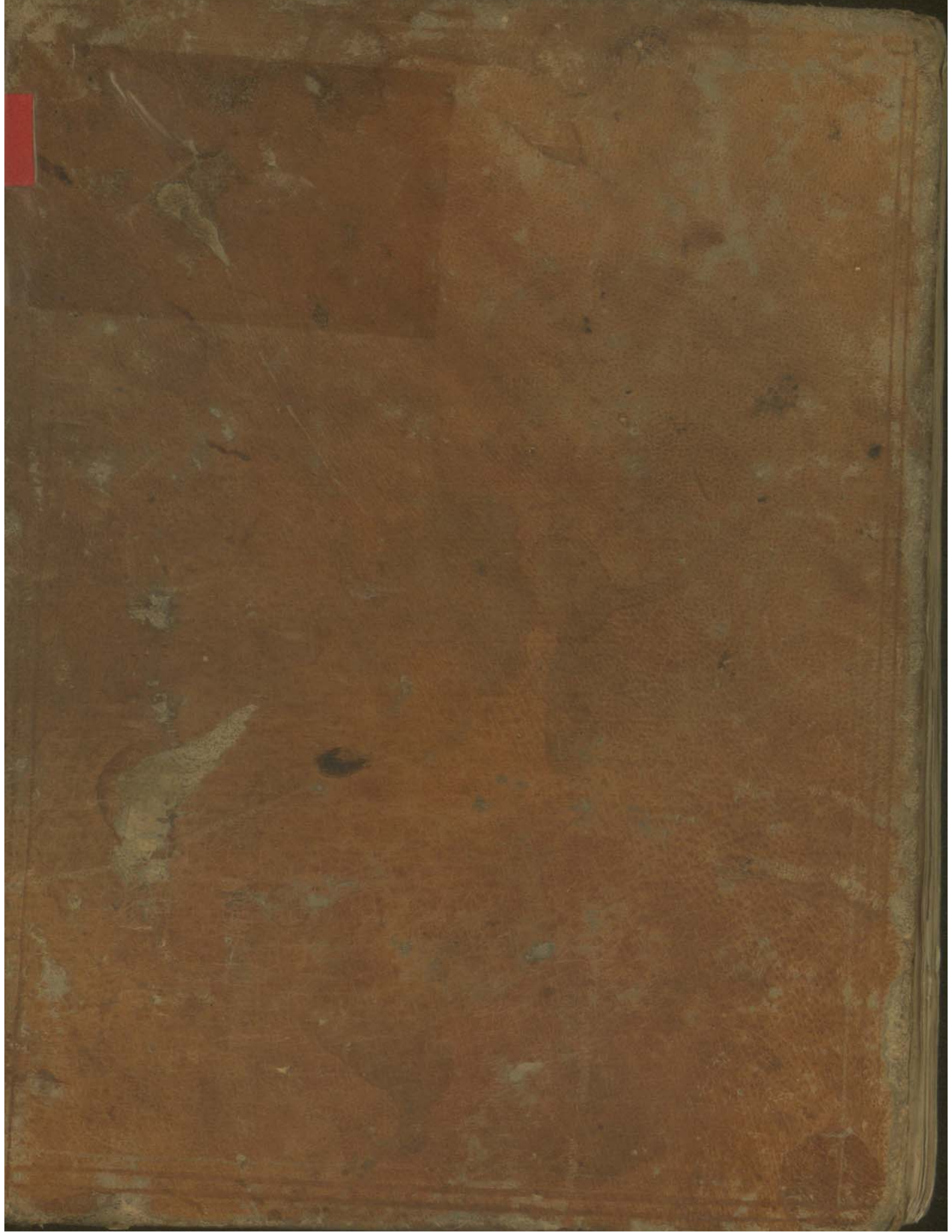




هو العزیز

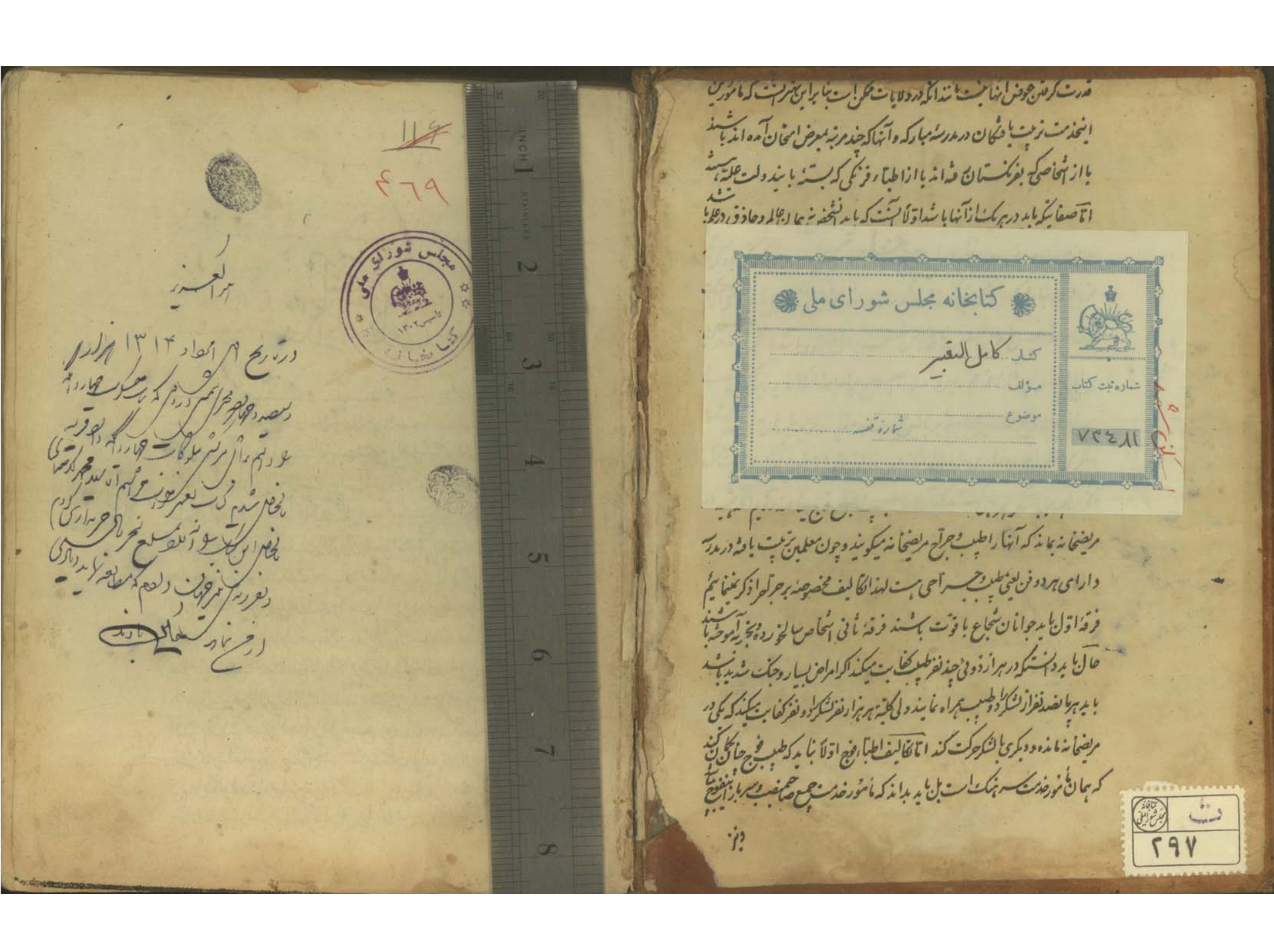
در تاریخ ۱۴ جمادی ۱۳۱۴ هزار و سیصد و چهارده [illegible]

[illegible]

قدرت گرفتن عوض آنها نیست باشند اگر در ولایات ممکن است بنا بر این بهتر است که مامورین
اینخدمت تربیت یافتگان در مدرسهٔ مبارکه و آنهاکه چند مرتبه بمعرض امتحان آمده اند باشند
یا از اشخاصی که بفرنگستان رفته اند یا از اطبای فرنگی که بسته باشند دولت علیه هستند
اما صفاتیکه باید در هر یک از آنها باشد اول آنست که باید شخص نه عالم و حاذق در علم با[illegible]

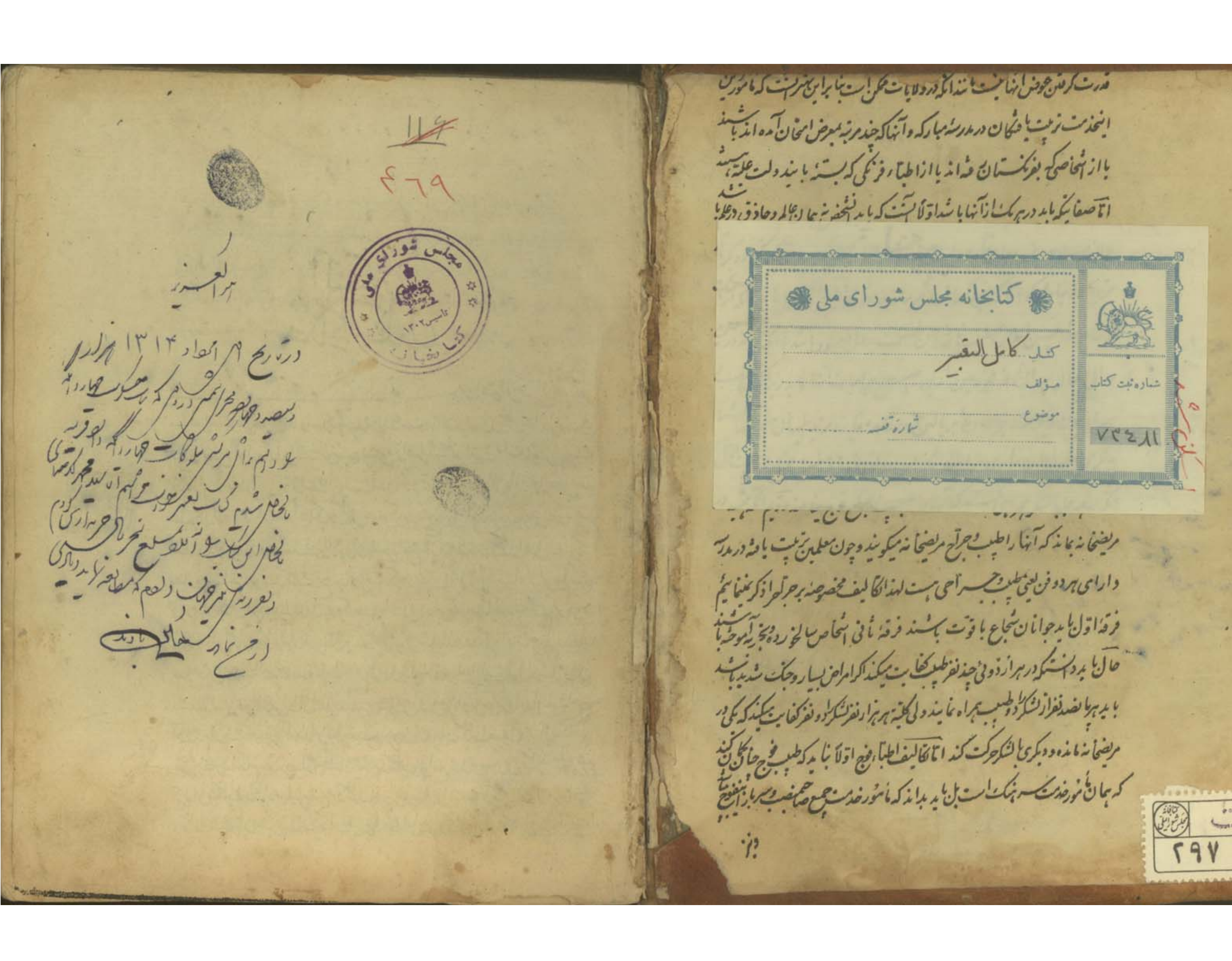
مریضخانه بمانند که آنها را طبیب و جراح مریضخانه میگویند و چون معلمین تربیت یافته در مدرسه
دارای هر دو فن یعنی طب و جراحی هست لهذا تکالیف مخصوصه بر جراحها ذکر نمینمایم
فرقهٔ اول باید جوانان شجاع با قوت باشند فرقهٔ ثانی اشخاص سالخورده و تجربه آموخته باشند
حال باید دانست که در هر از دو فی چند نفر طبیب کفایت میکند اگر [illegible]

[illegible] که مامور [illegible] صاحب [illegible]



قدرت گرفتن عوض اینها نیست باشند اگر در ولایات ممکن است بنابراین بهتر است که مامورین
اینخدمت تربیت یافتگان در مدرسه مبارکه و آنها که چند مرتبه بمعرض امتحان آمده اند باشند
یا از اشخاصی که بفرنگستان رفته اند یا از اطباء فرنگی که بسته باشند ولت علیه باشند
اما صفاتیکه باید در هر یک از آنها باشد اولا آنست که باید شخص بتمام اعمال عالم و حاذق در علم باشد

مریضخانه بماند که آنها را طبیب و جراح مریضخانه میگویند و چون معلمین تربیت یافته در مدرسه
دارای هر دو فن یعنی طبابت و جراحی هست لهذا تکالیف مخصوصه بر جراحها ذکر نمینمائیم
فرقه اول باید جوانان شجاع با قوت باشند فرقه ثانی اشخاص سالخورده و تجربه آموخته باشند
حال باید دانست که در هر ازدوی چند نفر طبیب کفایت میکند اگر امراض بسیار و جنگ شدید باشد
باید هر پانصد نفر از لشکر را دو طبیب همراه نمایند ولی کلیة هر هزار نفر لشکر را دو نفر کفایت میکند که یکی در
مریضخانه مانده و دیگری با لشکر حرکت کند اما تکالیف اطباء فوج اولا باید که طبیب فوج خانگی کنند
که همان مأمور خدمت سرهنگ است بل باید بداند که مأمور خدمت جمیع صاحب منصب و سرباز آن فوج میباشد



هو العزیز

در تاریخ ۱۴ امرداد ۱۳۱۴ [illegible]

[illegible]

قدرت گرفتن عوض آنها جنت باشند اگر در ولایات ممکن است بنا براین بهتر است که مأمورین
این خدمت تربیت یافتگان در مدرسهٔ مبارکه و آنهائی که چند مرتبه بمعرض امتحان آمده اند باشند
یا از اشخاصی که بفرنگستان رفته اند یا از اطبای فرنگی که بسته باشند دولت علیه هستند
اما صفاتی که باید در هر یک از آنها باشد اولاً آنست که باید شخص بسیار عالم و حاذق در علم باشد

مریضخانه بماند که آنها را طبیب و جراح مریضخانه میگویند و چون معلمین تربیت یافته در مدرسه
دارای هر دو فن یعنی طب و جراحی هست لهذا تکالیف مخصوصه بر جراحها ذکر نمینمائیم
فرقهٔ اول باید جوانان شجاع با قوت باشند فرقهٔ ثانی اشخاص سالخورده و تجربه آموخته باشند
حال باید دانست که در هر اردوئی چند نفر طبیب کفایت میکند اگر امراض بسیار و جنگ شدید باشد
باید هر پانصد نفر از لشکر را دو طبیب همراه نمایند ولی کلیة هر هزار نفر لشکر را دو نفر کفایت میکند که یکی در
مریضخانه مانده و دیگری با لشکر حرکت کند اما تکالیف اطبای فوج اولاً باید که طبیب فوج چنان گمان کند
که همان مأمور خدمت سرهنگ است بل باید بداند که مأمور خدمت جمیع صاحب منصب و سرباز آن فوج میباشد

التعبیر
هذا کتاب کامل





بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس و ستایش خدای را که واحد است و صمد و بی‌همتا و ند است ما للک و الجلال را جمیع ناظراند رزاق خلق و عالم است و سامر است خالق سپهر و نجوم زاهر است عالم الغیب و داننده سر است هر چیز ظاهر است و باطن است دال است و آخر است و درود و تحیات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله السلام است اما بعد چنین گوید شیخ ابو الفضل حبیش بن محمد ابرهیم التفلیسی که چون از تصانیف صحة الابدان بپرداختیم شروع کردم در کتبی اهل تعبیر که بفارسی ساخته بودند کتابی واضح بنا فتم چنانکه هر خوابی را از قول استادان این علم که مجتهد و برهان بیان کرده باشند ندیدم که مفید باشد و در این علم جهد کردیم و رنج بر خود نهادم تا این کتاب ساختم از بهر مطالعه نظر همایون سلطان معظم خاقان اعظم سلطان سلاطین العرب و العجم مالک رقاب الامم عز الدنیا و الدین ابو الفتح قزل ارسلان بن مسعود ابن ناصر الدین اطال الله بقاءه و بر نسق حروف معجم تاویل خوابها بفارسی واضح آوردم از کتب معتبر که در این علم نفیس معروف‌اند چون کتاب اصول و اثبات و کتاب تفسیر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و کتاب جوامع محمد بن سیرین و کتاب دستور ابرهیم کرمانی و کتاب ارشاد جابر مغربی و کتاب تعبیر اسمعیل بن اشعث و کتاب کنز الرؤیا مامون و کتاب تعبیر ابن تعبیر عبد حسن و کتاب تعبیر جاحظ ابن اسحق و کتاب جمل الدلایل و کتاب ایضاح

التعبیر

التعبیر فخری و کتاب کافی الرؤیا و کتاب تعبیر معروف طاووس و کتاب مفرج الرؤیا و کتاب تحفة الملوک و کتاب منهاج التعبیر خالد اصفهانی و کتاب مقدمة التعبیر و کتاب حقایق الرؤیا و کتاب حجره محمد ساهون و کتاب متفرقات از کلمات هر کس که در این علم تصنیف کرده اند پس اختیار کلام ایشان جمع یاد کرده شد و نام این کتاب را کامل التعبیر نهادیم زیرا که در این علم از این کامل تر بفارسی نساخته اند و ایجاز بصارت است هر کس را این کتاب باشد احتیاج نباشد از قول استادان این صنعت اقوال شش کس یاد کردیم که هر یک از این استادان در عصر خویش یگانه و حکیم بودند اول از قول دانیال علیه السلام که در عصر بخت النصر بوده دوم قول امام بحق امام جعفر صادق سیم محمد بن سیرین چهارم ابرهیم کرمانی پنجم جابر مغربی ششم اسمعیل بن اشعث و دیگران را قول بعضی از ایشان بقدر اختیار یاد شد و نخست چیزهایی که از پیغمبران بوده از دانستن آن که راست و دروغ بر شانزده فصل اول اینکتاب بیاوردم و هر چیز را در موضع خویش بر ترتیب فرا نهادم تا خوانندگان را آسان باشد و هیچ دقیقی اندر این باب بر وی پوشیده نماند ان شاء الله تعالی فصل اول اندر شناختن و مزاج خواب فصل دوم اندر قسمتهای خواب و عجایب آن فصل سیم در بیدار کردن نفس و روح فصل چهارم در معرفت درستی خوابها فصل پنجم در معرفت خواب راست و دروغ فصل ششم در دانستن خواب تفاوت فصل هفتم در فرق میان خوابها فصل هشتم در دانستن علم زجر و فال فصل نهم در معرفت خواب فراموش شده فصل دهم در کذاردن خواب بقول جهال فصل ۱۱ در معرفت از حال بگشتن خواب فصل ۱۲ در معرفت آداب و شرایط تاویل فصل سیزدهم در نگاه داشتن معرفت سایل فصل ۱۴ در معرفت آنکه خواب در چند روز بود فصل پانزدهم در دانستن آنکه تعبیر آن مقلوب بود فصل شانزدهم در تاویل دیدن فرشتگان و پیغمبران بر ترتیب یاد کرده ایم پس علم تاویل خوابها بنوشتیم در نظام هر جا در اول حروف الف یاد کرده ایم یعنی اگر اول آن خواب الف یا بود در حرف اول الف یا آن را بجویید اگر حرف اول آن خواب الف یا بود با الف

وجهی با این ترتیب از اول حروف تا آخر حروف حرف اول و حروف دوم نگاه بدارد تا استخراج
خوابها وری آسان بود که استخراج این طریق سخت آسان است و بر هیچ دانا این طریق پوشیده
نماند چون در این کتاب بتاویل نگاه کند و از ایزد تعالی توفیق یاری خواهم بتمام
کردن این کتاب ثواب و دعا چشم دارم از رب الارباب و الله اعلم بالصواب گفت
در فضیلت این علم بدانکه علم تعبیر علمی شریف بزرگ است و حقتعالی این علم را بیوسف
صدیق ع داد و بر وی منت نهاد چنانکه در کلام مجید فرموده است و کذلک مکنا لیوسف
فی الارض و لنعلمه من تاویل الاحادیث ابن عباس گفت که اول چیزی از آثار نبوت که ایزد
تعالی به پیغمبر نمود این بود که فرشته مقرب او را در خواب گفتی که ای محمد بشارت
باد ترا که حقتعالی از جمله انبیا برگزیده است و اختیار نمود و خاتم انبیا گردانید قوله تعالی و
لکن رسول الله و خاتم النبیین چون حضرت پیغمبر بیدار گردید این خواب را با خدیجه
بگفت خدیجه گفت که دل خوش دار که از این خواب خیر و اقبال یابی و بعد از شب معراج
خوابی دیگر دید چنانکه ایزد تعالی فرموده قوله تعالی لقد صدق الله رسوله الرؤیا بالحق
لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنین تا اینجا که فرموده فتحا قریبا و در قصه ابراهیم گفت قوله
تعالی انی اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری تا اینجا که فرموده قد صدقت الرؤیا انا
کذلک نجزی المحسنین و در خبر چنین آمده است که این علم معجزه یوسف بود و علمی که معجزه
پیغمبران بود یقین که علم شریف بزرگ بود و بعضی از انبیا که مرسل نبوده اند ایشان را نبوت
بخواب کرامت کشند و هشام بن عروه از پدر خود روایت میکند که او گفت در تفسیر این
آیه که حقتعالی در قرآن مجید یاد کرده است قوله تعالی لهم البشری فی الحیوة الدنیا
حقتعالی بدین بشری خواب صالحان خواسته که مرد صالح خویشتن را خواب ببیند و در
تصدیق این و اخبار بسیار آمده است که اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و در خبر است از
ابوذر ره که پیغمبر ع فرموده که الرؤیا الصالحة جزء من ستة و اربعین جزء من النبوة یعنی دیدن

خواب مرد صالح جزئیست از چهل و شش جزء پیغمبری و در خبر است از عبد الله عباس و او از سلمان
که فرمود خواب راست وحی است از خدای تعالی بر بنده مؤمن که او را از خیر و شری که بدو خواهد
رسید آگاهی دهد پیش از آنکه خیر یا شر بدو رسد تا بنده بدنیا مغرور نشود و از امر
کردگار غافل نماند و ابوذر ره گفت که چون پیغمبر بیمار گردید یاران نزد او آمدند
غمناک گشتند یا رسول الله بر تو از آسمان وحی آمدی و تو ما را از کارها خبر دادی نعوذ
بالله اگر اجل ترا فرا رسد که ما را خبر دهد بی اخبار کارهای دین چگونه دانیم پیغمبر ع
فرمودند که ای یاران بعد وفاتی ینقطع الوحی و لا ینقطع المبشرات یعنی بعد از وفات من
وحی منقطع شود و مبشرات منقطع نگردد ایشان عرض کردند یا رسول الله مبشرات چیست
پیغمبر فرمود الرؤیا الصالحة التی یراها المرء الصالح او یری له یعنی دیدن خوابهای صالح
پسندیده بود که مرد پسندیده ببیند یا کسی دیگر ببیند از بهر وی و ابو سلیمان مرد دینی گفت
از رسول خدا شنیدم که با یاران خود همی گفت که چون کسی از شما خواب پسندیده ببیند
باید که خدای تعالی را سپاس داری کند و با دوستان و مؤمنان همی گوید و اگر خواب ناپسندیده
بیند و مرد مصلح بود چند مرتبه بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و از شر دنیا
بحقتعالی برد و با هیچ کس آن خواب را نگوید تا از آن هیچ مضرت و گزندی بوی نرسد و در خبر است
از امیر المؤمنین ع که فرمود چون مؤمنی خواب ببیند واجب کند تعبیر دانستن از آن تا از
خواب بهر نیکو و شادی برگیرد و از خواب بد حذر کند یعنی بد عادت و عبادت و صدقه دادن
مشغول گردد ابن سیرین گوید که هر که مرتبت این علم برگیرد علمها از آن است و اگر هر علمی را
طلب کنند اصلش مختلف نگردد و قیاسش تغییر پذیرد و طوبی او نیکو بود زیرا که هر
علمی بطریقی بود مگر این علم که اصل بگردد از احوال مردم بر هیئت و صناعت و قدر و
دیانت و کلمه و ارادت زیرا که بر اختلاف فقها همی گردد زیرا که وقتی تعبیر مثل با باطل
باید کردن و ایضا وقتی از بهر مرد بود و وقتی برای زن و وقتی اضغاث احلام بود یعنی

خوابهای آشفته بدانکه هر عالمی که علمی داند مستغنی بود از علم دیگر الا معبر که باید
بضرورت علم تعبیر قرآن داند و اخبار حضرت مصطفی و امثال عرب و عجم و اشعار
و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداول یعنی دیگر فرا گرفتن و معبر باید که زیرک بود
لطیف عبارت بود و شمایل و احوال مردمان را نیکو شناسد بقیاس و اصول را نیکو داند
و با اینهمه مستغنی نباشد اما از توفیق خدای تعالی تا از کرم و بر اینجمله نماید و بر
زبانش ثواب و صلاح باید و ایزد عز و جل این امرها را بکسی دهد که طبعش پاک بود از
لقمه حرام خوردن و از گفتن سخنهای نابکار دور بود و از گناهان و معصیتها پاک بود
پس چون بدین سیرتها بود توفیق خدا او را رفیق بود و اندرین معنی در او وارث پیغمبران
سازد پس چون تعبیر چندین کمال و فضیلت دارد بر خردمند واجب است که این علم را تفحص
نیک بیاموزد و بدانکه از دانستن علم تعبیر او را ستایش و آفرین و مزد حاصل گردد
زیرا که عالم و جاهل و خاص و عام را بدین علم حاجت بود مگر این قوم را که ایزد تعالی
در شان ایشان گفت قوله تعالی اولئک کالانعام بل هم اضل سبیلا و اولئک هم الغافلون

فصل اول اندر شناختن و خراج خواب اندرین فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج او
چیست تا این عذر بر خوانندگان و آموزانندگان کتاب ما پوشیده نباشد ان شاء الله تعالی
بدانکه از قول حکما سبب وجود خواب از بخارهای تر و معتدل که از تن بسوی دماغ بالا
شود پیدا از خوردن طعام و از بخارها دو گونه منفعت اندر تن موجود گردد یکی که جمله
اندامها و حواس بیارامد و آسایش یابد دوم آنکه طعامهای خورده هضم گردد و اعضای
تن پخته گردد و این چنین خواب را معبران خواب طبیعی گویند و بعضی از حکما گویند که
خواب گذاشتن روح بود استعمال الحواس را و بعضی گفته اند که خواب فعلی است از افعال
دماغ و از اندامهای دیگر نیست و فعل طبیعی است زیرا که از قوای مادهٔ دماغ است یعنی
قوت تخیل و قوت فکر و قوت دیگر نیز از آن در راحت است و این قوتها که یاد کرده شد
حرکتهای روح نفسانی اند و موضع ایشان دماغ بود و آسایش ایشان بخواب است تا روح
نفسانی آسوده گردد و دلیل بر این آنست که چون کسی بتعلیم علوم مشغول گردد و بسیار

گرمی

گرمی و خشکی بر مزاج دماغ او غالب گردد پس روح نفسانی را از بسیاری حرکت کردن
سست و ضعیف گردد و از آن پس مردم را رنج و بیماری حاصل گردد و معالجتش
باید کرد به چیزهای سرد و تر چون روغن بنفشه و روغن نیلوفر و امثال بدین ماند بدانکه
از قول حکما خواب از سه گانه بود یکی را خواب طبیعی خوانند یکی را خواب غیر طبیعی و سیم را
خواب بعینه گویند چنانکه حکمای سلف گفته اند النوم اعم من العینه و الطبیعیه و غیر
طبیعیه اما خواب طبیعی قوت طبیعی را نیرو دهد زیرا که حرارت غریزی را اندرون تن محقق
کرده اند یعنی گرمی اصل تن را از اندرون تن نیک نگاه دارد پس از این سبب قوت طبیعی
قوی گردد و چون بسیار خسبد قوت نفسانی را سست کرده اند بسبب آنکه تری بر وی چیره
گردد و سستی وی از جهت آن بود که گذرهای روح نفسانی اندر اندامها بسته گردد و نیز
جوهر روح انسانی از خیرگی و تری نفسانی تیره گردد لیکن بداند که رنج تن را زایل کرده اند
فضلهای که اندر تن حاصل آمده باشد جمله را بعرق از اندامهای تن دفع کند و خوابی که غیر
طبیعی بود از سه گانه بود یکی از فساد مزاج روح از اندامها اندیاد شدت بعضی از امزجه ها
سابق یعنی خون و صفرا و بلغم و سودا سیم از خوردن غذاهای غلیظ و زیان کار بود
و بدانکه مزاج خواب سرد و تر است زیرا که مادهٔ او از سردی و تری دماغ ظاهر گردد و دلیل
بر این است که چون بر دماغ کسی گرمی و خشکی غالب گردد البته آسایش نیابد و اگر سردی و تری
غالب بود بسیار خسبد و از خواب سیر نگردد پس اگر کسی اعتراض کند و گوید بچه دلیل که خواب
فعلی است از افعال مغز سر و او را چه قوت تخیل و قوت فکر و عقل بدانستم جواب آنست که
باز دانستم از خفتن بهره قوت ضعف و خلل یافتم پس از عقل بدانستم که همچنانکه پیداست بیداری
است و خفتن بر آسایش دلیل است و آسایش قوتهای دماغ است پس بدین سبب مادرست
شد که خواب فعلی است از افعال مغز سر و شرح خواب طبیعی و غیر طبیعی و ضعف قوت تخیل و
قوت فکر و قوت ذکر را بحث و برهان از اقوال حکمای قدیم در کتاب اکثر نامش را کفایة الطب
نهادیم و جمله را بکمال در آن بیان کردیم چنانکه خوانندگان و آموزانندگان نیکو فهم کنند ما در این
کتاب بیشتر از اینجهت بیان نمودن احتمال نکرد تا خوانندگان را ملال نیفزاید **فصل دوم**

ایشان اندر قسمهای خواب عجایب آن دانیال گوید که خواب را اصل دو چیز است یکی آگاه کننده
از حقیقت حالها دوم پیدا کننده بر سر انجام کارها و این دو اصل بر چهار قسم است اول که
خواب امر بود یعنی فرماینده دوم زاجر بود یعنی باز دارنده سیم منذر بود چهارم خواب
مبشر بود یعنی خواب بشارت دهنده و عبد الله عباس گوید که رسول خدا صلعم فرموده
الرؤیا ثلثة قسم من الله تعالی بشری المؤمنین فی حیاتهم والثانی من الشیطان لیحزن الذین
آمنوا والثالث اضغاث احلام یعنی دیدن خواب بر سه قسم است یکقسم از خدای تعالی بشارتی مر
مومنان را در زندگانی ایشان دوم قسمی از وسوسه دیو است که مومنان را اندوهگین کرداند
سیم خوابهای آشفته و مختلف است حضرت صادق فرماید که خواب بر سه قسم است اول قسم را
خواب محکم دانند و خوانند دوم قسم متشابه سیم اضغاث احلام و خواب اضغاث احلام را چهار
کروه مردم ببینند یکی کروه کسانی که طبعشان بفساد نزدیک باشد دوم مستان سیم کسانی که طعام
غلیظ خورده باشند چون بادنجان و نمک سود و عدس و ترشیها و آنچه بدین ماند چهارم
کروه کودکان نابالغ محمد بن سیرین گوید خواب بر دو قسم است یکقسم از آن خواب محکم خوانند
و آن درست و راست بود دوم قسم را اضغاث احلام خوانند یعنی خوابهای مختلف و درد
کیاه بناری اضغاث خوانند زیرا که از هر نوع کیاه در آن بود از تر و خشک سبز و زرد و سرخ
و آنچه بدین ماند و این قسم را که اضغاث احلام خوانند از سه گونه بود برخی از غلبه طبع و بعضی
از تمایل بود و برخی از حدیث نفس و خواب این دیگر سه قسم است البته درست و راست باشد
دیگرهای گوید که خواب بر سه قسم است اول بشارت بود از خدای عز و جل دوم آن بود که
دیو وسوسه کند مردم را و سیم قسم آن بود که مردم با نفس خویش سخن گوید که از هوس آن
سخن را در خواب ببینند اما آن خواب که راست نماید هر فرشته نماید از فرشتگان مقرب و آن
فرشته از لوح محفوظ بمردم از بهر بشارت چیزی که مردم کرده باشند یا خواهند کرد یا دیو را
بترسانند بسبب گناهی که کرده بود یا خواهد کرد تا ستده پناه کیرد بخدای عز و جل و از وی
بترسد و در نهان خواهد تا شر آن خواب از وی دفع شود و خیر آن زود بوی برسد و این
سبب است که چون مردم خواب ببیند فراموش کنند وی را آگویند که تو بر کن که فراموش

کردن

کردن خواب آن معصیت بود زیرا که نماینده خواب فرشته ایست از لوح محفوظ جابر گوید که
خواب بر دو قسم است یکقسم از نوی خواب راست و یکقسم خواب دروغ اما خواب راست بر سه
وجه است اول را تبشیر خوانند دوم را تحذیر سیم الهام اما خواب تبشیر آنست که ایزد عز
و جل فرشته را موکل کرده است بر لوح محفوظ تا آنچه خواهد که تا شب بهر فرزند آدم از
نیک و بد بدان فرشته از لوح محفوظ همی بدو نماید و آن فرشته را ملک الرؤیا خوانند
پس چون کسی را بشارت خواهد رسید اندر کارهای دنیا و آخرت آن فرشته بحکم الله تعالی
انکس را در خواب بنماید از بهر دو چیز یکی از بهر پند دادن مسلمانان دوم از بهر حجت گرفتن
با کافران روز قیامت و خواب تحذیر آنست که ایزد تعالی همان فرشته را تو بنود هد
تا اندر خواب بنماید که طاعت باید کردن و نیکوئی از حج و غزا و نماز شب و صدقه دادن
ستم و ظلم نباید کردن و داد باید کردن و از کناهان دور باید بودن و از کناه توبه باید
نمودن قوله تعالی و توبوا الی الله جمیعا ایها المومنون لعلکم تفلحون و بدانکه خواب دروغ
بر سه جزو است یکی را خواب همت خوانند دوم را علت سیم را خواب دیو یعنی آشفته اما خواب
همت آن بود که مردم در بیداری چیزی همی اندیشند چون بخوابند همان اندیشه را بخواب
ببینند و این خواب را اصلی نباشد و تاویل وی راست نباید و خواب علت آنست که مردم از
بسیاری آزار یا درد اندام همی نالد چون بخوابد آن درد بر وی غالب بود چیزهای سهمگین
و مکروه بخواب بیند و سبب آن خواب درد و بیماری بود و چنین خوابی را اصلی نباشد و تاویل
وی راست نیاید و این خواب دیو آنست که تن شستن واجب باشد چیزی نا ممکن را بخواب ببیند
که از اضغاث احلام بود و آن را تعبیر نباشد چنانکه ایزد جل و عز در کلام مجید فرموده
قوله تعالی قالوا اضغاث احلام وما نحن بتاویل الاحلام بعالمین و علی بن ابی طالب ع
فرمود که از عجایبها که خداوند عالمیان آفریده است یکی خواب است که آنچه در خواب بیند از
خیر و شر و بعد از آن حکم ایزدی بها همی برسد ابن سیرین گوید که از عجایب خواب یکی
آنست که مردی در خواب خیر و راحتی بیند یا شر و آفتی هم چنان که عیناً آن خیر و راحت یا
شر وا بعینه به بیداری بیند از عجایب خواب آنست که بسیار مردم بود که او کند خاطر

دردفتر

[illegible]

وزفاف بود چنانکه به بیداری آن را از دست بخواند و خرم جاهل بودند که در خواب سخنهای بسیار
باز گفت بگویند حکیمانه چنانکه هیچ عالم آن سخن را نتواند گفت و چون بیدار گردد آن سخنها را
باز گوید آن قدرت خدای تعالی جابر گوید از عجایب خواب یکی آنست که مرد در خواب لغتهای
عرب بگوید و تفسیر آن بکند و به بیداری از آن هیچ نداند کرمانی گوید که از عجایب
خواب یکی آنست که مردم در خواب چیزی بینند که وی را باشد و تاویل چنان بود که در خواب
دیده و آن فرزند وی را بود یا برادر وی را چنانکه یکی در خواب دید که ابو جهل مسلمان
شد آن خواب به پیغمبر علیه السلام رسید همچنین مردی در خواب دید که اسید امیر مکه مسلمان
شد به پیغمبری عتاب اسید [illegible] سید و نیز بود که چون کودکی خواب بیند تاویل مادر
و برادر او بود و نیز بود که بیند خواب بیند و تاویلش خاجگان را بود و از این عجایب
در خواب بسیار است که اگر جمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و خواننده را ملال افزاید
فصل سیم در یاد کردن نفس و روح بدانکه خدای عز و جل در قران مجید میفرماید الله
یتوفی الانفس حین موتها والتی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت ویرسل
الاخری الی اجل مسمی ایزد تعالی خبر کرد ما را اگر نفس را با خویشتن گیرد و در بیداری
باز گذارد و آن مرده را باز نگذارد و معنی توفی در اینجا استیفا بود بمعنی بستدن بدانکه
در میان علما و حکما در نفس و روح خلافست بعضی از معتبران گفته اند که هر دو یک
چیزند یعنی نفس و روح جانست بر این دلیل آرند و گویند که نفس در کلام عرب هشت
معنی دارد از انجمله یکی نفس تن بود دویم جان بود سیم خون چهارم آب پنجم برادر ششم
[illegible] هفتم هستی هشتم چشم بد و هم چنین گویند که روح در کلام عرب دوازده معنی
دارد از انجمله یکی جان بود دویم نسیم باد سیم کلام خدای تعالی چهارم جبرئیل پنجم رحمت
خدای تعالی ششم وحی هفتم راحتی هشتم افسون که بر کسی خوانند نهم عیسی دهم زندگانی که
در اوراق نباشد یازدهم فرشته که او بتن خویش یک صف دارد و همه فرشتگان یک
صف دوازدهم در دیدن بود و گویند که بینند خواب جانست که از تن بیرون آید و به
آسمان رود و بفرمان خدای تعالی هر چه دیده است یا شنیده یاد میدارد و باز در تن آید

و بر همین قول حجت آرند که در خبر است از پیغمبر که چون بر طهارت بود و بنده و ذکر خدای تعالی
بر زبان دارد و بر این صفت بخسبد جان او را بر آسمان برند و بعضی گفته اند که این معنی
درست نباید از این سبب که اگر جان از تن بیرون رفتی خفته را حرکت و دم زدن نبودی
پس این مرده در خفته است دلیل کند که جان از تن بیرون نرود و بعضی گفته اند از حکما که
روح بپارسی جان بود و نفس روان و جان در تن خفته بود اما روان از تن بیرون آید
و گرد عالم بگردد و دیگر باره باز در تن آید و آنچه دیده جان را خبر کند در این قول دلیل
آرند و گویند مثل جان چون آفتابست و مثل روان روشنی آفتاب اگر قرص آفتاب
در فلک خود باشد روشنی او در همه جهان گسترده است و بعضی از فلاسفه گفته اند
که جان و روان از اصل یکیست و آن خرد پروردگار نیست میان ایشان زیرا که صفتشان
بقیاس عقل چون یخ از آب است و آب از یخ و بدانکه نفس نزدیک ارسطاطالیس مبدا
اول است و او نزدیک [illegible] و شر بقراط روح است و صفت نفس و روح از اقوال حکما و فلاسفه
در کتابهای که نام شریعتمدار الشامل است مشروح تر از این بیان کرده شد تا اینقدر معلوم بود
اما نزدیک اهل اسلام روح امریست از امرهای باری تعالی چنانکه در کلام مجید یاد فرموده
ویسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی یعنی ای محمد سوال میکنند ترا از جان بگو که جان
از امر خداست و ما را بحمد الله والمنة اعتقاد بقول باری تعالی هست و اخبار پیغمبر اما آن
گفته اند که پیش از این یاد کرده شد مقصود آن بود که کتاب از قول حکمای قدیم خالی نباشد
ایزد تعالی ما را بطریق شرع و سنت پیغمبر و ولایت اهل بیت نگاه دارد و توفیق طاعت
ما را کرامت کند بمنه و فضله فصل چهارم در معرفت درستی خوابها بعلامتها کرمانی
گوید هر که خواهد که درستی خواب خویش را بدلیل و علامت نیک بداند باید که جهد کند که
با طهارت بر پهلوی راست بخوابد و هنگام خفتن خدای تعالی را یاد کند و طعام بسیار نخورد
زیرا که هر که طعام بسیار خورد معده اش پر گردد و بخار طعام بر مغز بر شود و در آن
هنگام عقل از این بخار تخلل آید پس از این سبب خوابها آشفته بیند دیگر اگر چون طبیعت
غذا نیابد ضعیف و سست گردد پس باید که مرد بهنگام خفتن نه سیر بود و نه گرسنه و خوابی

که بیند درست و راست آید و نیز خواب را فراموش کنند روایت کنند از سلمان فارسی رضی
که مردی اعرابی بخدمت رسول خدا آمد و عرض کرد یا رسول الله دوش چنین خوابی دیدم
و خوابی آشفته آغاز کرد رسول خدا فرمود ای اعرابی دیشب چه خورده بودی عرض کرد
یا رسول الله دوش خرمای پخته خورده بودم بسیار و نیز مانده بودم رسول خدا فرمود که
اینخواب را تعبیر نیست و درست نباشد پس دانستیم که مرد سیر بود یا گرسنه یا مانده شده
تاویل خواب او درست نیاید و از بهر اینست که معبران بسیار خوابها تعبیر میکنند که تاویل
آن درست می نیاید از این سبب یاد کرده شد پس معبر باید که از دانستن این چیزها غافل
نباشد و چنین چیزها را از سائل بپرسد بعد از آن تاویل خواب کند تا آنچه گوید درست
و راست آید و علامتهای درستی خوابها چنین بوده که یاد کرده شد ابن سیرین گوید که بسیار
خوابست که چون کسی بیند آنکس سزاوار و اهل آن نبود تاویلش یکی از خویشان او یا آن
کرده یا بفرزند یا پدر یا برادر او نیز بود پس بباید دلیل درست شد که بسیار مردم باشند که
خواب بینند و چون اهل آن نباشند تاویلش بپدر یا مادر یا کسی دیگر رسد که اهل
سزاوار آن بود چنانکه کودک نابالغ چون خواب بیند تاویلش به پدر و مادر وی بررسد
آید اگر زن بیند به شوهر چون معبر اصل این چیزها دانسته بود بر وی هیچ مشکل
نگردد دیگر این مثالها که یاد نمودیم حضرت صادق ع فرماید که بسیار خوابست که بیننده را صعب
و سهمگین نماید و تاویلش بخلاف آن بود چنانکه غم و اندوه و ترس و بیم در خواب شادی و
خرمی و امن و راحت بود قوله تعالی فَفِرّوا الی الله انی لکم منه نذیر مبین و گریختن از
بیم پادشاهان و درندگان و آنچه بدین ماند دلیل که خداوند خواب را امان و زینهار
حق تعالی بود قوله تعالی وَلَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمنا و از این معنی تاویل بسیار است ولیکن
تعبیر هر یک در موضع خویش بیان کرده شود ان شاء الله فصل پنجم اندر معرفت خواب
راست و دروغ همچنانکه مردمان مختلف باشند اندر شکل و طبایع و صورت و بالا
و سخن گفتن بیکدیگر نمانند خواب هر یکی و هواش هر کسی بیکدیگر نماند و چون بر طبع
مردم خون غالب گردد از دیدنهای گوشت و حلوا و شراب و چیزهای سرخ بسیار بیند

دادان

دادان بربط و چنگ و چغانه شنود و آنچه بدین ماند چون معبر بروی نگرد و گونه سرخ بود
و [illegible] نشاط و خرمی بیننده بوقت هنگام خود بدانکه از علت
غالب شدن خون دیدن آن خواب را اصلی نیست و چون بر طبع مردم صفرا غالب گردد از
خوردن چیزهای صفراوی چون سیر و پیاز و بلبل و چیزهای گرم درخشیدن در خواب آتش
و چراغ و قندیل های گرم و چیزهای زرد بسیار بیند و چون معبر بروی نگرد و گونه بیند زرد
و بر روی نهی حرکت بیند و سخن بسیار گوید داند که صفرا بروی غالب شده در خواب او را
اصلی نبود زیرا که خیره گی صفراست و چون بر طبع مردم بلغم غالب گردد از خوردن چیزهای
بلغم انگیز چون دوغ و ماست و شیر و آنچه بدین ماند و در خواب نم باران و برف و ژاله
و برف و چیزهای سفید بسیار بیند و چون معبر بدو بنگرد گونه او را فربه بیند و اندک سخن و
گران بیند داند که بلغم بروی غالبست و خواب وی را اصلی نیست که سببش از خیرگی بلغم است
و چون بر طبع مردم سودا غالب گردد از خوردن چیزهای سودایی چون گوشت گاو و نان
سوده و زرشکها و بادنجان و آنچه بدین ماند در خواب ترس و بیم و مار و کژدم سیاهی
تاریکی و چیزهای سهمگین بسیار بیند و چون معبر بنگرد روی تیره است با چین و
اندیشه و درست سبب بر ریش خود مالد معبر بداند که سودا بروی غالب است خواب
وی را اصلی نیست و معبر در این چیزها که گفتیم بتامل نگاه کند و خواب هر یکی را نیک
بپرسد و بر آن واقف گردد تا بنگرد که از آن خلطها که گفتیم بر وی کدام غالب است تا
این حالها بر وی پوشیده نباشد و چون بر همه واقف گشت خواب چنان تعبیر کند که واجب
بود ابن سیرین گوید که آنکسان را که اصحاب فتنه باشند چون عاشق که معشوق را بخواب
بیند یا کسی که پیشه کاروی بود و پیشه را بخواب بیند چون جولا که کرباس بافتن
بیند یا آهنگر را و آنچه بدین ماند بر معبر واجب بود که چون خواب بتمامی بشنود
و خواب او از هر گونه بود از سائل بپرسد که دوش چه خورده ای و چه اندیشه خفته بودی
تا چنان تعبیر که واجب بود کند یا کسی بخواب بیند که در میان برهنه یخ در سرما گرفتار
است چون بیدار گردد جامه از دوش دور شده باشد آن سرها بخواب بدن سببش

دهند

و برهنگی بود و این خواب را اصلی نباشد و یا در خواب بیند که اندر گرمابه بودی یا اندر تابستان
چون بیدار شود جامه بر خود پیچیده بیند پیداست که گرما بدان وی از سبب آن بود
اگر کسی بیند که از علتی همی نالید و درد بر اندام وی افتاده بودی و وی را رنجور همی داشتی
چون بیدار شود آن درد و عذاب را علتی بود اگر کسی بیند که در جایی بول همی کرد
چون بیدار شود بول بر وی چیره گشته بود این چنین خواب را اصلی نباشد و خوابهای
چنین اضغاث احلام باشند **فصل ششم** اندر تفاوت میان خوابها و فضل خواب کسی بر
کسی دیگر ابن سیرین گوید که خواب از دو حال بیرون نیست یا مؤمن است یا کافر و اصل این
بر سیزده نوع است اول خواب قاضیان دویم خواب فقها سیم خواب علما چهارم خواب آزادان
پنجم خواب بندگان ششم خواب مردان هفتم خواب زنان هشتم خواب مستوران نهم خواب
فاسقان دهم خواب توانگران یازدهم خواب درویشان دوازدهم خواب بالغان سیزدهم
نابالغان اما خواب قاضی افضل است از خواب دیگران زیرا که فضل و عدل و انصاف و نظر کردن
در کار خاص و عام و گشادن کارها از قاضیان بود و خواب فقیهان با اصول فقه و حد و مسائل
از فرایض و سنن و حلال و حرام از ایشان بتوان دانست و خواب آزادان افضل است از
خواب بندگان از بهر آنکه ایزد تعالی ایشان را شرف نسب داده است و خواب علما را
فضل است از بهر آنکه خدای تعالی ایشان را نبوت داده تا خلق را بر راه راست آورند و بطاعت
و خیرات رغبت همی نمایند و از معصیت دور میکنند و خواب خداوندش را منفعت دهد
و بنده از آن اندکی نصیب یابد و چون آزاد شود ثوابش چون ثواب آزاد بود و خواب مردان
را فضلست بر خواب زنان از بهر آنکه ایزد تعالی ایشان را برگزیده و صد و بیست و چهار
هزار پیغمبر همه مردان بودند و مردان را بر زنان اختیار کرد قوله تعالی الرجال قوامون علی
النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و در جای دیگر فرمود فللذکر مثل حظ الانثیین
و جای دیگر فرمود فرجل و امرأتان ممن ترضون من الشهداء و چنان دان که ایزد عز و جل
صبر و خرد و رای و امارت و بزرگی و شجاعت و سخاوت و قضا و پارسایی و عدالت و ...
بدین ماننده جملت مردان مذکور کرده است خواب زنان را نزدیک بخواب بندگان

و خواب صالحان را افضل است بر خواب فاسقان از بهر آنکه صالحان بنیکی و طاعت میل
کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان در دروغ و فساد محنت ایشان باشد
چنانکه توانگران زیرا که فاسق بر معصیت دلیری کند و در دروغ و فساد بیند و خواب
توانگر را فضل است بر خواب درویش از بهر آنکه صدقه دهند و خیرها کنند چون حج و غزا
و رباط و مانند این و پیغمبر فرمود الید العلیا خیر من الید السفلی چون دست دهنده
بهتر است از دست ستاننده و خواب درویشان را اصلی نیست از بهر آنکه درویشان همواره
دل مشغول باشند از غم و اندیشه و اندیشه عیال و فرزندان چون درویشان خواب نیکو
بینند اثر آن دیر پدید آید چون خواب بد بینند در وقت پدید آید و خواب توانگر
بخلاف این بود و خواب کودکان نابالغ ضعیف بود زیرا که شهوت بر ایشان غالب بود
و ایشان عقل تمام ندارند و بعضی از معبران گویند که کودک نابالغ چون خواب بیند نیکی
آن پدر و مادر بود و بدی آن زیان ندارد و خواب کودکان نابالغ را دو قول است یک قول
آنست که خواب ایشان درست و راست تر بود و حکمش زودتر پدید آید از بهر آنکه دل
کودکان بی آلت گناه نکرده باشند و از شغل دنیا فارغ باشند و دویم قول آنست که خواب
کودک را تاویل نبود از بهر آنکه کودک را عقل و هوش درست نبود و اصلی ندارد که خواب
یاد گیرند و عبادت کنند و خواب مست و جنب و زن حایض و مانند این درستی و اصلی ندارد
ابن سیرین گوید که خواب ایشان درست بود از بهر آنکه بسیار مشرکان پلید باشند و جهودان
و ترسایان که خواب ایشان راست آید چنانکه در اینست که صفیه بنت حیی که اندر خیبر
بخواب دید که ماه و آفتاب اندر کنار او افتادندی چون از خواب بیدار شد امیر خیبر را
از آن خواب خبر کرد امیر مشتی بر روی صفیه زد و گفت که این خواب است میگوید محمد
خیبر را بستاند و ترا بزنی بخواهد و دیگر محمد خیبر را بگرفت و لشکر اسلام صفیه را
پیش وی آوردند از صفیه پرسید که این کبودی بر روی تو چیست عرض کرد یا رسول الله
من چنین خوابی دیدم و قصه بگفت و همچنان خواب وی راست آمد پس از این سبب گفتند که خواب
مست و جنب و مشرک و حایض راست بود **فصل هفتم** اندر معرفت میان خوابها ابن سیرین

کر نهانی گوید خواب مسلمانان بهتر و راست‌تر از خواب کافران بود و خواب دانا بهتر و راست‌تر
از خواب جوان بود و خواب صالح بهتر از خواب فاسق بود و خواب نیکمرد بهتر و راست‌تر
از خواب بدمرد بود قوله تعالی ام حسب الذین اجترحوا السیئات ان نجعلهم کالذین امنوا
و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون و خواب پیر بهتر و راست‌تر از خواب
جوان بود و خواب جوان بهتر و راست‌تر از خواب کودک بود پس معبر باید که بوقت گذاردن
خواب سؤال و الفاظ پراکنده شنود جمله را بقیاس عقلی راست کند چنانکه لفظ اول
را با آخر برد و لفظ آخر را با اول و در آن وقت تعبیر کند و هر کدام لفظ را قوی‌تر بیند
با اصول همان لفظ تعبیر کند تا جواب و وزن کلام را نگاه داشته باشد تا وی را غلط نیفتد
و بعضی گویند درستی صواب گوید اگر علمای قدیم قیاس بدانستی کردندی که اینچه
گفتندی صواب و راست آمدی حکایت چنین گوید که مردی از ابن سیرین سؤال کرد
که بخواب دیدم که بانگ نماز میگفتم ابن سیرین گفت که حج کنی و هم اندر وقت مردی دیگر
پیش وی آمد و گفت که بانگ نماز میگفتم ابن سیرین گفت ترا بدزدی متهم سازند
شاگردان گفتند که یا استاد اندر یکساعت یکی را تعبیر حج کردی دیگری را متهم بدزدی
و صورت هر دو خواب یکی بود چگونه بود ابن سیرین گفت زیرا که اندر آن یکی دلیل
دیدم حج گذاری گفتم و اذن فی الناس بالحج یاتوک رجالا و بر آن دیگری سیما بد دیدم و را
گفتم که ترا بدزدی متهم کنند ثم اذن مؤذن ایتها العیر انکم لسارقون حضرت صادق
فرماید خوابی که بروز بینند که حکم و تاویل آن در چند روز میشود و خوابی که اندر شب
بینند تاویل آن بر شش ماه بود و دورتر تا یکسال باشد که تا بیست سال چنانکه خواب
بعد از بیست سال درست شد و باشد خواب تا بچهل سال بکشد چنانکه پیغمبر دید کشتن
امام حسین و آن ایچنان بود که پیغمبر بخواب دید که سگی خون او بخورد پس آن خواب بعد از
چهل سال پدید آمد بکشتن امام حسین جابر گوید که دلیل خواب شب قوی‌تر از خواب
روز بود و خوابی که در اول شب بینند درست نباشد زیرا که سببش تفکر و اندیشه و
اشغال بود و خوابی که نیمه شب بینند درست باشد زیرا که اضغاث احلام بود که دیو بر مردم

نماید

نماید و بهتر و درست‌تر خوابها آنست که سحرگاه بینند بوقت صبح یا بعد از صبح زیرا که خواب سحر
گاه فرشته مقرب از لوح محفوظ بمردم نماید پس بدان سبب تاویلش درست و راست بود
ابن سیرین گوید که خوابی که در اول شب بینند حکم تاویلش بچهل سال تمام گردد دانیال
اشعث گوید که بسیار خوابها است که تاویلش دیر بظهور رسد و اگر نیمه شب خوابی بیند
حکم تاویلش بر پنج سال ظاهر گردد و اگر سحرگاه بیند حکم آن ده روز ظاهر گردد و علی
الجمله هر چند خواب بروز نزدیک‌تر بود دلیل که تاثیرش زودتر و درست‌تر بود

فصل ششم اندر فال زجر تا بر معبر راست آید دانیال گوید که هر که خواهد
که تعبیر کند ناچار بود او را از آنکه علم زجر و فال که حکمای قدیم آزموده و یاد کرده
اند او را نیک بداند چنانکه اگر کسی از خواب بگوید معبر باید که نام او بپرسد اگر نامش
دلیل بر خیر کند چون احمد و محمد و علی و حسن و حسین و نعمة و فضل و سهل و بشیر و
حبیب و محبوب و فتح و فرج و صالح و مانند این بداند که این جمله دلیل بر خیر و نیکی بود و خرمی
که بدانکس رسد و اگر نامش بخلاف این بود دلیل بود بر شر و غم و اندوه که بدو رسد
و چون سائل از وی تعبیر خواب همی پرسد و معبر در آن زمان از پیش خود اسب و یا استر
یا خر بیند دلیل کند که خوابش نیکو و پسندیده است و نیز آنکس سفر کند خاصه که اسب
و استر و یا خر با زین و لگام بیند قوله تعالی والخیل والبغال والحمیر لترکبوها و زینة و اگر سائل
از وی تعبیر پرسد و در آن زمان کلاغ بانگ کند دلیل بر خیر و نیکی بود که بدو رسد
و اگر کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر شر و بدی بود که بدو رسد جابر گوید مردی خوابی
دیده بود از عبدالله عباس تعبیر پرسید و در آن وقت کلاغی بیامد و بر دیوار خانه او بر
بنشست و دو بار بانگ کرد و بپرید عبدالله عباس گفت که این خواب دلیل بر مضرت و رنج
است که بتو رسد پس در آن هفته دزدی دیوار خانه او را سوراخ کرد و آنچه داشت جمله
ببرد عبدالله یاران را گفت من شما را گفتم که چون کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ
دو بار بانگ کند دلیل بر مضرت رسد و اگر چهار بار بانگ کند دلیل که خوابش
بر خیر و نیکی بود و اگر شش بار بانگ کند سخت نیک بود زیرا که هر مقصودی و امیدی که دارد

نود برآید ابن سیرین گوید چنین مرغ آنست که اگر کلاغ بانگ فرو کند یعنی یکبار یا سه
بار یا پنج بار این جمله دلیل بر نیکوئی کند و علامت آن بود که بمقصود و مراد رسد و بدانکه
حکم و دلیل خوابها در ابتدا و فصل ضعیف تر از آن باشد که در بهار و تابستان تا اینقدر
معلوم بود حضرت صادق ع فرماید که خواب با فالی که ذکر رفت است این فال چنان بود که
مردی بر نیتی بخسبد و خواهد که احوال نیک و بد آن را بداند اگر در خواب گوسفند یا
بزها یا اسب مانند این چیزها ببیند که از گوشت او همی خورد این جمله نیک بود و علامت
آن بود که مراد او حاصل گردد و اگر در خواب شتر و مار و کژدم و سگ و موش ببیند
این جمله بد بود و علامت آن بود که کارش بر نیاید و اگر دید که دری بسته از بهر وی
گشاده کردید و یا طعام شیرینی بیافت و از آن بخورد دلیل که مراد وی حاصل گردد
و بکام دل برسد و اگر بخلاف این ببیند بد بود و فصل علم اندر دانستن خواب که
فراموش کرده باشد حضرت صادق ع فرماید که چون کسی خوابی دیده بود و فراموش کرده
و خواهد که خواب وی را بداند طریقش آنست که نامش بپرسد و حرفهای نامش را بشمارد
و جمع کند و از آن پس نه نه طرح کند و باقی را نگاه بدارد که چند باقی مانده است مثلا
اگر نه مانده بود بخواب شهرها دیده بود و تاویلش دلیل بر فساد کند قوله تعالی و کان فی
المدینة تسعة رهط یفسدون فی الارض و لا یصلحون و اگر هشت باقی بمانده در خواب سفر
با تزویج دیده بود قوله تعالی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندک و اگر هفت بماند دلیل
بر دکان یا سکان بود قوله تعالی و یقولون سبعة و ثامنهم کلبهم و اگر گاوان یا خوشها دیده
باشد قوله تعالی سبع بقرات یاکلهن سبع عجاف و اگر شش مانده بود و خداوند خواب صالح و
مستور بود دلیل که فرشتگان و مردمان صالح دیده بود و تاویلش تمامی شغل او بود قوله تعالی
خلق السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش و اگر پنج دیده بود بخواب اصحاب و سلاح
بود فی اربعة ایام سواء للسائلین و اگر سه مانده بود با کسی راز گوید یا کسی با وی راز گوید قوله
تعالی ما یکون من نجوی ثلثة الا هو رابعهم و جای دیگر فرموده ثلثة ایام الا رمزا و اگر دو مانده
بود با کسی دیدار کند که او را بدین رود بنا منفعت بود قوله تعالی ثانی اثنین اذ هما فی الغار

دیده باشد و اگر
چهار بماند اصحاب
و سلاح

تاویلش

تاویلش آنست که زانچه بترسد ایمن گردد و آنچه امید دارد بدو رسد و اگر یکی ماند دلیل
کند بر مردی بزرگوار یا پادشاهی یگانه دیده بود قوله تعالی سبحانه هو الله الواحد
القهار تاویلش آنست که حاجتهای او روا گردد و از رنج و محنتها فرج یابد و بمراد و
مقصود رسد ابن سیرین گوید که چون کسی خوابی دیده و فراموش کرده و معبر خواهد
که خواب وی را بداند طریق آنست که خداوند خواب را گوید که دست بر اندام خویش
گذارد اگر بر سر نهد معبر گوید بقیاس که کوه دیده و اگر دست بر پیشانی نهد بداند که
بخواب تل زمین دیده و اگر دست بر چشم گذارد بداند که چشمه آب شور دیده و اگر دست
بر بینی گذارد بداند که دامن کوه دیده و اگر دست بر رخساره نهد بداند که مرغزار دیده
و اگر دست بر دهان نهد بداند که چشمه آب شیرین دیده و اگر دست بر گوش نهد بداند
که مغاک کوه دیده و اگر دست بر ریش و سبلت نهد بداند که نباتات و گیاه زار دیده
و اگر دست بر گلو نهد بداند که کاریزها نقب دیده است و اگر دست بر سینه نهد
بداند که مسجد یا صومعه یا نمازگاه دیده و اگر دست بر شکم نهد بداند که رود آب دیده
و اگر دست بر ناف گذارد بداند که مغاک زمین دیده و اگر دست بر عورت نهد بداند
که مصطبه دیده و اگر دست بر دوش نهد بداند که کوشک یا منظر بخواب دیده و اگر
دست بر ساعد نهد بداند که هم درختها دیده و اگر دست بر انگشتان نهد بداند که هم
درختهای خرما دیده است اگر دست بر پشت نهد بداند که بیابانها دیده اگر دست بر
پهلو نهد بداند که جایگاه خواب دیده اگر دست بر مقعد نهد بداند که مزبله دیده
و اگر دست بر سرین نهد بداند که ستونی سبز یا درختی بزرگ دیده مانند درخت
خرما و سرو و مانند آن اگر دست بر زانو نهد بداند که کوه دیده اگر دست بر ساق
نهد بداند که درخت بی بر دیده یا ستونها چنان و آنچه بدین ماند و اگر دست بر کعب نهد
بداند که تل خورد دیده است اگر دست بر انگشت پای نهد بداند که بنفشه خورد دیده
پس بر این قیاس که یاد کرده شد معبر خواب سایل را اگر فراموش کرده باشد بتوان در
یافتن و تاویل آن کردن دانیال گوید چون کسی خوابی بد بود و فراموش کرده در اینجا

چیز بود یکی از بسیاری گناه و معصیت دوم از کردارها مختلف سیم از ضعف نیت و اعتقاد
چهارم از اختلاف طبع بود که طبیعت از حال اعتدال گشته بود لاجرم زود خواب را فراموش
کند فصل دهم در گذاردن خواب بقول جاهلان که هر انی گوید نزد مردمان عامه یقین
چنان است که هر که خواب کسی را تعبیر کند بنادانی تعبیر علی نیز همان بود که وی گفته
بود و این محال بود و غلط و هیچ اصل ندارد لیکن حکما از طریق فال روا داشته اند که
کسی خواب پیش نادان گوید و خواب چون حق باشد و نماینده فرشته بود بقول نادان حق
باطل کرده باشد و خردمند داند که فرق در میان است میان عالم و جاهل چنانکه حق تعالی
فرموده در کلام مجید قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون و نیز پیغمبر فرموده
لا یستوی العالم والجاهل پس بحقیقت باید دانست که آن خواب که فرشته نمود از لوح
محفوظ برگرفته بود اگر بدان بنده از آن خواب چیزی باید رسید و خواهد رسید اگر همه
عالم جمع شوند تا آن خواب حق را باطل کنند نتوانند و هرچه رسیدنی بود بدان بنده مر آن را
وا نتوان داشت مگر قضای معلق بود به دعا و صدقه بگردد از قول پیغمبر صلعم چنانکه
پیش از آن یاد کرده شد و دلیل بر آن است که چون ملک زبان آن خواب بد بد چنانکه در
قران مجید فرموده قوله تعالی انی اری سبع بقرات سمان یاکلهن سبع عجاف و سبع سنبلات
خضر واخر یابسات ان ملک قوم و خویشان خود را بخواند و پرسید از آن خواب قوله
تعالی یا ایها الملا افتونی فی رؤیای ان کنتم للرؤیا تعبرون یعنی ای بزرگواران فتوی کنید
مرا در این خواب اگر هستید تعبیر کنندگان قوله تعالی قالوا اضغاث احلام تا آخر یعنی آشفته
و مختلف خوابها است و ما نیستیم به تاویل این خوابها دانایان چون پرسید آن خواب را از
یوسف عم جواب داد چنانکه در قران مجید فرموده است نعمت و قحط هفت سال بدین حجت
بدانستیم که هرچند جاهلان عبارت کنند خواب حق باطل نگردد و خواب باطل حق باطل
و عبارت ایشان بود که عالم یاد کند نه جاهل هم چنانکه تعبیر آن بود که یوسف عم یاد کرده نه آنکه
معبران را خواب اضغاث احلام گفتند تا این قدر معلوم نباشد فصل یازدهم در معرفت
از حال بگشتن خواب حقیقت آن است که تعبیرهای خواب بوقتها نیز بگردد چنانکه اگر

کسی

کسی بشب در خواب بیند که بر پیل نشسته بود دلیل که شغل بزرگ بیابد که وی را اندران
منفعت باشد اگر این خواب را بروز بیند دلیل کند که زن را طلاق دهد و یا بسبب
آن در مسکین گردد اگر بیند که مرغ سنگخوار کوفت دلیل که بنا مردی کاری افتد و اگر این
خواب را بروز بیند همان دلیل کند حضرت صادق عم فرماید که خواب نیز از اصل بگردد و بوقت
دین و صناعت و هیئات مردمان و کسب کردن ایشان تا آنچه که خواب مردی را چیزی بود و
دیگری را هم خواب عذاب بود و سختی و رنج قوله تعالی غلت ایدیهم و لعنوا بما
قالوا و چون این خواب را مردی مصلح بیند دلیل که دست از کار ناسزا و شر باز دارد
چنانکه محمد بن عزیز روایت کرده از عبد الرحمن سلمی که مصطفی صلعم ابوبکر و سلمان را که
برادری نهاد سلمان خوابی دید ابابکر را و سبب خواب را دور گشته و بر او بگفت
ابوبکر گفت ای برادر چرا ابگذاشتی سلمان گفت که در خواب دیدم که دست تو بغل
بکردن باز بسته بودی ابوبکر گفت الله اکبر دستهای مرا از شر کوتاه کشته است تا بقیامت
سلمان مصطفی را از این خواب خبر داد تاویل همان نکرد که ابوبکر گفته بود و ابو سلمه روایت
کرد از عطا بن حباب که او گفت محمد بن سیرین تاویل آنکه که خویشتن بر منبر دید اگر اهل علم
صلاح بودی گفتی بزرگی و سروری یابد اگر اهل فسق بود گفتی بردارش کشند و احمد ابن
سعد روایت کرد از ابو عبد الله در غریب الحدیث که زنی از مصطفی بپرسید که ستون
سقف خانه شکسته فرمود شوهرت از سفر باز آید آمد باز دیگر همین خواب دید بیامد
مصطفی نشسته بود و ابوبکر در پیش وی بود خواب با گفت تعبیر مرسید ابوبکر
گفت شوهرت بمیرد خواب یکی بود تاویلش بگشت از اختلاف وقت و از گشته همین در
ابو حاتم روایت کرد از اصمعی که گفت اعشی از شعبی پرسید که بخواب دیدم که گندم همی جو
فروختم شعبی گفت بقران همی بدل کنی و گندم و جو از اصل تاویل کرد استاد ننگشتن
مال بود اگر یکی از صلحا همین خواب بیند امید دادن نکو بود اما در حکم تاویلش
تا خیر دو خوابی که در فصل تابستان بیند بحکم و تاویلش بد نبود و هر فصلی که خواب
بیند تاویل او بنوعی است و اگر در فصل خزان بیند تاویلش درست نباشد و ضعیف.

بود و برین قول دلیل آورند و گویند مردی بر ابن سیرین گفت بخواب دیدم که هفتاد برات
شمرده از درختی بمن دادند ابن سیرین گفت هفتاد چوب بر بدنت بزنند پس هم در آن هفته
هفتاد چوب وی را زدند سال دیگر آن مرد همین بخواب دید که هفتاد برات شمرده از باغی بوی
رسید پیش ابن سیرین آمد و خواب را گفت ابن سیرین گفت که امسال هفتاد هزار
درهم سیم بتو رسد مرد گفت همین خواب پارسال دیدم گفتی هفتاد چوب بر بدنت بزنند
و امسال اینگونه تعبیر میکنی که هفتاد هزار درهم سیم بتو رسد تاویل اینخواب چگونه است
گفت ای مرد آن پارسال که از من پرسیدی وقت خزان بود که درختان خشک بود و برگهای
درخت فرو ریخته حکم آن بود که ترا معلوم کردم اکنون هنگام بهار است و درختان
روی باقبال دارند حکم آنست که گفتم پس در امسال هفتاد هزار درم سیم ترا حاصل
گردد دانیال گوید که چون از معبر در اقبال روز تعبیر خواب پرسند یعنی از بامداد تا
هنگام نیم روز حکم و تاویلش دلیل بر اقبال و خیر کنند و اگر بعد از زوال پرسند تا شبانگاه
حکم و تاویلش بر شر و ادبار کند جابر گوید که راست ترین خوابها آنست که شب وقت سحر
بینند تا آن هنگام که آفتاب بر آید و اگر خواب بروز بینند آن وقت راست تر بود که آفتاب
راست بایستد یعنی بزوال آفتاب نزدیک بود و بدانکه راست ترین خوابها وقت شکفتن
درختان بود و وقت رسیدن میوه ها و خوابیکه در زمستان بینند ضعیف تر بود و در
بهار جهان روی در اقبال دارد زیرا که در آن وقت برگها از درختان بیرون آیند و
صحرا از سبزه و نباتات خرم گردد پس در این ایام خواب درست و قوی بود فصل
دوازدهم در معرفت شرایط و آداب علم با اهل خواب دانیال گوید که معبر باید که مرد
مصلح و دانا و حلیم باشد و از راه معصیت و خطا دور بود و بوقتیکه از وی تعبیر
پرسند عقل و هوش بجای دارد و خوابها از سائل بتمامی بشنود و نیک بداند که خداوند
خواب پادشاه است یا رعیت و بهتر است یا کهتر و عالم است یا جاهل و آزاد است یا بنده و غریبست
یا شهری و توانگر است یا درویش و مرد است یا زن پیر است یا نه و بداند که خواب را بر
روز دیده یا بشب و بتابستان یا زمستان و فارغ دل بود یا درویش و هوش بود یا باشد

چون اینجمله را بدانست هر یک را بقیاس عقل تاویل کند و آنچه بر وی مشکل بود و نداند
سایل را بگوید که اینخواب را ندانم بدانکه ابن سیرین در این علم امام و یگانه بود و با اینهمه
فضل بیشتر خوابها آن بود که تعبیر نکردی ابی حاتم روایت کند از اصمعی و او از ابو
المقدم که او گفت که من پیوسته پیش ابن سیرین حاضر بودم و خوابها میپرسیدند و از
سی چهل خواب یکی تعبیر کردی و معبر باید اول سخن بیند که نیک بداند و در آن تامل کند
اگر سخنی درست بیند و معانی دارد که آن صحیح بود چنانکه احتمال تعبیر کند و بعد از آن
تعبیرش کند و اگر حشوی در میان سخن بود آن حشو را بیفکند و بر اصل تعبیر کند
و اگر مختلف باشد و هیچ بیکدیگر نماند که اضغاث احلام است اگر تاویل آن بر وی
پوشیده از آن معنی خداوند خواب را بپرسد که تنگدلست یا خوشدل تا چه از وی بشنود
بنای تعبیر بر آن نهد و اگر آن را نتواند گفتن اگر معبر داند که دلیل خوابش بد بود بر وی
پوشیده گرداند چنانکه ابن سیرین ایشانرا همی گفتند یا بوجهی نیکو او را پوشیده کرمانی
گوید که اصول سه چیز است اول جنس دوم صنف سیم طبع و جنس چون درختان و ددان و بهایم
و مرغان بود و اینهمه در تاویل مردان صنف است که معبر بداند که این درخت و مرغ از
چه چیز است و از چه صنف است اگر درخت جوز بود معبر بداند که مرغ عجمی بود زیرا
که در عرب درخت جوز نباشد و اگر درخت خرما در عرب بیشتر بود و اگر مرغ طاوس
بود مرد عجمی بود و اگر شترمرغ بود بداند که مردی عرب بود و بداند که طبع از درخت
از چه نوع است و تاویلش بر نوع آن درخت کند و اگر درخت جوز بود مردی توانگر
بود لکن بدمعامله و بخیل و شنیع بود زیرا که چون جوز را بجنبانی بانگ آرد و تا او را
نشکنی مغزش را بیرون نیاوری و اگر درخت خرما بود کاری اختیار و آسان بود
چنانکه حقتعالی در قرآن مجید فرماید کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء شجرة
طیبه اینجا درخت خرما میباشد و اگر مرغی بود که همی پرد بداند که مردی سفر کننده بود
پس طبع مرغ نیز بباید دانست چنانکه اگر کلاغ بود مرد بدعهد فاسق نابکار بود و
اگر عقاب بود پادشاهی ظالم و نابکار بود و بیننده خواب باید که مردی را نیکو

و یاد باشد بود و هیچ سخن زیادت و نقصان در آنچه دیده باشد ننماید و خواب خویش را
بر زبان از وهم در نهد که حق تعالی عاصی گردد و اگر کسی خوابی بیند و از آن خواب در وهم
باشد و بترسد باید سه مرتبه آیة الکرسی بخواند و باد بر خود دمد و بگوید اعوذ برب
موسی و عیسی و ابراهیم من شر رؤیای الذی رأیتها فی منامی ان تضرنی فی دینی و دنیای
و معیشتی عز جارک و جل ثناؤک و لا اله غیرک و اگر بعد از آن نماز کند و صدقه
دهد و دعا کند خدای تعالی شر آن خواب را از وی بگرداند جابر گوید که ابلیس در همه
خوابها اعتراض کند و خویشتن را به همه چیزها مانند کند مگر خدای عز و جل و
پیغمبران و امامان و فرشتگان و ماه و آفتاب و ستارگان را و چیزهای عظیم که حق تعالی
برای صلاح خلق آفریده است و بر قول پیغمبر ما این چیزها که یاد کردیم بر صفت این چیزها
خویشتن را نتواند نمود اگر وی را قدرت بودی خود را بصورت پیغمبر نمودی و
بسبب آن فتنه افکندی میان بندگان خدا اگر گاه بصورت پیغمبر نمودی و گفتی من از تو خشنودم
تو هر چه خواهی میکن و یا دیگری گفتی که من آفریدگار توام هر گناهان ترا عفو کردم دل
فارغ دار و چیزها گفتی که آن بنده گمراه شدی و در دل او شک افتادی تا ایمان از وی
جدا کردی پس ایزد تعالی او را این قدرت نداده که از این چیزها تواند خود را متمثل کرداند
حضرت صادق فرماید که هرگاه قصد کند که خود را بصورت پیغمبر نماید آتشی از آسمان
فرود آید و وی را بسوزاند و صعبتر کارها بر ابلیس بود لاجرم دل مومن روشن و
آراسته بود بنور ایمان و [illegible] ایزد تعالی بدانند بعضی گفته اند که خوابی که
مومن بیند تعبیر آن اشارتست که [illegible] و الهام ایزد تعالی با او بود فصل سیزدهم در
آداب نگاه داشتن سائل و معبر جاماسب گوید که آداب نگاه داشتن معبران بود که صبر و خرد
و بردباری و آهستگی و هشیاری کار بسته و بوقت سوال کردن خوابها می شنود و در یاد
دارد و بداند که پادشاه است یا رعیت چنانکه گفته شد و بر دین و مذهب و عقل و هوش وی
واقف گردد و بداند که سخن او راست است و بر چه اندیشه خفته بود و چه خورده یا دلش
فارغ یا بچیزی مشغول و ادب سائل آن بود که خدای عز و جل را یاد کند بوقت سوال و از روی

استعانت

استعانت خواهد و خواب راست گوید چنانکه دیده بود که دانایان گفته اند اصدقکم
الرؤیا اصدقکم حدیثا یعنی هر که راست گوتر خواب وی راست تر حضرت صادق فرماید
که مردم عاقل را واجب بود که با طهارت خسبد و بهنگام خفتن ایزد تعالی را یاد کند و
این دعا را در وقت خفتن بخواند اللهم انی الیک اسلمت نفسی و وجهت وجهی الیک و فوضت
امری الیک لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک تبارکت ربنا و تعالیت انت الغنی و نحن الفقراء
الیک استغفرک و اتوب الیک یا رب انا ما رب منک اللهم ارنی رؤیا صادقة غیر
کاذبة صالحة غیر کارهة سارة غیر مخزیة نافعة غیر ضارة و بدست راست خسبد و
هیچ اندر روی نخسبد و چون بیدار شود ایزد عز و جل را یاد کند و اگر خواب نیکو
دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده دیده باشد اعوذ بالله من
الشیطان الرجیم بگوید و سوره قل هو الله احد بخواند و باد بر چپ خود دمد و بگوید
یا رب تو دانی که من ندانم تو خیر این خواب بر من و مسلمانان برسان و اگر بد است از من و از همه
مسلمانان دور کن یا ارحم الراحمین و یا مجیب دعوة المضطرین و باید که بوقت خفتن و
برخاستن و ابتدا بکاری کردن این دعا بخواند بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
و لا فی السماء و هو السمیع العلیم و چون بامداد از نماز فارغ شود ورد خویشتن بخواند از
قرآن و دعوات آنگه برخیزد و بنزدیک معبر رود و شاد و خندان نه غمناک و مستمند
باید که بوقت بنشیند و خواب خویش را سوال کند زیاده و نقصان نگوید معبر را
قول خدای تعالی بهترین و قول سایل را تمام بشنود آنکه چنانکه واجب کند جواب دهد ابن
سیرین گوید که بر معبر واجب است که پرهیزکار و پاکدین بود و تن خود را از زنا و حرام
نگاه دارد و خوش طبع و لطیف و در غریب درویش بهتر نگاه کند و در خواندن قرآن
تقصیر نکند و اندر مطالعه کردن کتابهای تعبیر جهد کند و پیوسته بر طهارت بود و از
هر دوست دروغ نگوید و بهر دشمن خواب را خلاف نکند آنکه باشد تعبیر کند و اسرار
مردمان نگاه دارد و چون معبر در دانستن بدین صفت است جهان نیکبخت و محبوب
بود جابر مغربی گوید چون کسی خوابی بد بود باید که بوقت نقل با معبر باز گوید و هیچ

زیادت و نقصان نگوید زیرا که خواب یک جزو است از چهل و شش جزو پیغمبری چنانکه در
اول کتاب باز نمودیم و در خبر است از رسول که خواب امانتی است که بیننده را از خدای
تعالی پس هر که کم و بیش گوید بنگر که حالش چگونه است و نیز گفت که خواب امانتی است که
میان خدا و بنده پس هر که خواب دروغ برساند امانت را خیانت کرده باشد و رسول
فرمود که هر که بر من که رسولم دروغ گوید چنانست که بر نسب خویش فنا میکند و گواهی
تباهی بر خود میدهد پس هر که دروغ گوید از بهر منفعت خود جا مخود از قول پیغمبر بوی
بهشت نیابد پس این دلیل است بر بزرگی خواب که وی را دروغ نشاید گفتن این شرط
ادب نگاه داشتن معبر که بر طریق اختصار بیان کرده شد **فصل چهاردهم** اندر آنکه تعبیر
از چند روی بود ابن سیرین گوید که معبر چنان باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و
مذهب و سیرت و عقل و فهم و علم و ادب سایل بداند و وقت خواب دیدن وی که اندر
روز دیده بود یا اندر شب و وقت سؤال کردن را نگاه کند که سایل چگوید هنگام
سؤال و فصل سال فارسی و روز و ماه تازی بداند که آنچه بصواب نزدیک باشد تعبیر کند
جابر گوید چون کسی از معبر خواب پرسد باید که نام وی و نام پدرش بپرسد اگر نامهاش
از جمله نام پیغمبران باشد دلیل کند که از طریق زجر و فال بر خیر و بشارت و خرمی و اگر نام
او بر خلاف این نام بود چون ابوجهل و ابولهب و ابو الحکم و مانند این دلیل بر شر و مضرت
و هم او گوید که بیشتر خواب که در روز شنبه اول روز پرسند زیرا که اول ساعت از
روز شنبه زحل را باشد و اگر اول روز یکشنبه پرسند دلیل بر خیر کند بآن سبب که اول
روز یکشنبه آفتاب را بود و اگر در اول روز دوشنبه پرسند دلیل بر خیر و خرمی کند و
بزودی مراد حاصل گردد زیرا که اول روز دوشنبه ماه را بود و اگر در اول روز سه
شنبه پرسند دلیل بر فتنه و غم و اندوه بود زیرا که اول ساعت روز سه شنبه مریخ را
بود و اگر در اول روز چهارشنبه پرسند دلیل آنهم بنگرند بسبب آنکه ایزد تعالی قوم
هود را و اصحاب الرس و ثمود را در اول روز چهارشنبه هلاک کرد و حکما این روز را
بفال نگیرند و اول ساعت از روز چهارشنبه عطارد را بود و اگر در اول روز پنجشنبه

پرسند

پرسند دلیل بر سعادت و نیکویی بود و نیز خرمی دلیل کند زیرا که اول ساعت از روز پنجشنبه
مشتری را بود و اگر در اول روز آدینه پرسند آنهم دلیل بر سعادت بود از آن سبب که روز
آدینه زهره را بود و جابر گوید که معبر را باید که بجز بهر اهلش نگوید چنانکه طبیب را در معالجه
بیماران تا ماهر را بجز بهر تعبیر کند **حکایت** مهلبی بن منصور شبی بخواب دید که
بتی را دست شل شده بود چون بیدار شد از آن خواب بپرسید معبران از تعبیر او فرو
ماندند و تعبیر او ندانستند وی را گفتند که ابرهیم بن عبدالله کرمانی استادتر از
ماست وی را حاضر فرمای تا این خواب را تعبیر کند ابرهیم را حاضر کردند مهلبی خواب را
از او سؤال کرد ابرهیم گفت ترا دختری آید معبران گفتند بچه معنی او گفت از قول خدای
تعالی که فرموده واذا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا وهو کظیم پس هم در آن روز او را
دختری آمد پس مهلبی ده هزار درهم وی را بخشید و هزار درم دیگر هم در آن ساعت که
تولد شد با و بخشید **حکایت** جلال معبر گوید که شخصی خوابی دیده بود که ذکر و خایه
او ما بریده بودند نزدیک معبران شد و خواب خویش را بپرسید گروهی گفتند که زن و پسر
گروهی گفتند از اهل بیت جدا گردد و گروهی گفتند که عز و جاه و منزلت و نقصان پذیرد
گروهی گفتند که نسل او بریده و منقطع گردد گروهی گفتند زن را طلاق دهد و گروهی
گفتند که مال و فرزندانی وسیع گردد پس در زکات دیگر بیامد که ببیند از آن طلاق داد و
فرزندان را بر گرفت و تدبیر بازرگانی سفر دریا کرد چون بکشتی نشست بادی سخت بخواست
و کشتی را غرق کرد و فرزندانش هلاک شدند و خود و مال غرق شد و ماهی کوچک
ذکر و خایه او را بخورد و تعبیر خوابش چنان شد و نیز در پیش زنان و کودکان تعبیر نکنند
و دشمنان نیز و سایل باید که اندر وقت سؤال راست گوید از آن سبب که معبر خواب را
چنان تعبیر کند که شنود زیرا که یاران یوسف در زندان از وی خواب پرسیدند
چون یوسف تعبیر کرد یکی را بد آمد هر دو که خواب پرسیده بودند [illegible] چنانکه
یوسف تعبیر کرده بود یکی را بردار کردند و یکی را شرابدار حضرت ساختند زیرا که
هر چند خواب بقول جاهلان و نادانان از اصل نگردد خداوند خواب را زنهار کرده

پرسیدن روا نباشد یکی از بی دینان دوم از زنان سیم از جاهلان چهارم از دشمنان
کردد کذاردن خواب ایشان را خبر نباشد فصل یازدهم در دانستن بعضی از مسائل
خواب که تعبیر آن مقلوب بود بدانکه بسیار مسئلها بود که سائل از معبر پرسید که تعبیر
ان بتحقیق مقلوب بود یعنی عکس چنانکه ما بعضی از آن را درین فصل بیان کنیم تا بر متعلم
پوشیده نباشد ابن سیرین گوید که طاعون در خواب کارزار بود به بیداری و صحبت
در خواب حکمت بود به بیداری کارزار در خواب طاعون بود و حکمت در خواب مصحف
بود به بیداری دگریستن در خواب خندیدن بود و خندیدن گریستن بود به بیداری
و ملخ در لشکر و غوغا بود به بیداری و لشکر بخواب ملخ بود به بیداری و پیل در خواب ابرهن
پیها بود به بیداری و زن پیها در خواب پیل بود به بیداری و دیدن نادان مجهول خود را
دیدن دلیل کند در کور شدن به بیداری و خانه خراب دیدن در خواب دلیل مرگ خداوند
خانه بود به بیداری و مرگ خداوند خانه در خواب خانه خراب شدن بود به بیداری و کشتن
کردن در خواب زن خواستن بود به بیداری و زن خواستن در خواب کشتن در بیداری
بود قوله تعالی نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم و نیکی کردن در خواب کرباس
تنیدن بود در بیداری سبز هکوران و سیل در خواب دشمن بود به بیداری نیز دشمن
بود و هر چیز نو که تاویل او نیک بود کهن او بد بود در خواب هر چیزی که نو آن بد بود در
خواب کهن او نیک بود چنانکه موزه نو کسی بی سلاح پوشد غم و اندوه بود به بیداری
و اگر کهنه موزه کهن پوشیده بود با سلاح خرمی و شادی بود در بیداری و اگر غلام خود
در خواب بیند بلند بود و اگر فروشد پست بود و کنیز هم چنین ازین معنی بسیار است اگر جمله را
بیان کنیم کتاب دراز گردد و ملال افزاید لکن شرح هر یک بموضعش یاد کنیم ان شاء الله
فصل دوازدهم در دانستن صورت فرشتگان و پیغامبران چنین گوید مصنف کتاب که
استادان این صناعت تاویل دیدن فرشتگان و پیغامبران اول کتاب خود بیان کرده اند و ما
اندر آن ندیدیم که ایشان را درین فصل بیان کنیم بترتیب از آن پس تاویل خوابهای گذشته را
بر نسق حروف معجم ترتیب نظام هر خوابی در اول حرفش یاد نمائیم تا استخراج آن بر خواننده

اسان

اسنان بود تاویل دیدن فرشتگان بدانکه خلایق روحانی و نورانی اند پس تاویل
فرشته از دو وجه است یکی پادشاهی بود کامکار با دین و دیانت دوم کسی بود هنرکار
و لطیف و زاهد و خوش طبع و مطیع و فرمان بردار خدای عز و جل چنانکه در کلام
مجید میفرماید لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون بدانکه از جمله فرشتگان چهار
فرشته اند و بهتر و نیکوتر از همه فرشتها یکی جبرئیل دوم میکائیل سیم اسرافیل چهارم
عزرائیل پس تاویل هر یکی را بیان کنیم انشاء الله جبرئیل ابن سیرین گوید اگر جبرئیل را بخواب
خوش طبع و گشاده روی بیند چنانکه صورت اصلی اوست دلیل کند که بر دشمن ظفر یابد
و بهمه مرادها برسد و از غم فرج یابد و اگر برخلاف این دید دلیل بر غم و اندوه کند و اگر
بیند که جبرئیل او را وعده نیکو داد یا مژده داد یا از کاری باز داشت تاویل خواب همان
بود و اگر بیند که جبرئیل او را چیزی داد دلیل کند که از پادشاه جاه و قدر و منزلت
و بزرگی یابد و بعضی از معبران گفته اند اگر بیند که جبرئیل با میکائیل چیزی بوی داد
دلیل کند بر ترس و بیم عظیم و اگر بیند که جبرئیل شد و مردمان ویرا گفتند که جبرئیل است
دلیل کند که امانت گذارد و سخندان گردد و مراد وی حاصل گردد میکائیل ابن
سیرین گوید اگر کسی میکائیل را در خواب بیند چنانکه صورت اوست دلیل کند که بر دشمنان
ظفر یابد و بهمه مرادها برسد و اگر برخلاف این بیند دلیل که اندوهی بدو رسد
و اگر بیند که میکائیل او را چیزی عطا داد از کسی بزرگ او را چیزی باو رسد و اگر بیند
که میکائیل شده بود یا گفتند تو میکائیلی دلیل کند که از او بمردمان خیر و نعمت و بشارت
رسد و نزد مردمان ویرا قدر و جاه عظیم بود اسرافیل ابن سیرین گوید اگر اسرافیل را
بخواب بیند چنانکه صورت اوست دلیل کند که قوت و بزرگی یابد و عالم و دانا گردد
و دو اندیار ایمنی بود اگر بیند که اسرافیل صور در دست داشت دلیل بر محنت و بلا و
فتنه بود زیرا که او را امر است از خدای تعالی بدمیدن صور و هرجا که دمیدن صور بیند
گردد دنیا انجا فتنه و ترس و مرگ بود چنانکه حقتعالی یاد کرده است و نفخ فی الصور فصعق
من فی السموات و من فی الارض اگر بیند که اسرافیل صور را در دست داشت و در شهر بود

و بیند دلیل کند که از شهریم و ترسان شد اگر بیند که اسرافیل بخشم بوی نگاه کرد دلیل
کند که پادشاه آن دیار بروی خشم گیرد کرمانی گوید اگر اسرافیل را اندوهگین بیند که صور
همی دمید چنانکه آواز صور همی شنود دلیل که در آن زمین مرگ بسیار بود اگر بیند که اسرافیل
صور همی داشت دلیل کند که در آن زمین عدل و داد و ایمنی بود و ظالمان هلاک کرده شوند
اگر بیند که اسرافیل گشاده روی بود و شادمان در روی نگاه کرد دلیل کند که از جانب
پادشاه خبر ایمنی بود اگر بیند که اسرافیل او را نامه مهر کرده داد دلیل کند که اجل وی
نزدیک بود اگر بیند که اسرافیل او را بانگ میزد و ناپدید گردید دلیل که او را از پادشاه زیان
و مضرت رسد ملک الموت ابن سیرین گوید اگر کسی ملک الموت را بخواب بیند چنانکه در
آسمان او را بیند و خویش را در زمین دلیل که بهر کاری در آرد از آن معزول گردد و اگر ملک
الموت را در زمین نزدیک خویش دید دلیل که اجل او زود فرا رسد اگر ملک الموت را
شادمان بیند دلیل که شهید گردد اگر بیند که با ملک الموت کشتی گرفت و او را بینداخت
دلیل که زود از دنیا رحلت کند توبه بایدش کرد و اگر بیند که ملک الموت را بیفکند دلیل
که بیمار گردد و بحال مرگ بعد از آن شفا یابد جابر گوید که هر که ملک الموت را شادمان بیند
دلیل که زندگانی او دراز گردد اگر بیند که ملک الموت بروی سلام کرد دلیل که اجلش نزدیک
بود و خاتمه او بر شهادت بود اگر بیند که ملک الموت بروی بخشم نگاه کرد دلیل که حال وی بر
مخاطره بود اگر بیند که ملک الموت او را چیزی شیرین داد دلیل که جان کندن بروی آسان
گردد اگر بیند که بدو چیزی تلخ داد دلیل که جان کندن بروی دشوار گردد اگر بیند که ملک
الموت او را وعده و مژده نیکو داد دلیل که تاویل همان بود اگر بیند که وی را باخبر کردند که
ملک الموت در فلان جا است و آواز در روی نگاه کرد دلیل که او را با پادشاه هیبت
کار افتد اگر بیند که ملک الموت را بکشت دلیل که دشمن خلق گردد حملة العرش بدانکه حملة
العرش آن فرشتگانند که عرش را بامر ایزد تبارک و تعالی برداشته‌اند اگر ایشان را بخواب
بیند دلیل بود که با پادشاه بزرگوار پیوندد و از او انصاف یابد کرمانی گوید که با اهل دین و سنت
و برا پیوستگی بود و طاعت و حج و خیرات کند قوله تعالی وتری الملائکة حافین من حول

العرش

العرش یسبحون بحمد ربهم اگر بیند که آن فرشتگان او را بنواختند دلیل که اجل او نزدیک
آمده باشد کرام الکاتبین بدانکه کرام الکاتبین فرشتگانند که بر مردمان موکلند و
کردارهای نیک و بد مردمان می‌نویسند ابن سیرین گوید اگر یکی کرام الکاتبین را در خواب
بیند دلیل که اهل صلاح بود و او صلاح دو جهانی یابد اگر از اهل فساد بود رنج و غم
اندک بدو رسد ابن سیرین گوید اگر بیند که با فرشتگان جنگ میکرد دلیل که گناه
کار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی بود اگر بیند که فرشتگان غمناک و متفکر
بودند دلیل که رنج و محنت بدو رسد اگر بیند که فرشتگان وی را بشارت دادند دلیل که
او را فرزندی صالح و پسندیده آید قوله تعالی انا نبشرک بغلام اسمه یحیی اگر بیند که فرشتگان
ایستاده بودند و طبقها بر دست گرفته منتظر او بودند دلیل که از این جهان شهید بیرون
رود اگر بیند که فرشته چیزی از او بستد دلیل که مال و نعمت او زوال گیرد اگر بیند
که فرشتگان در موضعی ایستاده بودند و از ایشان همی ترسید دلیل که در آن موضع
جنگ و کارزار افتد اگر بیند که فرشتگان بحرب مشغول‌اند دلیل که بر دشمن ظفر یابد اگر
بیند که فرشتگان در رکوع و سجوداند دلیل که احوال او مستقیم گردد اگر بیند که فرشتگان
بصورت زنانند دلیل که بیننده خواب دروغ گوید بر خدای عز و جل چنانکه در قرآن مجید
فرموده افاصفکم ربکم بالبنین واتخذ من الملائکة اناثا انکم لتقولون قولا عظیما اگر بیند
که با فرشتگان می‌پرید دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد و از دنیا با توبه بیرون شود و
اگر بیند که از دور فرشتگان منکر نکیر نزدیک ایشان نتوانست رفتن دلیل که او را مصیبت
رسد قوله تعالی یوم یرون الملائکة لا بشری یومئذ للمجرمین اگر بیند که با فرشتگان زبانک
و فریاد همی داشتند دلیل کند که خانه و مسکن او خراب گردد اگر بیند که فرشتگان او را
اطاعت فرمودند دلیل که اگر از اهل صلاح بود شادی و خرمی بیند و اگر از اهل شر و
فساد بود او را رنج و غم رسد چنانکه در کلام مجید یاد کرده شده اقرأ کتابک کفی بنفسک
الیوم علیک حسیبا اگر بیند که فرشتگان بروی سلام کردند و بچشم حرمت در وی نگاه
کردند دلیل که حق تعالی او را بر دشمنان ظفر دهد و عاقبت کارش محمود بود اگر بیند که

فرشتگان بهم در مقامی فرود آمدند دلیل که اهل آن دیار از غمها فرج یابند و دشمن را
قهر کنند زیرا که فرشتگان بنصرت پیغمبر آمدند بزمین کرمانی گوید که دیدن فرشتگان
در خواب بشارت بود او را از حق تعالی اگر بیند که فرشته او را وصیت کرد یا پند داد دلیل
که از دنیا شهید بیرون رود و اگر فرشتگان مقرب را در جایگاهی بیند دلیل که اهل
اسلام را با کافران جنگ و محاربت و حق تعالی اهل اسلام را بر ایشان ظفر و نصرت دهد
و اگر در آنجا رنج و سختی و قحط بود خدای تعالی آن رنج و سختی را از اهل آن موضع زایل گرداند
اگر بیند که خود فرشته گشت و با ایشان با سما شد دلیل که در دنیا زهد و ورع
اختیار کند و دست از این جهان بدارد و راه آخرت پیش گیرد و اگر بیند که با ایشان با سما
رفت و از آنجا بزمین آمد دلیل کند که زود از دنیا رحلت کند و نامش در جهان بخیر و نیکی
منتشر گردد جابر گوید اگر بیند که فرشته مقرب بر او شادمان بچشم خرم نگاه کرد
دلیل که عدل و داد بیند و از پس بینوایی توانگری یابد و از ترس و بیم ایمن بود و نیز
خیر فراوان بیند و غزا کند اگر خویشتن را بصورت فرشته بیند دلیل کند که اگر غمناک بود فرج
یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود و اگر در بیم و ترس بود ایمن گردد و اگر توانگر
بود مال و نعمتش بیفزاید حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر بیند که فرشته و برا بکار خیر مژده
داد دلیل کند که بزرگی و برا از شغلی باز دارد اگر بیند که فرشته او را چیزی
عطا داد دلیل کند که و برا بقدر آن از بزرگی عطا رسد اگر بیند که گروه فرشتگان
باستقبال او آمدند دلیل که دولت و اقبال در جهان یابد و اگر بیند که جمله فرشتگان
آسمان بدیدن او آمدند دلیل که اجلش نزدیک بود اگر بیند که او را با آسمان بردند هم نیز
دلیل کند اگر بیند که از آسمان فرود آمدند و در دست چراغ و تیغ داشتند دلیل
که او را فرزندی آید عالم و دانا اگر بیند که فرشتگان او را جامه سفید یا سبز دادند
دلیل کند که کسی از خویشان او بمیرد یا و برا اجل فرا رسد اگر بیند که فرشتگان او را جامه
سیاه دادند دلیل که کافر گردد اگر بیند که جامه زرد دادند دلیل که بیمار گردد
پس توبه کند اگر بیند که فرشتگان در وی بشادی و خرمی نگاه میکردند دلیل کند که عاقبت کارش

هلاک بود

هلاک بود اگر بیند که فرشتگان روی از او بگردانیدند باید که توبه کند و بسوی خدا
بازگردد و اگر بیند که فرشتگان او را جامع قران یا خطی نوشته دادند دلیل که او را بابی
او را حکم و داوری افتد و او بر حق بود و خصم را غلبه کند دانیال گوید که دیدن فرشتگان در
خواب اگر بصورت پیر بیند دلیل بر اشتغال آن وقت کند اگر بصورت جوانان بیند دلیل بر وقت کار
گذشته کند که آمده است اگر بصورت کودکان بیند دلیل بر وقت آینده کند تاویل
دیدن پیغمبران ابن سیرین گوید که مراتب پیغمبران بر سه وجه است اول اولوا العزم دوم
مرسل سیم نبی و اولوا العزم ابرهیم و موسی و عیسی و محمد اند و مرسل پیغمبرانی اند
که بدیشان جبرئیل آمده است و ایشان سیصد و سیزده اند و نبی پیغمبرانی اند که
بر ایشان جبرئیل نیامده پس هر که اولوا العزم بخواب بیند دلیل که عز و جاه و بزرگی یابد
و هر که مرسل بخواب بیند بر دشمن ظفر یابد و هر که نبی بخواب بیند دلیل کند بر صلاح
دین و دنیا ابن جابر گوید هر که اولوا العزم ببیند در جایگاهی اگر اهل آن موضع را با دشمنان
جنگ بود دلیل که حق تعالی ایشان را بر دشمنان ظفر دهد و اگر در غم و سختی گرفتار باشند
ایزد تعالی ایشان را از غم و سختی فرج دهد و اگر در آن موضع از اینها که گفتیم نباشد دیدن
آن پیغمبران ایشان را بشارت بود در خیر و صلاح دین و اگر بیند که پیغمبری از جمله پیغمبران
در جایگاهی بود و بر اهل آن موضع دعای بد همیکرد دلیل که حق تعالی محنت و بلای عظیم
بر ایشان فرستد چنانکه از آن بلاها رهایی نیابند مگر توبه کنند و بجد تمام بازگردند کرمانی
گوید که هر بنده مومنی که پیغمبری را بر جای خود تازه روی و شادمان بیند دلیل که بیننده
خواب عز و جاه و بزرگی یابد و او را بر دشمنان ظفر دهد و اگر پیغمبری را اندوهناک بیند دلیل
که بلایی بوی رسد اگر بیند که از پیغمبری چیزی شنید دلیل کند که از علم آن پیغمبر بهره
یابد و شادمان گردد اگر بیند که پیغمبری را بکشت دلیل بر شکستن عهد و امانت باشد
قوله تعالی فبما نقضهم میثاقهم تا آخر حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر آدم را بخواب بیند اگر اهل
صلاح بود بزرگی و ولایتی عظیم یابد قوله تعالی انی جاعل فی الارض خلیفة و اگر اهل
آن نبود از گناه توبه کند تا حق تعالی او را بیامرزد قوله تعالی فعصی آدم ربه فغوی ثم

اجتنبه وتبرقنا به علیهم و اگر بیند که با ادم علیه السلام سخن گفت دلیل که علم و دانش بیاموزد قوله تعالی
وعلم ادم الاسماء کلها اگر بیند که ادم دست وی بگرفت دلیل کند که بزرگی و مملکت یابد
اگر بیند که ادم را اطاعت نداشت دلیل بد بود و عاصی بود و اگر حوا را بخواب بیند دلیل
که اقبال و دولت بیخمان یابد و فرزندانش زیاده گردند و کام دل یابند و اگر شیث علیه السلام
بیند دلیل که عیش خوش یابد و فرزندانش افزون شوند و اگر ادریس را بخواب بیند
دلیل که کارش نیکو و عاقبتش محمود بود و اگر نوح بیند دلیل که عمرش دراز گردد ولیکن
از دشمن رنج و سختی یابد و اگر هود علیه السلام بیند دلیل که دشمنان بروی افسوس کنند و عاقبة
بر ایشان ظفر و نصرت یابد و اگر لوط بیند دلیل که کارها ادبصلاح اید و اگر صالح علیه السلام
بیند دلیل که از جائی بجائی نقل کند و سرانجام کارش نیک شود و دو دختر از بهر وی او کشته
شود و اگر ابرهیم بیند دلیل که ایزد تعالی او را حج روزی کند بعضی از معبران گفته اند
که از سلطان ظالم او را ستم رسد و بعضی گویند بد خوئی کند با مادر و پدر و اگر اسمعیل
بیند دلیل که بزرگی یابد و حاجتش روا گردد اگر اسحق بیند دلیل که از جهت فرزندان ویرا
غم و اندوه بود و سرانجام از غم فرج یابد و خرم گردد اگر یعقوب را بیند دلیل کند که خویشان
بروی بهتان نهند و عاقبت پادشاهی و بزرگی یابد و کارش بلند گردد و اگر شعیب بیند
دلیل کند که مردمان بروی قهر کنند و بعد از آن ظفر و دولت یابد و اگر موسی علیه السلام بیند
دلیل که مبتلا گردد با اهل و عیال و بعد از آن حالش نیکو گردد و بر دشمن ظفر یابد اگر
هرون بیند رحمت باور کند و اگر یحیی بیند دلیل که کارها بسته بروی گشاده گردد
و اگر داود بیند دلیل بر رنج و محنت عیال کند و اشغفر گردد و اگر یوسف بیند دلیل
که بزرگی و پادشاهی یابد و سال او زیاد و کارش نظام اید اگر ذکریا بیند دلیل که ایزد تعالی
او را توفیق بر خیر و عبادت و طاعت دهد اگر یحیی بیند دلیل که دست از کار دو کسب بدارد
و بشغل اخرت مشغول گردد و اگر خضر علیه السلام بیند دلیل که دایم در ایمنی بود و عمر دراز یابد اگر
دانیال بیند دلیل که کارهای دشوار بروی اسان گردد اگر یونس بیند دلیل که از غم برهد
و کار وی نیکو گردد اگر ایوب علیه السلام بیند دلیل که از غمها فرج یابد و از نار نیکو پرشتی افتد

اگر عیسی

اگر عیسی بیند دلیل که کار مرده او زنده گردد و بر خیر و عبادات توفیق یابد اگر محمد را بیند دلیل
که کار دو جهانی وی نیکو گردد اگر غمگین بود فرج یابد اگر وام دار د و امش گذارده گردد اگر
مجوس بود خلاص شود اگر در ترس بود ایمن گردد اگر در تنگی بود نعمت یابد اگر درویش
بود توانگر گردد سلمان گفت که از رسول خدا شنیدم که فرمود هر که مرا بخواب بیند
حق باو بدهد که من رانی فقد رای الحق فان الشیطان لا یتمثل بی اگر اندامهای او را زیبا بیند دلیل
عجب ملیح که تاویل دیدن دلیل بر سعادت بنا و عقبی است اگر پیغمبر را از روی زرد بیند
دلیل بر هستی دین و اشکار شدن بدعت و اندیار بود و اگر رسول را بیند که در انجا باتک
میکرد دلیل هر چه در او خراب اباد گردد و اگر وی را دید که چیزی همی خورد دلیل که فرمان
بود از او بر زکوة دادن مال و اگر پیغمبر را در جائی بیند که در انجا هیچ رنج و افت نباشد دلیل
بر خیر و صلاح دینی است خاصه که آن حضرت را در آن موضع در مسجد بیند اگر وی را بیمار
یا ضعیف یا غمگین بیند دلیل که در انجا دین اسلام ضعیف و خوار گردد که رسول گوید اگر رسول را
در شهری یا در کوچه بیند دلیل که در انجا نعمت فراخ بود و اهل ان موضع بر دشمن ظفر یابند
و اگر بیند که اندامی از اندام پیغمبر کم بود مردم در انجا در دین ضعیف و خوار باشند زیرا
که نقصان اندام پیغمبر نقصان راه دین است اگر بیند که پیغمبر چیزی از موهای سر یا خشک بدو داد
دلیل که بقدر آن علم و حکمت حاصل گردد اگر بیند که چیزی از جامها بوی داد و بر او در دین و ورع
و پارسائی و راه اسلام زیادتی بود خاصه بیند که وی را جامه سبز یا سفید داد ابن سیرین
گوید اگر رسول را در خواب ناقص بیند آن نقصان بر بیننده خواب باز گردد زیرا رسول را
هم مردم نیک بخواب بینند و هم مردم بد مردم نیک را مژده دهد بچیزهائی که بدو خواهد
رسید و مردم بد را حذر فرماید از معصیت و گناه تا از عقوبت ستم گردد زیرا که رسول
هم بشیر بود و هم نذیر بشیر مؤمنان را و نذیر کافران را و اگر پیغمبر را بیمار و خشمگین بیند دلیل
که اهل اند یا در حکم شریعت کار نکنند و اگر تازه رو بیند دلیل که از اهل اند یا در وضو باشند و خیرات
کنند و روان رسول از ایشان راضی باشد و اگر بیند که او پیغمبر شد دلیل که او را رنج و سختی
رسد بمقدار مرتبه پیغمبری و از پیران کارش نیکو شود و عبد الله عباس گوید که اگر

جنازهٔ پیغمبر را کسی بخواب بیند دلیل که درماند یا رنج و مصیبت پدید آید اگر بیند
که از پس جنازه همی رفت دلیل کند که با هوا داران و اهل بدعت بود و اگر دید که پیغمبر را
زیارت همی کرد دلیل که مال و نعمت و ولایت و عزت یابد چون بیند که رسول بر وی افسوس
کرد دلیل که آن شخص کافر گردد قل أبالله وآياته ورسوله كنتم تستهزءون لا تعتذروا قد
كفرتم بعد إيمانكم حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیغمبر در خواب بر یازده وجه بود اول رحمت
دوم نعمت سیم عز چهارم بزرگی پنجم دولت ششم ظفر هفتم شفاعت هشتم ریاست نهم قوت و
اهل سنت دهم خیر و جهان یازدهم نیکوئی مردمان آن موضع و مقامی که در آنجا خواب دیده
بود تا ولی پیدا نیز امیر المؤمنین ع ابن سیرین گوید اگر حضرت علی را بخواب بیند خوش
طبع و گشاده روی دلیل که علم و کرامت و سخاوت و شجاعت یابد اگر ویرا زنده در شهری بیند
دلیل که عدل و انصاف و تقوی آشکارا گردد و ملک آن شهر هم جور و ظلم برخیزد و اهل
بدعت در آنجا خوار گردد دلیکن دشمنان ایشان که خصومت بود اگر حضرت فاطمه را بخواب
بیند دلیل که شرم و زهد و پرهیزکاری یابد و اگر ویرا زنده و خوش طبع و گشاده
روی بیند دلیل کند که مردمان آن شهر بقرآن و علم آموختن و خیرات کردن رغبت نمایند
و در آنجا خیر و برکت پدید آید صحابه ابن سیرین گوید اگر کسی صحابهٔ پیغمبر بخواب بیند
دلیل که بدرجه دین و صدق و پرهیزکاری طاق و یگانه گردد و در میان مردمان
بصدق قول و راستی و دیانت و پرهیزکاری موصوف گردد زیرا که پیغمبر ص فرموده
الحدیث اصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم کف یاران من چون ستارگان اند بهر که اقتدا کنند
راه یابند حسن و حسین ع اگر حسن و حسین را در خواب بیند دلیل که ویرا از کسی یا از بزرگان و مهتران
پیوستگی افتد و از آنکس خیر و منفعت بود و سرانجام درجه شهیدان یابد اگر جعفر طیار
بیند دلیل که بجوع غلام کند اگر عبد الله را بیند دلیل که دستهای پیغمبر ص را لغب بود
و علم شریعت داند و سنت ورزد و عمرش دراز گردد و اگر سلمان را بیند که مقتدی او علم
قرآن ارزانی دارد و عاقبتش محمود گردد و اگر اباذر یا مقداد اسود بیند دلیل که بکار دین
مجتهد بود اگر بلال بیند دلیل که مرهونی بجا آورد و علی الجمله هر یکی از یاران رسول را

بخواب بیند دلیل که نیکی و خیر و منفعت دنیا و آخرت ویرا حاصل گردد زیرا که جمله اصحاب
امت پیغمبر اند و اگر کسی را از علما و فضلا یا حکما یا از زاهدان بخواب بیند دلیل
کند که بکار خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند بر تبت و درجه آنکس که وی دیده
بود زیرا که علما و حکما و اولیا میراث داران پیغمبر و راه مسلمانان اند و اگر بیند که با مجلسی
گروهی از علما و حکما جمع آمده بیند دلیل که مردم آن دیار از نصرت بود بر مبادلان و
بگفتار حق و کردار صدق و صواب راه بمعروف و نهی منکر و الله اعلم تمام شد گفتن
سخنان در باب فرشتگان و پیغمبران و اولیا دیدن صحابه و تابعین رضوان الله
علیهم اجمعین و بعد از این شرح تعبیر چیزهائی که در خواب دیده شود بر ترتیب حروف
معجم بیان کنیم چنانکه استخراج آنکه طلب
کنند برخوانند و آموزانند و سهل
و آسان نماید انشاء الله
تعالی و الله اعلم
بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم

حرف الالف من کتاب کامل التعبیر

آبادانی

ابن سیرین گوید اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان همی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و خود و ثواب آخرت که وی را حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب را خود آبادان همی کرد چون سرا و دکان و مانند این دلیل کند که خیر و فایده از جهان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بیفتاد و خراب شد دلیل کند که اهل آن جایگاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که اگر کسی خویشتن را بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که دیده بود و اگر بخلاف بیند دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بود اول بر صلاح کارها دوم بر خیر و منفعت سیم بر داد و کامرانی چهارم بر گشایش کارها

باب آب

بدانکه زندگانی همه چیزها با بست قوله تعالی و من الماء کل شیء حی ابن سیرین گوید که بر فراز آب همی رفت چون آب دریا و رود و خانه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر قوت ایمان و اعتقاد پاک وی و اگر بیند که از آب صاف خوشگوار بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز گردد و معیشت وی خوش بود و اگر بیند که آب تیره یا شور همی خورد تاویل بخلاف این بود و اگر بیند که از دریا آب صافی خوش

همی خورد

همی خورد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که جمله آب دریا را بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بگیرد و بعضی گویند که بعد از آن که از آب دریا خورده بود و بر او هیچ زیان رسد مال و نعمت حاصل گردد چون آب و شور و صافی بود اما اگر تیره بود آنچه بدو رسد با رنج و سختی و بیم و ترس بود کرمانی گوید که اگر بیند که آب گرم همی خورد دلیل بود که بیماری و رنج کشد اگر بیند که بر وی آب گرم همی ریختند چنانکه او را خبر نباشد دلیل کند که بیمار گردد یا غمی سخت بدو رسد و اگر بیند که در آب بیفتاد دلیل کند که در رنج و غم گرفتار گردد و اگر بیند که آب یخ را برداشت دلیل کند که بر حال زندگانی فریفته گردد و اگر بیند که در کاسهٔ آبگینه بوی آب خوردن داد در کاسهٔ آبگینه را به نسبت گوهر زنان کرده اند و آب که در کاسهٔ آبگینه بود فرزند طفل بود که در شکم مادر باشد اگر بیند کاسه بشکست و آب بریخت دلیل کند که جفت او بمیرد و فرزندش بماند و اگر بیند که آب بریخت و کاسه همی ماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و زن او بماند و اگر بیند که بی بها آب بمردم همی داد دلیل کند که در دنیا و آخرت خیر او بمردم رسد و جایگاه خراب را آبادان کند و اگر بیند که در خانه که اندر آن آب بخبر بود داخل شد دلیل کند که غمگین و متفکر گردد و اگر بیند که آب صافی پیاله مانند سکنجبین خورد دلیل کند که زندگانی بعیش و عشرت گذراند اما کاوی کند که بلا و فتنه بدو رسد که مال جمع اندک اندک بمردمان بخشد و بجز آن خرج کند جابر گوید که آبها اگر بوقت زیاده شود دلیل کند که در آن سال فراخی و نعمت بود و اگر آبها بسیار بود که بر زمین جوید دلیل کند که مردمان عامه را سلامت و عافیت بود قوله تعالی و قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و اگر بیند که آبها از سر مردمان فرو می آید دلیل کند که در آن سال نعمت و فراخی بود در آن دیار قوله تعالی انا صببنا الماء صبا و اگر بیند که در خانه او آب صافی بود دلیل کند که نعمت و خرمی و معیشت یابد و اگر بیند که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد تاویل بخلاف این بود دانیال گوید که آب دادن کشت و باغ از جوها و رودها دلیل کند بر حال رستگاری از غم و اندوه و آب دادن مردمان را دلیل کند بر دین و دیانت و کردارهای نیک و پسندیده بود و اگر بیند که با آب اندر همی رفت و اندر آن وقت توانا و قوی بود دلیل کند که به شغل

صعب مشغول گردد از قبیل شیوع قول اوایل ان .. بول بود خاصه کاری اندر آن کار
ظاهر گردد و اگر بیند که در آب صافی رفت و تن او پوشیده بود دلیل بر توقف بن بود و
توکل کردن بر ایزد تعالی و استقامت کار وی و اگر بیند که آب بباغ همی برد دلیل کند
که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر کسی بیند که آب پاک بروی ریخت دلیل کند که از آنکس
خیر و منفعت بیند و ... و اگر بیند که آب تیره بروی ریخت تاویلش بخلاف این بود حضرت
صادق میفرماید که آب در خواب در گفتن معبران بر پنج وجه تعبیر کنند اول یقین دوم توانگری سیم
کار دنیا چهارم زندگی پنجم علم از جهت تکثیر شهر نبل آنکه تاویل باران در حرف باء بیان
کنیم و تاویل آب چشمه و آب چاه و آب جوی با حرف جیم و آب دریا با حرف دال و آب رود را
بحرف را و آب کاریز بحرف کاف هم برین قیاس هر جا که یاد کرده ایم بترتیب هر چیزی بموضعش باز
نمائیم تا معلوم بود آب بینی دانیال گوید که آب بینی دلیل بر فرزند کند اگر بیند آب از
بینی او همی آید دلیل کند که وی را فرزند آید و اگر بیند که از بینی او خون بیرون آمد همین
دلیل کند کرمانی گوید اگر بیند که از بینی او آب فرود همی آید دلیل کند که دامنش گشاده
شود و از رنج و سختی و غم برهد و اگر بیمار بود شفا یابد ابن سیرین گوید که آب بینی در خواب
فرزند بود لیکن اگر بیند که آب بینی بر اندام وی افتاد دلیل کند که وی را پسر آید و اگر
بیند که بر زمین افتاد دلیل کند که دختر آید و اگر بیند که آب بینی بر تن خویش افتاد دلیل
کند که زن او آبستن گردد لیکن فرزند را بیفکند و اگر بیند که زن بروی آب بینی افکند
دلیل کند که او را پسری آید و اگر بیند که آب بینی در سرای همسایه افکند دلیل کند که با زن
همسایه خیانت کند و اگر بیند که آب بینی خود را در بستر مردی افکند همین دلیل کند
ابن سیرین گوید اگر بیند که آب بینی خود را همی خورد دلیل کند که مال خود را بر عیال
خود بذل کند اگر بیند که آب بینی زن خویش را همی خورد دلیل کند که او را فرزند شود
و اگر بیند که آب بینی او بسیار و تیره بود دلیل کند که فرزند او را اندوه و مصیبت رسد
و اگر بیند که آب بینی او زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمار گردد آب تاختن ابن
سیرین گوید اگر کسی بیند که آب تاختن کند بجایگاهی که موضع آن نباشد اگر خداوند

آب بینی

آب تاختن

باب الالف

خواب غمگین و وام دار بود دلیل کند که از غم فرج یابد و وامش گذارده گردد و اگر بیند
در خواب توانگر گردد دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تاختن دانیال
گوید اگر بیند که در جایگاهی مجهول آب تاختن کند دلیل بود که از اهل آن موضع زن
خواهد یا کنیزک خرد اگر بیند که بجای آب تاختن خون همی رفت دلیل کند که او را فرزند
ناقص آید و اگر بیند که بجای آب تاختن ریم میرفت دلیل کند که او را فرزندی آید بدین
معلول و بعضی از معبران گفته اند که آب تاختن مال حرام بود و اگر بیند که آب تاختن
همی خورد دلیل کند که مال حرام خورد کرمانی گوید اگر بیند که اندر چاهی آب تاختن کرد
دلیل کند که از کسی مال حلال حاصل کند و اگر بیند که آب تاختن همی کرد دلیل کند که او را
فرزندی که قرآن ظاهر خواهد و عالم و دانا گردد و اگر بیند که برخی از آب تاختن بریخت
و برخی با خود داشت دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی بماند و غم از وی جدا گردد
و اگر بیند که مردمان از آب تاختن وی مسح همی کردند دلیل کند که او را فرزندی آید که عالم
و دانا گردد و مردمان متابع او گردند جابر مغربی گوید اگر بیند که در مسجد آب تاختن
همی کرد دلیل کند که مال خویش هزینه کند بر وجه خویش و اگر بیند که جامه وی بآب
تاختن آلوده گشت دلیل کند که مال خویش بر فرزند خویش هزینه کند حضرت صادق
میفرماید که آب تاختن در خواب بموضع خویش مردم را توانگری رسد اما آنکه درویش
باشد و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و محبوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن
بود و عامل را معزولی بود و خلیفه را مرگ بود و قاضی را عزل و بازرگانان را زیان
بود در تجارت اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که در خانه خویش بموضعش آب تاختن همی
کرد دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش هزینه کند لیکن عوض آن باز آید و لقوله تعالی وما
انفقتم من شیء فهو یخلفه وهو خیر الرازقین آبخانه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب
بیند که آبخانه همی ساخت دلیل کند که بجمع کردن مال دنیا حریص گردد و راغب گردد و
نخواهد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند دلیل کند که زن جادوی
دیگر حاصل گردد و آن زن حرام خوار و بی دیانت بود و اگر بیند که آبخانه بول و غایط

آبخانه

همی کرد دلیل کند که مال خویش را هزینه کند و اگر بیند که در ابخانه افتاد یا در چاه ابخانه افتاد دلیل کند که در جمع مال غریق بود و اگر بیند که کسی در چاه ابخانه خود افتد دلیل کند که مال کسی بغصب بستاند اگر بیند که چون بیفتاد دست و پای او بشکست دلیل کند که بلای سختی با و رسد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن ابخانه در خواب بر پنج وجه بود اول کما الحرام دویم عیش دنیا سیم خزینه چهارم شروع در حرام پنجم زن خادم و حرام خوار

ابدستان

ابدستان ابن سیرین گوید که ابدستان در خواب چون نیز دارد صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود و اگر بیند که پادشاهی ابدستان بوی داد دلیل کند که خزینه دار و مدبر پادشاه بود و اگر او یکی بدهد هم بر این قیاس بود که رمانی گوید که ابدستان در خواب خادم بود بقول خدای عز و جل یطوف علیهم ولدان مخلدون باکواب و اباریق و اگر بیند که ابدستان او بشکست یا ضایع شد دلیل کند که زن او وی جدا گردد یا بمیرد و اگر بیند که از ابدستان آب همی خورد دلیل کند که ورا فرزندی حاصل گردد خاصه آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق فرماید که دیدن ابدستان در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دوم خزینه سیم ملک چهارم فرزند پنجم روزی از جائی که امید ندارد

آبستنی

آبستنی ابن سیرین گوید اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود چون زن آبستن دلیل کند که او را مال و نعمت دنیا حاصل گردد و هر چند که شکم بزرگتر بیند مال دنیا بیشتر بود کرمانی گوید اگر فرزند نابالغ خود را آبستن بیند دلیل کند که اگر پسر بود پدرش را نعمت و مال حاصل گردد و اگر بیند خواب دختر بود مادرش را نعمت و مال حاصل گردد

ابکام

ابکام ابن سیرین گوید که خوردن ابکام در خواب دلیل بر درد و بیماری تن کند اگر بیند که ابکامه همی خورد دلیل کند که بقدر آن وی را بیماری بود کرمانی گوید اگر بیند که ابکامه بخت یا از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد حضرت صادق فرماید که خوردن ابکامه بر پنج وجه گفته اند اول بیماری دوم غم سیم نقص چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال

ابکینه

ابکینه دانیال گوید که ابکینه در خواب زن بود اگر بیند که در ابکینه آب همی خورد دلیل کند که زن خواهد و از وی مال یابد اگر بیند که در ابکینه بکسی شراب داد دلیل کند که از هر کس

باب الالف

زن خواهد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ابکینه سفید داشت و نامش بر آنجا نوشته بود دلیل کند که دولت دینی و دنیائی یابد و حاجت او روا گردد و اگر بیند که بر آن ابکینه نام پادشاه نوشته بود دلیل کند که اجلش نزدیک بود اگر بیند اگر بیند خواب پادشاه باشد و اگر پادشاه نباشد که بر قدر و اقبال او از آن خیر و خرمی یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که ابکینه از دست بیفتاد و بشکست دلیل کند اگر زن دارد طلاق دهد اگر زن ندارد دزدی از خویشان او حیلت

دلیل کننده

کند بدانکه ابکینه کویتا و بل عن اهل خداوند کار بود و بعضی از معبران گفته اند که ابکینه گو کسی بود که کارهای زنان گذارد و پیوسته او را با زنان مخالطت بود

ابله

ابله ابن سیرین گوید که ابله در خواب زیان مال بود اگر بیند که بر تن او ابله بود که بقدر آن خواسته او را مال حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او ابله بود دلیل بود که بقدر آن از مال حرام حاصل شود حضرت صادق فرماید که ابله بر تن دیدن بر پنج وجه بود اول فایده یافتن مال دوم زن خواستن سیم پیری چهارم حاجت روا شدن پنجم از ترس و بیم ایمن گردد چون ابله

ابنوس

ابنوس ابن سیرین گوید که دیدن ابنوس در خواب مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما تو انگر و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که ابنوس در خواب نیکی بود هم بر این صفت که یاد کرده شد حضرت صادق فرماید که ابنوس در خواب کسی باشد هم بر این صفت که گفته کردید

آتش

آتش دانیال گوید اگر کسی آتش بیند در خواب بیند دلیل که بپادشاهی نزدیک گردد و کار بسته او گشاده گردد و اگر بیند که کسی در راه او آتش افکند و آتش وی را بسوخت دلیل کند که پادشاه بر وی ستم کند لیکن زود خلاص یابد و ثبات و نیکوئی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید فرموده قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و اگر بیند که آتش وی را بسوخت دلیل کند که وی بگناهی معصیت کند و اگر آتش را با تف و سوز بیند دلیل کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آن سوختگی وی را رنج و غم رسد اگر کسی بیند که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام وی را بسوخت و زبانه همی زند از او هم و ترس در دل او بماند دلیل کند که از محنت و مصیبت که بلا رسد سبب بیماری و ضعف بود چون سرسام و طاعون و ابله و سرخچه و آبله

بلی بن ماند و اگر ببیند که از آن آتش فرا گرفته دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد
و اگر ببیند که آتش را دود بود دلیل کند که بقدر آن مال حرام وی را رنج و تیمار حاصل گردد
با جنایت حقوق و اگر ببیند که از آتش گرمی و خویش بوی میرسید دلیل که کسی وی را از دور غیبت
کند که برای آن کو ببیند و اگر ببیند که شعله آتش بر مردمان همی انداخت دلیل کند که در میان مردم عداوت
و دشمنی افکند و اگر بازرگانی ببیند که آتش در دکان و کالای او افتاد دلیل کند که کالای که
دارد بر باد دهد یا بخرید می ارزد بسر دم فروشد و برکس شفقت نبرد و اگر ببیند که آتش
در خانه کسی افتاد دلیل که آنکس در جنگ فتنه و جور سلطان افتد و اگر ببیند که آتش جامه او را
بسوخت دلیل کند که با خویشان جنگ خصومت کند یا از سبب مال اندوهگین گردد و اگر
کسی آتش عظیم در زه بنی ببیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی سوخته
ببیند دلیل کند که از جهت زنان وی را با کسی خصومت کند و اگر ببیند در شهری یا در محله یا در سرای
آتش افتاد چنانکه هر چه بود همه را بسوخت از آن آتش زبانه میزد و او از وی سهمگین همی داد دلیل کند
که در آن موضع جنگ کارزار بود یا بیماری صعب افتد و اگر ببیند که آتش بر هر چیز همه را بسوخت
و برخی ها گرد و او از و سهمگین نداشت دلیل کند بر جنگ کارزار و در آن موضع و اگر زبانه
و دود نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را با درد ببیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر
کارها و اگر ببیند که آتش از آسمان بیفتاد شهری یا محله یا سرای بسوخت دلیل کند که آن
بلا و فتنه که گفته شد بر اهل آن موضع شهر بود و اگر ببیند که او از آن سهمگین داشت و زبانه
همی زد و در جایی افتاد لیکن گزند و زیانی نکرد دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی
و خصومت افتد بر زبان و اگر ببیند که آتش بر زمین سهمگین بر آمد و سوی آسمان شد دلیل
کند که اهل آن موضع با دوستان خدای تعالی حرب کنند بدروغ و بهتان گفتن بروی بقدر و قوت
آن آتش گردد و بلا بود و اگر ببیند آتش از جایی بجایی همی رفت و آن آتش هیچ گزند نکرد بلکه
دلیل بود که در آن منفعت یابد و اگر درویش بود توانگر گردد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی ببیند
که از آسمان مانند باران آتش میبارید دلیل بر بلا و خون ریختن بود از جهت پادشاهان در آن
موضع و اگر ببیند که آتش از آسمان بیامد و چیزهای خوردنی که از آن او بود بسوخت دلیل کند

گر طاعتهای وی نزد حقتعالی پذیرفته گردد قوله تعالی بقربان تأكله النار و اگر ببیند که از آسمان
آتش همی آمد و کسی را بسوخت بیم عذاب حقتعالی باشد قوله تعالی عذاب النار التی کنتم بها
تکذبون و باشد که او را پادشاه و برا بیم بود و اگر ببیند که بر سر آتش نزدیک گرم میشد دلیل کند
که به پادشاهی نزدیک گردد و اگر ببیند که بر آتش چیزی همی پخت دلیل که شغل دنیاوی
تمام گردد و اگر ببیند که آتش از آسمان فرود آمد و نبات زمین را بسوخت دلیل بود که در آن دیار
نعوذ بالله مرگ مفاجات بسیار بود و اگر ببیند که آتش نزدیک قبه یا مناره بسوخت دلیل
کند که پادشاه آن موضع هلاک گردد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی ببیند که آتش از زمین
بر آمد بی دود و غیر دلیل کند که در آن موضع گنج بود حضرت صادق ع میفرماید اگر ببیند
پارهای آتش میخورد دلیل کند که مال یتیمان خورد قوله تعالی الذین یأکلون اموال الیتامی
ظلما انما یأکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا و اگر ببیند که از دهان وی آتش بیرون
می آمد دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر ببیند که هر جائی آتشهای سوزنده میگرفت
دلیل کند که از هر جا میانجی کند بسیار رعیت و مردمان پادشاه و اگر ببیند که در پهلوی او آتش
افروخته بود و او از آن ندانست دلیل کند که بد او خبر و نیکوی رسد قوله تعالی أفرأیتم
النار التی تورون و اگر ببیند هیزم آتش عظیم میسوخت دلیل بر جنگ و فتنه کند در آنجا بازگو
نعم کلما اوقدوا نارا للحرب و اگر ببیند که آتش در مردم میزد دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و
اگر ببیند که آتش وی را بسوخت آن آتش نور نداشت دلیل کند که از علت سرسام بیمار گشت
و اگر ببیند آن آتش را نور بود دلیل بود که کسی را از خویشان و فرزندان وی فرزندی
آید که مردمان بر وی ثنا گویند و مال بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در روشنای آتش ببیند
دلیل کند بر بیماریهای صعب چون آبله و طاعون و سرسام و مرگ مفاجا نعوذ بالله و اگر آن
آتش را باد در ببیند دلیل کند که آن پادشاه او را ترس و بیم بود و اگر آتش را در بازار ببیند
دلیل کند بر سیاهی اهل بازار و آنکه اهل بازار در تجارت انصاف ندهند و برخرید و دروغ
گویند و اگر در دکان آتش افتاده ببیند دلیل کند که مردم آنجا مصادره بود از پادشاه
و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در راه مجهول آتش ببیند دلیل بر دین بود و اگر آتش در جای کسی

آتش افروختن

افتاده بیند دلیل کند که انکس را مصیبتی ترس و بیم بود و اگر خویشتن را بر اتش ایستاده بیند
دلیل که او در رنج رسد اتش افروختن ابن سیرین گوید که اتش افروختن بخواب پادشاه را قوی بود
و اتش بی دود فروغ و قوت بود در خواستن و اتش با دود پادشاه ستمکر و غم و اندوه و زیان بود
و اگر بیند که اتش را افروخت تا گرم گردد یا کسی دیگر بدان گرم شود دلیل کند که چیزی طلب کند
که از ان منفعت یابد و اگر بیند که بسوخته اتش برافروخت دلیل کند که بسبب چیزی خصومت کند
و اگر بیند که اتش را افروخت تا چیزی بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد بسبب غیبت مردمان
تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که از ان بریان بخورد دلیل کند که بقدر ان روزی بوی رسد
با غم و اندوه و اگر بیند که بر دیگها اتش میافروخت و در دیگ گوشت بود یا چیزی دیگر بود دلیل
کند که کاری بسازد که از ان کار کدبانوی خانه را منفعت رسد و اگر بیند که در ان دیگ هیچ
طعام نبود دلیل کند که از ان کار او را غم و اندوه بود و اگر بیند که اتش برافروخت حلوا پزد
دلیل که او را سخن نیکو گویند و اگر بیند که اتش برافروخت از برای روشنائی دلیل کند که کار
بحجت و برهان روشن گرداند کرمانی گوید اگر بیند در جایگاهی اتش برافروخت تا اهل ان
جایگاه را بسوزاند دلیل بود که اهل ان موضع را غیبت کنند و بدی گویند و اگر بیند اتش را در
تنور یا در اتشدان همی افروخت از انکه طعام پزد دلیل کند که با مردی از خویشان و با اهل بیت
او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که خواست تا اتش افروزد از بهر منفعت خویش و ان اتش بر
نمی افروخت و روشنائی نمیداد دلیل کند که از علم خویش بهره داری نیابد و اگر اینکس پادشا
بود عز و جاه و دولتش افزون گردد و اگر بیند که ان اتش که افروخت بمرد دلیل کند که هلاک
گردد جابر گوید اگر بیند که در بیابان اتش افروخت که مردمان از نور ان اتش راه میافتند
و هر یک بموضع و مقام خویش میرسند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست
گیرند و اگر بیند که ان اتش فرو میمیرد و نور او زایل میگردد دلیل کند که احوال او متغیر باشد
که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که ان اتش در بیابان افروخت بر بوم راست و درخشید دلیل
کند که علم او مردمان را براه ضلالت برد و اگر بیند که اتش در موضع برافروخت تا ان موضع را
بسوزد و اتش از ان سوختن بازرگان بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مال حرام

بود و اگر

روشنائی اتش

بود و اگر بیند که از خانه همسایه اتش همی برد دلیل کند که مال حرام بدو رسد روشنائی
اتش ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی اتش بیند چنانکه بدان روشنائی راه تواند
رفت دلیل کند که راه هدی یابد و اگر روشنائی اتش را ایستاده بیند دلیل کند که سبب
دولت او همانجا بود و اگر اخگر افروخته بیند دلیل کند که در ان دیار و ایشان سلطان بد بود
و اگر در خانه خود اخگر بیند چنانکه از نور ان خانه روشن بود دلیل که کارش بالا گیرد و
دولتش زیاده گردد و اگر بیند که ان اخگر را کشت دلیل که در خاندان او خصومت و داوری بود

اتش پرستیدن

اتش پرستیدن دانیال گوید که اتش را پرستیدن و سجده کردن دلیل که پادشاه ستمکر را
سجده کند و بخدمت او مشغول گردد چنانکه او را اتش کند اگر بیند که شمع یا اتش یا چراغ را
سجده میکرد دلیل که بخدمت زنان مشغول گردد و اگر بیند که اتش را بوسه همی داد و سجده کرد
دلیل بود که صاحب خبر پادشاه گردد و اگر بیند که در میان اتش مراقبه همی کرد دلیل که پادشا
بطوع و رغبت بازرگانی کند ولیکن عاقبت کارش پر خطر بود خاصه که از اتش بر تن او گزند
رسد و اگر از اتش تن او را هیچ گزند نرسد دلیل کند بر همه سلامت نفس و جمعیت کار
او از پادشاه وقت و اگر بیند که در میان اتش رفت دلیل کند که بقدر ان از پادشاه منفعت
یابد و اگر بیند که اتش از روی یا از جامه یا از دست او روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او
متحیر بودند دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مراد در جهان حاصل کند قوله تعالی وادخل یدک
فی جیبک تخرج بیضاء من غیر سوء و این معجزه حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل اشعث
گوید که اگر کسی در خواب بیند که اتش همی پرستید دلیل کند که بازداری و عوانی کند و ان اتش
که همی پرستید اگر بر شکل اخگری بود که غرض او از دین جمع کردن مال بود و مال حرام بدست حاصل
کند شرارهٔ اتش ابن سیرین گوید که شرارهٔ اتش در خواب سخن بد باشد که بوی رسد و اگر بیند که
شرارهٔ اتش در روی افتاد دلیل کند که در محنت و بلای سخت گرفتار گردد کرمانی گوید اگر
بیند که در شهری یا کوچه شرارهٔ اتش افتاد دلیل که جنگ و فتنه در ان موضع پدید اید و اگر
بیند که شرارهای اتش سخت بزرگ بود دلیل بود که عذاب خدای عز و جل بدان و در سال باید
ان موضع رسد قوله تعالی انها ترمی بشرر کالقصر کانه جمالة صفر و اگر بیند که شرارهٔ اتش در

شرارهٔ اتش

مردمان افتد دلیل کند که مردمان آن موضع را با یکدیگر جنگ و خصومت افتد و آتش انداختن و بازی
کردن با آتش سخت زشت گفتن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که پاره آتش درخشنده در دست داشت دلیل
کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش دود بود دلیل کند که در انکار
او را بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست وی فرو مرد دلیل کند که در خدمت پادشاه
مالی حرام بدست آورد و اگر بیند که از آن آتش پاره مردم را همی داد دلیل کند که از گرد آوری
مردمان از رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند که چیزی از خوردنی بر روی
همی پخت و میخورد دلیل کند که سخنهای خوش شنود حضرت صادق میفرماید که دیدن آتش در
خواب بر بیست و پنج وجه بود اول فتنه بود دوم کارزار سیم فنا چهارم تعب پنجم خصومت ششم
سخنهای زشت هفتم منع از کام و مراد هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم برهان
۱۲ علم و حکمت ۱۳ راه هلاک ۱۴ مصیبت ۱۵ ترس و بیم ۱۶ سوختن ۱۷ هم خلعت پادشاه ۱۸
طاعون ۱۹ آسر سهام ۲۰ ابله ۲۱ گشایش کارها ۲۲ فضیلت ۲۳ مال حرام ۲۴ روزی ۲۵ منفعت

آتشدان

آتشدان ابن سیرین گوید که آتشدان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آتشدان آهنین
بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل خانه بود و اگر آتشدان چوبین بود دلیل کند که آن زن
از خویشان اهل خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتشدان از گل بود دلیل بود که آن زن
اهل کرمنگان باشد و از مشرکان نیز بود حضرت صادق میفرماید که دیدن آتشدان بخواب
بر دو وجه بود اول زن خادم دوم کنیزک

آتشزنه

آتشزنه ابن سیرین گوید که آتشزنه و سنگ آتشدان این
هر دو ابناء باشند که از ایشان یکی قوی دل بود و دوم سخت دل بود و این هر دو مردمان ابر
شرف و کارهای بزرگ در او بود کرمانی گوید اگر بیند که از آتشزنه آتش بیرون می آورد و
از او شمع یا چراغ برافروخت اگر بیننده پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او
آسایش یابند و اگر بیننده خواب عالم بود دلیل که مردم از علم و دانش او بهره یابند و اگر بازرگان
بود دلیل کند بر آنکه با مردمان جود و احسان کند و اگر درویش بود دلیل کند که مردمان
از سیرت و کردار وی منفعت یابند حضرت صادق میفرماید که اگر بیند که آتش از آتشزنه بیرون
آورد دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند یا بشغل او مشغول گردد و اندوه شود

مال بدست

مال بدست آورد و اگر بیند که از آتشزنه آتش نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب
کند و نیابد

۲ آتشکده

آتشکده ابن سیرین گوید که آتشکده بخواب جایگاه مکروه بود کرمانی گوید که
آتشکده جایگاه مردم احمق و جاهلی بود و اگر بیند که در آتشکده رفت و از آنجا چیزی بیرون رسید
دلیل کند که از مقدار و منزلت خواری بوی رسد لیکن از یکبارگی هلاک سرانجام پشیمانی خورد

۴ آرد گون

آرد گون بدانکه آرد گون شکوه زایست دیدنش در خواب اهل جود و رنج و بیماری بود آرد دلیل
بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بدو رسد دانیال گوید اگر بیند که آرد جو نیز بباد
هوا داد دلیل کند که بقدر آن مال و نعمت حلال او را حاصل گردد از ابتدا اگر امید ندارد
ابن سیرین گوید آرد جو و باقلا و سبوس نیز بود و آرد گندم مالی بود از بقال که بیند با جانب
بود و گردد کا و درس مال اندک بود که حاصل گردد جابر مغربی گوید که آرد فروش بخواب
دیدن مردی بود که در بین خویش را بالبینا آورده بود

۲ آرد بیز

آرد بیز کرمانی گوید که آرد بیز بخواب
مردی بود که در میان دوستان و خویشان همی گردد ابن سیرین گوید که آرد بیز بخواب
هرزه نی بود فضول یا خادمی بود بد اگر بیند که آرد بیز برو گم شد یا کسی بوی
داد دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار در دست وی گردد و بعضی از معبران
گویند که مردی مصلح که در خدمت او مقیم بود در دست وی شود حضرت صادق فرماید
آرد بیز در خواب بر چهار وجه بود اول مردی مصلح دوم زن فضول سیم خادم چهارم
مفعنا ندل

آروغ

آروغ کرمانی گوید که اگر بیند که در خواب آروغ بر می آورد دلیل بود
که سخنی گوید که او را از آن خرمی بود اگر بیند که با آروغ طعامی بود و از گلوی بیرون
آمد دلیل کند که احتیاج بزهاد بود محمد بن سیرین گوید اگر بیند که آروغ ترش و ناخوش
برآورد دلیل کند که سخنی گوید که از آن رنج و مضرت و خطر بیند و اگر بیند که آروغ
همچون دود بر آورد دلیل کند که بی هنگام سخنی گوید که از آن او را عیب گویند و ملامت
کنند و سرانجام پشیمانی خورد

۲ آزاد شدن

آزاد شدن دانیال گوید اگر کسی بیند که آزاد شد یا کسی
او را آزاد کرد دلیل کند که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وام گزارده گردد
و اگر حج نکرده باشد بگذارد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر گناه کار بود توبه کند و اگر غمگین

استانه

آسمان

بود شادمان گردد و از غم و رنج یابد و اگر محبوس بود خلاص یابد و علی الجمله آزادی در خواب
بغایت نیکو و پسندیده است. استانه: کرمانی گوید آستانه بالا در خواب کدخدای خانه
بود و آستانه زیرین کدبانوی خانه و اگر بیند که آستانه بالا بیرون رود و بیفتاد و خراب شد
دلیل کند که کدخدای خانه بمیرد و اگر کدخدای خانه بیند که آستانه زیرین خانه بیفتاد یا
بسوخت دلیل کند که کدبانوی خانه بمیرد. ابن سیرین گوید اگر بیند که خداوند آستانه زیرین
با آستانه بالایین نو و بدل کرد دلیل کند که زن را طلاق دهد و زنی دیگر بخواهد و اگر
بیند که آستانه بالایین را بکند دلیل که خود را هلاک کند و اگر بیند که هر دو آستانه خویش
را بکند و خراب کرد دلیل کند که کدبانو و کدخدا هر دو هلاک گردند. آسمان: دانیال گوید
که اگر کسی خویشتن را در آسمان اول بیند دلیل کند که اجلش نزدیک آمده بود و اگر خود را بر
آسمان دوم بیند دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم بیند دلیل کند که عز و
اقبال جهانی یابد و اگر بر آسمان چهارم بیند دلیل که پادشاه را دوست و مقرب گردد و اگر
بر آسمان پنجم بیند دلیل کند که هیبتی و ترس و بیم بود و اگر بر آسمان ششم بیند دلیل کند که
بخت و دولت و نیکویی یابد و اگر بیند که بر آسمان هفتم بر شده لیکن در وی [illegible]
کند که کار دنیاوی بسبب مردی بزرگ بسته گردد و اگر بر آسمان بیند که [illegible] نگاه کرد
و سرخ و زرد آمیخته بود دلیل که از دیدار مردی بزرگ جدا گردد و اگر بیند که فرشتگان از
آسمان فرود آمدند و بوی بگذشتند دلیل کند که در تمامی علم و حکمت بر وی گشاده گردد
ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر آسمان بیند دلیل که او را سفری پیدا شود و در آن سفر او را
مرتبت دنیا و عز حاصل گردد و اگر بیند که بر پهنای آسمان سیر همی کرد سفری بود با نعمت و برکت
و اگر بیند که پهنای آسمان داشت و سپر بود تا با آسمان رسید دلیل کند که مشقت و رنج بیند و اگر
بیند که با آسمان رفت بدان نیت که بر زمین باز نیاید دلیل کند که بزرگی و پادشاهی یابد و کاری
بزرگ طلب کند بیابد و اگر بیند که از آسمان بانگ و ندا می‌شنود دلیل کند بر خبر و سلامت
و اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن می‌گفت دلیل کند که شادمان گردد. کرمانی
گوید اگر بیند که او در آسمان بنیاد چنانکه مردمان در زمین بنیاد بود دلیل

که اجلش

باب الالف

که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که بنیادی چون بنیاد دنیا از خشت و گل و گچ و آجر در هوا
دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور گردد و اگر بیند که از آسمان انگبین می‌بارید
دلیل کند که مردمان را خیر و نعمت و غنیمت بود و اگر بیند که از آسمان دینار با خاک می‌بارید
و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار بود دلیل آن بد بود و اگر بیند که از
آسمان کژدم یا مار یا سنگ می‌بارید دلیل بود بر عذاب خدای عز و جل اندر آن دیار
و اگر بیند که خود را از آسمان فرود افکند دلیل کند که کار او بلند گردد. جابر مغربی
گوید اگر بیند که بر بالای هفتم آسمان رفت بجایی که وهم آنجا نگنجد در [illegible] دلیل
کند که اجل او نزدیک آمده بود و خاتمت کارش پسندیده بود و اگر خداوند خواب
مستور بود و مصلح و بیند که در آنجا فرود آمد دلیل که در دین تباهی گردد و اگر
خداوند خواب مصلح و مستور نباشد دلیل بود که توبه کند یا هلاک گردد و اگر
بیند که از آسمان بر زمین آمد دلیل بود که از رنج و بیماری بسر حد هلاک رسد بعد
از آن شفا یابد و اگر بیند که در میان آسمان و زمین بنیادی بود چون قبه یا کوشکی که
در آن سنگ و آجر بود دلیل بود که خداوند خواب را امل و عمل مغرور گشته بود و اگر
بیند که درهای آسمان گشاده شدند دلیل کند که دعا در آن سال مستجاب گردد و باران
بسیار باید و آبها فراوان بود قوله تعالی ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض
عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و اگر بیند که در آسمان دری از بهر وی یا از بهر مردم
آن دیار گشاده گردید دلیل کند بر خیر و نعمت مردمان آن دیار خاصه که با گشادن آن
در اثر خیر ظاهر گردد و اگر بیند که آسمان بشکافت دلیل کند که ایزد تعالی با وی بخشم
بود. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید اگر بیند که آسمان بگونه سبز بود
دلیل کند که در آن دیار خیر و صلاح و ایمنی بود و اگر بیند که بگونه سفید بود دلیل
کرد در آن موضع رنج و بیماری بود و اگر بیند که آسمان سرخ بود دلیل کند که در آن
دیار جنگ و خون ریختن بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل کند که در آن دیار
بلا و فتنه عظیم بود و اگر بیند که آسمان روشن‌تر از آن بود که بود دلیل کند که او را خطا[illegible].

استانه

اسباب

دوستانی تمام در وی حاصل کردد و اکر بیند که برابر او در آسمان کشاده شد دلیل کند
بر خیر و روزی بر او کشاده کردد و عالم و حکیم کردد و آن روزی بسبب مردم رسد
و اکر بیند که در آسمان علامتهای سرخ بود بکردار عمودها دلیل کند که پادشاه آن
آن موضع را علامت و نصرت بود و اکر بیند که آسمان را همی پرستید دلیل کند که بندین
کمراه کردد اسمعیل اشعث کوید اکر کسی بیند که از آسمان سنک چون باران می آید
دلیل کند که بلای سختی و عذاب باهل آن موضع رسد لقوله تعالی و امطرنا علیهم حجارة
من سجیل و اکر بیند که از آسمان کندم و جو میبارید دلیل کند که اندران دیار ارزانی
الوان بسیار بود و خلق را ایمنی و کسب و معیشت بود استانه ابن سیرین کوید
اکر بیند که آستانه خانه وی بلند کردید دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد و شرف
و منزلت و اکر بیند که آستانه خانه او بیفتاد دلیل که از شرف و منزلت بیفتد و نزد مردمان
خوار کردد و اکر بیند که از آستانه خانه وی آب صافی چون باران همی بارید دلیل که
بقدر آن مال و نعمت یابد و اکر بیند که از آستانه خانه وی مار و کژدم همی افتاد دلیل
که از پادشاه یا از بزرکی او را غم و اندوه رسد کرمانی کوید اکر بیند که آستانه خانه
بر وی بیفتاد و در زیر آن کرفتار کردید دلیل کند که او را بیم هلاک بود لقوله تعالی فخر
علیهم السقف من فوقهم و اکر بیند که آستانه خانه او برنکهای ملون و منقش بود دلیل
که بزینت و آرایش دنیا مشغول کردد آسیاب دانیال ع کوید اکر بیند که در آسیا غله برد
و آرد همی کرد دلیل کند که از خداوند آسیاب بدو خیر و منفعت رسد اکر بیند که سنک
آسیاب بشکست یا از کار بیفتاد دلیل که خداوند آسیاب هلاک کردد اکر بیند که سنک
آسیاب بشکافت یا خللی در وی پدید آمد دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و خلل
پدید آید اکر بیند که سنک آسیا بر کسی بیفتاد دلیل که از خداوند آسیاب با مضرت رسد
ابن سیرین کوید که دیدن آسیاب بخواب جنک و خصومت بود اکر کسی خود را در آسیاب بیند
دلیل کند که او را با کسی جنک و خصومت افتد اما اکر داند که آسیاب ملک او بود
آسان تر بود و اکر بیند که در آسیاب غله نداشت لکن نکاه میکرد که آسیاب چکونه میکرد

دلیل که

باب الالف

آسیابان

آشتی کردن

آغوش کرفتن

آفتاب

دلیل که بسفر شود و اکر بیند که سنک آسیاب از مس یا برنج یا از آهن بود این جمله دلیل
بر جنک و کارزار بود و اکر بیند که سنک آسیاب از یک چیز بود دلیل کند که خصومتش
با زنان بود و اکر بیند که آسیاب سنکها از آهن بجای غله کاو میکرد دلیل کند که او را
با کسی جنک و خصومت افتد و اکر بیند که آسیاب را بدست میکردانید دلیل کند که او را
از آن ازی سختی دل بود و بواسطه او کارش بنظام نباشد حضرت صادق علیه السلام فرمود
که آسیاب در خواب دیدن دلیلش بر پنج وجه بود اول پادشاه دوم رئیس سیم توانکر
چهارم مرد دلیر چالاک پنجم خواننده اخبار پادشاه و دیدن جایکاه آسیا جای زن بزرک
بود و اکر بیند که آسیا را خراب می کرد دلیل که اندران چیزی که بر آسیا منسوبست
خراب کردد آسیابان آسیابان در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب او بود
که میکرد و چیزی بدست وی او دهند تا اهل آن خانه بدان تعیش کنند ابن سیرین کوید که
دیدن آسیابان در خواب بتاویل مردی بود که مردم را در دست او روزی بود در چون
آسیابان جوان بود بتاویل نیکو باشد و اکر بیند که آسیا بحرمت کردید با بشتر و آرد
نیکو نزد وی آمد دلیل بود که آسیابان را دولت و اقبال بود و اکر بوقت کردیدن آسیا
بانک سنک آسیا میشنود دلیل کند که آرزوی قوی کردد آشتی کردن ابن سیرین کوید
اکر بیند که کسی آشتی کرد دلیل که عمرش دراز کردد و اکر بیند که او را آشتی کسی با فساد
خواند دلیل که وی را بصلاح خیر دعوت خواند اکر بیند که در خشم کسی را بصلاح دین
میخواند دلیل که وی را بفساد و راه شر خواند حضرت صادق ع میفرماید که آشتی کردن در
خواب دلیل کند بر سه وجه اول درازی عمر دوم برفتن سیم بر بهبود و اعتقاد بسند
آغوش کرفتن کرمانی کوید اکر کسی بیند که معروفی را آغوش کرفت دلیل کند که او را از کسی
مستور بود و مصلحی از وی خیر دین یابد و اکر بیند که کودکی را در آغوش کرفت دلیل
بود که خواستکاری محبت فرزند بود و اکر بیند که شیر را در آغوش کرفت دلیل بود که
با دشمن صلح کند آفتاب دانیال ع کوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرکوار
اکر بیند که آفتاب را از آسمان فرا کرفت یا در برابر خویش کرفت دلیل که پادشاهی و بزرکی

پادشاهی و بزرکی

باید یا دوست و مقرب پادشاه گردد و اگر بیند که خود آفتاب شده دلیل کند که پادشا
گردد بر قدر روشنائی آفتاب اگر از اهل آن باشد و اگر اهل آن نباشد بر قدر همت
و اصل خویش بزرگی و حشمت یابد و اگر بیند که با آفتاب جنگ بود دلیل که با پادشاه یا
از جمله خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماه مقیم شده دلیل که
پادشاه گرد در مملکت بموی مقیم گردد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بستد دلیل که
ملک از پادشاه بزرگ بستاند و اگر بیند که آفتاب بی افزا گرفت لیکن نه از آسمان و نور
شعاع نداشت و نیز تابید بیرون هم نبود دلیل کند که از غمها فرج یابد و اگر بیند که آفتاب
تیره و تاریک بود و جای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج گاو ماهای وی شود ابن سیرین
گوید که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود و ماه وزیر او و نجوم زن پادشاه و عطارد
دبیر پادشاه و مریخ پهلوان پادشاه و ستاره گان دیگر لشکر او بود جابر مغربی گوید که آفتاب
در خواب پدر بود و ماه مادر بود و ستاره گان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی
کلام در قصه یوسف یاد کرده است قوله تعالی انی رایت احد عشر کوکبا والشمس والقمر
رایتهم لی ساجدین و هر نقصان و نقصانی که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و
برادران بود و اگر بیند که آفتاب در شد و با گریبان او برآمد در خانه روی تافت دلیل کند
که از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشانید دلیل که
حال بر پادشاه سفر گردد و احوالش بد شود خاصه وقتی که بیند که آفتاب منکسف گردید و
اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد و لیکن زود بهتر شود
و اگر بیند که بر جرم آفتاب دستی یا دستش زرد هشتبر بود و از دست برای دست زد دلیل که از
پادشاه او را قوت و یاری بود و اگر بیند که آن دست بگسست او بیفتاد دلیل که از بزرگی و حرمت
بیفتد و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر گردد و اگر بیند
که آفتاب با ماه یا جمله ستاره گان در یکجا جمع شدند و او جمله را بگرفت و نور ایشان بستد
دلیل که پادشاهی جهان بگیرد و پادشاهان جهان جمله مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب
و ماه و ستاره گان را بگرفت و همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که بیننده خواب هلاک گردد

ظالم کاهم

باب الالف

خاصه که ظالم و ستمکر بود کرمانی گوید اگر بیند که در میان آفتاب نقطه سیاه بود دلیل که
پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو پادشاه را باهم جنگ و خصومت بود
دلیل که دو پادشاه را باهم جنگ و خصومت افتد اگر بیند که آفتاب بر زمین آمد و هیچ نور
نداشت دلیل بود که پادشاه آن دیار معزول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را
بدست خویش دید سیاه گردیده دلیل که پادشاه را عیب بزرگ رسد و او را بنیاز از آن بهره
بود و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شد و ناپدید گردید دلیل که پادشاه از دنیا رحلت
کند و عامه مردم را غم و اندوه رسد و اگر بیند که ابر آفتاب را و ستاره گان را همی پوشانید
دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمن هزیمت شوند و اگر بیند که آفتاب را همی پرستیدی
که با پادشاهی نزدیک مقرب گردد و اسمعیل اشعث گوید اگر دید کسی بر فلک نشست و روی
با آفتاب کرد پس دیگر بار روی از آفتاب بگردانید دلیل که اگر نخست کافر بوده پس مسلمان
گردد و بعاقبت کافر گردد و اگر بیند که آفتاب بلرزید دلیل بود که پادشاه آن دیار را بجهت چیزی
جزئی رنجی رسد از جائیکه امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت دلیل کند که از پادشا
جاه و حشمت و بزرگی یابد حضرت صادق ع فرماید دیدن آفتاب بر هشت وجه بود اول خلیفه
دوم سلطان بزرگ سیم رئیس چهارم عامل بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت عیش
هفتم مرد از زن و زن از شوی هشتم کاردانش نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجده کردی
دلیل که سلطان او را بنوازد و مقرب خود گرداند و کار وی بالا گیرد و عدل و انصاف
ورزد پس و امراء دیار ببیند باید و شعاع آفتاب بخواب دیدن ضیاء او بود که گفتم آفتاب

افتابه

ابن سیرین گوید که آفتاب در خواب زن خادمه بود یا کنیزک که چراغ خانه بدو روشن کنند
و بعضی معبران گفته اند که آفتاب خادم قومی بود که آن قوم بطاعت او کرها بسند
از معصیت پرهیز کنند و اگر بیند که آفتاب نور داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که وی را
خادم یا کنیزکی حاصل گردد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که آفتاب بر تکست دلیل که خادم
یا کنیزک بیمار گردد یا بمیرد و اگر بیند که آفتاب از او ضایع گردید دلیل که خادم یا کنیزک
وی بمیرد یا بگریزد یا از او جدا گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آفتاب بر د

خواب بر نه وجه بود اول دین دوم خادم سیم کنیزک چهارم قوام پنجم تن ششم
عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم راحت از جهت زنان

الج

بدانکه الج را بتازی [...] گویند اگر کسی در خواب بیند که الج همی خورد دلیل که او را رنج و
بیماری رسد بقدر ان کرمانی گوید اگر بیند که الج داشت یا بکسی داد یا ان را از خانه
بیرون ریخت و از او بخورد دلیل که از رنج و بیماری ایمن گردد و علی الجمله خوردن الج
در خواب رنج است و هیچ خیر و منفعت نباشد

اماس

ابن سیرین گوید که دیدن اماس در
خواب مال بود اگر بیند که بر تن او اماس پدید امده بود دلیل کند که بقدر ان او را
مال حاصل گردد خاصه چون که در ان اماس ریم بیند که بسیار بود کرمانی گوید اگر
بیند که بر تن او اماس بود بینا که از وی ریم [...] دلیل که بقدر ان مال حلال یابد
اگر اماس چنان باشد که بد و ریم [...] دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق ع میفرماید
که دیدن اماس بر تن پنج وجه بود اول مال [...] زیاده گردد دوم زنی با منفعت خواهد
سیم پسر اورد چهارم حاجتش روا گردد پنجم از غمها ایمن گردد و اگر مهتر [...] اس
بیند دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل گردد

آهک

دانیال گوید اگر کسی بیند
که با آهک سوی از تن گسترده دلیل که اگر مال دارد بقدر ان سوی که گسترده بود او را مال
حاصل گردد و اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر وام دارد وامش گذارده گردد ابن سیرین
گوید آهک دیدن در خواب توانگر را زیادتی مال بود و درویش را گذاردن وام و
کافران را اسلام مسلمانی باشد حضرت صادق ع فرماید که آهک در خواب بر سه وجه
بود اول خیر بد بود دوم سختیهای [...] ناخوش سیم کارهای دشوار و عمارت کردن بر
آهک دیدن دلیل بد بود

آهن

ابن سیرین گوید که آهن معمول بخواب دیدن خادم بود و اگر
نامعمول بود از چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آهن و اگر کسی بیند که آهن بوی
دادند دلیل که از متاع دنیا بقدر آن آهن کسی چیزی بدو بخشد کرمانی گوید که هر
آهن که کسی بخواب بیند که ان بسبب صلاح دارد آن منسوب بپادشاه بود چنانکه
خدای عز و جل در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی و انزلنا الحدید فیه باس

شدید

باب الالف

شدید و منافع للناس و اگر بیند که آهن از سنگ بیرون می اورد دلیل کند که او را
سختی پیش اید قوله تعالی قل کونوا حجارة او حدیدا او خلقا مما یکبر فی صدورکم [...]
معبری گوید اگر کسی بخواب بیند که آهنگری میکرد و نیز از اهل ان کار بود دلیل کند
که او را با کسی خصومت افتد و اگر آهنگر بود دلیل کند بر خیر و منفعت و بعضی از
معبران گفته اند که آهنگر بتاویل پادشاه بزرگ بود و دادگر ابن سیرین گوید که دیدن
آهنگر بخواب چون معروف بود دلیل پادشاه بود و اگر معروف نبود تاویل [...]
[...] بود با آهنگر یاد کرده و اگر بیند که آهن پاره همی گداخت دلیل کند که اینکس مردم را
غیبت کند و زشتی گوید حضرت صادق ع میفرماید هر چیز که از آهن بخواب بیند که ان
سوزن بود ان هم منفعت و قوت [...] و توانائی و ظفر یافتن بر دشمن بود

آهو دیدن

کرمانی گوید اگر بیند که آهو را گرفت دلیل که کنیزکی خوبروی وی را حاصل گردد و اگر
بیند که کاری آهو را ببرید دلیل که دوشیزگی دختری را ببرد که [...] و اگر بیند که آهو را از
قفا گلو ببرید دلیل که با کنیزکی بخلاف شریعت مجامعت کند و اگر بیند که پوست آهو را
بکند دلیل که با زنی عزیز زنا کند و اگر بیند که پوست آهو را با گوشت آهو خورد دلیل که او را
از زنی خوبروی مال حاصل گردد و اگر بیند که پوست آهو یا گوشت یا پیه او را غنیمت(?)
شد دلیل که او را از زن مال رسد و اگر بیند که آهو را بکشت دلیل که از قبل زن اندوه
کین کرده ابن سیرین گوید اگر بیند که [...] آهو را [...] دلیل کنیزکی یا زنی را
دوشیزگی ببرد و اگر بیند که آهو را وقت شکار بیفکند دلیل که غنیمت یابد و اگر
بیند که آهو در خانه او بمرد دلیل که از جهت زن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که
آهو را بسنگ یا بتیر زد دلیل که سخن ناسزا گوید زنی را جابر مغربی گوید اگر بیند بچه
آهو را فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل که [...] از کنیزکی عزیز [...] حضرت صادق ع میفرماید
که دیدن آهو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم فرزند چهارم منفعت
از زنان

آوان

ابن سیرین گوید که آوان مرد در خواب چون بلند بود دلیل کند که در میان
مردم بزرگی یابد اگر کسی بیند که آواز وی بلند گشته بود دلیل کند بر [...] بلندی آواز

دام

آویختن

ونام وبانکی که بلندکرده اکر بیند کراواز ش ضعیف کشته بود دلیل که بانک و نامش ضعیف
کرده چنانکه کس باد او نکند کرمانی کوید بلندی اواز مردان دلیل بر شرف و بلندی
نام کند اما بلندی اواز زنان در خواب نیکو نباشد و بخلاف اواز مردان بود او بختن
دانیال ع کوید اکر کسی بیند که پادشاه فرمود تا اورا بیاویزند دلیل که از پادشاه
حشمت و جاه و بزرکی یابد لیکن دلیل که در دینش خلل افتد واکر بیند که هنکام اویختن
مردمان نظر در وی میکردند دلیل که بر عدد ان قوم مهتری و فرمان روائی یابد اکر
بیند که کروهی جمع شدند و ورا بیاویختند دلیل که بران قوم مهتر و فرمان روا
کردد اکر بیند که پیری مجهول ویرا بیاویخت و مردمان بنظارهٔ او همی بودند دلیل
که بر خلق جهان فرمان روا کردد چون بیند که خویشان بنظارهٔ او همی بودند واکر
بیند که خویشتن را بیاویخت و هیچکس در وی نظاره نکرد بلکه خود را او بخنه همی دید
دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند لیکن کسی مطیع او نکردد جابر کوید
چون ویرا اویخته بودند ریسمان بریده و بیفتاد دلیل که از بزرکی و جاه و حرمت بیفتد اینه
ابن سیرین کوید که اینه در خواب جاه و ولایت بود اکر بیند که اینه داشت یا کسی اینه
بوی داد دلیل کند که بقدر بزرکی اینه جاه و منزلت و ولایت و نعمت یابد و اکر بیند که اینه
بکسی داد دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی نهد و اکر بیند که در ائینه سیمین نکاه میکرد
دلیل که از حرمت و جاه خویش کراهت بیند زیرا که معبران اینه سیمین را مکروه بینند و دانند
کرمانی کوید که اکر مردی را اینه اهنین همی نکرید دلیل که اکر زن وی حامله بود پسر
اورد که بهمه چیزها مانند پدر بود و اکر زن بیند که در اینه مینکریست و ابستن بود
دلیل که دختر اورد که بهمه چیزها مانند مادر بود و اکر زن ابستن نباشد دلیل که شوهر
او را طلاق دهد و زن دیکر بخواهد یا ان زن شوهری دیکر کند و اکر پسر بیند که در
اینه نظر میکرد دلیل که او را برادری اید و اکر دختری نکاه کند ویرا خواهری اید
اکر پادشاه یا عاملی نکاه کند معزول کردد و ولایت از دست او برود و کسی دیکر بجای
او نشیند جابر مغربی کوید که روی نیکو در خواب اکر در اینه دید چون معروف بود

آینه

باب الالف

ابر

پادشاه بود و اکر معروف نباشد تاویل نیک بد هر چه دیده باشد با اینه باز کردد
حضرت صادق ع میفرماید که دیدن اینه بخواب شش وجه بود اول زن دویم پسر سیم
جاه و فرمان چهارم یار و دوستان پنجم انباز ششم کار در ویش .... و کوید اکر
مردی غریب اینه در خواب بیند دلیل که زن خواهد و بزرکی یابد و اکر دختر بیند دلیل
که شوهر خواهد و شوهر عزیز و کرامی بود و اکر بیند که مردی مجهول اینه بدو داد و
در وی نکریست دلیل که بدیدن دوستی غایب شاد کردد ابر دیدن در خواب دانیال ع
کوید که ابر بخواب دیدن بر شش نوع بود اول ابر سفید و سیاه و سرخ و زرد و ابر بارنده
و نابارنده و هر یکرا تعبیر مخصوص است و اکر کسی خویشتن را در زیر ابر سفید بارنده دید
دلیل که خدای عز و جل وی را علم و حکمت ارزانی دارد و مردمان را از علم و حکمت او منفعت
رسد و اکر بیند که در زیر ابر زرد بود دلیل که بیمار کردد و بعضی از معبران کفته اند که زنی
خواهد و از وی غم و رنج و اندوه کشد اکر بیند که در زیر ابر سرخ بود دلیل که بمحنت و بلا
کرفتار کردد زیرا که خدای عز و جل هر قومی که عذاب فرستادی نخست ابر سرخ بر فراز ان
ظاهر شدی و اکر بیند که بر فراز ابر سبز راست بایستاد دلیل که بقدر ان فرمان روائی یابد
و اکر بیند که ابر بر سر وی میکذشت دلیل که او را با کسی نیکو جاه و نیکو عهد صحبت افتد و مراد ش
از وی حاصل کردد ابن سیرین کوید اکر بیند که ابر باد در هوا همی راند دلیل که او را با
علما و حکما صحبت افتد و اکر این خواب را پادشاه بیند دلیل که در ولایت خویش
رسولان و صاحب خبران فرستد و اکر بیند که ابر را از هوا بکرفت بزمین اورد
دلیل که کارش نیکو کردد و بزرکی یابد و علم حاصل کند و اکر بیند که ابر بر سر وی
سایه همی کرد دلیل کند در ان سال خیر و نعمت بسیار یابد قوله تعالی و ظللنا علیهم الغمام
وانزلنا علیهم المن والسلوی کلوا و اکر بیند که از ابر جامه بر دوخت بود و در پوشید
دلیل کند که چندان علم حاصل کند که کس را نبود و اکر بیند که ابر را جمع کرد یا بر داشت
یا بخورد دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش یکانه کردد جابر مغربی
کوید اکر بیند که ابر را میخورد دلیل کند که معیشت او از حکمت بود و اکر بیند که ابر

سیاه بر فراز موضع جائی گسترده بود دلیل بر خشم و عذاب حقتعالی بود بر اهل آن
شهر که در آن اندر آن ابر سیاه تر بینند و عذاب حقتعالی نزدیک بود و اگر با ابر باران
بیند دلیل بر رحمت و خیرات کند و اگر بیند که از ابر باران همی خورد دلیل که بقدر
آن در رحمت و نیکوئی رسد و اگر با ابر باران و رعد سخت بود دلیل کند بر ترس و
دعای مادر و پدر یا از دعای مسلمانان و اگر با رعد برق بیند این عذابها سخت‌تر
و قوی‌تر بود و اگر بیند با برق صاعقه را عذاب صعب‌تر بود و اگر بیند که در
خانه وی و جایگاه نشستن ابر گسترده شده است دلیل کند که فرزندان را و اهل بیتش را
حکمت بود و دانش نیز حاصل کرده بر قدر تنگی و تاریکی حضرت صادق فرماید که
ابر بخواب دیدن بر نه وجه بود اول حکمت دوم سیاست سیم پادشاهی چهارم رحمة
پنجم پرهیزکاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل اشعث گوید که ابر
سیاه بخواب دلیل بیم و ترس و سختی بود و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه
بود و اما آن ابر که از کنار دریا آید که بتازی آن را اسفنج خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود
بر قدر آنچه دیده بود

ابروها

ابروها ابن سیرین گوید که ابروها دیدن بخواب دین بود و اگر بیند
که ابروهایش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود دلیل کند که زینت وی تمام و کمال
بود و اگر بیند که ابروهایش فرو ریخت تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که ابرو
نداشت یا موی ابرویش فرو ریخت دلیل که اصل چیزی کند که از آن چیز وی را نامی و فضل
کند که وی را نیکنامی و صلاح دین ... دلیل ... دین حاصل کرده و اگر بخلاف این بود
بود دلیل ... حاصل آید و اگر بیند که ابروهایش سفید گشته بود دلیل که علم و دانش کم شود یا ... گردد
مالش را نقصان پدید آید جابر مغربی گوید اگر ابروی خویش را بجنبانید و دیگران ... دلیل
که اگر در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته‌اند که دلیل بر نقصان دین وی کند

ابریشم

ابریشم ... آنکه نادر ابریشم هیچ تاویل تر بود و در حرف ثاء گفته شود و خواهد شد

ابلیس

ابلیس لعنه الله دانیال گوید که دیدن ابلیس بخواب دلیل بر دشمنی بود بد دین و دروغ زن و فریب بیننده

باب الالف

و بیشرم و نومید از نیکی و مردمان را همیشه بکارهای امور و شر فرماید اگر بیند که با ابلیس در
جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد دلیل که وی را بخیر و صلاح میل بود اگر بیند که ابلیس بر وی
غلبه کرد دلیل کند که براه شر و فساد مایل بود و اگر بیند که ابلیس با وی سخن میگفت دلیل
کند که او را اندر راه بگرداند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که ابلیس او را نصیحت میکرد
و برا خوش می آمد دلیل که او را هم بمال و هم بتن مضرت رسد و اگر بیند که ابلیس شاد و بگوید
و بجای منبر رفت و گفت لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بگناه بزرگ مبتلا گردد
و بعد از آن توبه نصیحت کند از آن گناه باز ایستد و اگر بیند که ابلیس را بو کردن غل نهاد دلیل که اهل
دین و صلاح را شادی رسد اگر بیند که ابلیس ضعیف و درمانده بود دلیل که علما و مردمان
مصلح را قوت بود کرمانی گوید اگر بیند که ابلیس را مطیع شد دلیل که هوای نفس مبتلا گردد
و اگر بیند که ابلیس چیزی بر او عطا داد اگر آن چیز نیک بود دلیل که مال حرام یابد و اگر آن چیز بد
بود دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که ابلیس شاد و خرم بود دلیل که کار مردمان بفساد
قوی گردد و اگر بیند که ابلیس خواست شمشیر زند و هلاک کند و بگریخت دلیل کند که
ولایت بد ... او زود و صدق و انصاف کند اگر بیند که ابلیس را بکشت دلیل که نفس خود را قهر
کند و تاویلش ...

ارزیز

ارزیز ابن سیرین گوید اگر بیند که ارزیز بسیار داشت دلیل که بقدر آن
وی را چیزی از متاع دنیا حاصل کرد و ذکر ارزیز آنها بود چون کاسه و طبق و مانند این
دانند که ملک او نیست دلیل که بقدر آن وی را خدمتکار و چاکر بود کرمانی گوید اگر بیند
که ارزیز همی گداخت دلیل بود که در زبان مردم افتد حضرت صادق فرماید که دیدن
ارزیز در خواب سه وجه بود اول منفعت دوم خدمتکار سیم متاع خانه

ارش

ارش ابن سیرین گوید
اگر بیند که بارش یا چیزی دیگر همی پیمود او را سود و منفعت بود جابر گوید اگر بیند که رسن
با جامه پشمین بود دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام بدست آورد

اره

اره ابن سیرین گوید اگر در خواب
بیند که باره درختی را برید دلیل کند که از صحبت مردی که تعلق بان درخت دارد
مفارقت جوید و او را بیازارد و تاویل هر درختی در حرف دال بیان کنیم و اگر بیند
که فرزندان یا برادران یا خواهر خویش را باره ببرید و پاره پاره کرد دلیل که مانند این ...

دیگر بیابد یا برادر یا خواهر کرمانی گوید اگر ببیند که ان قرا گوشت یا بخرید یا کسی بدو داد
دلیل که اگر پسر دارد وی را پسری دیگر اید و اگر دختر دارد وی را دختری دیگر اید و اگر فرزند
ندارد چهار پای اید دلیل که وی را چهار پایی مثل ان حاصل گردد حضرت صادق گفت [illegible]
که ان در خواب دیدن بر سه وجه بود اول فرزند دوم خواهر یا برادر سیم ابنا. ایزار ابن

ایزار

سیرین گوید که ازار در خواب زن بود اگر ببیند که ازار در میان بست دلیل که زن خواهد یا
کنیزکی خرد و اگر ببیند که ازار وی ضایع شد دلیل که از زن جدا گردد و اگر ببیند که ازار
بدرید دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر ببیند که ازار وی باتش سوخت دلیل افت و بیماری
زن بود جابر گوید اگر ببیند که ازار وش پشمین یا پنبه بود دلیل که زن او مستوره و دیندار
بود اگر ببیند که ازار کهن و چرکن داشت تاویلش بخلاف این بود و اگر ببیند که ازار قزین یا ابریشمین
داشت دلیل که وی را معاشر با متکبر بود پیغمبری دانیال گوید اگر ببیند که او پیغمبری شده

پیغمبری

جمله پیغمبران و خلق را بخدا میخواند و راه توحید همی نمود دلیل که رنجش بر محنت و بلا گرفتار
گردد و بعد از ان بر دشمنان ظفر یابد و اگر ببیند که زهد و مصلحی داشت همین دلیل کند لکن
محنت و بلای وی در دنیا کمتر از ان بود و اگر ببیند که او محتشم و توانگر گردید نعمت دنیا بر وی فراخ
گردد اما دین او تباه گردد کرمانی گوید اگر ببیند که نام وی متغیر شد چنانکه او را بنام نیک خواندند
چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی و مثل این دلیل بود که او را بخیر و نیکی یاد کنند
و اگر بخلاف این ببیند مردمان وی را به شر و بدی یاد کنند و اگر ببیند که او پادشاه یا امیر یا قاضی
شد دلیل که در شغل خویش عدل و انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این ببیند دلیل شر و بدی بود
جابر گوید اگر ببیند که بحال صلاح بغتا مبدل شد دلیل کند بر بخیی و ادباری وی اگر بخلاف
این ببیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیای وی اژدها ابن سیرین گوید اژدها بخواب

اژدها

دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود اگر ببیند که اژدهای داشت دلیل که با بزرگان پیوندد
اگر ببیند که با اژدها جنگ همی کرد و بر او ظفر شد دلیل که بر دشمن او در جنگ و خصومت افتد
و سرانجام دشمن را قهر کند اگر ببیند که اژدها را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر دشمن ظفر
یابد و مال بستاند و قهر کند جابر گوید اگر ببیند که اژدها او را بخورد دلیل که بیم از دشمن

بود که دشمن وی را هلاک کند اگر ببیند که بر پشت اژدها نشسته بود و اژدها وی را مطیع [illegible]
بر او بود دلیل که دشمن بزرگ وی را مطیع و فرمانبر گردد و کارها او بنظام گردد اسپندان

اسپندان

کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل غم بود اگر ببیند که اسپندان همی خورد دلیل که بقدر ان
وی را غم و اندوه رسد اگر ببیند که کسی اسپندان بدو داد دلیل که غم از انکس بر دل وی حاصل
گردد اگر ببیند که اسپندان او بکسی داد غم از وی بر دل او حاصل گردد اسمعیل اشعث گوید که
ببیند که اسپندان داشت لکن نخورد یا بکسی داد یا از خانه بیرون افکند دلیل که او را غم و اندوه
کمتر بود اسب دانیال گوید اگر ببیند که اسب تازی را بخواب دید دلیل بزرگی و عز و جاه بود اگر ببیند

اسب

که بر اسب تازی نشسته بود و ان اسب مطیع و فرمانبر بود دلیل که عز و بزرگی و دولت یابد بر [illegible]
نیکویی و قیمت اسب اگر ببیند که اسب یابو اگرچه فنر تازی بود یا کسی بدو داد و بر وی نشست دلیل
که شرف و بزرگی یابد لیکن کمتر از انکه در اسب تازی گفتیم و اگر ببیند که از ان اسب چیزی کم بود یا
زین یا نمد زین یا لگام دلیل که بر مقدار ان نقصان در بزرگی او بود اگر ببیند که اسب برا ذنب بود
و دراز بود دلیل که بوقد ان وی را خادمان باشند و چاکران و اگر ببیند که ذنب اسب بریده بود
دلیل که وی را خادمان و چاکران نباشند اگر ببیند چیزی از اندام اسب ناقص بود دلیل که نقصان
ان از عز و شرف و نقصان بود اگر ببیند که با اسب خانه نبرد همی کرد و اسب غالب بود و فرمان بر وی
نبرد دلیل که معصیت و گناه کند محمد بن سیرین گوید اگر ببیند که بر اسب برهنه نشسته بود دلیل که
مصیبت و معصیت و گناه او بیشتر بود اگر ان اسب از ان کسی دیگر بود انچه گفتیم خداوند اسب را بود
اگر ببیند که اسب برهنه بود لکن مطیع او شد دلیل بر بزرگی و شرف وی بود و اگر ببیند که بر اسبی نشسته
بود و ان اسب بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود دلیل انچه گفتیم از گناه بیشتر و صعبتر کند
اگر بیند که بر اسب نشسته بود و ان اسب در هوا می پرید یا ببیند که ان اسب را پرها بود و چون مرغ
همی پرید دلیل که وی را شرف و بزرگی بود در دین و دنیا و باشد که خدای تعالی وی را [illegible] کند کرمانی
گوید اگر ببیند که بر اسب بلق نشسته بود دلیل که کاری کند که بر وی گواهی دهند و اگر ببیند که
بر اسب سیاه نشسته بود دلیل که کاری کند که وی را مال و شهرت حاصل گردد و اگر ببیند که بر اسب
کمیت نشسته بود دلیل که از پادشا قوت و بزرگی یابد و اگر ببیند که بر اسب اشقر بود دلیل کند

بصلاح دین وحرمت او از پادشاه واگر بیند که بر اسب ادبر بود دلیل که اندک بیماری یابد واگر
بر اسب بیسند همین دلیل بود واگر بیند که بر اسب جرمه بود دلیل بر خیر وصلاح کند واگر بیند
که بر اسب سلیمن بود دلیل کند که زن خواهد واگر بیند که از اسب فرو آمد دلیل که او شرف
وبزرگی بیفتد واگر بیند که از اسب برهنه فرود آمد دلیل که از گناه ومعصیت باز ایستد
اگر بیند که بر اسب نشسته بود وسلاح تمام پوشیده دلیل که شرف وبزرگی یابد چنانکه کسی
از ان مانع نباشد ودشمن برو ظفر نیابد واگر بیند که اسب را همی تاخت تا خنک دلیل که
از وی گناهی در وجود اید تا ترس وهمی بدو رسد بر قدر تاختن اسب واگر بیند که بر اسب نشسته
بود واسب او را در مسجد برد دلیل که هیچ خیر اندر این نبود مگر بیند که اسب او را از انجا بیرون برد
واگر بیند که اسب او را مراغه همی کرد دلیل که مال ودولت یابد واگر بیند که اسب با وی سخن
گفت دلیل بود که کاری کند که مردمان از ان بشگفت آیند واگر بیند که اسب بیگانه در سرای
وی در آمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام ودر سرا یا در کوچه وی در آید بقصد وی
اسب دیدار انجا مقام سازد واگر بیند که اسبی در کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نام دار
در کوچه او غایب کردد یا بمیرد جابر گوید اگر بیند که اسب ماده یافت اگر کسی بدو داد و
بر وی نشست دلیل کند که زن خواهد وبر وی مبارک بود اگر بیند ان ماده یان نیکو نسب بود دلیل
کند که ان زن شریف ونامدار باشد واگر بیند که ان ماده یان ابلق بود دلیل کند که زن را
مادر وپدر از یک نسل نباشد واگر ان ماده یان اجرمه باشد دلیل کند که ان زن خوب روی وبا جمال
بود واگر ان ماده یان سبز رنگ باشد دلیل که ان زن دیندار وپرهیزگار باشد واگر اشقر بود
دلیل که ان زن عزیز وخداوند جاه بود واگر کمیت بود دلیل که ان زن معاشر وطرب وشیت بود
اگر بیند که ان ماده یان کره داشت دلیل کند که زن او فرزند بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل
که ان فرزند پسر بود واگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود واگر بیند که گوشت اسب همی خورد
دلیل که پادشاه او را خواستار کردد وبخویشتن نزدیک کند واگر بیند که در زیر
کشتی با نشسته بود دلیل کند که امیری کردد پس وی نشسته بود تابع او کردد واگر بیند که اسبان
بسیار بی زین سالار در کوچه او بودند دلیل که در ان موضع باران باید یا سیلاب روان کردد

اسمعیل

اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بر اسب مولد نشسته بود دلیل که زنی توانگر با صلاح
بزنی بخواهد واگر اهل ان نباشد یابد اگر با چنین زنی مصاحبت افتد واز او نیکویی ومنفعت
یابد واگر بیند که گوش اسب او بریده بود دلیل بود که پیغام مهتران از وی بریده گردد واگر
بیند که اسب بمرد وامد ودود بر خواست دلیل کند که بر بعضی از شغل وی خلل افتد و
دیگر بار بصلاح باز اید واگر بیند که اسب خر بد بر وی نشسته دلیل کند که زنی بی اصل
را بزنی بخواهد واگر بیند که با اسب بهوا بر شد وبعد از ان از هوا فرود امد دلیل کند که
بر دست پادشاه هلاک کردد واگر بیند که اسب نر الکن شد یا بلنگ بد دلیل که عیالش بهیمها
مشغول کرده واگر بیند که کسی اسب بر ایشان زدیده بود که عیالش هلاک کردد واگر بیند که
اسب وی کم شده دلیل که زن را طلاق دهد واگر بیند که اسب خویش را بفروخت دلیل که عزم جا
او کم کردد یا عیال از وی جدا کردد اگر بیند که بر اسب بارگونه نشسته بود دلیل که از وی
بقصد کاری منکر بد پیدا اید که در ان وی را مضرت وملامت بود جاحظ گوید که اسب بخواب
هوای بیننده نفس خواب بود واگر اسب خویش را سرکش بیند دلیل که هوای نفس او سرکش شد
واگر بیند که اسب خویش مطیع وفرمان او بود دلیل که هوای نفس او صعب تر بود بیک وبدانکه
هر اندامی از اندامهای اسب در بعضی نشانی بود از پادشاه واگر خون پادشاه را بر اسب ببیند عزم
رعیت او بود ومردم عامه را اسب بخواب دیدن عز وبخت بود واگر بیند که اسبی مجهول از
محلی بیرون امد دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برود اما خالد اصفهانی گوید که اسب بالا
بخواب بخت مرد بود وهر چند بالائی فرمان بردارتر باشد بخت ومطیع تر وفرمان بردار
تر بود اگر بیند که اسبی بالائی در شهری یا در دهی یا در سرائی شد دلیل که مردی عجمی غریب
در انجا پدید اید واگر بیند که بر اسبی دراز دم نشسته بود دلیل کند که وی را تبع زیاده
کردد بقدر درازی دم اسب واگر بخلاف این بیند دلیل که حال بر وی بد کردد وعیش
وی تنگ کردد حضرت صادق ع فرماید دیدن اسب بخواب بر سه وجه بود اول عز
دوم مرتبت سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خیر وبرکت چنانکه رسول خدا فرمود الخیل
الخیر معقود بنواصی الخیل والبرکة الی یوم القیمة والذل فی ادبار البقر واگر بیند که بو

دوم دندان کاری دراز سیم ظفر بر دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد احمق بود و استر ماده زن نازاینده بود و استر کره منفعت و یافتن مراد بود

استخوان

استخوان ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مالی بود که مردم بدان معیشت کنند و اگر بیند که استخوان فرا گرفت و بر آن استخوان گوشت بود دلیل کند که بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد و اگر بیند که بی گوشت بود دلیل کند که اندکی خیر بدو رسد و اگر بیند که او بکسی استخوان داد دلیل که او آن کس را خبر رسد کرمانی گوید اگر بیند که استخوان کسی را شکسته بود و می بست دلیل کند که بزرگی و صنعتهای گوناگون یابد و کرداو نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار بینوائی او نوا گردد حضرت صادق فرماید که دیدن استخوان بخواب هفت جه بود اول کامل دوم مال سیم خویشان چهارم فرزندان پنجم خانه ششم برادران هفتم یار و انباز بود

استغفار

استغفار بدانکه استغفار کردن استغفر الله بود بمعنی آمرزش خواستن از خدای عز و جل ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب استغفار میکرد دلیل که ایزد تعالی او را مال و فرزند ارزانی دارد چنانکه در کلام مجید فرموده واستغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین حضرت صادق فرماید که استغفار کردن در خواب بر پنج وجه بود اول مال دوم فرزند سیم آمرزش از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان

اسطرلاب

اسطرلاب کرمانی گوید اسطرلاب در خواب بنا و یا اصحاب سلطان بود و مهتر نزدیک اگر بیند که اسطرلاب داشت یا از کسی بخرید یا کسی بدو داد دلیل که از اصحاب سلطان گردد و مهتر قومی گردد اگر بیند که اسطرلاب او ضایع گردید یا بشکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد جابر گوید اگر بیند که در اسطرلاب بآفتاب نگاه کرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول گردد از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از معبران گفته اند که اسطرلاب در خواب مردی بود که بر ایشان بنا شد و بر کارها پاینده نبود

اسفاناج

اسفاناج ابن سیرین گوید دیدن اسفاناج در خواب دلیل غم و اندیشه بود و خوردن وی دلیل بر مضرت و نقصان مال باشد تا اگر بیند که بگوشت پخته بود و در روغن و انار همی خورد دلیل بر خیر و منفعت کند بر قدر آنچه خورده بود

استر

استر ابن سیرین گوید اگر خود را بر استری مجهول بیند که شتاب همی رفت دلیل

بر استری نشسته بود دلیل که جهد وی با زن وی فنا گردد استر ابن سیرین گوید که چون استر در خواب بیند اگر مطیع بنود مردی بدخوی و چون مطیع بود نیک بود و اگر بیند که بر استری بی زین نشسته بود و فلانست که استر از آن کیست دلیل کند که بسفر رود و اگر که بر استر خویش نشسته بود چون سفر کند با سود و منفعت باید اگر بیند که بر استر زین یا پالان یا عماری نهاده بود دلیل کند که زن او نازاینده بود خاصه که داند استر ملک وی بود یا کسی او را بخشیده بود کرمانی گوید اگر بیند که بر استر ماده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر استر را بگونه سپید بیند آن زن که خواهد با جمال و خوبروی بود و اگر استر بگونه سبز بیند دلیل که آن زن دیندار و پرهیزکار بود و اگر استر بگونه سرخ بیند دلیل که آن زن مطرب و معاشر دوست بود و اگر استر بگونه زرد یا اشقر بیند دلیل که آن زن بیمارگون و زرد روی بیند و اگر استر را برهنه و دام کرده بیند دلیل کند بر مردی ضعیف جابر گوید که استر ماده در خواب مولا زاده بود و اگر استر نر بیند دلیل کند بر سفر کند و بعضی از استادان این صناعت گفته اند که استر نر مرد بود و استر ماده زن و اگر بیند که از کسی استر ماده بخرید دلیل که از کسی کنیزک بخرد و اگر بیند که استر ماده بفروخت دلیل که کنیزک بفروشد یا از کنیزک جدا گردد و اگر بیند که بر استر ماده نشسته بود دلیل کند که زن کند که هر گز وی را فرزند نیاید و اگر بیند که بر استر نر نشسته بود دلیل که عمر وی دراز بود و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که استر از پس وی میدوید دلیل که وی را غمی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند استر نوحه همی کرد دلیل کند بر زیادتی مال از جهت زنان و اگر بیند که استر با وی سخن گفت دلیل کند که کار عجب و را پیش آید که مردمان از آن شگفت آید و اگر بیند که استری را بکشت دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که استر وی بمرد یا ضایع شد دلیل کند که از زن یا کنیزک جدا گردد و اگر استر نر بود دلیل که از صحبت مردی جدا گردد و بدانکه گوشت و پوست استر مال بود و بعضی از معبران گفته اند که گوشت استر بیماری بود و اگر بیند که شیر استر همی خورد دلیل کند بر دشواری و ترس و بیم بود و بقدر آن شیر که خورده بود حضرت صادق فرماید که دیدن استر در خواب بر پنج وجه بود اول سفر یا

کند که بسفر رود و اگر بیند که بر اشتری جولان همی کرد دلیل که غمگین و متفکر گردد و اگر بیند
که بر اشتری نشسته بود و راه گم کرده میراند و نمیدانست که راه و راست کجاست دلیل که در راه
خویش فرو ماند و هیچ تدبیر آن نتوان ساخت و اگر بیند که ماده شتری یافت دلیل کند که زن
خواهد و اگر شتر با بچه بود آن زن که خواهد با فرزند بود اگر بیند که اشتر از پس او همی دوید
دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که اشتر از وی بگریخت و مطیع او نشد دلیل که اندوهگین
گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که بر اشتر مست خشم آلود نشسته بود دلیل که بر مردی بزرگ غلبه
کند و اگر بیند که با اشتر جنگ نبرد میکرد دلیل که با مردی عجمی که او دشمن بود مر او را با او
خصومت افتد و اگر بیند که رمه اشتران را همی چرانید و دانست که از مال او بود دلیل کند که
وی را ولایتی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا گردد و اگر بیند که اشتر را همی دوشید دلیل
که از پادشاه مال یابد بر قدر آن شیر که دوشیده بود و اگر بیند که بجای شیر از پستان شتر
خون آمد دلیل که آن مال که بدست رسد حرام بود و اگر بیند که ماده شتری کسی بدو بخشید یا
از کسی او بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک بخرد یا اگر بیند که ماده شتری که از آن او بود بگریخت
یا دزد ببرد دلیل که از زن جدا شود یا در میان ایشان خصومت افتد و اگر بیند که ماده شتر او
بمرد دلیل که زنش بمیرد اگر بیند که شتر بچه آورد دلیل که زنش بچه آورد و مالش زیاده گردد
و اگر بیند که ماده شتری بدید با مشکل که دارد بر سد اگر بیند که گوشت شتر میخورد دلیل
که بیمار گردد کرمانی گوید اگر بیند که کسی گوشت اشتر میخورد بدو داد دلیل که مال یابد
بقدر گوشت اشتر و اگر بیند که اشتر را قربانی میکرد و گوشت او بهر کسی داد دلیل که مردی
بزرگ در آنجا قربانی گردد یا بمیرد و اگر بیند که اشتری مجهول در پس او همی آمد دلیل که سرگشته
و متفکر گردد و اگر بیند که اشتر را قهر در بون خویش کرد دلیل که دشمن را مقهور در بون خویش
کند و اگر بیند که رمه اشتران در زمینی یا در دهی جمع میکردند دلیل که در آنجا دشمن جمع
شود یا سیل در آنجا خرابی کند یا بیماری در مردم آن موضع مستولی گردد و اگر بیند که اشتران
بار گندم و جو داشتند دلیل که از آن دشمن خیر و برکت بود جابر گوید اگر بیند که بر اشتر بیگانه
نشسته بود دلیل که اندوهگین گردد و اگر بیند که از اندام شتر وی خون زایل شد دلیل

که سعادت

با مال
... نکرد
نبیند که

که سعادت و نعمت دنیا یابد بقدر آن خون و اگر بیند که بها اشتری میکشید دلیل که با مردی
فرمانبردار او را خصومت افتد اگر بیند که در بیابان اشتر بسیار یافت دلیل که بر مردی
فرمان روائی یابد بر جماعت و اگر بیند که دو اشتر بیافت دلیل که مال یابد اگر کسی وی را
شتری داد دلیل که بقدر و قیمت آن منفعت یابد از کسی اگر بیند که قومی شتری بکشتند گوشت
آن را قسمت کردند دلیل کند که در آن موضع مردی بزرگ بمیرد و مال وی را قسمت کنند میراث
اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اشتران بسیار داشت و دانست که آن جمله ملک وی است از اشتران
اعرابی بودند دلیل که در دیار عرب پادشاه گردد و اگر اشتران عجمی بودند دلیل که در دیار
عجم پادشاه گردد و اگر زنی بیند که اشتر بر ابجورد دلیل که از پادشاه مال و نعمت یابد و بدانکه
پوست اشتر نیز همین دلیل دارد و بعضی از معبران گفته اند که میراث یابد اگر بیند که اشتر با او
سخن گفت دلیل که خیر و نیکی بدو رسد حضرت صادق ع فرماید دیدن اشتر در خواب بر ده وجه
بود اول پادشاه عجمی دوم مردی امیر سیم مرد مؤمن چهارم سیل پنجم فتنه ششم بادانی هفتم
زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و اشتر عربی دلیل بر مردم عرب کند و اشتر عجمی دلیل بر مردم
عجم و بدانکه اشتر بانی نیا و بیل خداوند تدبیر و ولایت بود و داشت کننده کارها بود و هم
چنین است

اشتر مرغ

اشتر مرغ ابن سیرین گوید که اشتر مرغ در خواب مردی بیابانی بود اگر اشتر مرغ ماده
بود زن بیابانی بود اگر بیند که اشتر مرغ ماده گرفت یا کسی بدو داد دلیل که زنی بدین صفت
که گفتیم بخواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که بر اشتر مرغ نشسته بود دلیل کند که بسفر بیابان
رود و بعضی از معبران گفته اند که بر مردی بیابان نشین غالب گردد و بکاری بزرگ رسد
کرمانی گوید اگر بیند که اشتر مرغ را بکشت دلیل که بر مردی بیابانی دست یابد و او را قهر
کند و اگر بیند که خایه اشتر مرغ یا پرها یا استخوان او داشت دلیل که از مردی بیابانی خیر و مال
حاصل کند و اگر بیند که بچه اشتر مرغ داشت دلیل کند که فرزند مردی بیابانی ورا حاصل
گردد جابر گوید اگر بیند با اشتر مرغ بنشست و آن اشتر مرغ ورا مطیع بود و او را در
هوا برد و دیگر باره از هوا بزمین آمد دلیل که با مردی بیابانی بسفر دور شود و باز آید با
سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بیند بد بود

اشتر غاز

اشتر غاز ابن سیرین گوید که دیدن

اشترغاز بخواب دلیل غم واندوه بود و اگر بیند که اشترغاز گرفت یا کسی بدو داد
وازاو همی خورد دلیل کند که بقدر آن غم واندوه خورد و اگر بیند که وی از او بکسی داد
یا بفروخت دلیل که از غم واندوه رسته گردد و اگر بیند که اشترغاز داشت و بخورد اشتر
همی داد دلیل که آنکس از بهر آن اشتر آید و همگین. اشک گریانی گوید اگر بیند که اشک سرد از چشم
او همی بارید دلیل کند که شادی و خرمی یابد و اگر بیند که اشک بارید دلیل که غمگین و دردمند گردد و اگر
بیند که بی گریستن اشک بروی او بود دلیل که ویرا بعضی طعنه زنند و اگر بیند که در چشم وی
بجای اشک گرد و خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن مالی حلال بی رنج بدو رسد و اگر بیند که
اشک بروی او فرود آمد دلیل که مال خویش را هزینه کند. حضرت صادق فرماید که در خواب
دیدن اشک که از چشم پدید بر سه وجه بود اول شادی و خرمی دوم غم و اندوه سیم نعمت بود. اشنان
ابن سیرین گوید دیدن اشنان بخواب دلیل بر غم واندوه کند و خوردن او دلیل بر بیماری. اصلع بدانکه
اصلع بتازی دوع سر بود ابن سیرین گوید اگر کسی اصلع سر بخواب بیند که بر سر او موی رسته
بود دلیل که او را مالی اندک حاصل گردد و اگر بیند که او اصلع شد دلیل که از غم واندوه رسته
گردد اما اگر زنی بیند که اصلع شد دلیل که وی زینت و آرایش و نقصان پذیرد. کرمانی گوید
اصلع دیدن بخواب بازرگانان را فایده بود و پیشکاران را کسب و صناعت و پادشاه را تفکر و زنان را
نقصان زینت بود. افروشه ابن سیرین گوید که افروشه را بهتر بود که در وی زعفران نباشد چون
اندک بیند سخن خوش و لطیف خوش بود و چون بسیار بیند نیکو بود که رنج و سختی بدبستاورد و اگر
بیند که اندک افروشه کسی باوداد و بخورد دلیل کند که از آنکس سخن لطیف شنود چنانکه موافق
طبع بود و اگر بیند که افروشه بسیار داشت دلیل کند که بقدر آن مال برنج و سختی حاصل کرد
حضرت صادق فرماید که خوردن افروشه بخواب بر سه وجه بود اول سخن لطیف دوم [illegible] سیم مراد
یافتنی که در دل بود. افسرده کرمانی گوید که خوردن افسرده در خواب غم واندوه بود و اگر بیند که
چیزی افسرده همی خورد دلیل که بقدر آن ویرا غم واندوه رسد و اگر بیند که افسرده کسی بدو داد و
وی بخورد دلیل کند که با کسی او را جنگ و خصومت افتد و اگر از وی هیچ نخورد از اندوه همی بگریزد
جابر مغربی گوید که خوردن افسرده در خواب دلیل کند که او را جنگ و خصومت افتد

اشک
اشنان
اصلع
افروشه

و...

باب الف

و علی الجمله هیچ چیز در خوردن افسرده بنباشد. افسون ابن سیرین گوید که افسون کردن در خواب فریفتن
مردم بود مگر آن افسون که بنامهای خدای عز و جل و با آیات قرآن بود و چون افسون کردن در خواب بیند
که او را ویرا با کسی دیگر درشفا و راحت پدید آمد دلیل که از غم و راحت بکام دل رسد و اگر بخلاف
این بیند دلیل بر غم واندوه کند. کرمانی گوید که افسون کردن بخواب کار باطل بود چون بوقت
افسون ذکر خدای عز و جل یا نکویی اگر افسون بقرآن و نامهای حق تعالی کند دلیل که آنکس کار کند
بحق و راستی و ازان ویرا خیر و صلاح دو جهان رسد. افیون ابن سیرین گوید که دیدن افیون بخواب دلیل
کند بر غم و اندیشه و خوردن وی دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند. اله دیدن دانیال گوید که اله
در خواب پادشاه قوی با هیبت و ستمکر بود چنانکه همه کس ازو بترسد اگر بیند که اله را گرفت یا کسی
بدو داد و آن اله فرمان بر و مطیع بود دلیل که در نزد پادشاه خاص و مقرب گردد و اگر بیند که اله او را
برگرفت و بر هوا برد دلیل که بفرمان پادشاه سفر کند و در آن بزرگی و ناموس یابد. ابن سیرین گوید که اله
بکوچه فرود آمد دلیل که پادشاه در آن کوچه فرود آید و اگر بیند که مردم آن کوچه اله را بکشتند آن ملک
معزول گردد یا هلاک شود و اگر بیند که اله ویرا برگرفت دلیل کند که در پناه پادشاه شود
اگر بیند که اله از دهان چیزی بدو آورد و بدو داد دلیل کند که بقدر آن چیز از آن پادشاه
عطا یابد و اگر بیند که اله از دست او بپرید و رشته یا چیزی دیگر در دست او بماند دلیل که
پادشاه بروی خشم گیرد و او را از خود دور گرداند و چیزی از مال او بستاند. کرمانی گوید
اگر بیند که اله از شکار همی گرفت دلیل که مال و خزینه پادشاه در تصرف او درآید و اگر
بیند که اله وی را بمنقار یا بچنگال بزد دلیل که او را از پادشاه زحمت و بلا رسد و مالش
بستانند و اگر بیند که با اله جنگ و نبرد همی کرد دلیل که او را با پادشاه جنگ و
خصومت بود و اگر بیند که اله بخورد یا پر او برکند دلیل کند که بقدر آن از پادشاه
مال و نعمت یابد و اگر بیند که اله بر سر و روی وی نشسته بود دلیل کند که ویرا امیری
آید و پادشاه گردد. حضرت صادق علیه السلام فرماید که اله در خواب دو
وجه بود اول پادشاه ظالم و ستمکر و خونخوار دوم عالم بی دیانت و حیله
بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که اله داشت دلیل که عمر او دراز بود. الوی سرخ ابن سیرین

افیون
اله
الوی سرخ

کوید اگر در خواب آلوی سرخ و سیاه را بوقت خود بیند دلیل بر مال و خواسته بود و آلوی
زرد دلیل بیماری کند که بیند که آلوی تند با سرخ و سیاه اگر بطعم شیرین بود فراخی نعمت با
کسی بدو داده و بخورد دلیل کند که بقدر آن مال خواسته یابد اگر بیند که آلوی زرد خورد
در وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت اگر بطعم ترش بود بتر بود ابن
سیرین کوید امامت کردن اگر بیند که در پیش قومی امامی کرد و امام شود دلیل کند که در آن
قوم مهتر گردد و جمله تابع او شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که جماعتی
انبوه در نماز بودند و وی را گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود با وی که امامی کن بدان
وقت و امامت کرد دلیل کند که در آن دیار میر و فرمان روا گردد و با ایشان عدل و راستی
کند بعد آن راستی قبله و تمام کردن نماز برکوع و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان کرد
دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود ابن سیرین کوید اگر
بیند که امامی میکرد و لیکن نشسته بود دلیل که بیمار گردد و اگر بر پهلو نشسته بود و در
نماز چیزی میخواند دلیل کند که عمر وی بسر رسد و آن قوم بروی نماز کنند و اگر امامی را بخواب بیند
دلیل که شرف و منزلت یابد بقدر شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی همی داد
یا با امام در خانه رفت یا امام او را چیزی بخشید یا با امام طعام خورد دلیل که بقدر آن
عز و اندوه بدو رسد جابر مغربی کوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود دلیل کند که پادشاه
و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در دهی یا در شهری اسمعیل اشعث کوید هر چیز
کرد امام در خویشتن زیادت بیند در ولایت و بزرگی او زیاده گردد و هر چه در آن نقصان
بیند در مال و نعمت او نقصان گردد حضرت صادق ع فرماید که امامی کردن بر خواب بر شش وجه
بود اول فرمان روائی دوم پادشاهی بعدل و انصاف سیم علم چهارم قصد کردن بکار خیر
پنجم منفعت ششم ایمنی از دشمن و اگر بیند که امامی زنان کرد دلیل کند بر کار ضعیفان والی
گردد و اگر بیند امامی از آسمان فرود آمد و ورا امامت کرد دلیل کند که رحمت بود بر اهل
زمین و اگر بیند که بر دریا نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمان روائی یابد امرود ابن سیرین
کوید که خوردن امرود بوقت خود چون سبز و شیرین بود دلیل آنکه مال حلال یابد و اگر

امرود

بکونه

باب الالف

بگونه زرد بود بیماری بود اگر بیند که امرود میخورد و زرد بود دلیل کند که بیماری کند که رنج
بهنگام او بود و اگر امرود بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین بود مال بود و اگر
ترش و ناخوش بود اندوه بود کرمانی کوید امرود سبز و شیرین بوقت خود یافتن مراد
بود و اگر بیند که امرود را همی خورد دلیل بر منفعت بود حضرت صادق ع فرماید که خوردن
امرود در خواب بر پنج وجه بود اول مال حلال دوم توانگری سیم زن چهارم یافتن مراد
پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه امرود میخورد دلیل کند که از مردی بزرگوار منفعت یابد
بقدر آنکه خورده بود انار دانیال کوید که اصل انار بخواب مال بود لیکن بعضی مردم گفتند
که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود بد بود و اگر بیند که انار از درخت برید و بخورد
دلیل کند که از زنی با جمال منفعت یابد ابن سیرین کوید اگر انار شیرین بخواب بیند مال جمع
کرده بود و بعضی از معبران گفته اند که یک انار شیرین خوردن بخواب هزار درم بود که بیابد
و انار ترش غم و اندوه بود و اناری که ندانند ترش یا شیرین بود تعبیر ترش چون انار شیرین
بود جابر کوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت همی خورد دلیل کند که هزار درم بیابد یا بیگه
کمترش پنجاه دینار بود که بیابد و باشد که آنچه دینار گفتیم درم بیابد پس معبر باید که بقدر
همت و بزرگی مردم تاویل کند و اگر بیند که انار بر منشان همی خورد دلیل که بعدد هر دانه او را
چوبی بزنند در هر چیز انار ترش خوردن در وقت و بیوقت بد بود و حکم انار شیرین میانه
بود کرمانی کوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت خود میخورد اگر بازرگان بود قماش و
متاع او رواج گردد و اگر مسافر بود دلیل که سفرش مبارک بود و باسود و منفعت بود و اگر
بیند که دانهای انار یافت یا کسی بدو داد دلیل که بوقت آن وی را از بیخ رسد اگر بوقت بود
و اگر بیوقت و اگر انار شیرین با پوست و پیه آن میخورد دلیل که از همه چیز برخوردار یابد
حضرت صادق ع فرماید خوردن انار شیرین در خواب بر سه وجه بود اول مال جمع کرده بود دوم
زن پارسا سیم شهر آبادان لیکن انار ترش غم بود اسمعیل اشعث کوید اگر پادشاه بیند که
اناری داشت ولایت یا شهر یابد و دیگر کس پادشاهی بود و بازرگان را ده هزار درم و بانوان را
هزار درم و مردم درویش را ده درم یا یک درم بود انجیر ابن سیرین کوید که خوردن انجیر

انار

انجیر

بخورد اکر وقتش بود و اکر بی وقت بد بود و اکر بیند که انجیر همی خورد و یا جمع میکرد یا کسی بوی بخشید دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که از آن پشیمانی خورد کرمانی کوید که انجیر زرد بخواب دیدن و خوردن دلیل بیماری کند و انجیر سیاه دلیل بر غم و اندوه و انجیر سبز خوردن بوقت چون بطعم شیرین بود زیانی ندارد

انجیل

انجیل ابن سیرین کوید اکر بیند که انجیل همی خواند دلیل بود که از حق بباطل فریفته کردد و خود رای شود ابن سیرین کوید اکر بیند از کتاب انجیل همی خواند دلیل کند بر او کسانی که از ملت عیسی باشند خبر اندک بدو رسد و اکر از بر میخواند دلیل که از حق بباطل کردد و دوست دارد ترسایان شود

انداختن

انداختن مردم ابن سیرین کوید اکر کسی بیند انداخت دلیل که بر خصم چیره کردد و اکر بیند که کسی او را بینداخت دلیل که خصم بروی چیره کردد و اکر بیند که بر کسی سنک انداخت دلیل کند که سخنی سخت بکسی کوید و بعضی از معبران کفته اند که دلیل آنکه او را بزنا یا بکناهی متهم کرداند و اکر کسی بیند که سفال انداخت هم سخن درشت بود که بکسی کوید و معبران کویند اکر کسی بیند که شکر یا بادام یا قند بیند اخت اکر آنکس معروف بود دلیل کند از او بدان مقدار عطا یابد و اکر مجهول بود بدان مقدار که بکسی انداخت صیت و عطا یابد و اکر کسی بیند از این خوردنیها که کفتیم سوی چهارپایان انداخت دلیل که مال خویش بر جاهلان هزینه کند

اندامها

اندامها ابن سیرین کوید که اندامها نور است اکر بیند که افزون شد دلیل کند که خویشان و اهل بیت و زیاده کردند و او در موضع خویش مقیم بود و اکر بیند که اندامهای او بریده شد یا از تن او بیفتاد دلیل کند که بسفر رود و خویشان او پراکنده کردند و اکر بیند که اندام خویش میبرید و پراکنده میکرد دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهرها پراکنده کند کرمانی کوید اکر کسی بیند که پاره کوشت از اندامش ببرید دلیل کند که آنکس را خیر و منفعت رسد و اکر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل که کسی از مال او چیزی بستاند بزور و اکر بیند که کوشت از اندام خویش میبرید و در پیش مرغی افکند دلیل که از مال خود چیزی بکسی بخشد جابر مغربی کوید اکر بیند که اندامی از تن وی با او سخن کفت دلیل بود که در میان خلق رسوا کردد قوله تعالی قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء اکر بیند که اندامی از اندامهای

خویش

خویش برا همی رفت دلیل که کاری کند که بر آن اعتماد ندارد اکر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی از خویشان او بغربت افتد اکر بیند که اندامهایش ازرده بود دلیل که بیمار کردد اکر بیند که مرغی از اندام وی پاره کوشت ببرد دلیل که مال او چیزی بزور بستانند و اکر بیند که کوشت از اندام خویش همی برید و در پیش مرغ می افکند دلیل کند که از مال خویش چیزی بکسی بخشد جابر کوید که اندامی از اندامهای او نبا کشت دلیل کند که بر راست بود ام فضل کوید که برسول خدا عرض کردم یا رسول الله خوابی منکر دیدم ام فرمود چه دیدی عرض کردم بخواب بدیدم که پاره از اندام تو ببریدند و در کنار من نهادند رسول خدا فرمود که فاطمه را پسری آید که در کنار تو بزرک شود و بعد از آن از فاطمه حسین بوجود آمد در کنار او بزرک شد و او زامی پرورید

انگبین

انگبین کرمانی کوید که انگبین در خواب غنیمت بود از مالها و نیکی بود از کردارها زیرا که در وی شفا دردها است و شهد روزی بسیار بود چنانکه حق تعالی در کلام مجید خویش فرموده است فیه شفاء للناس حضرت صادق فرماید که خوردن انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم کام دل یافتن و تر انگبین روزی بود که بی منت بدو رسد قوله تعالی و انزلنا علیکم المن و السلوی

انگشتان

انگشتان ابن سیرین کوید پنج انگشت دست راست دلیل تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از معبران کفته اند که انگشت مهین دلیل نماز بامداد و انگشت سبابه دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میانه دلیل بر نماز دیکر و انگشت خنصر دلیل بر نماز خفتن و صلاح در نمازها بود و اکر بیند که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد و بعضی کویند فرزند برادرش را مصیبت رسد کرمانی کوید اکر بیند که انگشتان را درهم کذاشته داشت دلیل که سلسست کردد و اکر بیند که انگشتان را باهم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزندش را بصلاح آورد و اکر بیند که انگشتان را بکر دار مشت درهم بسته بود دلیل کند که کارها بروی بسته کردد و هم بر اهل بیت او و جابر مغربی کوید که اکر بیند که انگشت مهین او ببرید است دلیل که قوة مالش بود و اکر بیند که انگشت سبابه او ببرید است دلیل که در فریضه نمازها تقصیر کند و اکر بیند که انگشت میانه او ببرید است دلیل

کرد و شهری یا پادشاهی بدو بزرگی بر سر او اگر بیند که انگشت بعد از مردن او بریده است دلیل که
میراث او و مال زنان افتد و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او
بمیرد اسمعیل اشعث گوید که انگشتان پای در خواب دیدن دلیل بود بر زینت و آرایش و اگر
انگشتان پای را درشت و قوی بیند دلیل کند که کار که خدای او ساخته کرده و اگر
بخلاف این بیند کار وی ناساخته کرده و اگر بیند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه
رفتن نتوانست دلیل کند که وی را غمی رسد بسبب نفقه و مال و اگر انگشتان دست
و پای را اکسره بیند دلیل کند که کار وی باد گونه شود حضرت صادق فرماید که دیدن انگشتان
در خواب بر شش وجه بود اول فرزند دوم برادرزادگان سیوم خادمان چهارم یاران پنجم
قوت ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان وی بیفتاد یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان
که گفتیم او را مفارقت افتد و اگر بیند که انگشت او بشکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او بمیرد
خلف اصفهانی گوید اگر بیند که از انگشت او شیر می آمد یا از انگشت ستبر او خون همی
آمد دلیل که آنکس با مادر زن خویش فساد کند و اگر بیند که از انگشت او آب برآمد دلیل کند

انگشتری
نقش و صفت

که در میان خویشان او گفتگو رود انگشتری دانیال گوید که چون بیند انگشتری دلیل که از خداوند
بد و خبر نیکی رسد و اگر بیند که انگشتری کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه
لایق او باشد برخی یابد یعنی اگر لایق پادشاهی باشد پادشاهی بیابد و اگر توانگر باشد مال
یابد بقدر و بقیمه انگشتر اگر بیند که در مسجدی یا در نماز یا در عزا کسی انگشتری بوی داد
اگر آنکس زاهد و عابد بود و اگر با دکان بود نصیب وی نفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس
بود و اگر بیند که انگشتری سلطان بوی داد دلیل کند که ملکی سلطان بوی دهد یا دلیل
کند که از مملکت سلطان نیکی بدو رسد یا بخویشان وی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
انگشتری او ضایع شد یا دزد برد دلیل بود که در کارها او آفت و دشواری پدید آید و
اگر بیند که انگشتری او بشکست و نگین او بماند دلیل که بزرگی او و جاه او بشود و آبرو و
هیبتش بر جا بود و اگر بیند که انگشتر نگین او بشکست دلیل کند که آبرو و هیبتش بشود و جاه
او بر جا ماند و اگر بیند که انگشتری خود را بکسی بخشید دلیل که از آنچه دارد از مال و ملك

برخی

باب الألف

برخی ازان ببخشد و اگر بیند که انگشتری خویش را بفروخت یا بها بستد دلیل کند که از آنچه دارد
جمله بفروشد هر چیز کند و اگر بها استد آنچه دارد برخی ازان بفروشد که تمام گوید اگر
بیند که صناعت انگشتری او ناپسندیده است دلیل کند که از مالی که دارد چیزی بشود
و پادشاه بروی خشم گیرد و اگر بیند که انگشتری او از سیم بود دلیل کند که آنچه دارد بستد
و حلال بود و اگر انگشتری از زر بیند دلیل که آنچه دارد از مال مکروه و حرام حاصل کند
و اگر انگشتری از آهن بیند آنچه دارد اندک و حقیر بود و اگر بیند که انگشتر از هفت جوش یا
از سپید روی بود دلیل بود بر آنچه در آهن گفتیم اگر بیند که انگشتر او از زر بود و بشرط بود
و حقیرتر از آنجمله که گفتیم جابر گوید اگر بیند که در انگشت وی انگشتری آهن بود دلیل کند
که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که از برنج یا مس بود دلیل کند که از فرزندان یا اصل منفعت
یابد و اگر بیند که از بلور است دلیل کند که از مردم عام چیزی بدو رسد و اگر بیند که از
سیم است جائی چیزی بدو رسد و اگر بیند که انگشتری خویش نزد کسی بامانت نهاد یا وی را
بخشید آنکس هم انگشتر بدو رد کرد دلیل کند که زنی بنکاح بخواهد و اجابتش نکنند و زن
بداوند هند و اگر بیند که انگشتری خویش را بشکست دلیل کند که در میان او و عیال او جدائی
افتد و اگر بیند که انگشتری او دو نگین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو نگین موافق یکدیگر بودند
دلیل که خداوند انگشتر غلام زاده بود و اگر بیند که از آن دو نگین یکی بیفتاد دلیل کند
که از دو گناه یکی را توبه کند و اگر بیند که نامه نوشته بود و بانگشتر خویش مهر کرد دلیل
کند که چیزی پنهان بدو رسد و اگر بیند که نامه گشاده را مهر کرد دلیل کند که چیزی
آشکار بدو رسد حضرت صادق فرماید که انگشتری سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول
مملکت دوم زن سیم فرزند چهارم مال و انگشتری زرین نیک بود و اگر زنی بیند که
انگشتری یا نگین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود یا فرزندش بمیرد یا مالش
تلف گردد و اگر والی بود معزول گردد و اگر زن بر بیند شوهرش بمیرد یا فرزندش

انگور

دانیال گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بیوقت ترس و بیم بود و
معبران گفته اند بعضی هر دانه از انگور که خورده بود زخم چوب یا تازیانه بر او زنند و خوردن

انکور سفید بوقت خود نعمت وخیر دنیا بود بیش از انکه امید دارد و بغیر وقت دلیل کند
که از دهان خلق و ندخواب سخن خیری بیرون اید و دلیلش بر حرفه مال بود و اکر انکور
سرخ بیند همین دلیل کند ابن سیرین کوید که انکور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی
کند که بدشواری بدست اید و انکور سرخ بوقت خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود
و هر انکوری که پوستش سخت بود دلیل که مالی بدشواری بدست اید و هر انکوری که پوست
او روشن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انکوری که اب و تیره بود دلیل بر مال الحرام بود و
هر انکوری که بدید او سرخ نماید دلیل بر عز و جاه کند و هر انکوری که بدید او سیاه نماید دلیل
بر غم و اندوه کند و هر انکوری که شیرین تر و پاکیزه تر نماید دلیل بر مال و جاه نماید و عز وی
بیشتر کردد جابر کوید اکر کسی بیند که انکور بر معصر جوبین همی فشرد دلیل که خدمت پادشاه
ستمکر کند و اکر بیند که ان معصر از خشت و کل بود دلیل که خدمت پادشاه بادیانت کند
و اکر معصر از خشت پخته یا از کچ و سنک اهک بود دلیل که خدمت پادشاه با سیاست و
هیبت کند و اکر بیند که انکور در طشت همی فشرد دلیل که خدمت [illegible] بزرک کند و اکر بیند
که انکور در کاسه همی فشرد دلیل که خدمت شخص خسیس کند و اکر بیند که انکور همی فشرد و در کوزها
همی جمع کرد دلیل که از جهت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اکر بیند که معصر با
اهل و عیال میفشرد دلیل که او را و عیال او را در خدمت پادشاه منفعت رسد اکر بیند
خواب در حضور خدمت پادشاه نباشد دلیل که کاری از سبب [illegible] حاصل کند و کرد حضرت
صادق ع فرماید که انکور سیاه و سفید بوقت خود و بی وقت بر سه وجه بود اول فرزند نیک
دویم علم فرایض سیم مال حلال و فشردن انکور در خواب هم انحضرت کوید که بر سه وجه بود
اول مال المخبر برکت دویم فراخی نعمت سیم از قحط و بلا امان یافتن قوله تعالی عام فیه یغاث
الناس و فیه یعصرون افتادن از ابن سیرین کوید اکر کسی بخواب بیند که بر روی در افتاد دلیل
نشود [illegible] او بود خاصه در جنک خصوصا اکر بیند که از جایکاهی بلند بزیر افتاد چنانکه از
کوهی یا از بامی یا از دیواری دلیل کند که ارزوی وی روی بود تمام بسر نشود و مرادش حاصل
نکردد کرمانی کوید اکر کسی بیند که از جایکاهی بزیر افتاد دلیل بود که امیدی دارد بر نیاید

[illegible] انکور [illegible]

افتادن

و نا امید کردد و اکر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که حالش بد کردد و بعد از افتادن بر تن
او رنج رسد و اکر بیند که زخمی سخت بوی رسد و خون از ان عضو روان شد دلیل که
بقدر ان زخم و بران زیانی رسد و اکر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد دلیل کند که رنجی و
المی بدو رسد و اکر بیند که بیفتاد و رنجی بدو نرسید دلیل کند که سهل و اسان بود و
اکر بیند که از استانه خانه او یا در کژدم و کزندکان بیفتاد دلیل کند که او را از پادشا
یا از کسی بزرک غم و اندوه رسد و اکر بیند که بام خانه باد بود او بر او افتاد دلیل کند که [illegible]
بسیار بدو رسد از انجا که امید ندارد و بدان سبب خرم و شادان کردد و کارش کشاده
شود والله اعلم بالصواب حرف الباء من کتاب کامل التعبیر بادام ابن سیرین کوید
که بادام در خواب دیدن نعمت و روزی بود لکن بخصومت بدست اید اکر بیند که بادام فراکرفت
دلیل بود که بقدر ان ویرا نعمت و روزی بود و دشوار بدست اید و معبران کفته اند که بادام
بادام در خواب علم بود و شفا از رنج و چون مغز او بیند بهتر بود کرمانی کوید اکر بیند که بادام
با پوست اشنا [illegible] بوی داد دلیل که از مردی بخیل چیزی یابد بسختی اکر بیند که از مغز بادام
تلخ روغن بیرون اورد دلیل کند که از مردی بخیل ویرا بقدر ان روغن منفعت یابد جابر
کوید که دیدن بادام در خواب مال و نعمت بود اما اکر بادام با پوست بیند دلیل کند که ان
مال قدری برنج و سختی بدست اورد و چون بادام با پوست بیند دلیل که مال [illegible]
اورد حضرت صادق ع فرماید که دیدن بادام در خواب بر دو وجه بود اول مال پنهانی حاصل
کردد دویم از بیماری شفا یابد بدانکه ابن سیرین کوید که ده چیز است که بیند در خواب
دلیل بر پادشاهی بود اول انکه بیند که پیغمبر ع او را امام کرد دویم انکه بیند که علم
شریعت ورزد سیم انکه کوش پیغمبر پیش خود بیند یعنی منتظر اقامت نماز بود چهارم
انکه بر منبر او خطبه کرد پنجم انکه جامه رسول ع بود ششم انکه انکشتری بیند که در انکشت او بود
هفتم انکه بیند که او افتاب یا ماهتاب کرفت هشتم انکه بیند که ترا در و د خانه شده است
نهم انکه بیند که چشم او دیوار شهر کشته است دهم انکه بیند که چشم از محراب مسجد جامع شده
یازدهم انکه پادشاه مرده او را انکشتری هدیه داد دوازدهم انکه بیند که چشم او مانند کاری

حرف الباء

بادام

مثله است این دوازده چیز در خواب دیدن دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی و آنچنانکه
اگر بیند که پادشاه وی را جامه داد و کلاه داد دلیل که بر همه مانند خویش بزرگی و والی گردد
و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود پاکیزه دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی
عمر او و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه چرکن و دریده بود دلیل کند بر بدی حال پادشاه
و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه در روزگار رسول بر سر صحابه بود دلیل
بود که بر پادشاه عدل و انصاف برسد و اگر بیند که پادشاه دیبا دبکرونت و بفرمان او شد
دلیل که مملکت جهان بگیرد و بران قرار گیرد و اگر بیند که پادشاه گردید دلیل که بیننده خواب
توانگر گردد و اگر بیند که پادشاه بدر سرای او در آمد چنانکه در آمدن او بزاری و انکار بود
دلیل کند که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه قوله تعالی ان الملوک اذا دخلوا
قریة افسدوها وجعلوا اعزة اهلها اذلة و اگر بیند که در آمدن او آنجا چیزی منکر نبود دلیل
بود که هیچ مضرت و زیان بوی نرسد کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی بمرد و دفنش نکردند
و بروی نماز گزاردند و کفن نساختند و جنازهٔ او برنداشتند دلیل که بعضی از سرای او
خراب گردد و متفکر دل و رنجور گردد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سرای او بود یا سرای
او کعبه بود دلیل بود که هرگز مملکت او زوال نباشد و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که
بکسی سلام میکرد یا کسی سلام بدو کرد دلیل ایمنی بود از غم و اندوه و خلود مراد چنانکه
حقتعالی فرموده سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین و اگر پادشاه بیند که رسن در دست
داشت یا دست در رسن زده بود دلیل که براه راست و بر جادهٔ عدل و انصاف اقامت
نماید قوله تعالی واعتصموا بحبل الله جمیعا جابر گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودی
دلیل بود که از پادشاه بهره و نصیب یابد و اگر پادشاه را در لباسی نیکو بیند در سرائی یا
در کوچهٔ که منسوب باو بود دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و عزت و جاوی و
خدم و حشم و مال و خزاین او و اگر بیند که در پادشاه نقصانی بود تاویلش بخلاف این بود
کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بر وی خشم بود دلیل که پادشاهی بر وی بماند و اگر پادشا
بیند که بر در میش فرو شد دلیل که از مردی پادشاه او را حرمت و منزلت بیفزاید حضرت صادق

باشد که

فرماید

حرف الثاء

فرمایدا اگر کسی پادشاه را گشاده روی و خرم بیند دلیل بود که کار او گشاده گردد و اگر کسی
وزیر پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کاری کند که زود بصلاح باز آید و اگر حاجب
پادشاه بیند دلیل که از شغلها فرو ماند و بعاقبت بمراد برسد و اگر ندیم پادشاه را بیند
دلیل که او را از کسی ملامت رسد و اگر ملازمان پادشاه را بیند دلیل که شغل و عمل
او بصلاح آید و اگر اعوان و ندیمان پادشاه را بیند دلیل که کار او گشاده گردد و اگر وزیر
پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را ملامت کند و چیزی که از دست او رفته بود بدست
او باز آید و اگر چاکران و کیل را بیند دلیل کند که کسی او را ملامت کند که از شغل دور مانده
گردد و اگر پردهٔ راز پادشاه را بیند دلیل بود که کار بسته او گشاده گردد و اگر مقنعه زن
پادشاه را بیند دلیل که کسی او را وعده دهد بدروغ و اگر زندانبان پادشاه را بیند دلیل
بود که غمگین و مستمند گردد و اگر جلاد پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود حاصل گردد
و اگر دبیر پادشاه را بیند دلیل کند که آنچه میجوید بیابد و اگر سلاح پادشاه را بیند دلیل
کند که او از زنی منفعت یابد و اگر رکابدار پادشاه را بیند دلیل کند که سخنی دروغ و بی حاصل
شنود و اگر غاشیه دار پادشاه را بیند او را غم و اندوه رسد و اگر جامه دار پادشاه بیند
دلیل که کار او نیکو گردد و اگر دوات دار پادشاه را بیند دلیل که او را از زنان چیزی حاصل
گردد و اگر خازن لالای پادشاه را بیند دلیل که خرم گردد و مال حاصل کند اسمعیل اشعث
گوید اگر بیند که پادشاه بشهری در آمد و بر پادشاه آن شهر غلبه کرد دلیل کند که کار آن شهر
نقصان و آفت پذیر بود و اگر بیند که پادشاه در شهر او یعنی خانهٔ او بخفت دلیل کند که
پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فرماید پاتیله ابن سیرین گوید که پاتیله در خواب
دیدن کدبانوی خانه بود و اگر بیند که پاتیله نو بخرید یا کسی بدو داد دلیل کند که کدبانوی خانه
را آفت رسد کرمانی گوید اگر بیند که در پاتیله چیزی بود از خوردنی دلیل بود که او را از
کدبانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بیند که در پاتیله چیزی ناخوش بود از آن طعامها
دلیل بود که او را از کدبانوی خانه ضرر رسد ابن سیرین گوید که دیدن پاتیله در خواب زیاده
نبود بای ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که باد سخت همی جست دلیل بود که مردم اندیار در بیم

پاتیله

چیزی که

باد

وترس بود واکر ببیند که باد چنان سخت بود که درختان را همی کند و خرابی همی کرد دلیل کند که
اهل ان دیار در بلا و مصیبتها افتند از علت طاعون و سرجه و مانند این کرمانی کوید که باد سموم در
خواب دلیل بر بیماریها سرد کند و باد معتدل سرد دیدن در خواب دلیل بیماریها شود دیدن
بود در اندیار و باد معتدل دیدن دلیل بر تندرستی بود از مردم ان دیار و موجب نیکوئی
و کسب ان دیار کند و اکر ببیند که باد او را از جائی بجائی میبرد دلیل کند که سفری برود
کند و در ان سفر جاه و بزرکی یابد بقدر انکه او را باد از زمین برده باشد و اکر ببیند که باد با کرد
و تاریکی بود دلیل بود بر ترس و بیم و اندیشه از قوم جابر کوید اکر ببیند که او را بادی سخت
بسوی اسمانها برد دلیل که اجل او نزدیک بود و اکر ببیند که او را باد از اسمان بزمین اورد دلیل
بود که بیمار کردد و عاقبت شفا یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن باد در خواب بر نه وجه
بود اول بشارت دوم فرمان روائی سیم مال چهارم مرک پنجم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری
هشتم شفا نهم راحت و اکر ببیند که بر باد نشسته بود دلیل کند که بزرکی و فرمان روائی یابد
اسمعیل اشعث کوید اکر ببیند که باد مغرب نرم جست دلیل که مردم ان دیار را مال و نعمة
زیاده کردد و اکر ببیند که باد شمال نرم میجست دلیل کند بر شفا و راحت ان دیار و اکر بخلاف
این باشد دلیل خیر نباشد و اکر ببیند که اواز باد همی شنید دلیل که خبر پادشاه بزرک در ان
دیار کسترده کردد و اکر ببیند که باد مردم ان دیار را بر کرفت و بر هوا برد دلیل بود که ان مردمان
شرف و بزرکی یابند

بادی رها کردن ابن سیرین کوید اکر کسی ببیند که در میان جمع مردمان باد
رها کرد چنانکه مردمان اواز ان را بشنیدند دلیل که سخنی زشت کوید که مردم بروی
افسوس کنند و بسبب ان در میان مردمان رسوا کردد و اکر ببیند که باد نرم رها کرد و اواز
انرا نشنیدند تاویلش بخلاف این بود و اکر این خواب مردی هند ببیند دلیل که او را
خرمی رسد کرمانی کوید اکر ببیند که بادی رها کرد و اواز بلند و بوی ناخوش داشت دلیل که
کاری کند که مردم براو تشنیع کنند و او را ملامت کنند و بدی او کویند و اکر ببیند که اواز
داشت و بوی ناخوش نداشت دلیل بود که از کاری بی فایده جدا کردد و خیر شر دران بود
و اکر ببیند که بر قصد بادی رها کرد مردمان بر او بخندیدند و او شرم میداشت دلیل بود
کرازکاری

کرازکاری بی شغل معیشت او ساخته کرد حضرت صادق ع فرماید که باد رها کردن در خواب
بر چهار وجه بود اول سخنی زشت دوم تشنیع سیم کاری بهانه چهارم رسوائی اکر ببیند
که باد را بقصد رها کرد دلیل بود که انکس بد و بد مذهب بود
حرف الباء
بادی روک
بادی روک نوعی از تره ها
ابن سیرین کوید اکر ببیند که بادروک همی خورد دلیل بود که حاجت او روا کردد و مراد بیابد
زیرا که رسول خدا فرموده الحدیث ما اطیبک ما اطیب ریحک یعنی بوی خوش و چه خوشبوی
تو حضرت صادق ع فرماید که خوردن بادروک در خواب بر سه وجه بود اول حاجت روائی دوم
کام یافتن سیم دیدار غایب دیدن
بادریسه
بادریسه بدانکه بادریسه مهره دوک بود کرمانی کوید اکر
ببیند که بادریسه بیافت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را خادمه یا کنیزکی حاصل کردد و اکر زنی
ببیند که بادریسه از دوک او بیفتاد دلیل که مهر او از شوهر بریده کردد
بادنجان
بادنجان ابن سیرین کوید
که بادنجان بخواب خوردن اکر بوقت بود و اکر بیوقت و اکر پخته بود و اکر خام دلیل بر غم و اندوه
بود بقدر انکه خورده بود و دلیل تر و خشک او یکسان بود کرمانی کوید اکر ببیند که بادنجان
بسیار داشت لیکن جمله را بر بخشید یا بفروخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از ان نخورد دلیل
بود که از غم و اندوه رسته کردد
بارکشیدن
بارکشیدن ابن سیرین کوید اکر ببیند که بر پشت بار سبک داشت
دلیل که بقدر وجنس ان بار و برا منفعت رسد و اکر ببیند که بر پشت بار کران داشت دلیل
که کناه و معاصی بسیار کند قوله تعالی لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیمة ومن اوزار الذین یضلونهم
کرمانی کوید اکر ببیند که بار بسیار داشت و دانست که ان ملک وی است دلیل بقدر و جنس بار وبرا
خیر و منفعت رسد یا مضرت و بدی و اکر ببیند که ان بار ملک او نبود خیر و شر ان بخداوند
خواب باز کردد
باران
باران دانیال کوید که باران در خواب رحمت و برکت بود از خدای تعالی بر بندکان
چون باران عام بود و بهمه جا برسد قوله تعالی وهو الذی ینزل الغیث من بعد ما قنطوا و
ینشر رحمته و خواب دیدن باران بوقت خویش نیکوتر بود بوقتی که مردمان باران خواهند
بهتر باشد اما اکر ان باران خاص بود چنانکه بر ان کوچه ان باران سخت میبارید و جز
انجا جای دیکر نبارید این چنین دلیل کند بر رنج و بیماری بر اهل ان موضع و سختی که بایشان
رسد و اکر ببیند که باران اهسته میبارید دلیل کند بر خیر و منفعت اهل ان موضع و اکر ببیند

که اوّل سال یا اوّل ماه باران بارید دلیل کند که در آن سال یا در آن ماه فراخی و نعمت زیاده
پیدا گردد و اگر بیند که باران تیره و سخت بود که میبارید دلیل کند بر بیماری که در آن ولایت
گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که باران سخت نه بوقت خویش میبارید دلیل بود که در آن ولایت
از لشکر رنج و بلا رسد و اگر بیند که با آب باران مسح کرد دلیل کند که از ترس و بیم ایمن گردد
و اگر بیند که باران بر سر وی میبارید دلیل بود که بسفر رود و با سود و منفعت باز آید
اگر بیند که باران بر سر مردمان چون طوفان میبارید دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجا
نعوذ بالله پدید آید و اگر بیند که از هر قطرهٔ باران آواز همی آمد دلیل کند که عزت و جاه
او زیاده گردد و اگر بیند که با آب باران مسح همی کرد دلیل بود که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر
بیند که باران عظیم میبارید چنانکه جویها از آن روان بود و زیانی پدید نه دلیل
که پادشاه تعصب کند و شر وی از خود باز دارد و اگر بیند که از آن جویها نتوان گذشت
دلیل که شر پادشاه از خود دفع سازد و اگر بیند که آب از هوا همی آمد بکردار باران دلیل
کند که عذاب حق تعالی و بیماری در آن موضع پدید آید کرمانی گوید اگر بیند که بجای باران
انگبین همی بارید دلیل که نعمت و غنیمت در آن دیار بسیار باشد و هر چیز که باشد که از آسمان
ببارد تاویلش از جنس انجیر بود و اگر بیند که آب باران همی خورد و آب آن صافی و روشن
بود دلیل کند که بقدر آن خیر و راحت بدو رسد و اگر بیند که آب باران تیره و ناخوش
بود دلیل که بر قدر آن رنج و بیماری کشد حضرت صادق فرماید که دیدن باران در خواب
بر دوازده وجه بود اوّل رحمت دوم برکت سیم فریاد خواستن چهارم رنج و بیماری پنجم بلا
ششم کارزار هفتم خون ریختن هشتم فتنه نهم قحط دهم امان یافتن یازدهم کفر دوازدهم
دروغ **بارانی** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تن او بارانی بود و او در خدمت پادشا
بود دلیل بود که نام نیک او و مدح و ثنای او در پیش مردمان فاش گردد و اگر بارانی او از
جنس جامه بود دلیل است که او را فایدهٔ دین و دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که
بارانی او از پشم بود یا از کتان یا از پنبه بگونه سبز بود دلیل بر نیکویی بود اما بارانی
زرد دلیل بر رنج و بیماری بود و اگر بارانی کبود بود دلیل بر گناه و مصیبت بود و اگر بارا

بارانی

سفید

باروی

سفید بیند دلیل کند بر خیر و منفعت که از جائی بدو رسد **باروی** ابن سیرین گوید که
باروی شهر و قلعه و ده دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معبران گویند که باروی شهر دلیل بر پادشاه
بود و باروی ده دلیل بر خداوند ده کند اگر بیند که باروی شهر قوی و بلند بود دلیل بود بر
قوت و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باروی شهر بیفتاد و خراب شد اگر جمله بیفتاد دلیل بر هلاک
پادشاه کند و اگر برخی از آن بیفتاد دلیل بر هلاک والی بود و اگر بیند که بارو را نو کردند
دلیل بود که پادشاه نو در آن شهر مقیم گردد و اگر بعضی از باروی شهر را نو کرده بیند دلیل
کند که والی نو در آنجا مقیم گردد کرمانی گوید که باروی شهر و آنچه نزدیک دروازه شهر بود
تاویلش عیش و ایمنی بود و آنچه در بیرون شهر بوده باشد در هر نیک و بد در زیاده و نقصان اگر
بر بارو بیند دلیل بر این جمله که گفته بود **باز** ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی
داد و آن باز مطیع او بود یعنی بر دست وی نشست دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و
منزلت او و اگر بیند بازی سفید بر دست وی نشست دلیل که از پادشاه قدر و منزلت یابد و
اگر بیند که باز از دست او بیفتاد و بمرد دلیل بود که از منزلت بیفتد و پستی و بیچارگی افتد کرمانی
گوید اگر بیند که بازی سفید بیافت اگر او از مردمان پادشاه بود دلیل که از پادشاه ولایت
و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازی کسی بوی بخشید دلیل
که او را فرزندی آید صاحب حسن و جاه و اگر بیند که باز بر بام او نشست دلیل که او را با پادشاه
نو صحبت افتد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که باز نیکو بخت و در خانه شد یا در زیر
دامن زنی پنهان کرد دلیل که آن زن را پسری خوبروی پدید آید و اگر بیند که بر پای آن باز
زنگلهٔ زرین یا سیمین بود دلیل که آن زن را دختری آید جابر گوید اگر کسی بیند که بازی
بیافت و او را بکشت دلیل که اگر آن کس از مردم پادشاه بود معزول گردد از عمل و اگر از مردم
پادشاه نبود او را رنج و غمی رسد از جهت اهل بیت اگر بیند که باز از دست او بپرید باز
نیامد و اگر این خواب را پادشاه دیده بود دلیل که مملکت از دست او برود و اگر باز بیامد و بر
دست او بنشست تاویلش آنکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق فرماید که چون بیند
که باز مطیع او بود تاویلش بر پنج وجه بود اوّل امر دوم شادی سیم بشارت چهارم

باز

فرمان روائی پنجم یا فتن مراد ششم مال بقدر قیمت باز از دو هزار درم تا هزار درم خاصه چون
باز سفید و مطیع او بود و چون باز مطیع نباشد تأویلش بر چهار وجه بود اول پادشاه
ستمکر دوم حاکمی که مبدل کند سیم مغیر چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر نبرد
بازوی ابن سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست معتمد یا انباز اگر بیند که
بازوی قوی بود دلیل بود که برادر ازیشان منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را
هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر بیند که بازوی او افتاده یا اگر کسی بازوی او ببرید
دلیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از دنیا مفارقت کند حضرت
صادق فرماید که دیدن بازو در خواب بر شش وجه بود اول برادر دوم فرزند سیم انباز چهارم
دوست پنجم پسر عم ششم همسایه **بازوبند** کرمانی گوید بازوبند زرین اگر بیند که در بازو داشت
دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراهت رسد و اگر بازوبند سیمین داشت دلیل
کند که دختر خود را یا دختر خواهر خود را بشوهر دهد و اگر اینچنین زنی بیند دلیل که او را مال
و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که بازوبند سیمین یا آهنین داشت دلیل کند که او را از برادر
قوت و یاری بود و اگر بیند که بازوبند بشکست یا ضایع شد تأویلش بخلاف این بود **پاس
داشتن** ابن سیرین گوید که پاس داشتن در خواب بر دو وجه بود اگر بیند که پاس اهل صلاح میداشت
دلیل بود بر خیر و منفعت و جاه و اگر بیند که در سرای پادشاه پاسبانی میکرد دلیل کند که از
پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بازرگان این خواب بیند در تجارت سود بسیار کند و اگر بیند که
پاس اهل صلاح و ورع میداشت دلیل کند که ازیشان خیر و منفعت بوی رسد و پاسبان در خواب
دیدن خداوند قدر و منزلت و ولایت بود و بیمار کار رها دارد و مردم در اهتمام او باشند **پاشنهٔ
پای** ابن سیرین گوید پاشنه پای در خواب دلیل بر نظام کار و کسب مردم کند و اگر بیند که پاشنه
پای او بشکست دلیل کند که بکاری مشغول گردد کاری که از آن پشیمانی حاصل گردد و اگر بیند که
پاشنه پای او بشکافت یا مجروح شد همین تأویل دارد اما ندامتش از آن کمتر باشد جابر
گوید اگر کسی بیند که پاشنه پای خود میبرید و بخورد سگ یا دیگری میداد دلیل کند که آنچه
بکسب حاصل کرده بود بخورد و بدشمنان بدهد و اگر بیند که پاشنه پای او بیفتاد دلیل که

او را کار و کسب نباشد و در دین تباهی گردد **باغ دیدن** دانیال گوید که دیدن باغ بخواب زن
بود و اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل که با زن خویش مجامعت کند و اگر بیند که باغ را آب
میداد و نمی بیند دلیل کند که زن او از شوهر مجامعت کند و اگر بیند که در باغ گل و ریحان میکشت
دلیل کند که فرزند صالح بیابد و اگر بیند که در باغ شفتالو میکشت دلیل کند که او را فرزندی
آید که در علم و ادب بیاموزد و اگر بیند که در باغ او ریحان رسته بود و الا کشیده بوی
او بر باغ میرسید دلیل بود که او را فرزندی بود دلیل و دانا و خردمند و بوی ریحان دلیل
بر هر فرزند کند و اگر باغ خود را سبز و آبادان و آب روان و کوشک بیند و از میوه درختان
میخورد و از میوه ها داشت و با زن خود در تماشا بود دلیل که ایشان از اهل بهشت باشند و اگر
بیند که در باغ آبادان بود و از میوه درختان میخورد دلیل بود که زنی توانگر بخواهد و از
او مال و نعمت یابد و اگر بیند که در فصل خزان در باغی مجهول شد و از درختان برگها میریخت
دلیل کند که غم و اندوه بدو رسد اگر بیند که در باغ کوشکها بود و سبزها و آب روان و
درختان و زنی صاحب جمال او را بخواند دلیل کند که بهشت و حور العین در آخرت بیابد دلیل
کند که درجه شهادت حاصل کند و اگر بیند که باغی داشت با کسی بهمداد و میوه آن باغ میخورد
دلیل کند که زنی مالدار بخواهد و مال او را بخورد و اگر بیند که در باغ بود و میوه ها از درخت
بلند بروی همی افتاد دلیل که با مردی شریف او را خصومت افتد و بر وی غالب گردد و اگر
بیند که در باغ بر سر درخت خفته بود دلیل بود که نسل و فرزندان او بسیار باشد کرمانی
گوید که باغ در خواب مردی بود بزرگوار با مال و جمال و اگر بیند که در وقت بهار یا تابستان
باغ خرم گشته بود و درو میوه ها رسته بود و گل و ریاحین شکفته و آب روان و او در
میان باغ نشسته دلیل بود که مرد او بر شهادت بود زیرا که جمله صفات بهشت است و اگر در
تابستان باغی بیند معروف یا مجهول و میوه های آن شیرین بود و برگهای درختان ریخته بود
دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد در حالی که پادشاه از خدم و حشم باز مانده باشد و اگر
بیند که باغی در تابستان سبز و پر میوه و آب دود بیامد و باغ را از اصل بر کند و خراب
کرد دلیل که پادشاه اندر آن دیار یا هلاک بود یا بسبب سلطانی بزرگ آن پادشاه معزول گردد

پادشاه را

واگر ببیند که آتشی بیامد و درختان باغ را بسوختند دلیل بود که مرگ مفاجا رسد اگر در خواب
بیند که اشتران در باغ بودند دلیل بود که پادشاه آن ملک بر دشمنان ظفر یابد و اگر در
باغ گوسفندان بیند دلیل که از پادشاه مال و نعمت حاصل کند و هیبت عظیم پادشاه را بود و اگر
در آن باغ پرندگان بیند دلیل که لشکر پادشاه بر عهد وفا باشند اما بر ایشان اعتماد نبود
واگر بیند که از آن باغ میوه جمع میکرد و بخانه میبرد دلیل بود که بقدر آن وی را خیر و منفعت
رسد واگر بیند که در باغ هیمه جمع میکرد دلیل منفعت بود از پادشاه لیکن برنجی و رنج بسیار
جابر گوید که اصل باغ در خواب شغل مردم بود بقدر همت و اگر در باغ سبزه بیند دلیل بود
که کارش نیکو گردد و شغل وی آراسته شود واگر باغ از سبزه و میوه خالی بیند دلیل کند که
کار او نیکو گردد واگر باغ را خرم و آراسته دید که سوال کرد و گفت که این باغ از آن فلان داو
میوه از آن باغ میخورد دلیل که بقدر آن از خداوند باغ منفعت یابد و اگر در وقت بهار یا
تابستان باغی خراب بیند چنانکه در وی هیچ سبزه و درختان نبود دلیل بود که پادشاه بر رعیت
جور و ستم کند واگر ببیند که بدست خود باغی نو ساخت و درخت نشاند و میوه برآمد دلیل
بود که زنی توانگر بزنی خواهد و مال و نعمت و فرزندان حاصل کرد و اگر در آن باغ بوقت خوشه
انگور دید دلیل بود که مال و منزلت یابد بقدر همت خویش **حکایت** آورده اند که سلیمان
آمد و گفت ای پیغمبر خدا بخواب دیدم باغی آراسته و در وی میوهای بسیار بود و در آن باغ دیدم
خوکی بزرگ نشسته بود و مرا گفتند که این باغ مالک این خوک است من از آن حال تعجب کردم و در
باغ خوکان بسیار دیدم که میوه میخوردند و میگفتند که این خوکان میوه بفرمان این خوک بزرگ
میخورند سلیمان گفت که این خوک بزرگ پادشاه ظالم ستمگر است و خوکان دیگر دانشمندان
حرام خواره که مطیع فرمان بر پادشاه ظالم اند و دین را بدنیا فروشند و از عذاب حق تعالی نترسند
حضرت صادق فرماید که دیدن باغ در خواب بر هفت وجه بود اول زن خوب دوم فرزند نیک
سیم عیش خوش چهارم مال پنجم بلندی ششم شادی هفتم کنیزک و باغ در خواب دیدن قیم زن
بود و اگر کسی بیند که باغبانی میکرد دلیل کند که زنی توانگر کند و بشغل او مشغول شود و
با ایشان سازکاری و مدارا کند و بعضی از معبران گفته اند که دیدن باغ بر هفت وجه بود اول

تعبیر بیش

کدخدا

بافتن جامها

کدخدای سرا دوم قیم زن سیم فرزند قرة العین بافتن جامها ابن سیرین گوید که بافتن جامها
در خواب سفر بود و بافنده مسافر بود و اگر بیند که جامه یا چیزی میبافت دلیل بود که بسفر
رود و آورده اند که بافتن جامها در خواب خصومت بود و اگر بیند که جامه بافته ببرید دلیل
کند که انکار با خصومت برطرف شود و بریدن آن هم از سبب سفر بود و اگر رسن یا ریسمان در
تاب میداد دلیل کند که بسفر شود کرمانی گوید اگر بیند بجای بریشم ریسمان یا کتان میبافت
دلیل بود که بد بود زیرا که نشان خیانت بود و اگر بیند که جامه را تمام ببافت و ببرید
بود که بسفر شود و کار وی تمام گردد و اگر بیند تمام نبافته بود دلیل کند که کار وی تمام
نگردد جابر گوید اگر بیند که باقلی همی کرد دلیل بود که او را با مردم خصومت افتد و کار
نیکو گردد اما از مردمان او را سرزنش و ملامت رسد باقلی ابن سیرین گوید که دیدن باقلا
در خواب در وقت خود خوردن و بیوقت خوردن اگر پخته باشد یا خام دلیل بر غم کند و
حکم تاویل آن در تر و خشک یکسانست و اگر بیند که بخورد غم و اندوه کمتر بود کرمانی گوید
اگر کسی بیند که کسی باقلا بدو داد و بخورد دلیل بود که اندوهگین گردد و باشد که آن کس
خصومت کند و معبران گفته اند اگر بیند که باقلا داشت یا کسی بدو داد یا از خانه بیرون ریخت و
از آن هیچ نخورد دلیل که او و آن یاران ندارد خاصه چون بوقت خویش دیده بود بالا رفتن
محمد بن سیرین گوید اگر بیند که بر بالای کوهی نشسته بود یا بر بام یا بر کرسی و یا بر کوشک
برمانند اینها و بالا رفتن دلیل کند که آنچه جوید بیابد و حاجتش روا گردد و بعضی از معبران
گویند اگر بیند که بدشواری بر بالا همی رفت دلیل که آنچه میجوید برنج و دشواری بیابد
و اگر بیند که بر نردبان بالا میشد دلیل بود که در دین شرف و منزلت یابد خاصه که نردبان
او از گل بود و اگر بیند که نردبان از گچ و سنگ بود دلیل بود که در دین او خلل باشد
کرمانی گوید که از نردبان ببالا رفتن از گچ و سنگ دلیل که شرف و بزرگی یابد در این جهان و
اگر بیند که از خشت خام و گل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد در آن جهان و اگر بیند که در آسمان
بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اجل او نزدیک باشد و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد
دلیل بود که سخت بیمار گردد و سر انجام شفا یابد حضرت صادق فرماید که دیدن بر بالا شدن

بافلا

بالا رفتن

بر پنج وجه بود اول دولت دوم حاجت سیم زن خواستن چهارم قربت بزرگی پنجم مراد یافتن بالا
رفتن کار دیدن **پالان** ابن سیرین گوید که پالان دیدن در خواب زن بود اگر بیند که پالان داشت
یا از کسی به بها خرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که پالان بر پشت داشت دلیل
که مطیع فرمانبردار زن گردد و بر وی مستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل
کند زن از وی جدا گردد یا طلاق دهد جابر گوید اگر بیند که پالان پاکیزه بود داشت دلیل بود
که زن مستور سازگار بخواهد و از وی خیر و منفعت یابد اگر بیند که پالان دوخت چرکن داشت
دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازگار و از وی مضرت بیند **بالش** ابن سیرین گوید
که بالش در خواب خادم بود بیننده خواب را اگر بیند که بالش نو فرا گرفت و آن بالش سبز
بود یا کسی بوی داد دلیل که او را خادم یا خدمتکاری مصلح پارسا پیدا گردد و اگر بیند که
بالش او کهن و چرکن و دریده و سیاه بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بالش او بدزدید
یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکار وی ضایع گردد یا بگریزد یا رنج و
بلا بدو رسد و سبب آن از وی جدا گردد کرمانی گوید اگر بیند که کسی آن خانه او بالش
بالش دید دلیل که کسی از پی زن او منکر گردد که او را بفریبد یا از پی کنیزک وی و معبران گویند
که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از آن خانه بمیرد و اگر مردی بیند که بالش بسیار یافت دلیل
بود که بعدد آن بالشها او را خادمان و کنیزکان حاصل گردد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش
او بسوخت دلیل بود که خادمان و کنیزکان او برنجند یا بگریزند حضرت صادق فرماید که دیدن
بالش در خواب بر پنج وجه بود اول خادم دوم کنیزک سیم دایه چهارم دین نیکو پنجم
پرهیزکاری و عدل **بام** و اگر بیند که بر بام خانه مجهول بود دلیل بود که زنی خواهد بر قدر
بلندی بام با قدر و رفعت و اگر بیند که بام آن خانه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد
و کارش بر نظام گردد جابر گوید که اگر بیند که بر بام خانه پادشاه بود دلیل بود که بزرگی و
منزلت یابد و اگر بیند که از بام بیفتاد از جاه و منزلت بیفتد و او را اندوه رسد **بانگ
داشتن جانوران** محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم دلیل بود بر غم و مصیبت
درد بی وضع و اگر بیند که او را بانگ میکردند آنجا درد و اگر جواب داد دلیل بود که زود به

و اگر بیند

حرف الباء

و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که او را از کوهی بانگ میدادند دلیل بود که
شادمان گردد و اگر بیند که نالهٔ مرغی شنید دلیل بود که چیزی ناخوش شنود و اگر بیند که بانگ
زاری میشنید دلیل بود که حاجت او روا گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بانگ دشنام شنود
کراهتی بوی رسد و زود زایل گردد کرمانی گوید اگر بیند که اسپی بانگ میکرد دلیل بود که
او را بشارت رسد و بعضی از معبران گویند که البته مکروهی بوی رسد از بهر آنکه بهایم
دروغ نگویند و اگر بیند که خر بانگ میکرد از دشمنی و جاهلی فریاد و دشنام شنود لقوله تعالی
ان انکر الاصوات لصوت الحمیر و اگر بیند که شتر بانگ میکرد دلیل که بحج رود و یا بجهاد رود
و از آن سود و منفعت یابد و اگر بیند که گوسفندی بانگ میکرد دلیل که از بزرگی وی را
خیر و منفعت رسد و اگر بیند که بزغاله بانگ شنید دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر
بیند که آهو بانگ میکرد دلیل بود که او را کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند که شیر بانگ میکرد
دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بیند که پلنگ بانگ میکرد دلیل بود که او را جنگ
و خصومت افتد و اگر بیند که یوز بانگ میکرد دلیل که کسی بر وی خشم گیرد و بر وی کبر کند و
اگر بیند که گرگ بانگ میکرد بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل بر غم
و اندیشه کند از سبب نان و اگر بیند که روباهی بانگ میکرد دلیل بود که مردی دروغ زن
با وی مکر و حیله کند و اگر بیند که گربه بانگ میکرد دلیل بود که او را از دزد بیم بود و اگر بیند
که اشتر مرغ بانگ میکرد دلیل کند که خادم دلبر یابد و اگر بیند که کرکس بانگ میکرد دلیل
بود که از خبر مردی بزرگ غمگین گردد و اگر بیند که اله بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود
و اگر بیند که کبوتر بانگ میکرد دلیل بود که خبر سرهنگان پادشاه شنود و اگر بیند که خروس
بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی جوانمرد شنود و اگر بیند که کلاغ بانگ میکرد دلیل بود که
خبر مردی پوشیده شنود و اگر بیند که جعل بانگ میکرد دلیل که خبر اندوه و مصیبت شنود
و اگر بیند که بوم بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بیند که فاخته بانگ میکرد دلیل که خبر دروغ
شنود و اگر بیند که تذرو بانگ کرد دلیل که خبر زنی با جمال شنود و اگر بیند که طاووس
بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه عجمی شنود و اگر بیند که کلنگ بانگ میکرد دلیل که خبر مردی

درویش شنود و اگر بیند که لکلک بانگ میکرد دلیل که خبر مردی دهقان شنود و ازان خرم
گردد و اگر بیند که کبک بانگ میکرد دلیل که خبر زنی نیکو شنود و اگر بیند که بانگ کبکان نمی
شنود دلیل کند که خبر زنی مستور شنود و اگر بیند که بانگ کلاغ میشنود دلیل که خبر
مردی حرام خواره شنود و اگر بیند که کنجشک بانگ میکرد خبر خوش شنود و اگر بیند که بلبل
با هزار دستان بانگ میکرد خبر مطربی با نوحه گری شنود و اگر بیند که ستا بانگ میکرد دلیل
هیزم کشد و اگر بیند که مرغابی بانگ میکرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که
بط بانگ میکرد خبر مصیبت کسی از اهل او شنود و اگر بانگ بچکان مرغ شنود ماتم و مصیبت
رسد حضرت صادق فرماید که بانگ همه مرغان در خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را
بفال بد دارند که بانگ او اندوه و مصیبت بود و بانگ ما در ترس و بیم بود و از دشمن اما بانگ
تنبور و ملخ دلیل بر ترس و بیم بود و بانگ زاغ دلیل کند که در موضعی فرود اید جابر گوید
اگر بیند که از زمین یا از اسمان یا از هوا بانگ همی امد دلیل بر غم و اندوه و مصیبت
پادشاه کند هر چند معبر خیر و شر بود حکایت اورده اند که مردی پیش ابن سیرین امد
گفت بخواب دیدم که دابه جنبنده با من سخن میگفت ابن سیرین گفت که ترا اجل نزدیک امده است
قوله تعالی و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة من الارض تکلمهم و چون بگفت هر اینه اندر
ان دو بیمار حلت کرد بانگ نماز ابن سیرین گوید هر بنده که مصلح و مؤمن و مستور باشد چون
بیند که در جایگاهی معروف بانگ نماز شنود یا بانگ نماز دهد دلیل کند که حج بیت الله
بگذارد قوله تعالی و اذن فی الناس بالحج یاتوک رجالا و اگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول بود
مکروهی و ناپسندیده بدو رسد و اگر این خواب مردی فاسق بیند دلیل که او را بدزدی بگیرند
و اگر بیند بانگ نماز را از مسجد یا از مناره دهد دلیل بود که مردمان او را بنماز میخوانند و اگر
بیند که در بستر خفته بانگ نماز میداد دلیل بود که با زن خود الفت ارد و اگر بیند که بانگ
نماز در خانه خود میداد دلیل که معاش و درویش گردد و گویند کسی از اهل بیت او هلاک
گردد و اگر بیند که بانگ در چاه یا در سرداب میداد دلیل بود که انکس تدبیر با منافق بود
و اگر بیند که بانگ نماز در کوچه میداد دلیل بر جاسوسی کند که … گوید اگر مردی بیند که

بانگ نماز

حرف الباء

بانگ نماز خود بانگ نماز میداد دلیل بود که از دنیا رحلت کند بر وجه … و اگر بیند که در کلیسیا بانگ
نماز زیاده و نقصان میداد دلیل بود که بر مردمان ستم و بیداد کند و اگر بیند که کودکی بانگ
نماز میداد دلیل بود که پدر و مادر را دروغ گو نهد و اگر بیند که بانگ نماز در گرمابه میداد
دلیل بد حال او بود در دین و دنیا و اگر بیند که بانگ نماز در قافله یا در لشکرگاه میداد تا ویلش بد
بود و اگر بیند که مجوسی در زندان بانگ نماز میداد و اقامت کرد از زندان رهائی یابد و
اگر بیند که بانگ نماز بلهو و لعب داد دلیل که هلاک گردد و اگر بیند که بر سر کوهی بانگ
نماز میداد دلیل کند که پادشاه سخن راست گوید او را بخدای تعالی خواند و اگر بیند که
در منار بانگ نماز میداد دلیل بود که بزرگی فرمان روائی یابد و اگر بیند که در کنج خانه
بانگ نماز میداد دلیل که در کار حق خیانت کند و اگر بیند که در سرداب بانگ نماز میداد
دلیل بود که بسفر زود شود و در ان سفر رنج و بلا کشد و دیر بماند و اگر بیند که در میان
کوهی بانگ نماز کرد دلیل بود که در میان قومی ستمکر گرفتار اید و با وی خیانت کنند و اگر بیند
که بر کرسی یا بر تخت نشسته بود یا ایستاده و بلهو بانگ نماز میکرد دلیل بود که عقل از او
زایل گردد و اگر بیند که دیگری بانگ نماز کرد و او نشنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت
کاهل بود و کسی او را بخدای تعالی خواند و اگر بانگ اقامت شنود دلیل بود که در کارها حق
توفیق یابد حضرت صادق فرماید که بانگ نماز در خواب بر دوازده وجه بود اول حج دوم
سخن سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر هفتم بریدن هشتم مفلسی نهم
خیانت دهم جاسوسی یازدهم منافقی و بددینی دوازدهم بریدن دست پابند ابن سیرین گوید
که بیکباره پابند در خواب دیدن سخن خوش و لطیف بود یا بوسه بود که بفرزند و عیال یابد و
دهد و اگر پابند بسیار بیند نعمت و روزی حلال بود بقدر انکه دیده و اگر بیند که پابند
بجز وارها پابند بدو بخشید دلیل بود که مال و نعمت دنیا بیابد بقدر ان کارش نظام گیرد
اگر بیند که پابند بسیار داشت و جمله را ببخشید یا از وی ضایع شد دلیل که اگر نعمت دارد
جمله را نفقه کند یا از وی ضایع گردد پای دانیال گوید اگر کسی بیند که یکپای او بریده
بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال از وی ضایع گردد و اگر هر دو پای شکسته یا بریده بیند

پابند

پای

بود که جمله مالش ببرد یا خود بمیرد و معبران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته
ببیند دلیل بود که بسفر رود و اگر بیند که پای او آهنین یا سیمین بود دلیل که عمرش دراز بود و
مالش باقی ماند و اگر بیند که پایش آبگینه بود دلیل بود که عمرش زود سپری گردد و مالش
نماند زیرا که آبگینه را بقا و قوة نبود و اگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود دلیل بود بر سستی
و ضعف حال او یا بچه طلب کند از خیر و شر ابن سیرین گوید که اگر صالحی ببیند که پایش شل شده
بود دلیل بود بر زیادتی دین او بقوله تعالی ولا علی الاعرج حرج و اگر ببیند که پاهای او برهنه است
بود دلیل بود که از کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش بود و بچوب راه میرفت دلیل
بود که اعتماد بر کسی کند که او آن کس را وفا نباید و اگر کسی عامل پادشاه بیند که هر دو پای او
بریده بود دلیل بود که از عمل معزول گردد و مالش تلف شود و اگر بیند که پای او آهنین بود
دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که پایش سیمین بود و کعبش زرین همین دلیل کند
و اگر بیند که پای او در دستها بود دلیل که او را از پادشاه رسد و اگر بیند که پای او چون ستونی
سطبر بود این تاویلها بهتر بود زیرا که درخت چون زنده بود و ستون چون مرده و اگر بیند
که پای او در دامی گرفتار شده بود یا در جای فرو رفته بود دلیل بود که در مکر و حیله
گرفتار گردد و بعضی گفته‌اند که پای وی بر آن سخت شده بود و اگر بیند که پای در جایگاهی بماند
گوری یا لغزیده دلیل بود که از کار دین و دنیا باز ماند یا کسی سختی بدو گوید که از آن رنجور
گردد و اگر بیند که پای پرستوکی چنانکه دلیل بود بر غایت طلب نکاح که چون گوید گرفتی
گوید که هر دو پای بتاویل مادر و پدر باشد و هر ضعفی و نقصانی که در پا بیند همین دلیل
بر پدر و مادر کند و اگر بیند که پای بسیار داشت دلیل کند که بسفر شود و اگر درویش بود
توانگر گردد و دیدن پیش پای خود دلیل زینت مرد بود و حصول مال و طاعت کرده بود جا
گوید که اگر بیند که پای او چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوة و مالش زیاده
گردد و اگر بیند که پای او چون پای اسب بود یا پای خر دلیل بود که قوة و جاه او افزون گردد
و اگر پای خود چون پای درندگان بیند دلیل که چیزی حرام حاصل کند و اگر پای خود
را چون چنگال مرغان بیند دلیل بر قوة و کسب معیشت او بود و بر دشمن ظفر یابد حضرت

صادق ع

حرف الباء

صادق علیه السلام فرماید که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود اول عیش دوم عمر سیم سعی
کردن چهارم طلب مال پنجم قوت ششم سفر هفتم زن و پای کوفتن در خواب غم و مصیبت بود

پای ابرنجن

ابن سیرین گوید که اگر کسی ببیند که پای او برنجن در پای داشت دلیل بود که او را
رنج بود اگر بیند که سیمین بود رنج و سختی آن کمتر بود کرمانی گوید که پای او برنجن زنانه اشوی
بود و زنان را نیک بود و پیرایه‌های زنان را نیز امثال بود و مردان را حرام و اگر بیند که او برنجن
از پای بیرون کرد یا از وی ضایع شد دلیل بود که آن کس از وی بیجود دل گردد

بند نهادن

ابن سیرین گوید که اگر بند بر پای خود نهاده ببیند دلیل بود که ترسان و هراسان گردد و اگر
بیند که بر پای او دو بند نهاده بود و او در صحن بود دلیل بود که او در دین ثابت بود یا در
ثمان یا در غزای یا در کار نیکو بکند و در آن صلاح دین بود کرمانی گوید اگر بیند در خواب بندها کرده در
پای خویش بند بود داو را عزم سفر افتاد دلیل که در آن سفر دیر بماند و در آنجا مقیم گردد و هر
چند که بر پای بند قوی‌تر و محکم‌تر بیند دلیل که اقامتش در آنجا بیشتر بود اگر بند فراخ بود بهتر
باشد که تنگ بود و اگر بیند که بندش از مس بود همین دلیل کند و اگر بندش از آهن بود دلیل
بود بر آن چیزها که گفته یاد کرده شد و اگر بیند که بندش از رسن بود مقیم شدن از بهر دین
بود و اگر بیند که بند وی چون چوب بود مقیم شدن او از بهر نفاق دین بود جابر گوید اگر
بیماری بیند که بر پای او بند بود دلیل کند که از آن زحمت خلاص یابد و اگر پادشاه بیند که
بر پای او بند بود دلیل که پادشاهی بر وی پاینده بود حضرت صادق فرماید دیدن پای بند در خواب
بر سه وجه بود اول ثبات دین دوم زن خواستن سیم از سفر باز آمدن و علی الجمله هر که در خواب
بیند که در پای او بند بود اگر در نیکی بود نیکی در وی پاینده بود و اگر در بدی بود همچنین

پای تابه

ابن سیرین گوید که پای تابه در خواب چون نهاده ببیند مال بود و چون بر پای پیچیده ببیند سفر
بود و اگر بیند که پای تابه بر پا پیچیده است چنانکه مسافران آهنگ بیابان کرده‌اند و بادی هیچ
و نفوح خوش بود دلیل بود که زود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که پای تابه خویش بفروخت یا
بکسی بخشید دلیل بود که مال او ضایع گردد حضرت صادق فرماید که پای تابه در خواب بر سه وجه بود
اول مال خواسته دوم سفر سیم مرگ بود کسی بر پای پیچیده تنها عزم بیابان کرده

پاچه

ابن سیرین

گوید اگر کسی در خواب بیند که پاچه گوسفند همی خورد دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد
بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند که پاچه گاو همی خورد دلیل بود که در آن سال او را فراخی
نعمت بود بر اندازه خوردن او و جابر گوید که خوردن پاچه در خواب دلیل بود بر خوردن مال یتیمان
بقدر آنچه خورده بود خاصه چون بیند که خام میخورد پابند کردن ابن سیرین گوید اگر کسی در
خواب بیند که کسی را پابندانی همی کرد دلیل بود که در کار آنکس مقیم و پایدار بود و از او جدا
نگردد حضرت صادق ع فرماید که پای بندی کردن در خواب بر سه وجه بود اول مقیم شدن
آنکس که پای بندانی او کرد دوم عنایت کردن با وی سیم خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که
آن پابندان کسی بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود ببر ابن سیرین گوید که ببر جانوری درنده
و از جمله سباع است و دشمن شیر است و دیدن وی در خواب دشمن قوی دلیر بود لیکن کریم و مهربان
بود و اگر بیند که با ببر در نبرد و جنگ بود و او را قهر کرد دلیل بود که بر دشمن چیره گردد و اگر
بیند که ببر وی را قهر کرد دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که ببر از وی ترسان بود و مکر بخت او
دشمن ایمن گردد کرمانی گوید که پوست و استخوان و موی ببر در خواب دیدن مال و منفعت بود
که از دشمن بدو رسد بقدر آنچه دیده بود و اگر بیند که بر ببر نشسته بود و او مطیع بود دلیل
بود که دشمن مطیع او گردد بت ابن سیرین گوید اگر بیند که بت میپرستید دلیل بود که بر خدای
تعالی دروغ گوید و بر راه باطل بود و اگر بیند که آن بت از چوب بود که او را میپرستید دلیل بود که منافق
بود در دین و اگر بیند که آن بت از سیم بود دلیل بود که از بهر هوای نفس تقرب کند بزنی که با وی
میل دارد و اگر بیند که آن بت از زر بود دلیل بود که میلش بکار مکروه و جمع مال بود و اگر
بیند که آن بت از آهن بود یا از مس یا از ارزیز دلیل بود که غرضش اندر دین صلاح دنیا و طلب
متاع او بود کرمانی گوید که اگر آن بت از جواهر بیند دلیل که غرضش اندر دین پادشاهی و خدم
و حشم بود و اگر بیند که آن بت از جواهر دو رشته دلیل بود که غرضش اندر دین جمع کردن
مال حرام بود و اگر بیند که بت در خانه بود از عقل و دانش خود فرو مانده متحیر گردد حضرت
صادق ع فرماید که دیدن بت در خواب بر سه وجه بود اول دروغ باطل دوم مکار و منافق سیم
زن مفسد فریبنده بخشش کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که مال خود را بکار خیر بخشش میکند

پابند کردن
ببر
بت
بخشش کردن

دلیل کند

دلیل کند که فرزند خود را زن خواهد یا کسی را از خویشان خود بزنی دهد و مال خود بر ایشان
قسمت کند و اگر بیند که مال خویش براه فساد بخشش میکرد دلیل کند که سوی فساد و حرام گراید و
اگر بیند که مال خویش بر بیگانگان بخشش میکرد دلیل کند که حال ترحم بر ایشان او و هم بر زندگانی
او پراکنده گردد کرمانی گوید اگر بیند که مال کسی را بخشش میکرد برضای خداوند تعالی دلیل
خیر و شر آن بخداوند تعالی بازگردد بخور کردن ابن سیرین گوید که بخور کردن بخواب مال بود
از مردی بزرگوار و اگر بیند که از بوهای خوش چیزی بخور کرد دلیل بود که بقدر آن از مردی مال
حاصل کرد جابر گوید که بخوری که آن خوشبوتر بود بیننده را خیر و منفعت بیشتر بود و
اگر بخور خوشبوی نبود خداوند خواب را تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق ع فرماید که تاویل
بخور کردن بخواب بر سه وجه بود اول مال دنیا دوم عیش خوش سیم نام نیکو پر ابن سیرین
گوید اگر کسی بخواب بیند که او را پرها بود چون پر مرغ دلیل بود که او را مهتری و بزرگی بود
بقدر پرها و بعضی از معبران گویند که پر دیدن بخواب قوت و پناه بود کرمانی گوید اگر گوید که
پرها داشت و می پرید دلیل بود که بسفر رود و کارش نیکو بود و اگر بیند که با خود پر مرغ
داشت دلیل بود که بقدر آن وی را خیر و منفعت حاصل گردد و اگر بیند که پرهای او بیفتاد
دلیل بود که از بزرگی و جاه بیفتد و مالش نقصان گردد پر کندن ابن سیرین گوید که پر کندن دیدن
بخواب دلیل بود بر اندیشه و غم و خوردن دلیل بر مضرت بود بربط ابن سیرین گوید که بربط
بخواب لهو باطل بیان بود و سخن دروغ و محال گوید اگر بیند که بربط میزد دلیل بود که
سخن دروغ و محال گوید و کسی را بدروغ مدح و ستایش کند اگر بیند کسی پیش او بربط میزد
دلیل که سخن محال و باطل شنود و اگر بیند که با بربط چنگ و چغانه میزد و نای بود این جمله
دلیل بر غم و مصیبت کند که با اهل آن موضع رسد اگر بیند که بربط او بشکست یا بیفکند دلیل
بود که از دروغ و باطل گفتن توبه کند و اگر بیند که بیمار بود و بربط میزد دلیل بر مرگ او بود
کرمانی گوید اگر بیند که بربط استوار و استاد وار میزد و او بربط زدن نداند اگر بیننده خرم
عالم بود دلیل کند که مردمان را علم و بیان نیکو گوید و باشد که این هر سه علم را باید اندا
تفسیر دوم نفقه سیم فصل اگر بیند آنکسی که جاهل بود کاری کند که از آن شغل او را

حرف الباء
بخور کردن
پر
پر کندن
بربط

بر جستن

بر دار کردن

برد

برده

ازمردم ملامت و سرزنش رسد و اگر بیند که او از بربط می شنید دلیل بود که خبر زنی بر وی
شنود و با آن زن وی را دوستی افتد. بر جستن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جائی بجای
میجست دلیل بود که حال او بگردد و اگر بیند که بجای دوری جستی دلیل بود که سفر دور شود
اگر بیند که در وقت جستن عصا در دست داشت دلیل که اعتماد وی بر مردی قوی بود کرمانی
گوید اگر بیند که از جائی بیرون جست دلیلست که از حال بد بحال نیک گردد و اگر بیند که بهر جا
که میخواست میجست دلیل بود بر قوة و توانائی وی جابر گوید اگر بیند که از جائی با کرم بجست
دلیل بود که از حال فساد بحال صلاح آید و اگر بخلاف بیند از صلاح با فساد آید. بر دار
کردن ابن سیرین گوید که روزی مردی نزد من آمد و گفت که بخواب دیدم که مردی را هر دو دست
بر بستند و دیگری را بر دار کردند گفتم که اگر این خواب است میگوئی امیر و نامیر شهر را معزول
کنند و امیری دیگر بجای او بنشانند پس هم از روز چنان شد و دیگری بجای او بنشست کرمانی
گوید که اگر بیند که کسی را بر دار کردند و مردم در وی نظاره میکردند دلیل بود که بر چندین مردم
مهتر گردد و اگر بیند که کسی بنظاره او نبود شرف و بزرگی یابد لیکن در راه دین مفسد و فاسق
بود و اگر بیند که گوشت کسی را بر دار کرده بودند میخورد دلیل کند که مال از کسی که بر مردم مسلط
بود بخورد خاصه که چون بیند که او را اثری بود و اگر بیند که او را بر دار کرده بودند و خون از
وی روان شد دلیل که غیبت مردم کند و گناه بسیار از او بوجود آید حضرت صادق فرماید
که بر دار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول مهتری دوم مال سیم بزرگواری چهارم غیبت مردم
کردن. برد ابن سیرین گوید که بهترین جامها برد بود اگر بخواب بیند که برد یمانی بود و یا گونه
سبز و سفید بود یا جامه نو از برد پوشیده بود دلیل بود که فراخی نعمت یابد و بعضی گفته اند
جامه نیک بود و از آن خیر و منفعت رسد و اگر بیند که جامه نیک شد و بگونه سیاه و کبود بود
تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید که برده فروش مردی بود که دین را بدنیا اختیار کرده باشد
خاصه چون برد از پنبه بود و اگر بیند که برد وی از ابریشم بود دلیل بود که هم طالب دین بود و
هم طالب دنیا. برده ابن سیرین گوید که هرگاه برده بخواب بیند که برده او بگریخت اگر نیک بود
اگر سفر غم و اندوه بود و ترس و بیم و در آخر کار رها ایمن گردد و اگر بیند که برده بود و سرانجام برد

پرده

پرده داری

پرستو

برف

با برده مسجد یا بر میان بازار بود غم و اندوه و ترس عظیم بود کرمانی گوید اگر بیند که برده
ضایع شد دلیل که خداوندش از غم و اندوه فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد و چون برده
بیند و معروف نبود غم و اندوه صعبتر بود و اگر معروف بود آسانتر بود جابر گوید که
پرده نو پادشاه را نیکو بود و در غیبت بد بود و پرده کهنه بهمه حال نیکو نبود. پرده داری محمد ابن
سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که پرده داری میکرد دلیل که حاجتی که دارد روا گردد و جاه
و عز و شرف یابد گرد جابر گوید اگر بیند که پرده داری پادشاه صالح عادل میکرد دلیل
کند که وی بصلاح و بخیر گراید و مال حلال یابد و اگر بیند که پرده داری پادشاه مفسد
ظالم میکرد دلیل بفساد مایل گردد و مال حرام یابد. پرستو ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
پرستو داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که از کسی که از او جدا شده بود موانست گیرد و در
مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستو را بکشت یا از دست بیفکند دلیل بود که با کسی که
موانست داشت جدائی جوید و دور شود کرمانی گوید که دیدن پرستو در خواب مرد توانگر
و با خرد بود و اگر پرستو ماده بیند زنی توانگر با خرد بود و اگر بیند که پرستو از وی بپرید
دلیل بود که از مردی توانگر جدا گردد و اگر بیند که پرستو در دست او بمرد دلیل بود که
یار او بمیرد در رنج و اندوه بیند جابر گوید اگر بیند که پرستو در خانه او گرفت دلیل بود که
از غمها فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد. برف ابن سیرین گوید که برف بخواب دیدن غم و
اندوه و عذاب بود مگر اندکی دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجایگاهی که پیوسته
در آنجا برف بود دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر گوید که دیدن برف
بخواب لشکر هزیمتی بود خاصه که با برف باد بیند حضرت صادق فرماید که دیدن برف بخواب
بر شش وجه بود اول روزی دوم زندگانی سیم مال دنیا و ارزانی نرخها چهارم لشکر پنجم
بیماری ششم غم و اندوه و اگر بیند که بتابستان برف جمع میکرد دلیل که مال حلال جمع
میکند و اگر بزمستان جمع میکرد دلیل کند که بعضی خویشان را اندوه و منفعت بسیار یابد
کرمانی گوید که برف بخواب دیدن در سردسیر دلیل بر خیر و نیکی کند و در گرمسیر دلیل
بر غم و اندوه و قحط و بلا بود و اگر بیند که برف بوقت خود میخورد بهتر از آن بود که بی وقت

برق

بود برق ابن سیرین گوید که برق در خواب خزانه دار پادشاه بود و بعضی از معبران گفته اند
که برق وعده کردن پادشاه بود بیک مرد طماع را بطمع وی اگر بیند که برق را از هوا یا از ابر
فرا گرفت دلیل که کاری کند که از آن خنکی و خیر آن بود اگر بیند که برق همی درخشید دلیل کرد
السال نعمت فراخ بود خاصه با برق باران هم بود حضرت صادق فرماید که برق در خواب
بر پنج وجه بود اول خزانه دار پادشاه دوم وعده بد سیم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست

برگستوان

برگستوان ابن سیرین گوید که برگستوان در خواب استواری و محکم کاری بود اگر بیند که بر اسپی
با برگستوان نشسته بود دلیل که کار وی محکم و استوار گردد و بر دشمن ظفر یابد و خصم را قهر
کند جابر گوید اگر بیند که اسب وی با برگستوان در میان رزم میدوید دلیل بود که کار برادر
بخت و دولت مساعد او گردد و اگر بیند که برگستوان از اسب در افتاد یا ضایع گردید دلیل
بود که نامرادی یابد و در دست خصمان مغلوب گردد

برنج

برنج ابن سیرین گوید که برنج دیدن در
خواب مالی بود که برنج حاصل گردد بمقدار آنکه دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که برنج پخته همی خورد
دلیل بود که حاجت او روا گردد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که برنج با گوشت پخته همی خورد
بهتر و نیکوتر بود و برنج با شیر خوردن بغایت نیکو بود و اگر بیند که برنج با دوغ پخته همی
خورد دلیل بر غم و اندوه کند حضرت صادق فرماید که دیدن برنج در خواب بر سه وجه بود اول
مال دوم حاجت سیم خیر و منفعت که بدو رسد

پرنده

پرنده ابن سیرین گوید اگر بیند که پرنده داشت
و از دست وی بپرید و دیگر باز بدست او آمد دلیل بود که حاجت او روا گردد و اگر بیند که پرید
دلیل کند که بعضی از مال او برود

پرنیان

پرنیان باید آنکه پرنیان در خواب چون تاویل دیبا بود و
شرح آن در حرف الدال بیان کرده شود

بره

بره ابن سیرین گوید که بره در خواب اگر نر بود و اگر
ماده بود فرزند بود اگر بیند که بره فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را فرزندی آید
و آن فرزند بروی بود و اگر بیند که بره را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که
گوشت بره را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد کرمانی گوید که دیدن بره در خواب
خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بمقدار بزرگی و کوچکی او را و اگر بیند که بره
داشت او را مال و غنیمت رسد بمقدار آن و اگر بیند که بره یا بز خانه را بکشت و از او بخورد و

از بهر گوشت کشت دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت صادق فرماید که دیدن
بره در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم مال حلال سیم معیشت چهارم غم و اندوه

برهنگی

برهنگی ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش
طلب کند دلیل بود که حج طلب کند و اگر بیننده خواب مردی مستور صالح بود گناهش عفو
گردد و اگر خداوند خواب صالح نباشد دلیل بد بود کرمانی گوید اگر کسی خود را برهنه بیند
و در طلب بنا بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که ازاری بر میان بسته بود دلیل بود
که در طاعت و عبادت مجتهد گردد جابر گوید برهنگی در خواب دلیل محنت و رسوائی بود
اما اگر عورت را پوشیده بیند مرد صالح را نیکو بود و فاسق را بد بود حضرت صادق فرماید
که برهنگی در خواب مرد صالح را خیر و نیکی بود و مرد مفسد را بدی و رسوائی و بیچارگی بود

پروانه

پروانه ابن سیرین گوید که پروانه در خواب دیدن مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنادانی
در هلاک اندازد کرمانی گوید اگر بیند که پروانه از پس و پشت او بپرید و اینکس او را انگرفت
دلیل که بکنیزکی دوشیزه دراز کند و از وی پسری آید اگر بیند که پروانه را بکشت یا در دست
او هلاک شد دلیل که فرزندش هلاک گردد

بروت

بروت در خواب دیدن دلیل بر هیبت مرد کند
اگر بیند که کسی بروت او را بمقراض بیاراست تاویل نیکو بود و او را مضرت نرسد و اگر
بیند که بروت او در وقت پیراستن از بن ببرید یا بسترد دلیل نقصان هیبت مرد کند کرمانی
گوید اگر بیند که بروت وی دراز شده بود دلیل که او را قوتی بود و اگر بیند که کسی بروت
او را بر کند دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که بروتش سفید گردیده بود دلیل که از
کار ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که او را بروت نبود اگر دراز بود دلیل بر غم و اندوه
بود و اگر اندک بود دلیل بر عز و جاه و مراد کند

برج

برج دانیال گوید که دیدن حمل و اسد و
قوس لشکر پادشاه بود و دیدن سنبله و ثور و جدی پسر پادشاه و دیدن جوزا و میزان و
دلو قاضی و صاحب تدبیر پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت دیدن صاحب شرط و
شراب دار پادشاه بود ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بیند با مردی محتشم او را کاری
افتد و حاجت او روا کند و اگر ثور را بیند با مردی جاهل و نادان او را کاری افتد و حاجت

پری

بود و اگر دد و اگر جوزا را بیند با مردی فصیح یا زبان دان کاری افتد و حاجتش روا گردد
و اگر سرطان را بیند او را با مردی بی اصل کاری افتد و حاجتش روا گردد و اگر اسد را
بیند با مردی بزرگ کاری افتد و بزرگی و جاه یابد و اگر سنبله را بیند او را با مردی کشاورز
بیوفا کاری افتد و مرادش بر نیاید و اگر میزان را بیند او را با مردی قاضی کار افتد و هر چه علم
که دهد وفا کند و اگر عقرب را بیند او را با مردی دشمن یا با زنی مفسد بد کاری افتد و
او را از جهت وی ستم و غمگین گردد و اگر قوس را بیند او را با مردی سلاح ور و مهتر کاری افتد
و حاجت او روا گردد و خلق او را دوست دارند و اگر حوت را بیند او را با مردی عزب ساده
دل نیکنام مهربان کار و سخن کاری افتد و حاجتش روا گردد دیگر بدانکه معبران در این
خلاف است بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند بخت است و کام روائی و انکار که بود
ابوهریره گوید از رسول خدا صلعم پرسیدند که دیدار پری در خواب نیکی بود و دست
در دست او نهادن و با او سخن گفتن دلیل خرمی بود محمد سیرین گوید که پری بخواب دیدن که
خوش روی و شادمان و خوب روی بود دلیل که عز و دولت یابد و اگر او را زشت و غمگین بیند
دلیل غم و اندوه کند و اگر پری خوش نام ببیند کار او شوریده گردد و اگر با پری جنگ
کرد دلیل که کار او آشفته گردد و کرمانی گوید که پریان بعضی مسلمانند در خواب دیدار ایشان
دلیل بخت و دولت بود و آنچه کافر باشند دیدار ایشان دیدار دشمن و ادبار و اندوه بود دانیال
گوید اگر کسی در خواب بیند که در میان پریان بود دلیل بود که به سفر شود و آن سفر او را مبارک
بود و اگر بیند که پری او را در گردن گرفته است دلیل بر عز و جاه و بزرگی بود و اگر بیند که
پری او را از گردن بینداخت از جاه و بزرگی بیفتد و اگر بیند که پریان با لطف سخن می گفتند
دلیل بود که کارش نیکو گردد و اگر پری را در جامه نیکو بیند حالش نیکو گردد و اگر پری را در
جامه بد بیند حالش بد گردد و اگر بیند که پری او را چیزی داد از زر و سیم و آنچه بدین ماند
دلیل بود که دولت و اقبالش زیادت گردد جابر گوید که اگر پری را عریان یا برهنه بیند دلیل
بود که حال او بد گردد و اگر بیند که پادشاه پریان او را بنواخت دلیل بود که دولت و اقبال
یابد و مقرب پادشاه گردد و اگر بیند که پری جایگاه منزل وی درآمد و بود و خود را بدو

عرضه کرد

عرضه کرد و گاه خود را پنهان دلیل بود که زنی با وی مکر و خیانت سازد و اگر بیند که او را چون
پریان شد و ایشان را می شناخت و دید دلیل بود که به غربت افتد و شهرها بیند و اگر بیند که
پری او را همی بود دلیل بود که حاجت او روا گردد و اگر جای که اصل ندارد حضرت صادق فرماید
که دیدن پری در خواب بر پنج وجه بود اول دوستی عزیز دوم بخت سوم دولت سیم کاری که دارد
از آن کامرانی یابد چهارم بزرگی و حشمت بود پنجم خبر دروغ و کارها باطل بود

پرواز کردن

دانیال گوید اگر بیند که چون مرغ از جائی بجائی می پرید دلیل بود که به سفر رود و رتبت
بلندی و پریدن وی از زمین بلندی شرف یابد و اگر بیند که راست به آسمان می رفت
دلیل بود که او را مضرت رسد اگر بیند که چندان پرواز می کرد در هوا که به آسمان رسید
در آسمان ناپدید شد و از آنجا ناپدید شد و به زمین باز آمد دلیل کند که زود از دنیا رحلت
کند محمد بن سیرین گوید که اگر کسی بیند که از جانب قبله می پرید و باز بجای خویش آمد دلیل
کند که از سفر رود و باز آید با منفعت خاصه چون بیند که پرها دارد و اگر بیند که بی پر
همی پرید دلیل بود که از حال خود بگردد و اگر بیند که از بام خویش به بام دیگر می پرید دلیل که
زن را طلاق دهد و زنی دیگر خواهد یا کنیزکی خرد کرمانی گوید اگر بیند که بعنان آسمان
می پرید دلیل کند که حج کند و اگر بیند که از سرای خود به سرای مجهول می پرید دلیل کند که اجل
او نزدیک آمده باشد و بایدش از گناه توبه کند و اگر بیند که پرها داشت لیکن بجای مرغان
دلیل کند که بیمار گردد و بیم هلاک رسد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند که از جائی بجائی
پرواز می کرد دلیل که سفر نزدیک کند حضرت صادق فرماید که پریدن بخواب بر پنج وجه بود
اول سفر دوم حج سوم بزرگی چهارم تغیر حال پنجم بیماری و مرگ نعوذ بالله

بریان

محمد سیرین
گوید که بریان در خواب خداوند سخن بود و در فراخی طلب روزی و گوشت پخته بتاویل بهتر
از گوشت خام بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بریان از گوشت گوسفند خورد دلیل
که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد اگر بیند که بریان از گوشت گاو خورد دلیل
بود که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که بره بریان همی خورد دلیل بود که او را مالی
اندک حاصل گردد و بعضی از معبران گفته اند که خوردن بره بخته در خواب دلیل امن

پس کند جابر گوید اگر ببیند که سر ماهیان میخورد دلیل بود که او را از مهتری منفعت رسد
اگر ببیند که مرغ بریان میخورد دلیل بود که مالی از جهت زنی بمکر و حیله بدست آورد و اگر
ببیند که ماهی بریان میخورد دلیل بود که بسفر شود و بطلب علم یا بصحبت مردی بزرگ پیوندد
اگر خداوند خواب مستوی بود و اگر مفسد بود دلیل بر رنج و غم و اندوه بود و دشمن و ماهی بریان
کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و ماهی بزرگ بهتر از خورد بود و دیدن بریان فروش در

بزاز

خواب مردی بود که بسبب وی دیگران فراخ روزی گردند و دیدن بزاز بازی جامه فروش بود در
دیدنش مردی بود عظیم خطرناک زیرا که بهای جامه درم و دینار بود که دهند و ستانند و بها
تاویل درم و دینار مکروه و اندیشه بود و در ان هیچ خیر نباشد لکن اگر بهای جامه جز درم و دینار
چیزی دیگر ستانند نیک بدش دلیل بر نوع ان چیز کند که ستاده بود کرمانی گوید اگر کسی بخواب
ببیند که بزازی همی کرد و بهای کالا درم و دینار همی ستد دلیل کند که او را اندوه و هم و زیان رسد
و اگر ببیند که کالای دیگر بعوض کالای خویش بستد دلیل کند که مراد حاصل کرده حضرت صادق
فرماید که دیدن بزاز در خواب بنده [illegible] بنا بود

بز

ابن سیرین گوید که بز در خواب مردی بود
بزرگ و ماده بز در خواب زنی بود هم بدین سان اگر ببیند بزی مجهول را بکشت دلیل بود که بر
مردی بزرگ ظفر یابد و اگر ببیند که پوست بز را بکند دلیل کند که مال دیبا بستاند و هزینه
کند و اگر ببیند که از گوشت او بخورد دلیل کند که مال بخورد و اگر ببیند که بر روی نشست و از هر جای
میراند دلیل بود که با مردی بزرگ مکر و حیله کند و بهر حال که خواهد او را بگرداند و اگر ببیند که
بز او را از پشت خود بیفکند دلیل بود که آن مرد او را از جاه و حرمت بیفکند و اگر ببیند که هر دو شاخ
بز را شکست دلیل کند که آن مرد را از عمل منع کند و اگر ببیند که سروهای بز دراز و قوی شده بود
یا در عدد زیاده گردیده بود دلیل بود که در عمل خود مهتر و قوی گردد و بر ایشان ظفر یابد و اگر
ببیند که موی او زیاده شده بود دلیل کند که مالش زیاده گردد و اگر ببیند که پشم او بستد دلیل
کند که بقدر آن مال از فرزند بستاند و اگر ببیند که ماده بزی را بیافت یا کسی بدو بخشید دلیل
که زنی بخواهد که بها گوید اگر ببیند که ماده بزی را بدوشید و شیر او را بخورد دلیل که از زنی
مال یابد و اگر ببیند که ماده بز را بکشت و گوشت او را بخورد دلیل که از آن زن حاجت او روا گردد

و اگر ببیند

حرف الباء

و اگر ببیند که ماده بز را از آن بهر گوشت کشت دلیل کند که زنی بنکاح بخواهد و از او فایده نبیند
و اگر ببیند که ماده بز از خانه او بیرون شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر ببیند که دنبه بز در جای
داشت یا بجای دیگر و داشت که ملک او نیست دلیل که بقدر آن وی را مال و نعمت و غنیمت بدست آید
و اگر ببیند که دنبه بز و گوسفند در صحرا میخواند به هر جا که میخواست میبرد دلیل بود که بولایتی از
عجم حاکم گردد جابر مغربی گوید اگر ببیند که از گوشت ماده بز میخورد دلیل کند که بیمار گردد و
زود شفا یابد و پوست و پشم و شیر بز در خواب خیر و برکت و مال بود که بدو رسد و اگر ببیند که
بزغاله بدو دادند یا بیافت یا بخرید دلیل کند که ویرا فرزندی مبارک آید و اگر بزغاله را بکشت
دلیل که فرزند او هلاک گردد و اگر ببیند که گوشت بزغاله را بخرید دلیل که از مال فرزند چیزی
بخورد حضرت صادق فرماید که بز نر در خواب مقدم لشکر بود اگر ببیند که بز نر بیافت و بر وی نشست
دلیل بود که این مرد مقدم لشکر گردد و اگر از مردم عامه بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد
و توانگر گردد حضرت صادق میفرماید که از پیغمبر شنیدم که فرمود که هر که بز را بخواب ببیند که بخرید
و نجات برد چهارم روشنائی بندی دور گردد و دیدن بز فروش در خواب مردی بود که مردمان چیزها را
جمع کند کرمانی گوید که بز نهاده در خواب دیدن و گوشت آن خوردن مالی جمع کرده بود و بعضی از
معبران گویند که مالی جمع کرده او را حاصل گردد جابر مغربی گوید که بز نهاده در خواب دیدن و خوردن
دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود دلیل بر غم و اندوه

بلدرقطونا

کند بزر قطونا ابن سیرین گوید که دیدن بزر قطونا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن
وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود

بساط

بساط بدانکه بساط در خواب شادروان بود
و اگر ببیند که بساطی بگسترد و بر روی نشست دلیل بود که روزی بر وی فراخ گردد و عمرش دراز
گردد جابر گوید اگر ببیند بساطی پاکیزه و نو داشت بزرگ فراخ دلیل بود که نعمت و مال و دیبا گردد
خاصه که گسترده بیند اگر ببیند که بساط خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که در مال او
نقصان شود و اگر ببیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بر وی بسته گردد و حالش
بد شود حضرت صادق فرماید که دیدن بساط در خواب چون بزرگ و نو بود بر شش وجه بود اول
عز و جاه دوم بزرگی سوم نعمت چهارم مرتبت چهارم مال پنجم عمر دراز ششم ثنا بقدر بزرگی بدانکه

بستر

چون بساط فرش چون بها بستاند خلاف این بود بستر ابن سیرین گوید که بستر در خواب زن
بود و نیک و بد آن تعلق بزن دارد اگر بیند که بستری خرید یا بستر وا بدل کرد یا از آن بستر به
بستری دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر
از حال خود متغیر گردید دلیل بود که زن او از حال بحال دیگر گردد و اگر بیند که بستر وی بستر
دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی بخواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند
که بستر خویش را بفروخت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از
ایشان یکی بمیرد کرمانی گوید اگر کسی خود را بر بستر مجهول بیند دلیل که بعقد و نیت آن او را دلیل
رسد اگر بیند که بستر روی بر تخت مجهول گسترده بود و بر وی نشسته بود دلیل بود که بزرگی
منزلت یابد و دشمنان را قهر کند جابر گوید که بستر در خواب ولایت بود قوله تعالی متکئین علی
فرش بطائنها من استبرق و اگر بیند که بستر را از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل
بود که میان او و زن طلاق رجعی افتد و اگر خویشتن را بر چهار بستر هر یکی افتاده بیند دلیل
کند که بشماره هر بستری زنی بخواهد یا کنیزک خرد و اگر بستر خود را در خانه بیند یا در معان
که از آنجا بیرون نتوان آورد دلیل بود که زنش بجود گردد و از آن رنج خلاص نیابد و اگر خویشتن را
بر بستر نرم گسترده بیند که خفته بود دلیل کند که از آنها بروی مبارک گردد و اگر بیند که بستر او از
پشم اکنده بود دلیل بود که زن توانگر خواهد و اگر بیند که بستر او دریده بود یا سوخته بود
دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را بی دیانت و شرم بیناسد و اگر بیند که بستر
او ابریشمین بود یا بستر کرباسین بدل کرد دلیل بود که زن تا سفردار شب بداده زن مستوره
بخواهد و اگر بیند که بستر او موش سوراخ کرده بود دلیل بود که میان زن او و کسی ناسزا معاملتی
اتفاق افتد و بیشتر رضا دهد و اگر بستر شوهر در هوا معلق بود دلیل بود که بستر او در جایگاهی
بلند گسترده بود شغل او بالا گیرد و دولت یابد و اگر بیند که بستر وی از هوا بزمین افتاد دلیل کند
که زنش بیمار گردد و بعاقبت شفا یابد دانیال گوید اگر بستر خود را سبز بیند دلیل بود که زنی
خواهد دین دار و پارسا و اگر بستر خود را سرخ بیند دلیل بود که زن او بدخو و ناسازگار گردد و
اگر بیند که بسترش کهنه شده بود نو شد دلیل بود که زنش از خلق بد بخلق نیک باز گردد و اگر بیند

و تن آسانی

الحمد لله

حرف الباء

که کهنه شده همچنین دلیل کند که از خلق نیک بخلق بد باز گردد و اگر بیند که بستر او سبز بود سرخ
شده دلیل بود که زن وی از صلاح بفساد مایل گردد و اگر بخلاف این بود از فساد بصلاح باز آید
اگر بیند که بستر او سرخ بود سفید گردید یا زرد شده دلیل بود که زنش از گناه توبه کند و بیمار
گردد چنانکه بیم مرگ بود و اگر بیند که بستر او نو بود و در زیر خود گسترده بود و بالشها نهاده
بود دلیل بود که زن کند با کنیزکان و خادمان خرد و اگر بر بستر خویش بالشها نهاده بیند دلیل بر
خادمان کند قوله تعالی و نمارق مصفوفة اگر بیند که بستر بجای مجهول دلیل بود که زمینی بخرد و در
آن کشاورزی کند و معبران گویند که میراث یابد و اگر بیند که بر بستر خفته بود دلیل که راحت
و آسانی یابد و اگر بیند که بستری داشت و بر هوا بر وی خفته بود دلیل که بسبب آن کار بزرگی
یابد و اگر بیند که بستر وی شوریده بود دلیل که زنش نابکار بود و معبران گویند که زنش بمیرد و اگر
بیند که آتش در بستر او افتاد و بسوخت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا بمیرد حضرت صادق ع
فرماید دیدن بستر در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم ولایت چهارم معیشت و
منفعت.

بست

بستان ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که بستی میخورد یا بستی آرد دلیل بود که
بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که بکسی بستی داد یا بفروخت دلیل بود از وی بدانکه داد غم
و اندوه رسد جابر گوید اگر بیند که بستی داشت و از خانه بیرون ریخت یا بکسی بخشید هیچ از آن
نخورد دلیل بود که از غم رسته گردد و از آن خلاص یابد.

بستان افروز

بستان افروز ابن سیرین گوید که بستان افروز
در خواب دیدن شادی بود لکن بدین بد بود اگر بیند که بستان افروز فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل
بر خرم و شادی بود که خرم گردد و اگر بیند که بستان افروز بکسی داد دلیل بود که او را خرم گرداند
کرمانی گوید که بستان افروز چون بوقت خود بیند بهتر بود و بعضی از معبران گویند که زن
با ذوق کان توانگر بود با جمال و خوش طبع و اگر بیند که بستان افروز در خواب بجایگاه خویش میکوفت
دلیل که وبرا با زن کافی دوست مصاحبت افتد و اگر بیند که از زمین برکند دلیل که از صحبت مردی جدا
گردد.

پستان

پستان در خواب دختر بود و آنچه در پستان بیند از زیادت و نقصان و صلاح و فساد آن جمله بر دختران
کند و اگر بیند که از پستانش شیر روان گردید دلیل که بر دختر نعمت و روزی فراخ گردد و مال
حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون روان شده بود دلیل بود که مال حرام یابد و اگر

ببیند که پستان او بیش از اندازه فرو افتاده بود دلیل بود که او را دختری باید و اگر مردی ببیند
که دو پستان او شیر جمع گردیده بود و اگر زن ندارد زن خواهد و فرزندش آید و اگر زن دارد که
توانگر گردد و اگر اینجوار اعجوزه ببیند دلیل بود بر درویشی وی و اگر زن جوان اینجوار ببیند دلیل
بود که عمرش دراز گردد و اگر دختری ببیند دلیل کند که هم در خورد و بمیرد که با آنی گویا اگر
مردی ببیند که پستان مردی بمکید دلیل بود که بیمار گردد و اگر زنش آبستن بود پسر آورد و اگر
زن ببیند که از پستان بمکید دلیل بود که کار دنیا بر وی بسته گردد جابر گوید پستان مرد در خواب
زن او بود و پستان زن دختر وی و اگر زنی ببیند که پستان او بریده بود دلیل بود که دخترش بمیرد
و اگر مردی ببیند که پستانش بریده بود دلیل بود که زنش بمیرد و اگر زنی ببیند که در زیر پستان
پستانی دیگر بر آمد دلیل بود که دختر آورد و اگر ببیند که هر دو پستانش بزرگ شده بود دلیل
بود که احوال فرزندانش نیکو گردد یا دختر را بشوهر دهد و اگر ببیند که از هر دو پستان خود
شیر میدوید دلیل بود که او را غم و ملامت رسد و اگر ببیند که از پستان وی شیر بشکم وی میدوید
دلیل که او را زیانی رسد و اگر ببیند که یک پستانش بآتش بسوخت دلیل بود که دخترش را شغلی
افتد از پادشاهی و اگر ببیند که بر همه تن پستانها بود دلیل بود که اهل و فرزندانش بسیار شوند
و اگر فرزند ندارد از سالش زیاده گردد لیکن با مردمان ملامت بود و اگر زنی ببیند که او را
پستان او بچه بود دلیل بود که از حرام پرهیز کند و حضرت صادق فرماید که دیدن پستان
در خواب بر پنج وجه بود اول فرزندان خرد دوم دختران سیم خادمان چهارم دوستان پنجم
برادران پستان بند ابن سیرین گوید که پستان بند دیدن در خواب زن را عز و مرتبت و کام روایی
بود و مردان را زحمت و زیان و غم و اندیشه بود و اگر زنی ببیند که پستان بند نو و تازه داشت
دلیل بود که عز و مرتبت یابد و بکام رسد و اگر زنی ببیند که پستان بند داشت دلیل بود که مال
و نعمت یابد و شادمان گردد و اگر مردی ببیند دلیل بود بر خذلان و نامرادی از همگان پشت
ابن سیرین گوید که پشت در خواب پناه مردی بود که از او قوت و یاری پناه طلبد و اگر ببیند که
پشت او بشکست دلیل بود که آنکس که پشت و پناه او بود از دنیا رحلت کند و اگر ببیند که زخمی بر
او رسید دلیل بود که رنجی و آفتی بدو رسد که پشت و استظهار او بود که بهمگی گویند همگان

پشت قوة

حرف الباء

پشت قوت و فرزندان بود و همه صلاح و فساد که در همه کارها پشت بود تا و پشتش بقوت و فرزندان ببیند
خلوت سود و اگر ببیند که پشت او درشت با قوت بود دلیل بود که او را فرزندی بتن قوی و دانا
و عاقل بود و اگر ببیند که چیزی بر پشت گرفت دلیل بود که بقدر آن گرانی و غم و اندوه بوی رسد
و اگر ببیند که مرده بر پشت گرفت دلیل بود که مؤنت کسان مرده بوی رسد و اگر ببیند که پشت او
برگشت دلیل بود که حال او بد گردد جابر گوید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود از شر دشمن
دیدن پشت زن دلیل برگشتن دنیا بود اسمعیل اشعث گوید که پشت بخواب دیدن برادر بود
اگر ببیند که پشت او بشکست دلیل بر آمدن شیر پدر و اگر ببیند که پشت او درد همی کرد دلیل بود که وی
را از برادر یا مهتر غم و اندوه رسد اگر ببیند که بسبب علتی پشت او را داغ کردند دلیل بود بر صلاح
دین و دنیای وی و اگر ببیند که پشت بدیوار باز داد دلیل بود که بسفر شود مال حاصل کند حضرت
صادق فرماید که پشت بخواب دیدن بر دوازده وجه بود اول قوت دوم برادر سیم پسر چهارم
پادشاه پنجم زن ششم حجت هفتم پدر هشتم برادر نهم پیر دهم مال یازدهم یاری دادن دوازدهم
جلیسی بدید پدر و معبران گفته اند که دیدن پشته کافران را ایمان بود و فاسقان را توبه و جادوی را
اسلام و منافق را اخلاص

پشته

پشته ابن سیرین گوید که اگر ببیند که در پشته زمین هامون نشسته بود
یا بر پشته کوهی دلیل بود که بر مردی بزرگوار که شرف و منزلت یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخ
آن زمین بود که پیرامن کوه هست و اگر ببیند که بر سر آن پشته ایستاده بود دلیل که بنزدیک مردی
بزرگ شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر ببیند که آن پشته ملک و موضع او بود دلیل که مردی بزرگ
او را قهر کند و نعمت و مال او بستاند و بجای او مقیم گردد و اگر ببیند که بعضی از آن پشته ملک وی است
دلیل بود که بقدر آن نعمت و بزرگی یابد و اگر ببیند که از آن بزیر افتاد یا کسی او را بزیر انداخت
دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار بیحرمت گردد و مضرت بیند و اگر ببیند که بر آن پشته به
دشواری و زحمت بالا همی رفت دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد حضرت صادق فرماید که پشته
دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بلندی دوم مال سیم قوت چهارم مؤمنی

پشم

پشم ابن سیرین گوید
که پشم در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی و پشمی که بافته باشد بهتر بود و نکوتر
و اگر ببیند که پشم داشت یا کسی بوی داد یا بخرید یا بموضع خویش بود دلیل بود که بقدر آن او را مال

حاصل کرده بود قوله تعالی و من اصوافها و اوبارها و اشعارها اثاثا و متاعا الی حین کرمانی گوید که
پشم از خواب بشتر و زهی انداخته دلیل بود که مال خود را تلف کند و اگر بیند که پشم همی سوخت
دلیل بود که مال خود را هزینه کند و اگر بیند که بر تن وی جامه پشمین بود دلیل بود که او را از
زنان مال حاصل گردد و اگر بیند که جامه پشمین یا پیشه بخرید یا بستری از پشم داشت دلیل کند
که زنی توانگر بخواهد جابر گوید که پشم اشتر در خواب مال بود از قبل پادشاه و معبران گویند که
میراث بود

پشه ابن سیرین گوید که پشه مردی ضعیف خوار و ناکس بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر
بیند که با پشه جنگ همی کرد دلیل بود که با مردی ضعیف خصومت کند و اگر بیند که پشه بگلوی
او فرو شد دلیل کند که با مردی حقیر بکاری حقیر مشغول گردد و از او اندک چیزی بدو رسد
و اگر بیند که پشه بسیار بر تن او جمع شدند و او را میگزیدند دلیل بود که در زبان مردم عوام
افتد و از ایشان بوی مضرت رسد و باشد که او را از ایشان رسد نیز اگر پشه خون مردم را مکد
و اگر بیند که پشه در گوش یا در بینی او فرو شد و از او رنج دگر ندید دلیل بود که از مردم
ضعیف بدو رنج و گزند رسد کرمانی گوید اگر گوید که پشه بسیار بخانه او در آمدند دلیل بود
که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پشه گان غلبه کردند و در خانه او جمع شدند دلیل بود
که بر دشمن ضعیف ظفر یابد اگر بیند که پشه در بینی او شد و بیرون نیامد دلیل بود که در محنت
و بلا گرفتار گردد

بط ابن سیرین گوید که بط در خواب بدیدن مال و نعمت بود که بدو رسد بقدر
آنکه دیده بود خاصه که در خانه و ملک خود دیده بود و اگر بیند که بطان بسیار در سرای او گرد
آمده بودند و بانگ همی کردند دلیل بود که در آن موضع مصیبت افتد اگر بیند که
با وی سخن گفتند دلیل بود که بسبب زنی توانگر سفر کند و در آن سفر خیر و منفعت یابد کرمانی
گوید بط در خواب مردی بود بزرگ از اهل بیت با مال و حشم بسیار اگر بیند که از اندام بط
چیزی یافت دلیل بود که از مردی بدین صفت که گفته شد چیزی یابد حضرت صادق فرماید که
بط اسپید در خواب مال بود یا زن توانگر و بط سیاه در خواب کنیزک بود اگر بیند که بط ملک
و از گوشت وی بخورد دلیل بود که مال زن بمیراث ستاند و هزینه کند

بغل ابن سیرین گوید
که بغل دیدن در خواب دلیل بر حالت زشتی بود که بدو رسد و بوی بغل دلیل کند بر آنچه را

دفا برئن

حرف الباء

و غالب شدن بر دشمن بود کرمانی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش همی آمد دلیل بود که مال
حرام یابد جابر گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش همی آمد هم مال حرام یابد و اگر کسی بیند
که دست نهاده در زیر بغل داشت دلیل باشد بر نفس مراد و قهر دشمن قوله تعالی واضمم یدک الی
جناحک تخرج بیضاء و بعضی از معبران گویند که دلیل بود بر داشتن مروت و جوانمردی و هر که
بیند که در بغل او نقصانی بود دلیل بود که نام او کند و دشمن بر وی غالب گردد و اگر بیند که
از بغل وی بوی ناخوش همی آمد دلیل بود که مال بوی رسد اما بدشواری و اگر بیند که از زیر بغل
وی عرق روان شد دلیل بود که بقدر آن عرق از مال چیزی نقصان گردد

بقالی ابن سیرین
گوید که بقالی کردن در خواب جهد کردن بود در کارها و چیزی حاصل کردن بجهت معیشت
اگر بیند که بقالی همی کرد دلیل کند که بکسب کار دنیا مشغول گردد و بقدر آنچه داشت مر را
از متاع دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که متاعهای بقالی را بزر و درم میفروخت دلیل
کند بر غم و اندوه زیرا که زر و درم بها و بال غم و اندوه بود حضرت صادق فرماید که بقالی
کردن در خواب بر سه وجه بود اول کسب کردن دوم منفعت یافتن سیم غم و اندوه چون بیند
که متاعها را میفروخت بزر و درم

بلانکینی ابن سیرین گوید که بلانکینی در دست داشتن در خواب
دلیل بود که او را از کسی مدد و قوت بنا شد و اگر بیند که بلانکینی از چوب نرم جسته بود
تاویلش بخلاف این بود که گفته شد

پلاس کرمانی گوید که پلاس در خواب دیدن مردی دینی بود
مصلح و پارسا و دین دار در اقوال و افعال با امانت اگر بیند که پلاس می پوشید و داشت دلیل
بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که پلاس بسیار
داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و معبران گویند که پلاس مال حلال
بود و اگر بخواب بیند که پلاس نو یافت دلیل بود که زن پارسا توانگر بخواهد و از او خیر
و منفعت یابد و اگر مردی بیند که پلاس نو بخرید دلیل بود که کنیزک پارسا بخرد
از او خیر و منفعت یابد

بلبل دیدن کرمانی گوید بلبل در خواب دیدن فرزند کوچک یا غلام
بود و از او در خواب کلام خوش و سخن لطیف بود اگر بیند که بلبلی بگرفت دلیل بود که فرزند
یا غلام او ضایع گردد و اگر بیند که بلبل را دوست داشت بمرد دلیل بود که فرزند او یا غلام او بمیرد

کوید اکر بیند که بلبلان بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن غلامان بخرد و اکر بیند که بلبلان
بکشت و آن کوشت ایشان بخورد دلیل بود که غلام از میراث یابد بلبله کرمانی کوید که بلبله در

بلبله

خواب دیدن کنیزک بود و ابن سیرین کوید زن او بود اکر بیند که بلبله خرید یا کسی بوی داد دلیل
بود که کنیزک خرد یا زن خواهد و اکر بیند که از آن بلبله آب همی خورد دلیل بود که با زن مجامعت
کند و اکر بیند که آن بلبله بشکست دلیل بود که زن یا کنیزک وی بمیرد حکایت کنند از ابو
خلده که او کفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیامد و کفت بخواب دیدم که از بلبله آب می
خوردم و آن بلبله را دو در بود از یکی آب شیرین خوش همی خوردم و از یکی آب شور و تلخ ابن سیرین
کفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را بکار میداری توبه کن و از خدای تعالی بترس مرد کفت
چنین است که تو کفتی توبه کردم و بخدا باز کردیدم بلغم ابن سیرین کوید که بلغم در خواب

بلغم بینی

مالی بود که بوجه صلاح اعمال را نفقه کند اکر کسی بخواب بیند که بلغم را بجای کاهی جو کرانه
تاویلش بخلاف این بود اکر بیند که بلغم سفید از کلو برانداخت بجای پاکیزه دلیل کند که مال
بوجه صلاح نفقه کند کرمانی کوید اکر بیماری بیند که بلغم را برافکند دلیل بود که از بیماری
شفا یابد و اکر بیند که بلغم سیاه برافکند دلیل بر غم و اندوه کند اکر بیند که بلغم خون آلود بود
دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان کردد و اکر بیند که بلغم بدرون خانه خود انداخت دلیل کند
که مال بر بیکانکان نفقه کند و اکر بیند که بلغم در مسجد افکند دلیل بود که مال او بوجه صلاح
بیکانکان نفقه کند برک ابن سیرین کوید که در خواب دیدن برک درخت بر خلق و خوی

برک

بیننده خواب بود خاصه هنکام وی و اکر بیند که برک سبز از درخت پاره فرا کرفت یا کسی بوی
داد دلیل که بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو کرمانی کوید اکر کسی بیند که از درخت
برک تازه فرا کرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل کردد جابر کوید که برک درختان
میوه شیرین دلیل بر خلق نیکو بود و برک درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برک
درختانیکه بار ندارند دلیل بر درم و دینار بود و معبران کویند که برک درختانیکه میوه
دارند دلیل بر درم و دینار کند پلنک ابن سیرین کوید که پلنک در خواب دشمنی قوی و توانا

پلنک

بود اکر بیند که با پلنک جنک همی کرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه

حرف ب

بود یعنی اکر پلنک بروی غالب کردد دشمن بر وی غالب کردد و اکر او بر پلنک غالب شد او بر
دشمن غالب کردد و اکر بیند که کوشت پلنک همی خورد دلیل بود که در جنک و خصومت افتد لیکن
مظفر کردد و شرف و بزرکی یابد کرمانی کوید اکر بیند که بر پلنک نشست دلیل کند بر عز و جاه وی
و دشمن را قهر کند و اکر بیند که با پلنک جنک میکرد و هیچکدام بر یکدیکر ظفر نیافتند دلیل
بود که از پادشاه ترسی عظیم بدو رسد یا بیماری صعب بیند بعد از آن شفا یابد و اکر بیند که
شیر پلنک را همی خورد دلیل بود که از دشمن ترسی بدو رسد و سرانجام ایمن کردد و اکر بیند که
پوست پلنک یا استخوان یا موی او را فرا کرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن
چیز بدو رسد یا بیابد و اکر بیند که پلنکی را بکشت دلیل بود که از اسلام چیزی بکو داند و در او خیر
نباشد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پلنک در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی دویم
مال یافتن از دشمن سیم ترس از پادشاه بلور ابن سیرین کوید که بلور در خواب زنی بی اصل بود اکر بیند که

بلور

بلور داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که زنی بی اصل بزنی بخواهد و اکر بیند که بلور داشت و
ضایع شد دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب کردد و اکر بیند که بلور بسیار داشت دلیل
بود که او را بسبب زنان مال حاصل کردد جابر کوید اکر بیند که بلور میفروخت دلیل بود که دلالکی
زنان بی اصل کند و اکر بیند که بعضی از آن بلور که میفروخت بعضی سوراخ نداشت و بعضی
سوراخ داشت دلیل بود که دلالکی دختران دوشیزه و زنان بیوه بی اصل کند بلوط ابن

بلوط

سیرین کوید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورده بود اکر بیند که درخت
وی ابنانهای بلوط بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار او را از آن حاصل کردد و چون دانند
که آن بلوط ملک وی است و اکر بلوط در خانه دیکران بود دلیل که مردمان پیش او امانتها
نهند حضرت صادق ع فرماید که دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دویم
منفعت سیم معیشت نیکو پلیته کرمانی کوید که پلیته افروخته در خواب کار فرمائی بود که در پیش

پلیته

مردمان بود و پیراهن می کردند خلعت کند اکر پلیته افروخته نباشد تاویلش بخلاف این
بود بناکوش در خواب دیدن پسری خوبروی مبارک بود و هر دو بناکوش دو پسر بود کرمانی

بناکوش

کوید که دیدن بناکوش در خواب دلیل بر قدر و جاه او بود و زیاده و نقصان دیدن در بناکوش

دلیل بر قدر و جاه صاحب خواب بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بناگوش در خواب
بر چهار وجه بود اول پسری نیکو روی دوم قدر و جاه سیم دین درست چهارم منفعت از سبب زن
پلنه ابن سیرین گوید که پلنه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده بود از اندک و بسیار و پنبه
دانه بخواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آسان بدست آید و بی رنج و تعب حضرت صادق فرماید که

پلنه

پلنه در خواب بر سه وجه بود اول مال حلال دوم منفعت سیم سود بودن بجشک دانیال گوید که

بجشک

بجشک در خواب مردی با قدر و جاه بود اگر صاحب خواب مستور بود و اگر مستور نبود و بیند که
او را اندام با بجشکی بگرفت دلیل بود که با مردم بفعل مکر و حیلتی سازد و او را قهر کند و اگر
بیند که بجشک ماده بگرفت دلیل بود که زنی با قدر بروی ظفر یابد و اگر بیند که از گوشت وی
بخورد دلیل بود که مال از مردم بدان قدر که گوشت وی خورده بود بدو رسد و اگر بیند که بجشک
از آشیانه بیرون آورد دلیل بود که بدو رنج و ملامت رسد کرمانی و ابن سیرین گویند اگر بیند
که بچکان بجشک را شکار میکرد و گردن ایشان را فرو میشکست و در انبان مینهاد دلیل بود که معلمی
کودکان بکند و اندام ایشان را بچوب خورد کند و اگر بیند که بجشک سرخ را صید کرد دلیل
بود که زنی خوبروی خواهد با کبر که جمال بخرد و اگر بیند که بجشکی زود بافت دلیل بود که زنی
بیمار گونه زود بزن کند و معبران گویند که بجشک یافتن در خواب فرزند بود یا غلام اگر بیند
که بجشکی کور داشت دلیل کند که با مردی هوادار بدفعل دوستی کند و گفته اند که با بجشک یافتن
در خواب دلیل بود که اگر درویش بود شش درم بیابد و اگر توانگر بود شش هزار درم بیابد
و خانه بجشک در خواب دیدن دلیل بر خیر و خرمی و ایمنی بود اگر بیند که بچکان بجشک را از خانه
بیرون آورد دلیل بود که او را فرزندان باشند از حلال یا حرام و اگر بخواب بیند که بجشک
آواز میکرد و آواز او را می شنید دلیل بود که سخنهائی شنود که او را از آن شگفت آید و معبران
گویند که آواز بجشکان در خواب تسبیح کردن بود اگر بیند که بجشکان بسیار او را حاصل شد
دلیل بود که بر سر قومی سروری کند و مال بسیار یابد کرمانی گوید که بجشک در خواب چون بک
ببیند فرزند بود اگر بیند که بجشکان بسیار با او نشسته اند دلیل بود که او را با مردمان غوغا
کاری افتد و اگر بیند که بجشک در دهان نهاد و فرو برد دلیل بود که او را فرزندی آید اگر بیند

که بجشک

که بجشک بسیار بدو بخشیدند دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که بجشک را بر
کشت یا در دست و بمرد دلیل کند که زنی بدو رسد و فرزندش بمیرد و اگر بیند که خانه
بجشک را فرا گرفت دلیل بود که او را فرزندان آید درشت و بزرگ اندام حضرت صادق فرماید که
دیدن بجشکان در خواب بر نه وجه بود اول پادشاه دوم والی سیم مردی بزرگ قدر چهارم غلام
خوبروی پنجم قاضی ششم بازرگان هفتم مرد راه زن هشتم مرد باخصومت نهم مردی بجماع کردن مولع
بود **حکایت** بوخلده حکایت کرد که پیش محمد بن سیرین بودم که مردی بیامد و گفت بخواب دیدم
که در آستین بجشکان داشتم و یکیک را بیرون می آوردم و میکشتم و بنهاده میکنم و آن را در جا
می انداختم تا ویلش چگونه بود ابن سیرین گفت خانه کجا داری گفت که فلان محله و فلان کوچه ابن
سیرین گفت که یکساعت بنشین تا باز آیم پس برخاست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد
که حال خبیثی است که در ایذای مردم است و مردمان پادشاه را در خانه او درآوردند و در آنجا جست
جو کردند که قریب به پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته بدیدند که امرد ایشان را بحیله بدانجا
میبرده و مال ایشان را میگرفته و ایشان را میکشته و در خانه می انداخته پادشاه وقت بفرمود تا
او را بکشتند و مردم از تعبیر ابن سیرین شگفت ماندند تعبیر بجشک در خواب کودک خورد بود تاویلش
آن نیک بدان بر کودک خورد بود پندهای ابن سیرین گوید اگر مردی بیند که کسی مصلح او را

پندهای ابن

پند میداد که بدان پند او اصلاح دین و رستگاری آخرت بود دلیل بود بر بشارتی که در آن
خیر دین و دنیای او بود و اگر بخلاف بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای وی بود جابر گوید که
پند دادن در خواب کسی را که صلاح دین و دنیای او بود پند دهنده فرشته مقرب بود
که بشارت دهد صاحب خواب را بخیرات که بدو خواهد رسید تا شکران بجا آورد و پندی که
که در او فساد دین بود پند دهنده آن دیو رجیم بود که او را بجز بدی هلاک و تباهی و فساد کار
او را توبه باید کردن و بخدا باز گشتن تا او را از شر و فساد نگاه دارد و از عذاب حقتعالی رسته
گردد بند نهانی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آهنین در پا داشت دلیل بود که دین او

بند نهانی

بخلل بوده و او دعوی مسلمانی کند بدروغ و مردی بخیل بود و زاد چیزی بکسی نرسد بعضی
از معبران گویند که چون مردی مصلح بر دست خود بند ببیند دلیل بود که از کارهای بد و ناشا

بازمانده و از دست بداده و اگر بیند دست از چوب بیند آنکه گفتیم کم دولت‌تر بود که مانی
گوید اگر کسی دیگر دست خود بیند از چوب بیند دلیل که امانتی بدیگری داده بود و او امانت
نیکدارد و اگر بیند چوبین بر پای خود بیند دلیل بود از طاعت حق تعالی و اگر اینکس در سفر بود
بسلامت باز آید و اگر بیند که بند گردنش از سیم بود دلیل کند که او را بسبب زن رنج و زحمت
رسد و اگر بیند که بندش از زر بود رنج و زحمتش از جهة مال بود و اگر بیند که بندش از مس
بود دلیل بود که سبب رنج او از کسب معیشت وی بنا بود و اگر بیند که بند او ابریشم بیم خلل
بود او را بر دین خاصه که بند او بر دست بود اگر بیند که بند از پای او برداشتند دلیل بود
که از عمل پادشاه خلاصی یابد و اگر بر پای خود کند نهاده بیند دلیل بود که او را با مهتری
صحبت افتد و اگر پای خود را بر سنگ بسته بیند دلیل بود که از کسی بوی منفعت رسد اینکه
گوید که اگر امیری بیند که بر پای خود بند آهنین داشته دلیل که از ولایت خویش بعزل شود و بند
النفر بماند و اگر بیند که بر هر دو پایش بند نهاده بود دلیل بود که ولایت یابد و اگر بیند که
چهار بند بر پای داشت دلیل بود که او را چهار پسر باید و اگر بیند که بند از پای او برداشته اند
دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر امیری بیند که پای او در بند و در زنجیر بود دلیل بود که او را
از تنهایان منفعت رسد و بعضی از معبران گویند که کار وی آسان گردد و اگر بیند که بند
از سیمین بود دلیل بود که زنی بنکاح خواهد یا بزنی عاشق گردد و اگر بیند که بند او از زرین
بود دلیل که بسفر شود و یا بیمار گردد و اگر بیند که بند او آهنین بود دلیل که سفر دور کند
جابر گوید که بند در خواب ثبات دین بود بقول جناب پیغمبر که فرموده انا احب العقل فی
النوم لغل لان العقال ثبات فی الدین یعنی دوست دارم پای بند را در خواب و غل یا دو دست
ندارم زیرا که بند پای بندگی بود در دین حضرت صادق فرماید که دیدن بند در خواب بر چهار
وجه بود اول کفر دوم نفاق سیوم بخل چهارم از معصیت دست برداشتن و بعضی از معبران گویند
که غل و دست بخواب دیدن پادشاه ظالم را کوتاه دستی بود از ظلم. بنده ابن سیرین گوید که
هر که بنده نابالغ را بخواب بیند که بالغ شده است دلیل بود که آزاد گردد و اگر کسی بیند که بنده
خود را آزاد کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بنده را بیند که خواجه را بفروخته دلیل بود

بنده

کهکس

بنفشه

بنیاد نهادن

که غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که بنده بفروخت دلیل بود که شادمان گردد. بنفشه محمد ابن
سیرین گوید که بنفشه در خواب دیدن بوقت خود دلیل بود که از زنی یا کنیزکی چیزی بدو رسد
یا او را فرزندی آید و اگر وی را از درخت خویش جدا بیند دلیل بود که غم و اندوه خورد. کرمانی
گوید اگر زنی بیند که بنفشه از درخت بکند و بشوهر خویش داد دلیل بود که شوهر او را طلاق
دهد و اگر بیند کسی دسته بنفشه بوی داد دلیل بود که میان ایشان مفارقت افتد. جابر گوید
که درخت بنفشه در خواب کنیزکی بود بدخو و ناسازکار. بنیاد نهادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که بنیاد نو نهاد فایده دنیای وی بیند خاص و عام ببیند آنکه دیده بود و اگر بیند که بنیادی نهاد
در جای مجهول که ندانند که از آن کیست دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بیند که بنیاد را
بر زمین و ملک خود نهاد دلیل کند که فایده و روزی حلال یابد. کرمانی گوید اگر بیند که بنیاد از
خشت پخته و گچ نهاد دلیل بود که مال او از حرام حاصل گردد و اگر بیند که بنیادی از خشت خام
بر هوا نهاد دلیل بود که همت او بلند بود در کار دین و اگر بیند که بنیاد دیوار از خشت پخته نهاد
و بر آورد دلیل بود که در امل و کارها و بنا مغرور گردد و اگر بیند در خواب بنا کرده بود و مزد
ستاند دلیل بود که منفعت یابد و اگر بیند که بنیاد را از خشت پخته بر آورد دلیل بود که منفعت
یابد از پادشاه و اگر بیند که بنیاد از خشت خام و گل بر آورد دلیل بود که منفعت از مردم عام یابد. بنا
حضرت صادق فرماید اگر کسی بیند که شهری بنا کرده دلیل بود که جماعتی از مردمان را در پناه
خود گیرد و اگر بیند که قلعه بنا کرد دلیل بود که از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیند که کوشکی بنا
کرد دلیل بود که بکار دنیا مشغول گردد و اگر بیند که سرائی بنا کرد و در وی بنشست دلیل بود
که نفعها و خیرها بیند و اگر بیند که مسجدی را بنا کرد دلیل بود که جمعی را بکار صلاح جمع آورد
و اگر بیند که بنای مناره نهاد دلیل بود که نام او بجهان منتشر گردد و اگر بیند که طارمی بنا
کرد دلیل بود که زنی خواهد و اگر ماده بنا کرد دلیل که در غم و رنج افتد و اگر بیند که باغی بنا
کرد دلیل بود که زنی توانگر پارسا بخواهد و اگر بیند که کوهستانی را بنا کرد دلیل بود که بکار
آخرت مشغول گردد و اگر بیند که قبه بنا کرد دلیل بود که قدر و منزلت جوید بدانکه هر بنائی
که بنهد و تمام کند دلیل بود که کار دنیا و دین او تمام گردد و اگر بیند که آن بنا تمام نکرد

کار ش تمام نباشد بماند **پیر** محمد بن سیرین گوید که پیر در خواب اگر خشک بود مال اندک بود که از سفر
حاصل کرده بیننده را و پیر تر مال بسیار بود که در حضر بدست آید جابر گوید که پیر تر مال و نعمت
بود که با سلطان باید و پیر خشک سفری بود با اندک منفعت اگر کسی بخواب بیند که نان با پیر میخورد
دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل کرده و بعضی از معبران گویند که علت
بدو رسد لکن از آن زود خلاص کرده **به** بدانکه استادان این فن در خواب به دیدن خلاف [illegible] بعضی
گویند که بهتری بزرگ یابد و از آن خیر و منفعت بیند و ثنای نیکو و بعضی گویند که فرزند
بود و بعضی گویند که بیماری بود و آنکه حکم به بیماری کرد چنین گوید که آن چون بگونه زرد است
دلیل بر بیماری کند و آنکه گفت که سفری دراز بود [illegible] بدان معنی که گفت جبرئیل آدم را
در وقت بیرون آمدن از بهشت به بوی داد حکم به سفر دراز با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر
آدم از بهشت بدنیا بود با چندین غم و اندوه که بوی رسید و آنانکه حکم وی به فرزند کرده اند
بدان معنی که گفتند که چون آدم ع بدنیا آمد از خوردن آن میوه وی زیاده شد لاجرم او را
چندان فرزندان در وجود آمدند و آنانکه گفتند که از مهتری بزرگ خیر و منفعت بیند و ثنا
نیکو بدان معنی گفتند که دهنده آن جبرئیل بود و ستاننده آن آدم ع و از بوی خوش ثنای نیکو
بود و چنان دانید که هر خوابی که استادان تعبیر آن کرده اند از گزاف نگفته اند ابراهیم گوید که
به در خواب بیماری بود خواه بوقت خواه بی وقت هر چند که بگونه زردتر بود بیماری صعبتر بود
حضرت صادق ع فرماید که دیدن به بخواب چون بوقت خود بود و بگونه سبز بود بتاویل فرزند
بود و چون نه در وقت خود بیند و بگونه زرد بود بیماری بود **بهار** ابن سیرین گوید که بهار در
وقت بهار پادشاه بود اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا نامعتدل چنانکه از گرمی و سردی
مردمان را مضرت و رنج رسید دلیل بود که اهل آن دیار را از پادشاه رنج و مضرت رسد و
اگر بیند که هوا معتدل بود و جهان خرم گشته از گل و شکوفه و مردم را هیچ رنج و مضرت نبود
دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود با اعتدال بیند
دلیل که جاه و عز و رفعت بود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت بود و دلیل عدل و انصاف
پادشاه بود و تاویل فصل پاییز همین بود **بهشت** ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل

حرف الباء

خرمی و مژده بود از خدای تعالی قوله تعالی ادخلوها بسلام آمنین و اگر بیند که از میوه های بهشت
فرا گرفت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که از فضل [illegible] که میوه بهشت خورده بود علم و دانش
آموزد و سیر شدن بدان لیکن سود ندهد و اگر بیند که با حوران بهشت هم صحبت بود دلیل بود
که ورع بورزد [illegible] ساز کرده و اگر بیند که در بهشت مقیم شد لیکن وی را نگذاشتند دلیل بود که
در دنیا میان [illegible] و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت بروی او بسته کردند دلیل بود که
مادر و پدر وی از وی ناخوشنود باشند و اگر بیند که بنزدیک بهشت شد باز گردید دلیل بود که
بیمار گردد بحال مرگ لیکن از آن شفا یابد و اگر بیند که فرشتگان دست وی را گرفتند که در بهشت
برند و در زیر درخت طوبی بنشستند دلیل بود که مراد دو جهانی یابد قوله تعالی طوبی لهم و حسن
مآب و اگر بیند که وی را از خوردن شراب بهشت منع میکردند دلیل بود بر تباهی دین وی
قوله تعالی و من یشرک بالله فقد حرم الله علیه الجنة و اگر بیند که از میوه های بهشت کسی بوی
داد دلیل بود که آن کس را از علم وی بهره بود و اگر بیند که در بهشت تکیه انداخت دلیل بود
که از باغ کسی چیزی بحرام خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد دلیل بود که بر دشمن ظفر
یابد و اگر بیند که کوشکهای بهشت را یکی بوی دادند دلیل بود که دلارامی یا کنیزکی بزنی بخواهد
جابر گوید اگر بیند که رضوان در برابر او خرم و شادمان بود دلیل که از کسی خرم و شادمان گردد
و نعمت یابد قوله تعالی سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین و اگر بیند که بر جایگاه بلند نیکو
بود که صورت بهشت داشت و پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل پیوند کند
یا با توانگری یا با عالمی نزدیک آورد و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که براه حق پیوسته بود
حضرت صادق ع فرماید که دیدن بهشت در خواب بر نه وجه بود اول علم دوم زهد سیم منت
چهارم شادی پنجم بشارت ششم ایمنی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم سعادت و اگر بخواب
بیند که در بهشت بود دلیل مراد دو جهانی بود و بدست وی خیرات بسیار رود و اما چون مصلحی بیند
دلیل بود که به بیماری یا بلائی مبتلا گردد چنانکه ثواب اهل بهشت یابد و عالم گردد و مردمان
از علم او منفعت یابند **پهلو** ابن سیرین گوید که پهلو در خواب زن بود اگر بیند که پهلوی
چپ او آماس کرده بود دلیل بود که زن و کنیزک او هر دو آبستن شوند و اگر بیند که پهلوی او سرخ

شده بود و پارهٔ کوشت خون آلود از پهلو او بیفتاد دلیل بود که زن او بچه بی هنکام بیفکند و اکر
بیند که هر دو دست بر پهلو نهاده بود دلیل بود که وی را غمی سخت رسد کرمانی کوید اکر کسی
بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل بود که او پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه
بد رسد و اکر بیند که پوست پهلوی چپ وی جدا شد و بیفتاد دلیل بود که مال و عیالش هم
در تاراج کردند و اکر بیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل که عیالش رنجور کردد و اکر
بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن کوهری یا لولوی بیفتاد دلیل بود که او را
فرزندی عالم آید پادشاه و اکر بیند که هر دو پهلوی او فراهم آمد دلیل بود که وی را غم و اندوه
رسد و اکر بیند که پهلوی وی قوی و بزرک شده بود دلیل بود بر درستی دین و قوت عیال او
و اکر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود تا ویلش بخلاف این بود که کفتیم جابر کوید که پهلو
در خواب دلیل بر زنان بود زیرا که زنان از پهلوی مردان او بود است اما دیدن هر خیر و شر که در
پهلو بیند تاویل آن بر زنان باز کردد و اکر بیند که او را پهلوها بسیار بود که بعدد آن زنان
کنیزان حاصل کرده بود و اکر بیند که از پهلوی او مار بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند آید
حضرت صادق فرماید که دیدن پهلو در خواب بر پنج وجه بود اول زن دوم دختر سیم کنیزک
چهارم خادم پنجم بره زنی که در خانه بود بوتیمار ابن سیرین کوید که بوتیمار در خواب زنی بود
و مال حلال که از زن بدو رسد و اکر بیند که بوتیمار را بکرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که
بعدد آن از زن مال و روزی یابد و اکر بیند که بوتیمار را بکشت و از کوشت وی بخورد دلیل
بود که بعدد آن از مال زن بخورد کرمانی کوید که بوتیمار دیدن در خواب دلیل بود بر بزرکی و
اکر بیند که بوتیمار را بکرفت و بخانه آورد دلیل بود که از خویشان خود زنی خواهد و از او
مال و منفعت حاصل کند بوریا ابن سیرین کوید اکر کسی بوریا کند دلیل بر مردی که سفله
خسیس بود و نیز دلیل کند بر آنکه زن خواهد بی اصل و ضعیف حال و از مردم ملامت یابد و اکر
بیند که بوریا بیافت و بسپری شد دلیل که شغل خویش را تمام کند و اکر بیند که از بوریا ازار
خانه میبافت دلیل کند که بکار خدای خود مشغول کردد جابر کوید اکر بیند که بوریا داشت
یا کسی بدو داد دلیل کند که او را از زنی منفعت رسد بقدر کوچکی و بزرکی بوریا حضرت صادق

بوتیمار

بوریا

فرماید که بوریا در خواب بر سه وجه بود اول منفعت دوم خواستن زن سیم بکار خدای خود
مشغول بودن بوزنه ابن سیرین کوید که بوزنه در خواب دلیل بر دشمنی فریبنده ملعون بود
اکر بیند که بر بوزنه نشسته بود و آن بوزنه مطیع او بود دلیل بود که بر دشمن غالب کردد
و او را قهر کند و اکر بیند که با بوزنه نبرد میکرد و بروی چیره شد دلیل بود که بیمار کردد و از
آن شفا یابد یا عیبی بر تن او پدید آید که از آن خلاص نیابد کرمانی کوید اکر بیند که بوزنه را
بکشت دلیل بود که دشمن را قهر کند و اکر بیند که کوشت وی بخورد دلیل بود که در رنجی و عیبی
کرفتار آید و اکر بیند که کسی بوزنه بوی بخشید دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر
کوید اکر کسی بیند که بوزنه را بکشت دلیل بود که بیمار کردد و زود شفا یابد اکر بیند که بوزنه
بر اسب نشسته بود دلیل کند که جهودی با زن او فساد کند و بوزینه ماده زنی مفسده
جادو بود و اکر بیند که بوزنه بخانه در آمد دلیل بود که در آن خانه زنی او را جادو کند اکر
بیند که بوزنه با وی سخن کفت دلیل بود که زن با وی دراز زبانی کند و اکر بیند که بوزنه او را
بکزید دلیل بود که بیمار کردد یا از عیال خود درشتی شنود و اکر بیند که بوزنه بوی چیزی داد یا
بخورد دلیل بود که مال خویش را بر اهل بیت هزینه کند پوست دانیال کوید که پوست تن
مردم در خواب آرایش و کد خدائی مردم بود ابن سیرین کوید اکر بیند که پوسته مردم ستر دلیل
و برکت بود و اکر کسی پوست تن خود را بر خواست ببیند افتاده دلیل بود که ستر و راز وی کشاده
کردد و مال او تلف شود و اکر پوست تن خود را کبود یا سیاه بیند دلیل بود که غم و اندوهی بوی
رسد و اکر بیند که پوست پایش روشن بود دلیل بود که کار وی خاسته کردد کرمانی کوید که
پوست جمله چهارپایان بخواب دیدن مال بود و پوست شتر میراث بود از مردی کوهک و پوست
کوسفند صاحب دولتی بود و اکر پوست رخت سبز بیند خداوندش بدین دار بود و اکر
بیند که پوست از مسلوخ باز کرد دلیل بود که آنکس که بدان منسوب بود بمیراند و اکر
بیند که سرائی بنا کرد از بهر پوست باز کردن دلیل کند که اکر آنکس قصاب بود در سرای او
دیوار تمند و اکر معلم بود بر کودکان ستم کند جابر کوید اکر بیند که پوست کوی باز میکرد دلیل
بود که آنکس شغلها کهن و چیزها تباه شده را بصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میانجی کند

بوزنه

پوست

پوستین

چون امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند و کارها باشد پوستین ابن سیرین گوید که
کسی در خواب بیند که پوستین پوشیده بود و وقت زمستان بود دلیل بود که چیزی بوی رسد
که وجه معیشت او بود و اگر در وقت تابستان بود همین دلیل کند لیکن سرانجام غمناک گردد کرمانی
گوید اگر بیند که پوستین بره یا بزغاله داشت دلیل بود که زنی توانگر خواهد و از ان مال یابد و
اگر بیند که پوستین سمور پوشیده داشت دلیل بود که زنی بخواهد که توانگر و مالدار بود و اگر بیند
که پوستین روباه از نو پوشیده داشت دلیل بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریبنده و
حیله گر بود و اگر بیند که پوستین خرگوش پوشیده داشت دلیل کرد زنی نابکار بد فعل بخواهد
از او زحمت بیند و اگر بیند که پوستین سنجاب پوشیده داشت دلیل بود که زنی ناسازگار بزنی
خواهد و اگر بیند که پوستین گربه پوشیده بود دلیل بود که زنی بدخو بزنی خواهد و دزد و
بی امانت بود و اگر بیند که پوستین دشق پوشیده بود دلیل بود که زنی اصیل دین دار بزنی
کند و اگر بیند که پوستین موش پوشیده داشت دلیل بود که زنی پلید بزنی خواهد و اگر بیند
که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده باشد دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود

بوسه دادن

بوسه دادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بوسه داد دلیل بود که آنکس را دوست و خواستگار
بود و اگر آنکس مجهول بود دلیل که از جائی که طمع ندارد خیر و منفعت بیند و اگر بیند که معرفی
او را بوسه می داد دلیل که از آنکس خیر و منفعت بیند کرمانی گوید اگر بیند که مرده را بشهوت
بوسه میداد دلیل بود که از بهر مرده خیر کند یا او را بدعای خیر یاد آورد و اگر بیند که مرده
وی را بوسه میداد دلیل بود که از مال یا از علم آن مرده چیزی بوی رسد و اگر بیند که کنیزی
او را بوسه میداد دلیل بود که طالب خواستگاری بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که
مراد و مقصود نیابد حضرت صادق ع فرماید که بوسه دادن در خواب دلیلش بر چهار وجه بود اول
خیر و منفعت دوم حاجت روائی سیم بر دشمن ظفر یافتن چهارم سخن خوش شنیدن

بوق زدن

بوق زدن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بوق میزد و بوق زدن را میدانست دلیل بود که مردم
از سر خود آگاه کند و اگر بیند که بوق میزند دلیل بود که در میان مهتران دروغ گوید و آن
دروغ را باسو کند راست کند و بعاقبت ظاهر گردد که آن دروغ بود جابر گوید که بوق زدن

نا دلیل

حرف الباء

بنا دلیل مردان را مصیبت بود و زنان را رسوائی و ظاهر شدن راز ایشان حضرت صادق ع فرماید
که بوق زدن در خواب بر چهار وجه بود اول خبر دروغ دوم سخن مکروه سیم ظاهر شدن راز
چهارم معصیت بود

پل ساختن

پل ساختن ابن سیرین گوید که پل در خواب پادشا بود یا مردی بزرگ که مردمان
بسبب آن بمراد برسند کرمانی گوید که پل در خواب تاویلش آن بود که نیکو باشد اگر بیند که آن
پل بشکست دلیل بود که از پادشاه او را عزم و جار رسد از او منفعت بیند و اگر بیند که بنای
بر پل می نهاد و عمارت میکرد دلیل بود که ولایت و پادشاهی یابد و مال دنیا او را جمع گردد
قوله تعالی والقناطیر المقنطرة من الذهب حضرت صادق ع فرماید که پل در خواب بر چهار وجه بود
اول مردی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه کس روا کند دوم پادشاه سیم نیکوئی و
کامرانی یافتن چهارم مال دنیا حاصل کردن اگر بیند که پل بیفتاد و خراب شد دلیل بود
بر تباهی حال پادشاه و نقصان ملک

بوم

بوم بخواب دیدن مردی دزد نابکار و مفسد بود و
حسود اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد دیگر
همه حال دیدن بوم نیکو باشد جابر گوید اگر بیند که بومی داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که
مردی دزد را قهر کند و اگر بیند که گوشت بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مردی
دزد بخورد و اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که غلام کوچک دزد باشد گردی از دزد او را
حاصل گردد

بوی بها خوش

بوی بها خوش ابن سیرین گوید بوهای خوش و ناخوش ثنای نیک و مدح و ذم و سخن نا
صواب اگر بیند که بوی خوش شنید دلیل بود که او را نیکو شکر کنند و اگر در خواب بوی خوش بسیار
شنود دلیل بود بر مرگ زیرا که مرده را از بوی خوش و حنوط ناگزیر بود کرمانی گوید اگر کسی بیند
که او را خوشبوی کردند دلیل بود که او را ستایش کنند و ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل
بود که او را پیش مردم عیب و نکوهش کنند و نام او بزشتی منتشر گردد

پی

پی ابن سیرین گوید که پی
در خواب جمع کننده حال و کار او بود اگر بیند بخواب که پی بر اندام او خشک شد یا بگسست
دلیل بود که دوستی که جمع کننده کار و حال وی بود از او غایب گردد یا از دنیا رحلت کند اگر
بیند که پیها بر تن او خشک شد دلیل بود که از دوستان مفارقت کند کرمانی گوید که پیهای
تن دلیل بر خویشان و اهل بیت بود اگر بیند که پیهای او درشت و قوی بود دلیل بود که خویشان

بیابان

واهل بیت او بدحال و ضعیف کردند بیابان دانیال گوید که بیابان در خواب دیدن غم و درد بود
بقدر بزرگی و فراخی آن اگر بیند در بیابان تنها بود دلیل کند که از کسب خویش مال فراوان حاصل
کند اگر بیند که با گروهی در بیابان میگشت دلیل بود که مال و نعمت دنیا از سفر حاصل کند و
روزی بروی گشاده گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بیابان بیرون آمد دلیل بود که از غم
و اندوه رسته گردد و اگر بیند که در بیابان شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد حضرت صادق
علیه السلام فرماید که دیدن بیابان در خواب بر چهار وجه بود اول گدروزی دوم مستمندی سیوم حیرانی و
سرگشتگی سیم عنا و رنج چهارم بیم خطر و هلاک مگر از وی زود بیرون آید

پیاز

پیاز کرمانی گوید
که پیاز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت و اگر بیننده خواب مصلح و مستور بود
و بجهد خود را از خوردن آن دفع کند و اگر بیننده خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام
جمع کند و پیوسته در روی سخنان زشت گویند خاصه چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پخته خورده دلیل
بود که سرانجام از حرام خوردن توبه کند و بخدای تعالی بازگردد حضرت صادق فرماید که پیاز در خواب
خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام دوم غیبت و سخن زشت سیم پشیمانی در کارها

پیاله

پیاله محمد بن
سیرین گوید که پیاله در خواب کنیزک بود که با وی عشرت و طرب کند اگر بیند که از پیاله آب یا چیزی
خورد دلیل بود که با کنیزکی بحلال جمع شود و از وی فرزند صالح بیاورد و اگر بیند که ناگاه آب
یا آن آب زیر پیاله بریخت دلیل بود که فرزند وی بمیرد حضرت صادق فرماید که پیاله در خواب بر دو
وجه بود اول کنیزک دوم خادم

پیراهن

پیراهن دانیال گوید که پیراهن سفید در خواب مرد بود و
بعضی از معبران گویند که پیراهن زن بود دلیل حال و کار او بود و کسب معیشت اگر بیند که
پیراهن نو و فراخ پوشیده بود دلیل بود بر صلاح کار و نیکوئی احوال و اگر بیند که پاره از
پیراهن او دریده بود تا وبال میانه بود در نیکی و بدی و اگر بیند که پیراهن وی کهن و چرکین بود
دلیل بود که درویشی و بیچارگی و رنج و غم بدو رسد و هر چند پیراهن کهنه تر و دریده تر
بیند بلا و مصیبت بیش بیشتر بود که خداوند خواب هلاک گردد و اگر کسی بیند که پادشا
او را پیراهن خود داد و پوشید دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند کرمانی گوید اگر کسی بیند
که پیراهن نو پوشیده بود دلیل بود که بظاهر نیکو بود و بباطن بد و اگر بیند که پیراهن شلوار

جامه چرکن

حرف الباء

جامه چرکن بود دلیل بود که اگر توانگر بود درویش گردد و در غم و اندوه گرفتار گردد و کرمانی
گوید اگر کسی بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده داشت دلیل بود که عیش بروی فراخ گردد و اگر
بیند که پیراهن تنگ بود دلیل بود که عیش بروی تنگ گردد و اگر بیند که پیراهن او دریده بود
دلیل بود که رازش آشکار گردد و اگر بیند که پیراهن بی گریبان بود و بی آستین و بکدیگر [illegible] بود
دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیراهن در آن داشت دلیل که کارش تباه گردد
و مرادش بر آید و اگر بیند که گریبان پیراهن از سوی پس دریده بود دلیل بود که او را بدروغ تهمت
نهند قوله تعالی وان کان قمیصه قد من دبر فکذبت و اگر بیند که پیراهن بکسی داد و آنکس پیراهن را
بوی کرد و مالید دلیل بود که بیغم گردد و از جایگاهی او را بشارت رسد قوله تعالی اذهبوا بقمیصی
هذا فالقوه علی وجه ابی یأت بصیرا و اگر بیند که پیراهن خون آلوده در دست داشت دلیل بود که
روزگار در او در غم و اندوه بماند و اگر بیند که پیراهن دریده پوشیده بود دلیل بود که کارش
پراگنده گردد و رازش آشکارا شود حضرت صادق فرماید که پیراهن نو در خواب چون فراخ بود
دلیلش بر هشت وجه بود اول دیدن مردم دوم ستر سیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم امش
و خرمی ششم بشارت

بیت المعمور

بیت المعمور خانه ایست در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج گاه فرشتگان بود
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در بیت المعمور شد دلیل بود که در میان مردم با امانت و با علم ظاهر
گردد و حج کند و از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیت المعمور را بر زمین بیند دلیل بود که پادشا
عالم عادل پیوسته گردد و اگر بیند که در بیت المعمور خانه ساخت یا بخفت دلیل بود که اجل وی
نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیرامن بیت المعمور طواف میکرد همین دلیل بود که از دنیا رحلت
کند و اگر بیت المعمور را بکردار مسجدی دید و در وی نماز کرد دلیل بود که همه حاجتهای وی روا گردد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت المعمور راه گشاده بود دلیل بود که هم بهمان سال
حج و عمره بپا کند و اگر بیند که بیت المعمور را استادست و فرشتگان بروی طواف میکردند
دلیل بود که علما و اهل دین بنظام شوند و عز و جاه یابند

پیرایه

پیرایه ابن سیرین گوید پیرایه در خواب
دلیل بر حال زنست [illegible] ان و کنیزک کند بر قدر و قیمت پیرایه که دیده بود کرمانی گوید اگر بیند
که پیرایه وی آراسته بود بجواهر و پوشیده بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل

پیروزه

کودد واکر ببیند که پیرایه او ضایع کردید دلیل بود که او را غم و اندوه رسد و اگر مردی ببیند که پیرایه
زنان داشت دلیل بود که غمگین گردد پیروزه ابن سیرین گوید که پیروزه در خواب دیدن ظفر و قوة
و حال و والی بود و اگر ببیند که پیروزه از وی ضایع گردید دلیل بود که مرادش بر نیاید جابر گوید
اگر ببیند که پیروزه بجز دارد داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد و شرف و بزرگی یابد
حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیروزه در خواب بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت دویم جاه

پیر شدن

دوم سیم قوة چهارم ولایت پیر شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب ببیند که پیر گردید و محاسن
سفید شد دلیل که عز و شرف یابد و اگر پیری مجهول را ببیند که خرم و شادمان بود دلیل که او را
دوستی مرادها او بر آید و از غم رسته گردد و اگر پیری معروف را ببیند که خرم و شادمان بود دلیل
بود که از او چیزی بدو رسد و اگر او را ترش و غمگین ببیند دلیلش بخلاف این بود جابر گوید اگر
پیری را ببیند که جوان شده دلیل بود که در عز و بزرگی او نقصان باشد و درد و رنج مغرور گردد

پیسی در خواب

و اگر جوانی یا کودکی ببیند که پیر شده دلیل بود که عز و بزرگی یابد و بکار آخرت مشغول گردد پیسی
ابن سیرین گوید که پیسی مال و توانگری بود و اگر ببیند که تن او پیس گردید دلیل بود که بقدر آن
او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که پیسی در خواب میراث بود حضرت صادق ع
فرماید که پیسی در خواب بر چهار وجه بود اول مال دویم میراث سیم منفعت چهارم بیدا حال
کار مشکل جابر گوید اگر ببیند که با مردی پیس او را صحبت بود و اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل
بود که او را منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد و بخیل بود دلیل که او را از حرام منفعتی رسد

پیشانی

پیشانی ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده باری تعالی
است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزند بود که از اهل بیت او توانگر گردد و اگر ببیند
که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خداوند تعالی او را بدین و پرهیزکاری مشهور گرداند و اگر
ببیند که کسی زخمی بر پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده گردد و
اگر ببیند که پیشانی او کوچک گردید تاویلش بخلاف این بود و اگر ببیند که پیشانی او از حال خود
بگشت دلیل بود که زیانی بوی رسد و اگر ببیند که بر پیشانی او موی رسته است دلیل بود که وام
دار گردد و اگر ببیند که آن موی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن وام از جهة عیال بود و اگر

ببیند که

حرف الپا

ببیند که پیشانی او آماس داشت دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر ببیند که از پیشانی او ماری یا
کژدم یا چیزی دیگر بیرون آمد دلیل بود که بقدر آن او را فرزندان دشمن دارند جابر گوید اگر
کسی ببیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که بکار کدخدائی خود پسندیده گردد و اگر ببیند که در
پیشانی چشمهای بسیار داشت همین دلیل کند که او در مصالح خود پسندیده عام بود اگر ببیند
که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل بود که او را فرزندی پدید آید عالم و پارسا و اگر ببیند
که بر پیشانی وی آیه رحمة نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود کند و حکم رانند و بر شهادة او بود
و اگر ببیند که بر پیشانی او عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود نباشد و تاویل بخلاف

پیشی گرفتن

این بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر دویم
عز و بزرگی سیم فرزند توانگر چهارم معیشت پنجم ریاست ششم جود و نیکی پیشی گرفتن ابن سیرین
گوید اگر ببیند که در کاری پیشی گرفت یا بر کسی از کارها دین مثل عبادت یا حج و غزا و آنچه
بدین ماند دلیل بود که در آخرت رستگاری یابد و او را از خدا تعالی ثواب بود و اگر بر کسی کار
دنیا پیشی گرفت دلیل بود که عز و اقبال و مال یابد حضرت صادق ع فرماید که پیشی گرفتن در خواب
در کارها خیر و صلاح دلیل بر خیر و صلاح دو جهانی بود اگر ببیند که پیشی گرفت در کار شر

بیشه
۱۹۲

و فساد دلیل کند بر فساد دو جهانی بیشه ابن سیرین گوید که بیشه در خواب دیدن اگر ببیند که بیشه
خود دارها کرد و به بیشه از آن بهتر مشغول گردید دلیل بود که کارش و حالش بهتر گردد و در
کسب کار روی بنیکی پدید آید و اگر ببیند که بیشه ها گوناگون همی کرد اگر آن بیشها نیکو بود دلیل
بر خیر و نیکوئی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر ببیند که بعضی از بیشها بد بود و
بعضی نیک دلیل هر کدام قوی تر بود حکم بدان کند ابن سیرین گوید که بیشه درختان در خواب
زنی بود بیابانی اگر ببیند که در بیشه شد و آن بیشه سبز بود و درختان میوه دار در آن
بود خاصه درختان و از میوه آن بیشه همی خورد دلیل بود که زنی خواهد که اصل او بیابانی
بود پاکیزگی خرد که در بیابان او را پرورده باشند و از آن زن او را خیر و منفعت رسد و
اگر آن بیشه را خالی از ابنها دید دلیل بر شر و مضرت کند و اگر ببیند که در آن بیشه بجای درختان
خار بود و از آن خارها او را گزند رسید دلیل کند که او را غم و اندوه بجهة زنان رسد

مصحف فروختن

حضرت صادق ع فرماید که دیدن نبشته در خواب بر چهار وجه بود اول کسب بیابانی دوم کسب حلال
سیم منفعت چهارم علم و ادب بود مصحف فروختن ابن سیرین گوید اگر بیند مصحف بفروخت دلیل
بود که زن او نزد او حقیر بود و خوار و اگر بیند که بنده خویش را بفروخت دلیل بود که کاری کرده
ناشایسته و منکر کرده و اگر بیند که زن خویش را بفروخت دلیل بود که حرمت و بزرگی او زایل
و زشت نام گردد مگر بخرد از این زن که بفروخت و از وی دیگری بود دلیل بود که کارش بصلاح باز آید
کرمانی گوید هر چیز که در دین عزیز بود فروختن آن بخواب در کار دین بود و خریدن آن نیکو بود

پیکان

پیکان در خواب دیدن مرهمی بود لاخطر بسیار بود اگر بیند که پیکانی نیز یافت یا کسی بوی بخشید
دلیل بود بر درستی کار که بدو رسد جابر گوید که دیدن پیکان در خواب قوت بود در سخن
که بیند بخواب با خصم گوید خاصه که پیکانش پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته
بیند تاویلش بخلاف این بود

پیغمبر

پیغمبر بدانکه تاویل پیغامبران در فصل شانزدهم یاد کردیم از
انجا مطالعه باید کرد

پیکر

پیکر ابن سیرین گوید که پیکر بخواب زن بود اگر بیند که او را پیکری بود دلیل
کند که زن خواهد و اگر بیند که پیکر از کسی بها بخرید دلیل بود که کنیزکی خرد و جز دی و اگر
بیند که پیکری داشت از وی ضایع شد یا از دست او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را
طلاق دهد یا زنش از دنیا رحلت کند و اگر چهره پیکر خود را بصورت دیگر بیند دلیل بود که
احوالش بگردد هم بران مثال که آن چیز رسیده بود کرمانی گوید اگر پیکر خویش را بصورت زشت
بدل کرده بیند دلیل که حال او متغیر گردد و اگر بیند که بحال صورت خود گردید دلیل بود که
بحال خود و بسوی خدا باز گردد و اگر پیکر خویش را با شکوه بیند دلیل بود که مهر دوری از وی
بگردانند و بروی جفا کنند جابر گوید اگر کسی بیند که پیکر آدمی یا پیکر حیوانی بدل همی کرد دلیل
کند که انکس بد مذهب و دروغگو بود یا در صفات خدا تعالی چیزی گوید و اگر بیند که پیکر
کسی بگونه پیکر که نه از جنس او بود بگشت دلیل بود که بیننده را کاری صعب بدید آید و در آن
متحیر بماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر خدا تعالی دروغ گوید

پیل

پیل ابن سیرین
گوید که معبران گویند که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در پیل اگر کسی در روز
بیند که بر پیل نشسته است دلیل بود که زنی خواهد نابکار و اگر بخواب شب بیند دلیل بود

که زن را

حرف التا

که زن را طلاق دهد یا کنیزک را بفروشد اگر بیند که پیل را بکشت دلیل کند که پادشاهی بر
دست او کشته گردد یا حصنهای محکم را بگشاید و اگر بیند که پیل پای بر سر وی نهاد و او را بکشت
دلیل بود که بهلاک نزدیک گردد و حالش بد گردد و اگر بیند که بر سر پیلی نشسته بود و آن پیل
دیگری داشت دلیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود کرمانی گوید اگر
بیند که بر پیل نشسته بود و آن پیل سلاح داشت و نیک مطیع او بود دلیل کند که پادشا
عجم گردد یا پادشا عجم را قهر کند و اگر بیند که از گوشت پیل همی خورد دلیل بود که بقدر آن
گوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بیند که از استخوان پیل یا از پوست او چیزی با خود
داشت همین دلیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بیند که بهنگام رزم بر پیل
نشسته دلیل بود که دشمن بزرگ را قهر کند و بر این قول قصه اصحاب الفیل را دلیل آورده اند و
اگر بیند که از پشت پیل بیفتاد دلیل بود که در بلا و محنت گرفتار شود و اگر بیند که پیل در میان
جنگ بیفتاد و بمرد دلیل بود که پادشاه آن دیار بمیرد جابر گوید اگر بیند که از بهر تماشا بر پیل
نشسته بود و قادر بود دلیل بود که زن عجمی را بنکاح خود بخواهد و آن زن بروی قادر گردد
و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که بر زن قادر گردد و اگر بیند که پیل سلاح پوشیده بود و او آن
شهر بشهر و یکی برفت دلیل بود که مملکت آن دیار از پادشاه به پادشاهی دیگر افتد تا او را
هلاک کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیل در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه عجمی دوم مرد
غلام سیم مرد مکاری چهارم مرد با قوت و هیبت پنجم مرد حشو ششم ستمکاری خونخوار

پیلگوش

پیلگوش
گیاهی است که برگ بزرگ بهمن دارد و آن را شکوفه زود است دیدن آن در خواب بی بود و خادم و
بی اصل و دون همت اگر کسی بخواب بیند که پیلگوش داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را از چنین
کسی صحبت افتد و از او خفت بیند

پهلو

پهلو ابن سیرین گوید که پهلو در خواب مانند طبیب بود در تنها
هیبت که مردمان را راه دین نماید و اگر بیند که پهلو و درد او درد ها فرو شد و از این هر سه بمرد تنها
خبر و راحت شد بدین سبب دلیل بر خیر و سعادت کند

پیلور

پیلور اگر کسی بیند که پیلور همی کرد
دلیل بود که از آنکه خیر و منفعت بهر کس برسد و نام نیکی در اندیار منتشر گردد

بیل

پیل ابن سیرین
گوید که پیل در خواب خادمی بود که کارها کند که تمام کند که پیل در خواب خادمی بود که کارها

بیماری

بنفاق کند و بعضی گویند که بیل در خواب کاری بود که از رنج و عنا حاصل گردد و اگر کسی بیند
که بیل داردوازان کاری کند دلیل بود که ان کار تمام گردد و اگر بدان کار نکند دلیل بود که از
ان کار بر هیچ گردد بیماری ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که بیمار است دلیل بود که در دین
او نفاق بود و گفتار او با مردم بنفاق بود و بعضی گویند که در ان سال بمیرد و اگر بیند که از
بیماری تند دست شده بود و در خانه خود نبود و با کسی سخن نگفت دلیل کند که بیماری
بروی دراز گردد و بر خطر بوده باشد که بمیرد اما اگر بیند که با مردمان مجالست میکرد و
سخن میگفت دلیل کند که زود از بیماری شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند از بیماری بی برهنه
بود دلیل بود که زود بمیرد و معبران گفته اند که بیماری در خواب دلیل بر فسق و فجور کند و غم و
اندوه و از قبل سلطان یا از قبل عیال اندوه رسد جابر گوید که بیمار بهای گوناگون در خواب
دلیل بود بر خوار شدن فریضها و سنتها حضرت صادق فرماید اگر کسی بیند که بیمار بود و ان
علت خویش بنالید دلیل بود که از غم ایمن گردد اگر ان بیماری قانع و واضح و شاکر بود تا ورا
به نیکی و صحت بود و اگر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل که اجلش نزدیک امده باشد قوله تعالی
لقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة

پیمانه

پیمانه ابن سیرین گوید که پیمانه در خواب نظام کار بود و
انصاف و راستی بود با مردمان خاصه چون پیمانه راست بود و بعضی گویند پیمانه در خواب
مبایع بود اگر بیند که پیمانه بستد با کسی بد و داد دلیل بود که راستی و انصاف کند در معاملت
و داد و ستد بجو کند و اگر بیند که پیمانه او بشکست یا بسوخت دلیل بود که خداوندش را
بیم مرگ بود اگر بیند که از پیمانه چیزی می پیمود اگر از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و
اگر از اهل علم نباشد دلیل که از بهر داوری بقاضی محتاج گردد و بقول دیگر پیمانه در خواب

بینی

مردی بود راستی گوی و منصف که داد مردمان دهد بینی دانیال گوید که بینی در خواب
دلیل بر جاه و منزلت بیننده بود و هر زیاده و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه
بیننده بود اگر بیند که بینی او کوتاه شده بود دلیل بود بر نقصان قدر و منزلت ان و اگر
بیند که بینی ان افتاده بود دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوراخ
بینی او فراخ شده بود دلیل بود که معیشت بروی فراخ گردد و اگر تنگ شده بود دلیل

که معیشت

حرف التاء

که معیشت بروی تنگ گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که مغز از بینی او بیرون امده بود دلیل
بود که از مهتری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از بینی وی بیرون امد چون کرم و مگس
و مانند این دلیل بود که او را فرزندی اید و اگر بیند که در بینی او سوراخ بود و مهاد در
بینی او کرده بود دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا با زنی بد راه جمع گردد و از او مال و
نعمت یابد و اگر بیند که سر بینی او بسته بود چنانکه دم زدن نتوانست دلیل بود که کار بروی
بسته گردد و اگر بیند که سخن در بینی میگوید دلیل بود که دولتش زایل گردد و اگر بیند که
پوست سر بینی او رفته بود دلیل بود که او را زیانی افتد جابر گوید اگر کسی بیند در خواب
که از بینی او خون می امد و معبری را گوید که بخواب دیدم که از بینی من خون می امد دلیل که مال
بسیار یابد اگر گوید که دیدم خون از بینی من میشد دلیل کند که مالش برود باید که چون سائل
سخن گوید معبر بر لفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی بیند که هر دو
سوراخ بینی او یکی شده بود دلیل که با زنی عاقله جمع گردد و اگر بیند که سر بینی او بریده
بود دلیل که فرزند خویش را خته کند بعضی گویند که در جاه و منزلتش نقصان شود
جابر گوید اگر کسی بیند که چیزی بکراهیت در بینی او شد دلیل بر خشم و تنگی کند اگر بیند که
خون از بینی او بیرون امد چنانکه جمله تن او خون الود گردید دلیل بود که مالی حرام بوی رسد
و اگر بیند که خون ستبر و اندک بود از بینی او بیرون امده دلیل بود که او را فرزند از شکم
مادر بیفتد بقول معبران درویش گردد و اگر بیند که خون از بینی او بیرون امد و خون الود
نکشت دلیل کند که فرزند با زن از خانه بیرون کند یا با ایشان فرزند نرسد و اگر بیند که
بینی او بر زمین افتاد دلیل بود که او را دختری رسد و اگر بیند که بینی خود را هی شست دلیل
بود که مردی نزد او وابفرستد و اگر بیند که از بینی وی مرغی بیرون امد دلیل بود که حیا
دارد و بچه او رود و بقول بعضی از معبران خون امدن از بینی مال بود که از پادشاه اندیابد بوی
رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بینی وی بر مثال خرطوم نزدیک شده بود یا کم از ان
دلیل بود که نفقه ان بر عز و جاه وی بیفزاید و از ان خویشان نیز زیاده گردد و اگر بیند که
در بینی او بوی خوش رفت دلیل بود که ان را مصلح بود اگر بیند که در بینی او بوی ناخوش

پیه خوردن — *بیهوشی* — *تاب دادن* — *تابستان*

فت تاویلش بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بینی ندارد دلیل بود که یکی از خویشان وی
بمیرد و اگر بیند که او را دو بینی بود دلیل بود که در میان او و عیال خلاف افتد و اگر بیند
که کسی بوی خوش از بینی او داشت دلیل بود که او را از آن کس منفعتی رسد و اگر بیند
خواب بین بود دلیل بود که او را پسری مصلح آید و اگر بیند که شخصی بوی ناخوش و بد بر بینی
او داشت دلیل بود که از آن کس خشمی فرو خورد حضرت صادق فرماید که دیدن بینی در خواب
بر پنج وجه بود اول عز دوم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش خوش پیه خوردن ابن سیرین
گوید اگر کسی بخواب بیند که پیه همی خورد دلیل بود که خیر و نعمت و فراخی یابد و اگر بیند که پیه گوسفند
داشت و میخورد دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که پیه جانوری همی خورد که
گوشت او حلال بود دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پیه در
خواب بر سه وجه بود اول نعمت و فراخی دوم مال و منفعت سیم گشادن کارها بسته بیهوشی
کرمانی گوید اگر کسی بیند که بیهوش گردید چنانکه عقل او زایل گردید دلیل بود که او را کاری
پیش آید که در آن سرگشته و متحیر گردد لیکن سرانجام کارش نیکو گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید
که بیهوشی در خواب بر دو وجه بود اول دشواری کارها دوم متحیر و سرگشتگی و فرو ماندگی در کارها

حرف التاء من کتاب کامل التعبیر تاب دادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که رسن را

تاب میداد یا ریسمان را دلیل بود که بسفر شود و سفرش بقدر درازی و کوتاهی رسن یا ریسمان بود
اگر دراز بود سفر دراز بود اگر کوتاه بود سفر کوتاه کند و اگر برای چیزی دوختن ریسمان را تاب میداد
دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس ریاضت کشد حضرت صادق فرماید
که تاب دادن رسن و ریسمان بر سه وجه بود اول سفر دوم تحویل سیم ریاضت نفس سیم گشایش کارها
و زود بسته تابستان ابن سیرین گوید که تابستان بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر گرمای سخت
بود چنانکه مردم را از آن زیان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و صلاح نبود
و تابستان را بوقت خویش بخواب دیدن بهتر بود کرمانی گوید اگر کسی تابستان را بخواب بیند بوقت
خود چنانکه جهان را خرم بود و درختان پربار دلیل بود که عز و دولتش زیاده گردد و کارش
بمراد رسد و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر تابستان

حرف التاء — *تاج* — *تاراج* — *تاریکی*

بوقت خویش بیند تاویلش بخلاف این بود تاج محمد بن سیرین گوید که تاج در خواب دیدن پادشاهان
ملک و ولایت بود و زنان را شوهر و مردم عامه را نیکوئی حال و اگر بیند که بر سر تاج داشت از زر
و مرصع دلیل بود که قدری بلند و منزلتی عظیم یابد و لیکن در دین و راه شریعت ضعیف بود
و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهری کند صاحب حشمت و جاه و شغل دنیا کرمانی گوید
اگر بیند که پادشاه بر سر وی تاج نهاد دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کام روائی بود
اگر بیند که پادشاه تاج بوی داد و او بر سر نهاد دلیل بود که زنی توانگر خوبروی بخواهد و از او
کام دل و مراد یابد و اگر بیند که تاج از سر او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را طلاق دهد
اگر کسی بیند که تاج از سر وی بگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که تاج
از سر وی بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن او بمیرد یا کسی از اهل بیت او بمیرد و از دنیا رحلت
کند حضرت صادق فرماید اگر بیند زنی که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد دلیل بود که شوهر
کند و اگر شوهر دارد دلیل بود که بر زنان مهتر گردد و اگر زنی بیند که تاج از سر او برگرفتند
دلیل بود که شوهر او زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج مرصع بگوهرها
بر سر پادشاه نهد دلیل بود که قریب پادشاه بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت
بیفزاید تاراج ابن سیرین گوید اگر بیند که مال و نعمت کسی را بتاراج برد دلیل بود دلیل بود که
آنکس را غم و اندوه و زیان رسد بقدر آنکه از وی برده بود حضرت صادق فرماید که تاراج
کردن دلیل بود بر چهار وجه اول شغب دوم زیان سیم غم و اندوه چهارم از زبانی زخم مکر و غنیمه
بود تاریکی ابن سیرین گوید که تاریکی در خواب ضلالت بود در راه دین اگر بیند که تاریکی جوا
گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیند که در تاریکی بود و
از تاریکی بروشنائی منتقل گردید دلیل بود که توبه کند و راه دین بر او گشاده گردد کرمانی
گوید اگر بیند که در تاریکی بود و از تاریکی بازبروشنائی شد و دیگر باز بتاریکی شد دلیل بود
که این منافق بود قوله تعالی واذا اظلم علیهم قاموا و لو شاء جابر گوید که تاریکی بخواب غم و اندوه
بود اگر بیند که هوا سخت تاریک گردید دلیل بود که مردم اندر بلا و غم و اندوه رسد و کارشان
بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و تاریکی ناگاه پدید آمد دلیل بود که در آن بار

تازیانه

مرگ مفاجا ظاهر گردد حضرت صادق ع فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اول کفر
دوم حیرت سیم فرو بستن کار چهارم بدعت پنجم در ضلالت افتادن اسمعیل اشعث گوید اگر
بخواب بیند که از تاریکی بروشنائی آمد دلیل بود که از درویشی بتوانگری افتد و از غم فرج
یابد و کار بر وی گشاده گردد و از راه ضلالت دور بود تازیانه دانیال ع گوید اگر کسی بیند
که تازیانه بخرط کرده داشت دلیل بود که کارش بر مراد و نظام او بود و اگر بیند که تازیانه
او مخرط نکرده بود دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تازیانه و بعضی گویند که تازیانه در
خواب دلیل بر مال اندک بود بر قدر بیننده خواب اگر بیند که دوال تازیانه او بگسست دلیل
بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزد
دلیل بود که بکاری مشغول گردد که از آن کس و کسب فایده بدو نرسد اگر بیند که تا
زیانه از دست بینداخت دلیل بود که انکاری که در دست دارد بیندازد اگر بیند
که چون او را بتازیانه بزد خون از تن وی روان شد دلیل بود که سخنهای ناخوش
شنود و اگر بیند که خون از وی برفت دلیل بود که بهر تازیانه درمی یابد کرمانی گوید
اگر بیند که او را بتازیانه بزد دلیل بود که از آن کس مال حرام یابد اگر بیند که بزخم تازیانه
خون از او روان شد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که نشان زخم تازیانه بر تن او بماند
دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که او را بتازیانه بزد و ندانست که کسی زد
دلیل بود که ناگاه مالی یابد جابر گوید اگر کسی بخواب بیند که در دست تازیانه نیکو
داشت با علاقه ابریشمین دلیل کند که او را فرزند آید و اگر بیند که تازیانه از چوب بود بر قوت
حال وی و اگر بیند که تازیانه از چرم یا از دوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد و اگر
بیند که تازیانه در دست او بشکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول
گردد و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و بتازیانه میزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان
کار بر وی منت نهد اگر بیند که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون برآمد دلیل بود که از آن کس مال
حرام یابد یا زننده او را متهم کند بگناهی و اگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند و نداند که چه کس زد
دلیل بود که شغل دینی و دنیای او تمام گردد اگر بیند که بر کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره کرد دلیل

کند

حرف الثاء

کند که اهل او متفرق گردند و اگر کسی را باندازه تازیانه زند دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد اسمعیل
اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود بدست خود تازیانه کوتاه بود پس از آن دراز گردید دلیل
بود که زبان او بر خصم دراز گردد و اگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بر وی غلبه
کند حضرت صادق ع فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول اشعث دوم جدال کردن سیم
روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگی و مال تاوه ابن سیرین گوید تاوه
در خواب خدمتکار خانه بود که آنچه بر کدخدای خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران نفقه کند
اگر بیند که تاوه نو داشت یا کسی بداد دلیل بود که خدمتکاری مصلح او را حاصل گردد یا از وی
جدا گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که در تاوه چیزی می پخت دلیل کند که کار خدمتکار را نیکو
گرداند و اگر بیند که از تاوه چیزی بخورد دلیل بود که از آن خدمتکار خیر و منفعت بوی رسد بقدر خوردنی

تب

و اگر بیند که آن خوردنی ترش و ناخوش بود دلیل بود بر غم و اندوه تب ابن سیرین گوید اگر کسی
بخواب بیند که او را تب پیوسته بود چنانکه زمانی از وی جدا نگردد دلیل کند که پیوسته بفساد و کار
مشغول بود توبه باید کرد تا از عقوبت نجات یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبش دراز بود دلیل کند

تبر

که تنش درست و عمرش دراز بود و اگر بیند که ویرا تب اندک بود تاویلش بخلاف این بود تبر ابن سیرین
گوید که تبر در خواب خدمتکاری بود که بخواهد که کاری کند و اگر او را کاری فرماید خواهد که از آن گسسته
گرداند تا دیگر کارش نفرماید جابر گوید که تبر در خواب مردی تهمتند بود و اگر باری خواهد از مرد
منافق بود و در میان مردم جنگ و جدائی افکند اگر بیند که تبری داشت یا کسی بدو داد دلیل
کند که او را با مردی بدان صفت دوستی افتد اگر بیند که تبر او بشکست یا ضایع گردید دلیل کند که بمیرد

تبیره

تا اجل فرا رسد تبیره بعضی از معبران گویند طبل بود بدان در خواب خبر مکروه و سخن دروغ بود و کاری بیهوده و شر
و بجمله دلیل بر زننده آن کند ابن سیرین گوید اگر بیند که با تبیره پای کوبید و رقص کند دلیل بود بر غم
و اندوه و مصیبت و اگر بیند که او تبیره میزد و هیچ نزد دلیل بود که سخن باطل گوید یا کاری نا صواب کند
که بدان مشهور گردد و بعضی از معبران گویند که تبیره در خواب آواز خوش بود لکن باطل بود کرمانی
گوید اگر کسی بیند که تبیره میزد دلیل کند که کارها باطل کند با شغلی که در آن هیچ اصل نباشد
با مردمان وعده کند هرچه جمله دروغ باشد حضرت صادق ع فرماید که تبیره زدن در خواب کاری بود

وحافت این کار ظاهر کرده که واطلت در تدبیر زدن در خواب بروی بود که در دروغ سخن را راست گوید بظاهر و در باطن مردم را مز لعیبت کند دستخبار نشت گوید تتماج ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تتماج بگوشت بره یا با گوشت گوسفند یا ماست شیرین میخورد دلیل کند که بعد از آن از مردم سپاه منفعت و خیر رسد اگر بیند که با گوشت گاو و یا با گوشت خرگوش کشک یا ماست ترش میخورد دلیل کند که منفعت اندک از مردم سفله دون بدو رسد جابر گوید که تتماج با گوشت خرگوش یا چیزی ترش دلیل بر غم واندوه بود

تخت محمد بن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی گسترده نبود دلیل کند که بعز شود اگر بیند که بر تخت خفته بود و بر آن چیزی گسترده بود دلیل بود که بزرگی یابد و بقدر قیمت تخت و شمار او قهر کند اما از این غافل بود اگر اینکس از اهل فساد بود دلیل بود که بر دارش کنند خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تخت بشکست و او بیفتاد دلیل بود که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش بدگردد حضرت صادق فرماید که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اول عز دوم جاه سیم سفر چهارم مرتبه پنجم بلندی ششم ولایت هفتم قدر و جاه هفتم عالی شدن کارها

تخم کاشتن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که از آنجا که کاشته بود میخورد دلیل که از این نیکوتر بود و اگر بیند از آنچه کشته بود چیزی حاصل نکرد دلیل باشد که با او آن حیث و شر اندازد و سبب آن واندوه دلیل بر غم واندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که گندم همی کاشت دلیل کند که او را خیر و نیکوئی رسد و اگر بیند که جو همی کشت دلیل کند که او را مال جمع گردد و اگر بیند که گاورس همی کشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس یا باقلی و لوبیا و مانند آن همی کاشت دلیل بر غم واندوه کند دانیال گوید اگر در زمین خویش تخم همی کاشت دلیل کند که زن خواهد و کارش ساخته گردد و اگر در زمین کشته خویش را ناکشته بیند دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجائی مجهول تخم همی کشت و بر آمد دلیل بود که غزا کند و غزا بر وی آسان گردد و خیرها کند اگر بیند که در زمین خویش کشت میکرد دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل گردد و اگر بیند جو یا گندم یا درخت در زمین خود میکشت دلیل که عز و جاه او زیاده گردد بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دوم نفا

میم مال

تخمه سیم مال حرام چهارم نفع دنیا بود کافی تخمه ابن سیرین گوید اگر بیند او را تخمه بود دلیل بود که مال زنی خورد و فساد کند باید که از این گناه توبه کند تا از عقوبت خدای تعالی نجات یابد و باتفاق معبران آنست که در خواب تخمه دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق فرماید که تخمه دیدن در خواب بر چهار وجه بود اول مال بسیار دوم فساد سیم مال حرام چهارم همانا به وای نفس کردن

تخمها کرمانی گوید که تخمها در خواب دیدن آنچه ترش و تلخ و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندوه کند خاصه خوردن بتر صعب بود اما آنچه بطعم شیرین و خوش بود خوردن آن در خواب منفعت اندک بود جابر گوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد مگر آن تخم که پوسیده یا کرم خورده بود

تندرو ابن سیرین گوید که تندرو مرغیست در خواب مردی غدار بود و تندرو ماده زنی فریبنده بود و معبران گویند که تندرو مال حرام بود که بحیله بدست آورده و اگر بیند که با تندرو در جنگ بود دلیل بود که با کسی غدار او را خصومت افتد و اگر بیند که تندرو ماده او را حاصل گردید دلیل کند که زنی خواهد که در وی هیچ خیر نبود و اگر خانه تندرو بیند دلیل بود که زنی خوبروی بنکاح خواهد بر قدر مسقبلی یا کنیزکی از آن خانه کرمانی گوید اگر بیند که تندرو در خانه داشت بمرد دلیل کند که زن او هلاک گردد یا بجهت زنان او را مصیبتی افتد و اگر بیند که تندرو از خانه او بپرید دلیل بود که زن را طلاق دهد جابر گوید که تندرو در خواب زن پارسا بود یا جمال و مال و اگر بیند که تندرو یافت یا بگرفت دلیل بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که تندروی در کنار او بخفت دلیل بود که کسی یا عیال او سرو کاری دلخواه او کند نه بید حضرت صادق فرماید که تندرو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم مال حرام سیم معیشت چهارم کام دل جستن

ترازو ابن سیرین گوید که ترازو در خواب قاضی بود اگر بیند که ترازوی نو داشت با کسی بد و داد دلیل بود که در آن موضع قاضی بود و فقیهی پاک دین و کفه ترازو سمع قاضی بود و دو چیز که در آن بود خصومت بود که نزد قاضی کنند و سنگهای ترازو عدل و داد بود که قاضی در میان خصمان کند بوقت حکومت و اگر بیند که ترازو را او ایستاده بود چنانکه هیچ میل نداشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که ترازو راست نبود دلیل که قاضی را استقامت منصف نبود و در حکومت میل

مثل کند کرمانی گوید اگر بیند که عمود ترازو بشکست دلیل بود که قاضی آن دیار بمیرد و اگر بیند
که ترازو زیاده و نقصان بود دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاده و نقصان بود جابر گوید
ترازو
نیکو کردن ترازو در خواب ستدن قاضی بود از عذاب دوزخ ترازو گر بخواب بیند پادشاه
عادل بود و ترازوی وی راست قاضی راست حکم بود یا وزیر عادل حضرت صادق ع
فرماید که ترازوی قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود اول قاضی دوم پادشاه سیم [illegible]
چهارم میانجی پنجم حکم راست ششم کجا اگر بیند که کردار نیک وی ترازوی قیامت بیش از
کردار بد وی بود دلیل است که بهشت یابد و از عقوبت رسته گردد قوله تعالی فمن ثقلت
موازینه فاولئک هم المفلحون و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که مستوجب عقوبت دوزخ
بود قوله تعالی ومن خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم فی جهنم خالدون
ترب
ترب کرمانی گوید که ترب بخواب دیدن غم و اندوه بود خاصه که خورند و اگر بیند که میخورد
دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که کسی ترب بدو داد دلیل بود که از آنکس
غم و اندوه بدل او رسد و اگر بیند که او ترب بکسی داد یا از خانه بیرون افکند و هیچ از آن نخورد
ترید
دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد ترید ابن سیرین گوید که ترید در خواب دیدن دلیل
غم و اندیشه کند اگر بیند که خورد دلیل بر زیان مال کند بقدر آنکه خورده بود ترخون
ترخون
ابن سیرین گوید که مردی بدگوهر بدکردار بود زیرا که اصل وی سپندان است و سپندان به
تریاق غازند و قدری رها کنند تا طبع و طعم وی از حال خود بگردد و بعد از آن ویرا بکار دارند چون
برآید ترخون بود و اگر بیند که ترخون داشت یا کسی بوی داد دلیل باشد که از ایزد ویرا
ترسائی
مضرت و زیانی رسد و اگر بیند که ترخون بکسی داد یا از خانه بیرون انداخت دلیل بود
که از صحبت چنین مردی جدائی جوید و از او دور شود ترسائی کرمانی گوید اگر بیند مسلمان
ترسا شد دلیل بود که او را در راهی بدعت و گمراهی پدید آید و اعتقاد در دین مسلمانان
ندارد جابر گوید اگر کسی بیند که دشمن دارد بروی نصرت یابد زیرا که ترسا نصرانی بود و او
مشتق از نصرت است و اگر ترسائی بیند که مسلمان شد دلیل بود که مسلمان گردد یا بمیرد
حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که با ترسایان صحبت داشت دلیل بود که دوست دارد و هواخواه

او بود

او بود و اعتقادش بدو دین اسلام ضعیف بود ترسیدن ابن سیرین گوید که ترسیدن در خواب ایمنی بود و هر که

حرف التاء

در خواب بیند که همی ترسد از کسی و نداند که ترس او از کیست دلیل بود که مکروهی از آن ترسنده بوی
رسد حضرت صادق ع فرماید که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول ص فرمود النصر بالرعب یعنی
نصرت یافتم بترسانیدن و اگر بیند که از دزدی یا از جانوری همی ترسید دلیل بود که از کسانی که
ترشیها
با او منسوب اند ویرا مضرت رسد ترشیها ابن سیرین گوید که ترشیها خوردن در خواب هم اندیشه
و غم بود خاصه میوهای ترش و اگر بیند که چیزی ترش بوی داد دلیل کند که از او بوی رنج و غم
و اندوه رسد و اگر بیند که او چیزی ترش بکسی داد دلیل بود که بسبب وی غم و اندوه بوی رسد فی
ترف
الجمله در خوردنی ترش هیچ خیر نباشد ترف ابن سیرین گوید که ترف دیدن در خواب غم و اندوه
بود اگر بیند و اگر بیند که ترف همی خورد دلیل بود که وام دار گردد و بسبب آن غمگین گردد که
ترف بطعم ترش و بدیدار تیره جابر گوید که دیدن ترف در خواب مال اندک بود و خوردن او غم
ترنج
و اندوه بود ترنج دانیال ع گوید که ترنج اگرچه بگونه زرد است اما بوی خوش دارد و بطعم و
بدیدار پاکیزه بود و گویند که از میوهای بهشت است و دنیا و بخواب نیکست دانیال ع گوید
اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب بیند تاویلش فرزند بود و اگر بسیار بیند مال و نعمت
حلال یابد و ترنج سبز دیدن در خواب بهتر از ترنج زرد بود کرمانی گوید که ترنج در خواب
مردی بود توانگر و با جمال و مردمان نزدیک چنانکه همه کس او را دوست دارند و اگر بیند که ترنج
داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود دید
دلیل بود که او را فرزندی خوب آید و اگر بیند که ترنج را بخورد دلیل بود که او را از مال خود
یا از مال بزرگی بهره رسد و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد و در پیچید دلیل بود که فرزندش
هلاک گردد و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و بکسی بخشید دلیل کند که در حق کسی
نیکوئی کند و اگر بیند که ترنج در آستین نهاد دلیل بود که او را فرزندی از کنیزک آید و اگر
که از آستین او بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن
ترنگبین
ترنج در خواب بر چهار وجه بود اول زن نیکو روی دوم کنیزک پاک دین سیم دوست توانگر چهارم
فرزند شریف صالح ترنگبین ابن سیرین گوید که ترنگبین در خواب مال حلال بی منت بود قوله تعالی [illegible]

کلوا من طیبات ما رزقناکم و اگر ببیند که ترانکبین بستاد داشت با کسی بد و داد دلیل کند که روزی
بستا باید از انجا که امید ندارد و کارها او بنظام شود حضرت صادق فرماید اگر ترانکبین بد
خواب بیند یا خورد دلیلش بر سه وجه بود اول مال و روزی حلال دوم بهشت خلق سیم معیشت و
کشایش کارها سیم کام دل یافتن ترهٔ دوغ ابن سیرین گوید که خوردن تره دوغ بخواب دلیل
بر غم و اندوه کند تره ابن سیرین گوید که از ترها انچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر مضرت
کند ترهٔ فروشی اگر کسی بخواب ببیند که تره فروشی کردی تاویل نیکو بود زیرا که بدست او
کاری رود که همه خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب بیماری و مفلسی و غم و اندوه
بود تریاک ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که تریاک از بهر بیماری خورده دلیل بود که از رنج برهد
وکارها بروی کشاده گردد و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان
بود تزویج ابن سیرین گوید اگر ببیند که زن خواسته دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر
عزب بود دلیل بود که زنی تواند خواهد و اگر ببیند که زن را طلاق داده دلیل که شرف و
بزرگی او زایل گردد و اگر مرده زن را بزنی گرفت و باوی جمع کرد بدلیل که از ملک و مال ان زن
او را چیزی حاصل گردد و اگر ببیند که با او زن جمع نشد دلیل بود که چیزی اندک از مال او را
حاصل گردد و اگر زنی ببیند که او را مرد مرده او را زن کرد و در سرای زن با وی جمع شد
دلیل کند که مال ان زن نقصان شود یا حال وی متغیر گردد و اگر ببیند که زن خواست لکن زن او
ندید و نام وی را ندانست دلیل بود که اجلش نزدیک شده باشد و اگر زن را ببیند در سرای
مجهول بود و ان سرا از ان شخص مرده بود و ان مرده با وی جمع کرد دلیل بود که از ان مجرد
و اگر ان سرا معروف بود دلیل بر نقصان مال زن کند کرمانی گوید اگر زن شوهر مرده اورد در
خواب ببیند که دیگر شوهری دارد و هر کسی وی ندید دلیل کند بر شرف و عزت و زیادتی حال
او و اگر ببیند که عروسی خواست کردن و عروس را ندید و نشناخت بیم مرگ بود او را و بعضی
گویند که شخصی بر دست او هلاک گردد و اگر ببیند که زنی مجهول خواسته با کسی بد کاری بیمار بود هم
او شوهر کرد و او نیز هر دو را بخانه برد دلیل بود که مالی بستاند از این مرد شوهر او و اگر ببیند
که زنی نابکار و زنی بخواسته و باوی جمع شد دلیل بود که کاری شود او بر وی اشکار گردد

ترهٔ دوغ

ترهٔ فروشی

تریاک

تزویج ١١

و اگر باوی جمع نشد انچه گفتیم کمتر بود جابر گوید اگر کسی ببیند که دختری دوشیزه را بزنی کرد
و دوشیزگی او را ابستد دلیل بود که الله تعالی او را زنی با کنیزکی حاصل گردد و از پادشاه
خیر و نیکی ببیند و اگر ببیند که بحرام دوشیزگی دختری بستد دلیل بود که مالی حرام بدست اورد
حضرت صادق فرماید که زن خواستن در خواب بر چهار وجه بود اول بزرگی دوم زیادتی مال
سیم دانش چهارم خرمی و شادی تسبیح کردن ابن سیرین گوید که تسبیح کردن بخواب مطیع بود
بر فرمان حق اگر ببیند که تسبیح میکرد دلیل بود که مطیع بود بر فرمان حق و از غم و اندوه فرج
یابد و اگر ببیند که تسبیح بخواب با خود داشت غم و اندوهی بدو رسد لیکن او را از ان اجر و ثواب
بود و اگر ببیند که با تسبیح شکر حق تعالی میکرد دلیل کند که در دین قوی گردد و فتحها یابد و اگر این
خواب را والی ببیند دلیل بود که او را ابادانی و ولایت رسد قوله تعالی لئن شکرتم لازیدنکم طشت
کرمانی گوید که طشت در خواب دلیل خادم بود ابن سیرین گوید که طشت در خواب کنیزک بود که
حوایج خانه بدو تسلیم کنند و اگر ببیند که طشتی فرا گرفت یا کسی بدو داد یا بخرید دلیل بود
که زنی خادم بخانه اورد یا کنیزکی خرد و اگر ببیند که طشت بشکست یا ضایع شد دلیل کند که ان
کنیزک بگریزد یا از دنیا رحلت کند کرمانی گوید اگر کسی ببیند که طشتی خرید دلیل است که زنی
خادم را بزنی خواهد یا کنیزکی حضرت صادق فرماید که دیدن طشت در خواب بر سه وجه بود اول
زن خادم دوم کنیزک سیم منفعت از زنان تشنگی ابن سیرین گوید که سیرابی در خواب بهتر از تشنگی
بود و اگر ببیند که بغایت تشنه بود و اب نیافت دلیل کند که رنجی و زحمتی بدو رسد و از بهر
یار انبهر دنیا و اگر ببیند که تشنه بود و اب نیافت یا کسی بدو داد و او بخورد دلیل بود
که از رنج و بلا رسته گردد و سرانجام بمراد رسد جابر گوید که تشنگی در خواب فساد بود در دین
و اگر ببیند که در تشنگی اب یافت و بخورد دلیل کند که گناه کند و سرانجام توبه کند و مصلح و
پارسا گردد تعویذ ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب ببیند که تعویذ با خود داشت از نامهای
خدای تعالی دلیل کند که از سختی و غم برهد و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر بیمار
بود شفا یابد و اگر زندانی بود رهائی یابد و اگر در سفر بود بسلامت باز اید کرمانی
گوید اگر کسی ببیند که تعویذ مینوشت و بمردم میداد دلیل بود که از او بمردم منفعت رسد و اگر

خرفات

تسبیح کردن

طشت

تشنگی

تعویذ

تغار

ببیند که تعویذ می‌نوشت و بمردم میداد و بهای می‌ستد دلیل بود که اندر هیچکس کو دد و مستغفر تغار
دیدن تغار زنی بود عمکسار و صالحه که خانه او را بصلاح دارد و راه خیر بمردم اموزد و از شر
رهناد و توبه کند کرمانی گوید اگر بیند که تغار او بشکست یا ضایع کردید دلیل کند که از زن از
او جدا گردد یا از دنیا رحلت کند و بقول بعضی معبران تغار کنیزک بود و خادمه

تفشله

بدانکه تفشله بفارسی عدس پخته بود اگر کسی آن را بخواب ببیند دلیل بر غم و اندوه کند ابن سیرین
گوید اگر بیند که تفشله همی خورد دلیل کند که غم و اندوه خورد یا او را با کسی خصومت افتد و بدان
سبب بخود کردد و علی الجمله در تفشله خوردن هیچ خیر و منفعت نباشد

تکبیر کردن

ابن سیرین
گوید اگر کسی در خواب ببیند که تکبیر میکرد دلیل کند که از شر دشمنان ایمن گردد و در خیرات بروی
گشاده گردد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن تکبیر کردن در خواب بر چهار وجه بود
اول ایمنی از دشمن دوم رستگاری از بلا و فتنه سیم خیر و برکت چهارم گشایش کارهای بسته

تکرک

ابن
سیرین گوید که تکرک در خواب دیدن عذاب و تنگی و بلا بود مگر اندک بود و اگر بوقت خود بود دلیل
که اهل آن موضع را فراخی و نعمت بود لکن تکرک دیدن نه بوقت خود دلیل بر غم و اندوه کند اهل آن
موضع را حضرت صادق فرماید که دیدن تکرک در خواب بر پنج وجه بود اول بلا دوم خصومت سیم
لشکر چهارم قحط پنجم بیماری

تل

تل بفارسی پشته بود و شرح و تاویل آن در حرف پا بیان کردیم

تمام شدن کار

تمام شدن کار ابن سیرین گوید که هر که بخواب ببیند که کارهای دنیا او بنظام گشت و کامکار شد دلیل
کند که آنکس احوالش متغیر گردد قوله تعالی حتی اذا اخذت الارض زخرفها وازینت و هر که ببیند کارش
تمام نشد دلیل بر تغییر حال او بود و هم بیم بود که عمرش سپری گردد و هم بیم آنکه بود که از او
انتقام کشند

تن مردم

تن مردم ابن سیرین گوید تن مردم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود که معیشت
مردم بود و هر زیاده و نقصان که در تن ببیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغر و
ضعیف بود دلیل کند بر درویشی و بستگی کارها و اگر تن را فربه بیند دلیل کند بر توانگری و گشادن
کارها و اگر بیند که از تن او رشته بیرون آمد و دراز میکرد دلیل کند که زندگانی بعیش و
فراخی گذراند و مالش زیاده گردد و اگر بیند که آن رشته گسسته شد تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که تن او آهنین شد یا مسین دلیل بود که عمرش دراز گردد و روزی و نعمت بروی فراخ

گردد

حرف التاء

گردد و اگر بیند که تن او از آبگینه بود دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد کرمانی گوید اگر بیند که تن او
قوی و درست بود دلیل بود که کارش بنظام بود و راز او پوشیده بماند و اگر بیند که تن او ضعیف
دلیل بود که درویش گردد و رازش آشکارا گردد حضرت صادق فرماید که اگر بر تن خویش زیادتی بیند
دلیل کند بر قوة و توانگری و ظفر یافتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی بیند دلیلش بخلاف این بود
و اگر بیند که همه تن او آماس داشت دلیل بود که بیمار گردد

تندر

تندر بلغت پارسی رعد بود و دیدن
او در خواب ترجمه بود از عامل و از عوام ابن سیرین گوید اگر بیند غریدن تندر را با باران دلیل
بود که مردمان را ترس و بیم بود و نعمت و خیر فراوان و اگر باران سخت بیند و تندر سخت باید
دلیل بود و ترس کاری بیننده خواب از دعا باید بود مادر کرمانی گوید که غریدن رعد اندک و باریدن
باران اندک دلیل بر رستگاری از اهل بود از دعا صالحان و زاهدان حضرت صادق فرماید که
دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب دوم حکمت سیم رحمت چهارم صولت پنجم خشم پادشاه اگر ببیند
که آواز تندر بوقت باریدن میشنید دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که
باران و رعد و برق بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه ترس و بیم بود اگر بیند که باران
ژاله همی بارید دلیل بود که در آن دیار فتنه و عذاب و هلاکت پدید آید و اگر بیند که تندر سخت
بغرید دلیل بود که بانگ و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده گردد و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق
و هوا تاریک بود دلیل بود که پادشاه ستمگر پدید آید

تندیسها

تندیسها ابن سیرین گوید که تندیسها که ساختند
آن بر زمین افتد چون بخواب بیند غم و اندوه بود خاصه که بگونه سیاه بیند و آنچه در دیوار
نگاشته بیند حضرت صادق فرماید که تندیسها در خواب بر سه وجه بود اول غم و اندوه دوم نقصان
قدر و جاه سیم بی‌ماندگی در کارها

تنگی

تنگی ابن سیرین گوید اگر بیند که از تنگی بفراخی آمد از جایگاهی
و هم و بجایگاه ایمن شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از رنج براحت و آسانی شود و اگر
بخلاف این بیند بد بود جابر گوید اگر بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در
کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در آنجا طعام تنگ بود دلیل بود که عیش روزی
بر او تنگ گردد و تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد

تنور

تنور ابن سیرین گوید که تنور در خواب
مهتر بود و کدخدای خانه و بعضی از معبران گویند که بانوی خانه بود اگر بیند که تنور در دست

داشتن دلیل کند بر شکستی و نظام کار کدخدای خانه و اگر بیند که تنور بیفتاد و خراب شد دلیل کند بر رنج و آفت بیمار و آفت کدخدای و بدی وی و اگر بیند که تنور نان می پخت دلیل کند که بر قدر آن نانها روزی حلال بیابد و کار بر وی نیکو گردد کرمانی گوید اگر بیند که در تنور مجوس آتش است بر وی روشنا و بر بالای تنور شعاع آتش مینماید و دود نبود دلیل کند که سفر بیت المقدس رود یا حج کند قوله تعالی من شاطی الواد الایمن فی البقعة المبارکة یعنی مکه و بیت المقدس و بعضی گفته اند که آن را خیر و منفعت رسد حضرت صادق فرماید که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود اول خیر و منفعت بود خاصه که نو بود دوم مردی با هیبت شود و شفقت

توبره

ابن سیرین گوید که توبره در خواب خیر و منفعت بود خاصه که نو بود اگر بیند که توبره داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که توبره ها او ضایع شد یا گم شد بخلاف این بود

توبه کردن

ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که توبه کرد دلیل کند که از همه گناه و معصیت پشیمان گردد و کردار نیکو کند که در آن خوشنودی خدای تعالی بود و دست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق فرماید که توبه کردن در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه دوم رضای خدا سیم راه آخرت چهارم سعادت

توتیا

کرمانی گوید که توتیا در خواب بیننده مال بود اگر کسی بیند که توتیا در چشم کشید مقصود او توتیا روشنائی چشم بود دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر مقصودی بخلاف این بود دلیل کند که خود را بنفاق دینداری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر گوید اگر کسی بیند که توتیا بدو دادند دلیل کند که بقدر آن وی را مال حاصل گردد و اگر بیند که توتیا را همی خورد دلیل که مستمند و غمگین گردد حضرت صادق فرماید اگر بیند که توتیا در زیر بغل داشت از بهر دفع بوی ناخوش همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن وی را مدح و ثنا و نیکوئی گویند

توت

توت شیرین خوردن در خواب روزی بود و خوردن ترش غم و اندوه بود ابن سیرین گوید که توت شیرین بهنگام نو خوردن دلیل کند که بقدر آن از کسب خویش روزی یابد و اگر در خواب بهنگام رسیده توت بیند نیکوتر بود و اگر نه بوقت آن بود دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که توت شیرین بخورد دلیل بود که از مردی جوانمرد و صلت و عطا یابد اگر بیند که توت ترش همی خورد دلیل است که غمگین و متفکر گردد حضرت صادق

فرماید که توت در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم منفعت از کسب خویش سیم سیم و دینار

توریت

زن ابن سیرین گوید اگر بیند که توریت همی خواند دلیل کند که وی را توفیق نیک بدهد و از مردم محتشم و اگر بیند که توریت خواند بظاهر دلیل کند که با کسی خصومت کند و بروی ظفر یابد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که کسی را تعلیم توریت میکرد دلیل کند که از آنکس خبر بد بوی رسد معبر اسمعیل اشعث گوید که تیر در خواب دیدن مردی بد است و گوید که از آنکس خبر بد بدو رسد بقول بعضی از معبران

تیر

غیبت بود و اگر بیند که کسی تیر بوی میانداخت دلیل بود که پیغامی بد بوی رسد خاصه چون بیند که بغرض انداخت اگر بیند که تیر بغرض انداخت دلیل بود که نامه بدانکس فرستد و الله اعلم بالصواب

حرف الجیم من کتاب کامل التعبیر

چادر

ابن سیرین گوید که چادر در خواب بدین ستر پوش زن بود اگر بیند چون زنان چادر پوشیده بود دلیل که در آن کار خیر و شر بود لکن آنکار را از آن مکروه دانند و اگر کسی بیند که چادر را بدرید یا بسوخت دلیل بود که در آن وقت سر وی دریده گردد کرمانی گوید که چادر شب در خواب بدین زن بود اگر بیند که چادر شب فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که زن نو خواهد و اگر بیند که چادر نو بخرید دلیل کند که کنیزکی بخرد و از او فرزند آید و اگر این خواب را زنی بیند دلیل کند که او را شوهر آید و اگر زنی بیند که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد حضرت صادق فرماید که چادر در خواب بر سه وجه بود اول فضل دوم جاه سیم مرد را زن و زن را شوهر

جادوی کردن

ابن سیرین گوید که جادوی کردن در خواب کار باطل بود اگر بخواب بیند که جادوئی میکرد دلیل که کاری بیهوده کند و باطل بقول بعضی از معبران جادوی فتنه بود و آنکه وی را از بهر او جادوئی کنند جابر گوید که جادوئی کردن در خواب از بهر کسی تعهد بود بدروغ که مردمان را بدو فریبد جادوئی در خواب شمن و فریبنده بود حضرت صادق فرماید که جادوئی کردن در خواب بر شش وجه بود اول فتنه دوم فریب سیم مکر چهارم سگالش بد پنجم باطل ششم دروغ و کاری که در آن اصلی نبود

چهارپا

ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چهارپائی فرا گرفت و آن چهارپا مطیع فرمانبردار بود دلیل بود که بقدر و قیمت آن چهارپای از مردی بزرگ یابد و او را منفعت رسد و اگر بیند که رمه چهارپایان دشتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که گروهی که مسکن ایشان در بیابان

بود مطیع او شوند کرمانی گوید اگر بیند که چهارپایان دشتی را امیر شده دلیل کند که مردمان
دانا را خدمت کند جابر گوید اگر بیند که چهارپائی شده بود دلیل کند که دانا و عقلش زایل گردد اگر
بیند که چهارپائی با او سخن میگفت دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بیند که از چهارپائی گوشت میخورد دلیل
بود که بقدر آن مال یابد جابر و ابن سیرین گوید که جاروب بخواب دیدن خادم و خدمتکار بود

جاروب

و جاروب در شب خادمی بود که نفقات چیزها کند و اگر بیند که خانه را بجاروب میرفت دلیل
کند که مالش ضایع گردد و اگر بیند که خانه کسی میرفت دلیل کند که مال کسی بوی رسد خاصه
بیند که خاک رفته را بخانه خود آورد حضرت صادق فرماید که جاروب دیدن بخواب بر سه وجه بود
اول خادم دوم منفعت سیم متقاضی چیزها که بار هم بود و بدو رسد

جام

جام کرمانی گوید اگر
بیند که جام پر آب بجلاب فرا گرفت یا کسی بدو داد و از آن بخورد دلیل کند که زن خواهد یا
کنیزک خرد و او را فرزندی پارسا آید کر آن و راحت بیند و اگر بیند که آب در جام برعکس و جام
بماند دلیل کند که فرزند بمیرد و مادرش بماند اگر بیند که جام را بشکست و آب بماند دلیل کند
که زنش بمیرد و فرزندش بماند و اگر جام بشکست و آب بریخت دلیل بر هلاک فرزند بود و مادر هر دو
جابر گوید اگر بیند که جامها در خانه او در دیوار نشانده بود دلیل بود که بعدد آن جامها او را
کنیزکان و زنان بوند و اگر جام سفید یا سبز بیند دلیل بود که او زنان مصلح پارسا باشد و اگر
جامهای سرخ بیند دلیل کند که او را زنان معاشره مغنا بود و اگر جامهای زرد بیند دلیل بود که
زنان او بیمار و زرد گون باشند و اگر سیاه بیند دلیل بود که او را زنان اندوهگین و مصیبت زده باشد

جامهای سیاه

جامه

جامه دانیال گوید که جامه در خواب کسب و کار مرد بود و اگر جامه خود را نیکو بیند دلیل که کسب
کار او نیکو گردد و اگر جامه را بد بیند دلیل که کسب و کارش بد شود و اگر پادشاه جامه خود را در
خواب نو بیند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر عیب جامه خود را سیاه بیند دلیل بر غم و اندوه
بود و جامه زرد در خواب بیماری بود و جامه سرخ در خواب خرمی بود و توفیق و طاعت دلیل بر آنکه
جامه سبز حله بهشتیان است نیز خوب بود قوله تعالی عالیهم ثیاب سندس خضر و استبرق و جامه
سفید و شسته ساختگی کار مردم بود و جامه کبود دلیل بر مضرت بود و جامه سوخته دلیل نقصان
بود از سبب پادشاه و جامه دریده دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه پشمین و نمدین دیدن

پشمین و نمدین دیدن دلیل کند که مال و خواسته او را حاصل گردد و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی
بود و جامه چرکین از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل بر هلاک و شناعت
کند و جامه که از پوست چهارپایان بود دلیل بر خیر و منفعت بود که بدو رسد و جامه بیدوز
بشکل کفن دلیل که شغلهای وی در دین تمام گردد و لیکن عمرش با آخر رسیده باشد و اگر بیند
که پوستین پوشیده بود دلیل بود که عز و جاه یابد ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه مهتری پوشیده
است اگر اهل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی گردد و اگر بیند که جامه وزیری پوشیده است
دلیل که مال و نعمت یابد اما از خلق ملامت بود و اگر بیند که جامه حاجبی پوشیده بود دلیل
بود که از عطا بزرگان محروم ماند اگر بیند که جوانی جامه عوانی پوشیده است دلیل کند که کسی او را
یاری دهد بعطار ساند بوی و اگر بیند که جامه جلادی پوشیده است دلیل است که منفعت یابد
و اگر بیند که جامه صاحب پوشیده است دلیل است که با امانت و زبان آور گردد و بمهمات ساختن
خلق مشغول گردد و اگر بیند که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاده گردد و اگر بیند
که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که با امانت بود و اگر بیند که جامه بازرگان پوشیده است
دلیل بود که کار و کسب بنائی او نیکو گردد و اگر بیند که جامه اهل صلاح داشت دلیل بود که
کار دینش بصلاح آید و اگر بیند که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او را از اهل
فساد غم و اندوه رسد اگر بیند که جامه مزدور و کارگر داشت دلیل بود که متفکر و رنجور گردد
و اگر بیند که جامه طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو گردد و در میان مردمان مشهور گردد و اگر
بیند که جامه جهودان داشت دلیل بود که بمکر و حیل کسی را هلاک کند و سرانجام کارش بد شود
و اگر بیند که جامه ترسایان داشت دلیل کند که کاری کند که بسبب آن از دوست و دشمن ایمن باشد
و اگر بیند که جامه کشیشی داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و میلش بکفر و ضلالت بود و
اگر بیند که جامه مغان داشت دلیل بود که میلش بجانب بد دینان و جاهلان بود و اگر بیند که
جامه مبارزان پوشیده است دلیل بود که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که جامه مرتکی پوشیده
داشت دلیل بود که کسی عطائی بدو دهد و باز ستاند و اگر بیند که جامه بت پرستی داشت
دلیل بود که بخدمت پادشاه مشغول گردد یا خاصه مهتری و اگر بیند که جامه زنی پوشیده است

دلیل بود که از مهتر خویش دور گردد و اگر بیند که جامهٔ مردان زندانی پوشیده داشت دلیل بود
که بسبب کاری غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که جامهٔ حمالی پوشیده بود دلیل بود که امانت کده
شود و انگشت‌نمای گردد و اگر بیند که جامهٔ کودکی داشت دلیل کند که بخدمت مهتری سفله دون
همت مشغول گردد و اگر بیند که جامهٔ کشتیبانی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصلحی روزی حلال
یابد و اگر بیند که جامهٔ قصابی داشت دلیل بود که وی را زیانی و اندوهی رسد و اگر بیند که جامهٔ با
شکوهی پوشیده داشت دلیل بود که با زن صحبت دارد و جنانچه براستی کرمانی گوید اگر بیند که جامهٔ نو
و او را قصاره نکرده بود نیکو بود و جامهٔ تنگ و درشت و تنیده و جامهٔ خام از جامه کازری کرده بهتر
بود و جامهٔ زربفت زن خردمند و کنیزک با فرهنگ بود و جامهٔ برد و مخطط چیز منفعت خانه بود و جامهٔ
دستی که مجهول باشد زخم زنان خانه بود یا غمی سخت که بدو رسد و جامهٔ معین مال خواسته بود
جابر گوید که تأویل دیدن جامه بر دو گونه است یک گونه بدین تعلق دارد و یک گونه دیگر بدنیا و
جامهٔ سفید بدین است و جامهٔ نو تمامه دنیا اگر کسی بیند که جامهٔ سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین
را نیکو بود و اگر جامه سبز رنگ بیند هم دین را بد بود و هم دنیا را و چون جامه را چرکین دیده
بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامهٔ سرخ زنان را نیکو بود در دنیا و مردان را هم نیکو
بود و پیراهن و ازار و طیلسان و قبا و دستار از جمله مردان را غم و اندوه بود با جنگ و خصومت
و جامهٔ زرد مردان را بیماری بود و بقول بعضی از معبران اگر زنی بیند که جامهٔ زرد پوشیده
بود دلیل کند که او را شوهری باید و اگر دارد بیمار گردد و جامهٔ سبز زنان و مردان را دین بود
و اگر بر زنده بود صلاح دین بود و اگر بر مرده بیند دلیل رستگاری آخرت بود و جامهٔ سیاه
کسی را که پیوسته سیاه پوشد نیکو بود اما آنکه پیوسته سفید پوشد جامهٔ سیاه دیدن نیکو
نباشد نه دین و نه دنیا را و جامهٔ سیاه بقول بعضی از معبران خطیب و قاضی و پادشاه را نیکو
بود اما دیگران را غم و اندوه بود و جامهٔ کبود لختی از غم و مصیبت بود و اگر کسی بیند که جامهٔ ملون
داشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل بود که از پادشاه یا والی آن ولایت سخنی سخت شنود که
او را خوش نیاید اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بخواب بیند که جامه داشت که رویش از رنگی و
پشتش از رنگی دلیل کند که با اهل دین و دنیا بمنافق زندگانی کند و اگر بیند که از جامه خویش همی

خورد دلیل کند که از مال خود نفقه بسیار کند و اگر بیند که جامهٔ دریده پوشیده داشت دلیل
بود که در سفر بماند یا از بهر کاری وی را بزندان کنند و اگر بیند که جامهٔ او ضایع کردند یا از وی
بستدند و او برهنه بماند دلیل بود که قدر و جاهش کم گردد و حقیر و خوار گردد و اگر بیند که جامهٔ
خویش را بدرید نه بدیدند دلیلست که اندوهگین گردد و با زن خویش خصومت کند و اگر بیند که جامهٔ وی بدزدیدند
دلیل کند که از آنکس دور شود و اگر بیند که جامهٔ خود را با جامهٔ اهل خود در اموی کرد دلیل کند
که او را با خویش خود خصومت افتد یا از دوستی و اگر بیند که جامهٔ او کسی ببرد و برهنه بماند
دلیل کند که از حرمت و منزلت بیفتد و اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد دلیلست که بسفر شود
و اگر بیند که جامهٔ باز کرده را در نوشت دلیل بود که غایبش از سفر باز آید و اگر بیند که جامهٔ زنان
پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده گردد اما ترسی عظیم بدو رسد و بقولی ورا غم و اندوه رسد
و بیچاره گردد و اگر بیند که جامهٔ مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیر و نعمت بدو رسد و جامه
یافتن در خواب سفر بود بقدر درازی و کوتاهی جامه در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد دلیل
بود که از غم باز رهد اصفهانی گوید که بهترین جامه‌ها در خواب جامهٔ اوست که از پنبه بود و در وی قز
یا ابریشم نباشد و جامهٔ عتابی از پنبه و ابریشم بود و جامهٔ خز هر دو دلیل بر مال حرام و فساد کند
در دین و جامهٔ دیباج و حریر و ابریشم مردان را بد بود و زنان را نیک و جامهٔ کهن غم و اندوه بود از قبل
پادشاه و اگر کسی بیند که جامهٔ کهنه فروشد نیک بود و اگر بیند که جامهٔ کهن همی بدید دلیل بد
بود و جامهٔ کهن پوشیدن بد است و جامهٔ کهن از تن بیرون کردن نیک است جابر گوید اگر بیند که جامهٔ
شسته بود و پوشید دلیل بود که تائب گردد و اگر بیند که جامهٔ چرکین داشت در و بهر گردد
اگر بیند که جامهٔ رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود او را شایان بود و اگر بیند که جامهٔ شکوهی
داشت دلیل بود که او را منکری پدید آید حضرت صادق فرماید که دیدن جامهٔ نو در خواب بر چهار
وجه بود اول زن دوم پادشاه سیم مال چهارم خیر و منفعت و هم او گوید اگر کسی بیند که جامهٔ خود را
بمقراض ببرید دلیل کند که چیزی بد وی رسد و اگر بیند که دزد آن جامهٔ او را بیرون کرد دلیل

جامهٔ خواب

بود که فسادی در میان زنان وی افتد جامهٔ خواب ابن سیرین گوید که جامهٔ خواب دیدن بتأویل
زن بود و اگر بیند که جامهٔ خواب سفید و پاکیزه بود دلیل که عیالش مستور بود و مستوره و اگر بیند

که جامه خواب او سیاه بود دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بدو رسد و بعضی از معبران گویند
که جامه سیاه در خواب پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود و اگر جامه خواب ازرق بود ببیند دلیل
بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر ببیند که جامه خوابش چرکن و دریده بود
دلیل بود که زن او چرکن و پلید و ناسازکار بود و اگر ببیند که جامه خوابش ضایع کرد یا بدزدیدند
دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او مفارقت کند و اگر ببیند که جامه خوابش بسوخت دلیل کند
که عیالش بمیرد حضرت صادق فرماید که دیدن جامه خواب بر سه وجه بود اول زن دوم راحت
و آسانی سیم رنج و اندوه و مصیبت **جان** محمد بن سیرین گوید که جان بخواب دیدن فرزند بود یا مال
یا عیال موافق اگر ببیند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش تلف
گردد یا خود هلاک گردد و اگر جان خویش بصورت مردی نیکو ببیند دلیل بود که وی را فرزندی نیکو
بیاید و حالش نیکو گردد یا بخدمت پادشاه خوش طبع جوانمرد پیوندد و حالش نیکو گردد و اگر
جان خود را بصورت مردی زشت ببیند تاویلش بخلاف این بود که گفتیم **حکایت** در خبر آمده است
که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون
آمد و مرا در کنار گرفت و بعد از آن باسمان رفت رسول فرمود که وصیت کن که جان تو بمکان
خود رسید چون هم در آن روز آن مرد از دنیا رحلت کرد کرمانی گوید اگر کسی ببیند که جان خود را
در کف خود دید دلیل بود که بکار خاطره مشغول گردد که در آن وی را بیم جان بود و اگر ببیند که
جان از کف وی باسمان شد دلیل که زود بمیرد و اگر ببیند که در تن جان او زرد بود دلیل که در بیماری
صعب بود و اگر جان را بگونه سرخ یا سفید ببیند عاقبتش نیکو بود و از غم رستگاری یابد
و اگر ببیند بگونه سیاه بود دلیلست که مستوجب عذاب حق تعالی بود جابر گوید اگر ببیند که مرده
جان همی کند و خویشان او بروی نوحه و زاری میکردند دلیل بود که اهل بیت مرده را غم و اندوه
رسد و اگر ببیند که خویشان وی آهسته میگریستند دلیل که خویشان وی را از وی شادی و خرمی
رسد حضرت صادق فرماید چون ببیند که مرده در خواب جان میکند دلیل بود که جانش در عقوبت
بود **چاه** ابن سیرین گوید که چاه در اصل تاویل زن بود اگر ببیند که در جایگاهی چاه میکند دلیل
بود که زن خواهد اگر ببیند که بکندن چاهی او را آمد و میکرد دلیل کند که میان او و آن کس

متوسط است

متوسط است و خواهد که بمکر و حیله از زن او چیزی بوی دهد و اگر کندن چاه مکر و حیله بود و در
امثال گویند که فلان چاه برای فلان میکند یعنی با وی بدی و مکر خواهد کرد و آب چاه در
خواب مال زن بود اگر کسی ببیند که از چاهی آب خورد دلیل بود که مال زن بخورد و اگر از چاه
آب خورد که از هشت بخش جاورده بود هم دلیل بر مال زن کند و اگر ببیند که کسی چاه کند و آب
برنیامد دلیل کند که زنی و روی خواهد کرمانی گوید اگر ببیند که آب چاه خوردن بطعم خوش
بود دلیل بود که مال زن بکراهیت بستاند و اگر ببیند که آب چاه گرم همی خورد دلیل بود
که بجهت مال زن جنایا بلاء بقول بعضی از معبران بیمار گردد و اگر ببیند که آب چاه خنک
خوش بود دلیل بود که از زن خیر و منفعت ببیند و اگر ببیند که آب چاه بسیار بود که زن جوانمرد
و سخی بود و اگر ببیند که آب چاه اندک بود دلیل بود که زن سفله و دون بود اگر ببیند که چاه
بکند و آب تیره بر آمد دلیل بود که زن بیمار گردد و مال خود در بیماری بخورد و اگر از چاه آب
سیاه بر آمد یا کبود دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد اگر ببیند که از چاه آب سفید بر آمد دلیل
بود که میراث یابد و اگر ببیند که آب چاه بقعر فرو رفت و هیچ نماند دلیل بود که زن هلاک
شود و مالش تلف گردد و اگر ببیند که چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن
کرمانی گوید اگر کسی ببیند که دلو در چاه کرد تا آب بر آورد دلو در چاه افتاد و ریسمان گسسته شد
دلیل بود که او را فرزندی آید ناتمام **حکایت** در خبر است که مردی از عبدالله عباس پرسید
که خواب دیدم که دلو در چاه کردم تا آب بر آوردم ریسمان بدو پاره گشت یک پاره را بکشیدم
و یکی در چاه بماند عبدالله گفت که تو از عیال خود غایب بودی ترا فرزندی آمد شش ماهه وی را
دفن کردند آن مرد گفت که مرا از انجا عجب آمد دانیال گوید اگر کسی ببیند که در جایگاهی معروف
چاهی میکند دلیل کند که با کسان خود مکر و حیله سازد و بقول بعضی از معبران کندن چاه و
بر آمدن آب حکم نکاح دارد اگر ببیند که چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط باشد
کسی را بنکاح کردن جابر گوید اگر ببیند که آب از چاه میکشید دلیل کند که بمکر و حیل مال جمع کند
خاصه که چاه خود کنده باشد اگر ببیند که بدلو آب می کشید و در سبو میریخت دلیل که مال خود
نیکو نگاه دارد و اگر ببیند که آن آب که بر کشید بر زمین میریخت دلیل بود که مال را نفقه کند بخیر و شر

حرف الجیم

دلیل

ببیند که در چاه افتاد دلیل که بدو مکر و حیل افتد و اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل کند که مالی که
حاصل کرده است زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که در آن باغ میوه بود دلیل بود که او را
فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل کند که با زن خود مجامعت کند
و اگر بیند که آب بر سر چاه آمد و روان شد دلیل کند که درویش توانگر شود یا زنی خواهد و از آن زن او را
مال و نعمت حاصل گردد حضرت صادق فرماید دیدن چاه در خواب بر شش وجه بود اول زن دوم
کنیزک سیم عالم چهارم توانگری پنجم مکر ششم مکر و حیله و مرد چاه کن در خواب مکر و حیله بود

جبه

جبه ابن سیرین گوید که جبه در خواب زن بود اگر بیند که جبه فراخ و پاکیزه داشت دلیل کند که
زن او بنده ای نیک سیرت بود و اگر بخلاف بیند دلیل کند که زن ناراست و بدخوی و ناسازگار بود
اگر بیند که جبه او بدرید یا بسوخت دلیل که میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق فرماید که دیدن
جبه در خواب که بیند که بر دوش داشت نیکوتر بود و آن بر چهار وجه بود اول زن دوم
قوت سیم شادی چهارم منفعت و جبه کهن و چرکن غم و اندوه بود جابر گوید اگر بیند که جبه نو داشت
یا کسی بدو داد و بر تن کرد دلیل بود که زن پارسا دین بخواهد و اگر بیند که جبه سفید نو
داشت زنی پارسا و با امانت بود و اگر زرد بیند زنی بیمار گون بود و اگر کبود بیند زنی متفکر
و غمگین بود و اگر سرخ بیند زنی معاشر بود و با او سازکاری کم کند

چتر

چتر ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که بر بالای سر او چتر برداشتند دلیل کند که اگر از اهل آن بود پادشاهی یابد و اگر
از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که چتر پادشاه در دست داشت دلیل که عزت
حضرت پادشاه گردد حضرت صادق فرماید که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود اول سلطنت
دوم عزت سیم مرتبه چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان

چراغ

چراغ کرمانی
گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و معبران گویند که کدبانوی خانه بود و اگر در خواب بیند
که در خانه او چراغ پاکیزه و روشن بود دلیل که کدبانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود و
اگر بیند که چراغ تاریک بشود دلیل بود بر رنج کدبانوی خانه یا خادم یا زن اگر بیند که چراغ
فرو مرد دلیل بود که کدبانوی خانه بمیرد جابر گوید اگر بیند که از آتش زنه چراغ برافروخت
دلیل که اگر زن دارد فرزندش آید و اگر عزب بود زن کند یا کنیزک خرد و اگر در سفر غایب

حرف الجیم

مادر بسلامت باز آید و اگر بیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه ولایت عادل بود
و قاضی منصف و مردم شهر را عشرت و نشاط بسیار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند چراغ بسیار
در دست داشت دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر بیند که فاسق بود
دلیل که بخدای تعالی باز گردد و توبه کند و اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق
طاعت یابد قوله تعالی و سراجا منیرا و بشر المومنین بان لهم من الله فضلا کبیرا و اگر بیند که
چراغ بمرد دلیل بود که فرزندش هلاک گردد یا عزت و دولتش نقصان پذیرد و اگر بیند که در
دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیائی و ساخته گردد و اگر بیند که در دست
یک چراغ داشت که در وی دو سوراخ و دو فتیله افروخته بود دلیل است که او را دو فرزند نیک
بود که بیک شکل آیند حضرت صادق فرماید که دیدن چراغ در خواب بر چهارده وجه بود اول پادشاه
دوم قاضی سیم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم مهر هشتم شادی نهم علم دهم توانگری
یازدهم عیش خوش دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه بیند همچنان بود

سرای هفتم

چراغ پایه

چراغ پایه ابن
سیرین گوید که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود اگر بیند که چراغ پایه داشت یا کسی باو داد
دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر چراغ پایه زنگ گرفته بود دلیل بود که زن
خادمه متکبر و خودبین بود و دینش ضعیف بود و اگر بیند که چراغ پایه چوبین بود زن خادمه
سفله و دون بود و بر قول او اعتماد نبود

چراغ دان

چراغ دان ابن سیرین گوید که چراغ دان در خواب زن
بود و معبران گویند که خدمتکار خانه بود و قبیله و چراغ دان کاردینهای بود کرمانی گوید اگر
بیند که چراغ دان آهنین بود دلیل کند که اصل آن خدمتکار کبر بوده باشد و اگر سفالین
بیند اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دین دار و با امانت بود و اگر بیند که چراغ دان از دست
او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او بمیرد

چرغ

چرغ ابن سیرین گوید که چرغ در خواب
پادشاه بود و اگر چرغ وحشی بیند دلیل فرزندی بود که بحد بلوغ و مردی رسد و اگر بیند
که چرغ را بگرفت و بدو شکار میکرد دلیل کند که پادشاه بر او ستم و بیداد کند و اگر بیند
که پادشاه چرغ بدو داد و شکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و بر دیگران
ستم کند و اگر بیند که چرغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزندی آید نافرمان

اگر بیند که از گوشت آن چرغ چیزی بخورد دلیل بود که از فرزند نفع و بدی بیند کرمانی گوید
که چرغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت و قوت بود و اگر بیند که چرغ در خانه وی
یکبار یا دو بار بانگ بکرد دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر سه بار بانگ کرد هیچ زیانش نرسد
و بعضی از معبران گویند که چرغ مردی دزد بود که شکارها کند.

چراغ

ابن سیرین گوید که هر که
در خواب بیند که چراغ روشن داشت دلیل کند که از غم رستگار بود و اگر کسی بیند که چراغ او
بمرد یا چیزی بگرد آلوده بود دلیل بود بر تباهی دین و دنیای او و اگر بیند که چراغ خانه او بسبب
مردمان بود دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود کرمانی گوید که چراغ در خواب دیدن بر سر و تن غم
و اندوه بود و دیدن چراغ بر تن هیچ خیر و منفعت نباشد.

جزع

جزع در خواب زنی بود مختلف حال و پراکنده
احوال و مولع زاده اگر بیند که جزع داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که زنی بدخو صفت که گفتیم
بخواهد و اگر بیند که جزع او ضایع شد دلیل بود که زنش بمیرد یا طلاق دهد جابر گوید اگر بیند
که جزع سپید روشن بود دلیل بود که زنی مستور با امانت و خوبروی بخواهد اگر بیند که جزع
تیره و سیاه بود تاویلش بخلاف این بود.

جستن

ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جائی بجست دلیل
بود که از حالی که دارد بحال دیگر شود و اگر جستن او دور بود دلیل بود که سفری دور کند
و اگر بیند که چوبی یا نیزه در دست داشت و بدان از جائی بجست دلیل بود بر مردی قوی اعتماد
کند تا او را مددی دهد در کاری تا آنکار بر وی بر آید و اگر بیند که از دیواری فرو جست
و بر ستور نشست دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش
فرو رفت و ... دلیل بود که زن از او جدا گردد و باز پیش وی آید و اگر بیند که از زمین
بهوا برجست و روی بقبله آورد و بعد از آن فرود آمد در حرم دلیل بود در مکه یا در مدینه این
جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرای مجهول بسرای مجهول جست دلیل بود که هلاک
گردد و اگر بیند که با شکوه هوا جست و معلق همی زد دلیل بود که کار وی با شکوه بود و عیش
بر وی تباه گردد و اگر بیند که بهوا برجست و مرغی بگرفت دلیل کند که زن خود را بگذارد
و زنی دیگر خواهد و اگر بیند که بچوبی یا بعصا از جائی بجائی همی جست دلیل بود که از دروغ
و اندیشه برهد و کارش بنظام شود.

چشم

ابن سیرین گوید که چشم بخواب دیدن مردم بینائی

بود که بدان

بود که بدان راه هدی یابد و چشم ازرق بدعت بود و چشم شهلا فرزند بود و هر دو چشم
دو فرزند بود و اگر بیند که نابینا شده است دلیل بود که از راه هدی گم شده بود یا فرزند
وی بمیرد و اگر بیند که یک چشمش کور شده دلیل بود که یک نیمه دین او رفته بود یا گناهی بزرگ
کرده بود یا یک دست یا یک پای یا یک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آن
وی کرمانی گوید اگر بیند که در چشم سرمه کشید دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که
از سرمه مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خویشتن را با امانت و دین داری بمردمان
نماید تا عزیز گردد و اگر بیند که کسی سرمه بوی داد تا در چشم کشد دلیل بود که بقدر آن مال یابد
و اگر بیند که روشنائی چشم او ضعیف بود بظاهر و باطن در دین منافق بود و اگر بیند که
بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز را بکمال میدید دلیل بود بر زیادتی صلاح وی در دین و بجا
آوردن سنت و فرایض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند دلیل بود که چیزی که چشم
او بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب گردد چنانکه دیگر باز نه بیند
جابر گوید اگر بیند چشم از هم بسته دلیل بود که پرده او دریده گردد و اگر بیند که هر دو چشم او
آماسیده بودند چنانکه چشم باز نتوانست کرد دلیل کند که با مردی مخالف صحبت کند و اگر دو چشم را
ضعیف بیند دلیل بود که او را در طاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشم خود را کنده بیند دلیل
بود که از دین شریعت بی بهره گردد و اگر بیند که در میان دو ابروی وی چشم است دلیل بود که بر زبان او
سخن ناسزا رود در باب دین و اگر بیند که چشمهای او روشن است و مردمان پندارند که او کور است یا
شبکور دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و ازرق شد
دلیل بدی و برگشتن حال او بود قوله تعالی و نحشر المجرمین یومئذ زرقا و اگر بیند که هر دو چشم او
سفید شد و دیگر باره سیاه گشت دلیل بود که بیمار گردد یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که همه چشم
او سیاه شد چنانکه سفیدی نداشت دلیل بود که متکبر گردد و اگر بیند که بچشم او آفتی رسید
دلیل بود که فرزندان او را آفت رسد و اگر بیند که کسی دست فراز کرد و یک چشم او را برکند دلیل
کند که فرزندان او را از راه ببرد و اگر بیند که کسی چشم او را بگشت یا بدست بگرفت دلیل بود که
فرزندان او را زیانی رسد یا مالش برود یا گناهی کند و اگر بیند که از دیده او خون همی رفت دلیل

بود که بجهت فرزند غمی بوی رسد یا نقصان مال او شود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که
چشم او کور کنند و گوش او چشم گشته دلیل بود که زنی خواهد که او را دختری بود و با هر دو مجامعت
کند و اگر بیند که چشم بر کف دستش بود دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که در چشم او سفیدی بود
دلیل بود که او را غم و اندوه رسد قوله تعالی وابیضت عیناه من الحزن حکایت چنین گویند
که مردی پیش دانیال علیه السلام آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من بوسه بر چشم چپ من می نهاد
گفت ای مرد از خدا بترس و توبه کن و بعد از این با زن همسایه خیانت مکن تا از عقوبت حق تعالی
ایمن گردی مرد گفت که توبه کردم که بعد از این زن کنم حضرت صادق ع فرماید که چشم در خواب بر هفت
وجه بود اول روشنائی دوم دین سیم اسلام چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی
در دین و مال

چشمه

چشمه ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب مهتری بود و جوانمرد بخشنده چون
آب خوش طعم و خوش بوی بود قوله تعالی فیها عین جاریة و اگر آبش تیره و گنده و ناخوش بود
دلیل بود که انجام غم و بیماری و مصیبت بود و اگر بیند که از آن چشمه مسح همی کرد دلیل بود که
از غمها فرج یابد و اگر بیند که آب چشمه زیاده شد دلیل بود که عزت و جاه و جوانمردی او در آن
زیاده گردد و اگر بیند که آب چشمه نقصان کرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که آب چشمه
خشک گردید دلیل کند که مهتری جوانمرد از آن دیار رحلت کند کرمانی گوید اگر بیند در خانه او
یا در دکان او چشمه آب پدید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و گریستن بود بر قدر قوة آن
چشمه اگر آب تیره و ناخوش بیند غم و اندوه صعبتر بود و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی
می شست دلیل بود که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر غمگین بود از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا
یابد و اگر وام دارد وامش گذارده شود و اگر گناه کار بود توبه کند و اگر حج نکرده باشد حج کند
جابر گوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر صاحب خواب بود بر آن قدر که در چشمه آب بیند خاصه
که دست در آن آب زند و آب ایستاده بتاویل ضعیفتر از آب روان بود و بعضی از معبران
گویند که چون آب چشمه ایستاده بود بتاویل دلیل بر خیر و صلاح دین کند و چون روان بود
دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن آب چشمه در خواب بر پنج وجه بود اول
مهتری جوانمرد دوم غم و اندوه سیم مصیبت چهارم بیماری پنجم عمر [illegible] چغانه

چغانه

ابن سیرین گوید که چغانه در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که چغانه میزد دلیل که سخن
باطل و دروغ گوید یا او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه وی را چغانه داد دلیل بود که
از پادشاه وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند که چغانه را بشکست و بیفکند دلیل بود که از دروغ
و باطل توبه کند و اگر بیند که چغانه بر سر میزد و چغانه زنان اند دلیل بود که اگر صاحب علم بود
مردمان را تعلیم کند و از آن علم فایده بمردمان رساند و باشد که از شکوه علم گوید بعضی از
علم حدیث و فقه و اگر ابلهی جاهل بود شغلی پیشه کند که از آن شغل او را سرزنش کنند و
اگر بیند که با چغانه چنگ و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند

حرف الجیم

جعد

جعد در خواب
مردی بود نابکار و حیله گر و حرام خوار و اگر بیند که کسی جعد همی گیرد دلیل بود که او را با چنین مردی
خصومت افتد دیگر همه حال دیدن جعد در خواب مبارک نباشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از آن
جعد همی شنید دلیل بود که در آنجا نوحه و شیون بود بقدر بانگ جعد و اگر بیند که بچه جعد
بود دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که گوشت جعد همی خورد دلیل بود که از
مال مردی نابکار بقدر آن چیزی بخورد

چغندر

چغندر ابن سیرین گوید که چغندر در خواب دلیل
غم و اندوه بود اگر بیند که چغندر همی خورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند
که چغندر از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از غم فرج یابد ابن سیرین گوید که چغندر در خواب
منفعت اندک بود بجهت زنان و چغندر پخته هم از زنان منفعت یابد اندک

جل

جل محمد بن سیرین گوید
اگر بیند که جل مهره بوی داد یا مهره کرده بیافت دلیل بود که مال و منفعت یابد اگر کسی بیند
که بر او جل با خط و قباله منوشته دلیل بود که جامه کند جابر گوید اگر بیند که جل مهره کرم
یا داشت مهر [illegible] برگرفت دلیل که در مال او نقصان افتد اگر بیند که جل از وی ضایع شد
یا بسوخت دلیل بود که وی ضایع گردد

چکاوک

چکاوک بفارسی قبره خوانند و تاویلش در خواب
فرزند یا غلام بود اگر بیند که چکاوک نر بگرفت یا کسی بوی داد دلیل کند که غلامش افزون شود
چنانکه اگر چکاوک نر بود غلام پسر آید و اگر ماده بود غلام دختر آید کرمانی گوید چکاوک در
خواب مردی بود شیرین سخن غریب که از وی چیزی یابد اگر کسی بیند که چکاوک کسی وی را عطا داد یا
بگرفت دلیل بود که با چنین مردی او را صحبت افتد

جگر

جگر ابن سیرین گوید که جگر در خواب مال نهان

کرده بود اگر ببیند که جگر مردم بود دلیل کند که مال پنهان کرده بیابد و هزینه کند و اگر ببیند که
بریان جگر پخته یا بریان کرده او را حاصل کرد یا خام دلیل کند که گنج بیابد و جگر گاو و گوسفند
هم دلیل بر مال و نعمت بود و بعضی از معبران گویند که جگر بخواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود اولادنا اکبادنا و کرمانی گوید که بیرون آمدن جگر پیدا شدن مال پنهان بود که
پیدا گردد و جگر بریان اگر پخته اگر خام بود دلیل کند بر یافتن گنج و بر علم غیب حضرت صادق فرماید
که دیدن جگر در خواب بر سه وجه بود اول فرزند دوم مال سوم دوست که بجای فرزند بود سیم علم
و اگر ببیند که از خانه او جگر بیرون میکردند یا آتش جگرها را میسوخت دلیل بود که پادشاه گنج
و مال او بستاند و اگر این خواب را عالمی بیند دلیل بود که علمها را جمله فراموش کند

مجامعت

دانیال علیه السلام گوید که مجامعت کردن در خواب بر آمدن حاجت بود خاصه چون ببیند که منی از وی جدا
گردید اگر کسی ببیند که با کسی جماع کرد دلیل بود که از آنکس نیکی یابد و حاجت او روا گردد و اگر
ببیند که کسی با او جماع کرد دلیل بود که خاندان او توانگر گردند و اگر ببیند که با زن خود جماع کرد
چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت بیند ابن
سیرین گوید اگر ببیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر مجامعت کرد دلیل که مردی مبتدع
بود بر طلب کار ناسزا و در انکار او را مصلحت نباشد و سنت رسول را نگاه ندارد و اگر ببیند
که با مادر یا خواهر یا کسی دیگر که بر وی حرام است مجامعت کرد دلیل بود که شفقت خویشی از وی
بریده گردد و اگر زنده بود یا مرده دلیل بر غم اندوه و بعضی از معبران گویند اگر زنده بود از وی
خیر و نیکی ببیند و باشد که حج اسلام کند اگر ببیند که با زن که مرده بود مجامعت کرد دلیل بود
که غمگین و مستمند گردد و اگر ببیند که با زن مرده بیگانه جماع کرد دلیل بود که کاری کند که از آن
نومید شده باشد بتمامی بیابد مرده که بیگانه بود اگر ببیند که با جوان مجهول مجامعت کرد و بیان
ایشان خصومت بود دلیل بود که بجهت خصومت انجامد و از او خیر و نیکی ببیند و اگر آن مرده جوان
معروف بود بر وی ظفر یابد اگر ببیند که جماع با مردی پیر میکرد دلیل بود که خیر و نیکی از بخت
خود ببیند کرمانی گوید اگر ببیند که دختری بر دوشیزگی بستد دلیل بود که در آن سال زنی خواهد
یا کنیزکی بخرد و اگر ببیند که بحرم پادشاه شد و مجامعت کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد اگر

حرف الجیم

ببیند که با دی جماع کرد همین دلیل کند و کارش تمام شود و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم
بوی رسد و اگر ببیند که با مرغی مجامعت کرد دلیل بود که بر کسی که بدان مرغ منسوب باشد ظفر
یابد اگر ببیند که با زن کنیزکی یا با جهودی یا گبری مجامعت کرد دلیل بود که کارهای بسیار و بنظام شود
و اگر مردی پیر که شهوتش بکلی زایل شده باشد در خواب ببیند که شهوتش غالب گردیده است چنانکه
در جوانی بود دلیل کند که در کار دین بند باعث گردد و اگر ببیند که با زنی نابکار جماع کرد دلیل
کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر این خواب زنی ببیند همین تاویل دارد جابر گوید اگر ببیند
که با شتر جماع کرد دلیل بود که از سختی برهد و بر دشمن ظفر یابد و مالش بسیار و نامش بلند
گردد و اگر ببیند که با پادشاه جماع کرد دلیلست که محرم و نزدیک او گردد و اگر ببیند که با زن پادشاه
جماع کرد دلیل بود که از او منفعت یابد و اگر ببیند که با زن حایض مجامعت کرد دلیل بود که کارش
بد شود و اگر ببیند که با زن مجامعت کرد که مرده بود دلیل که کارش بد گردد یا با خویشان او
پیوندد و وصلت کند اگر آن زن زنده بود از خویشان او مفارقت کند و بعضی از معبران
گویند که با زن حایض مجامعت کردن نشان کارهای دنیای او بود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی
ببیند که با زن او که کنیزک بود مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بدو رسد و اگر
ببیند که با مردی معروف جوان جماع کرد دلیلست که از او خیری بدو رسد و اگر ببیند که با مردی
مجهول جوان جماع کرد دلیل بود که از پادشاه حاجت او روا گردد و اگر ببیند که با مردی مرده جماع
کرد دلیل بود که از بهر او دعائی یا خیراتی کند و اگر زنی ببیند که با زنی دیگر جماع کرد دلیل بود که
از او نیکی ببیند و حاجتش روا گردد حضرت صادق فرماید که در خواب جماع کردن که از او غسل
واجب گردد تاویلش بنا شد

جلاب ابن سیرین گوید که جلاب خوردن مال حلال و دین پاک
بود اگر کسی ببیند که او را جلاب داد و بخورد دلیل کند که بفضل آن او را مال حاصل گردد
و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست او و اگر ببیند که کسی با وجلاب داد دلیل بود که از آن
کس خیر و منفعت یابد اگر ببیند که جلاب بخورد و بر زمین ریخت تاویلش بخلاف این بود

جنازه
اگر کسی ببیند که جنازه میبرند دلیل بود که خداوند جنازه را بر چند آن مردمان که از پی جنازه
بودند ایشان را فرمان روا گردد لکن بر ایشان ظلم کند و اگر ببیند که او بمرد و او را بر جنازه

نهادند و او را میبرند و مردمان از پس جنازه او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد لکن
دین او بیفزا بود و با انقوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر بیند که جنازه مرده بودی
و میبرد دلیل که بخدمت پادشاه پیوندد و از او خیر و نیکی بیند و اگر بیند که قومی در پس جنازه
او میرفتند و در هوا میشدند دلیل که مردی بزرگ از انشهر بسفر میرود و اگر خویشتن را در
جنازه بیند که ان جنازه در زمین همی رفت دلیل بود که بسفر شود کرمانی کوید اگر بیند که زنده
بر جنازه میبرندش و در پس جنازه او کسی نبود دلیل بر نقصان عز و جاه و کار وی کند و اگر بیند که
مردمان در پس جنازه او بودند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بر جنازه کران بود دلیل که
ستم بر مردمان کند و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل بود که بر مردمان سبکبار بود و حالش
نیکو کردد و اگر بیند که از جنازه بیفتاد و پاکسان که او را میبردند از جنازه بیند افتند دلیل بود
که از عز و جاه بیفتد و کار او بستر کردد حضرت صادق علیه السلام فرمود که جنازه در خواب بر سه وجه بود
اول بزرگی دوم ولایت سیم عز و جاه و رفعت

جنب بودن

اگر بیند که جنب بود دلیل بود که حال
اشفته و سرکشته شده باشد و بعضی از معبران کویند که سفر کند و مراد نیابد و کارش تباه
کردد و اگر بیند که خود را از جنابت بشست و جامه بپوشید دلیل بود که سرانجام از ان کار رسته
کردد و کار رسته کردد و اگر بیند که خود را بسیاری نشسته دلیل بود که کارش بتمام نکردد و بعضی کفته
و نیابد کرمانی کوید اگر کسی در خواب خود را جنب بیند و برهنه دلیل بود که در کار خود متحیر و
عاجز کردد و اگر بیند که خود را در کرمابه بشست و بیرون امد و جامه پاکیزه در پوشید دلیل بود که
بخدا باز کردد و توبه کند

چنکال

اگر کسی خود را چون مرغان چنکال دار بیند دلیل کند که او را
قوت بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنکال مرغان در دست داشت دلیل
بود که بعقل و فهم از مرغ خیر و منفعت بد و رسد حضرت صادق فرماید که چنکال در خواب بر سه
وجه بود اول قوت و توانائی در کارها دوم معیشت سیم کسب کردن

چنکاله

چنکاله در خواب [illegible] بود
کرد او دعوی [illegible] و چنکاله را بفارسی معلاق خوانند اگر بیند که چنکاله داشت [illegible] بکسی [illegible]
که بار دهی بد بر صفت [illegible] دوستی افتد و اگر بیند که چنکاله اندام او را بخست دلیل بود که
او را از مردی بد کردار [illegible] زیان رسد اگر بیند که چنکاله از او ضایع کردید یا ببخشید دلیل بود

کراز صحبت

کراز صحبت مردی بد کردار جدا کردد

چنک زدن

ابن سیرین کوید که چنک زدن در خواب سخن دروغ
بود اگر بیند که چنک میزد دلیل که سخن باطل و دروغ بود و او را از ان غم و اندوه و زیان رسد
و اگر بیند که پادشاه او را چنک داد دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر اهل
ان بود از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که چنک را بشکست یا بیفکند دلیل بود که از دروغ و باطل
توبه کند و اگر بیند که کسی چنک میزد و او سماع میکرد دلیل بود که شنونده دروغ و باطل بود
و بعضی از معبران کویند که چنک زدن در خواب دلیل عمر دراز بود کرمانی کوید اگر کسی بیند که
چنک میزد دلیل بود که بزنی بزرک از مهتران پیوسته کردد و از او عز و جاه یابد هم بمال و هم بسخن
رواق و اخر کار ان زن را بنکاح بخواهد و اگر بیند با چنک چغانه و نای در هم بود این جمله دلیل
بود بر غم و مصیبت جابر کوید اگر کسی در بیماری بیند که چنک و چغانه میزد دلیل بود بر وفات او

جنک کردن

ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که از جنک کردن با مردمان یا با حیوان دیگر چون هر دو
از یک جنس باشند انکه غالب بود بر دشمن ظفر یابد

جهود شدن

ابن سیرین کوید اگر کسی در خواب
بیند که جهود شد دلیل بود که براه بدعت بود و جهودان را یاری دهد و قول ایشان را دوست دارد
ابن سیرین کوید اگر بیند که جهود یا ترسا شد یا مشرک یا بت پرست شد دلیل بود بر ضلالت و
کمراهی او و بر خدای تعالی بهتان و دروغ کوید اگر بیند که از ان کیش برکشت و مسلمان شد دلیل
که کناهی بزرک از او در وجود اید و سرانجام توبه کند و بسوی حق تعالی باز کردد و اگر بخواب بیند
که ندانند از کدام دین است یا از کدام قبله نماز میباید کرد دلیل که سرکشته و متحیر و سرکردان شود
و فرو ماند حضرت صادق ع اگر کسی بیند که جهود شد دلیل بود که صاحب خواب را کاری مشکل
پیدا کردد و بر مخالف شریعت سنت باید رفت اگر [illegible] و اگر مغی را بخواب بیند
دلیل بود که صاحب خواب بکارهای دنیا فریفته کردد و غافل بود از کار اخرت جابر کوید اگر جهودی
بخواب بیند که مسلمان شد دلیل بود که زود بمیرد یا مسلمان شود و [illegible] کوید اگر بیند که جهود
با خشم یا بجز همی خورد دلیل بود که خبری اندوهناک بوی رسد و اگر کسی بیند که جهودی با کسی بوی
بخشید دلیل بود که بقدر ان خیر و نیکی بدو رسد و دلیل بر تندرستی بود و اگر بیند که جهود
زمین میکشت دلیل بود که وی را مال جمع کرده در کارها کند که خدای تعالی از او خوشنود کردد حضرت

جوالدوز

صادق فرماید که جو در خواب دیدن مال بود که آسان بدست آید جو فروش بخواب دیدن مردی بود
که دنیا ادا بود براضی باکند جوالدوز ابن سیرین گوید که جوالدوز در خواب مردی بود که کارها
مردم بهم بپیوندد خاصه کارهای کوچک اگر بیند که جوالدوز فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل بود
بامردی که او را بدین صفت که گفتیم و براصحبت افتد و اگر جوالدوز او بشکست یا ضایع شد دلیل بود بر

جوان شدن

هلاک آن مرد جوان شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جوان شد و محاسن سفید او سیاه گردید
دلیل بود که قوت و مال بر گردد و اگر جوان مجهول را ببیند دلیل بود که از دشمن خاری بیند و مرادش
نیابد و اگر بیند که جوانی پیر شده است دلیل بود که حرمتش زیاده گردد و زنان نیز درین معنی
چون مردان باشند جابر گوید که اگر جوانی در خواب بیند که پیر گردیده بود دلیل بود که علم و

چوب

ادب آموزد و شرح آن در حرف میم بیان کنیم چوب کرمانی گوید که چوب در خواب دیدن نفاق
بود و بعضی از معبران گویند که چون چوب بیند در خواب مردی بود که در نفاق بود و اگر
بیگانه دهد آنکس با وی در نفاق کند و چوب کج در خواب دیدن تاویل آن در خواب چون تاویل

جوراب

چوب است بود و اگر چوب کج بود که سوختن را شاید مرد منافق و دروغ زن بود جوراب ابن سیرین
گوید که جوراب در خواب خادمی بود از شمار زنان اگر بیند که جوراب نو از ابریشم یا از ریسمان
پوشیده بود دلیل بود که او را خادمی بود اصلی و از او برخوردار گردد و اگر بیند که جوراب
پشمین با نقش بر داشت دلیل بود که کنیزکی خوبروی بخرد یا زنی با جمال بخواهد و اگر بیند که
جوراب نو در داشته دلیل که او را خادمی بیمار گون پیدا گردد و اگر بیند که جوراب او سرخ بود
دلیل بود که او را خادمی شوخ بی شرم بود و اگر بیند که جوراب او سیاه بود اگر بیننده مصلح
بود نیکو بود و اگر مفسد بود بد بود و اگر بیند که جوراب او کهنه و چرکن بود دلیل بود که خادمش را
بفسادی متهم کنند و اگر بیند که جوراب او ضایع شد یا بسوخت دلیل بود بر هلاک خادم و بعضی از
معبران گویند که جوراب در خواب مال و خواسته بود و اگر جوراب بوی دید دلیل بود که زکوة مال
بدهد و اگر بوی جوراب ناخوش بود دلیل که زکوة مال ندهد و زبان مردم بروی دراز گردد
کرمانی گوید اگر بیند که جوراب او از پوست بود و بر بیند که از کدام پوست است اگر بیند که پوست
شتر بود دلیل بود که خادم او بزرگ همت و اصل بزرگ بود و اگر از پوست گوسفند بود دلیل

حرف الجیم

بود که خادم او از مردم عامه بود و اگر از پوست اسب بود دلیل بود که خادمش از اصل بزرگ و
سپاهیان بود و اگر بیند که از پوست نخچیر بود خادم او از مردم بیابانی بود جابر گوید اگر بیند
که جوراب در پای داشت دلیل بود که مال نگاه دارد و اگر بیند که جوراب سفید پاکیزه در پا داشت
دلیل که زکوة مال داده بود حضرت صادق فرماید که جوراب پای مال مرد بود و نگاه دار مال
زکوة بود و اگر بیند که از جوراب وی بوی خوش می آید دلیل بود که در مردم و نیکنامی او را ثنا
گویند و اگر بوی ناخوش کند او را ملامت و نفرین کنند و اگر بیند که جوراب او ضایع شد دلیل

جوشن

بود که زکوة ندهد و مال او ضایع گردد جوشن ابن سیرین گوید که پوشیدن جوشن در خواب
پشت و پناه بود دیگر بد و شوی پاکیزگی آن و اگر بیند که جوشن داشت دلیل که او و اهل بیت
او ایمن شوند از دشمنان و اگر بیند که جوشن پوشیده داشت دلیل بود بر حصانت او و از شر دشمنان
که بر وی ظفر نیابند و اگر بیند که با جوشن بکر سلاح داشت دلیل بود که از مکر منافق و از شر او
ایمن گردد و بعضی از معبران گویند که جوشن در خواب یادگیری او بود و هر که جوشن در خواب
بیند که پوشیده در حفظ خدای عز و جل بود حضرت صادق فرماید که جوشن در خواب بر شش وجه
بود اول عز دوم پناه سیم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم زندگانی زیادتی در دین و جوشن

چوکان زدن

در خواب دیدن مونس مردم بود چوکان زدن ابن سیرین گوید اگر بیند که چوکان در دست داشت
و گوی میزد دلیل که آنچه میجوید بیابد و قدر و منزلتش بیابد تا در دین و طاعت سست بود کرمانی
گوید اگر چوکان را در خواب بدست پادشاهی بیند دلیل بود که بر دشمنان ظفر یابد و چوکان
چون در دست مردم عامه بیند دلیل بود که با مردم جنگ و خصومت کند و سخن زشت شنود از قبل

جولاهی

زنان و معبران تشبیه کرده اند بدان و چوکان را بزنان جولاهی ابن سیرین گوید که جولاه در خواب
مردی مسافر یا پیک بود که در عالم همی گردد اگر بیند که جولاهی جامه همی بافت دلیل که با کسی او را
جنگ و خصومت افتد اگر کرباس بافتن بینا و بی جنگ و جدل بود کرمانی گوید بافتن جامه در خواب

گوهر فروش

در حرف با در بافتن چیزها بیان کردیم اگر بیند که جامه را تمام ببافته دلیل کند که اندوهگین
گردد جوهر بفارسی گوهر فروش گویند ابن سیرین گوید اگر بیند که گوهر و مروارید میشمرد
و آن گوهر ملک او بود دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر

خداوند دین باشد دلیل کند که خداوند علاماتها کرده و بعقل و قیمت کوهر او را مال حاصل
کرده حضرت صادق ع فرماید اگر مصلح و مستوی بود و دید که کوهرها میفروخت دلیل بود که او را
علم و دین حاصل کرده جوی آب ابن سیرین کوید که جوی آب دیدن در خواب چون آب خوش طعم بود
و پاکیزه دلیل کند زندکانی خوش بود و اگر بیند که از جوی مجهول آب صافی میخورد و اینکه در
سفر بود یا در جایکاهی بیکانه دلیل کند که در کاری مجهول مشغول کرده و عمر خود را در آن
کذارد و بمقدار آن آب که در جوی خورده بود منفعت یابد و اگر آب جوی شور و تلخ و ناخوش
بود دلیل بود بر تلخی معیشت و زندکانی او ابن سیرین کوید که جوی در خواب دیدن اصل جوی
وکیل بود که مقرب کردد و اگر کسی آب جوی روان و صافی بیند دلیل که مقرب کردد و اگر کسی آب
جوی را روان و صافی بیند دلیل بود که کاری روان کرده شود و اگر بیند که آب جوی تیره بود
دلیل بود که کارش تباه و بی نظام شود و هرجا که آب جوی بیند دلیلش بر وکیل او خبر بود و
هر زیاده و نقصان که در جوی بود بر وکیل باز کردد و اگر بیند که بر لب جوی نشسته بود و در زیر آن
جوی آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روی بوی نهد و احوال دو جهان او نیکو کردد
قوله تعالی تجری من تحتها الانهار لهم فیها ما یشاؤن و اگر بیند که در جوی آب صافی غسل کرد دلیل
بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش کذارده کردد و اگر در سفر
باشد زود باز آید جابر کوید که جوی زنا و یا مردی بود محتشم با منفعت اگر بیند که آب جوی
برداشت دلیل است که بقدر آن از مردی محتشم مال یابد و آب جوی خوردن زندکانی بود والله اعلم

حرف الحاء من کتاب کامل التعبیر

حبر ابن سیرین کوید که حبر در خواب طلب کردن
معیشت و یافتن مال بود اگر بیند که حبر بخرید یا کسی بوی داد دلیل بود که معیشت بر وی فراخ
کردد و مرادش حاصل کردد و اگر بیند که حبر بریخت یا از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود
کرمانی کوید که حبر بر جامه او ریخت دلیل بود که او را از زنی رسد و اگر دبیر بود او را زیان
رسد اگر بیند که بحبر چیزی مینوشت اگر آنچه مینوشت از قرآن یا از نام خدای تعالی بود دلیل
بر خیر و صلاح او بود و اگر بخلاف این بود که بیند دلیل بر شر و فساد او کند حب خوردن ابن سیرین
کوید که حب خوردن در خواب اگر بیند که از برای بیماری خورده دید که در خور دارو و استفراغ

یابد دلیل

یابد دلیل بر خیر و منفعت کارها کند اگر بیند که از دارو خوردن او را منفعت نبود تاویلش بخلاف
این بود حجامی ابن سیرین کوید اگر بیند که حجامی بیکانه در جایکاهی بیکانه او را حجامت کرد دلیل
بود که کابین نویسد و یا نهی در کردن خود کند و اگر بیند که کسی او را حجامت کرد اگر آنکس دوست
او بود دلیل کند که امانتی بوی سپارد و اگر دشمن بود از شر او ایمن کردد و از غم فرج یابد
اگر آنکس جوانی بود همین تاویل دارد و اگر پیر بود عز و بزرکی یابد کرمانی کوید اگر بیند که پیر او را
حجامت کرد کارش نیکو کردد و اگر بیند که پادشاهی را حجامت کرد دلیل که مقرب پادشاه کردد
و کام یابد و اگر بیند که جوانی را حجامت کرد دلیل که دشمن را ظفر یابد و اگر بیند که شیشه او
بشکست دلیل بود که زنش بمیرد یا او را طلاق دهد جابر کوید حجام پیر بخت بیند در خواب
بود و حجام جوان دشمن او بود اگر بیند که حجامی کرد و شیشه بنهاد و خون بر کرفت اگر خداوند
عالم است دلیل که مستوفی شود یا دبیر پادشاه کردد و اگر خداوند عالم نبود دلیل بود که
در دو امها عزت نامها نویسند و آخر زشتی کشد حضرت صادق ع فرماید که حجامت کردن در خواب
دلیل بر هفت چیز بود اول امانت کذاردن دوم شرط خواندن سیم ولایت یافتن چهارم شادمان
شدن پنجم با پیران صحبت داشتن ششم سنت پیغمبر نکاه داشتن هفتم اگر عالم بود از علم
معزول شدن خاصه چون بیند که حجام جوان بود اما اگر حجام پیر بود دلیل که از علت رسته
کردد و بعضی از معبران کویند که اگر حجام جوان بیند و اگر پیر دلیل که دروغ بر وی کواهی
دهند و از آن او را بیم هلاک بود و بعضی کاتب جراح بود و بعضی از معبران کویند که کار
او کشاده کردد حج کردن ابن سیرین کوید اگر بخواب بیند که بحج همی رفت دلیل بود که خدای تعالی
او را حج روزی کند و اگر بیمار بود عافیت یابد و اگر وام دار بود وامش کذارده کردد و اگر بیم دارد
ایمن کردد و اگر در سفر بود بسلامت باز آید و اگر بیند که بحج همی رفت و حج از وی فوت شد
دلیل بود که عمرش دراز کردد و کارش بنظام شود کرمانی کوید اگر بیند که در حرم الهی مقیم بود
دلیل که او را ترس و بیم بود و اگر بیند که بر وی حج واجب شد لکن قصد حج نمیکرد دلیل بود که در امانت
خیانت کند و اگر بیند که روز عرفه است دلیل بود که با کسی صلح کند و اگر بیند که در کعبه نماز
میکرد دلیل بود که از بزرکان و مهتران کارش نیکو کردد حضرت صادق ع فرماید که حج کردن در خواب

جوی آب
حبر
حب خوردن
حرف الحاء
حجامی
حجام بقول
حج کردن

حجر الاسود

بر هفت وجه بود اول تزویج کردن دوم کنیزک خریدن سیم زیارت پادشاه کردن چهارم نیکوئی بر مردمان
پنجم سعی کردن در کار خیر ششم مزد و ثواب بودن هفتم صحبت اهل علم رسیدن حجر الاسود ابن
سیرین گوید اگر بیند دست بر حجر الاسود میمالید اقتدا با امام کرد دلیل که از اهل حجاز او را
خیر و منفعت رسد و اگر بیند که حجر الاسود پراکنده بود دلیل که بد مذهب و بی اعتقاد و بدنیا
بود و اگر بیند که حجر الاسود را باز جای خود نهاد دلیل که باز براه صلاح آید و اگر بیند که از آب
زمزم میخورد دلیل بود که چیزی گم شده را باز یابد بزودی کرمانی گوید اگر بیند که حجر الاسود را
بوسه میداد و روی در آن میمالید دلیل بود که او را خیر و نعمت زیاده گردد و میل بخیرات و اهل

حد زدن

صلاح کند و با علما پیوندد حد زدن ابن سیرین گوید که حد زدن در خواب دلیل بر فراهم آوردن
کار زنان کند و اگر بیند که او را حد میزدند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که کسی را حد
میزد تاویل این بخلاف آن بود جابر گوید که کسی را اگر بیند که حد میزدند بیننده را اینک بود
و نیز دلالت بر صلاحیت او بود و صاحب خواب اگر مفسد بود دلیل بر رنج و اندوه بود حربه

حربه

بتازی نیزه کوتاه بود اگر بیند که نیزه کوتاه در دست داشت دلیل است که او را فرزندی آید
اگر زن ندارد خبری بدو رسد و اگر بیند که با حربه سلاح تمام پوشیده داشت دلیل بود که
جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که پادشاه بدادش حربه داد دلیل بود که از آنکس بوی چیزی رسد اگر
بیند که حربه در دست داشت و بشکست خاصه بوقت کارزار دلیل بود که از دشمن بدو مضرت رسد
حضرت صادق گوید دیدن حربه در خواب بر شش وجه بود اول عجب دوم ولایت سیم عمر دراز

حرم

چهارم ظفر پنجم زیادت ششم منفعت حرم بتازی جای امن و از دم را ایمنی بود اگر کسی بیند
که در حرم کعبه بود دلیل بود که از آفات دنیا ایمنی یابد و او را روزی گردد کرمانی گوید
اگر بیند که در حرم پادشاه یا در حرم مردی بزرگوار شد دلیل بود که از شر پادشاه ایمن
گردد و باشد که از پادشاه چیزی بدو رسد و معبران گویند که او را حاجت افتد با اهل آن
حرم و اگر بیند که پادشاه او را در حرم خویش خواند و آنجا مقیم شد دلیل بود که در کارهای پادشا
شروع کند و چیزها کند که او را ازان بدنامی حاصل گردد حضرت صادق فرماید اگر بیند
که بحرم پادشاهی عادل رفت دلیل بود که از وی کارها صادر گردد و اگر بیند که بحرم پادشاهی

ظالم رفت

ظالم رفت دلیل بود که کاری کند که ازان بدنامی یابد حرب بهفتاد و سه زبان بود و تاویل حربه

حرف الحا

حرب

و سیاه یکسان بود و شرح دیباد در حروف الثا کتبه حساب ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند

حساب

که حساب میکرد با کسی میکرد دلیل بود که در محنت و عذاب افتد و خود را بکار زشتی بدارد که
بدان مثل زنند که الحساب عند الله یعنی شما و ترید با خصم کار است حضرت رسول صلعم فرمود
من نوقش بالحساب عذب کرمانی گوید اگر کسی بیند که در قیامت حقتعالی با وی حساب میکرد
حساب بروی آسان بود دلیل بر رستگاری و خیر کند و اگر بخلاف این بود بد باشد حضرت صادق
فرماید که حساب قیامت در خواب دیدن بر شش وجه بود اول پادشاه ظالم دوم دل مشغولی سیم

حصار

سختی و رنج چهارم بدحالی پنجم ندم و عنا ششم عمر کوتاه حصار ابن سیرین گوید اگر بیند که
بحصاری اندر شد دلیل است که از شر دشمن ایمن گردد اگر بیند از حصار بیرون آمد یا کسی او را از حصار
بیرون کرد دلیل بود که دشمن بروی ظفر یابد کرمانی گوید اگر کسی بیند که در حصاری محکم بود و
ان حصار ملک او بود دلیل که از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیند که از حصاری بیرون آمد بخلاف این
بود جابر مغربی گوید اگر کسی خود را در حصار بیند نعمت و روزی بروی فراخ گردد و دلیل بر خیر

حصیر

و صلاح دین کند و اگر بخلاف این بود دلیل بر تباهی حال و بستگی کارهای او بود حصیر ابن سیرین
گوید اگر بیند که حصیر داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که بقدر بزرگی و کوچکی حصیر خیر و منفعت
بدو رسد و اگر بیند که حصیر میبافت دلیل است که عاشق و مبتلا گردد بر زنی و اگر بیند که حصیر
میبافت که دون و کم بها بود دلیل بود که از زنی بی اصل درویش بود و اگر بیند که حصیر پاکیزه
و نیمتی بود دلیل که زن محتشم و اصیل بود جابر گوید اگر بیند که حصیر میبافت و میفروخت
دلیل بود که او را غم و اندوه رسد حضرت صادق فرماید که دیدن حصیر در خواب بر سه وجه
بود اول زن دوم منفعت بقدر و قیمت آن سیم خاستگاری کاری که ازان در برابر ملامت شد و

حقنه

بدنامی حاصل گردد حقنه ابن سیرین گوید که حقنه کردن در خواب در خشم شدن باشد و از حال
بحالی چنانکه از سخن آن بخوبی تر گردد و بعضی معبران گویند که حقنه کردن در خواب دلیل شغل
عیش و روزی باشد جابر گوید که حقنه در خواب دلیل بر بازگشتن کاری بود بخلاف و ندامت که صلاح
آن بود حضرت صادق فرماید اگر کسی بخواب بیند که او را حقنه کردند و ازان حقنه او را رنج دیدند

رسید دلیل بود بر بدی احوال وی و اگر بخلاف این بیند بعز و منفعت بود **حقه** ابن سیرین
گوید که حقه در خواب زن بود یا کنیزک اگر بیند که حقه نو فرا گرفت یا بخرید یا کسی بدو داد دلیل
بود که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که حقه او بشکست یا ضایع شد دلیل که او از زن جدا
گردد بمرگ یا بزندگانی جابر گوید اگر بیند که حقه داشت منقش کرده و پاکیزه دلیل بود که زنی توانگر
بزنی کند و از او منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که زنی زشت وی را درویش بخواهد
یا کنیزک خرد بدین صفت **حکمت** ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که حکمت و علم میخواند دلیل بود که
قرآن خواندن او را کرامت کند و اگر بیند که کتابی در حکمت و علم بخرید دلیل بود که مصحف
بخرد و اگر بیند که کتاب در حکمت بسوخت دلیل بود بر تباهی دین او کرمانی گوید اگر بیند که اوراق
کتاب حکمت میخورد دلیل بود که علم و حکمت بسیار خواند و اگر بیند که اوراق حکمت میدرید دلیل
بود که نمازها نگذارد و اگر بیند که کتاب حکمت میخواندند و وی میشنید دلیل بود که هوس علم و حکمت
خواندن داشته باشد **حلاجی** ابن سیرین گوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم
بر دست او گشاده گردد و اگر بیند که حلاجی میکرد دلیل بود که او را با مردی بدین صفت که گفتیم صحبت
افتد حضرت صادق ع فرماید حلاجی در خواب بر دو وجه بود اول منفعت دوم گشایش کارهای
فروبسته **حلوا** بفارسی انگرد بود و دیدن وی در خواب غم و اندوه بود و خوردن او دلیل
بر بیماری بود ابن سیرین گوید که حلوا در خواب مال بود که بر دست پادشاه گذشته بود و حرام
بود و حلوای خشک دلیل بر مال اندوه کند از جهت زردی زعفران که در آن بود حضرت صادق ع
فرماید که حلوا در خواب مال بسیار بود و دین خالص و یک لقمه از حلوا بود که بر فرزند دهد و حلوا
که در آن مغز بادام بود یا مغز جوز دلیل بود که چیزی بدو رسد از مردی بخیل بقدر آنکه خورده
بود جابر گوید که حلوا خوردن در خواب دلیل که بقدر آن او را مال حاصل گردد چون زردی
زعفران اندر آن نباشد و اگر سفید بود بهتر باشد و حلوا فروش در خواب مردی لطیف باشد
خوش طبع بود **حمالی** ابن سیرین گوید که حمالی در خواب خواری و رنج و خطر بود اگر بیند که بر پشت
بار کشد باری سبک داشت آن بار ملک او بود دلیل کند که بقدر آن او را گزند و رنج رسد
بر جهت گناه و معاصی لقوله تعالی لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیمة جابر گوید اگر بیند که حمالی از

دیگران میکرد بکرایه و اجرت دلیل کند که با مردی خیر و احسان کند و از آن بخداوند خواب باز گردد
و اگر بیند که حمالی میکرد و مزد می ستد دلیل غم و اندوه بود خاصه که بارش گران بود و بقدر آن گرانی
او را رنج و غم رسد **حنا** کرمانی گوید اگر بیند که حنا بر دست و پای خویش مینهد دلیل است که
خویشان و اهل بیت خود را بیاراید و مزین گرداند لکن در دین او کراهت بود و بعضی گویند
که حال خویشان و اهل بیت پوشیده گرداند و اگر این خواب زنی بیند که او را حنا بسته باشد
دلیل بود که او را غم و اندوه رسد لکن زود از آن فرج یابد حضرت صادق ع فرماید که حنا بستن
در خواب دلیل بر سه وجه بود اول آرایش خویشان دوم ستر اهل بیت سیم غم و اندوه **حنوط**
بوی خوش بود که بر مرده پراکنند ابن سیرین گوید اگر بیند که مفسد بود و حنوط بر وی پراکند دلیل
بود که تایب شود و بخدای تعالی باز گردد و اگر این خواب نیکو بیند که مصلح بود دلیل بود که از
ترس و بیم ایمن گردد و از غم و رنج یابد و کارها بمراد او شود ابرهیم گوید اگر بیند که حنوط خوش
باز کرد ستایش مردم بود با خطر از بهر آنکه بعضی از معبران گویند که نیکنامی بود بر خویشان
و اهل بیت بر اندازه حنوط **حوض** ابن سیرین گوید که اصل حوض در خواب علم و دانش بود اگر بیند
که خود را با آب حوض همی شست دلیل بود که توفیق یابد و از گناه و عصیان باز ایستد و اگر بیند که همه
آب حوض فرو خورد و آن آب وی را خوش آمد دلیل بود که عمر خویش را بسلامت گذراند و از
مالش زیاده گردد و اگر از اهل علم بود علمش زیاده گردد کرمانی گوید اگر بیند که تن و جامه خود
بحوض بشست دلیل بود که اهل بیت او توبه کنند و سیرت نیک و راه دین گزینند و اگر بیند که
جامه خود را بحوض می شست و پلیدی آنجا میریخت و در زیر آب ظاهر گردید دلیل کند که بعلم
کار نکنند و بدی در میان خلق آشکارا گردد و اگر بیند که بر کناره حوض سبزه رسته بود
دلیل بود که از علم خویش منفعت بیند و مردمان از علم او منفعت یابند خاصه که حوض ملک
بود اگر بیند که ملک وی نبود و از آن مسلمانان بود زیاده و نقصان آن حوض بعلمای ایشان باز گردد
یا بکسی که ایشان را حاکم بود و اگر بیند که آب حوض تیره و تلخ بود دلیل غم و اندوه کند جابر
گوید اگر بیند که آب حوض میخورد دلیل بود که مال یابد از مردی توانگر و عاقبت کار وی محمود بود
و مال حاصل کند بقدر بزرگی حوض حضرت صادق ع فرماید که دیدن حوض در خواب بر چهار

حوض کوثر

وجه بود اول مردم با منفعت دوم مردی توانگر سیم مال جمع کرده چهارم عالمی که از وی علم و نفع
حاصل کنند حوض کوثر ابن سیرین گوید اگر بیند که بقیامت بر خواست خلق را نزدیک حوض کوثر
طلب میکردند دلیل که پادشاهی پیدا گردد که در دنیا خلق عدل و داد کند و اگر بیند که از حوض
کوثر یک جام آب خورد دلیل بود که مرگ او بر مسلمانی بود اگر بیند که بر سر حوض کوثر میگشت
و آب میخواست و آب ندادند دلیل بود که دشمن اولاد پیغمبر باشد اگر بیند که حضرت رسول او را
آب داد و بخورد دلیل کند که از شفاعت بهره یابد کرمانی گوید اگر بیند که نامش در حوض کوثر
نوشته بودند و جای بستاند و از آن آب میخورد دلیل است که او را با عالمی نزدیک صحبت افتد و از
آن عالم او را منفعت وجها حاصل گردد جابر گوید اگر بیند که از حوض کوثر آب میخورد لکن آب وی
تیره و ناخوش بود دلیل بود که بیننده منافق بود و او را از اخبار و قرآن هیچ خبر نباشد و اعتقاد وی
بد باشد و دین اسلام در پیش وی حقیر و خوار بود و اگر بیند که حوض کوثر بان طریق بود که در
اخبار آمده است و او جمله آب حوض کوثر میخورد دلیل بود که او در نزد خدا تعالی متقی و محلی
بود و از جمله بزرگان دین بود

حیض

حیض ابن سیرین گوید که حیض مردمان را بقا بود در معصیت و زنان را
زیادتی مال اگر بیند مردی که حایض شده دلیل بود که بفسق و حرام گراید و معبران گویند دلیل اندوه
و سختی بود و اگر زنی بیند که حایض شد دلیل کند که بقدر آن خون او را مال حرام حاصل گردد
اگر مردی بیند که زنش حایض گردید دلیل بود که کار دنیا بر وی بسته گردد و اگر صاحب خواب
مستور بود دلیل بود که در کار خویش متحیر گردد و اگر بیند که زنش از غسل پاک گشت دلیل بود که
کار دین و دنیا بر وی گشاده گردد و اگر بیند که با زن حایض جماع کرد دلیل بود که کارهای دنیایی
بر وی آسان گردد و بعضی از معبران گویند که کارش دشوار گردد

حرف الخاء من کتاب کامل التعبیر

خاج

خاج ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خاج بخرید یا کسی بدو داد دلیل بود که
در دین او خلل بود و میلش بکافری بود و اگر بیند که خاج در گردن داشت دلیل بود که اعتقادش بد
دین درست بود و اگر بیند که خاج می پرستید دلیل بود که در خدا تعالی شرک آورد کرمانی گوید اگر
کسی بیند که کسی خاج بدو داد و آن خاج را بشکست یا از خانه بیرون انداخت دلیل کند که بر
اسلام بر دل او محکم بود و کافران را دشمن بود و اگر بیند که خاج را بوسه میداد و بر سر میگذاشت

حرف الخاء

خار

ناو بلش بخلاف این بود خار در خواب وام بود اگر بیند که خاری در اندام او فرو شد یا کسی در
وی زد دلیل بود که از کسی وام ستاند و بقدر رنج و زحمت خار از آن کس غم ناخوش شود و اگر
بیند که او خاری در اندام کسی زد دلیل بود که او وامی بکسی دهد و سخن تلخ بگوید کرمانی گوید
اگر بیند که او خار بسیار داشت و اندامش از آن خار گزند نمییافت دلیل بود که وام بسیار دارد
لکن جمله گذارده شود و هیچ رنج بوی نرسد حضرت صادق فرماید دیدن خار در خواب بر سه
وجه بود اول وام دوم دشمن سیم دشواری کارها و سختی آن

خارپشت

خارپشت ابن سیرین گوید که خار
پشت در خواب دشمن بود زشت بدکار و بدخوی اگر بیند که خارپشت را بکشت دلیل بود که دشمن را
قهر کند و اگر بیند که گوشت خارپشت بخورد دلیل کند که بقدر آن از مال دشمن بخورد و اگر
بیند که خارپشت ورا بگزید دلیل بود که از آن کس ویرا گزند رسد خاصه بیند که از زخم آن خون
همی رفت

خارش تن

خارش تن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او را خارش تن پدید آمد دلیل بود که طلب
خویشان کند و از ایشان غم و اندوه بیند کرمانی گوید که خارش تن دلیلست بر باز جستن احوال
خویشان و اهل بیت غم و رنج کشیدن از ایشان حضرت صادق فرماید اگر بیند که او خارش تن
وی پاک کرد و رنج رسید دلیل بود که او را از خویشان مضرت رسد و اگر از خارش مضرت نیافت
از ایشان گزند نرسد

خاشاک

خاشاک ابن سیرین گوید که خاشاک در خواب مال و نعمت بود مردم عامه
و اگر بیند که در خانه وی خاشاک بسیار بود مال او در میان خاشاک مقیم گردد دلیل بود که بر قدر
آن وی را مال و نعمت رسد و اگر بیند که خاشاک را باد ببرد یا آتش بسوخت دلیل است که پادشا
مال او بستاند و اگر بیند که خاشاک در تنور یا در زیر دیگ میسوخت دلیل است که مال خویش در راه ...
کند کرمانی گوید اگر بیند که از صحرا خاشاک می آورد و بخانه میبرد دلیل بود که بقدر آن او را
از سفر مال حاصل گردد و اگر بیند که در شهری یا در کوچه یا در خانه خاشاک می آورد دلیل بود که آن
موضع را بقدر آن از پادشاه خیر و منفعت رسد

خاک

خاک ابن سیرین گوید که خاک بخواب دیدن کم
و بسیار آن درم بود و اگر بیند که در خانه او خاک بود بدست که بیرون ... او را بقدر آن مال
حاصل گردد و اگر بیند که بر خاک همی رفت یا خاک همی خورد یا خاک جمع میکرد و بر میداشت دلیل
مال و درم بود او را و اگر کرمانی گوید اگر بیند که خاک از خانه بیرون میکشید و پراکنده میکرد دلیل

کند که مال خود را هزینه کند و اگر بیند که خاک از دست افشاند دلیل بود که نقصان او را
مال و درم جمع کرده و از آن منفعت یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن خاک در خواب بر پنج
وجه بود اول مال دویم منفعت سیم شغل بینا چهارم فایده از قبل پادشاه یا از قبل دیگری پنجم
فایده از قبل زن. **خاکستر** ابن سیرین گوید که خاکستر مال باطل بود از قبل سلطان که بر کس
باقی نماند و اگر بیند که خاکستر جمع کرده و باطل شد دلیل بود که مال از سلطان جمع کند که بوی
نماند و بعضی از معبران گویند که علمی حاصل کند که در وی هیچ خیر و منفعت نباشد حضرت
صادق ع فرماید که دیدن خاکستر در خواب بر نه وجه بود اول عالم ناپذیرفته دویم مال حرام سیم
کلام باطل چهارم خصومت پنجم فسق ششم مکر هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاری که از آن خیری
نباشد چنانکه خدای تعالی فرموده مثل الذین کفروا بربهم اعمالهم کرماد اشتدت به الریح فی یوم
عاصف. **خامه** بپارسی قلم بود ابن سیرین گوید اگر بیند که قلمی فرا گرفت یا کسی باو داد دلیل
که علم حاصل کند و کارش راست گردد و مرادش بر آید و اگر بیند که بقلم چیزی می‌نوشت دلیل بخیر
خیر و صلاح بود و اگر بیند که بقلم چیزی می‌نوشت اگر ویرا غایبی بسفر بود دلیل بود که بزودی از
سفر باز آید کرمانی گوید اگر در خواب بیند در دست خود قلم نوشتن دید اگر از اهل علم بود دلیل بود که
خدای تعالی ویرا علم ارزانی کند و اگر از اهل علم نبود دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بیند
که از قلم چیزی می‌نوشت و نوشته را می‌خواند دلیل برکت او بود قوله تعالی اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم
علیک حسیبا و اگر آنچه می‌نوشت موافق کتاب و سنت بود دلیل بود که جاه یابد و اگر بیند که قلم در
دستش بشکست دلیل بود که اگر عالم بود حرمتش بکاهد و کارش بر وی تنگ گردد و اگر بیند که بقلم
شکسته می‌نوشت کراز شماره چهارپایان بود تأویلش بگوهر و صورت و طبع قوة او بود حضرت
صادق ع فرماید که تعبیر قلم بر هفت وجه بود اول حکمت دویم فرمان سیم علم چهارم فرهنگ پنجم
راست شدن چیزها ششم کار و کام و مراد یافتن هفتم ادب. **خانه** ابن سیرین گوید که خانه
معروف در خواب زن بود اگر بیند که خانه را یا استانهای خانه را از جا برداشته دلیل بود که زن
خواهد با مروت و کرم و مونتش بر کرده کبرد و باشد که زنش آبستن گردد و اگر بیند که در خانه نو
درون شد دلیل بود که زن خواهد و توانگر گردد و اگر بیند که خانه معروف بگچ اندوده بود و نداشت

حرف الخاء

که خانه را نکبت دلیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که در خانه گنج بود و در خانه را قفل
نکرده بود و آن خانه بخانه دیگر پیوسته بود دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد و اگر
بیمار بود عافیت یابد و اگر بیند که در خانه خود بشکست دلیل بود که از کسی او را مالی رسد
کرمانی گوید اگر بیند که خانه بروی افتاد دلیل بود که مالی بسبب او فرو رسد اگر بیند که خانه بزرگ
و فراخ یابد و از آن که بود بزرگتر شد دلیل بود که مال و نعمت بر وی بسیار گردد و اگر بیند
که در خانه او آهن بود دلیلست که توانگر گردد و اگر در خانه او سیمین بود او را توبه باید کردن
از گناه و معصیت قوله تعالی لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفا من فضة و اگر توانگر بود محتاج
گردد و اگر بیند که پیرامن خانه او هیچ خانه نبود دلیل است که حالش تباه گردد. **خالی** ابن سیرین
گوید که خالی در خواب دلیل غم و اندوه بود زیرا که در خالی از بالا بزیر فرو شدن است چون
بیند در خواب که در خالی فرو شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که در خالی
غسل کرد دلیل بود که از غمها فرج یابد کرمانی گوید اگر بیند که در خانه او خالیهای بسیار پدید
آمد دلیل بود که در آنجا غم و اندوه و مصیبت افتد و گریستن کند. **خایسک** بپارسی خایسک
را مطرقه خوانند دیدن خایسک دلیل کند به مهتری اگر بیند که خایسکی داشت یا کسی بوی
داد دلیل بود که او را با مهتری بزرگ صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خایسک
او ضایع شد دلیل بود که از صحبت مهتری جدا گردد کرمانی گوید اگر کسی آهنگری نداند و
بیند که خایسک بر سندان همی زند دلیل بود که در میان مهتری بزرگ سخن چینی کند و دشمنی
افکند. **خایه مرغ** دانیال ع گوید که خایه مرغ در خواب کنیزک بود قوله تعالی کانهن بیض مکنون و اگر
بیند که ماکیان در پیش وی خایه کرد دلیل بود که وی را از زن دون یا از کنیزک فرزند آید
و اگر خایه را مجهول بیند و نداند که خایه چه چیز است دلیل کند که زنی کند بر قد [illegible] یا کنیزکی
و [illegible] و اگر بیند که خایه پخته همی خورد دلیل بود که برنج و تعب مال بدست آورد و اگر
بیند که خایه نیم پخته همی اشامید دلیل کند که زنی بخواهد و در وی کار دراز با او بماند و اگر
بیند که خایه خام همی خورد دلیلست که مال حرام خورد و رنج و سختی بوی رسد و اگر بیند که
خایه با پوست همی خورد دلیل که مال کسان خورد و اگر بیند که پوست خایه می‌خورد [illegible]

خایه آدمی

مبکذاشته دلیل بود که مال مردمان خورد یا کفن مردگان ستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه همی
کرد دلیل بود که زن بسیار بخواهد و بر جماع حریص بود اگر بیند که بر خایه نشسته است مانند مرغ دلیل
است که مخالطت او با زنان بود و اگر بیند که از خایه بچه بیرون آورد دلیل بود که از فرزندان آن
زنان او را فایده رسد اگر بیند که بجای فرزند خایه آورد دلیل بود که فرزندی آورد که کافر
بود قوله تعالی یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ از خایه
بیرون آورد دلیل که کار مرده او زنده گردد و قومی گویند که او را فرزندی آید و اگر این خواب را کسی
بیند که معلمی کند و کودکان را قرآن آموزد و اگر بیند که خایه را بشکست دلیل که دختر را دوشیزگی
ببرد و اگر بیند که خایه را نتوانست شکستن دلیل که دوشیزگی نتواند ستد و اگر بیند که خایه
بسیار داشت دلیل بود که بر قدر آن او را فرزندان حاصل گردد و خایه بط فرزند درویش بود و
خایه گنجشک بخواب دیدن دلیل بر خیر و خرمی بود و دلیل خایهای مرغان در موضع دیگر بیان کرده
شود ابن سیرین گوید که خایه مرغان در خواب قوة او بود خایه آدم اگر بیند که هر دو خایه او
بزرگ شد دلیل بود که قوة و مالش زیاده گردد و اگر بیند که هر دو خایه او بریده است دلیل که
دشمن بر وی ظفر یابد و اگر هر دو خایه خویش را کوچک دید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که
خایه چپ او بیرون کشیدند و بیفکندند دلیل بود که فرزندش هلاک گردد و اگر بیند که خایه او بطوع
و رغبت بکسی بخشید دلیل بود که او را فرزندی بود حرامزاده که نسب او از کسی دیگر بود و
اگر بیند که خایه او آماسیده یا و تبر شده بود دلیل بود که مال بسیار یابد لکن بیم دشمنان بود
و اگر بیند که خایه او دراز گشته بود چنانکه بر زمین میکشید دلیل بود که او را مال بسیار جمع
گردد و اگر بیند که خایه خویش را بکسی بخشید و آنکس نیز خایه خویش بوی بخشید دلیل بود که
هر دو بازن یکدیگر فساد کنند و اگر بیند که پوست از خایه خود باز میکرد دلیل کند که کسی بر
فرزند او ستم کند اگر بیند که کسی خایه وی سخت بگرفت و از هوش برفت دلیل که خبر مرگ
فرزند شنود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که حرمت و جاهش کم گردد و اگر بیند که بن خایه وی
بریدند دلیل بود که قوة او بریده گردد و اگر بیند که خایه او بریسمان یا بچیز دیگر بسته بودند
دلیل بود که کار وی بسته گردد و اگر خایه مردمان در خواب ببیند دلیل بود بر باز داشتن شر دشمنان

از خویش و اگر بیند که در خایه او نقصانی پدید آمد دلیل کند که دشمن بر وی ظفر یابد و غمگین گردد

حرف الخاء

حضرت صادق ع فرماید که دیدن خایه مردم بخواب بر هفت وجه بود اول فرزند دوم اهل بیت
سیم مال چهارم عزت پنجم بزرگی ششم طلب حاجت هفتم مراد یافتن و هم او گوید که خایه مرغان
بخواب دیدن بر چهار وجه بود اول مراد یافتن دوم زن خواستن سیم کنیزک چهارم فرزند آوردن

خفه کردن

خفه کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی او را خفه کرد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و بعضی
گویند خفه کردن نیکی عیش بود

ختنه کردن

ختنه کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی او را ختنه کرد
دلیل بود که سنت بجا آورد و نقصان کردن ختنه دیانت و مال دنیا بود اگر کسی بخواب بیند
که ختنه کرده دلیل بود که سنتی بجا آورد که آن سنت او را از گناهان باز دارد و اگر ببیند که در
ختنه خون بیرون آمد دلیل بود که بر آن سنت تایب بود و از گناهان توبه کند و اگر بیند چون
ختنه میکرد نظر بر ختنه گاه میداشت دلیل بود که غم و اندوه یابد و بیم بود که در خذلان افتد
کرمانی گوید اگر مردی ختنه کرده بخواب بیند که او را ختنه کردند دلیل بود که از گناهان باز گردد
و پاک شود و اگر ختنه کرده نباشد دلیل بود که راه مسلمانی باز پس نهد اگر ختنه است مال او
بسیار گردد حضرت صادق ع فرماید که ختنه کردن بخواب بر پنج وجه بود اول سنت پیغمبر بجا آوردن
دوم فرزند سیم نیکوئی چهارم رامش پنجم جدائی از زن خرابی یعنی ویرانی بخواب دیدن در
حرف واو بیان کنیم

خربزه

خربزه ابن سیرین گوید که خربزه زرد در خواب بیماری بود و خربزه سبز که شیرین
نباشد بهتر از زرد بود و خربزه بزرگ دیدن بهتر از کوچک بود و خوردنش در خواب بهتر نبود
کرمانی گوید که خربزه شیرین در خواب دیدن در وقت خویش و خوردن دلیل بود بر زوال غم و
اندوه و بد انقدر که مانده بود غم و اندوه باقی بماند اگر بیند که خربزه بسیار داشت و در پیش
نهاده بود دلیل که با اندوه و غم گرفتار گردد که از علاج آن عاجز ماند جابر گوید که چون خربزه سبز
خام بود که بطعم شیرین بود بهتر بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن خربزه در خواب بر پنج وجه
بود اول بیماری دوم زن سیم غم چهارم منفعت پنجم عیش خوش خاصه که شیرین بود

خرچنگ

خرچنگ ابن سیرین گوید که خرچنگ در خواب مردی بدخوی دون همت و کینه دار بود اگر بیند که
خرچنگی بگرفت دلیل بود که با کسی بدخوی و دون همت صحبت دارد و از وی اندک مایه منفعت یابد

کند و اگر بیند که خر چیزی را بکشت یا آن خورد و ورانداخت دلیل بود که از صحبت مردی بدخوی در محنه
جدا گردد و اگر بیند که گوشت خر چیزی بخورد دلیل بود که او را ابتدا زنان از جایی مال حاصل
گردد و سبب شغل زنان کرمانی گوید اگر کسی بیند که خر چیزی داشت دلیل بود که دوستی یابد
خوش طبع و سازگار که از آن نیکویی یابد و اگر بیند که گوشت خر چیزی بخورد دلیل بود که نقد
از کسی مال حاصل کند **خر** دانیال گوید که خر دیدن در خواب بخت و بزرگواری مرد بود
و نیکی و بدی خر بخت بیننده خواب باز گردد اگر بیند که خری ملک او شد یا در جایگاه او
وار را بگرفت و بر بست دلیل بود که در خیرات بروی گشاده گردد و از غم و اندیشه رستگار
گردد و اگر خران بسیار بیند دلیل بود که خیر و نعمت و مالش زیاده گردد و بهترین خر که در خواب بیند
آنست که فرمان بر و مطیع باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که بر خر سیاه نشسته بود دلیل
بود که مهتری و بزرگی یابد و اگر بیند که بر خر سفید نشسته بود دلیل بود که عز و جاه دنیا
یابد و اگر بیند که بر خر سبز رنگ نشسته بود دلیل که زاهد و پارسا گردد و خیرات دو
جهانی یابد و اگر بیند که بر خری سرخ نشسته بود دلیل که راحت و عیش این جهانی یابد و اگر بیند
که بر خری زرد نشسته بود دلیل بود که بیمار گردد و اگر بیند که بر خری ماده و آبستن نشسته بود
دلیل بود بر امیدداری دیدن یا رقی خری بخیر اگر بیند که گوشت خر بخورد دلیل بود که از تجارة
مال و نعمت بدست آورد و اگر بیند که خر خود را بکشت و از گوشتش بخورد دلیل بود که مال
خود را هزینه کند اگر بیند که بر آن خر نشسته بود و خر در زیر او بمرد دلیلست که زود بمیرد
اگر بیند که خر او بمرد دلیل بود که مال و معیشت وی تباه گردد اگر بیند که از خر بیفتاد دلیل بود که
درویش و تنگدست گردد اگر بیند که از خری که ملک او نبود بیفتاد دلیل بود که از کسی او را
زیان و مضرت رسد و اگر بیند که از خر فرو آمد و دیگر بار بر وی نشست دلیلست که کاری
حلبتی طلب کند و زود رها کند و اگر بیند که خر خویش را با خری بگو معاوضه کرد دلیل بود که حالش
متغیر گردد کرمانی گوید اگر بیند که خری بخرید و بها نداد دلیل بیند که خری ببیند بسبب سخنی که با
کسی بگوید از برهکان و اگر بیند که خر او یک چشم داشت یا چشم او ضعیف بود دلیل بود بر شوریدگی
کار او در طلب معیشت اگر بیند که خر او هر دو چشم نداشت دلیل که مالی که دارد ضایع کرده

و باو رسد

و باو رسد اگر بیند که دست و پای خر او دراز و بسیار دلیلست که او را تبع و بسیار بود و اگر بیند
که خر او بمرد یا او بر خر خود نگریست یا خر خود را بفروخت و خر دیگر خرید دلیل بود که معیشت او از حالی
بحالی بگردد و اگر بیند که خر او با استری شد دلیل که مال و معیشت او از سفر بود و اگر بیند که خر
او ماده اسب شد دلیل بود که معیشت او از سلطان بود لکن بظلم و بیداد و اگر بیند که خر وی با گوسفند
شد دلیل بود که مال او از جانب عیال بود و اگر بیند که خر او مرغ شد دلیل بود که مال و معیشت
او از خری بود که تا او بلش بدان مرغ بود و اگر بیند که خر وی با گربه شد دلیل بود که مال و معاش او
از دزدی بود اگر بیند که خر او دزد ببرد دلیل بود که زن او بفساد شهرت یابد و او بفراق بماند
و اگر بیند که خر او قوی و توانا و فربه است و بار نیکو میبرد دلیل بود که کسب کار دنیا بروی آسان گردد
و اگر بخلاف این بیند کسب دنیا بروی دشوار گردد و اگر بیند که بار گران بر خر نهاده بود و بر بالای او
نشسته بود دلیل که بغایت توانگر گردد و نداند که مالش چند است و اگر بیند که با خر مجامعت کرد
دلیل که مال خود بیابد اگر بیند که خر او ابریشم که برهنه بر بالای برد یا از آب بگذشت دلیل بود
بر قوه حال و بخت و اقبال او و تاویل بانگ خر زنی بود با کینزک و بانگ خر در خواب دیدن نیکو نباشد
قوله تعالی ان انکر الاصوات لصوت الحمیر جابر گوید اگر بیند که بر خری نشسته بود و آن خر دزدی
آن بانگ میداشت دلیل بود که عیالش بدخو و مشنع بود و اگر بیند که خر بر قرار بیفتاد دلیل
بود که بمیرد و اگر خری ببیند و نداند که خر کیست دلیل بود که نداند که مال او که داد و کجا است و اگر
بیند که خر خود را با خر دیگر بدل کرد اگر خر او بهتر از آن خر بود دلیل که حال او بد گردد و مالش
نقصان پذیرد و اگر خر او نیکوتر از آن بود دلیل که حالش نیکوتر شود و مالش زیاده گردد و اگر بیند
که خر خویش را با اسبی یا استری بدل کرد دلیل بود که از پادشاه مال و منفعت بدو رسد
حضرت صادق فرماید که دیدن خر بر ده وجه بود اول بخت دوم دولت سیم فرمان روائی چهارم
مال پنجم زن ششم شادی هفتم عزت هشتم اقبال نهم بزرگواری دهم مرتبت خر بدیده در خواب
دلیل ولایت بود و تعبیر آن راست کننده کارها و تیمار دارنده معیشت **خر گور** گورخر بود ابن
سیرین گوید اگر بیند که گورخری بوی فراز رسید دلیل بود که غنیمتی بوی رسد اگر بیند
که بر گورخر نشسته بود و او مطیع او بود دلیل بود که عاصی و گناهکار بود و مخالف از اهل

اسلام جوید و اگر بیند که کره خری با وی جنگ نبرد میکرد و یا سر از وی کشیده میداشت دلیل
کند بر سختی کار و غم و رنج که بدو رسد و اگر بیند که کره خر بشکار بگرفت دلیل بود که خیر و نعمت
بدو رسد و اگر بیند که دو کره خر با وی جنگ میکردند دلیل بود که از هر وی دو مرد فاسق با یکدیگر
جنگ کنند و اگر بیند که کره خر را بخانه او ورد دلیل بود که فاسقی را بخانه او ورد کرمانی گوید که
دیدن کره خر بخواب مردی جاهل و احمق بود چنانکه او را نه دین و علم و فرهنگ نباشد و اگر بیند که
گوشت کره خر میخورد دلیل بود که مال بسیار یابد و اگر بیند که بر کره خری نابینا نشسته بود دلیل
بود که مال بی اندازه یابد و اگر بیند که وی خر شده دلیل بود که روزی بر وی فراخ گردد لکن چون
او را زیان دارد جابر گوید دیدن پوست و گوشت کره خر در خواب مال و غنیمت بود و بعضی
از معبران گویند جاه و عزت بود و اگر بیند که سر کره خر یافت دلیل بود که هزار درم بیابد یا
با مهتری پیوند او را صحبت افتد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سر خر کره میخورد دلیل
بود که عبادت بجا کند در دین و دنیا و اگر بیند که خر کوران از پیش او میگریختند دلیل بود
که از مسلمانان مفارقت جوید و براه خطا اید.

خردل

خردل ابن سیرین گوید که خوردن خردل در خواب
دلیل بر غم و اندیشه کند و نیز خوردنا و دلیل بر نقصان مال کند یا رنج و بیماری جابر گوید که
خوردن خردل در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و بعضی از معبران گویند که دلیل کند بر رنج و
مصیبت.

خرس

خرس ابن سیرین گوید که خرس در خواب دلیل دشمن فرومایه دزد احمق بود و اگر بیند
که بر خرس نشسته بود دلیل بود که از پادشاه خواری یابد و اگر بیند که خرس را بکشت دلیل
بود که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که از گوشت همی خورد یا پوستش یا خود داشت دلیل بود
که ترس و بیم بوی رسد کرمانی گوید که خرس در خواب مردی بود بدبخت و دیوانه و اگر خرس ماده
بیند زنی بدبخت دیوانه بود و اگر بیند که خرس ماده را بگرفت دلیل بود که زنی بدین صفت
بخواهد بنکاح و اگر بیند که خرس بخانه او امد دلیل بود که زنی بخواهد اگر ماده بود و اگر
نر بود مردی بدین صفت بخانه او در اید و اگر بیند که خرس را بکشت یا بر وی نشست دلیل بود
که بر دشمن ظفر یابد.

خرگاه

خرگاه ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در خرگاه نشسته بود دلیل بود
که او متاع دنیا چیزی بیابد یا زنی خواهد خاصه که بیند که خرگاه ملک او بود و اگر بیند که خرگاه را
بخضاب رنگ کرد دلیل بود که در طلب دنیا و معیشت ان بجو بکردد و اگر خداوند خرگاه را

خرو انجاء

نشناسد و خرگاه را بگونه سبز و یا سفید بیند دلیل کند بر خیر و نیکی ان کرمانی گوید اگر بیند که
در خرگاه مجهولی که بگونه سبز بود نشسته بود دلیل کند که شهید گردد و اگر بیند که خرگاه معروف
ملک او بود دلیل بود که زن او دین دار و پارسا بود و اگر بیند که خرگاه بگونه سفید بود دلیل
بر مال و منفعت کند و اگر خرگاه بگونه سرخ بیند دلیل بود که بلهو و عشرت دنیا مشغول
گردد و اگر بیند که خرگاه بگونه زرد بود دلیل کند باندوه و مصیبت و اگر بگونه سیاه بیند
دلیل بر منفعة اندک کند و اگر خرگاه بیند که ملک او نبود تاویل انچه گفتیم از خیر و شر بصاحب
خواب باز گردد.

خرگوش

خرگوش ابن سیرین گوید که خرگوش بخواب دیدن بد بود و اگر بیند که خرگوش بگرفت
یا کسی بدو عطا داد دلیل که زنی بد بخواهد یا کنیزکی بد بخرد و اگر بیند که پوست خرگوش
پوشیده بود یا از گوشت او می خورد دلیل بود که چیزی اندک از زن بوی رسد و اگر بیند که
بچه خرگوش داشت دلیل بود که او را تا پیش اید که در او هیچ نباشد جز رنج و بعضی از معبران
گویند که رنج و اندوه او از فرزند است جابر گوید که خرگوش در خواب زنی پارسا و خاموش
بود و اگر کسی بیند که در خانه او خرگوش بود دلیل بود که زنی بدین صفت بخواهد و پوست و استخوان
او در خواب مال و منافع بود اما اندک بود و اگر بیند که او خرگوش بکشت دلیل بود که بسبب علیا
او را مصیبتی رسد و اگر بیند که گردن خرگوش را بگو نفادر بپیچید چنانکه جنبه شد دلیل بود
که با زن خویش اندوهی دیگر بی معنی کند.

خرما

خرما ابن سیرین گوید که خرما در خواب مال خواسته بود
اگر بیند که خرما همی خورد دلیل بود که اگر از اهل علم بود علمش زیاده گردد و اگر بازرگان بود
مالش زیاده گردد و اگر بیند که خرما بخورد و دانه اش بینداخت اگر بیند که از اهل علم بود
دلیل بود که احکام شریعت را بجای اورد و اگر بازرگان بود از خیانت دور بود و بعضی از
معبران گویند اگر بیند که خرما خورد دلیل بود که میراث یابد اگر بیند که خرمای نارسیده
بخورد دلیل بود که میراث فرزندان یابد و اگر بیند که در سرای او خرما خشک بود چنانکه
باد نیارداشت دلیل بود که با کسی اصلی پیوسته کند بنکاح و از وی منفعت یابد و اگر بیند
که ان خرما بر خشک بود دلیل بود که میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که در سرای او خرمای

خشک شد و باز سبز گردید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بیند که خرما از ببرید دلیل بود
که کسی از اهل بیت او بیمار گردد کرمانی گوید اگر بیند که خرمای تازه داشت دلیل کند که بقدر
خرما نعمت و مال بحق حاصل کند و بعضی از معبران گویند که خرما در خواب دیدن منفعت و شادی
بود که از مهتری بوی رسد اگر بیند که در خانه خرمای بسیار داشت دلیل کند که بقدر خرما از
عقار و ضیاع خویش مال حاصل کند اگر بیند که خرمای تازه با خشک همی خورد دلیل کند که
حلاوت ایمان بیابد و کارش بنظام گردد و اگر بیند که خرما بن خشک شد دلیل کند که کاری که در
دست وی است تمام و بی نظام گردد جابر گوید اگر بیند که خرما بدست فرا گرفت دلیل کند که زنی
توانگر بخواهد و بقول دیگر مال یابد اگر بیند که از خرما انگور سیاه فرا گرفت دلیل بود که سخن
لطیف از مهتری منافق شنود و بعضی گویند که از مردی جاهل سخن بیهوده شنود و اگر صاحب خواب
غمگین بود شادمان گردد و از غم فرج یابد قوله تعالی بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا
حضرت صادق علیه السلام فرماید که خرما در خواب مال حلال بود از جهت آنکه هر که بیند
خواب بعضی عورت خرما دلیل دین پاک و مال حلال بود و دیدن خرمای تازه دلیل دوستی و چشم و
فرزند نیکو بود **حکایت** چنین گویند که مردی نزد ابن سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که بر
در سرای سلطان چهل خرما بیافتم گفت که فردا ترا بر در سرای سلطان چهل چوب زنند و دیگر
وی را چهل چوب زدند سال دیگر همین مرد نزد ابن سیرین آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای
سلطان چهل خرما بیافتم گفت که چهل هزار درم سیم بیابی مرد گفت پار سال تعبیر این خواب را
بگونه دیگر کردی امسال بخلاف آن تاویل میکنی گفت پار سال درختان خشک بودند و خرما بر
درخت نبود و امسال درختان سبز است و خرما بر درخت است دلیل کند که سیم و زر یابی پس آن
مرد بگفته وی آن چهل هزار درم سیم بیافت **خرمن** ابن سیرین گوید که خرمن غله در خواب مهتری بود که
برنج و تعب مال جمع کند و آن مال را دیگران هزینه کند بلا اذن خویش و اگر بیند که خرمن غله بخرید یا
کسی بوی داد دلیل کند که زن خواهد و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که او را مال برنج
و تعب بدست آید **خرتوت** ابن سیرین گوید که خرتوت در خواب مردی بود که مال برنج و تعب
بدست آورد اگر بیند که خرتوت همی خورد دلیل بود که مال خویش برنج حاصل کند و بر عیال

هزینه کند

حرف الخا

هزینه کند و اگر بیند که خرتوت از درخت جمع کرد دلیل بود که از مردی بخیل برابر قدر آن مالی
از کسب خود حاصل کند و اگر بیند که خرتوت را با آتش همی پخت دلیل کند که پادشاه مال وی را بستاند
خروس ابن سیرین گوید اگر کسی بیند در خواب که خروس داشت و داند که ملک او است دلیل کند
که مردی عجمی را که بنده زاده او بود قهر کند و اگر بیند که خروس را بکشت دلیل بود که بر بنده ظفر یابد
و اگر بیند که با خروسی جنگ میکرد دلیل بود که با مردی عجمی او را صحبت افتد و اگر بیند که از آن خروس
وی را گزندی آمد دلیل کند که از آن مرد بوی گزندی رسد و اگر بیند که خروس بچه بیافت یا کسی
بوی داد دلیل بود که او را پسری یا غلامی کوچک حاصل گردد از کنیزک و اگر بیند که بانگ خروس
میشنید دلیل کند که راه خیرات و نیکی کند و بعضی معبران گفته اند که بیشتر تعبیر خروس که بیند
بنده زاده باشد و اگر بیند که خروسی بر روی او جست دلیل کند که وی را از کسی غم و اندوهی رسد
و اگر بیند که کسی در خروس بچه بوی داد دلیل بود که کسی غلامی بوی بخشد جابر گوید اگر بیند که خروسی
داشت دلیل بود که او را پسری آید یا مردی مؤذن او را صحبت افتد چنانکه رسول فرماید الدیک صدیقی
و هو یدعو الی الصلوة یعنی خروس دوست من است که مردم را بنماز میخواند حضرت صادق فرماید
اگر کسی بیند که خروسی یافت دلیل کند که بر مهتر زادهٔ از اصل خود دست یابد و بروی غلبه یابد
اگر بیند که خروس نیافت یا بکشت دلیل کند که بر مهتری یا مؤذنی دست یابد و او را قهر کند **خرید و فروخت**
و فروختن ابن سیرین گوید که خریدن و فروخت کردن بد بود اگر کسی بیند که او را بفروختند دلیل کند
که کارش شوریده گردد کرمانی گوید که خرید و فروخت کردن نیکو بود دلیل بود که بقدر آن بتن کالا
چیزی یابد **جامهٔ خز** ابن سیرین گوید که دیدن خز در خواب بجامه و دستار و قبا و کلاه و آنچه بدین
نماید جمله مردان را پسندیده بود و لون این جامها مضرت و منفعت نباشد چون بروی صورت
نباشد دلیل بر غم و سختی باشد و لکن رنگ سبز بجامها دیدن بد نبود حضرت صادق فرماید
که جامهای خز در خواب دیدن کسی را که سرای خز بود بر پنج وجه بود اول مال دوم خیر و برکت سیم
عز و جاه چهارم مرتبت بر اندازه قیمت جامه پنجم ولایت و بزرگی کرمانی گوید که پوشیدن جامه خز در خواب
دلیل بر مال حرام کند اگر بیند که جامه خز پوشیده بود دلیل بود بر قدر و بزرگی و کوچکی مال
حرام یابد و اگر مال نیابد بیم بود که دین او تباه بود و زنان را نیکو بود و مرد خز فروش در خواب

خستگی

کسی بود که دنیا را بدین اختیار کند خستگی ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تن او را کسی دیگر بخست
از آن خون بیرون بیامد دلیل کند که خشم کند او و اسخن راست گوید و جوابش باز نتواند داد
و اگر بیند که خود تن او یا از جراحت بیرون آمد دلیل کند که خشم کند او و اسخن دروغ و
محال بگوید که در روی طعنه زنند اگر کسی بر تن خود خستگی بسیار بیند دلیل کند که او را در مال نقصان
افتد یا از گناه توبه کند حضرت صادق فرماید که خستگی در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم
منفعت سیم سخن ناخوش بود

خشت

خشت ابن سیرین گوید که خشت در خواب مال بود مجموع چنانکه
تاویل هر خشتی را هزار درم نهاده بود اگر بیند که خشت زد و خشتی خشک کرد دلیل که بقدر
آن او را مال حاصل گردد اگر بیند که خشتی در دست فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که هزار
درم بیابد یا کسی بدو دهد اگر کسی بیند که او را خشت بسیار جمع شده بود دلیل بود که او را
مال و نعمت بسیار جمع گردد کرمانی گوید اگر بیند که خشت از دیوار می‌افتاد دلیل بود که مال
خداوند دیوار برود اگر بیند که خشتی پاره پاره کرد و پراکنده نمود دلیل بود که مال خود را
عزم هزینه کند جابر گوید که خشت پخته بخواب دیدن بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است از این
سبب دلیل بر غم داند که کند بناها دیدن که از خشت پخته و گچ بود بد بود

خشم گرفتن

خشم گرفتن ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که کسی خشم گرفت از بهر خدای تعالی دلیل بر خیر و نیکویی او کند و اگر بیند که
از بهر دنیا خشم گرفت دلیل بود که کار دین را حقیر و خوار گرداند و به دنیا مغرور گردد کرمانی گوید
اگر بیند که پدر و مادر بر وی خشم گرفتند دلیل بود که او جایگاهی بلند یابد قوله تعالی و من
یحلل علیه غضبی فقد هوی

خصومت

خصومت بدانکه خصومت کردن در خواب بر چند وجه بود ابن سیرین گوید که
اگر بیند که با کسی خصومت کرد و بر وی غالب آمد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که با
والی اندیار خصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل بود که از والی اندیار بدو خیری و منفعتی رسد
و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که از وی بدو رنج و زیان رسد و اگر بیند که با پادشاه خصومت
دلیل بود که حاجتش روا گردد جابر گوید اگر بیند که با مردم بی سبب خصومت کرد دلیل بود که مردم
از زبان وی بجور و اندوه مبتلا گردند زیرا که از مردم جویند

خصی کردن

خصی کردن ابن سیرین گوید
اگر بیند که خویشتن را خصی کرد دلیل بود که بهنگام نبرد با دشمن خوار و زبون گردد لکن بطاعة

حقتعالی

حرف الخاء

حقتعالی داعی گردد و بعضی از معبران گویند دلیل که فرزندش بمیرد و او را هیچ فرزند دیگر
نباید لکن توانگر گردد و اگر کسی مجهول را خصی بیند که او پسندیده و صالح بود و سخنانش
موافق علم و حکمت بود دلیل بود که خصی فرشته بود از فرشتگان که او را به راه خیر و صلاح خواند
و بترساند یا بخیرات او را مژده دهد زیرا که فرشتگان از شهوت بری باشند و اگر بیند که در
سخنش علم و حکمت نیست آنکس فرشته باشد و اگر آن خصی که دیده معروف بود آنچه دید از
نیک و بد تاویلش بر وی باشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که خایه او بریده شد یا بیفتاد دلیل
بود که دشمن بر وی ظفر یابد و معبران گویند که بریدن خایه دلیل کند بر بریدن دختران یعنی دیگر
او را دختران نباشند زیرا که خایگان دلیل بر دختران کند و اگر بیند که خایگان خویش را
بیرون آورد و یکی بخشید دلیل که فرزندان او را با یکی دیگر منفعت کند جابر گوید اگر کسی بیند
که با مردی بیخ ریشی ادب و روبش صحبت کند و اگر بیند که بیبی خصی شده دلیل بود که او را خواری
و زیان رسد و اگر بیند که قضیبش از بن بریده گردید دلیل که نامش در میان مردمان بریده
گردد و نقصان جاه و فرزندانش بود خاصه که قضیب و خایگانش بریده دید حضرت صادق
فرماید که دیدن خصی در خواب بر سه وجه بود اول مردم زاهد دوم دیدن فرشته سیم عبادت

خضاب کردن

خضاب کردن دانیال گوید که خضاب در پوشش کارها بود اگر بیند که سر و ریش را خضاب
میکرد و خضابش رنگ نگرفته دلیل کند که ظاهر حال او بر مردمان نماید و اگر بیند که خضابش
رنگ گرفت دلیل بود که حالش نیکو گردد و کارها پوشیده گردد خاصه که چون بیند خضاب
بکار ندارد ابن سیرین گوید اگر بیند خضاب بچیزها میکرد دلیل بود که مردم او را منکر بودند که
از خود ابکارها محال و ناپسندیده دهد اگر بیند که خضابش نیکو رنگ گرفت دلیل بود که
حالش پوشیده گردد و اگر بیند که دست و پای خویش را بحنا خضاب بست دلیل بود که نیاز
از دست فقر بازآید اگر بیند که هر دو دست و پای خویش را خضاب بست دلیل بود که فرزندان
یا برادران خود را بیازارد یا بار بشوی که خلاف شریعت بود کرمانی گوید اگر بیند که کف دست
خود خضاب میکرد دلیل بود که در طلب معیشت نیکو کوشد و اگر بیند که هر دو دست خود خضاب
بکار میکرد دلیل بود که خداوند مکر و حیله بود در کسب عمل خود و اگر بیند که دست ادهم

شده است دلیل بود که او را عزیزی بمیرد یا خود هلاک گردد و اگر بیند که دست و پای او را حنا
در زنان خضاب کرده دلیل بود که در ترس و بیم عظیم افتد و اگر بخواب زنی بیند او را خرمی و شادی
بود زیرا که این خضاب کردن ایشان را رسم بود اگر بیند که هر دو دست و پای او منقش بود دلیل
بود که در کسب و کار حیله کند اسمعیل اشعث گوید اگر مردی بیند که دست و پای خود خضاب کرد
دلیل بود که کاری کند که مردمان بروی افسوس کنند و بخندند اگر بیند که سر انگشتان را
خضاب کرد دلیل کند که تسبیح کند اگر بیند که هر دو دست را بخضاب نقش میکرد دلیل کند که با
دوستان مکر و حیله بازد حضرت صادق ع فرماید که خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود اول
کار با ثبات بجا حاصل دوم آرایش حال سیم طلب جاه چهارم معروف شدن بدروغ گفتن

خطبه خواندن

خطبه خواندن ابن سیرین گوید اگر بیند که بر سر منبر خطبه میخواند اگر اهل خطابت بود دلیل بود
که عز و بزرگی یابد و اگر اهل خطابت نباشد دلیل بود که چون بسفر رود در رنج و بلا افتد و بیم
خطر بود و اگر توانگر بود بیم بود که درویش گردد و اگر جاهل بود بیم بود که در میان مردم خوار
گردد و در زبان مردم افتد بسبکی و اگر بیند که دینی خطبه میخواند دلیل کند که مسلمان شود یا
بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که با پادشاهی خطبه میخواند اگر آن پادشاه مصلح بود دلیل بود که
عدل و داد کند و اگر مفسد بود دلیل بود که تایب گردد و اگر بیند که زنی بر منبر همی خواند
مردمان را پند همی داد دلیل کند که شوهر زن رسوا گردد جابر گوید اگر بیند که در بنا خطبه
تزویج همی خواند دلیل بود که از او خیر و صلاح پدید آید و با همه احسان کند و کارها بصلح کند

خطی دیدن

خطی دیدن ابن سیرین گوید که خطوط در خواب زردشت خود دلیل منفعت اندک کند و بوقت
دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن او دلیل بر مضرت و نقصان کند و سر شستن با وی دلیل بر توبه
کردن و پاکدینی بود

خفتن

خفتن ابن سیرین گوید خفتن در خواب مرده را و کسی که ترسنده بود دلیل
بر امن و رستگاری بود و اگر بیند که کسی بر تختی خفته است یا بر بستری دلیل کند که بزرگی یابد اما
از راه دین و پرهیزکاری بیخبر بود زیرا که خفتن در راه دین غفلت بود اگر بیند که در جایگاهی
دون بر بستری خفته بود دلیل بر حقارت و خواری او بود کرمانی گوید که خواب ترسنده را ایمنی
بود و مرده را آمرزش و بیمار را شفا و زندانی را فرج از زندان جابر گوید اگر کسی بیند که در میان

مردگان خفته بود دلیل که او را ابدا ... دلیل بود که در صحبت مردمان بکاری مشهور گردد والله اعلم

حرف الخاء

خلال کردن

و عقبهم ایضا ظاهر ... خلال کردن ابن سیرین گوید که خلال کردن در خواب نیکو نیست
زیرا که دندانها در خواب اهل بیت بود و خلال مانند جاروب بود که اهل بیت را ...
و هر که در خواب بیند که خلال میکرد دلیل بود که بقدر آنکه از خلال بیرون آورد از مال اهل
بیت او نقصان کند جابر گوید اگر بیند که آنچه بخلال از دندان بیرون آورد و بکسی داد
دلیل بود که از مال اهل خویش بناحق بستاند و بکسی دهد

خلعت

خلعت ابن سیرین گوید اگر کسی
خلعت بخواب بیند چون پاکیزه و نو بود دلیل بود بر عزت یافتن و مرتبت و ریاست و ملکت و
زن و کنیزک و حکم و تاویلش بقدر و قیمت خلعت دهنده بود کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه
خلعت باو داد دلیل بود که از پادشاه بقدر آن مال و نعمت یابد اگر بیند که عالمی او را خلعت
داد دلیل بود که از آن عالم او را علم حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که خلعت
از جامه که با سبز بود و نیکو سفید یا سبز بود دلیل بود که عز و جاه دنیا و عقبا یابد اگر بیند
خلعت او دیبا یا جامه ابریشمین بود دلیل بود که عز و نعمت دنیائی یابد

خلقان

خلقان بتازی جامه
کهنه گویند پوشیدن او در خواب غم و اندوه بود و درویشی که بر مردم ... ابن سیرین
گوید اگر بیند که جامه خلقان از تن خود بیرون آورد دلیل بود که غم و درویشی از وی جدا گردد
و همه چیزهای نو بخواب دیدن نیکو بود مگر موزه کهنه که بهتر از نو بود کرمانی گوید اگر کسی
بخواب بیند که خلقان فروشی میکند بد بود و تجارت کردن بجامه کهنه بد بود خاصه که چون
و دیبه بود و اگر جامهای نو خرد و فروشد نیکو بود در تجارت از خیر و منفعت بود و حکمش در
تاویل چون حکم پلاس بود چنانکه در پیش گذشت اسمعیل اشعث گوید جامه کهنه فروختن
نیکو بود اما خریدن بد بود و خلقان فروشی در خواب مردی بود که بدی از خود دور کند

خلم

خلم
بتازی مخاط بود که از بینی فرود آید کرمانی گوید اگر بیند که از بینی او خلم بیرون می آید دلیل
بود که وامش گذارده گردد و از غم فرج یابد ابن سیرین گوید که خلم در خواب دلیل فرزند بود
اگر بیند که خلم بر جامه وی افتاد دلیل بود که او را پسری آید اگر بیند که خلم از بینی او بر زمین
افتاد او را دختری آید اگر بیند که خلم بر زمین خود انداخت دلیل که زن ... آبستن گردد و فرزند

خلیفه

از شکم بیفکند و اگر بیند که وی نش بر وی افکند دلیل که او را پسری اید اگر بیند که خلم در سرای همسایه افکند دلیل بود که با زن همسایه فساد کند اگر بیند که خلم بر بستر مردی افکند دلیل که با زنش فساد کند اگر بیند که خلم بخورد دلیل که مال زن بخورد خلیفه در خواب دیدن ابن سیرین گوید اگر بیند کشاده روی بود و با وی بتلطف سخن میگفت دلیل بود که خیرات بیفزاید و بنانی بوی رسد اگر بیند که خلیفه او را کاری فرمود از کارهای خاص دلیل بود که عز و بزرگی یابد و منزلت اگر بیند که خلیفه او را امیر کرد از ولایتی یا از ولایت مسلمانان دلیل بود که بزرگی یابد و خداوند قدر و جاه گردد اگر بیند که در سرای خلیفه شد دلیل بود که از حاجبان و مقربان خلیفه گردد اگر بیند که خلیفه چیزی از متاع دنیا بوی بخشید دلیل کند که منزلت یابد در میان بزرگان نامدار شود کرمانی گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت میکرد از بهر کاری که تعلق بشرع میداشت دلیل بود که حاجتش روا گردد و در میان مردم سرافراز شود و اگر بیند که در بستر وجایگاه خلیفه خفته بود و آن بستر و جایگاه خلیفه معروف بود دلیل بود که او را خلیفه زنی دهد یا کنیزکی یا مالی که با زن خویش از آن بهره کند اگر بستر خلیفه معروف نبود دلیل که ورا والی کند در ولایت خویش و بقدر فراخی آن بستر ولایت او دیار خود بدو سپارد اگر بیند که در پیراهن خلیفه نشسته بود دلیل کند که در ولایت با او شریک بود اگر بیند که در پیش یا در پهلوی خلیفه میرفت دلیل بود که مقدم شغلها او بود و اگر بیند که خلیفه با او ترش روی است یا بخشم دلیل کند که در دین او فساد و خلل بود اگر بیند که او خلیفه شده است و او از اهل آن بنا شد دلیل بود که او را مصیبتی رسد یا در کاری سخت افتد که دشمن بروی افسوس کند و اگر بیند که خلیفه او را شمشیر داد یا خلعت پوشانید دلیل بود که بزرگی و پادشاهی یابد و اگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستاد دلیل کند که از او خیر و کرامت یابد حضرت صادق ع فرماید که اگر کسی خلیفه مرده را زنده بیند که خرم و شادمان بود و با او سخن میگفت دلیل بود که مرادها از او حاصل گردد و عز و دولت یابد و اگر خلیفه را اندوهگین بیند بخلاف این بود که یاد کرده شد

ختم

خم ابن سیرین گوید که خم در خواب دیدن زنی بود که از قبل او فایده بخانه رسد بر قدر بزرگی و بزرگی خم کرمانی گوید که خم سنگین در خواب دیدن گنج بود و خم را دیدن زن را

حرف الخاء

بود اگر بیند در خانه او خم پر آب بود که از آن آب میخورد دلیل بود که مال حلال بیابد و در راه خیر هزینه کند و خم سرکه در خواب دلیل بر مردی پرهیزکار بود و خم سرکه و روغن در خواب دلیل بر دیانت مال بود و خم انگبین دلیل بود بر مال حلال و خم انگاره دلیل بر مردی بیمار بود و خم نفط دلیل بود بر مردی فرومایه و چرکن و خم در خواب دیدن دلیل کند بر سلطان بزرگ و ریاست و اصحاب سلطان

خمیر

خمیر کردن ابن سیرین گوید که سرشتن آرد بتاویل درست بود و سرشتن آرد گندم دلیل بود بر مالی از تجارت با سود بسیار بشرط آنکه خمیرش برخاسته بود و اگر خمیرش نخاسته بود دلیل بر فساد و زیادت منی بود و سرشتن آرد کاورس در خواب نفع اندک بود کرمانی گوید اگر بیند که خمیر فراگرفت یا بخرید یا کسی بوی داد اگر خمیرش چون بالش دلیل باشد که بر قدر آن مالی حلال او را از تجارت حاصل گردد و اگر خمیر کاورس بود دلیل بود بر منفعت اندک حضرت صادق ع فرماید که دیدن خمیر در خواب بر سه وجه بود اول زیادتی در مرد و مال دوم منفعت اندک سیم روزی حلال

خبزه

خبزه گفته‌اند بسر قولست بعضی گفته‌اند زن بود و بعضی گویند خادم بود و بعضی گویند که وی سول گفته که متاع مردم ما نیست همچو کرمانی گوید اگر بیند که خبزه‌ای کهنه در خانه داشت دلیل کند که زن را طلاق دهد جابر گوید اگر بیند که خبزه داشت با کسی بدو داد دلیل کند که زنی خادم بر قدر خبزه او را حاصل گردد یا بازنی خادم او را صحبت افتد و از او منفعت یابد اگر بیند که خبزه داشت با کسی و ضایع شد تاویلش بخلاف این بود

خنجر

خنجر بفارسی دشنه خوانند اما نزد عجم خنجر معروفتر است از دشنه از این سبب او را در حرف خا بیان کردیم ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که خنجر در دست داشت دلیل بود که او را با کسی جنگ و عداوت افتد و اگر بیند که خنجر او بشکست یا ضایع شد دلیل بود که جنگ و عداوت میان ایشان بر خیزد و بصلح انجامد ابن سیرین گوید اگر بیند که خنجر آهیخته در دست داشت بی سلاح دیگر دلیل بود مکر او را از کسی قوتی بود در آن کار که خواهد کرد و اگر بیند که با خنجر سلاح بسیار داشت دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و کارش بنظام شود

خنده

خنده ابن سیرین گوید که خنده در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که بقهقهه میخندید دلیل که اندوه بسیار گردد قوله تعالی فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیرا و اگر آهسته بیند که خندید بدانند که کمتر بود کرمانی

گویند که خندیدن آهسته در خواب یافتن مراد و بشارت بود قوله تعالی فتبسم ضاحکا من قولها
حضرت صادق فرماید که خنده آهسته در خواب دلیل فرزندی عجیب بود قوله تعالی فضحکت فبشرناها
با سخن و خنده قهقهه دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و شگفت ماندن از کار ایزدی قوله تعالی
افمن هذا الحدیث تعجبون و تضحکون

خوان

خوان بتازی مایده خوانند و دیدن وی در خواب غنیمه حاضر بود ابن سیرین گوید اگر بیند که خوانی داشت بروی نانها بود و ازان میخورد دلیل بود
که بقدر آن غنیمه یابد کرمانی گوید برداشتن خوان از پیش چون طعام نخورده بود پیدا کردن نهاده
باشد بکاری جابر گوید که خوان آراسته در خواب نیکو و قوه دین باشد و چون طعام نا
خورده خوان بود ازو دلیل بود که غم و اندوه برود و بسیار خوردن طعام بر خوان دلیل بر درازی
عمر کند اگر بیند که بر خوان از هر گونه طعام بود دلیل روزی او بود که باو و فرزندان او
رسد قوله تعالی انزل علینا مائدة من السماء و بعضی گویند غم و شادی بود و کارها او بنظام
شود حضرت صادق فرماید که دیدن خوان آراسته بر پنج وجه بود اول غنیمه حاضر دویم مرد
شریف سیم قوه دین چهارم نظام کار پنجم عز و حرمت

خود

ابن سیرین گوید که خود چیزی بود که
خود را بدان نگاه دارد اگر بیند که خود فولاد بر سر دارد دلیل بود که جاه و قوه او زیاده گردد
بر قدر درستی و روشنی خود اگر بیند که خود را از سر برداشت دلیل بود که عز و جاه او کمتر
گردد کرمانی گوید اگر کسی خود بر سر بیند دلیل بود که او را فرزندی آید زیرا که خود
ماویل چون تاج است و هر زیاده و نقصان که در خود بیند دلیل بر فرزند بود جابر گوید اگر کسی
بیند که خود نو که در روشن بر سر داشت دلیل بود که از مهتری قوه و حشمت یابد اگر بیند که خود
خویش را بکسی عطا کرد دلیل بود که آنکس را قوت و حشمت بود و اگر بیند که کسی خود از سر خود بر
داشت دلیل بود که حالش ضعیف گردد اگر بیند که خود را بشکست یا ضایع شد دلیل بود که
قوه و عزه او زایل گردد حضرت صادق فرماید که دیدن خود در خواب بر پنج وجه بود اول قوه

خوردنی

دویم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم بقا و نیکوئی پنجم چیزی که خورد و از آن بمکر باز دارد خوردنی ابن
سیرین گوید که هر خوردنی که بوی خوش دارد بخواب دیدن نیکی بود و اگر ناخوش بود دلیل بر شر
و بدی کند و سیر و پیاز و کندنا خوردن در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و تباهی حال کند

وگویند که پس

حرف الخاء

وگویند که دلیل بر مالی حرام کند که در آن راحت و خیر نباشد اگر بیند که خوردنی تلخ و ناخوش
خورد دلیل بر درویشی و بیچارگی کند کرمانی گوید که خوردنی بطعم خوش شیرین بود دلیل بر خرمی
و شادی کند و چون بطعم ترش و ناخوش و تلخ باشد بود دلیل بر رنج و اندوه کند و خوردنی
فروش بتاویل خداوند سخن بود

خوشه

خوشه ابن سیرین گوید که خوشه در خواب چون سبز و تازه بود
دلیل فرزند و زیادتی مال و نعمت بود و چون خوشه خشک بیند فرزندی بود که عمرش دراز
بود اما دلیل تنگی و قحط بود در آن و خوشه خرما و خوشه انگور تازه بهتر بود خاصه که بوقت
خویش بیند کرمانی گوید اگر بیند که خوشه سبز همی خورد دلیل بود که او و اهل آن سال فراخی
عیش و خوشی بود و اگر بیند که خوشها زرد و خشک بود دلیل بود که در آن سال تنگی و قحط
و بنا از بود قوله تعالی سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء

خوک

خوک ابن
سیرین گوید خوک در خواب مردی بود بقوه و توانگر لکن دون همت و بی خیر بود و خوک خانگی
مردی بود فراخ دل لکن پلید و بد فعل باشد و بی دین و بی دیانت باشد و اگر بیند که خوکان را
در جایگاهی نگاه داشت رها نمیکرد که پراکنده شوند دلیل بود که مال دنیا از حرام جمع کند
کرمانی گوید بخلاف ایشان که رمه یا خوک دنیا را نیکو بود و دین را بد بود و دیدن بچه خوک در خواب
غم بود و شیر وی خوردن در خواب مصیبت و غم و اندوه بود از جهت مال چندانکه خورده بود
و اگر بیند که گوشت خوک بخورد دلیل بود که مال حرام و ربا خورد اگر بیند که خوکان را از جایی
بجائی میبرد دلیل بود که احوال دنیای او نیکو گردد لکن دین بد گردد و اگر بیند که در میان
خوکان میگردید دلیل بود که خرم گردد بجهت مالی که او را از ظلم حاصل کرده و اگر بیند که در میان
خوکان نشسته بود دلیل بود که بر دشمن غالب گردد و بزرگی یابد اگر بیند که خوک از پشتش
بیرون آمد و از پیش او بیرون شد دلیل بود که مراد پلید بشتاب او را حاصل گردد و گر
بیند که پوست خوک با کسی بوی داد دلیل که مال حرام یابد اگر بیند که شبان خوک بود دلیل
بود که بر گروهی بدفعل بی دیانت مهتر و فرمان روا گردد جابر گوید اگر بیند که با خوک صحبت
چنان میکرد دلیل بود که با مهتری در دین و ستمکار او را مخصوص خوانند و اگر بیند که موی خوک با

خوک آملکن

پوست یا استخوان او داشت دلیل بود که بر قدر آن مالی حلال یابد خوک آملکن ابن سیرین گوید

اگر بیند که بجراحت خون از تن او آمد دلیل بود که اگر رشوه ستانده بود رشوه ستاند
اگر نستانده او را زیان رسد و اگر بیند که بر تن وی جراحتها خون همی رفت دلیل بود که او را رنج
و غم و اندوه رسد و اگر بیند که کسی او را بشمشیر زد و خون روان شد دلیل بود که رهی
زبان خلق دراز کرده و او را از ان ثواب بود و اگر بیند از جایگاهی که زخم است خون بیرون
آمد و جامه و تن او آلوده شد مالی بود که بحرام حاصل کند کرمانی گوید اگر بیند که خون همی
خورد دلیل بود که مال حرام خورد یا خون ناحق کند و اگر زننده مجهول بود و اندامی از
اندامهای او ببرد چنانکه آن اندام از وی جدا گردد دلیل بود که زننده زخم سفر کند اگر بیند
که در تن او سوراخی بود که از ان سوراخ خون با ریم روان شد و جامه او بدان آلوده گردد
دلیل که او را بقدر آن مالی حرام رسد و اگر بیند که آن خون از زخم و جراحت بیامد و آن جراحت
تازه بود دلیل بود که در مال او نقصان آید یا از کسی سخن سخت شنود و او را از ان ثواب
بود زیرا که خون بر گناه باشد که از تن او بیرون آمد اگر بیند که از قضیبش خون بیرون آمد دلیل
بود که او را فرزندی از شکم مادر بیفتد و اگر که از مقعدش خون بیرون آمد چنانکه تنش آلوده
گردد دلیل بود که بقدر آن مالی حرام حاصل کند و اگر بیند که از بن دندانها خون بیرون آمد
دلیل بود که از خویشانش غم و اندوه بار رسد جابر گوید اگر بیند که در جایی خون افتاد دلیل
بود که بخون ناحق مبتلا گردد و اگر بیند که در شهری یا در کوچه خون همی رفت دلیل کند بر خون
ریختن بسیار در آن موضع اگر بیند که ناودانهای خون همی رفت دلیل کند که هم بدان موضع خون
بسیار ریخته گردد دانیال گوید اگر بیند که خون بسیار از بینی او بیرون آمد و ضعیف نشد دلیل
کند بر یافتن مال حرام خاصه که جامه او بخون آلوده گردد و اگر بیند که خون اندک فرود آمد و قوت
ضعیف شد و جامه آلوده نشد دلیل بود که درویش گردد و مالش را نقصان افتد و اگر بیند که خون

خیار

بر تن او آمد دلیل بر یافتن مال حرام کند خیار ابن سیرین گوید خیار بوقت خویش در خواب دیدن
دلیل کند سخن نیکو شنود یا زنی بود که با وی عشرت کند و اگر بیند که از ان خیار بخورد دلیل بود
که مراد او حاصل گردد و حکم خیار بادرنگ همین است از ابن عباس بود کرمانی گوید اگر بیند که
خیار همی خورد دلیل کند که کاری کند که از ان پشیمانی خورد و خیار خوردن که بوقت خود بود

دلیل کند

حرسیا

دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن خیار بادرنگ در خواب بیماری بود حضرت صادق علیه السلام
فرماید دیدن خیار در خواب بر سه وجه بود اول پشیمانی از کاری دوم غم سوم شادی و آرامش و منفعت

خیک کاشت

از قبل دوستان و خویشان خاصه که سبز بود در وقت خیک ماست ابن سیرین گوید که خیک شیر
و ماست بدین مردی بود که بر دستش مالی حلال بهر کند بشغلهای خیر چون پل و رباط و
مسجد بنا و اشغال نماید و خیک انگبین مردی بود عالم که از علم او مردم راه راست یابند و مردم را
پند دهد و اگر بیند که خیکی داشت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با مردی بدین صفت
که گفتیم صحبت افتد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که خیک از دست وی ضایع شد دلیل بود که

خیری

او را از صحبت او جدا افتد خیری ابن سیرین گوید که خیری بخواب دیدن چون بوقت خود بود و چون

خیمه

بی وقت دلیل بر رنج و بیماری بود خیمه ابن سیرین گوید اگر بیند که خیمه از بهر خویشتن بزد یا کسی
از بهر او بزد و در آنجا بنشست دلیل بود که اگر سپاهی بود مال یابد و ولایت بقدر بزرگی و کوچکی
خیمه و اگر بازرگان بود سفر کند و از ان سفر مال و غنیمت یابد و اگر خیمه سیاه و بزرگ بیند دلیل
بود که غم و اندوه بوی رسد اگر خیمه کهن دریده بیند دلیل کند که زیان و مضرت بوی رسد
کرمانی گوید اگر بیند که او خیمه بیرون زند دلیل کند که از شرف بزرگی بیفتد و اگر بیند که با
در خیمه خویش نشسته بود دلیل که کارش نیکو گردد و بر دشمن ظفر یابد و کارش بنظام گردد

خیو

و خیمه دیدن بخواب بدن کسی بود که کار پادشاهان و بزرگان بهم پیوندد و مهیا دارد خیو
ابن سیرین گوید که خیو بفارسی لعاب دهن باشد اگر کسی بیند که خیو می انداخت سخن گوید که
او را حلال نباشد و اگر بیند که در مسجد خیو می انداخت دلیل کند که سخن بد در دین گوید هم
چنین هر موضع که خیو انداخت در اصل آن موضع گوید اگر بیند که خیو بر دیوار انداخت دلیل بود
که مالی هزینه کند در رضای خدای تعالی و اگر بیند که خیو بر زمین انداخت دلیل بود که ضیاع خرد
و اگر بیند که خیو بر دیوار انداخت دلیل بود که عهد بشکند یا سوگند یاد دروغ کند کرمانی
گوید اگر بیند که خیو گرم بود دلیل بر درازی عمر بود و خیوی سرد دلیل بر هلاک کند و خیوی
سیاه دلیل بر غم و اندوه کند و خیو زرد دلیل بر بیماری کند و خیوی خشک در دهن دلیل
بر درویشی کند و لعاب دهن چون از دهن بیرون آید بدانکه جامه را بیالاید آن علتی بود که بگوید

واگر لعاب خون باشد دلیل بود که علی باطل بدروغ گوید واگر بیماری بیند که بلغم از دهن
بیفکند بر زمین دلیل بود که از بیماری شفا یابد واگر بیند که بلغم از گلو بر آورد و بر آستین
بگرفت دلیل بود که مال خود را بر عیال هزینه کند جابر گوید اگر کسی بیند که خون بر روی او
انداختند دلیل بود که بر اهل بیت او طعنه زنند واگر بیند که با خیو خون آمیخته بود دلیل
بود که حرام خورد و دروغ بسیار گوید والله اعلم **حرف الذال من کتاب کامل
التعبیر** دارو ابن سیرین گوید اگر بیند که از بهر بیماری دارو خورد و دارو موافق بود
دلیل بود که صلاح دین گوید واگر بیند که دارو او را موافق نبود دلیل بود که صلاح دین او را
زایل گردد واگر بیند که دارو از بهر تن درستی خورد دلیل که بقدر موافقت دارو صلاح دنیا
طلبد واگر بیند که از بهر مردمان دارو ساخت دلیل بود که با خلق خدای تعالی نیکویی کند واگر
بیند که داروی خشک شکسته دلیل بود که از غم و اندوه باز رهد کرمانی گوید اگر بیند که چون
دارو خورد او را زیان و مضرت بسیار رسید تعبیرش همین است اگر بیند که دارو خورد که عقل
وهوش از وی زایل گردید دلیل بود که از غم و اندوه فرج یابد حضرت صادق فرماید هر
داروئی که نیکو مزه بود دلیل بر بیماری و رنج کند و هر داروئی که با شامیدن آسان بود
دلیل بر شفا و راحت کند دارو که بخوردن بد بود دلیل بر بیماری کند واگر بیند که چون دارو
بخورد اثر وی بگردید دلیل بود که در بهی بصلاح آید واگر بخلاف این بیند بد باشد دارچینی
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که دارچینی بسیار داشت دلیل بود که غمگین و متفکر گردد واگر
بیند که دارچینی میخورد غم و اندوهش صعب تر بود کرمانی گوید اگر بیند که دارچینی از بهر
دفع علت میخورد و او را سود داشت دلیل بر خیر و صلاح کند داغ کردن ابن سیرین گوید که
داغ کردن در خواب دلیل بر یافتن گنج و مال بود اگر بیند که بر تن او داغ بود دلیل کند که بقدر
آن گنج و مال بود اما اگر آن مال در خیرات و طاعات حقتعالی هزینه کند در عقبا از عقوبت
حقتعالی رستگار گردد واگر در شر و فسا صرف کند در عذاب گرفتار گردد کرمانی گوید
اگر بیند که از نشان داغ ریم و خون می آمد دلیل کند که در خدمت پادشاه معتبر گردد واگر
از نشان داغ خون و ریم نیامد دلیل کند که از پادشاه بهره یابد و اقبالش گوید اگر بیند که

دارو

دارچینی

داغ کردن

حرف الدال

داغ بر کسی نهاد یا کسی داغ در تن وی نهاد تا و بایش سخن زشت بود یا بر وی تهمتی نهند واگر بیند
که از جهت علتی بر پشت وی داغ نهادند دلیل بود بر دین و دنیای او و بعضی از معبران گویند که
داغ کردن بیان بود در کار پادشاه حضرت صادق فرماید که داغ آتشین در خواب منع زکوة
بود و مشغولی از لشکر پادشاه قوله تعالی یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم و
ظهورهم هذا ما کنزتم داس ابن سیرین گوید اگر بیند که در دست داس داشت دلیل بود که الغ
بیاره کرد وان الت و را مال حاصل گردد واگر بیند که بداس کشت میدرود دلیل بود که او را
مال و نعمتی برنج حاصل گردد واگر بیند که داس از دستش ضایع گردید دلیل بود که نقصان
بمال او رسد جابر گوید اگر بیند که داس زرین یا سیمین در دست داشت دلیل کند که از مال حرام
چیزی حاصل کند دام ابن سیرین گوید که دام در خواب دیدن مکر و حیلت بود اگر بیند که پای او
در دام گرفتار شد دلیل بود که بمکر و حیله گرفتار گردد اگر بیند که پایش از دام کشود بعکس دید و بلیش
بخلاف این بود جابر گوید اگر بیند که جانوری از جمله جانوران بدام گرفت آنکس را گر بدان جانور
منسوب بود بمکر و حیله بدست آورد و فرمانبردار و مطیع خود کند دانها ابن سیرین گوید اگر بیند
که از دانها چیزی بر زمین ریخته بود آن چیزها را نرخ کاسد گردد و هر چیز از دانها اگر بیند که
در خانه کرد یا در جوالی یا در جای دیگر نرخ آن چیز گران گردد جابر گوید اگر بیند که شیشه دانها
افتاد دلیل بود که نرخ دانها گران گردد اگر بیند که دانها از زمین بر چید نرخ آن گران شود
واگر بیند که آتش در بازار چوب فروشان افتاد دلیل بود که دانها گران شود واگر بیند که مردکان
دانها بمردمان دادند دلیل بود که آن دانها ارزان شود دباغی ابن سیرین گوید که دباغی کردن
در خواب گذاشتن شغل مردمان بود اگر کسی بخواب بیند که دباغی میکرد دلیل کند که شغل
مردمان بصلاح بگذارد واگر بیند که مرده را زنده همی کرد دلیل کند که پیشه و او دباغی کند کرمانی
گوید که دباغی در تاویل والی بود که مردمان سرایها بوی سپارند و میراث وارثان قسمت کند و
پوست در خواب مال میراث بود اگر دباغی کر بخواب بیند که مرده زنده کرد دلیل کند که از
دباغی هرگز بینیاز نگردد جابر گوید که دباغی بخواب دیدن در تاویل مردی بود که صلاح کار
بد بود دبه روغن ابن سیرین گوید که دبه روغن در خواب مردی امین بود که مال کسان اندر

داس

دام

دانها

دباغی

دبه روغن

وشر نفقه کند اگر بیند که دبیر دوخت داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که با مردی امین او را
صحبت افتد بد و دوستی دارد از او خیر و منفعت یابد بقدر بزرگی و کوچکی دبیر و اگر دبیر را چرکن
و کهنه بیند دلیل کند که از آن شر و مضرت بدو رسد اگر بیند که دبیر او ضایع کرد یا از
او جدا شود و ترک صحبت او بگوید حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن دبیر در خواب بر نه وجه
بود اول مرد امین دوم زن سیم خادم چهارم قوام دین پنجم صالح تن ششم عمر دراز هفتم مال

دبیری

و نعمت هشتم خیر و برکت نهم میراث جهت تان دبیری دانیال علیه السلام گوید اگر کسی در خواب بیند
که دبیری میکرد دلیل بود که مال مردمان را بمکر و حیله ستاند و کارهای ناکردنی کند و
اگر بیند که دبیری پادشاه میکرد دلیل بود که از مردمان منفعت دنیا یابد و اگر بیند که دبیری
مردم عامه میکرد دلیل بود که از مردمان بمکر و حیله مال ستاند و بد باشد و اگر بیند
که دبیری میکرد و دبیر دانا بود دلیل بود که خیر و منفعت یابد و لکن اگر عامل داود دلیل بود که
معزول گردد کرمانی گوید اگر بیند که جامع قرآن و خطبه و دعوات و توحید و نبوت مینوشت
دلیل که بشغل و عیش کردن دنیا فریفته گردد و اگر بیند که خامه مینوشت و مدادش نیکو بود
دلیل بود که بنا لذ مال در بار امین بود شد اگر بیند که چیزها مینوشت که خلاف شریعت است دلیل

دجال

کرد باشد دجال ابن سیرین گوید که دجال بخواب دیدن مرد بد بود چنانکه مردمان را از راه ببرد
و زبان او و دل او موافق نباشد کرمانی گوید که دجال را بجای معروفی بخواب دیدن دلیل که اینجا

دختر

فتنه افتد و دروغ زنان و مردمان بدان جا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد دختر ابن سیرین
گوید که دختر بخواب دیدن دلیل بر شادی و فرح دنیا باشد اگر بیند که او را دختری آمد یا کسی
دختری بوی بخشید دلیل بود که او را بر قدر جمال دختر خرمی و برکت و نعمت بود و اگر بیند که دختر
او بمرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که دختر بکسی داد دلیل بود که از او خرمی بدان کس
رسد اگر بیند که دختران ناقص بود دلیل بر غم و اندیشه و نقصان احوال او کند اگر بیند که دختری
بر گونه بود و سیر دلیل بود که خیر و نعمت بدو رسد اگر بیند که او دختری شده بود دلیل

دخنه

بر غم و اندوه او کند دخنه بنانی چیزی است که نهند با آتش دود کنند ابن سیرین گوید اگر
بیند در زیر خود عود یا چیزی دیگر با بوی خوش دود میکرد دلیل بود که پیشه بیاموزد که از آن

او را منفعت

او را منفعت بود در بار مردمان عیش خوش گذارند و بروی ثنا گویند. کنند و هر چند که چیز خوشبوتر
بود بر وی ثنا و آفرین بیشتر کنند و اگر چیزی بود که بوی ناخوش دارد تاویلش بخلاف این باشد
حضرت صادق علیه السلام فرماید که دخنه کردن در خواب بر سه وجه بود اول کسب معیشت دوم خیر و منفعت سیم

دوکان

ثنا و نیکوئی دوکان ابن سیرین گوید اگر بیند که دوکان داشت بجمله خوش شد یا یکی از ایشان خر
شد و یکی گاو و یکی اشتر و یکی گوسفند دلیل بود که روزی بروی فراخ گردد لکن پس از زیان بود
اگر بیند که چهارپایان او دوکان شدند تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن
دوکان بخواب بر چهار وجه بود اول دشمنان دوم پادشاهان ظالم سیم زن سلیطه چهارم همسایگان
بدجاور گوید اگر بیند که گوشت دوکان میخورد دلیل بود که مال حرام بدست آورد و بخورد اگر
بیند که آواز دوکان میشنود دلیل بود که بانگ خصومت و گفتگوی شنود کرمانی گوید اگر بیند که
بصورت دوکانی شد عقل او زایل گردد اگر بیند که دوکان با وی سخن گفت دلیل بود که پادشاهی
یابد اگر بیند که بر دوکان غالب شد و ایشان را میکشت دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و اگر بخلاف این

دراج

بیند دشمن بر وی ظفر یابد دراج ابن سیرین گوید که دراج در خواب زنی بود خوبروی لکن بد مهر
بود و با شوهر نسازد اگر بیند که دراج را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل بود که زنی خواهد بدین صفت
اگر بیند که گوشت دراج میخورد دلیل کند که مال زن بقدر آن بستاند و هزینه کند جابر گوید اگر
بیند که دراج از دست او بپرید یا ضایع گردید دلیل کند که زن را طلاق دهد و اگر بیند که دراج بسیار

دراعه

داشت و دانست که ملک او نیست دلیل کند که بقدر آن وی را از زنان و کنیزکان حاصل شوند دراعه ابن
سیرین گوید اگر بیند که دراعه نو بزرگ و فراخ بگونه سپید یا سبز داشت و پوشیده دلیل بود که بر
قدر و قیمت دراعه در راه او قوه و شرف بود در دین و دنیا و از غم فرج یابد و اگر بیند که دراعه
چرکن و تنگ و دریده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که دراعه سپید و پاکیزه داشت
دلیل بود که مال و نعمت و بزرگی یابد در دین و اگر بیند که دراعه سرخ بود دلیل که بطرب دنیا مشغول
گردد و اگر بیند که بگونه زرد بپوشید دلیل بیماری بود و اگر برگونه کبود بود دلیل بر مصیبت و اندوه
بود و اگر سیاه بود دلیل بر غم و اندیشه کند و کسی را که جامه سیاه پوشیدن عادت بود زیان ندارد و اگر بیند
که دراعه از تن او بیرون کردند دلیل بود که از زن جدا گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن دراعه

در خواب بر هفت وجه بود اول فرج از غمها دوم قوت سیم حجت چهارم شرف پنجم منزلت
و ولایت ششم نظام کارها هفتم زن

درها

و درها دانیال علیه السلام گوید که در بخواب دیدن زن بود اگر
ببیند که درهای معروف در برابرش گشاده کردید دلیل بود که درهای نعمت و مال و دنیا بر وی گشاده
شود اگر ببیند آن درها که گشاده شد بر جانب راه بود دلیل کند که مال و نعمتی که دارد بزودی
هزینه کند بر خاص و عام اگر ببیند که در سرا در برابرش گشاده شد دلیل بود که مالی که بدو
رسد از جهت پادشاه بود و بر عیال خود نفقه کند اگر ببیند که در سرای او بشکست یا بیفتاد
یا ضایع شد یا بسوخت بر مصیبت و رنج عظیم که بدو رسد ابن سیرین گوید اگر ببیند که در سرای
کسی بشکست و بسوخت ندانند که بچه برهند دلیل کند که در محنت و مصیبت افتد خداوند خانه و
و اگر ببیند که در سرایش از جایگاه خود زایل گردید دلیلش که حال او از نیکی بسبب زایل گردد یا سبب
اهل او و اگر ببیند که در سرای او انباشته بود دلیل که اهل آن سرا را مصیبت رسد و اگر ببیند که
در میان سرای او در کوچک بود دلیل بود که آفتی و مکروهی بعیال او رسد اگر ببیند که در
سرای او بزرگ و قوی گردید دلیل کند بر نیکی اهل و عیال او و اگر ببیند که در سرایش چنان
فراخ شد که هیچ در بدان فراخی نبود دلیل بود که قومی بی فرمان او در سرای او شوند بی هنگام
مصیبت یا بوقت خصومت و اگر ببیند که حلقه در سرای کسی می جنباند اگر جوابش داد دعای او
مستجاب کرده بود و باشد که گنجی طلب کند و بیابد و اگر ببیند که چون حلقه بجنبانید در در سرا
بگشادند دلیل بود که حق تعالی البته دعای او مستجاب کند و بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید اگر
ببیند که در دکان در خانه او بر هم نهاده دلیل بود که جوانان قصد عیال او کنند و اگر ببیند که در
خانه او و حلقه داشت یا بر در خانه او در دکان بود ندید دلیل بود که زنان او دوستدار او بند و اگر
ببیند که در آسمان گشاده کردند دلیل بود که بر مردم اندبار در خیر گشاده کرده حضرت صادق علیه السلام
فرماید که دیدن در بخواب بر سه وجه بود اول خداوند سرای دوم زن سیم خادم

دربانی

هرکه دربانی
شهر بخواب بیند دلیل بود بر حاجب و دربان پادشاه و مردی بزرگ بود و خطر در دربانی ابن سیرین
گوید اگر کسی ببیند که دربانی میکرد دلیل بود که حاجتی که دارد روا گردد و از مردی بزرگ
عزت و جاه یابد و اگر ببیند که دربانی میکرد و در بسته بود دلیل بود که خاص و مقرب پادشاه گردد

اگر بیند

اگر بیند که پادشاه او را از دربانی معزول کرد تاویلش بخلاف این بود

در برگرفتن

در برگرفتن هرکه ببیند
که کسی را در بر گرفت شرح آن را در باب الف بیان کردیم

درختان

درختان دانیال علیه السلام گوید که دیدن
هر درختی که بزرگ بود دلیل بر مردمان عزیز بود دیدن مردی شریف بزرگوار بود و هر درختی که میوه
دار بود دلیلش بر مردی توانگر بود و درخت بی بر مردی درویش بود و درختی که در دیار عرب بود
دلیل بر مردی بیابانی کند و هر درختی که در ناحیت عجم بود دلیل بر مردمان عجم کند و هر درختی
که معروف بنا شد در مسجد یا در خانقاهی بود دلیل بر قوت دین کند و درختی که در باغ
ببیند دلیل بود که مال بود خداوند باغ را و اگر ببیند که درختی از بن بر کند مردی را از جاه
و نعمت بیفکند

درخت خرما

درخت خرما بخواب دیدن دلیل بر مردی شریف عالم کند و اگر ببیند که درخت
خرمائی در خانه داشت دلیل بود که با مردی بزرگ دوستی و آشنائی کرد درخت آبنوس دلیل کند
بر مردی حریص مانده از کارش و بعضی گویند زن بود یا کنیزک درخت گوز در خواب دیدن مردی طبیب
بود که نفعش بهر کس میرسد درخت لوز دلیل بود بر بیماری درخت امرود در خواب دیدن
دلیل کند بر مردی توانگر خوش طبع ستار بود درخت انجیر در خواب دیدن دلیل کند بر مردی
توانگر و خداوند نعمت درخت انار دلیل کند بر مردی توانگر که مال و نعمت بسیار دارد و بعضی
گویند که دلیل بر زنی توانگر [illegible] درخت انگور دلیل کند بر زنی که بنیکو صورت و نیکو
کار درخت بادام بخواب دیدن دلیل بر زنی کند که بدکردار باشد درخت بلبل دلیل کند بر
مردی شریف لطیف زبان که کار مردم بدست او گشاده کردد و بعضی گویند دلیل بر مردی نخاس
بود درخت شفتالو بخواب دیدن دلیل کند بر مردی توانگر و حکیم نرم و آهسته باشد درخت
ترنج دلیل کند بر مردی مخالف خودرای و بعضی گویند دلیل کند بر مردی صاحب جاه و نعمت
درخت حنظل بخواب دیدن دلیل بر مردی توانگر راست با منفعت بود درخت صنوبر دلیل کند
بر مردی درویش بد دین که او را اندر دین بود نه دنیا و بعضی گویند دیدن درخت خار دلیل
کند بر مردی بدکردار که شر او بمردمان برسد و بعضی گویند دلیل کند بر مردی بیمار که هیچ
کس را از او منفعت نباشد درخت چنار دلیل کند بر مردی مبارک که منفعت از او و بخویشان
و دوستان رسد درخت زیتون دلیل کند بر مردی که خداوند اصل و نسب بود لکن بد نام

اندک بود و نیکوئی کمتر باشد درخت سرو دلیل کند بر مردی عجمی تیز طبع درخت سیب همین
تاویل دارد درخت سنجد دلیل کند بر مردی سبک روح محتشم لطیف سخن مردم نواز درخت
بید دلیل کند بر مردی بیمار درخت شمشاد دلیل کند بر مردی تیز دولت محتشم لکن دولتش
ثابت نباشد درخت بید دلیل کند بر مردی بزرگوار لکن خداوندش شوم بود درخت عود که
دلیل کند بر مردی نیکو روی لطیف طبع خوش زبان توانگر درخت پسته دلیل او بود بر مردی
توانگر بود اما بخیل بود درخت فندق دلیل کند بر مردی غریب سخت لکن قابل لهو و طرب خوش
داشته باشد و خیرش کمتر بود درخت کدو دلیل کند بر مردی عالم یا طبیب با فرهنگ درخت
بلوط دلیل کند بر مردی بی خبر منافق با اهل خویش درخت گل دلیل کند بر مردی شاد کام
سخن روا درخت گلنار دلیل کند بر مردی شریف کریم جوانمرد و بعضی گویند دلیل کند بر
مال و فرزند درخت جوز دلیل کند بر مردی عجمی لکن با اهل و عیال خود سخی بود اگر ببیند
که بر درخت جوز بود دلیل که با مردی عجمی پیوند نماید درخت جوز هندی دلیل بود بر
مردی جادو و دروغ زن درخت مورد دلیل کند بر مردی گران طبع که با مردمان ناسازگار
بود درخت مورد دلیل کند بر مردی عجمی فاضل توانگر درخت نارنج دلیل کند بر مردی
گران طبع بسیار گوی زرد روی درخت ... دلیل بر ... بر مردی بدخوی سخن چین و هر درختی که
میوه دار بود دلیل بر نعمت او بود بر قیاس میوه آن درخت اگر کسی ببیند که از درخت میوه دار
میوه خورد دلیل بود که بقدر آن منفعت مالی از کسی بیابد و بعضی از معبران گفته اند که
دیدن درخت در خواب زنان بود درخت چون در خانه پادشاه ببیند خادمان کار با آشنا
بود و اگر درختان ببیند که ساق ندارند چون درخت خیار و خربزه تاویلش بر مردی بود
بدخوی و ناسازگار که ... گویند و بیخ درختان در خواب دلیل بود بر ... خداوند
در دین و اگر ببیند که رگهای درخت قوی بود دلیل بود که زکوة مال تمام دهد و اگر بخلاف
این ببیند زکوة مال تمام ندهد و پوست درخت دلیل بود بر روزه داشتن خداوند خواب
و اگر ببیند که پوست درخت قوی بود دلیل بود که خداوندش روزه دار بود و شاخ درخت
در خواب دیدن دلیل بود بر برادران و خویشان و فرزندان وی و اگر ببیند که شاخهای

درخت بسیار

مرفاالدلال

درخت بسیار بود خویشان و اهل بیت او بسیار باشند و برگ درختان دلیل بود بر خوش
طبعی برادرش اگر ببیند که درخت برگ بسیار دارد دلیل بود که خداوندش خوش و لطیف بود و
اگر ببیند که برگهای اندک دارد تاویلش بخلاف این بود و میوه درخت دلیل بود بر پرهیز کردن
خداوندش در دین و اگر ببیند که درخت میوه بسیار دارد دلیل بود بر خداوندش که دین دار بود و
اگر ببیند که درخت را از بیخ باز میکند دلیل بود بر هلاک خداوندش یا حالش متغیر گردد جابر گوید
هر درختی که بوی خوش دارد و میوه آن خوش طعم بود دلیل بود بر مردی مصلح پاک زاد باشد
هر درخت که نه در موضع خویش ببیند دلیل بود بر مردی غریب که در آن دیار آمده بود و اگر ببیند که
در سرای او یا دیگری درختان گوناگون بود چنانکه از درون و بیرون و بالا و زیر درختان می بیند
هر نوع دلیل بود که در آن سرای مصیبت افتد که مردمان خرد و بزرگ در آنجا آمد شد کنند و اگر
ببیند که در سرای خویش درختی همی نشاند دلیل بود که در خورد آن درخت دامادی آورد و اگر
ببیند که در خانه خود تخم همی کشت دلیل بود که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر ببیند که بر بالای
درخت بلند گردید دلیل بود که کار وی بلند گردد و اگر ببیند که از درخت بیفتاد و پای او بشکست
دلیل بود که در بلای عظیم افتد اسمعیل اشعث گوید اگر ببیند که برگ درختان جمع میکرد دلیل کند
که بقدر آن او را درم حاصل گردد و اگر ببیند که از درختان میوه جمع همی کرد دلیل بود که او را
فرزندان و نسل پیدا گردند و اگر ببیند که بر درختان بالا شد دلیل بود که با مردی بزرگوار پیوند
و صحبت ... از بیم ترسد و اندیشه دارد ایمن گردد و اگر ببیند که بر درختی بود و میوه آن درخت
میخورد دلیل بود که بقدر آن مال یابد و رسد یا سخنی شنود و از آن شاد گردد مکروه درختی بود که
تاویل آن مکروه بود چون خربزه و زرد آلو و مانند آن و اگر درختان میوه دار بسیار ببیند
دلالت کند جمله ملک او و سبب دلیل بود که او را عمر دراز بود و ظفر بزرگی یابد و اگر ببیند که درخت را می
برید دلیل بود که سخت بیمار گردد یا کسی از اهل او بمیرد و اگر ببیند که در وقت خزان در باغی همی
میگردد و میدید که برگ درختان می افتادند دلیل کند که در غم و اندوه گرفتار گردد و اگر
ببیند که درخت با وی سخن گفت موافق حال او باشد دلیل بود که کاری کند که مردمان و از
آن شگفت آیند و اگر ببیند که درخت را از آنجا بر کند دلیل بود که بیمار گردد یا از آن موضع که درخت

کند کسی بیمار گردد و بمیرد جابر گوید که درختان خشک بدید در خواب مردمان بددین بود که از
مسلمانان خبر ندارند و درخت بی بار دلیل بر زن کند و درخت معروف بن بود و ساق درخت
ایمان بود و آب او نماز بود و پوست وی روزی بود و برگ او خوبی دنیا بود و هر درخت که نیکوتر
بیند دلیل بود که دین او نیکوتر بود و هر چه از درخت خشکی و نقصان بیند دلیل بر نقصان مال او بود
و اگر بیند که در زیر سایه درخت نشسته بود یا خفته بود دلیل کند که در پناه مردی بود که
بدان درخت نسبت دارد حضرت صادق فرماید که دیدن درختان در خواب بر ده وجه بود
اول پادشاه دوم مهتر سیم بازرگان چهارم مرد مبارز پنجم مرد عالم ششم مؤمن هفتم کافر هشتم
عوان نهم خصومت و جنگ دهم مردمان نو و هم آنحضرت فرماید که درختان کو در خواب بر پنج وجه
بود اول منفعت دوم خیرات سیم مرد با مکر و حیله چهارم خصومت پنجم مال شبهه

در دیدن اعضا

ابن سیرین گوید هر که در خواب بیند که همه اعضا او درد میکرد دلیل کند که مالی که دارد از دست
او برود و اگر بیند که سرش درد میکرد دلیل کند که گناه بسیار کند توبه باید کرد و صدقه باید
داد قوله تعالی فمن کان منکم مریضا او به اذی من رأسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک و اگر
بیند که پیشانی او درد میکرد دلیل بر فساد دین و غم و اندوه کند اگر بیند که چشم وی درد میکرد
او را و میکرد دلیل بود که انکس بیراه حق نماید و اگر بیند که گوش او درد میکرد از هر کس سخن
زشت و فحش شنود و اگر بیند که بینی او درد میکرد یا گنده شده بود دلیل بود که از بزرگان بوی
زیانی رسد و اگر بیند که زبانش درد میکرد یا در زبانش نقصانی بود دلیل بود که سخنی گوید که در او
از آن وبالی رسد و اگر این خواب بازرگانی بیند در تجارت دروغ گوید و اگر زبان خویش را بریده
بیند دلیل کند بر صلاح و پارسائی او و اگر بیند که کامش درد میکرد و اماس داشته دلیل کند که
خون کسی را منکر گردد و اگر بیند که دهانش درد میکرد دلیل بود که غم و اندوه بسیار خورد و اگر
بیند که گردن او درد میکرد دلیل بود که امانتی در گردن او بود آن امانت را نگذارد و اگر بیند
که زانوش درد میکرد دلیل کند که سختی از بهر جسم گردد و اگر بیند که شکمش درد میکرد دلیل بود که
مال حرام خورد و اگر بیند که پشتش درد میکرد دلیل بود که بسبب خویشان رنجور گردد
آزار یابد و اگر بیند که جگرش درد میکرد دلیل بود که بر فرزندش مهر و شفقت دارد و اگر بیند

که دستش

که دستش درد میکرد دلیل بود که با همسایه یا برادر جفا کند و اگر بیند که ساقش درد میکرد
دلیل بود که خویشان را جفا کند و اگر بیند که انگشتان او درد میکرد دلیل کند که عیال
خویش را برنجاند و او را غمگین دارد و اگر بیند که عورتش درد میکرد دلیل که بفسق و حرام کوشد
اید و اگر بیند که مقعدش درد میکرد هم دلیل بر فساد کند و اگر بیند که ستر و ذکرش درد میکرد دلیل
که بر خویشان جفا کند و اگر بیند که پای وی درد میکرد دلیل که بر دوستان شفقت نبرد و ایشان را
خوار دارد و اگر بیند که تن او درد میکرد دلیل بود که مال یابد

حرف الدال

درم

ابن سیرین گوید که طبعهای
مردم مختلف باشد درم بخواب دیدن حاصل شدن درم بود و در بیداری گویند که هر درم که
در خواب بیند سخن خوش شنود در بیداری با توحید حق تعالی گوید خاصه که درم سفید بود و
اگر درم سیاه بود و بر وی صورت بود دلیل بر جنگ و خصومت باشد و درم درست دلیل بر خیری
درست و درم شکسته بر سخن دروغ بود و اگر بیند که کسی او را درمی بداد یا بستان یا در صره بدو
داد آنکس سخن با وی بمشورت گوید او را دانش نگاه دارد و اگر بعضی از معبران گویند اگر کسی
بیند که درم کوچک یافت دلیل بر فرزند طفل بود و اگر بیند که درم از وی ضایع گردید یا کسی از
وی بدزدید دلیل بود که از بهر فرزند بر ملال و رنج و اندوه رسد و اگر بیند که درم کوچک
کم کرد و باز بیافت دلیل بود که آن رنج از دلش زایل گردد و اگر بیند که درم یافت یا کسی بدو
داد دلیل بود که او را با کسی گفتگوی بود و اگر بیند که درم در ترازو داشت دلیل بود که او را
بعضی از خصمان بدی کرد یا کی گوید اگر بیند که درم درست داشت سخن نیکو شنود و درم شکسته
سخن پراکنده بود و درم بسیار مال بود و اگر بیند که درمها با عیال خویش قسمت میکرد دلیل بود
که در میان ایشان قسمت داوری افتد و اگر بیند که درمها شکسته بود دلیل که در میان ایشان
سخن حکم رود و اگر بیند که در خانه بجز و اندر درم داشت با بجز و اندر او درد دلیل که بقدر آن مال
یابد و اگر بیند که درم بسیار داشت جمع کرد دلیل بود که مر مهمانان را از راه حق باز دارد قوله تعالی
مالا و عدده یحسب ان ماله اخلده و اگر بیند که درم در کف خویش بیند دلیل که او را فرزندی
آید و اگر بیند که اندرم از وی ضایع گردید دلیل که فرزندش بمیرد اگر بیند که بدرهای درم
و دینار یافت دلیل که مالی بغیر حلال جمع آورده جابر گوید اگر کسی در خواب درم سفید بیند

دلیل کند که درم سیاه یابد و اگر درم سیاه ببیند دلیل کند که درم سفید یابد و بسیار مردمان گفته‌اند
که در بیداری همان یابند که در خواب دیده باشند و اگر ببیند که درم بنهره بسیار داشت اگر بازرگان
بود دلیل که مفلس گردد و اگر کشاورز بود دلیل که او را هیچ منفعت نباشد و اگر پادشاه بود
معزول گردد و بخصومت ماند و درویش گردد چه درم را بپارسی فلس خوانند و فلس از افلاس
مشتق است یعنی مفلس شدن اسمعیل گوید درم بیان در خواب هشتاد دیدن و ثنای او بود و درم
دون بخلاف این باشد و درم درست سخن درست با حکمت بود و درم شکسته خصومت بود و قضای
حاجت و درم نقره مال بود و درم سیاه در تاویل بهتر از سفید بود و درم سیاه که درست بود که
سخنها بود و اگر ببیند که پادشاه وی را درم داد دلیل که وی را از او غم و اندوه بود خاصه چون
درم درست نباشد حضرت صادق ع فرماید که درم درست بخواب دیدن بر دوازده وجه بود اول
سخنهای درست دوم گذاردن حاجت سیم ولایت چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند
هفتم دین هشتم روزی فراخ نهم ایمنی دهم کنیزک یازدهم دریافتن جاه دوازدهم منزلت
خاص که داند که خداوند خواب مستور بود و درم شکسته بخواب دیدن بر چهار وجه بود اول
سخن زشت دویم جنگ و خصومت سیم بند و زندان چهارم گفتگوی مردم ابن سیرین گوید که درم
در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل است بر نقصان مال وی و عیال وی

درمینه

دروغ گفتن ابن سیرین گوید که دروغ گفتن در خواب دلیل بر فساد دین او بود و اگر ببیند که
گواهی بدروغ میدهد دلیل بود که دین او تباه گردد و تاویلش بخلال بود جابر گوید اگر ببیند که
پادشاه دروغ گفت دلیل کند که مردم نکوهش و بدی او گویند و حرمتی او بریزد و برود

دروغ گفتن

درودگری ابن سیرین گوید اگر بخواب ببیند که درودگری میکرد دلیل کند که مردم را نیکوخواه و ناصح
بود لکن صحبت او با مردمان بنفاق بود و میان ایشان رود و بعضی را نصیحت نکند و بطریق معالجه
خود را با ایشان نماید زیرا که اصل چوب بخواب نفاق بود قوله تعالی کانهم خشب مسندة حضرت صادق
فرماید تراشیدن و بریدن و راست کردن چوب تعلیم نیکو بود یا بصلاح باز آید لکن بعلم نفاق با
وی بود کرمانی گوید که درودگر در خواب مردی بود که مردمان را ادب و فرهنگ آموزد و مصلح کار
مردمان بود و راه دین و نفاق از ایشان زایل کند و چوب در خواب مردمانند که بدایشان نفاق

درودگری

نفاق بود و درودگر کارها را راست کند نخبرها اسنادها بنسب رود و گرد در خواب معلم بود که
کودکان جاهل و نادان را ادب و فرهنگ آموزد و راه دین نماید درویشی ابن سیرین گوید که درویشی
در خواب بهتر از توانگری بود خاصه در راه دین و صلاح و عافیت اگر ببیند که درویش شده بود
دلیل کند بر صلاح دین و عافیت وی و اگر ببیند که توانگر شده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی
گوید اگر ببیند که با درویش مسلمان خیرات کرد دلیل بود که از رنج و غمان رسته گردد و از بیم
ایمن شود و اگر درویش کافر بود دلیل که دشمن خود را در کاری یاری دهد و اگر ببیند که از درها
نان میخواست دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد دریا در خواب دیدن پادشاهی بود با جلال اگر
ببیند که آب دریا روشن و صافی بود دلیل بود که مفسد ظالم بود و اگر ببیند که جمله آب دریا را بخورد
دلیل بود که پادشاه عالم و فاضل بود اگر ببیند که از آب دریا برخی بخورد دلیل کند که بقدر آنچه
خورده بود عزت یابد اگر ببیند که از دریا بشنا بیرون آمد دلیل که از زندان و خدمت پادشاه سلامت
بیرون آید اگر ببیند که در دریا غرق گردید بمرد و بعد از آن وی را بالا افکندند دلیل که در کار دنیا
بحرص غرق گردد اگر ببیند که غرق شد باز از دریا بیرون آمد دلیل که از کار دنیا خلاصی یابد
اگر ببیند که از دور دریا میگریست دلیل بود و نزدیک آن نرفت دلیل که بدان امید که دارد نرسد
اگر ببیند که بر روی دریا همی شد چنانکه پای او تر نبود دلیل که از آتش دوزخ ایمن گردد و کار
دنیا بر او آسان گردد کرمانی گوید اگر کسی ببیند که در دریا بود دلیل بود که بخدمت پادشاه شود یا
مطیع مردی عالم و فاضل شود اگر ببیند که در میان دریا متحیر فرو مانده بود دلیل کند که کار او بی
خطر بود اگر ببیند که از دریا بیرون آمد دلیل بود که بغم گرفتار شود اگر ببیند که آب دریا بخورد و تمامت
سره بود اگر ببیننده عالم بود از علم بهره تمام یابد قوله تعالی قل لو کان البحر مدادا لکلمات
ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی اگر مردم خواب نه مردم پادشاه بود از پادشاه ایمن گردد
یا علم آموزد لکن از علم بهره یابد اگر ببیند که آب دریا میخورد و سخت گرم بود دلیل کند که گناه کند
و تاویل آن بغایت بد بود قوله تعالی سقوا ماء حمیما فقطع امعاءهم و اگر ببیند که آب دریا گندیده
ناخوش بود دلیل که او را خصمی نزدیک پیش آید و او را از آن خصم بیم سخت بود قوله تعالی تجرعه
ولا یکاد یسیغه جابر گوید اگر ببیند که در آب دریا همی رفت دلیل بود که توفیق طاعت یابد اگر ببیند

دریا

دست بریدن

که آب دریا زیاده شده دلیل که لشکر پادشاه زیاده گردد و اگر بیند که آب دریا کم گردیده دلیل
بود که لشکر پادشاه کم گردد و اگر بیند که آب دریا خشک شده دلیل بود که لشکر پادشاه و پادشا
هلاک گردند اگر بیند که برخی از آب دریا بخورد و بروی هیچ بدی نیامده دلیل بود که پادشا
را با عالمی را هلاک کند اگر بیند که آب دریا و رودها جمع شدند دلیل بود که پادشاه اندیار
مال و خزانه خویش را بیکجا جمع کند و اگر بیند که از دریا موجها برخواست و جهانرا از ابر تاریک
کرده بود دلیل کند بر گناه و عصیان مردم اندیار قوله تعالی من فوقه موج من فوقه سحاب اگر بیند
که از دریا موجی برخواست یا از دریا شکار میکرد ... دلیل بود که بر قدر آن روزی حلال یابد و
عیش بر عیال او فراخ گردد قوله تعالی احل لکم صید البحر و طعامه متاعا لکم و اگر بیند که آب دریا
شور بود دلیل بود که کسب حلال بگذارد و کسب حرام کند اگر بیند که تنها در شهر میرود و شادی
میکرد دلیل کند که غم و اندوه بوی رسد ... ابن سیرین گوید اگر بیند که قاضی یا سلطان
دست او را ببریدند دلیل کند که برادر یا خواهر او بمیرد اگر هر دو دست خویش را بریده بیند دلیل
کند که از کسب و مراد خویش باز ماند اگر بیند که یکدست یکدیگر را باز میکرد دلیل کند که بر کسب
خود ظلم و بیداد کند اگر بیند که دست خویش را بکاردی ببرید دلیل کند که او را دل بهوای کسی
مشغول گردد قوله تعالی وقطعن ایدیهن و اگر بیند که کفهای دست بر هم میزد دلیل بود که باد
کسی که با هم پیوند ندیا کوی ... ابنکاح آورد اگر بیند که در شهری یکی را ... دند و دست او را
ببریدند و دیگری را بردار کردند دلیل بود که امیر آن شهر معزول گردد و دیگری بجای آن نشیند اگر
بیند که دست او شل شده بود دلیل که برادر یا انباز او را باز دارند و در شغلها او خلل افتد
اگر بیند که همچون چهارپایان بچهار دست و پا همی رفت و با شکوه روی باسمان داشت دلیل کند
که حاجتی محال جوید بدشواری برآید اگر بیند که هر دو دستاو ... دلیل بود که از کسب
فرو ماند اگر بیند که دست او مادر زاد خشک بود دلیل که از صدقه دادن و کار خیر فرو ماند که ...
گویا اگر بیند که چپ شده بود یعنی کارها بدست چپ شده بود میکرد دلیل کند که کارها بپوشید
کند و حاجتش روا گردد خاصه که کار را بدست چپ کند اگر بیند که دستهاء او بلند ... گشته بود
دلیل کند که همتش بر تعلیم علم و دانش بود و بلندی حال اگر بیند که دستش بریده کرده بدندانش

حرف الدال

که دست راست با چپ دلیل بود که او را مصیبتی رسد از مرگ برادر یا فرزند یا انباز اگر بیند که دست
او بزرگتر یا قویتر از آن شد که بود دلیل بود بر قوت احوال آنکسان که یاد کرده شد اگر بیند که
چون دستش بریده شد قرآن میخواند دلیل بود که دست از عصیان باز دارد و حرام نکند و راه ...
و بعضی از معبران گویند که دست بریدن در خواب دلیل عمر دراز و عیش خوش کند اگر بیند که دست
راست او ببریدند از بهر گناه دلیل کند که دروغ گوید و بی امانت بود و ... گویا اگر بیند که دست خویشرا
چون چنبر دگر کرده بود دلیل کند که کردار بیک نماز و طاعت کند و حج و غزا کند و خیرات بجا
آورد اگر بیند که دست او را از جائی کوتاه کردند دلیل بود که مقصودی که دارد برنیابد از کسی که امید
یاری خواهد اگر بیند که دست او کوتاه و یا دراز شد و از ترکیب حال خویش بگشت دلیل بر فساد
پیشه و منفعت وی کند و اگر بیند که پادشاهی کسی دست او ببرید دلیل بود که سوگند ...
سوگند دروغ کند اگر بیند که دستش از تن او بحویل کرد ببدن پیغمبری یا کسی از اهل ... صلاح
دلیل بود که حقتعالی او را هدایت دهد تا بر دست او توبه کند و بخدا تعالی باز گردد همچنانکه بر دست
پیغمبران و زاهدان توبه کنند و گروند اگر بیند که دستش بحویل کرده بتن پادشاهی از ان پادشا
مصلح دین دار بود دلیل کند بر خیر و صلاح دین و اگر آن پادشاه مفسد بیدین بود دلیل کند بر شر
و فساد برو اگر بیند که یکدست وی دراز شده دلیل بود بر قوت حال وی بدانچه طلب همی کند دلیل
بود با میدی که دارد برسد اگر بیند که هر دو دست ... دلیل بود که بر کار خویش اعتماد ننماید
و معبران گویند از خویشان منفعت یابد و اگر بیند که دست او در سخن گفتن دلیل بود که معیشت
او نیکو بود اگر بیند که هر دو دست خویش را در بدن ... دلیل کند که جمله قرآن از ظاهر ...
اسمعیل گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شده بود بزرگی پادشاهی یابد اگر بیند
که دست راست او زرین شده بود دلیل بود که دولتش زایل گردد اگر بیند که دستهاء او باشتاب
می شسته دلیل بود که از خیر او نومید گردد که امید دارد اگر بیند که جانوری که بتاویل ...
از سوی دست چپ او بیرون آمده بسوی راست بیرون شده یا بیند که از سوی دست راست بیرون
شده دلیل کند که غم و اندوه از او زایل گردد و عاقبت کار وی محمود بود و اگر ... تاویل ... بود
تاویل بخلاف این بود اگر بیند که دست راست او خشک گردیده هم دلیل بر فساد او ... کند اگر بیند

اهل و بچه او

که دست کسی را ببست گرفت یا دست در گردن کسی در آورد و ندانست که آنکس زنده است دلیل
کند که عمر او دراز گردد و اگر بیند که در دست مشرکی دست او در نجن سیمین کرد دلیل بود که مشرکی
بر دست او مسلمان گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن دستبرنجن در خواب بر دوازده وجه
بود اول برادر دوم خواهر سیم انباز چهارم دوست پنجم رفیق ششم فرزند هفتم قوه هشتم توانائی
نهم کفایت دهم مال یازدهم محبت دوازدهم پیشه و صناعت

دست اورنجن

دستاورنجن ابن سیرین گوید که دست
اورنجن که دست بند باشد در خواب زنان را شوهر بود و مردان را غم و اندوه و تنگدستی اگر
بیند که دستاورنجن سیمین داشت دلیل که غم و اندوهش کمتر بود کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه
دستاورنجن بوی داد دلیل بود که او را فرزندی آید یا برادری و این خواب اگر زنی بیند دلیل
که شوهر کند جابر گوید اگر بیند که در هر دو دست او دستاورنجن سیمین داشت دلیل بود که او را
مال و نعمت برنج حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن دستاورنجن در خواب بر پنج
وجه بود اول پادشاهی دوم حکمت سیم ملک چهارم علم پنجم فرزند یا برادر

دستینه

دستینه بدانکه دستینه
در خواب مردان را بهتر از زنان بود ابن سیرین گوید اگر مردی بیند که دستینه در دست
داشت و از آهن بود دلیل بود که او را قوت و توانائی بود خاصه که از فولاد بود اگر دستینه
زرین بود یا سیمین تاویلش چون دستاورنجن بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن دستینه
در خواب بر سه وجه بود اول قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سیم نظام کارها

دست و روی شستن

دست
و روی شستن ابن سیرین گوید اگر بیند که دست و روی تمام با آب صاف شست چنانکه شرط است
دلیل که حاجتی که دارد تمام بیابد و مقصودش حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که دست و روی
با آب پلید می شست و تمام نشست تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که در چشمه صافی دست و روی
تمام بشست دلیل بود که اگر غمگین بود فرج یابد و اگر ترسنده بود ایمن گردد و اگر بیمار بود شفا
یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر اسیر بود از بند رهائی یابد و اگر بیند که دست
و روی ناشسته نماز کرد دلیل کند که دینش ضعیف بود و مالی که دارد از دستش برود کرمانی گوید
اگر بیند که به بول دست و روی خود را می شست دلیل بود که از دست او بیمار خود باری خواهد و شغل
از بهر خود حرص خود طلبد اگر بیند که چون دست و روی شست او را حالتی پدید آمد که وضو

باطل شد

حرف الدال

باطل شده دلیل بود که در کسب و کار خویش عاجز گردد و اگر بیند که چون حدث کرد دیگر بار چون
دست شست و نماز کرد اما نماز را تمام نکرد دلیل کند که آخر عمر او بود و اگر نماز نکرد بهتر بود حضرت
صادق علیه السلام فرماید اگر بیند که دست و روی می شست او بتامل نگاه در روی عالمی
کرد دلیل کند که بر دست آنکس توبه کند

دستره

دستره شرح تاویل دستره هم چنان بود که در حرف الف
در تاویل اره بیان کرده ایم

دشمن

دشمن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که با دشمن در نبرد بود اگر بیند که
دشمن وی را بخورد دلیل بود که در بلا و مصیبت افتد توبه باید کرد و صدقه باید داد تا از آن برهد
حضرت صادق ع فرماید که دیدن دشمن بخواب بر شش وجه بود اول بستگی کارها دوم غم و اندوه سیم
خسران مال

دشنام

دشنام ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که دشنام میداد دلیل بود که آنکس را احوال نیکو گردد
کرمانی گوید اگر بیند که کسی او را دشنام میداد دلیل بود که آنکس بروی چیره و کامکار گردد

دعا کردن

دعا کردن
ابن سیرین گوید که دعا کردن در خواب دلیل حاجت روائی بود اگر بیند که خود را دعا همی کرد و از مردمانش
بخواست دلیل بود که خانه اش بخیر بود و حاجتش روا گردد و اگر کسی بیند که کسی را دعا میکرد دلیل
که بظلم و فساد گرفتار آید و از معروف بجای آورد و اگر بیند که مظلومی را دعا میکرد دلیل بود که همه خلق
را نیکو بود و بد کس نبیند پیشه و همه کس دوست دارد و اگر بیند که دعای خاص همی خواند دلیل بود
که او را فرزندی آید بقوله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا کرمانی گوید اگر کسی بیند که در تاریکی دعا
همی خواند دلیل بود که از غم فرج یابد اگر بیند که بتضرع و زاری همی خواند اگر مصلح و پارسا بود
حق تعالی او را بیامرزد و حاجت او روا کند و اگر مفسد بود گناهش را عفو کند و او را توبه دهد

دف زدن

و اگر کافر بود دین اسلام آورد و اگر کراهت کند دف زدن را ابن سیرین گوید دف زدن در خواب بلهو و
بود بر آنکس که دف زند لکن اگر کنیزک دف زند دلیل بود بر چیزی مشهور که بوی رسد و اگر دف زن
آزاد بود دلیل بود بر کاری مشهور و اگر دف مردی جوان زند دلیل بود که با دشمن خود را بهر دف
کند و اگر دف مردی پیر زند دلیل کند که ترا امر معروف کند و کار صلاح نکو بیند کرمانی گوید اگر
بیند که مردی در خواب دف زند استاد او را نیکو دلیل بود که زنی خواهد که بصورت نیکو
بکردار بد بود حضرت صادق ع فرماید آواز دف شنیدن در خواب نشاط و شادی بود چون آواز زن
و کنیزک شنود اگر آواز دف از مردی پیر شنود دلیل بر بخت و دولت و فیروزی بود و آواز دف

دلالی کردن

مردی جوان شنیدن دلیل بر ظاهر شدن حالی کند. دلالی کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
میکرد دلیل کند که مصلحت معنای خیر بود بکردار نیک حضرت صادق فرماید که دلالی کردن در خواب
بر چهار وجه بود اول مصالحه کردن میان مردم دوم راه راست نمودن سیم کردار نیک چهارم امر
معروف بجا آوردن بدانکه دل امیری بود که همه تمامی مردمان بخیر و شر دل بیانکه دل پادشاه تن است
و تن قایم بفرمان او دست و دل خزانه عقل و ضمیر است و پنهان و آشکارا ابن سیرین گوید که دل

دل

مال جمع کرده بود بخواب که بوی رسد یا مالکی که رهد و اگر بیند که دل بیرون تن او بود دلیل
کند بر صلاح و نیکوئی تن وی قوله تعالی حتی اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحق. اگر بیند
که دل او تنگ شده دلیل بود که کارها وی تنگ شود گردد و اگر دل را شاد همی بیند دلیل بود
که کارها بر وی گشاده گردد اگر دل را فروبسته بیند از گناه توبه باید کردن قوله تعالی افلا یتدبرون
القرآن ام علی قلوب اقفالها و اگر دل را بر دست بسته بیند دلیل بود که سخت بیمار گردد اگر
دل را بهر دو دست گرفته بیند دلیل بود که کاره ... بر وی برآید که هلاک گوید اگر بیند که دلش درد
میکرد دلیل بود که مالش زیاده گردد. اگر بیند که چشمهای دل او گشاده شده بود دلیل کند که بکار
هر دو جهان راغب گردد اگر بیند که از دل او خون بیرون آمد دلیل بود که از کار نا کردنی توبه کند
و بحق تعالی باز گردد اگر بیند که از دل او صفرا بیرون آمد دلیل بود که بیمار گردد و اگر بیند که بر دل
وی خستگی رسید دلیل بود که بغم گردد اگر بیند که از دل او گوهر بیرون آمد و آن گوهر از دهان
افکند دلیل بود که کار نیکو کرد و اگر بیند که آن گوهر از زمین برداشت و فرو خورد دلیل بود که ...
مسلمان گردد و اگر بیند که گوهر از دل برآورد دلیل بود که ترک ... بگوید جابر گوید اگر بیند
که دل او پاره پاره شده دلیل بود که دل را بهوس محال و شغلها نا کردنی مشغول کند اگر بیند که
دل او روشن شود بود دلیل بر صلاح دین او کند و اگر بیند که دلش تاریک تیره بود تاویلش
بخلاف این بود حضرت صادق فرماید که دل بخواب دیدن بر ده وجه بود اول مال دوم ولایت سیم
فرزند چهارم شجاعت پنجم جوانمردی ششم حرص و آز هفتم دین هشتم قوت نهم شهوت دهم ... اتفاق

دنبال

احوال الحواشی دنبال ابن سیرین گوید اگر بیند که چون اسب و خر و گاو دنبال داشت دلیل بود که با
دنبه او زیاده گردد و دنبالکانی بجوشید که ... اند اما در ده دین سستی کند و بعضی از معبران گویند

اگر

حرف الواو

اگر کسی بیند که دنبال داشت دلیل کند که مردمان تابع او شوند اگر بیند که دنبال او چون دنبال
سگ یا خر یا گرگ بود دلیل کند که مال حرام یابد و مردمان او را ملامت کنند کرمانی گوید که اگر
بیند که دم اسب یا دم خر در دست داشت دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد اگر بیند که در
دست دنبال حیوانی داشت که گوشت او حرام بود دلیل که مال حرام یابد حضرت صادق فرماید که
دنبال حیوان در خواب بر چهار وجه بود اول تبع دوم یاران سیم مال چهارم عیش و راحت

دُمل

دمل ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که دمل داشت دلیل بود که مالش زیاده گردد بر قدر آن
دمل اگر بیند که دمل او بشکافت و خون از وی بیرون آمد دلیل که قدری از مال او تلف گردد
جابر گوید اگر بیند که دمل بشکافت و از او خون و ریم میچکید دلیل بود که بقدر آن مال
جمع کند اگر بیند که دارو بر دمل نهاد و جامه از خون بشست دلیل بود که از مال حرام توبه کند

دُنبه

دنبه ابن سیرین گوید که دنبه در خواب دلیل بر مال بود که مردم نگاه میدارد یا مال ...
بود اگر بیند که دنبه خام میخورد دلیل کند که مال دارد بشبهه اگر بیند که دنبه پخته میخورد دلیل
بود که دشمنش از مال او میخورد کرمانی گوید اگر بیند که چون گوسفندان دنبه داشت دلیل بود
که او را فرزندی آید که صاحب اقبال و دولت بود و روزی بر وی فراخ بود حضرت صادق فرماید

دندان

که دنبه در خواب ملک بدست مردم بود دندان دانیال گوید که دندان در خواب اهل بیت صاحب خواب
بود و دندانهای بالا دلالت کند بر پدر و دندان زیرین دلالت کند بر مادر و دندان پیشین
دلالت کند بر فرزندان و خواهران و برادران یا بر مادر و پدر بود و دندانها بکم بر جنب آن
باشند دلیل بر عم و فرزندان عمان و دندانها بکم بر جنب دندانهای پیکو است که از آشنایان خوانند
دلیل بر مهتر و بزرگ خاندان کند و دندانهای دیگر دلیل بر خالان و فرزندان خال کند و دندانهای
پسین دلیل بر کسی کند که از خویشان دور باشد و بعضی از معبران گویند که دندانهای پیشین
آنچه از جانب راست بود دلیل بر پدر و خویشان پدر کند و دندانها که از جانب چپ بود دلیل بر
مادر و خویشان مادر کند اگر بیند که دندان پیشین او بجنبید دلیل کند که از جماعت گروهی
کو و هم یکی بیمار گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که دندان پیشین او برکند و ... کنار یا
بر زمین افتاد و بجا آلوده نکرد دلیل بود که او را فرزندی یا خواهری یا برادری آید اگر بیند

در میان ابنای او در میان خانه

اگر دندان پیشین او ضایع گردد دلیل کند که از اینجماعت یکی هلاک گردد یا جدا گردد چنانکه
هیچکس از وی نشان ندهد اگر ببیند که بعضی از دندان او بشکست یا ضایع شد دلیل کند که بعضی
از ایشان بلائی رسد اگر ببیند که دندان پیشین او کوفته گردید دلیل کند که او را با چنان
کسان خصومت افتد اگر ببیند که یکی از دندان پیشین او کنده شد دلیل بود که یکی از اینجماعت او را
دشمن گردد یا از او مفارقت جوید اگر ببیند که دندانهای پیشین او فتاده گردید یا خوب دید که
شد دلیل کند که یکی از اینکسان را خیر و خرمی و زیادتی دولت و منزلت بود اگر ببیند که در جنب دندان
پیشین او دندانی برست اگر دندان بالایین بود دلیل که او را پسری بود یا برادری اگر دندان
زیرین بود دلیل که او را دختری آید اگر ببیند که دندان پیشین خود را برکند دلیل کند که دندان
یکی از اینگروه بکند اگر ببیند که جمله دندانهایش بر کف دست یا بر کنارش افتاد دلیل بود که
اهل خانهاش بسیار گردند اگر ببیند که جملهٔ دندانهایش بیفتاد یا در میان خانه ناپدید گردید
دلیل بود که اهل خانهاش جمعی هلاک گردند و تاویل دندانهای دیگر چون تاویل دندانهای
پیشین باید کرد و هر دندانی که تعلق بانکس دارد اگر ببیند که دندانهای او از آبگینه بود یا از
سیم یا از سفال و مانند آن دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد اگر ببیند که از دل و دندان
دستن است دلیل کند که وی را هلاک کنند و بعضی از معبران گویند که افتادن دندان گذاردن
وام بود بعضی گویند دلیل رنج و خصومت بود کرمانی گوید که دندان بالا در مقابل چشم است دلیل
… کند و دندان زیرین در مقابل پیشانیست دلیل … اگر ببیند که دندانهایش جمله
در کنارش افتاد پس جمله را در کف خود گرفت دلیل بود که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از
او جدا گردند اگر ببیند که از دندانهای او بوی خوش می آمد دلیل بود که خویشان بروی ثنا گویند
اگر بخلاف این ببیند دلیل کند که خویشان بروی غیبت کنند اگر ببیند که دندانش درد می کرد
و برکند دلیل کند که مال یابد اگر ببیند که دندان او سیاه شد او را غم و اندوه رسد اگر ببیند که
دندانهایش افتاده بود و در کهنه بست دلیل کند که او را عمر دراز گردد چنانکه همه را بدست خویش
… کند جابر گوید اگر ببیند که دندانش درد میکرد و درد سر فرا گرفت اگر …
فرا گرفته دلیل باشد که منفعت یابد … درم کمتر نباشد و زیاده از … درم …

دلیل

حرف الدال

دهان

و اگر بدست چپ گرفت آن منفعت که از سیصد درم بود و زیاده از نه هزار درم نباشد و اگر ببیند
دست فرا گرفت دلیل که مال فراوان یابد اگر ببیند که از دندان دندانی خون آلود فرا گرفت دلیل
که آن منفعت از آنکس بود که آن دندان بر کرد لکن او را مصیبتی رسد اگر ببیند که بعضی از دندانهایش
ناپدید گردید دلیل بود که بعد از آن از خویشان وی بعضی وفات کنند یا بسلامت باز آیند اگر ببیند
که همه دندانهای وی در میان دهان جمع شد دیگر باز بجای خود نشست دلیل که خویشان وی شکایت
کنند از او حضرت صادق فرماید که دیدن دندانها در خواب بر شش وجه بود اول اهل بیت دویم
مال سیم منفعت چهارم عمر و اندوه پنجم مضرت ششم مفارقت از خویشان دهان دانیال گوید
که دهان در خواب دیدن کلید کارها و خاتمه وی بود و هر چیز از دهان بیرون آید دلیل تاریک
و جوهر کلام بود اگر نیکو بود و اگر بد هر چه در دهان شود از جوهر روزی بود و آنچه از غذا
در دهان شود صلاح دین او بود اگر ببیند که بکراهت چیزی در دهان او بود چنانکه خوردن آن
بدشواری توانست دلیل بر سختی و رنج کند در معیشت و اگر آنچه در دهان او بود شیرین بود
و در گلو بگذاشت دلیل کند در راحت و خوشی در معیشت ابن سیرین گوید اگر ببیند که دهان وی
سخت بسته بود دلیل بود که هلاک گردد یا بیمار شود یا اجلش نزدیک آمده باشد اگر ببیند که
دهان او فراخ شده بود چنانکه طعام بسیار در وی می گنجید دلیل بود که بقدر آن دهان نعمت
روزی رسد کرمانی گوید اگر کسی بخواب دهان خود را نیکو ببیند دلیل بود که سخنهای نیکو شنود
و اگر دهان خود را کج ببیند یا بسته یا زشت دلیل بود که سخنهای زشت شنود و به هیچ کار نیاید اگر کسی
ببیند که گوشت دهان او بیفتاد دلیل بود که او را زیانی رسد اگر ببیند که از دهانش خون بیرون
آمد دلیل کند که از کسی گفتگوی بخصومت شنود اگر ببیند که بدان خون شلوار او آلوده بود دلیل
کند که آن داوری از جهت زنان باشد اسمعیل گوید اگر ببیند که از دهان او کرم یا جانوری بیرون
آمد دلیل بود که یکی از عیالان او از او جدا گردد بمرگ یا بزندگانی و اگر ببیند که از دهان او پلید
بیرون آمد دلیل بود که هر چیز که بجای مردم بود بسبب سخن نهادن باطل گردد و اگر ببیند که از
دهان او بوی خوش آمد دلیل که مردمان بروی ثنا گویند و اگر ببیند بوی ناخوش آمد دلیل
بخلاف این بود اگر ببیند که از دهان او مروارید بیرون آمد و مردمان گرفتند داد هیچ …

دلیل بود که مردمان از علم او بهره مند گردند و اگر هیچ منفعت نباشد و اگر ببیند که از دهان خود
پلیدی می انداخت مردمان از وی بگریختند دلیل کند که شاعر بود و مردمان را هجو کند و اگر
ببیند که کسی بر دهان او مهر نهاد دلیل است که دلیل بود که در میان خلق رسوا گردد قوله تعالی
الیوم نختم علی افواههم جاحظ معبر گوید اگر کسی ببیند که چیزی از دهن وی بیرون آمد دلیل
کند که سخن گوید و اگر بخلاف این بود دلیل سخن زشت بود و اگر ببیند که چیزی نیکو در دهن
نهاد دلیل بود که روزی حلال یابد اگر ببیند که چیزی پلید در دهن نهاد دلیل بود که روزی
حرام خورد اگر ببیند که او را دهان دره می آمد چنانکه عادت مردم است دلیل بود که خواهد از
کسی شکایت کند حضرت صادق فرماید که دیدن دهان در خواب بر هفت وجه بود اول کمر انج
خانه دوم خزانه سیم کشایش کار چهارم مال پنجم حاجت ششم وزیر هفتم دربان

دهل زدن

دهل زدن ابن سیرین
گوید که دهل زدن در خواب کلام باطل و خبر مکروه و دروغ و کار پیدا و روشن بود و این جمله
دلیل بر زننده دهل کند و اگر ببیند که با دهل نای زنند و پای کوبند دلیل بر غم و اندوه و مصیبت
کند و اگر ببیند که او معزد دهل میزد دلیل کند که سخن باطل گوید یا کاری کند روشن و پیدا
حضرت صادق فرماید که دهل زدن در خواب دلیل بر خبرها دروغ و مختلف بود که در او
هیچ خیر نباشد

دهلیز

دهلیز کرمانی گوید که دهلیز خانه در خواب خادم خانه بود اگر ببیند که دهلیز
خانه نیکو و آبادان است دلیل بر تندرستی خادم خانه کند و اگر ببیند که خراب است دلیل بر بیماری خادم
کند جابر گوید اگر ببیند که دهلیز خانه او دیوار از گل و خشت بود دلیل بود که خادم خانه او
مصلح باشد و با امانت و اگر ببیند که دیوارش از گچ و آجر یا از سنگ بود دلیل بود که خادم
خانه مفسد و بی دین و بی امانت بود

دوال

دوال ابن سیرین گوید که دوال در خواب دیدن خیر و منفعت
باشد بر قدر قیمت آن جانور که دوال از پوست او بود اگر ببیند که دوال را پاره پاره کرد یا
از وی ضایع گردید یا بسوخت دلیل بود که بر قدر آن وی را زیان و مضرت رسد جابر گوید
اگر ببیند که دوال بسیار داشت و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت او حلال بود
دلیل بود که بقدر آن ویرا مال حلال حاصل گردد و اگر بخلاف این ببیند دلیل بود که او را
مال حرام حاصل گردد

دوختن

دوختن ابن سیرین گوید اگر بخواب ببیند که جامه خویش را میدوخت

کار بش براد

حرف ال

کار بش براد شود و حالش بصلاح باز آید و اگر ببیند که جامه عیال خود میدوخت همین تاویل
دارد و اگر ببیند که جامه زنی میدوخت دلیل بود که غم و زیان بوی رسد و اگر ببیند که جامه
میدوخت تا و پلش نیکو باشد اگر ببیند که سوزن در دست داشت و جامه تمام ندوخت دلیل بود
که اینکس هر شغل که پیش گیرد تمام نکند اگر ببیند که جامه دوخته در جامه بسیار داشت عیش بروی
فراخ گردد و مال تمام از میراث بیابد جابر گوید اگر ببیند که از بهر خود پیراهن دوخت و گریبان تمام
کرد دلیل بود که با عیال خود سازگار بود و اگر ببیند که شلوار دوخت و نیفه آن تمام دوخت دلیل
بود که زنی خواهد سرانجام از خویشتن ها یابد اگر ببیند که قبا دوخت دلیل بود که زنی بخانه
خود مشغول گرداند اگر ببیند که پیراهن بیرون پاره کرد دلیل بود که بکدخدائی خود مشغول
گردد اگر ببیند که جامه عیال میدوخت دلیل بود که بخصومت عیال خود درماند و اگر ببیند که
از بهر جامه دوختن رشته میتافت دلیل که از جائی بجائی تحویل کند اگر ببیند که از بهر عیال جامه
ابریشمین میدوخت دلیل که غمگین گردد بتهمت گناهی که از او در وجود آید حضرت صادق فرماید که
دوختن در خواب کسی بود که کارها دنیا بر دست او بصلاح آید خاصه آنکس را که جامه از بهر
دیگری دوزد

دود

دود ابن سیرین گوید که دود در خواب پادشاهی ستمگر بود اگر ببیند که در جانب
مشرق یا در جانب مغرب دود را دید یا دود عظیم بود دلیل کند که مردم آن دیار را از آن پادشاه جور
و ستم رسد و در محنت گرفتار گردند اگر ببیند که دود در عالم برخواسته بود و آتش زبانه میزد
دلیل که فتنه در آن عالم پدید آید جابر گوید اگر ببیند که دود شهر یا در ولایتی آنکه آتش بود
بر می آمد دلیل بود که اهل آن موضع را از حقتعالی بیم بود و توبه باید کرد اگر ببیند که دود از خانه
یا از دکان او دود بیرون می آمد دلیل بود که پادشاهی ظالم او را مصادره کند و مالش بستاند

دوزخ

دوزخ ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که در دوزخ شد بیرون نیامد دلیل کند که عاقبت کار او
بود و توبه باید کرد و بازگشت بسوی حقتعالی زیرا که اجل او نزدیک آمده باشد اگر توبه نکند
بیم بود که در کافری بمیرد اگر ببیند که دوزخ را دید و از او رنج و گزندی بر تن او نرسید دلیل
بود که در رنج و غم دنیا گرفتار گردد و باخر سلامت یابد اگر ببیند که در دوزخ شد و خلاص
کرد دانجا کی رفت دلیل کند که پیوسته در دنیا مدبر و محزون و [illegible] بود اگر ببیند

که طعام و شراب در دوزخ میخورد و در آتش میسوخت دلیل کند که در دنیا کردار بد میکند
در آخرت بلای او بود اگر بیند که فرشته موی پیشانی او را بگرفت و در دوزخ انداخت دلیل بود
که بیننده را علامت بادو بدبختی بود کرمانی گوید اگر بیند که خود در دوزخ شد دلیل بود که
در گناه کردن بمیرد و اگر بیند که از اهل دوزخ چیزی بخورد مانند زقوم و حمیم دلیل بود که بعلم
باطل مجهول مشغول گردد که آن علم وبال او بود یا خونی ناحق کند اگر بیند که شمشیر کشید
در دوزخ رفت دلیل بود که سخن فحش منکر گوید اگر بیند که آتش دوزخ همی خورد دلیل بود
که مال یتیمان همی خورد اگر بیند که آتش نزدیک دوزخ می افروخت دلیل بود که او را کاری صعب
پیش آید از جهت پادشاهی جابر گوید اگر بیند که او را کشان کشان بدوزخ بردند دلیل کند که عاقبت
او بکفر کشد اگر بیند که بانگ آتش دوزخ میشنید دلیل بود که هیبت سیاست پادشاه بدو رسد
اگر بیند که در نزدیک دوزخ فرا گرفت دلیل کند که جهان بروی تنگ گردد و عیش بروی تلخ شود
کرد حضرت صادق فرماید که دیدن دوزخ در خواب بر شش وجه بود اول خشم گرفتن خدای
تعالی بروی دوم مبتلا بگناه سیم جور سلطان چهارم رنج و مصیبت پنجم خذلان ششم
مال یتیمان و رباخوردن دوشاب ابن سیرین گوید که دوشاب در خواب بحال مستغنی بود
لکن نزد انبیا اگر بیند که دوشاب بخورد دلیل بود که بر قدر آن او را مال حاصل گردد اگر بیند
که اندکی دوشاب در دهان نهاد دلیل که از کسی خوش شود جابر گوید اگر بیند که دوشاب هیچ
پاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی بحسب حال حاصل گردد اگر بیند که از شیره دوشاب همی
پخت دلیل کند که کاری کند که از آن منفعت یابد دوش ابن سیرین گوید که دوش در خواب
دیدن دلیل آهستگی مرد و جمال و زینت او بود اگر دوش راست ضعیف شکسته بیند تاویلش
بخلاف این بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که دوش او قوی و درست است امانتی که در گردن او بود
گذارده کرد اگر بیند که سست و ضعیف بود دلیل که از امانت گذاردن فرو ماند اگر بیند
که بر دوش او موی بسیار است امانت نگاه دارد دیگ ابن سیرین گوید که دیگ در خواب
کدبانوی خانه بود و خداوند خانه و هر نقصانی که در دیگ بیند تاویلش بر خداوند خانه بود
اگر بیند که در دیگ گوشت خوردنی بود دلیل بود که در دنیا با خیر بسیار بدو رسد اگر بیند

دوشاب

دوش

دیگ

که دیگ را

حرف الدال

که دیگ بشکست دلیل بود که خداوند یا کدبانوی خانه هلاک گردد حضرت صادق فرماید
که دیدن دیگ در خواب بر پنج وجه بود اول کدخدای خانه دوم کدبانوی خانه سیم معیشت
چهارم خادم پنجم موکل بر حوائج دیگ پایه ابن سیرین گوید که دیگ پایه در خواب بر دو وجه بود
اول کدخدای خانه دوم کدبانوی خانه اگر بیند که دیگ پایه نو فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل
بود که کدبانو بخانه آورد اگر بیند که دیگ پایه بشکست دلیل بود که کدخدا یا کدبانوی خانه بمیرد
جابر گوید اگر دیگ پایه در خواب بیند دلیل بر کدخدای سرا بود یا بر مردی قوی حال دلیل بود
که آن کس بیند دینارها دانیال گوید که دینارها در خواب که عددش بیش از چهار تا
دلیل که او را کاری ذکر آهن رسد یا سخنی شنود که او را از آن دشوار آید بقدر بسیاری
کی دینار و اگر عدد دینار معروف بود آنچه گفتیم کمتر بود ابن سیرین گوید اگر بیند که دینار
بعدد پنج بود دلیل که کاری نیکو و پسندیده کند اگر بیند که با او یک دینار بود بر بزرگی کوچک
دلیل بود که برای کوچک نو برسد خاص از کسی معروف اگر آن دینار بوی دهد و اگر با وی
صد دینار بود یا هزار دینار دلیل بود که علمی اختیار کند که وی را حاصل گردد لکن جهد وی
باید که حفظ باشد و نزد اگر بیند که دینار بکسی داد یا از وی ضایع گردید دلیل که او را علم
بعدد دینارها ضایع گردد کرمانی گوید اگر بیند که یک دینار یافت یا کسی بوی داد دلیل کند
که او را فرزندی آید اگر بیند که دینار از وی ضایع شد دلیل بود که از جهت فرزند او را مصیبت
رسد اگر بیند که دینارهای بسیار داشت رنجی بوی رسد معبران گویند که دینارها بخواب
دیدن دلیل گذاردن امانتها بود قوله تعالی و منهم من ان تامنه بدینار لا یؤده الیک و اگر
در کف خویش پنج دینار بیند دلیل بود که پنج نماز بجا آورد اگر بیند که از آن پنج دینار دو
دینار ضایع گردید دلیل بود که از نماز خدای بجا آورد و دینار کهنه و بیشتر هم بر این قیاس بود
اگر بیند که دینارهای بسیار یافت و بجائی محکم بنهاد دلیل بود که امانت مسلمانان نگاه
دارد خاصه نمازها اگر بیند که دینار همی زد دلیل بود که در میانه مردمان مهم فرخ
کند و امانت گذارد اگر بیند که یک دینار یافت دلیل بود که بروی قباله نویسنده دو زند
از بهر امانت که بد بسیار زند و بدنیا بود که در خواب دینار یابد و بر بسیاری همان

دیگ پایه

دینارها

بابند اسمعیل اشعث گوید که دینار نیکو بخواب دیدن دین بود و راه راست خاصه که بروی صورت
نکرده بود و چون دینار مخلف و مغربی بیند دینار بد که بروی صورت نکرده بود دینی در راه
کج بود و بدی دینار مال دنیا بود و اگر کسی بیند که یک دینار داشت نیک و بروی صورت بود از
وبروی دیگر نام خدای تعالی دلیل که اگر مسلمان بود مرتد گردد و اگر کافر بود مسلمان شود حضرت
صادق علیه السلام فرماید که دیدن دینار چون بعدد پنج بود پنج نماز و اگر بعدد جمعه بود دین با
وعلم با منفعت بود اگر بعدد فرد بود بخلاف این بود اگر بیند که دینارها بکسی داد یا ضایع کرد باید
یا بدزد دید ندا بجمله دلیل بر زوال غم و اندوه کند و اگر از یک دینار تا چهار بستاند یا کسی بوی
دهد دلیل بر عز و جاه و نعمت بود و از قبل زنان معبر گوید که دینار بخواب زن و کنیزک و فرزند بود و
دینار دنیا مال بود که برنج و خصومت بدست آید و

در ده رفتن

ابن سیرین گوید اگر کسی بیند در خواب
که در دهی بود و نام آن نداند دلیل بر خیر و نیکی کند و اگر نام آن ده دانست دلیل بر بدی بود و اگر
دید که از ده بیرون آمد نیکو بود اگر بیند که در ده شد بد بود کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که از
شهری خراب بدهی آبادان شد و در دهی نعمت بود دلیل بر خیر و برکت و عز و اقبال کند و اگر بخلاف
این بیند دلیل بر شر و ادبار کند اگر بیند که در دهی گم شده بود ثنا و بلیش نیکو بود جابر گوید اگر
کسی بیند که در دهی مجهول بد ده داده است دلیل که بر فلان عمارت دیر و دیر اخیر و منفعت رسد اگر
بخلاف این بیند نیکو نباشد

دیوار

ابن سیرین گوید که دیوار در خواب حال بیننده خواب بود در دنیا
اگر بیند که بر دیوار نشسته بود و آن دیوار محکم و باقوه بود دلیل کند که حالش در دنیا نیکو بود اگر
بیند که دیوار را خراب میکرد و دیوار کهنه بود دلیل که مال یابد و اگر نو بود دلیل بر غم و مصیبت
بود اگر بیند که بر دیوار بپای بود دلیل که حالش مستقیم و نیکو باشد اگر بیند که از دیوار بیفتاد
دلیل که حالش متغیر گردد و اگر بیند که از دیوار او بخیر بود دلیل بر آنکه کی حال و زوال عیش او بود اگر
بیند که دیوار را بر میداشت دلیل بود دلیل بود که مردی را بدید چه بلند بر سازد اگر بیند که دیوار را او
افکند دلیل بود که آن را از معیشت بیفکند با اهل اکثر کند کرمانی گوید اگر بیند که دیوار کج را
راست کرد یا دیوار خراب عمارت کرد دلیل بود که حال تباه شده او بصلاح باز آید اگر بیند
دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع بیفتاد دلیل بود که والی شهر هلاک گردد جابر گوید دیوار بخواب

حرف الدال

دیدن مردی بزرگوار بود بقدری که بزرگ بود اگر بیند که دیوار کهنه را بنا کرد دلیل آخرت
کرد دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق فرماید اگر بیند که بدست خود دیواری بنا کرد اگر
دیوار از گل و خشت بود دلیل بود بر مال دینی و امانت و اگر بیند که دیوار از گچ و آجر بیند دلیل
بر خویشتن بینی و تباهی او کند اگر آن دیوار از سنگ و آهک بیند دلیل بود که بدین بنا مغرور
و فریفته گردد و طالب آخرت نباشد

دیو دیدن

ابن سیرین گوید که دیو در خواب دیدن دشمنی
بزرگ بود مکار و فریفته اگر کسی بیند که دیو را بپوست کرد دلیل بود که او را توبه باید کرد
از کارهای ناصواب تا دشمنان قصد وی نکنند و بروی ظفر نیابند قوله تعالی ان الذین اتقوا
اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون و اگر بیند که با دیو جنگ کرد و بروی
غلبه کرد دلیل بود که دین او قوی و درست بود کرمانی گوید اگر کسی دیو را خرم و شادمان بیند دلیل
که بفسا آید و بلهو و شهوت مشغول گردد و اگر دیو را غمگین بیند دلیل که بصلاح و عبادت مشغول
گردد و اگر بیند که دیو جامه از تن او برکشید دلیل که اگر عامل بود از عمل معزول گردد و اگر دهقان
[illegible] بود قوله تعالی لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة اگر بیند که دیو او را
اسیر کرد دلیل بود که بر وی گناه مشهور گردد و اگر بیند که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهی بزرگ از
او صادر گردد و اگر بیند که با دیوان سخن گفت دلیل بود که با دشمن اهل صلاح یکی شود و با ایشان
مراد ایشان دهد قوله تعالی انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا و لیس بضارهم شیئا الا
باذن الله اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با دیو طعام و شراب میخورد دلیل بود که بر فسا کردن آید
و عطا و عشرت کند و اگر بخلاف این بیند دلیل که بر راه صلاح گراید و تابع دین گردد و اگر
بیند که دیو بیرون رفت یا در شکم او شد دلیل بود که بفسا مشغول گردد حضرت صادق فرماید
که دیدن دیو در خواب بر شش وجه بود اول دشمن دوم فساد سیم شهوت و هوای نفس
چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل صلاح دوری جستن ششم خوردن چیزی حرام

دیوانگی

ابن سیرین گوید که دیوانگی در خواب مال حرام بود بیننده بر قدر دیوانگی وی لکن اعمال [illegible]
هر چه کند و از مردمان طلب نماید کرمانی گوید هر که بیند که دیوانه شده بود دلیل که بفساد گرد
آید و ربا خورد قوله تعالی الذین یاکلون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس

جابر گوید اگر بیند که با دو هم صحبت شده دلیل بود که با مردی بی باخواره بود و با معیند هم صحبت گردد و از صحبت وی ملامت و بدنامی حاصل کند و از او راحاصل کرده حرف الذال از کتاب کامل
التعبیر ذکر بتازی قضیب بود دانیال گوید که قضیب در خواب فرزند و بزرگی و نام
وری بود اگر بیند که او را دو قضیب بود با بیشتر دلیل کند که او را هم فرزند بود و هم بزرگی در
میان مردم اگر بیند که ذکر او بریده شده دلیل که فرزندش نباشد اگر بیند که قضیب خویش را ببرید
او را فرزند نباید اگر بیند که قضیب وی سست و ضعیف بود دلیل بود که فرزندش بیمار گردد
ابن سیرین گوید که بزرگی قضیب دلیل کند بر بسیاری فرزند و بزرگی و ناموری کند و کوچکی وی دلیل
کند بر حقارت و کم نامی وی اگر بیند که از قضیب قضیبهای دیگر مانند شاخهای درخت بدید آمد
دلیل کند بر بسیاری فرزندان اگر بیند که از قضیب او ماهی بیرون آمد دلیل بود که او را دختری
آید از زنی که او را اصل از کنار دریا مشرق بود اگر بیند که از قضیب او کرمی بیرون آمد دلیل کند
دلیل کند که او را فرزندی از زنی بد بدید آید اگر بیند که از قضیب او مرغی بیرون آمد و اولش
از جوهران مرغ باید کرد اگر بیند که از قضیب او موش بیرون آمد دلیل کند که او را دختری نابکار
بدید آید که در او هیچ خیر نباشد اگر بیند که از قضیب او ماری بیرون آمد دلیل کند که او را فرزندی
آید که دشمن او باشد اگر بیند که کژدم بیرون آمد همین تاویل دارد اگر بیند که کرم و موی بیرون آمد
دلیل بود که فرزندش ضعیف و دون همت و فرومایه بود اگر بیند که از قضیب او نان بیرون آمد دلیل
بود که معاش تنگ است گردد اگر بیند که گنج بیرون آمد دلیل که عیالش کسی را به پنهان دوست
دارد اگر بیند که خون بیرون آمد دلیل که با زنی حایض جماع کند و اگر بیند که ریم بیرون آمد
فرزندی آرد معلول اگر بیند که آب صافی بیرون آمد دلیل کند که او را فرزندی آید که او را فرزندی
مصلح و پارسا اگر بیند که آب تیره بیرون آمد دلیل تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که منی بیرون آمد
او را به قدر آن مال و خواسته حاصل گردد اگر بیند که آتش بیرون آمد و با نیمه بجانب مشرق و با
نیمه بجانب مغرب شد دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه مشرق و مغرب گردد مانند ذو القرنین
و اگر بیند که سرگین بیرون آمد دلیل که میلش بلواطه غلامان از کی بود کرمانی گوید اگر بیند که قضیب او
راست گردید و سخت شد دلیل کند که بخت و اقبال او قوی بود اگر بیند که قضیب او سخت دراز گرد

دلیل بود که او را فرزندان بسیار باشد و اگر بیند که قضیب خویش را ببرید و از جای خویش
بیرون آورد و باز بجای خود نهاد چنانکه بود دلیل بود که فرزندش بمیرد و فرزندی دیگرش بیاید
اگر بیند که قضیبش کسی در دهان نهاده بود و می مکید دلیل بود که از آن کس منفعت بسیار بدو رسد اگر
بیند که بر قضیبش موی بسیار بود دلیل بود که بجهت فرزند شادمان گردد جابر گوید اگر بیند که
قضیب او وی جدا شد دلیل کند که فرزندش بمیرد یا مال او تلف گردد و حرکت قضیب در خواب
دلیل بر فراخی نعمت و قوت بخت کند اگر بیند که قضیبش در میان او شد دلیل کند که گواهی کرد آند
باز گیرد اگر بیند که قضیبش بشکافت و از وی خون بیرون آمد دلیل بر زیان مال کند و مرگ فرزند
بود اگر بیند که قضیبش آماس داشت دلیل کند که مالش زیادت گردد اگر بیند که گوهر بر قضیب او
نهند دلیل بود که عیش بر وی تباه گردد اگر بیند که قضیب بپای بسته بود دلیل بود که گواهی
کرده اند نهد و اگر زنی بیند که او را قضیب بود اگر آبستن بود پسری آورد لکن اندر نماند
و اگر آبستن نباشد و پسر ندارد مالش زیاده گردد اگر بیند که قضیب او باریک بود همین دلیل دارد
و اگر بیند که بر خایه قضیب او بریده است دلیل کند که او را فرزند آید که با بعضی زنان او حاجتش
کم گردد اگر بیند که از سوراخ قضیب او مروارید بیرون آمد یا گوهر دلیل کند که او را فرزند عالم
پارسا آید حضرت صادق فرماید که دیدن قضیب در خواب بر هفت وجه بود اول فرزند دوم اهل بیت
و علم سیم مال چهارم عزت پنجم بزرگی ششم طلب حاجت هفتم کره بابص حرف الراء از کتاب
کامل التعبیر رازیانه ابن سیرین گوید که رازیانه در خواب اگر بوقت خود بیند و اگر بیوقت
دلیل بر غم و اندوه کند و خوردنش مضرت بود اگر بیند که در زمینی که ملک او بود رازیانه بسیار
است دلیل بود که در غم و اندوه گرفتار گردد راسو ابن سیرین گوید که دیدن راسو در خواب
دزد باشد اگر بیند که راسو در خانه یا دوکان رفت دلیل کند که دزد در آنجا شود و چیزی
بدزدد اگر بیند که راسو را بکشت دلیل بود که دزد بگیرد و بر وی ظفر یابد اگر بیند که گوشت
راسو را بخورد یا چیزی از اندامها او را در دست داشت دلیل کند که مالی از دزدیده از دزد
بستاند کرمانی گوید اگر بیند که راسو او را بگزید دلیل که بیماری او را در کشد و سرانجام شفا
یابد اگر بیند که با راسو جنگ و نبرد میکرد و بر وی غالب آمد اگر بروی چیره گردد او را

ذکر

حرف الذال

زی بکم

رازیانه

راسو

ران

قهر کند حضرت صادق فرماید که دیدن ران در خواب بر سه وجه بود اول عز و اندوه دوم
دوم ستم بیماری ران ابن سیرین گوید که ران در خواب قوت وی خویشان بود اگر بیند که
ران او بشکست یا بیفتاد دلیل بود که از خویشان خود جدا گردد یا بتر ضعیف شود و دو غریبه
هلاک گردد اگر بیند که ران کسی را ببرید یا بیفکند انکس را همین دلیل کند کرمانی گوید که ران
راست دلیل کند بر خویشان پدری و ران چپ دلیل بر خویشان مادر کند اگر بیند که ران او
باریک گردید دلیل کند که خویشان او ضعیف گردند اگر بیند که ران او پاره شد دلیل کند که
خویشان او را از بهتری ایشان جفا رسد اگر بیند که گوشت رانهای او افتاده بود دلیل مال
خویشان او ضایع کرده جابر گوید اگر بیند که رانهای وی ریسمان بر یکدیگر بسته بود دلیل بود که از
خویشان جدا نگردد و پیوستگی کند بنکاح اگر بیند که گوشت ران خویش را میخورد دلیل کند که
بقدر آن مال خویش خورد چنین گوید که مردی نزد ابن سیرین امد گفت بخواب دیدم که گوشت
ران من بیرون شده بود و بر وی موی رسته بود و یکی گفتم تا انموی را براشید ابن سیرین گفت تو
وام داری یکی از خویشان تو وام ترا بگذارد پس هم در ان ماه مبلغ دویست دینار وام او یکی از خویشان
او بگذارد حضرت صادق فرماید که ران در خواب بر چهار وجه بود اول اهل بیت دوم دوستان
که بر ایشان اعتماد بود سیم خشم چهارم مال

راه

ابن سیرین گوید که راه بخواب دیدن دین بود و استقامت
ان و جستن راستی در دین و دنیا اگر بیند که بر شاه راه میرفت دلیل بود که بر راه دین رود اگر
بیند که بر راه راست گروهی را راه بری میکرد دلیل بود که قومی را براه راست دین و صلاح راه
نمائی کند اگر بیند که در راه راست متحیر و سرگشته میگردد دلیل بود که در راه دین یا در کار دنیا
سرگشته گردیده باشد کرمانی گوید اگر بیند که در راهی میرفت چنانکه خسته شد دلیل که خود را
از کسی برهاند اگر بیند که کسی او را از راه راست براه کج برد دلیل بود که او را بدروغ مشغول کرد
اگر بیند که شب تاریک براه میرفت و راه بروی مشکل شد دلیل بود که استقامت راه راست باید
اگر راههای بسیار ببیند و نداند که از کدام راه باید رفت دلیل بود که در دین خویش متحیر بود و
صحبت با مردم بد دین دارد اگر بیند که راه بروی مشکل گردید و ندانست که بکجا میرود و ناگاه
در مولد دستی اسب گرفت میرفت چون شب رامد راه گم کرد دلیل بود که راه حق بروی مشکل

حرف الراء

گردد اگر بیند که بقصد از راه بدر رفت دلیل بود که بر دشمن مکر و حیله سازد اگر بیند که
در راه همی رفت و زنی پیش وی امد و بسبب ان زن از راه بیکسو رفت دلیل بود که بدنیا
فریفته گردد و خلل در دین او در اید و راه خیر بگذارد و بدانکه حکم پیاده شدن در راه و حکم
سوار شدن در تاویل یکسان بود جابر گوید اگر بیند که در راه او سبزه و بناهای نیکو بود دلیل
بر پاکی و نیکوئی دین کند و اگر بیند که در راه بگمان میرفت دلیل بود که در دین بدعت اورد یا در
کار خود سرگشته گردد قوله تعالی و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه اگر بیند که کسی را از راه ببرد
دلیل کند بر فساد دین وی قوله تعالی وقد خاب من دسیها اسماعیل اشعث گوید راه راست در خواب
مسلمانی بود و استقامت دین و راه کج بر خلاف این بود حضرت صادق فرماید که راه در خواب بر
پنج وجه بود اول دین دوم راه سیم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم ایمنی و راحت مردم بود

راه زن

ابن سیرین گوید که راه زدن در خواب مردی بود که با مردم مزح کند و اگر بیند که راه زد و مال بسیار
ببرد دلیل کند که با مردی بپیوندد که او را عزیز و گرامی دارد و فایده یابد بقدر انچه راه زن برده باشد
اگر بیند که راه زنان بر او جمع شدند و نتوانستند او را چیزی بردن دلیل بود که بیمار گردد و
بیم هلاک بود و سرانجام از ان خلاص یابد کرمانی گوید اگر بیند که راه زن چیزی از وی ببرد دلیل
بود که از ان راه زن دروغ شنود اگر بیند که در راهی میرفت و راه زنان هلاک کردند خبر
مصیبت عزیزی بوی رسد جابر گوید اگر بیند که راه زنی کرد و کالای برد دلیل بود که انکس برده
خصم گردد و عیش بر او تباه کند اگر خویشتن را راه زن بیند لکن کالای کسی نبرد دلیل بود که بیمار
گردد و سرانجام شفا یابد حضرت صادق فرماید که راه زنی در خواب بر سه وجه بود اول جنگ و خصومت
دوم دروغ گفتن سیم تباهی عیش و بیماری

ریحان

ابن سیرین گوید که ریحان انچه بطعم شیرین بود و
بوی خوش دارد دیدن و خوردن دلیل بر خیر و منفعت کند و انچه بخلاف این بیند دلیل
بر رنج و غم و مضرت کند و بعضی گویند در خواب چون شیرین بود دلیل کند بر کار با منفعت و چون
ترش بود بخلاف این بود

رباب

ابن سیرین گوید که رباب در خواب دیدن دلیل بر لهو و باطل و سخن
دروغ بود اگر بیند که رباب همی زد دلیل بود که سخن باطل و محال بر ضاد هد کرمانی گوید اگر بیند
که بار باب چنگ و چغانه و نای بود این جمله دلیل بر غم و مصیبت کند که با مال و موضع رسد اگر بیند

رخسار

کر درباب یا بشکست یا بیفکند دلیل بود که از دروغ گفتن توبه کند و اگر بیماری بیند که دندان بریزد
دلیل بود که بمیرد یا بیماری بروی صعب گردد رخسار ابن سیرین گوید که رخساره بخواب بدین
دلیل بر روشنائی مردم بود اگر بیند که رخسار او سرخ و سفید و پاکیزه بود در میان مردم نامی شود
گردد و بزرگی یابد و اگر بیند که رخساره او زرد یا سیاه بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید
که رخساره در خواب دلیل آبروی مردم و کدخدائی وی بود اگر در رخساره عیبی بیند دلیل کند که نقصانی
و در آبروی او رسد جابر گوید اگر بیند که بر رخسار او موی بود دلیل بود که وام دار گردد و اگر
بیند که رخسار او سرخ و پاکیزه بود دلیل بود که شادمان و خرم گردد و اگر بیند که رخساره او
زرد بود دلیل بود که بیمار گردد و اگر بیند که رخساره او تیره و سیاه بود دلیل کند که از رنج عیال
او را غم و اندوه رسد حضرت صادق فرماید که رخساره در خواب دلیل بر نیکوئی حال و شادی
مردم کند و زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند رز ابن سیرین گوید که رز در خواب

رز

دلیل بر زنی نیکوکار و دکر بهره کند اگر بیند که رزی داشت و درختهای سبز و پاکیزه در او بود
در هنگام وی دلیل کند که زنی نیکو بخواهد و از او خیر و منفعت یابد و اگر بیند که درختهای
رز نبود دلیل بخلاف این بود اگر بیند که برگ درختهای رز در گشته بود دلیل کند که بیمار گردد
اگر بیند که رز ملک او نبود تاویلش از خیر و شر بخداوند رز بود حضرت صادق فرماید که رز
در خواب بر سه وجه بود اول زن دوم منفعت سیم [illegible] غم و اندوه بود و اگر
رز را خراب بیند دلیل کند بر بدی احوال خداوندش و در زیان تاوین خدمتکار خانه بود رستخیز

رستخیز

بدانکه رستخیز قیامت بود ابن سیرین گوید اگر بیند که قیامت بدید آمد دلیل بود که حق تعالی
در آن دیار که او بود حق بگسترد دلیل کند که اگر اهل آن دیار ظالم باشند بلائی و آفتی بدیشان رسد
و اگر اهل آن دیار مظلوم باشند حق تعالی ایشان را بر ظالمان نصرت دهد اگر بیند که اهل دنیا
در پیش حق تعالی ایستاده اند دلیل بود که خشم حق تعالی نازل گردد کرمانی گوید اگر بیند که قیامت بر
خواست دلیل بود که اگر مظلوم بود بر ظالمان دست یابد اگر در غم و محنت بود فرج یابد و اگر علامت
از قیامت پیدا گردید چنانکه آفتاب از مغرب برآمد یا یاجوج و ماجوج بیرون آمد باید توبه کند
و بحق تعالی باز گردد تا رضای او بجوید اگر بیند شمار کار او را [illegible] بخیر [illegible] باید

نه ملکا

حرف الرا

قوله تعالی اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون اگر بیند که با وی شمار میکردند دلیل
کند که او را زیانی رسد قوله تعالی فحاسبناها حسابا شدیدا و عذبناها عذابا نکرا اگر بیند که
کردارهای او را بسنجیدند و نیکی او بیشتر آمد دلیل کند که سرانجام کار او نیکو بود و رستگاری یابد
قوله تعالی فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون اگر بیند که بدی او بیشتر آمد دلیل بر معصیت
بود و جایش دوزخ بود قوله تعالی و من خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم فی جهنم خالدون
اگر بیند که نامه اعمال بدست راست داشت دلیل بود که بر راه راست بود قوله تعالی و انزلنا معهم
الکتاب و المیزان اگر بیند که نامه کردار او را بدو دادند و گفتند برخوان اگر اهل صلاح بود دلیل است
که کارش نیکو گردد و اگر از اهل فساد بود دلیل که کارش بخطر بود قوله تعالی اقرأ کتابک کفی
بنفسک الیوم علیک حسیبا و اگر خود را بر صراط بیند دلیل بود که بر راه راست بود و اگر بر
صراط نتوانست گذشتن دلیل بود که بر راه خطا بود وی را توبه باید کردن تا حق تعالی از او خوشنود
گردد رسن ابن سیرین گوید که رسن در خواب عهد و پیمان بود اگر بیند که دست در رسن زده بود

رسن

و معلق آویخته دلیل بود که بر قدر بلندی رسن از زمین بلندی و منزلت یابد اگر بیند که رسن
ببرید و اندکی در دست او بماند دلیل کند که آن قدر منزلت بیفتد کرمانی گوید اگر بیند که رسن
از آسمان آویخته بود و او دست در آن زده بود دلیل آنکه پیمانی بود میان او و ایزد تعالی چنانکه
اگر بیمار بود همان کند گوید اگر حق تعالی مرا شفا دهد چنین کنم اگر بیند که بر رسن بالا میرفت
بود دلیل بر تاکید همان پیمان کند که با حق تعالی کرده بود جابر گوید اگر بیند که دست در رسن
بود دلیل بود که دست در رسن حبل دین حق تعالی زده باشد قوله تعالی و اعتصموا بحبل الله جمیعا
و بعضی از معبران گویند که رسن پیمان بود که هم با خلق و هم با خدای کرده بود اگر بیند که رسن
در گردن او کنده بودند دلیل بود که پیمانی در گردن او بود خدای را یا خلق را و در گذاردن آن
تاخیر کند اگر بیند که از بام یا از جائی بلند خود را برسن فرو هشت دلیل کند که برآید حاجت و
مقصودی که دارد بگوید از این بیم حضرت صادق فرماید که دیدن رسن در خواب بر چهار وجه بود

رضوان

اول عهد و پیمان دوم دین سیم امانت چهارم قضاء حاجت رضوان بدانکه رضوان دربان بهشت
باشد ابن سیرین گوید اگر کسی رضوان را در خواب ببیند دلیل کند که از عذاب ایمن گردد و از سختی

برهد و اگر بیند که رضوان او را در بهشت ایستاده بود دلیل بود که از دنیا برهد و بعضی از معبران
گویند که رضوان در خواب دلیل کند که با خزانه‌دار سلطان او را صحبت افتد و اگر رضوان خازن
بهشت است اگر بیند که رضوان او را در بهشت برد دلیل بود که زود از دنیا برود و خاتمتش نیکو
بود و اگر بیند که رضوان از میوه‌های بهشت او را چیزی داد یا جامه سبزی بوی بخشید دلیل کند
که وفات او نزدیک رسیده باشد کرمانی گوید اگر بیند که رضوان او را یاقوت یا مروارید یا گوهر
از بهشت بداد دلیل بود که او را فرزندی عالم در وجود آید چنانکه نام او در جهان بعلم منتشر

رفتن

گردد رفتن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از شهر و دیار خود بیرون میرفت و ندانست که بکجا
میرود دلیل بود که بیچاره و متحیر گردد و اگر بیند که زن و فرزند با خود همی برد دلیل بود که همه
بیچاره و خوار گردند و اگر بیند که مانند شتر همی رفت دلیل کند که سعادت دنیائی یابد و اگر بیند که
مانند اسب یا خر همی رفت دلیل کند بر تنگی مال و درازی عمر اگر بیند که مانند دکان همی رفت
تاویلش بد بود خاصه در دین اگر بیند که مانند مرغان شکاری میرفت تاویلش بد بود خاصه
در دین اگر بیند که مانند عنبر مرغان شکاری میرفت دلیل خیر و نیکی بود کرمانی گوید اگر بیند
که او بتاریکی در همی رفت دلیل بود که از تنگی در نعمت و فراخی افتد و اگر بیند که از آبادانی
بخرابی افتد میرفت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که از جائی نیک بر جائی بد رفت دلیل بر بدی کند

رفو کردن

اگر بیند که از جائی بد بجای نیک رفت دلیل بر بهتری و نیکی کند رفو کردن ابن سیرین گوید که رفو
کردن جامه و چیزها دیگر دلیل بر جنگ و خصومت کند اگر بیند که جامه خویش یا جامه اهل یا دستار
یا مقنعه را رفو میکرد دلیل بود که او را با کسی از خویشان جنگ و خصومت افتد کرمانی گوید اگر بیند
که جامه خویش را رفو میکرد و نتوانست دلیل کند که از جهت عیال خود غم و اندوه خورد و در رفو کر
در خواب خداوند جنگ و خصومت بود و با همه کس بگفتگو درماند و جهد کند تا کار خویش را

رقص کردن

باصلاح آورد و از خصومت باز رهد رقص کردن بدانکه رقص کردن بفارسی کوفتن پای باشد ابن
سیرین گوید که پای کوفتن در خواب غم و اندوه بود و بعضی از معبران گویند بیماری بود گروهی
گویند رقص کردن مردان را از زندان خلاصی یابد بود خاصه کسی را که بر پای او بند بود کرمانی گوید
که رقص در خواب زنان را رسوائی بود و مردان را دلیل بر خصومت بود اما صوفیان را و کسانیکه رقص

حرف الراء
رگ کشادن

بیننا کشته دلیل غم بود و رقاص در خواب مردی بود که پیوسته در مصیبت خویش یا در مصیبت
دیگران باشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که رقاص در خواب دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند
رگ کشادن ابن سیرین گوید اگر بیند که پیری را رگ کشاد دلیل بود که از دشمنی سخن بطعنه
شنود یا مالش تلف گردد اگر بیند که رگ زد و خون از او بر آمد دلیل بود که از جهت سلطان غمی بوی
رسد و بمقدار آن خون زیان بوی رسد کرمانی گوید اگر بیند که حالی او را رگ بکشاد و خون بسیار
آمد در طشتی یا طبقی دلیل بود که بیمار گردد و مال خود را در بیماری هزینه کند اسمعیل گوید
که رگ کشادن از سه وجه است دلیل بر زیادتی مال و خواسته بود و رگ کشادن از دست چپ بد
بود زیادتی کار دوستان بود اگر بیند که کسی معروف او را رگ میزد اگر زن آبستن بود دختر آورد
و اگر آبستن نباشد بدختر آبستن شود جابر گوید اگر بیند که رگ زد و خون از وی بیرون نامد
دلیل بود که او سخنی حق گوید اگر بیند که کسی او را رگ زد و خون بجای از وی بیرون آمد چنانکه
هیچ خون در تن او نماند دلیل کند که زود بمیرد و اگر علتی دارد مخاطره بود که از آن علت نرهد
حضرت صادق فرماید که رگ زدن در خواب بر چهار وجه بود اول گشایش کارها دوم سفر سیم
خصومت از جهت مال چهارم ابنای جنس اگر بیند که رگ زد و خون نیامد دلیل کند بر خصومت و اگر خون
بیرون آمد دلیل کند بر یافتن مال یا خسران مال کند اگر بیند که تن او بیچ راحتی خون آلود گردد بد
کند که چیزی بلاء رسد معبران گویند که رگ زدن بخواب چون ببیند مستور بود شادی و خرمی
ببیند و اگر مستور نباشد دلیل معاوضت زیان بود و او را بمقدار خون رفتن از رگ کشادن
ابن سیرین گوید که رگهای تن دلیل بر اهل بیت و خویشان او کند از بهر آنکه رگها در همه تن است
اگر بیند که رگی از اندام او را آفتی رسید و هر رگی قیاس بکوی است رگهای سر و پیشانی دلیل بر
مهتران کند و رگهای دست و بازو دلیل بر برادران و خویشان مادر کند و رگهای پشت دلیل
بر خویشان پدر کند و رگهای بیرون ران دلیل بر اهل و دودمان کند و رگهای ساق دلیل بر مال
و معیشت مردم کند اگر بیند که رگ بکشاد و آن رگ بریده شد یا خشک گردید دلیل که یکی از خویشان
وی که بدان تعلق دارد از دنیا رحلت کند و بعضی از معبران گویند غم و اندوه و مصیبت بخویشان
او رسد یا باشد که در غربت افتد و از خویشان خود جدا گردد اگر کسی او را رگ زد بر درازی

دلیل که از خویشان خود سخنی زشت شنود و بعضی گویند که بر قدر آن که خون جدا کرد بیکی از
خویشان او مالش تلف گردد دانیال گوید اگر کسی بیند که رگ قیفال بکشاد دلیل بود که کارها
بروی بسته گردد اگر بیند که رگ باسلیق بکشاد دلیل همین معنی دارد اگر بیند که رگ اکحل بکشاد
یعنی رگ میان دست دلیل بستگی کارها کند اگر سائل گوید که از رگ خون می آمد مال یابد و چون
گوید که خون از رگ نمیرفت دلیل کند که او را زیانی رسد معبر باید که در لفظ بیننده خواب نگاه کند
و تعبیر بموجب لفظ او کند اگر بیند که رنگ او تیره و کبود بود دلیل که وی را اندوهی یا زیانی رسد

رکاب

رکاب ابن سیرین گوید اگر بیند که رکاب از زین جدا کرد دیدن دلیل که فرزند یا غلام بود و چون
بار رکاب بود فرزند باشد که در کارها معتمد و امین بود و در او هیچ خیانت نباشد کرمانی گوید
اگر بیند که رکاب او زرین بود دلیل که فرزند او منکر خویشتن بیند اگر بیند که رکاب او سیمین
بود دلیل بود که فرزندش عیال سیاه مغرور گردد اگر بیند که رکابش برنجین یا مسین بود دلیل
کند که بر قدر پاکیزگی و روشنی او را قوت بود در کارهای دنیا اگر بیند که رکاب او چوبین بود
دلیل که فرزندان او دون همت و بدرای و فرومایه بود و رکاب او در خواب نیکو بود زیرا که
او بهتر از نزدیک بود

رنگها

رنگها ابن سیرین گوید که رنگ سفید بخواب دیدن در جامها و غیر آن دلیل
بر صلاح و پاکی دین کند و رنگ سرخ در خواب مردان را از رنج و کراهت بود و زنان را نیکو بود و رنگ
سبز از جامها و غیر آن مردان و زنان را در دین و دنیا خیر و صلاح بود و رنگ زرد مردان و زنان را
رنج و بیماری باشد و رنگ سیاه بر جامه مردان و زنان را غم و مصیبت بود مگر کسانی که همیشه سیاه
پوشند ایشان را زیان ندارد و رنگ کبود بر جامه زنان را و مردان را دلیل بر اندوه و مصیبت بود
حضرت صلوة فرماید که رنگ سفید و سبز بخواب دلیل بر خیر و برکت و عز و ظفر یافتن بود و دین
پاک باشد زیرا که لباس اهل بهشت است و رنگ سیاه سلطان و اصحاب او و قاضی و خطیب و سنی و
محتسب و اینها که از اهل عباس اند بزرگی و مملکت و شرف و عز بود بمقدار و قیمت جامه و رنگ زرد بیماری
بود و رنگ سرخ پرخاش و خصومت بود و رنگ مرغ در خواب بدن کسی بود که بر وی زور و تهمت گویند
لکن بر دست او خیرات بسیار رود

روباه

روباه ابن سیرین گوید که روباه در خواب مردی مکار و غدار نابکار
فریبنده بود یا زن و کنیزک دروغ زن بود از خویشان او و اگر بیند که با روباه در جنگ است بود

دیدن

حرف الراء

دلیل کند که خویشان وی با او خصومت کنند اگر بیند که روباه را همی جست دلیل کند که از بیماری
ترسنده گردد اگر بیند که با روباه بازی می کرد یا خواست که او را بر انگیزاند دلیل کند که زنی او را
دوست دارد لکن دوستی او ضعیف بود کرمانی گوید اگر بیند که روباهی را مشاهره همی کرد دلیل بود
که با کسی حیله ساز دوا او را بفریبد اگر بیند که روباهی در پیش او چاپلوسی میکرد دلیل بود که عزیزی
با وی مکر و حیله کند و پوست روباه بخواب دیدن مال بود که بدست آورد و شیر روباه خوردن
در خواب شفا بود از بیماری و شادمانی از غمها و رها یافتن از زندان و بعضی از معبران گویند
که شیر روباه خوردن دلیل کند که ترسی یا بیمی بدو رسد جابر گوید که روباه در خواب دروغ
زن بود اگر بیند که روباهی با وی فتنه یا بکوهی یا کسی بیند دلیل بود که زنی فریبنده و دروغ زن
بزنی بخواهد یا با زنی چنین او را صحبت افتد اگر بیند که روباهی در خانه او در آمد و قرار گرفت دلیل
کند که زنی خواهد او را و او را دوست دارد بود و اگر بیند که روباه از وی بگریخت دلیل کند که وام
دار از وی بگریزد

رود دجله

رود دجله ابن سیرین گوید که رود بزرگ در خواب دیدن مردی بزرگوار
بود اگر بیند که در رود بزرگوار صافی شد دلیل بود که با مردی با دیانت پیوندد اگر بیند که در
رودی بزرگ شد که آبش تیره بود و رودی بر وی گل کند تیره بود دلیل که با مردی ستمکر بی دیانت
پیوندد بقدر تیرگی آب او را از غم و اندوه بوی رسد اگر بیند که در آن رود غرق گردید دلیل
که تا بوقت مرگ از غرورهای دنیا باشد و هر چند رود بزرگتر و صافی تر بود مرد بزرگوار تر و بمنزلت و
دیانت بهتر بود و اگر بخلاف این بیند آن مرد ستمکر و فاسق تر بود دانیال گوید که رود بزرگ
وزیر پادشاه بود اگر بیند که آب رود زیاده گردید دلیل کند که مال وزیر زیاده گردد اگر بیند که
آب رود همی خورد دلیل بود که از وزیر عطا یابد و اگر بیند که آب تیره بود دلیل بود که مال حرام
یابد اگر بیند که آب رود تلخ بود دلیل بود که رشوة یابد اگر بیند که آب رود تیره و گندیده بود
دلیل بود که بیمار گردد اگر بیند که آب رود شیرین و خوش بود دلیل بود که نوازش وزیر بیند اگر
بیند که رود خون گشته بود و میرفت دلیل بود که در آن دیار خون ریختن عظیم بود بسبب
پادشاهان اگر بیند که از آن آب خون آلود همی خورد دلیل که از بهر طمع بلا وری پادشاه افتد
اگر بیند که آب رود سفید و پاک بود دلیل بود که مردم عامه ثنای وزیر گویند اگر بیند که آب رود بر

وزیدن و هیچ نماند دلیل عقوبت بود دران دیها قوله تعالی قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن
یاتیکم بماء معین اگر ببیند که در اب رود خود را هی شسته دلیل کند که از شر پادشاه روز برایمن باشد
اگر ببیند که در زیر اب غوطه خورد و باز برامد دلیل بود که از دوان ترا که گردد اگر ببیند که در
رود رفت و جمله اعضای او کل الود گردید دلیل که از قبل بازرگانی غمی بدو رسد کرمانی گوید
که رود دجله بخواب خلیفه بغداد بود و بعضی از معبران گویند که رود دجله پادشاه مصر بود
و رود کر پادشاه ارمینیه بود و رود نیل پادشاه خارزم بود و خوردن اب ازین رودها چون دیدن
بود دران خیر و منفعت بود که از ایشان برسد بقدر ان ابکه از ان خورده بود و اگر رودی از ...
ببیند که خود را در میان ان ببیند دلیل بود که در فتنه افتد حضرت صادق فرماید که دیدن رود
در خواب بر هفت وجه بود اول کنج دوم بزرگی و جاه سیم پادشاهی چهارم نعمت پنجم تجارت ششم
ریاست هفتم علم و ظفر بود

رود بار

رود بار بدانکه رود بار بتازی وادی گویند ابن سیرین گوید اگر
ببیند که در رود باری شد دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد اگر ببیند که از رود باری بیرون امد
از غم و اندوه رسته گردد کرمانی گوید که رود بار در خواب دلیل بر حج اسلام کند قوله تعالی بواد
غیر ذی زرع عند بیتک المحرم جابر گوید که رود بار در خواب دلیل بر شعر گفتن بود قوله تعالی
والشعراء یتبعهم الغاوون الم تر انهم فی کل واد یهیمون ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که رودکانی
فرا گرفت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل کند که از خویشان خیر و منفعت یابد و باشد که ایشان
از وی شرف و سعادت یابند و اگر رودکانیهای وی از درون پیدا گردید دلیل بود که فرزندان
از خویشان او مهتر گردد اگر ببیند که رودکانی کسی بخورد دلیل کند که بقدر ان از مال کسی که
پنهان کرده بود که پیدا گردد یا ولایتی نصیب یابد کرمانی گوید اشکارا شدن رودکانی در خواب
مال پنهان کرده بود که پیدا گردد یا ولایتی یابد که بوی رسد اگر خود در ولایتی باشد و اگر نه بر قدر ان
مال یابد جابر گوید اگر ببیند که رودکانیهای وی از دهانش بیرون امد دلیل بود بر مرگ فرزندان او
اگر ببیند که رودکانی کسی از دهنش بیرون امد دلیل بود که بر قدر ان مال که پنهان کرده بود بخورد
حضرت صادق فرماید که دیدن رودکانی در خواب بر شش وجه بود اول مال حرام دوم شفقت سیم
سخنهای ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن خوش

رخنها ۴۷

رخنها ابن سیرین گوید اگر کسی

کرد

حرف الواو

بخواب ببیند که روز ادینه است یا شنبه دلیل کند که در کاری شروع کند پندارد که دران کار
خیر است شر بود و اگر بخواب ببیند که پندارد که شب است دلیل بر شر او بود جابر گوید اگر ببیند
که روز ادینه است و روز شنبه دلیل بود که دوستی هوادار جهودان گردد و اگر روز یکشنبه است
و ادینه پندارد دلیل بود که دوستی هوادار اهل نفاق بود اگر روز شنبه را روز ادینه پندارد
دلیل بود که دوستی هوادار اهل فساد بود و اگر روز چهارشنبه را روز ادینه پندارد دلیل
کند که دوستی هوادار معتزلی بود و اگر روز پنجشنبه را روز ادینه پندارد دلیل بود که
دوستی هوادار اهل نعمت بود حضرت صادق فرماید که بهترین روزها اگر در خواب ببیند
روز ادینه است و بعد از ان دوشنبه و پنجشنبه و هر چند روز روشن تر و صافی تر بیند بهتر بود

روزه داشتن

روزه داشتن ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که روزه داشت و قران یا تسبیح یا تهلیل میخواند دلیل
کند که از حرام خوردن و گناه کردن توبه کند و اگر ببیند که با روزه غیبت مردمان کند یا سخنهای فحش
گوید دلیل بود که طاعت و عبادت پاک کند و در راه دین صادق نباشد اگر ببیند که در ماه رمضان
روزه بود دلیل کند بر گرانی و تنگی طعام و بعضی از معبران گویند که دلیل بر تندرستی و دین خدا
و حج یافتن از غم و ایمن شدن از بیماری و گذاردن وام و اندوه و سخن درستی بود خاصه
چون خواب در ماه رمضان بود حضرت صادق فرماید که روزه داشتن در خواب بر ده وجه بود
اول بزرگی دوم ریاست سیم تندرستی چهارم مرتبه پنجم توبه از گناهان ششم ظفر یافتن بر دشمن هفتم
زیادتی بر نعمت هشتم حج گزاردن نهم غزا کردن دهم دلیل بود که او را اسیر ابد اما روزه گشادن
در خواب بیکروزی دو روزی حلال بود و چون بقصد گشاید دلیل بود که در سفر بد کشد یا بیمار
گردد اگر ببیند که در ماه روزه داشت دلیل کند که از گناهان توبه کند و اگر ببیند که روزه تطوع داشت
دلیل بود که از بیماری ایمن گردد اگر ببیند که یکسال پیوسته روزه داشت دلیل بود که ثابت گردد اگر
ببیند که در عاشورا روزه داشت دلیل بود که از غم و اندوه رستگاری یابد

روستا

روستا ابن سیرین گوید
اگر ببیند که در روستا بود یا در جایگاهی مجهول دلیل خیر بود اگر ببیند که در جایگاهی معروف بود
مثل نباشد اگر ببیند که از روستا بشهری رفت دلیل بود که از فتنه و بلا ایمن گردد و کار دشوار بر او اسان
شود اگر ببیند که از شهری بروستا شد تاویلش بخلاف این بود جابر گوید اگر ببیند که در روستا

ابادانی کم شده بود دلیل بر شر و بدی کند اگر بیند که روشنائی از ملک او بشد بود یا کسی بوی
بخشید دلیل کند که بر قدر آبادانی آن روستا خیر و نیکوئی بوی رسد اگر آن روستا را خراب
بیند تاویلش بخلاف این بود

روشنائی

ابن سیرین گوید که دیدن روشنائی در خواب دین و هدی بود
اگر بیند که روشنائی اندر افزون گرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که کسی را علم دین بیاموزد و راه
دین و راه نیکو در خواب دینی بود قوله تعالی الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور کرمانی
گوید اگر کسی بیند که روشنائی در سینه وی افتاد دلیل که پارسا و پاک دین بود قوله تعالی افمن
شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه و نیز عاقبت کار او بخیر بود قوله تعالی یسعی نورهم
بین ایدیهم و بایمانهم حضرت صادق فرماید که دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود اول
دین و هدی دوم علم سیوم راه راست چهارم اعتقاد پاک

روغن

دانیال گوید که روغن در
خواب مال و نعمت بود و بعضی از معبران گویند که روغن در خواب میراث بود اگر بیند که روغن
کاو داشت یا کسی بدو بخشید یا از آن همی خورد دلیل بود که هم مال یابد و هم میراث اما
روغن کاو بهتر و نافع بود و روغن پنبه و روغن کنجد و روغن پستو اینها جمله علم و حکمت و دانش
باشد و روغن بنفشه منفعت باشد از مردی دهقان و روغن خیری و روغن دهقان و روغن
زیتون منفعت بود از مردی عرب و روغن نرگس منفعت بود از مردی روستا و روغن قطین
و روغن قسط منفعت بود از روستا ابن سیرین گوید اگر بیند که همه تن وی بروغن آلوده گشته بود
دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که روغن بر سر همی مالید دلیل کند بر زینت و آرایش دنیا و اگر
روغن خوشبو بیند چون روغن گل و روغن یاسمین و بنفشه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر
زینت و آرایش دنیا زیرا که جمله روغنها خوش بود و در تاویل ثنائی نیکو بود اگر بیند که آن
روغن ناخوش و گنده بود دلیل کند که مردمان او را زشتی گویند کرمانی گوید که روغن زیت
مال و نعمت بود اگر بیند که روغن بی اندازه بر سر همی مالید چنانکه روغن از سر او میچکید دلیل
بر اندوه و مصیبت کند اگر بیند که روغن بر سر همی مالید آنکه روغن همی مالید از بهر کار دیگر بود
مکر و حیله سازد جابر گوید روغنها خوردن و بر خود مالیدن جمله آرایش بود لکن چون بی اندازه
بود غم و اندوه بود اگر بیند که روغن بر سینه خود همی مالید دلیل بود که سوگند بدروغ میخورد

اسمعیل اشعث

حرف الراء

اسمعیل اشعث گوید که روغنها بتاویل غم و اندوه بود و اگر روغن زیت که خوردن آن مال بود
در مالیدن بد بود اگر بیند که تن خویش را بروغن زیت همی مالید دلیل بود که سوگند خورد بر
دروغ و قول خلاف کند قوله تعالی ودوا لو تدهن فیدهنون اگر بیند که جامه خویش بروغن
آلوده شد دلیل بود که اندوهگین گردد حضرت صادق فرماید که روغن خوش بخواب دیدن
دلیل بر شش وجه کند اول زن خوب روی دوم کنیزک با جمال سیوم ثنای نیکو چهارم منفعت پنجم
سخنهای خوش ششم طبعهای نیک و روغن گنده دلیل بر سه وجه بود اول زن بد و فساد دوم مرد
فاسق سیوم سخنهای زشت ناپکار و بدانکه روغن گر در خواب یاری دهنده کسی بود که با وی بیامیزد

روناس

ابن سیرین گوید که دیدن روناس در خواب دلیل بر آرایش دنیا باشد و خوردنش
دلیل بر مضرت و رنج و اندوه کند اگر بیند که جامه خویش را بروناس سرخ میکرد دلیل بود
که بعشرت دنیا مشغول گردد و راه دین فرو گذارد

روی

ابن سیرین گوید اگر کسی روی خود را
خوب با جمال تر از آن بیند که در بیداری بود دلیل که شرف و منزلتش بیشتر بود اگر بیند که
رویش زشت و ناخوش گردیده دلیل کند که قدر و منزلتش پیش مردمان نبود و بچشم حقارت
بر وی نگرند کرمانی گوید اگر بیند که رویش سرخ و پاکیزه بود دلیل بود که روشناس گردد
اگر بیند که گونه رویش سفید شد دلیل بر نیکوئی دین و دیانت وی بود قوله تعالی واما الذین
ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون اگر بیند که گونه رویش زرد شد دلیل بود
که بیمار گردد اگر بیند که گونه رویش سیاه گردید دلیل بود که در میان مردمان رسوا گردد اگر
بیند که با وجود روسیاهی جامه سفید پوشیده بود دلیل بود که او را دختری آید قوله تعالی
واذا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا وهو کظیم اگر بیند که با سیاهی روی او گرد آلود
بود دلیل که نشان مرگ بود اگر بیند که رویش خون آلود شد یا بدو آب زرد از رویش بیرون آمد
اگر با جراحت بیند زیان مال بود و اگر بیند که رویش بقفا گشته بود دلیل بود که مردمان
روی از او بگردانند و بجفای او مشغول گردند و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل
بر فساد و تباهی دین او کند اگر بیند که بر روی خویش موی بسیار داشت دلیل بود که وام دار
گردد جابر گوید اگر کسی روی خویش را نیکو بیند در آب یا در آینه یا کسی گوید که روی تو

بنکو شود دلیل کند که کار او بنکو گردد و اگر روی خویش را زشت بیند دلیل کند که کار او
بد شود اگر روی خود را سرخ بیند دلیل بود که او را با کسی مناظره افتد از انکه خشم خورد
خورده و اگر روی خود را زرد بیند بیمار گردد و اگر روی را روشن و صافی بیند بطاعتها
توفیق یابد و کار خیر کند و اگر روی را سیاه بیند دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و در بحال او
کفر افتد قوله تعالی و اما الذین اسودت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم اگر روی خود را شکسته
بیند دلیل بر مصیبتی بود و اگر بر روی خویش جراحتی بیند دلیل بود که بر قدر ان بسبب زنان
غم و اندوه خورد و اگر بر روی خویش تباهی و خراشیدگی بیند دلیل بود که در کار و کدخدائی
او خلل افتد از جهت زنان اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند خویشتن را دو روی دلیل که منافقی
کند و اگر روی خویش را خوب و پاکیزه بیند دلیل کند که توسط کند میان مردمان و اگر بکروی
خود را خندان بیند دیگری گریان دلیل بود که وی را دو زن بود و سازکاری نکنند با یکدیگر
حضرت صادق ع فرماید که دیدن روی در خواب بر هشت وجه باشد اول شرف و بزرگی دوم جاه
و مقام سیم نظام کارها چهارم دین و دیانت پنجم اندوه در سوائی چون سیاه بیند ششم ولم
دارای هفتم کار نیکو هشتم توفیق طاعت ریواس ابن سیرین گوید که ریواس در خواب غم و اندوه
بود اگر بیند که ریواس داشت و میخورد دلیل بود که بقدر انکه خورده او را غم و اندوه رسد
اگر بیند که ریواس بعز زحمت با کسی بوی داد دلیل بود که او غم و اندوه رسته گردد جابر گوید که
بیند که ریواس میخورد و بطعم شیرین بود دلیل که وی را منفعت رسد از قبل دوست یا از قبل
خویش و چون بیند که ریواس ترش بود دلیل که پشیمانی خورد در کارها که کند ریحان بدانکه
ریحان را بفارسی سپرغم گویند ابن سیرین گوید اگر بیند که سپرغم سبز و پاکیزه بود و خوشبوی
بود دلیل کند که او را فرزندی بود و کندن وی از زمین دلیل گریستن و اندوه بود بعد
ابخر کنده بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که ریحان در جایگاه خویش است دلیل بود که خداوند
کارهای نیکو کند اخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه کند دانیال ع گوید اگر بیند که ریحان
خوشبوی همی فروخت چون سپرغم بر مرد نکوش و عزان دلیل بود که بکارهای خیر توفیق یابد
و علم خواندن و نصیحت کردن این جمله در وی موجود بود و مردمان از وی منفعت گیرند و ثنای او

ریواس

ریحان

حرف الراء

گویند حضرت صادق ع فرماید دیدن ریحان در خواب بر هفت وجه بود اول فرزند دوم
کنیزک سیم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیکو اگر بیند که در
سرا یا در باغ او ریحان رست دلیل کند که از این چیزها که گفتیم او را چیزی حاصل شود و فساد
کرمانی گوید نقصان آن بدانکس حاصل شود جابر گوید هر دیدن نقصان کرد در باغ بیند
صلاح انهم بدایشان باز گردد ریحان فروش چون بوقت خویش ریحان فروشد بسیار نیکو بود و
اگر نه بوقت خویش بود دلیل بد بود زیرا که ریحان چون بوقت خود بود کسی نزدیک و نیکو بود که وی
را بدانکس دوستی و مصاحبت افتد و اگر بیند که ریحان را بدانکس از زمین برکند دلیل کند که از چنین
کسان که یاد کردیم او را مفارقت افتد ریسمان ابن سیرین گوید که ریسمان در خواب سفر بود و بعضی
از معبران گویند که کار مردی بود که بازنان اختلاط دارد اگر بیند که از پشم ریسمان همی رشت چنانکه
ریسمان نیاید بود که بسفر رود و از ان سفر خیر بدو رسد و اگر بیند که از پنبه یا قز یا کتان ریسمان
همی رشت چنانکه رسید دلیل که کاری حلال کند لکن مردان ازین نیکو نباشد اگر بیند که ریسمان
بجولاه برد تا جامه بافد دلیل بود که در پی کاری بود کرمانی گوید اگر زنی بیند که ریسمان از پشم یا از موی
همی رشت دلیل بود که او را از سفر غایبی باز آید و اگر بوقت رشتن ریسمان او گسسته گردد دلیل
بود که غایبش در سفر بماند پس اگر بیند که ریسمان بسیار داشت دلیل بود که عمرش دراز بود و فرزند
دراز و کوتاهی ریسمان او را خیر و منفعت رسد حضرت صادق ع فرماید که ریسمان در خواب بر
چهار وجه بود اول سفر دوم کار مزد سیم عمر دراز چهارم منفعت بسیار ریش ابن سیرین گوید
که ریش در خواب آرایش مردان و کدخدائی و بود و در خبر است که حقتعالی را فرشتگانست که تسبیح
ایشان سبحان من زین الرجال باللحی و النساء بالذوائب یعنی پاکست خداوندی که مردمان را
بیاراست بریشها و زنان را بگیسوها و اگر کسی ریشهای خود دراز بیند باندازه دلیل کند که کار
و کدخدائی و ساخته گردد اما چون درازی وی از ناف گذشته باشد دلیل بر غم و اندوه کند و اگر
بیند که ریش خود را بناخن پیرای میساخت دلیل که کدخدای خویش تیمار دارد و اگر بیند که ریش را
خضاب کرد و خضابش پذیرفته دلیل که حال خویش را بمردمان بپوشد اگر بیند که ریش خود را بر زمین
میکشید دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد اگر بیند که همه ریش را بریده بود دلیل هم بر زیان

ریسمان

ریش

مال بود وهم بر زبان حرمت اگر ریش خود را کوسه ببیند حرمت و مالش کم گردد کرمانی گوید اگر بیند
که ریش او سیاه و سرخ بود دلیل بود که او را داوری افتد بشغل کدخدائی اگر بیند که ریش او سفید
گشته بود دلیل کند که آهستگی و بردباری او زیاده گردد لکن غمگین گردد اگر بیند که ریش بدیدا
مبرید دلیل بود که اهل بیت او را زیان رسد اگر بیند که ریش آبی شده دلیل که کدخدائی
و زینت او ساخته گردد اگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل بود که او را از مرتبه جاه
بیم بود و آبرو و مالش برود اگر بیند که ریش را شانه میکرد و بخور و کلاب بر وی میزد دلیل کند
که کسی را شغل کند و مردان از انکس شکر باشد جابر گوید اگر بیند که ریش او دراز شد چنانکه
در زیر ناف او بود دلیل بود که در ریش و وام دار گردد یا غم و اندوه بوی رسد بعضی از معبران
گویند اگر کسی ریش خود دراز ببیند چنانکه تا ناف بود دلیل که مال یابد اگر کسی خود را
بانداره ببیند چنانکه ریش پدرش بود دلیل بود که از پدر میراث یابد اگر بیند که دست در
ریش خود کرد و پاره فرا کرد و آن را ببیند اخر دلیل بود که مالش از دست برود اگر بیند که پاره
از ریش در چیزی نهاده و نگاه داشته بود دلیل بود که مال خود را نگاه دارد و بکسی ندهد
دانیال گوید اگر بیند که ریش او کوتاه و کوچک بود دلیل بود که وام او گذارده گردد اگر غم
بود بیغم گردد و اگر بیند که ریش او تراشیده بود دلیل که از بهر معیشت ذلیل گردد اگر بیند
که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل بود که زود هلاک گردد اگر بیند که ریش او کنده شده
بود دلیل که حرمتش بشود و خوار و حقیر گردد اگر بیند کسی سر و ریش او را بسترد دلیل کند که
حرمت و آبروی او برود و اگر بیند که موی سفید از ریش خود بر کند دلیل که مخالفت سنت پیغمبر
کند اسماعیل گوید اگر بیند که کسی او را در حرم بوقت موسم سر تراشیده دلیل بود که اگر وام
دارد وام او گذارده گردد و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر بیند که بسیاری از ریش او وی افتاد
چنانکه نقصان در وی ظاهر گردید دلیل بود که از رنج و سختی فرج یابد اگر بیند که ریش او تمام سفید
گردید و هیچ سیاه در وی نبود دلیل بود که بختی از حرمت و جاهش نقصان گردد و اگر بیند که ریش
او تمام نتراشید ند جایگاه ریش و روی او خشتبر بود دلیل بود که در حرمت و جاه او نقصان گردد
اگر زنی ببیند که او را ریش بود دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و باشد که کاری کند که از آن

رسوا گردد

رسوا گردد و اگر مردی ببیند که زن او را ریش بود دلیل بود که آن زن هرگز فرزند نیاورد و اگر او را
فرزند بود دلیل که محتشم گردد و اگر کودکی نابالغ خود را با ریش ببیند دلیل بر غم و اندوه وی کند که
ببیند که کسی ریش او را بگرفت و میکشید دلیل کند که کسی مال او را بمیراث ستاند و بخورد اگر وی
ریش کسی را بگرفت و میکشید دلیل کند که مال آنکس را بمیراث بستاند حضرت صادق فرماید که
دیدن ریش در خواب بر ده وجه بود اول تیغ دوم عز و جاه سیم مرتبه چهارم هیبت پنجم منزلت و عزت
ششم نیکوئی هفتم تزویج هشتم مال نهم فرزند دهم گرامی شدن ابن عباس گوید که ریش ستردن
بخواب حاجبان و ترسنده کان و زندانیان را نیکو بود و توانگران و جوهریان خداوند نعمت را
بد بود ریش شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تن او ریش بود و از آن ریش خون و ریم جمع
گردیده بود دلیل کند که بقدر آن ریش و ریم او را مال جمع گردد و اگر بخلاف این بیند مال او را
نقصان گردد جابر گوید اگر بیند که جمله اندامهای او ریش بود و از آن ریشها او را درد و رنج بود
دلیل بود که بقدر آن او را غم حاصل گردد و اگر بخلاف این بیند از مال او نقصان بود دیگ ابن سیرین
گوید که دیگ در خواب دلیل بر منفعت و مال کند اگر بیند که در میان دیگ همی شد دلیل بود که از
بهر معیشت بشغلی مشغول گردد بقدر آن دیگ اگر بیند که دیگ میجوشید یا جمع میکرد دلیل بود که
بقدر آن او را مال جمع گردد اگر بیند که بکسی دیگ میداد دلیل کند که از او بدانکس بقدر دیگ خیر و
منفعت رسد حضرت صادق فرماید که دیگ بخواب دیدن بر چهار وجه بود اول مشغولی در دین و دنیا
خاصه چون دیگ بزرگ بود دوم مال سیم منفعت چهارم دفع لکن بارنج و عنا دیم ابن سیرین
گوید که دیم بخواب دیدن مال بود ببیند و اگر ببیند که از تن او دیم بیرون آمده دیگر باره بان
جای شد دلیل بود که بر قدر آن از مال او نقصان افتد و دیگر باره مالش تمام گردد اگر بیند
که ریم را همی بکشید و میجوید دلیل کند که مال حرام خورد و علی الجمله ریم جمع شدن در اندام
دلیل بر جمع شدن مال بود و ریم بیرون آمدن از اندام نقصان مال بود و ریم سیم و ریم
آهن و ریم ارزیز و انچه بدین ماند جمله غم و اندوه بود بقدر آنچه دیده بود دیوند ابن سیرین
گوید اگر بیند که دیوند بسیار داشت دلیل بود که در غم و اندوه گرفتار گردد اگر بیند که آن
بهر علتی دیوند خورد و از آن و برا شفا حاصل آمد دلیل بر شدن سنی و خیر و صلاح بود که

توم خویش

ریش شدن

دیک

دیم

دیوند

بوی رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر رنج و بیماری کند والله اعلم **حرف الزاء از کتاب کامل**
التعبیر

زن

زن ابن سیرین گوید اگر زنی بیند که دختری آورد دلیل کند که خیر و نیکی بدو رسد و
از خویشان و اهل خود خرم گردد اگر بیند که پسری آورد دلیل که غمگین و اندوهناک گردد اگر
مردی بیند که زنش پسر آورد و زنش آبستن بود دلیل بود که او را پسری آید و اگر زنش آبستن
نباشد و بیند که زنش پسر آورد دلیل بود که برنج صعب چیزی بدست آورد و بر وی کار دشوار گردد
اگر بیند که دختر آورد منفعتش بیشتر باشد کرمانی گوید اگر این خواب را زن پادشاه بیند که
دختری بزاد دلیل بود که شوهرش گنج یابد اگر بیند که پسر زاد دلیل غم و اندیشه بود اگر مردی
بیند که دختری بزاد دلیل بود که غمگین گردد اگر بیند که پسر زاد دلیل کند که کار نیکوئی از
وی صادر گردد و از آن کار او را نام نیکو در عالم منتشر گردد و اگر دختری دوشیزه بیند که
فرزندی زاد دلیل تاویلش اینست که گذشت حضرت صادق ع فرماید اگر زنی بیند که پسری
بزاد و در زمان با آن پسر سخن گفت دلیل مرگ او باشد و اگر بیند که دختر زاد دلیل بود که
از نسل او فرزندی بدید آید که مهتر و اهل بیت خویش باشد

زاغ

زاغ ابن سیرین گوید که زاغ در
خواب دیدن مردی فاسق بدین و دروغگوی بود در کارها اگر بیند که زاغی فرا گرفت یا کسی
بدو داد دلیل بود که با کسی بدین صفت فتنه و بکار باطل فریفته گردد اگر بیند که زاغی را گشت
دلیل بود که مردی را بدین صفت قهر کند اگر بیند که در جایگاهی زاغان جمع آمده بودند دلیل که در آنجا
دزدان و فاسقان جمع گردند اگر بیند که زاغی را اشکار گرفت دلیل که از جایگاهی باطل نعمت یابد
کرمانی گوید اگر بلند زاغ بیند تاویلش کنیزک هندی بود و اگر زاغان بیند تاویلش لشکر بود اگر
بیند که زاغی را پوست برکند دلیل کند که با زن غریب زنا کند اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل
کند که اهل بیت او را مصیبت رسد اگر بیند که با وی زاغ سخن گفت دلیل بود که از آنجا آگاه
گردد . اگر بیند که زاغان بسیار از هوا آمدند و میگذشتند دلیل که در آن دیار لشکری بدین
آید بعد از آن زاغان جابر گوید اگر بیند که زاغ و تذرو هر دو در شلوار او بودند دلیل
بود که فرزندش با کنیزک فساد کنند اگر بیند که زاغی را معالجه کرد دلیل بود که مردی مزدور را
پند دهد اگر بیند که زاغی را بیافت و پنهان کرد دلیل بود که در هواداری باطل جوئی بود

اگر بیند

اگر بیند که زاغی منقار از خانه او چیزی فرا گرفت دلیل بود که فاسقی با هند وی از خانه او
چیزی بدزدد.

حرف الزاء

زاک

زاک ابن سیرین گوید که از جمله زاکها که در خواب بیند زاک سپید بهتر باشد و
زاک سفید و زرد بیماری بود و زاک سیاه مصیبت و غم خوردن باشد زیرا که سیاه دلیل هلاک
بود و رنگ کردن جامه از آن تاویلش بد بود فی الجمله دیدن زاک در خواب هیچ منفعت نباشد
حضرت صادق ع فرماید که زاک بخواب بر چهار وجه بود اول غم و اندوه دوم بیماری سیم مصیبت چهارم
خصومت بسبب زنان

ژاله

ژاله ابن سیرین گوید که اگر بیند در شهری یا در سرائی یا در کوچه او ژاله
میبارید دلیل که از پادشاه مردم آن مقام را رنج رسد اگر بیند که با ژاله باران و باد تند و رعد
و برق بود دلیل کند بانحط و تنگی و مضرت باشد کرمانی گوید که ژاله با باران بخواب دیدن
دلیل بر نعمت و فراخی و ایمنی کند اگر بیند که با ژاله برق همی درخشید دلیل بود که اهل آن دیار را
رنج و بیماری بسیار رسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن ژاله در خواب بر پنج وجه بود اول بلا
دوم خصومت سیم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری

زرو

زرو و بدانکه زرو جلونیست که در آب بود و فارسیان
او را زرو گویند ابن سیرین گوید که دیدن آن در خواب دشمن طماع بود اگر بیند که زرو خون
از اندام او میمکید دلیل بود که دشمن بر او چیره گردد و بر قدر آن خون که خورده بود از مال او نقصان
گردد اگر بیند که زرو را از اندام خود جدا ساخت و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی
گوید که زرو عیالی بود که مال او بیکران خورد و بزیان خود اگر بیند که زرو بسیار بروی جمع شده
و خون او را میمکیدند دلیل بود که بقدر آن خون از مال او نقصان شود و غمگین گردد جابر گوید
که زرو بر اندام او بود لکن اندامش را نمیمکید کنیزکی غمخوار دلیل که از دشمن هیچ گزندی بوی
نرسد اگر بیند که زرو در گلوی او شد دلیل بود که دشمن در خانه او بود و بقدر مضرتی که او را
نتوانا و رسید از دشمن مضرت ببیند

زانو

زانو ابن سیرین گوید که اصل زانو در خواب معیشت
بیننده خواب بود اگر زانو را شکسته ببیند دلیل که او کارش شکسته و بی رونق گردد و اگر زانو را
بزرگ و قوی ببیند دلیل که کار او قوی گردد و عیش بر او فراخ گردد اگر بیند که بر زانو ضربت رسید دلیل
بود که کار و معیشت او ضعیف گردد اگر بیند که چشمه زانوی او شکسته بود دلیل که کار او تباه
گردد و نیازمند خلق گردد و اگر بیند که چشمه زانوی او بیفتاد دلیل که مایه که دارد از دست او بشود

کرمانی گوید که زانو در خواب کار و کسب و معیشت مردم بود هر چند که سخت تر بود کار و کسب او بهتر بود و اگر سست بود بخلاف این بود جابر گوید زانو در خواب کار و کسب و جایگاه رنج و عنای مردم بود و هر زیاده و نقصان که در زانو ببیند تاویلش چنان بود که یاد کردیم

زباد

زباد عرقی جانوریست که بوی خوش دارد و مانند گربه باشد ابن سیرین گوید اگر ببیند که زباد با خود داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که بیننده با ادب و فرهنگ باشد و مردمان مدح و ثنای او گویند اگر ببیند که زباد بوی ناخوش داشت دلیل که مردم نکوهش وی کنند اگر ببیند که زباد هیچ بوی نداشت دلیل که نکوهی با کسان کند که از او منت ندارند اگر ببیند که زباد همی خورد دلیل که عیالان او با ادب و فرهنگ باشند حضرت صادق ع فرماید که زباد در خواب بر چهار وجه بود اول ادب و فرهنگ دوم ثنا و مدح سیم نام نیکو چهارم کردارهای پسندیده

زبان

زبان بدانکه زبان زبان خداوندش بود و مدبر کارها که در دل او بود از اصلاح و فساد ابن سیرین گوید اگر ببیند که زبانش بریده و ناقص گردید بی آنکه با کسی خصومت داشت دلیل بر خیر و صلاح او بود و اگر با کسی خصومت داشت دلیل بود که بوقت حجت زبانش بسته گردد اگر ببیند که زبانش در طول یا در عرض زیاده شد دلیل که بوقت حجت زبان او روان بود و بر خصم ظفر یابد کرمانی گوید اگر ببیند که او را دو زبان است دلیل که حقتعالی او را علم و دانش روزی کند اگر ببیند که از دست خود زبان را ببرید تا سخن نگوید دلیل که از باطل گوئی توبه کند و خاموشی اختیار نماید اگر ببیند که زبانش بر سخنش خطائی نشست دلیل که سخنی گوید که رضای خدا با شد اگر ببیند که کسی زبان در دهان او نهاد دلیل که او را قوتی و حجتی بود از کسی در سخن اگر ببیند که زبان کسی میمکید دلیل که از آنکس علم و دانش حاصل کند جابر گوید اگر کسی ببیند که زبانش کند شده بود دلیل بود بر فساد دین و دنیای او اگر ببیند که دو دیگری را زبان ببرید دلیل که چیزی بدو دهد

کوتاه ... و زبانش از خود کند اگر ببیند که زنان را زبان ببرید دلیل که پرده و ستر او دریده گردد و راز او آشکارا گردد اگر ببیند که زبانش با کام گرفته بود دلیل بود که حقی یا وامی را منکر گردد دانیال ع گوید اگر ببیند که زبانش دراز و قوی و سطبر بود دلیل که مناظره و سخنور بود و بر خصم غلبه کند اگر ببیند که زبان او دراز شده دلیل که درشت سخن و بدگوی بود و مردمان از زبان او برنجانند

حرف الزاء

اگر ببیند که زبان کوتاه ... دلیل بود که بیمار و بیجان گردد اگر ببیند که زبانش ریش گردید دلیل بود که بر کسی بهتان گوید یا بر کسی گواهی به دروغ گوید اگر ببیند که زبان او موی بر آورده بود دلیل بود که از سخن خویش در رنج و بلا افتد اگر ببیند که زبانش آماس کرده بود دلیل بود که بسبب گفتارش او را مال حاصل گردد بر قدر آماس زبان اسمعیل اشعث گوید اگر کسی ببیند که زبان او دراز شده بود دلیل کند که کسی را دراغم کند یا دشنام دهد و اگر کسی ببیند که زبان او ... بود و بدو شاخ گشته بود دلیل که در میان مردم منافقی کند اگر ببیند که در اصل زبان هیچ نداشت دلیل بود که از شغل همه فرو ماند و دشمن برا و چیره گردد اگر ببیند که سر زبانش بریده بود چنانکه هیچ سخن نتوانست گفت دلیل بود که شغل او بدست وکیل وی بر آید اگر ببیند که زبانش خشک گردیده بود دلیل بود که سخت بد بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن زبان در خواب بر شش وجه بود اول حکمت دوم دیانت سیم ترجمان چهارم حاجت پنجم دلیل ششم یاد و سخن گفتن بزبانهای مختلف و حرف و سخن بیان میکنیم

زبرجد

زبرجد ابن سیرین گوید که زبرجد در خواب دلیل بر خیر و منفعت بود اگر ببیند که زبرجد از وی ضایع شد دلیل بود که مال او نقصان گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن زبرجد در خواب بر سه وجه بود اول خرمی دوم منفعت سیم مال

زبور

زبور ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب ببیند که زبور همی خواند دلیل بود که بحقتعالی باز گردد و بکار خیر رغبت نماید اگر ببیند که زبور بر ظاهر میخواند دلیل بود که زهد و خیرات و ورع بر پا کند جابر گوید اگر ببیند که زبور مینوشت دلیل بود که بکاری مشغول گردد که از آن کار او را منفعت رسد اگر ببیند که زبور میخواند دلیل کند که کاری ز اختیار نیکو پیش گیرد

زجر

زجر بدانکه زجر رسمی فال گرفتن بود به بانگ مرغان اگر بانگ مرغ فرخ بود دلیل بود بر خیر و صلاح و اگر بانگ مرغ فرخ نبود دلیل کند که بیمار گردد و سرانجام شفا یابد

زخم

زخم ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب ببیند که بر تن زخم داشت و اثر خون نبود دلیل بود که بر زخم زننده ظفر یابد و از وی خیر و منفعت یابد اگر ببیند که از جایگاه زخم او خون بیرون آمد و اندامش بدان خون آلوده گردید دلیل که مال حرام یابد کرمانی گوید اگر کسی ببیند که بر تن او زخم رسید و اندامش بخون آلوده گردید دلیل که بقدر آن خون که از زخم او روان شد در مال او نقصان افتد حضرت صادق ع فرماید که دیدن زخم در خواب

بر سر وجر بود اوّل ظفر یافتن دویم خیر و منفعت سیم نقصان مال خاصه که از جایگاه زخم خون
روان بیند جابر گوید زخم زده در خواب دلیل بر کاری مشکل کند که ظاهر گردد اگر ببیند که از
ان زخم خون میرفت دلیل بود که کسی بر وی دروغ گوید و بعد از ان ظاهر گردد که ان دروغ بوده
باشد اگر ببیند که جایگاه زخم اماس داشت دلیل که مال و عیش خوش یابد لکن از دوستان و
خویشان مفارقت جوید

زدن چوب

زدن چوب ابن سیرین گوید که زدن چوب در خواب دلیل بر رنج و بیماری
بود اگر ببیند که بخروار زرد چوبه داشت دلیل کند که او را زیان و مضرت رسد اگر ببیند که
جامه خود بزرد چوبه زرد میکرد دلیل که بیمار گردد و اگر جامه از دیگری بود تاویل بخلاف آنجا
بود و در دیدن زرد چوبه هیچ خیر و منفعت نباشد

زدن

زدن در امثال گوید اگر ببیند که او را بتازیانه
زدند چنانکه اثر زدن بر تن او پدیدار گردید یا دست و پایش سخت ببستند و چنان زدند که خون
از تن او روان گردید تاویل اینجمله بد بود و خبر دلیل کند که کسی بر زبان او را برنجاند و از ان
غمگین گردد بقدر ان خون ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او را بتازیانه میزدند بی آنکه دست و
پای او را بر بسته بودند اگر از تن او خون روان گردید دلیل کند که او را مال حرام حاصل گردد و چون
ببیند که اندامش بخون آلوده گردید اگر ببیند که نشان خستگی از زخم پیدا شد دلیل بود که
بقدر ان از هر کس فایده ببیند کرمانی گوید اگر ببیند که کسی تازیانه بر پشت او زد و از جای آن
خون بیرون آمد دلیل بود که از انکس مال حرام یابد یا زننده وی را بگناهی متهم کند و اگر بر
پشت خویش زخم ببیند و نداند که او را زد دلیل که کار دین و دنیای او نیکو گردد اگر ببیند که تازیانه
بر کس زد چنانکه پاره پاره گردید دلیل که اهل خاندان او پراکنده گردند اگر ببیند که کسی او را
بچوب بزد دلیل که غمگین و مستمند گردند بسبب مردی بد دین و منافق اگر ببیند که محتسب او را بدره
بزد دلیل که او را سلطان عمل دهد و کارش نیکو گردد و اگر ببیند که کسی او را کلوخی بزد دلیل
که او را منفعتی حاصل گردد اگر ببیند که کسی کلوخی بر پشت او زد دلیل بود که کسی او را نصیحت
کند اگر ببیند که کسی او را مشت بزد دلیل بود که بقدر ان او را رنج رسد از زننده اگر ببیند
که کسی او را طپانچه زد دلیل که از کسی سخنی سخت شنود و ابروی او بریزد جابر گوید اگر ببیند
که یکی او را بزد و از چیز زد دلیل کند که مال یابد و جامه نو پوشد و بهتر آن بود که زننده را

شناسد و بود

حرف الزاء

شناسد و بوقت زدن دست و پای بسته بود اگر ببیند که یکی او را بچوب یا بتازیانه بزد و
دانست که کی معروف است دلیل است که از او چیزی بدو رسد و زننده را نیک نباشد اسمعیل اشعث
گوید که اگر ببیند که مرده او را میزد دلیل که از سفر منفعت یابد یا چیزی که از دستش رفته باز
بدستش آید اگر ببیند که او مرده بود و او را میزد دلیل که او را در دین قوت بود و بعضی از
معبران گویند که وامش گذارده شود اگر ببیند که مرده را میزد و از ان زدن راضی بود دلیل
بود که حال ان مرده در آخرت نیک بود حضرت صادق فرماید که زدن در خواب بر شش وجه بود
اوّل شناعت دویم مجادله سیم دوش شدن کار مشکل چهارم سفر پنجم شرف و بزرگی ششم مال
حرام

زر

زر ابن سیرین گوید که زر در خواب مردان را غم و اندوه بود و زنان را نیکو و زینت
بود اگر ببیند که زر یافت یا کسی بدو داد دلیل که مالش ضایع گردد یا تاوانی بر وی افتد یا کسی
بر وی خشم گیرد کرمانی گوید اگر کسی بیند که زر یا سیم میگداخت دلیل که بر زبان مردم افتد اگر ببیند
که زر بخروار بخانه برد دلیل که مال بسیار یابد اگر ببیند که زر میخورد دلیل که بقدر ان مال بر عیال
هزینه کند جابر گوید دینه بخواب مردان را بد بود و زنان را نیکو بود اگر ببیند که زر و سیم بیکجا
جمع شد دلیل که عز و جاه بود و اگر کان سیم ببیند دلیل که دختری بهتر زنی کند لکن اندوهگین
گردد اگر ببیند که با زرگری نشسته بود و با او معامله میکرد دلیل بود که او را با مردی دروغگوی
سر و کار افتد تاویل دینار گفتیم

زرد آلو

زرد آلو ابن سیرین گوید که زرد آلو چون بوقت بود و بطعم
شیرین بود دلیل که بهر زرد آلوئی که بخورد او را دیناری حاصل گردد و اگر زرد آلو ترش بود
دلیل که او را غم و مصیبت رسد و بعضی از معبران گویند که زرد آلو تاویل کنیزک و نیز مال دنیا
بود کرمانی گوید اگر ببیند که استخوان زرد آلو بشکست و تلخ بود دلیل بود که اندوهی بوی رسد و
اگر شیرین بود دلیل بود که از مردی بی اصل منفعت یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که زرد آلو
بخواب بیماری بود چون بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود غم و اندوه بود و اگر بطعم شیرین
بود منفعت بود

زردها

زردها ابن سیرین گوید که جمله زردها در خواب دلیل بر درد و بیماری بود از
جامها و خوردنیها و میوه‌ها اگر ببیند که جامه زرد پوشیده بود یا طعامی یا میوه زردی میخورد
دلیل بر بیماری و رنج و اندوه کند جابر گوید اگر ببیند که با جامه زرد طعام زرد میخورد بیماری بود

زرشک

زرشک در خواب دیدن زرشک دلیل غم و اندوه بود اگر ببیند که زرشک میخورد دلیل غم و
اندوه بود اگر ببیند که زرشک از درخت جمع میکرد دلیل بود که با مردی بخیل او را خصومت
زرنیخ

افتد زرنیخ ابن سیرین گوید که زرنیخ در خواب دلیل رنج و بیماری بود اگر ببیند که زرنیخ میخورد
دلیل بیمار گردد اگر ببیند که زرنیخ را بفروخت یا بکسی بخشید یا از وی ضایع گردید دلیل که از
بیماری و غم ایمن گردد جابر گوید اگر ببیند که کان زرنیخ یافت یا خرید و زرنیخ بخانه برد دلیل که مال
بسیار بدست آورد و آن را به بیماری هزینه کند اگر ببیند که زرنیخ زرد در جایگاهی جمع میکرد
زره

دلیل که در سفر بیمار گردد زره ابن سیرین گوید اگر ببیند که زره پوشیده بود دلیل بود که از
شر دشمن ایمن گردد اگر ببیند که زره ضایع گردید دلیل که دشمن بر وی چیره گردد اگر ببیند که کسی
او را زره داد و در پوشید دلیل کند که آنکس با وی قهر کردن دشمن یار بود و نصرت کند
بعضی از معبران گویند که زره حصن بود دین که او را نگاه دارد کرمانی گوید اگر کسی ببیند که زره داشت
دلیل بود که ایمن بود از شر دشمنان و اهل بیت او و اگر ببیند که با زره سلاح پوشیده داشت دلیل
بود که از شر عامه و مکر دوست ایمن گردد حضرت صادق ع فرماید که زره در خواب بر شش وجه بود اول
ایمنی از دشمن دوم حصن سیم قوت چهارم مال پنجم زندگانی ششم نیکوئی و زره کرد در خواب
زعفران

مردی بود که او با موزد مردمان را زعفران ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که زعفران با خود داشت
دلیل بود که مردمان بعد از وی مدح و ثنا گویند خاصه چون ببیند که زعفران نا سوده بود
اگر ببیند که زعفران خورد میکرد دلیل بود که بیمار گردد اگر ببیند که رنگ زعفران بر جامه یا بر تن
او بماند دلیل بر بیماری بود اگر ببیند که رنگ زعفران از تن بشست دلیل بود که از بیماری شفا یابد
کرمانی گوید اگر ببیند که زعفران ناکوفته بخرید یا کسی بوی داد دلیل بود که زنی توانگر بخواهد و
حکم زعفران آنوقت باشد که کسی جامه یا تن بوی رنگ کند و جامه زعفران بیماری و غم و اندوه
زغن

بود اگر ببیند که زعفران میخورد همین دلیل کند اگر ببیند که بخروارها داشت دلیل بود که او را
مال و نعمت حاصل شود و از مردمان مدح و ثنا شنود زغن بدانکه در خواب زغن دلیل بود بر پادشا
ان موضع ابن سیرین گوید اگر ببیند که زغن مطیع و فرمان بردار او بود دلیل که از پادشاه مال
و نعمت و بزرگی یابد اگر ببیند که زغن او را مطیع نبود و شکار نکرد دلیل که او را غلامی بود که در وجه مهتری

برسد

برسد و اگر این خواب را زنی بیند و آبستن بود دلیل که او را پسری آید و پادشاه گردد و اگر
ببیند که زغن از دست او بپرید دلیل بود که اگر زن آبستن بود فرزند نمرده آورد یا بطفلی از دنیا
زفت

برود حضرت صادق ع فرماید که دیدن زغن در خواب بر چهار وجه بود اول پادشاه متواضع
دوم بزرگواری سیم فرزند چهارم مال و نعمت زفت ابن سیرین گوید که زفت در خواب غم و
اندوه و محنت بود اگر ببیند که زفت داشت یا کسی بدو داد دلیل که در رنج و اندوه گرفتار
گردد و اگر ببیند که زفت خورد دلیل که غم و اندیشه او بسبب عیالان بود و اگر ببیند که زفت بفروخت
یا کسی بدو بخشید یا از خانه بیرون افکند دلیل که از غم و اندوه خلاص یابد جابر گوید اگر
ببیند که زفت بر جراحت نهاد و درست گردید دلیل کند که از کسی خیر و راحت یابد اگر ببیند که
زکوة

جامه او از زفت آلوده گردید دلیل بود که از وی کاری در وجود آید که بدنامی او از آنجا حاصل آید
زکوة ابن سیرین گوید که زکوة مال در خواب دیدن دلیل بود که مالش زیاده گردد اگر ببیند زکوة
فطر میداد دلیل بود که نماز و تسبیح گوید و رستگاری یابد قوله تعالی قد افلح المؤمنون الذین
هم فی صلوتهم و اگر وام دار بود وام بگذارد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد بر وی ظفر
یابد کرمانی گوید اگر کسی ببیند که زکوة مال میداد مال او در حق بود و بلا از وی دفع گردد و بقول
رسول الله فرماید حصنوا اموالکم بالزکوة یعنی حصن کنید مالهای خود را بزکوة دادن
جابر گوید اگر کسی ببیند که زکوة مال میداد دلیل که مالش زیاده گردد حضرت صادق ع فرماید
که زکوة مال دادن در خواب بر هفت وجه بود اول بشارت دوم خیر و برکت سیم روشن
زکال

بودن کارهای مشکل چهارم قضا حاجت پنجم روشنائی ششم از غم فرج یافتن هفتم زیادتی مال
زکال ابن سیرین گوید که زکال بخواب دیدن مال حرام بود اگر ببیند که زکال از جائی فراگرفت یا
کسی بدو داد دلیل بود که او را مال حرام حاصل گردد اگر ببیند که زکال بر آتش نهاد و آتش بر افروخت
دلیل کند که از مال پادشاه یا با پادشاه معامله کند و از وی فایده یابد اگر ببیند که جامه یا
زکام

اندامش بزکال سیاه گردید دلیل کند که وی را از سلطان غم و اندوه رسد زکام ابن سیرین گوید
اگر ببیند که یکی را علت زکام بود یا خود را دلیل کند که روزی اندک بیمار گردد و زود شفا یابد
و هر چند که زکام صعب‌تر است بیماری او بیشتر بود کرمانی گوید که زکام دیدن دلیل کند که

برکسی خشم کیرد و زود صلح کند حضرت صادق ع فرماید که کام در خواب بر سه وجه بود اول
بیماری اندک دویم خشم کرفتن بر کسی سیم منفعت یافتن زلابیه در خواب دلیل بود بر جهد و کوشش

زلابیه

بیرون از اندازه و یافتن مال بسیار و نزهت و شادی اکر بیند که زلابیه داشت یا کسی بوی داد و
میخورد دلیل بود که بقدر ان وی را مال و نعمت حاصل کردد و اکر بیند که اندک زلابیه در دهان
نهاد دلیل که از کسی سخن خوش و لطیف شنود جابر کوید اکر بیند که زلابیه بزعفران میخورد دلیل
بود که مال یابد و اکر زلابیه بزعفران خورد دلیل کند که بیمار کردد زلزله ابن سیرین کوید اکر

زلزله

بیند که زلزله بود و زمین میجنبید دلیل بود که مردم ان دیار را از پادشاه رنج و بلا رسد بعضی
جنبیدن زمین و بعضی از معبران کویند اکر بیند که زمین میجنبید دلیل بود که افت بمردم رسد
و بیماری بود در ان دیار و اکر بیند که زمین بر کردید و جانب زیرین سوی بالا شد دلیل که فتنه و بلای
عظیم باهل ان ولایت رسد کرمانی کوید اکر بیند که زمین اهسته بجنبید و بیکجانب فرو رفت و یک
جانب بحال خود باقی ماند دلیل که پادشاهی بان زمین اید و اهل ان دیار را عذاب کند و مال
ایشان اباراج برد حضرت صادق ع فرماید که دیدن زلزله و خسف زمین فرو شدن این جمله
در خواب محنت و بلای عظیم بود از قبل پادشاه یا قحط و بیماری بود قوله تعالی فخسفنا به و بداره
الارض و بهر حال زمین لرزه در خواب عقوبت و علامت بد بود بر اهل ان دیار زمرد ابن سیرین

زمرد

کوید که زمرد در خواب دیدن فرزند یا برادر بود یا مال حلال بود شایسته اکر بیند که زمرد داشت
یا کسی بوی بخشید دلیل بود که فرزند یا برادرش از دنیا برود یا غایب کردد یا مالش از دست
برود کرمانی کوید که زمرد دیدن مذهب نیکو بود و هر زیاده و نقصان که در زمرد بود تاویل آن
بدین و مذهب باز کردد جابر کوید زمرد در خواب کنیزک بود و حکم ان از نیک و بد بکنیزک باز کردد
و بعضی کویند زمرد در خواب دیدن دلیل سختی نیکو بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن زمرد
در خواب بر پنج وجه بود اول فرزند دویم برادر سیم مال حلال چهارم کنیزک خوبروی پنجم سخن
نیکو هر چند که زمرد نیکوتر بیند این دلیلها که کفتیم نیکوتر باشد زمستان ابن سیرین کوید که دیدن زمستان

زمستان

بخواب دیدن پادشاه بود اکر بخواب بیند که زمستان بود چنانکه مردم را از ان مضرت میرسید
دلیل که مردم ان دیار را از پادشاه مضرت رسد اکر بیند که هوا سخت سرد بود و سرما کسی را زیان

نو احتمال

حرف الراء

نداشته دلیل که اهل ان دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و زمستان را در وقت خود دیدن
بهتر بود کرمانی کوید که زمستان را در وقت خود دیدن چنانکه سرما سخت نباشد دلیل یافتن
مراد و زیادتی عز و شرف باشد مردم عامه را از پادشاه قوة و نصرت بود دلیل بر زیادتی
عدل و انصاف بود زمین دانیال ع کوید زمین در خواب دیدن زن بود اکر بیند که او را زمینی

زمین

بود فراخ و بزرک و جمله دید او بود و خاک ان زمین پاکیزه بود دلیل که او را زنی باشد نیک بستر
و صلاح چنانکه در میان زنان ایشان را فضل و جاه و منزلت بود اکر بیند که زمین بغایت بزرک
شد چنانکه پایانش پدید نبود دلیل کند که از ان زن او را نعمت و اسباب بسیار
حاصل کردد و اکر بیند که در ان زمین نبات و سبزه مجهول بود دلالت که ملک او بود
دلیل کند که انکس مسلمان بود بهتر انکه سبزه در خواب دین اسلام بود ابن سیرین کوید اکر
بیند که در زمین سبزه و نبات معروف بود با نعمت و اسباب دلیل که او را فضل و دیانت بود
و سرانجام ثواب اخرت یابد و اکر بیند که در صحرا بود مانند بیابان و ان زمین را نشناسد دلیل
کند که سفر دور کند و اکر بیند که زمین را می کند و خاکش میخورد دلیل که مال یابد بقدر
ان خاک که خورده باشد اکر بیند که در زمین ناپیدا کردید بی انکه در انجا جای یا مغاک بود
دلیل بود که هلاک کردد و اکر بیند که زمین را مانند چاه یا سرداب همی کند دلیل که مال کسی را
بمکر و حیله بدست آورد و اکر بیند که زمین او را فرو کرفت دلیل که در غم و مصیبت افتد و از
قبل زن مال او تلف کردد و اکر بیند که از زمین فراخ بزمین تنک شد دلیل بود که از کاری
نیک بکاری بد افتد جابر کوید اکر بیند که زمین با وی سخن کفت و بخیر و نیکوئی وی را مژده داد دلیل
بود که در دین و دنیا خیر بسیار کند چنانکه مردمان از ان شکفت آید و بعد از وفات او را
یاد کنند و اکر نداند که زمین با وی چه کفت دلیل کند که خرابی کند کسی را بنا ورد اکر بیند
که زمین وی در زیر پایش در نوشته دلیل که اخر عمرش شده باشد اکر بیند که برخی از زمین در
زیر او نوشته دلیل کند بر تنکی معیشت او اکر بیند که ان زمین خداوند معروف بود تنکی معیشت
خداوند زمین را باشد اکر بیند که زمین خود را فراخ کرد باشد که عمرش که عمر خداوند زمین
باشد دراز کردد اکر بیند که زمین را می پیمود دلیل بود که بسفر رود اسمعیل کوید اکر بیند که زمین را

از بهر کشته بیکار افتد دلیل که بشغل بزرگ مشغول کردد و از قبل آن منفعت یابد یا از سعی
نعمتی بدست آورد و اگر کسی زمین خود را آبادان بیند دلیل که کارش نیکو و قوی کردد و اگر
زمین را خراب بیند دلیل که کارش ضعیف کردد یا با کسی او را خصومت افتد و اگر کسی خود را
در زمین کشته بیند دلیل بود که او را با کسی انبازی بود یا زنی را بنکاح بخواهد و اگر کسی خود را
در میان کل سر کشته بیند و در میان آن کل برآمده دلیل بود که در پادشاهی داد و ابزنی کند
از او فرزند آورد و اگر بیند که آفتاب با کل فرو رفت دلیل باشد که فرزندش نماند و اگر بیند
که آب در بیامد و زمین او را غرقه کرد و ابنیه و کشت او تباه کرد دلیل باشد که از پادشاه ستم
یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن زمین در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم دنیا سیم
زن
مال چهارم ولایت یعنی فرمان روائی. زن. ابن سیرین گوید که زن جوان در خواب شادی و مقصود
مرد باشد و زن پیر دنیا باشد و شغل اینجهانی و نیز دیدن زنان در خواب شادی و مقصود مرد
باشد و شادی دیدن زنان بر قدر نیکوئی و جمال و فربهی و لاغری و زشتی بود و بهترین زنانی را
که در خواب بیند زنانی باشند که معروف نباشند و زن خوب و فربه فراخی نعمت باشد و زن زشت
لاغر قحطی و تنگی بود و زن شادمان آراسته مرادهای اینجهانی بود و پیره زن ترش روی چون بیند بدحالی
و بی مرادی باشد کرمانی گوید اگر زنی بیند که او را چون مردان قضیب بود دلیل بود که او را فرزند
بود یا ابتر شود و فرزند آورد و اگر زنی جوان ببیند که پیر شده بود دلیل بر خیر و صلاح دین و
دنیا بود و اگر زنی بیند که او را قضیب بود و مجامعت میکرد دلیل بود که از او کاری نشستنی در وجود
آید و اگر مردی ببیند که زنش نشسته پس با او جماع کرد دلیل که حرمت بزرگی او زایل کردد اگر زنی
ببیند که مرد کردید و جامه مردانه پوشید اگر آن زن مستور بود دلیل که خیر و صلاح او بود و اگر
زن مفسد بود دلیل کند بر شر و فساد او جابر گوید که زن مفسد در خواب اهل دنیا را زیادتی
دنیا بود و اهل صلاح دین یا مرد صالح علم و زن غریب بهتر از زن آشنا باشد که اگر مردی
بیند که کسی با زن او دست درازی کرد دلیل باشد که اهل از زن توانگر کردند اگر بیند که زن او نیز
مردمان بیگانه نبغا شد دلیل بود که بدو منفعت نیکو رسد دیرا با شوهر آزاد از فرد و اگر
بیند که کسی زن او را نیزه یا شمشیر داد دلیل کند که پسری آورد و اگر بیند که کسی او را ولد داد

دلیل بر

حرف الزاء

دلیل بود که دختری آورد حضرت صادق ع فرماید دیدن زن در خواب بر شش وجه بود اول شادی
و مقصود دوم دنیا سیم شغل اینجهانی چهارم فراخی نعمت پنجم قحطی و تنگی ششم توانگری. زنار. ابن سیرین
زنّار
گوید اگر کسی بیند که زنار در میان داشت دلیل کند که اگر بیننده مستور و با امانت بود انصاف
از خصم بیابد و اگر خداوند خواب مستور نباشد بزودی توبه باید کرد که از این علامت بد باشد
جابر گوید اگر کسی بیند که زناری در دست داشت دلیل کند که در دین ضعیف بود و اگر زنار
در میان بسته بود و بیننده مستور بود بیم است که کافر کردد و اگر بیند که زنار از میان ببرید و بیفکند
دلیل بود که از کار بد توبه کند و بخدای تعالی باز کردد و بر گناه پشیمانی خورد و راه صلاح
اختیار کند. زنبور. ابن سیرین گوید که زنبور در خواب مردی سفله دون همت بود و اگر
زنبور
بیند که زنبور او را بگزید دلیل که او را از مردی دون رنج و مکروه رسد یا سخن ناخوش
شنود و اگر بیند که زنبوران بسیار بر وی جمع شدند دلیل بود که در میان مردمان دون گرفتار گردد
خاصه چون زنبوران وی را میگزیدند کرمانی گوید اگر کسی بیند که زنبور وی را بگزید دلیل که از
زنی بد وی را آزاری رسد و اگر زنبور بسیار در خانه خود جمع بیند دلیل کند که او را با زنی
سخن چین شغلی افتد و اگر بیند که زنبور را بکشت دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که از
هوا زنبوران بسیار جمع آمده اند دلیل کند که لشکری در آنجا جمع کردد حضرت صادق ع فرماید
که دیدن زنبور در خواب بر شش وجه بود اول غوغا دوم مرهم دون سیم لشکر چهارم ملخ پنجم
دشمن ششم فرزندان. زنبیل. ابن سیرین گوید که زنبیل در خواب زن بود یا کنیزک اگر بیند
زنبیل
که زنبیلی داشت دلیل که وی را خادمی حاصل کردد و بعضی از معبران گویند که زنبیل در خواب
مال و نعمت بود حضرت صادق ع فرماید که زنبیل دیدن در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم
خادم سیم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر
و برکت نهم میراث از جهت زنان و زنبیل یافتن در خواب خداوند کار بود. زنجبیل. ابن سیرین
زنجبیل
گوید زنجبیل در خواب دلیل بر غنم دانه بود و خوردن آن دلیل بر مضرت زیان کند و بعضی
از معبران گویند که خوردن زنجبیل در خواب دلیل بر خصومت و گفتگو کند و خوردن و ستدن زنجبیل
در خواب بر خیر و نفع بود. زنجیر. ابن سیرین گوید که زنجیر در خواب گناه و معصیت بود اگر بیند

که او زنجیر را بگسست بیند اخت دلیل کند که از گناه توبه کند و بخدای تعالی باز گردد جابر
گوید اگر کسی بیند که در گردن زنجیر داشت دلیل بود که مظالم در گردن دارد و اگر بیند که زنجیر
بر دستها داشت دلیل که مال کسان را دست درازی کند و از حرام نیندیشد و اگر بیند که
بر پایها زنجیر داشت دلیل که در خانه کسان بمعصیت فساد شود

زنخ

زنخ ابن سیرین گوید که زنخ
در خواب مهتر خاندان بود و خداوند شغل سپاه بود اگر بیند که زنخ او سطبر و بزرگ بود دلیل
بود که از بهر در دمان و اهل بیت خوار و حقیر گردد اگر بیند که از زنخ او خون روان شد دلیل
که بر قدر ان از مهتر خاندان زیانی بوی رسد و بعضی از معبران گویند که در کسب و کارش نقصان

زندان

افتد زندان ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در زندان شد و آن زندان هرگز ندیده بود دلیل
بر هلاک بود زیرا که زندان مجهول گور بود و اگر زندان معروف بیند دلیل بر اندوه و مضرت
کند و اگر بیند که در زندان بر پای داشت دلیل که در عملی باشد و بر نماند کرمانی گوید که اگر
خداوند خواب مستور بود و خود را در زندان معروف بیند دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر مستور
نباشد از جهت شغلهای دنیا او را غم و اندوه بود اگر بیند که با مردی در زندان با بند همی رفت
دلیل که کار بسته او را امید گشایش بود حضرت صادق فرماید دیدن زندان در خواب چون
معروف بود خلاصی یافتن و عاقبت نیکو باشد قوله تعالی قال رب السجن احب الی مما یدعوننی
الیه و چون مجهول بود دلیل گور و غم و اندوه بود چنانکه یوسف فرمود السجن قبر الاحیاء
و منزل البلوی و تجربة الاصدقاء و شماتة الاعداء یعنی زندان بخواب دیدن گور و بلاست و
ازمایش کردن دوستان و خرم کردن دشمنان و اگر بیند که در زندان شد و زود بیرون امد

زنگار

دلیل کند که خداوند تمامی بیابد زنگار ابن سیرین گوید که زنگار در خواب غم و اندوه بود و
خوردن او دلیل بر هلاکت کند فی الجمله دیدن زنگار هیچ خیر و منفعت نباشد

زنگله

زنگله ابن
سیرین گوید که دیدن زنگله در خواب دلیل جنگ و خصومت بود اگر کسی بیند که آشنائی زنگله بوی
داد دلیل که با آنکس گفتگوی کند جابر گوید اگر بیند که زنگله زرین داشت با کسی بوی داد
دلیل که وی را با کسی خصومت افتد و زنگله سیمین همین تاویل دارد و اگر زنگله مسین یا برنجین

زها

داشت دلیل که وی را با مرد جاهل عامی خصومت افتد زها ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در زهار

حرف الراء

خود مینگریست چنان پنداشت که هرگز موی نداشت دلیل که کار او بسته گردد و اگر بیند که بر
زهار او موی بسیار رسته است دلیل که غمگین و مستمند گردد بسبب زنان و اگر بیند که بر زهارش
رنجی و دردی پدید آمد دلیل کند که بقدر آن وی را دردی و رنجی حاصل گردد حضرت صادق
فرماید که زهار در خواب بر دو وجه بود اول زن دوم مال و هر زیاده و نقصان که در آن بیند

زهر

تاویل آن بزن و مال وی افتد زهر ابن سیرین گوید که زهر در خواب مال حرام بود و هر چه بر کردن
و کشتن ناحق بود و اگر بیند که زهر میخورد دلیل کند که بقدر آن مال حرام خورد یا خون ناحق
بریزد و اگر بیند که تن او بخوردن زهر آماس کرفته دلیل بود که مال حرام حاصل کند
کرمانی گوید اگر بیند که تن او در زهر آلوده است دلیل بود که بکاری سخت حریص گردد و بعضی از
معبران گویند که سخنی بروی بندند و او را بدان سخن الزام کنند و اگر بیند که تن وی از آن
کزند رسید دلیل کند که بقدر گزند تن مالی برنج و سختی بدست آورد و بعضی از معبران گویند
که زهر خوردن دلیل بود که از کسی خشم فرو خورد حضرت صادق فرماید که زهر در خواب دیدن
بر پنج وجه بود اول مال حرام بود دوم فرو بستن کار سیم غم و اندوه چهارم خشم فرو خوردن

زهره

پنجم منفعت که برنج حاصل کند زهره ابن سیرین گوید زهره مردم را اگر کسی بخواب بیند که
میخورد دلیل که خشم مردم فرو خورد و اگر بیند که زهره چهارپایی میخورد دلیل که بقدر آنکه
خورده بود مال حرام یابد اگر بیند که زهره دد ان میخورد دلیل که بدخوی و خشمناک گردد و
سازکاری نکند جابر گوید اگر بیند که تن او بزهره مردمان آلوده کردید دلیل کند که از ادمیان

زوبین

جوید و اگر بیند تنش بزهره چهارپایی آلوده گردید دلیل کند که لباس حرام پوشد زوبین
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که زوبین در دست داشت بجز از زوبین هیچ سلاح دیگر نداشت
دلیل او را فرزندی آید اگر بیند که با زوبین سلاحهای دیگر داشت دلیل که او را از پادشاه خیر و
منفعت رسد بر دشمن ظفر یابد جابر گوید اگر کسی بیند که زوبین در دست داشت و بجز از زوبین
هیچ سلاح دیگر نداشت دلیل کند که او را فرزندی آید اگر بیند که بر کسی زوبین می انداخت دلیل
که آنکس را سخن بد گوید اگر بیند کسی با زوبین مجروح میکرد دلیل کند که بر کسی بهتانی نهد

زیتون

زیتون اگر بیند زیتون زرد در خواب خورد دلیل غم و اندوه بود زیرا که بطعم تلخ و ناخوش باشد

زهره — زیلوی — زمین

وبکوینه سبا اکر بیند که زیتون داشت میخورد دلیل که غم و اندوه خورد کرمانی کوید که روغن
زیتون در خواب خیر و برکت بود اکر بیند که روغن زیتون می مالید و میخورد دلیل که بقدر
آن خیر و منفعت بدو رسد جابر کوید که زیتون ملح تلخ بود و با نان میخورد او را اندک منفعت
برنج و سختی حاصل اید زهره ابن سیرین کوید که زهره بخواب بطعم چون ترش بود و میل بشیرینی
دارد دلیل بر خیر و منفعت کند و چون در زعفران باشد دلیل بر بیماری کند اما خوردن
زهره باج در خواب دلیل بر خشم و غم کند زیلوی ابن سیرین کوید که زیلوی بخواب چون کستردن
بود دلیل بر درازی و ساختکی کار دنیا کند و هر چند زیلو درازتر باشد بهتر باشد و چون
زیلو در نوشته باشد دلیل بر نقصان عمر و درویشی کند و اکر بیند که بر زیلوی کوچک
نشسته بود و آن زیلو در زیر آن دراز کردید دلیل که عیش و روزی بر وی فراخ کردد اکر بیند
که زیلو بدست خود در نوشت و بکنج خانه نهاد دلیل که عز و دولت خویش را تباه کند اکر
بیند که زیلو را بر پشت نهاده میبرد دلیل کند که بزه و کناه او بسیار جمع کردد اکر بیند که زیلو
بر کردن نهاد دلیل کند که امانت او بر کردن مردمان جمع کردد اکر بیند که زیلو در نوشت و
بکسی داد دلیل بود که عمرش باخر رسیده بود اکر بیند که زیلوی کوچک سطبر داشت دلیل که
روزی بر وی تنک کردد اما عمرش دراز بود اکر بیند که زیلوی فراخ باریک داشت روزی بر وی
فراخ کردد اما عمرش کوتاه بود جابر کوید اکر بیند که زیلوی سطبر پاکیزه داشت دلیل که نعمت
بر وی فراخ کردد اکر بیند که زیلوی کهنه در زیر کسترده دلیل که عمر بتلخی کذرانده و عیش بر وی
تنک کردد اکر بیند که زیلوی بجهت وافکنده بود دلیل کند که آنچه دارد از دست او بشود و اکر
بیند که زیلوی نو بدو دادند یا بخرید و در خانه بکسترد دلیل که دولت و اقبال یابد و عمرش
دراز کردد زیرا که کستردن زیلو در خواب دلیل بر درازی عمر کند و در نوشتن دلیل بر سپری
عمر کند حضرت صادق ع فرماید دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود اول ساختکی کار مردم
دوم درازی عمر سیم روزی چهارم عز و دولت پنجم دشواری عیش ششم کناه و امانت که بر کردن
جمع کند چون زیلو دادن کردن بیند زمین ابن سیرین کوید که زمین در خواب دیدن چون بر پشت
چهارپایان نباشد بد بود اما چون بر پشت چهارپایان باشد حکم نیک بدان بر راکب بن

حرف السین — سار — ساطور — ساعد — ساق

باشد زیرا که زمین آلت چهارپایان است اکر بیند که زمینی بخرید بداده دلیل که کنیزکی بخرد یا زنی بخواهد
و حق او تعالی نعمت دنیا کرده و باشد که مال و میراث یابد اکر بیند که زمین او بشکست یا ضایع کردید
دلیل کند که زن او بمیرد یا بیمار کردد اکر بیند که زمین او بزر و سیم آراسته بود دلیل کند که زن
او خویشتن بین و متکبر باشد و در راه دین ضعیف بود اکر بیند که زمین او سیاه بود و هیچ اثر
نداشت دلیل کند که زن او دین دار و پارسا و با امانت بود و زمین کردن در خواب دلیل بر خواهش زن
کند والله اعلم **حرف السین من کتاب کامل التعبیر** سار بدانکه سار غیبت کر اندر
زور زور خوانند ابن سیرین کوید که دیدن آن در خواب مردی بود مکار که سفر بسیار کند اکر بیند
که سار کرفته دلیل بود که او را با مردی مسافر صحبت افتد اکر بیند که کوشت سار میخورد دلیل
که بقدر آن کوشت که خورده باشد او را خیر و منفعت رسد جابر کوید دیدن سار در خواب مردی
کافر بود که سخن دروغ بسیار کوید اکر بیند که سار بسیار بر وی جمع شدند دلیل که در دنیا بکافران
کرفتار کردد ساطور ابن سیرین کوید که ساطور در خواب مردی بود شجاع و دلیر که فروکند بنا
کارهای دشوار و [illegible] اکر بیند که ساطور داشت یا کسی بدو داد دلیل که او را با مردی بدین صفت
که کفتیم مصاحبت افتد و از او خیر و منفعت بیند اکر بیند که ساطور او بشکست دلیل بود که مردی
بدین صفت که کفتیم از او جدا کردد جابر کوید دیدن ساطور در خواب مردی بود که کارهای دشوار
بسبب او بر مردمان دشوار بر آید خاصه که ساطور قوی و بزرک باشد ساعد ابن سیرین کوید
که ساعد دست در خواب دیدن دوست و انباز و مردم معتمد بود اکر بیند که ساعد دست او درست
و بزرک بود دلیل که او را از دوست و انباز خیر و منفعت رسد از ایشان عزت بیند اکر بیند که
ساعد دست او بشکست یا بیفتاد دلیل که دوست و انباز از وی جدا کردد جابر کوید اکر بیند که بر
ساعد کما دست او موی بسیار بود دوست و انباز از وی جدا کردد و غمکین و وام دار کردد یا مال
از دست او برود اکر بیند که موی از ساعد دست خویش بسترد دلیل که وامش کذارده شود و غم
کم کردد ساق ابن سیرین کوید که ساق در خواب دیدن مال مردم بود و معیشت که مردم بدان اعتماد
باشد زیرا که مردم بساق و قدم بر پای بود بعضی از معبران کویند که ساق در خواب عمر دراز
باشد اکر بیند که ساقش قوی و درست بود دلیل که کار و حالش نیکو و درست کردد و اکر ساق

راست ضعیف بیند دلیل که عمرش ضعیف و بی‌نظام گردد کرمانی گوید اگر بیند که ساقش آهنین بود
یا رویین دلیل بود که عمرش دراز گردد و مالش باقی بماند اگر بیند که ساقش از آبگینه یا چوب بود
دلیل کند که عمرش زود بسر آید اگر بیند که ساق او بشکست یا از اعضای او بیفتاد دلیل کند که بدست
جابر گوید دیدن ساق در خواب مردان را زن بود و زنان را شوی باشد اگر بیند که ساقهای وی
بر یکدیگر می‌پیچید دلیل که هلاک او بود اگر بیند که بر ساقهای او موی بسیار بود دلیل که وام
بسیار بروی جمع گردد و بسبب وام در زندان بماند اگر بیند که از ساقها موی بسترد دلیل که وام او
گذارده شود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن ساق در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم معیشت
سیم عمر چهارم مردان را زن بود و زنان را شوهر باشد

سایه

سایه ابن سیرین گوید که سایه در خواب
بزرگی و هیبت بود و نشستن در سایه در خواب بزرگی بود از پادشاه و همچنین سایه کوچک در تاویل پادشاه
بود و سایه دیوار بزرگی و عزت بود از مردی بزرگ که معیشت در پناه او کند و سایه درختان ایمنی
و راحت بود از پناه مردمانی که خدمت او کنند اما اگر در سایه درخت خار و درخت تیز باشد دلیل
بود که مردی مفسد پیش آید یا بد باشد و دلیل کند که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی الم تر
الی ربک کیف مد الظل و لو شاء لجعله ساکنا حضرت صادق علیه السلام گفته نشستن در سایه بر پنج وجه بود اول
بزرگی دوم هیبت سیم پناه چهارم منفعت پنجم مرتبت باشد

سایبان

سایبان ابن سیرین گوید که سایبان در خواب
پادشاهی بود زر و مایه اگر بیند که زیر سایبان نشسته بود دلیل که بخدمت چنین پادشاهی پیوندد
اگر بیند که سایبان بروی افتاد و او را از آن گزندی رسید دلیل که پادشاه بر او خشم گیرد و او را از
آن مضرت رسد جابر گوید اگر بیند که سایبان او از پشمین بود یا کرباسین و یا گونه سبز یا سپید بود
دلیل بود که خدمت پادشاه عادل کند و اگر بخلاف این بیند خدمت پادشاه ظالم کند

سیب

سیب ابن سیرین
گوید که دیدن سیب در خواب دلیل عزم و اندیشه بود و خوردن آن دلیل بر مضرت و نقصان کند دکانی
کند که او را از آن ملامت آید

سپر

سپر اگر کسی بیند که سپری در دست داشت یا سلاح دیگر دلیل بود که
کسی او را پاسبان و پناه باشد از آنها که بوی خواهد رسید اگر بیند که جز سپر هیچ سلاح دیگر
نداشت دلیل باشد که او را مردی با فرهنگ باشد که دوستان و برادران را از آفات کارهای مکروه
نگاه دارد و نقد و بزرگی سپر گرانی گوید اگر بیند که برکردن سپر دارد دلیل که او را قوت و ایمنی بود

از دشمن

حرف السین

از دشمن اگر بیند که سپر او بر زمین نهاده بود دلیل که او را با مردی فاضل صحبت افتد و او را خیر و
منفعت رسد اگر بیند که سپر او در میان بود دلیل که او را از جماعتی منفعت رسد حضرت صادق
فرماید که دیدن سپر در خواب بر شش وجه بود اول برادر دوم یار سیم قوت چهارم آدم ایمنی پنجم پشتیبانی
ششم بزرگی

سپرز

سپرز ابن سیرین گوید که سپرز در خواب دیدن مال شادی بود از بهر آنکه قوام
تن بدوست اگر بیند که سپرز استر داشت دلیل کند که او را از مردی بزرگوار مال حاصل گردد
و اگر بیند که سپرز گاو داشت دلیل کند که در این سال او را مال بدست آید و اگر بیند که سپرز
گوسفند داشت دلیل که وی را از مردی بزرگوار مال حاصل گردد یا از مردی غریب اگر بیند که
سپرز دد داشت دلیل کند که بقدر آن از دشمن مال یابد و ختم سپرز تمام گردد و سپرز هر چارپایی
که گوشت او حلال است دلیل بر مال حلال کند و هر جانوری که گوشت او حرام باشد دلیل بر مال
حرام کند که مال یابد

سبزه

سبزه ابن سیرین گوید که سبزه در خواب دین باشد خاصه که در وقت بیند
اگر بیند که زمینی داشت و در آن سبزه بسیار داشت دلیل بود بر ستر و پاکدینی او و اگر بیند که در آن
زمین بناها مجهول بود که از آن نشناخت و در آن به تعجب نگاه میکرد و دانست که آب و زمین ملک او
بود اینجمله دلیل بر دین و دیانت و پرهیزکاری باشد اگر بیند که در آن زمین گیاهها معروف بود
چون سبب و عیزان دلیل کند بر فراخی نعمت و روزی حلال اگر بیند که سبزه تلخ و مجهول بود تاویلش
بخلاف این باشد اگر بیند که سبزه معروف بود و میخورد و بطعم شیرین بود دلیل کند بر فراخی نعمت
و روزی حلال جابر گوید خوردن سبزه بخواب بوقت خود دلیل بر زهد و ورع کند ابن سیرین گوید که
دیدن سبزه بخواب دلیل بر سلامتی بود اگر بیند که در میان سبزه زاری مقیم شد دلیل که در راه دین
مقیم گردد اگر مرده در میان سبزه زار بیند دلیل بر نیکویی احوال و عاقبت کار او بود و ثواب آخرت
یابد و سبزه زار را هر چند سبزتر و پاکیزه‌تر بیند دانند که ملک دست و دلیل کند بر پاکی دین و
ورع او و اگر بیند که سبزه زار خود زرد و پژمرده است تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که سبزه زار
ملک دیگران بود دلیل بود که او را صحبت با کسانی که پارسا و با ورع باشند اگر بخلاف این بیند
دلیل بود که صحبت او با ناکسان افتد حضرت صادق فرماید که سبزه در خواب بر چهار وجه بود اول
راه اسلام دوم دین سیم اعتقاد پاک چهارم ورع و پرهیزکاری

سبلت

سبلت بدانکه سبلت بفارسی

بر دست بود و نادیدن در حق بابا یاد کردیم.

سبل

سبل: ابن سیرین گوید اگر بیند که در چشمها سبل داشت چنانکه چیزها را نمیتوانست دید دلیل که بر قدر تاریکی چشم در دین او نقصان افتد خاصه چون چشمها سیاه دارد اما اگر چشمهای ازرق دارد و سبل داشت دلیل کند که در راه بدعت بماند اگر بیند که چشمهای اشهل داشت و سبل داشت دلیل کند که فرزندش بیمار گردد یا از وی مفارقت جوید اگر بیند که بیلک سبل از چشم او برگرفت و چشمهایش درست گردید دلیل بود که بر دست عالمی توبه کند و آن عالم او را به راه دین آورد و دیندار سازد و بعضی از معبران گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت بود بسلامت باز آید.

سبوی

سبوی: ابن سیرین گوید که سبو در خواب مزدوری منافق بود که بر دست وی مال ضایع گردد. کرمانی گوید که سبو در خواب دیدن کنیزک باشد یا خادم اگر بیند که سبوی نو فرا گرفت یا بخرید دلیل کند که کنیزکی یا خادمی ورا حاصل گردد اگر بیند که سبوی او بشکست یا ضایع شد دلیل کند که کنیزک یا خادمش بمیرد یا بگریزد و اگر بیند که سبوی او سوراخ شد دلیل کند که کنیزک یا خادمش بیمار گردد و اگر بیند که سبو پر از آب صافی بود دلیل که از آن کنیزک و خادم او را خیر و منفعت رسد. حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن سبو در خواب بر نه وجه بود اول مزدور دوم منافق سیم زن چهارم خادم پنجم کنیزک ششم قوام دین هفتم صلاح تن هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت زنان که بیابد.

سبوس

سبوس: ابن سیرین گوید که سبوس در خواب دلیل کند بر نیازمندی اگر بیند که مردمان سبوس بایان سبوس میخوردند دلیل که در آنجا قحط و تنگی بود و مردمان را کسب و معیشت نباشد اگر بیند که سبوس از خانه خود بیرون انداخت یا بکسی داد دلیل کند که ایمن از دیار قحط و تنگی نباشد. حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن سبوس در خواب بر سه وجه بود اول نیازمندی دوم قحط و تنگی سیم سختی و معیشت.

سبوسه

سبوسه: ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مانند سبوسه از سر او فرو بارید دلیل کند که از کسی گزندی بوی رسد بقدر آن سبوسه که از سر او فرو آمد اگر بیند که این علت از وی زایل گردید دلیل که از گزند ایمن گردد اگر بیند که با سبوسه موی از سر فرو دارد دلیل کند که بغم گردد.

سفیداب

سفیداب: کرمانی گوید که سفیداب بخواب دیدن غم و اندیشه بود و بعضی از معبران گویند که سفیداب دلیل گفتگوی بود اگر بیند که سفیداب داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که بسبب کاری با کسی گفتگو کند. جابر گوید که اگر بیند که سفیداب داشت و خواست که روی خود را سفید کند غمگین و متفکر گردد.

حرف السین

سفیدروی: ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سفیدروی داشت دلیل که ملک وی است دلیل که بقدر آن از مال و خواسته دنیا حاصل کند. کرمانی گوید اگر او آن سفیدروی بیند چون فتنه بر وطن وی او بود همانند آن جمله خدمتکاران باشد. جابر گوید چراغ پایه و پایزن و تنور و سفره این جمله کدخدای خانه بود و دلیل بر خداوند خانه باز گردد و روی کرد در خواب خداوند چیزها بود.

سفیدمهره

سفیدمهره: ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سفیدمهره بنبست دلیل که هر کس را از نهان خود آگاهی دهد و دیدن آن بتاویل مردمان را رنج و مصیبت و سختی بود و رسوائی و ظاهر شدن راز ایشان. حضرت صادق علیه السلام فرماید که سفیدمهره در خواب دیدن بر چهار وجه بود اول خبر مکروه دوم سخن دروغ سیم ظاهر شدن راز چهارم مصیبت.

ستارگان

ستارگان: دانیال گوید که ستارگان در خواب دلیل کند بر بزرگان و امیران و آفتاب دلیل کند بر پادشاه و ماه دلیل کند بر دبیر. اگر کسی زحل را در خواب بیند دلیل کند که وی را با دهقانان شغل افتد که ایشان را مال و نعمت بود اما سفله و بخیل و مکار و فریبنده بود و اگر مشتری را بخواب بیند وی را با پارسا و مصلح نیکخواه کاری افتد و آن کس دادگر و منصف و با ورع باشد و اگر مریخ را بخواب بیند او را با سرهنگی جنگجو و بدکردار کاری افتد و اگر زهره را بخواب بیند دلیل که او را با خادمان و خاتونان و زنان محتشم پیوستگی باشد و از ایشان خیر و راحت بیند و اگر عطارد بیند دلیل که او را با سخنگوی بود یا مردی عالم دانا و حکیم و از آن مرد او را فایده رسد. اگر بیند که یکی از ستارگان با وی سخن گفت دلیل کند که قدر و بزرگی یابد. ابن سیرین گوید از ستارگان ثابته چون شعری و عیوق و سهیل و اکلیل و بعضی آنانند که مشرکان ایشان را میپرستند اگر یکی از ایشان بخواب بیند دلیل بود که او را با اهل ذمت و مشرکان صحبت افتد و اگر بیند که ستاره را نشان نبود توبه باید کرد و اگر بیند که ستاره روشن بر زمین افتاد و در روشنائی گم گشت دلیل کند که عالمی بزرگ در آن دیار هلاک گردد و ستارگان روشن تاویل عالم بود قوله تعالی وعلامات وبالنجم هم یهتدون. اگر بیند که ستارگان میل [illegible] دلیل که فتنه و آشوب در پادشا و بزرگان افتد اگر بیند که از آسمان ستاره بر سر وی افتاد دلیل بود که از پادشاه نعمت یابد بقدر نور آن ستاره اگر بیند که ستاره را بدست بگرفت دلیل بود که او را فرزندی آید مقرب پادشاه باشد و اگر در خانه

و آشفته
خود ستاره بیند دلیل کند که او را فرزندان نجیبا باشد کرمانی گوید اگر بیند که ستارگان متفرق
شدند دلیل که پادشاهان متفرق شوند و کار ایشان بد گردد اگر بیند که ستارگان سعد بهم جمع
شدند و حال ایشان نیک بود دلیل بود که احوال پادشاهان نیکو و پسندیده بود اگر بیند که
ستارگان را همی خورد دلیل که از پادشاه وی را منفعت رسد اگر بیند که ستارگان از خانه او برآمدند
دلیل بود که او را فرزندان باشد که مقرب پادشاه گردند اگر بیند که ستارگان مطیع فرمان وی بودند
شدند دلیل بود که پادشاهی یابد اگر بیند که با ستارگان سخن نیکو گفت دلیل بود که پادشاه عادل
و دادگر بود و اگر بخلاف این بیند پادشاه ظالم و ستمگر بود اگر بیند که ستارگان باهم جنگ و
نبرد میکردند دلیل که در آن دیار جنگ و کارزار افتد اگر بیند که ستارگان را او گرفت و در آستین
نهاد دلیل که مال حاصل کند جابر گوید اگر بیند که از جمله ستارگان یک ستاره در برابر وی آشفته
و تیره و متحرک گردید و در کنار او افتاد دلیل که او را فرزندی عزیز و گرامی در وجود آید اگر بیند که ستاره
که طالع در منزل خویش است دلیل کند که لشکرش زیاده گردد اگر بیند که ستاره راهی نمود دلیل
کند که بزرگی را از لشکر پادشاه مخلص کند کرمانی گوید که دیدن ستارگانی که مردم بوی راه برند
دلیل بر خیر و منفعت کند و دیدن ستارگان که مردم آنها را میپرستند دلیل بر شر و مضرت کند حضرت
صادق ع فرماید که دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود اول فقیهان دوم عالمان سیم قاضیان
چهارم خلفا پنجم وزرا ششم دبیران هفتم خزانه داران هشتم مردمان جنگجوی نهم شاگردان اگر بیند
که بر ستاره دست یافت دلیل بود که بر این قسم که یاد کرده شد دست یابد و نیز از چنین قوم او را حاجت آید اگر دید [illegible]
گویند که در بغداد مردی مصلح بخواب دید که ستاره روشن بر سر او افتاد پیش معبری رفت و این [illegible]
معبر گفت دلیل بود که عالم فاضل یا قاضی گردد پس در آن هفته ابو حنیفه گردید

ستون

ستون ابن سیرین گوید ستون در خواب دیدن خداوند دولت و اقبال بود اگر بیند که ستونی داشت راست و نو
دلیل کند که از مردی مالدار وی را قدر و نعمت و مال حاصل گردد اگر بیند که ستون او بشکست
یا بسوخت دلیل کند که آن مرد از دنیا برود کرمانی گوید که دیدن ستون بخواب خداوند خانه
اسلام بود اگر بیند که ستونی داشت است قوی دلیل بود که در راه دین ثابت بود جابر گوید دیدن
ستون در خواب خداوند خانه بود اگر بیند که ستون خانه بشکست یا بیفتاد دلیل بود که خداوند

خانه هلاک گردد و اگر ستون خانه قوی بیند دلیل بود که قوت و اقبال خداوند خانه بیفزاید حضرت
صادق ع فرماید که دیدن ستون در خواب بر پنج وجه بود اول خداوند دولت دوم حاکم [illegible]
سیم مرد محتشم چهارم قوت کارها پنجم ولایت مردمان آنجا که بیند

حرف السین

سجاده

سجاده ابن سیرین گوید اگر
بیند که در مسجد بر سجاده نشسته بود دلیل کند که بسفر حجاز شود قوله تعالی واتخذوا من مقام ابراهیم
مصلی خاصه چون بیند که در مسجد معتکف باشد اگر بیند که سجاده پشمین یا کرباسین داشت
یا بخرید دلیل بود که بطاعت و عبادت حریص و راغب گردد اگر بیند که سجاده او بسوخت یا ضایع
گردید تاویل بخلاف این بود اگر بیند که سجاده او ابریشمین بود دلیل بود که طاعت و عبادت و نماز
بریای مردم کند و در راه دین ضعیف بود

سجده

سجده ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سجده حق تعالی میکرد
دلیل بود که بر مردی بزرگوار ظفر یابد اگر بیند که جز خدای تعالی کس دیگر را سجده میکرد دلیل کند که
امید که دارد بر نیاید کرمانی گوید اگر بیند که کسی وی را سجده کرد دلیل که مراد آنکس را حاصل
کند حضرت صادق ع فرماید اگر بیند که مهتر وی را سجده میکرد دلیل کند که وی را از سلطان رنج و
بلا رسد قوله تعالی اتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئا ولا یضرکم اف لکم ولما تعبدون

سنجیدن

سنجیدن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ترازو در دست داشت و چیزی می سنجید دلیل بود که در
میان مردم حکم داوری کند اگر بیند که چیزی میسنجید [illegible] اگر از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر
و اگر از اهل علم نبود بقاضی محتاج گردد از بهر داوری حضرت صادق ع فرماید که چیزی سنجیدن بر
چهار وجه بود اول حکم راست دوم نیکویی سیم محتاج شدن بداوری چهارم حاکم شدن
اگر بیند که چیزی ناراست سنجید تاویلش بخلاف این بود

سخن

سخن ابن سیرین گوید که سخن گفتن و شنیدن
در خواب تاویل آن از زبانهای مختلف باشد اگر بیند که بزبان تازی چیزی گفت یا شنید دلیل
کند که با بهتران وی را صحبت افتد و از ایشان عز و جاه یابد و از اخبارهای رسول استماع کند
و اگر بزبان پارسی گفت یا شنید دلیل کند که با بهتران او را صحبت افتد و از ایشان نیکویی بیند اگر
بیند که بزبان عبری میگفت یا میشنید دلیل کند که میراث یابد اگر بیند که بزبان هندو میگفت
یا میشنید دلیل کند که با مردمان بی اصل دون همت او را کاری افتد و اگر بیند که بزبان
ترکی میگفت یا میشنید دلیل کند که سخن ناخوش شنود و یا بدست بدکرداری گرفتار گردد اگر

بزبان قبطی میگفت باری شنید دلیل کند که خبرها فهم شود و با ایشان او را صحبت افتد اگر
بزبان خوارزمی گفت شنید دلیل که خبر مکروه شود یا بشغل گرفتار گردد اگر بیند که بزبان
سیستانی میگفت باری شنید دلیل که وی با مردم بی انصاف در شغل افتد اگر بیند که بزبان
یونانی میگفت باری شنید دلیل که بعلم و حکمت و کلام مشغول گردد اگر بیند که زبان کرجی میگفت
باری شنید دلیل که بصحبت مردی بدخوی نادان او را غم رسد اگر بیند که زبانی میگفت باری شنید که
هرگز آن زبان نشنیده بود و ندانست که چه گفت متحیر شود دلیل که در کاری متحیر شود و نداند که
از آن کار چون خلاص یابد کرمانی گوید اگر بیند که بهمه زبان سخن میگفت و میشنید دلیل که بهر
کار شروع کند و او را از آن کار منفعت باشد جابر گوید که بهر زبانی که کسی گوید و شنود
تاویل آن صلاح باشد و اگر آن سخن خیر بود و اگر بخلاف این بود تاویل آن بر شر و فساد افتد
و اگر بیند که باندامی از اندامها خود سخن میگفت دلیل که خویشتن بیند قوله تعالی یوم تشهد
علیهم السنتهم وایدیهم وارجلهم بما کانوا یعملون سندان ابن سیرین گوید که سندان در خواب
خصمی بود و بعدا اگر کسی بیند که سندان داشت با کسی بوی داد دلیل بود که با او خصومت زیاده
شود جابر گوید اگر بیند که سندان خورد بر مرده شد و بیخود دلیل باشد بر بیماری او و اگر
بیند که سندان بکسی داد یا از خانه بیرون انداخت از جنگ خصومت دست کرد و در علی الجمله دیدن
سندان هیچ خیر نباشد سر بریدن دانیال گوید که سر در خواب بدیدن مهتری بود باشد اگر بیند
که سر بریده بر گرفته دلیل بود که دوست مهتری کرده و او را خواسته بود و از او خیر و
منفعت یابد اگر بیند که بزخم سر از تن جدا کرد دیده دلیل که از مهتری معزول گردد و از پدر و
مادر خود جدا گردد اگر بیند که بزخم سر از تن او جدا کردید اگر توانگر بود درویش گردد و اگر
وام دارد وامش گذارده گردد و از غم فرج یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر بیمار بود
شفا یابد و اگر در علتی بید بیمار گرفتار بود زود بمیرد و اگر مهتری بسر بریده بیند در خواب
ولایتی یابد و اگر غلام این خواب بیند ذی توانگر خواهد ابن سیرین گوید اگر کسی سر بریده را
بجای افکنده بیند دلیل که جمعی مهتران در آنجا جمع گردد اگر بیند که پوست چهار پای بادی
میخورد دلیل بود بر یافتن مال اگر بیند که پوست سر مردم را خام همی خورد دلیل که مال و نعمت یابد

سندان

سر بریدن

اگر

حرف السین

اگر بیند که سر مردی مجهول خورد دلیل که سرمایه کسی را بخورد اگر بیند که سر مرغی میخورد
دلیل بود که مال پادشاه خورد اگر بیند که سر مردی پیش او آوردند با سرهای دیگر دلیل
بود که سرکرده انگروه پیش او آیند و از ایشان خیر و نیکی بیند خاصه بیند که از گوشت
سرها می خورد و اگر زنی در خواب بیند دلیل که از توانگر خیر و نیکی بیند اگر بیند که سر گوسفند
میخورد دلیل که عمرش دراز گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر گاو میخورد دلیل که در آن
سال مال و نعمت فراوان یابد اگر بیند که سر بزی میخورد دلیل که از مهتری سخن و جواهر داورا
مال حاصل کند کرمانی گوید که اگر کسی سر خود را بزرگ بیند دلیل که از مهتری جاه و بزرگی
یابد و اگر خود را دو سر بیند دلیل که کارش قوی کند و عمرش دراز گردد و بعضی از معبران گویند
که کاری پیش گیرد لکن در آن کار منفعت نباشد و اگر سر خود را برهنه بیند دلیل که در شغلی که
بود معزول گردد و غمگین و مستمند گردد و اگر بر سر خویش جراحتی بیند که از آن خون روان بود
دلیل که او را با کسی داوری افتد و اگر بیند که از سر او مغز بیرون آمده بر زمین افتاد دلیل که سرمایه
از دست او برود و اگر بیند که مغز را باز بجای نهاد دلیل که سرمایه او باز آید و اگر سر خویش را چپ
بیند دلیل که نونو کار ما خبر یابد اگر بیند که سر بریده در دست داشت و ندانست که از کیست دلیل
کرده هزار درم سیم بیابد اگر بیند که سر را بر زمین افکند دلیل که مال را بجز هزینه کند یا مال از
او ضایع گردد اگر دو سر بریده بیند که در دست داشت دلیل که مال بسیار یابد اگر بیند که سر با وی
سخن نیکو گفت دلیل که داد و انصاف دهد اگر بیند که سر با وی سخن زشت گفت دلیل که انصاف
ندارد اگر بیند که سر او دو نیمه بود چنانکه نیمه در دست راست داشت و نیمه در دست چپ دلیل که
مادر و پدرش بمیرد و اگر سر خویش را در دست خویش بیند دلیل که از مهتری خیر و برکت یابد اگر
سر دو نیمه بود دلیل که ابو بیش بیمار کند عاقبت شفا یابند جابر گوید اگر بیند که سر او چون
سر فیل بود دلیل که مال و ولایت یابد و اگر بیند که سر او چون شیر شد دلیل که بفساد و حرام گراید
اگر بیند که سر او چون سر اسب بود دلیل که مال و نعمت یابد اگر بیند که سر او چون سر خر شد
دلیل که از بخت کامکاری یابد اگر بیند که سر او چون سر گوسفند شد دلیل که جهل بر وی غلبه کند
اگر بیند که چون سر شتر شد دلیل بود که فرمان روائی یابد و دشمن را قهر کند اگر بیند که چون

سرخ رش شد و بکلیه کار از ان میل کرد دلیل کند که میل بگعز دارد و اگر بیند که از آبگینه بود دلیل
بود بر هلاک او و اگر بیند که سر او سیمین بود یا زرین دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که سر او برنجین
بود دلیل کند بر خطر و هلاک او و اگر بیند که سر او آهنین یا سنگی بود دلیل که خلعت مردی کلان
کند اگر بیند که از سر او آتش می افروخت دلیل که کارش بالا گیرد اسمعیل گوید اگر بیند که سر او چون
سر چهارپایان شده دلیل بر غم و اندوه کند اگر بیند که سر او چون سر ددان شده دلیل بود که
از کرده بکرد و دشمن را قهر کند و اگر بیند که سر او چون سر مرغان شده دلیل که بسفر رود و اگر بیند
که سر او پخته بود و میخورد دلیل کند که سرمایه خود را بخورد و اگر بیند که کسی سرش را از تن جدا کرد
و بعد از ان بجای خود نهاد و درست شد دلیل کند که سرانجام درجه شهادت یابد و اگر بیند
که سری در کنار داشت و زنش آبستن بود دلیل کند که پسری آورد و اگر کسی سر خود را تراشیده
بیند دلیل کند که شوهرش بمیرد اگر بیند که سر بریان میخورد دلیل کند که مال یابد جابر گوید
اگر بیند که سر بریان میخورد بناویله نیکو باشد و اگر بیند که سر بریان میخرید یا کسی بدو داد
دلیل کند که از کسی فایده بدو رسد و اگر بیند که سر خام میخورد مردم را غیبت کند و سر پخته
بهتر از خام باشد اصفهانی گوید که سر مردم بخواب پدر بود یا مهتر یا پیر اگر سر خویش را بریده
بیند دلیل که از پدر یا مادر جدا گردد و اگر سر خود را بر دست خود بیند دلیل کند که با ایشان
پیوندد و اگر بیند که سر خود را بر گردن باز بسته دلیل کند که از کسی بضاعت ستاند یا وام کند
و اگر بیند که سرهای بریده در پیش داشت و رقص میکرد دلیل کند که مهتر شود یا در غم و اندوه
و مصیبت شود و اگر سر پادشاهی بر دوش خود بیند دلیل کند که دو هزار دینار یابد برنج و محنت
بیابد حضرت صادق علیه السلام فرماید سر مردم بخواب دیدن دوازده وجه بود اول رئیس
دوم مهتر سیم پدر چهارم مادر پنجم امیر ششم عالم هفتم ده هزار درم هشتم پسر نهم غلام دهم
زن یازدهم توانگری اگر کسی بیند که سر او در دکه می کرد و جامه پاک پوشیده بود دلیل که او را
با مهتران صحبت افتد و کار او نیکو گردد و دولت یابد و اگر چرکن پوشیده بود چنانکه قصابان

سراب

دلیل کند که او را بسبب مهتری غم و اندوه رسد سراب بدانکه سراب را بتازی کو دا بخوانند
و آن چنان بود که بیابان بچشم تشنه آب نماید تاویلش باطل بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که اندر

حرف السین

سراپرده

زمین مقیم گردید دلیل که ترک علم باطل گوید و راه صواب گوید و اگر بیند که خاک زمین سرا
میخورد دلیل که از علم باطل جمع کند لکن آن مال پایدار نباشد سراپرده ابن سیرین گوید اگر
کسی بیند که سراپرده بزد و ندانست که ان سراپرده ملک وی شد دلیل کند که بزرگی و منزلت یابد
و باشد که مهتر لشکر گردد و اگر بیند که سراپرده پادشاه بود دلیل کند که از پادشاه حرمت و جاه یابد
زیرا که سراپرده نشستگاه پادشاه است اگر بیند که سراپرده پادشاه بود و بیفتاد دلیل بود که ملک
او وبال بود و اگر بیند که سراپرده پادشاه بسوخت دلیل کند که پادشاه از دنیا رحلت کند اگر
بیند که پادشاه را از سراپرده بیرون آورد دلیل هلاکت بود و اگر بیند که سراپرده پادشاه بر گرفت
و بر هوا برد دلیل بود که پادشاه بزرگ در اندیار آید و ملک از وی بستاند حضرت صادق فرماید که
دیدن سراپرده در خواب بر پنج وجه بود اول سلطنت دوم ریاست سیم ولایت چهارم مهتری پنجم
سرهنگی

سرای

سرای دانیال گوید اگر بیند که در سرای بیگانه در شد و هیچ کس را نشناخت و در انجا
مردگان دید دلیل کند که ان سرای آخرت بود و وقت اجل وی رسیده بود و اگر بیند که در انجا شد
و بیرون آمد دلیل کند که بیمار گردد و نزدیک هلاک بود و دیگر شفا یابد اگر در سرای معروف شد
که بنیاد ان از گل بود دلیل که روزی حلال یابد و اگر بیند که بنیاد سرای او از خشت پخته و گچ بود
دلیل که ان جوینده مال حرام بود و اگر بیند که از وی بیرون نامد دلیل کند که از حرام توبه کند و اگر
بیند در سرائی بزرگ و فراخ بود دلیل کند که روزی بر وی فراخ گردد و اگر سرای کوچک و تنگ
دید تاویلش بخلاف این بود ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب سرای بزرگ و فراخ بیند و اندران سرای
کوشکها و ایوانها بود دلیل کند که در سرای آخرت منزلت یابد اما در این موضع مصیبت افتد
اگر بیند که در ان سرای بشکست یا بسوخت دلیل کند که خداوند سرای را مصیبت افتد اگر بیند که
زمین سرای او بزرگ و فراخ گردید دلیل کند که بقدر ان فراخی او را روزی در دنیا فراخ گردد
اگر برخلاف این بیند روزی بر وی تنگ گردد و اگر بیند که سرای او را می کندند دلیل کند که
راه صلاح بر خود ببیند و نماز و عبادت کم کند و اگر بیند که سرای کهن را همی کندند و خرابه وی گشاده
گردد و خرم گردد و اگر بیند که در سرائی نو و پاکیزه درون شد دلیل که اگر توانگر بود مالش
زیاده گردد و اگر درویش بود توانگر گردد کرمانی گوید اگر بیند که مثلا سرای نو شد دلیل کند

کراو را دختری یا خواهری اید و هم او کوید که صفه سرای دلیل کند بر مادر و بیلد اکر بیند که صفه سرای او نو و پاکیزه بود دلیل کند بر شدستی تن پدر و مادر و جابر کوید اکر کسی بیند که در سرای بزرک و پاکیزه بود در ون شد و دانست که ان سرای ملک او بود دلیل کند که روزی بر وی فراخ کردد و عز و جاه یابد و زن خوب بخواهد و توانکر کردد و ولایت یابد و اکر بخواب زنی بیند شوهر توانکر خواهد حضرت صادق فرماید که دیدن سرای در خواب بر هشت وجه بود اول مرد را زن دوم زن را شوهر سیم توانکری چهارم ایمنی پنجم عیش خوش ششم مال هفتم ولایت هشتم عزت

سراب

اما ان سراب ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که سراب داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را از مال دنیا چیزی دون حاصل کردد اکر بیند که سراب کداخته دلیل کند که در زبان مردم افتد

سرخ دان

بتبک دا و و املامت کنند سرخ دان بدانکه در خواب دیدن سرخ دان در دنیا کراهیت بود و رنج دل و غم و اندیشه و زنان را خیر و خرمی باشد و مردان را نیک نباشد جابر کوید که سرخ دان و کلاه و قبا و جبه و دستار اکر جمله سرخ بیند دلیل که جنک و فتنه و اشوب و خون ریختن را دوست دارد و بر مردمان ستم و بیداد کند بقدر سرخی جامها و اکر انجواب در مسجد یا در صومعه و جای نیک بیند این جمله کمتر از ان بود که کفتیم

سرخچه

سرخچه بدانکه دیدن سرخچه زیادتی مال بود اکر بیند که بر تن او سرخچه بر امد دلیل کند که او را مال به رنج و سختی حاصل کردد از حلال اکر بیند که بر تن او سرخچه سرخ و روشن بود دلیل کند که مال حرام حاصل کند

سرفیدن

سرفیدن ابن سیرین کوید که سرفیدن در خواب بر پنج وجه بود اول سرفه تر دوم سرفه خشک سیم که بلغم براورد چهارم سرفه که چون براورد پنجم سرفه که صفرا براورد اکر بیند که بکاه سرفیدن بلغم براورد دلیل کند که نزد کسی شکایت کند از بلائی و رنجی که بوی رسد یا بسبب مالی که از او ضایع کردد اکر بیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایتی که کند محال و بیهوده بود اکر بیند که بوقت سرفیدن صفرا براورد دلیل کند که مردی بود بدخوی که هر کس از وی شکایت کند اکر بیند که پیش مهتری می سرفید دلیل که شکایت خود را نزد مهتری کند اکر بیند که اهستری سرفید دلیل بود که غم خود دین بود کرمانی کوید اکر بیند که بر سرفید کسی شکایت از وی کند اکر بیند که او را سرفه می امد دلیل ناتوانی بود جابر کوید اکر بیند که سرفه در کلوی او بماند چنانکه نتوانست دلیل کند

حرف السین

برهلاک او اکر بیند که او را سرفه پیدا کردید از جمله سرفه پیران چنانکه بلغم می انداخت دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد اکر بیند که او را سرفه جوانان پیدا کردید همین تاویل دارد حضرت صادق فرماید اکر کسی در خواب بیند که می سرفید دلیل کند که او را از پادشاه رنج و افت رسد

سرکه

سرکه ابن سیرین کوید که سرکه در خواب مال حلال بود و با برکت و خوردن او در بنا و بیل نیک بود چنانکه رسول فرموده الحدیث خیر الادام الخل و بعضی از معبران کویند که خوردن سرکه ترش در خواب غم و اندوه بود و سرکه فروش در خواب مردی بود که خصومت طلبد بعضی کویند که سرکه فروش غم و اندوه بود

سرکین

سرکین ابن سیرین کوید که سرکین اسب و کاو و مال و نعمت بود خاصه که بیند که سرکین بسیار دارد دلیل بود که او را مال و نعمت بسیار حاصل کردد و سرکین مردم مال حرام بود اکر بیند که در بستر خویش پلیدی کرد دلیل کند که مال خود را بعضی بعیال خود دهد اکر بیند که چون سرکین افکند از انجا بپوشید دلیل که مال خود را در زمین پنهان کند کرمانی کوید اکر بیند که سرکین مردم میخورد دلیل کند که مال حرام خورد و از حرام بدست اورد اکر بیند که بجایکاه مجهول سرکین افکند دلیل که مال خویش را بجائی هزینه کند که در ان مزد و ثواب نباشد اکر بیند که تن خویش را جمله بسرکین الوده دلیل که در کناهی افتد اکر بیند که او را اسهال پدید امد دلیل کند که باسراف مال خود را هزینه کند اکر بیند که از شکم او نجاست چون سبل بیرون امد دلیل کند که او را از پادشاه غم و اندوه رسد دانیال کوید که سرکین مردم را بخواب دیدن دلیل بر مال حرام کند و سرکین چهارپایان نیز مال حرام بود اما سرکین در دو دام ما بود که بظلم بدست اید جابر کوید پلیدی که از مردم جدا کردد جمله مال باشد که از او جدا کردد اکر بیند که در میان پلیدی می رفت یا در جاوه یا در خانه یا در میان پلیدیها غرق شد دلیل کند که او را از پادشاه غم و اندوه رسد اکر بیند که پای بر پلیدی نهاد و بیفتاد و جمله اندامش الوده کردید اکر جایکاه او دون و زشت بود دلیل کند که از والی و حاکم مکروهی بوی رسد حضرت صادق فرماید که دیدن اسهال بخواب چون بجایکاه خود بود بر چهار وجه بود اول مال حرام دوم کناه سیم هزینه کردن مال بر عیال چهارم زوال غم و سرکین دادن در خواب کنج و خواسته بود

سرکین کردانک

سرکین کردان ان را بتازی جعل خوانند دیدنش در خواب مردی بود که مال جمع کند ابن سیرین کوید اکر کسی بیند که جعل فرا کرفت دلیل بود که او را با مردی حرام خواره صحبت افتد اکر بیند که او

بکشد دلیل کند که مردی حرام خواره را بکشد اگر بیند که جعل بسیار بروی جمع آمدند دلیل بود که
در میان حرام خوارگان گرفتار گردد و وی را مضرت رسد اگر بیند که جعلی را بجوزد مال مردی
حرام خواره خورد

سرما ابن سیرین گوید که سرما در خواب رنج و مضرت بود اگر در خواب بیند
که سرما یافته دلیل که بقدر سرما درویشی و تنگدستی بیند اگر بیند که سرما تن او را اگر زند تا سیاه شد
دلیل کند که وی را از خویشان رنج و مضرت رسد اگر بیند که سرما تن او را خشک کرد ایند دلیل
که زود هلاک گردد یا کسی از خویشان وی بمیرد

سرمه ابن سیرین گوید که سرمه بخواب مال بود
اگر بیند که سرمه در چشم کشید و مقصود از آن روشنائی چشم بود دلیل کند که صلاح دین جوید
و اگر مقصود از آن آرایش و زینت بود دلیل بود که خود را بدینداری در میان مردم مشهور کرداند
تا او را مدح و ستایش گویند اگر بیند که کسی سرمه بوی داد دلیل کند که بقدر آن مال یابد
کرمانی گوید که سرمه کردن چشم در خواب دلیل مال بود مرد و زن را و بعضی از معبران گویند که
سرمه در چشم کردن راه حق و صواب بود خاصه که سرمه را بندان در چشم کشیده بود حضرت صادق ع
فرماید که سرمه فروش در خواب مردی بود که راه دین و مسلمانی بمردم نماید و در میان مردم صلح
اندازد چنانکه چشم بدان روشن گردد و بعضی از معبران گویند که سرمه فروش در خواب مردی
بود که کاری کند که هم صلاح دین کند و هم نیکوئی دنیا اسمعیل اشعث گوید که سرمه فروش در
خواب مردی بود که در صلاح دین خود و کسان سعی نماید زیرا که چشم در خواب دین بود و سرمه
روشنائی بود

سرمه‌دان ابن سیرین گوید که سرمه‌دان در خواب زنی بود که همیشه خدای را بیاد آرد
و مردمان را براه دین خواند اگر بیند که سرمه‌دانی داشت دلیل بود که مردی را باین صفت بخواهد
اگر بیند که سرمه‌دان او بشکست دلیل که زن او هلاک گردد جابر گوید که سرمه‌دان بخواب زنی بود
با امانت اگر بیند که سرمه‌دانی داشت دلیل که او را با زنی پارسا صحبت افتد و از او خیر و منفعت
یابد اگر بیند که سرمه‌دان او بشکست یا ضایع گردید دلیل که از صحبت زنی جدا افتد اگر
بیند که سرمه‌دانی را بخرید دلیل کند که کنیزکی بیند و بخرد و با امانت باشد

سرنج کرمانی گوید
که سرنج در خواب دلیل بر غم و اندوه کند اگر بیند که سرنج داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که
غمگین و متفکر بود اگر بیند که سرنج میخورد دلیل کند که بیمار گردد اگر بیند که چیزی بسرنج سرخ

میکرد دلیل کند که بچیزی مشغول گردد که از آن منفعت نیابد اگر بیند که سرنج بفروخت یا بکسی
داد دلیل کند که از غم و اندوه رستگار گردد

سرود ابن سیرین گوید که سرود گفتن در خواب
سخن باطل بود اگر بیند که سرود میگفت دلیل کند که سخن باطل گوید و بدان غم و اندوه رسد
اگر بیند که سرود با نوا همی زد دلیل مصیبت بود اگر بیند که سرود میگفتند و او می‌شنود دلیل
که سخن دروغ شنود کرمانی گوید که دیدن سرود در خواب بزرگان را دلیل رسوائی بود و درویشان
را دلیل غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرماید که سرود گفتن در خواب دلیل بر شش وجه بود
اول کلام باطل دوم غم و اندوه سیم مصیبت چهارم رسوائی پنجم جنگ ششم علم و حکمت آموختن

سرو ابن سیرین گوید که سرو کان را اگر در خواب بیند دلیل بود که بزرگی و منفعت یابد اگر
بیند که سروی کاوی ماده داشت دلیل بود که مالی تمام حاصل کند اگر بیند که سروی کاوی
داشت و شتی دلیل که از مردی بیابانی راحت یابد و هر چند در خواب شاخ را بزرگتر بیند او
آن بیشتر بود کرمانی گوید اگر بیند که بر سر خود سرو داشت دلیل قوت بود و اگر بر سر
خود سروها بیند مانند گوسفند و گاو دلیل بود که کار او بصلاح آید و عمر خود را در خرمی
گذراند اگر بیند که مردمان ایدان سرو بیند دلیل که مردمان را منفعت رساند حضرت صادق ع
فرماید دیدن سروها چهارپایان و وحشی دلیل بر خیر و منفعت باشد

سرشیر ابن سیرین گوید که
سرشیر در خواب دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال بود

سریشم ابن سیرین گوید
اگر بیند که سریشم داشت دلیل کند که بقدر آن منفعت یابد اگر بیند که سریشم خورد دلیل بود که
بقدر آن غم عیال خورد اگر بیند که بسریشم چیزی چسبانید دلیل که کارها محکم کند

سرین ابن سیرین
گوید که دیدن سرین راست دلیل بر پسر بود و سرین چپ دلیل بر دختر اگر بیند که سرینش محکم بود
دلیل که فرزندانش نیکو حال شوند و سست بود اگر کوچک بود و ضعیف تا و بلکس بخلاف این بود
کرمانی گوید اگر در خواب بیند که سرینش بشکست دلیل بود که فرزندش بمیرد حضرت صادق ع
فرماید که دیدن سرین در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم قوت سیم باغ چهارم نیکی از خویشان

سطل ابن سیرین گوید اگر کسی بیند در خواب که سطل داشت دلیل بود که خدمتکاری حاصل
کند اگر بیند که سطل او بشکست دلیل کند که خدمتکار او بمیرد جابر گوید اگر بیند که سطل

سعتر

نو بجز بید دلیل بود که کنیزکی صاحب جمال حاصل کند سعتر ابن سیرین گوید که دیدن سعتر
در خواب دلیل غم و اندوه بود و درو دیدن آن هیچ خیر نباشد

سفر کردن

سفر کردن ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که سفر کرد و آنجا که رفت بهتر از آنجا بود که بود دلیل بود که حالش نیکو گردد و
اگر آنجا که رفت بدتر از آنجا بود که بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که سفر کرد
و نداند که بکجا میرود دلیل بود که از زن جدا گردد یا از سرای خود بسرای دیگر رود و اگر بوداع
قومی میرفت یا قومی بوداع او آمدند دلیل که حالش متغیر گردد و باز بصلاح آید جابر گوید اگر
بیند که سفر کرد و با برگ و ساز بود دلیل که حالش یا کارش نیکو گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل
که کارش تباه گردد

سفره

سفره ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سفره نو داشت دلیل بود که مال و نعمت
یابد و کنیزکی صاحب جمال بخرد و اگر آن سفره چرکن بود دلیل بود که آن کنیزک زشت بود و اگر
بیند که سفره پر نان و نعمت داشت دلیل که از کنیزک منفعت یابد و سفره چنین در سواری بهتر
بود کرمانی گوید که دیدن سفره در خواب دلیل بر سفری بود با منفعت و هر چند سفره در خواب
نیکوتر و بزرگتر بیند دلیل کند که منفعت آن بیشتر باشد و اگر کوچک و تهی بیند دلیل که منفعت آن
کمتر باشد حضرت صادق فرماید دیدن سفره در خواب بر چهار وجه بود اول کنیزک دوم خدمتکار
سیم سفر چهارم کسب و معیشت

سقائی کردن

سقائی کردن ابن سیرین گوید که سقا در خواب دلیل بر مردی بود که
دین دار بود و اگر بیند که سقائی میکرد و آب بمردم میداد دلیل که با مردم نیکوئی کند جابر گوید اگر
بیند که سقائی میکرد و بطمع بود دلیل بود که بکار آخرت مشغول گردد و اگر بیند که مشک پر آب کرد
و بکسی داد دلیل بود که مال جمع کند و از آن خیر نبیند

سقنقور

سقنقور ماهی است که در میان ریگ بود
ابن سیرین گوید اگر بیند که ماهی سقنقور داشت دلیل بود که کار بینائی او راست گردد و بکام دل
برسد اما دینش ضعیف بود و بعضی از معبران گویند دلیل کند بر کراهت او

سقمونیا

سقمونیا ابن سیرین
گوید که سقمونیا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و نقصان مال او بود اما اگر در خواب بیند که
سقمونیا از بهر علتی خورد و شفا یافت دلیل بر منفعت کند و اگر از خوردن آن مضرت دید دلیل
کند که مال او تلف گردد و اگر اسهال بود همین دلیل کند

سگ

سگ ابن سیرین گوید که سگ در خواب
دیدن دشمن دون فرومایه بود اما مهربان بود و سگ ماده در خواب زن فرومایه بود و سیاه دشمنی

بود از عرب

حرف السین

بود از عرب و سگ سفید دشمنی بود از عجم اگر بیند که سگ بروی بانگ میکرد دلیل بود که از دشمنی
سخن سخت شنود و اگر بیند که سگ او را بگزید دلیل که او را از دشمن گزندی رسد اگر بیند که جامه
او را همان سگ آلوده شد دلیل که از دشمنی خشم گردد خاطر او و اگر بیند که جامه او بدرید
دلیل که در مالش نقصان پدید آید اگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل که دشمنی را بدشمنی دیگر دفع
کند اگر بیند که سگی را نان همی داد دلیل بود که روزی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که سگ بادی بر وی بجهید
کرد دلیل که دشمن در وی طمع کند اگر بیند که سگ در وی تکیه کرده بود دلیل که بر دشمن فرومایه اعتماد
کند و کار او را نصرت دهد اگر بیند که شیر سگ میخورد دلیل که ترس و بیم سخت بوی رسد و باشد
که با دشمن او را خصومت افتد اگر بیند که سگ از وی میگریخت دلیل که دشمن از وی برحذر بود اگر بیند
که سگی ماده در خانه او در آمد دلیل که زنی فرومایه را بزنی کند اگر بیند که سگ جامه او را بدندان
بگزید دلیل بود که مکروهی بوی رسد اسمعیل اشعث گوید که سگ شکاری در خواب دشمنی بود
ظاهر اگر بیند که به سگی شکار میکرد دلیل که از دشمنی دعوی آرزو کند و چیزی منفعت یابد و اگر
بیند که گوشت شکار میخورد دلیل کند که میراث یابد اگر بیند که سگ شکاری از خود دور کرد
دلیل که از دشمنی با منفعت جدا گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن سگ در خواب بر
چهار وجه بود اول دشمن دوم پادشاه طامع سیم دانشمند بدفعل چهارم مردمان غماز

سک

سک
از جمله عطرهای خوشبو بود ابن سیرین گوید اگر بیند که سک داشت یا کسی بوی داد دلیل که با ادب و
فرهنگ باشد و مردمان بروی ثنا خوانند اگر بیند که از وی بوی سک می آمد یا بوی مشک دلیل
که وی کنیزک با لطافت را دوست دارد اگر بیند که با سیم بدل کرد دلیل کند که فسق را بصلاح کرده
بود و شعر و غزل را بر قرائت اختیار کرده باشد و اگر بیند که سک سود و از آن بوی خوش می آمد دلیل که
نیکوئی با کسان کرده باشد که ستیزه و صالحه باشند و بر وی ثنا گویند جابر گوید اگر بیند که سک
بر خود میمالید دلیل که با مردم احسان و نیکوکاری کند

سکبا

سکبا ابن سیرین گوید اگر بیند که سکبا با گوشت
و عسل پخته بود دلیل که عیش نیکو و عز و جاه یابد و اگر بگوشت گاو پخته بود دلیل بر درازی عمر و یافتن
مال و خواسته بود از جهت بعضی عمال و اگر بگوشت مرغ بود دلیل که زندگی در زمان دولتی یابد و

سکره

فرزند ... یا دو تن حوایج کرده آن بود سکره ابن سیرین گوید که سکره در خواب دیدن نیکو و لطیف بود

سکنجبین

سلاح

اگر بیند که کسی سکره نو بوی داد دلیل که از سخنی خوش کران کسی شنود خوشنود گردد اگر بیند که
سکره او بشکست یا ضایع شد دلیل که شغل او ضایع گردد و بعضی از معبران گویند که سکره در خواب
بر سه وجه بود اول فرزند دوم عیال سیم دوستی که وی را بود جابر گوید که سکره در خواب کنیزک بود
اگر بیند که سکره نو و پاکیزه داشت دلیل که کنیزکی خوبروی بخرد و اگر بیند که سکره او بشکست یا ضایع
گردید دلیل که کنیزک او هلاک گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن سکره در خواب بر نه وجه بود
اول زن دوم کنیزک سیم خادم چهارم قوام دین پنجم صلاح حال ششم عمر دراز هفتم مال هشتم نعمت
نهم سخن خوش و قسم میراث از جهت زنان سکنجبین ابن سیرین گوید که سکنجبین در خواب چون شیرین بود
خوردن آن مال در روزی بود که آسان بدست آید و چون ترش بود دلیل که مال با غم و اندوه بدست
آید کرمانی گوید اگر بیمار سکنجبین بخواب بیند اگر شیرین بود شفا یابد و اگر ترش بود بیماری او دراز
کشد سلاح بدانکه سلاح بتازی آلت جنگ بود و آن دلیل بر قوت و بزرگی بود و دولت ابن سیرین
گوید اگر بیند که سلاح پوشیده بود و در میان ایشان بیگانه بود دلیل کند که جمعی دشمنان بدو
تعرض بروی دراز کنند لکن بوی مکروهی نتوانند رسانید و اگر آن گروه آشنا بودند دلیل که از
دشمنان مکروهی بوی نرسد کرمانی گوید اگر کسی خود را با سلاح در میان قومی مجهول بیند و آن قوم
پیران باشند دلیل بر دوستان و آشنایان او کند و اگر بیند که با سلاح تیر و کمان داشت یا چیزی دیگر
دلیل بود که خداوند جاه و دولت گردد اگر بیند که از آن آلتهائی که بدان جنگ کنند ضایع کرده بود دلیل
که نقصان بزرگی او بود اگر بیند که با کسی جنگ و نبرد میکرد و او را با تیر بزدند و زخمش کردند دلیل
کند که با کسی جنگ و خصومت کند و اگر بیند که کسی را بزد دلیل کند که بر آنکس دراز زبان گردد و اگر
بیند که کسی وی را با تیر بزد دلیل کند که وی را سخن سخت گویند بنامه یا به پیغام اگر بیند که کسی وی را به نیزه
بزد دلیل که آنکس را مضرت رساند جابر گوید اگر بیند که کسی او را زخم بزد و بداند که کرد دلیل که
وی را از کسی مضرتی رسد و اگر بیند که گرد زخم وی جمع آمد دلیل کند که بقدر آن مال حرام جمع کند
اگر بیند که بدان زخم گوشت و استخوان پدید آمد دلیل که از وی مال و نعمت بدانکس رسد و متاع دنیا
اگر بیند که در حرب سنگی را بر وی بینداخت دلیل که سخن سخت بدانکس گوید و در میان ایشان جدائی افتد
اگر بیند که سر شمشیر را بر وی نهد دلیل که سخن سخت گوید بهتر و بزرگتر و اگر بیند که با تیر پا بر نهد دلیل

کند که

حرف السین

سلام

سلطان

کند که آنکس مال و نظامش قطع گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن سلاح در خواب بر شش وجه
بود اول قوت دوم بزرگی سیم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و قلعه و تیغ و سلاح
بخواب دیدن پادشاهی بود داد کر و منصف و بزرگ سلام ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که
دوستی بر وی سلام میکرد دلیل کند که دشمن با وی صلح کند اگر بیند که کسی مجهول بر وی سلام کرد
دلیل کند که غریبی بر وی دوستی و آشنائی کند اگر بیند که پیری بر وی سلام کرد و هر که آنکس را ندیده
بود دلیل که ایمن گردد از عذاب حق تعالی و اگر بیند که پیری معروف بر وی سلام کرد و او را میشناخت
دلیل که زنی خوبروی بخواهد کرمانی گوید اگر بیند که کسی بر وی سلام کرد که در میان ایشان شرکت
و تجارت بوده باشد و جواب سلام آنکس باز داد دلیل که در میان ایشان جدائی افتد و در میان
ایشان تجارت پایدار نباشد جابر گوید اگر بیند که زنی بر وی سلام کرد دلیل که از کسی شادمان
گردد و اگر زنی پیر مجهول بر وی سلام کرد اقبال دنیائی یابد اگر بیند که در نماز بود و سلام از
دست چپ داد دلیل بود که کارهای او شوریده گردد حضرت صادق ع فرماید که سلام دادن در خواب
بر چهار وجه بود اول ایمنی دوم شادی سیم اقبال چهارم منفعت مال سلطان ابن سیرین گوید اگر بیند
که سلطان در سرائی یا در محلی یا در دهی شد دلیل بود که رنج و مصیبت با اهل آن مقام رسد قوله
تعالی ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها و اگر بیند که در جنگ خصومت سلطان غلبه کرد دلیل
کند که حاجتی که دارد روا گردد و بمقصود رسد کرمانی گوید اگر بیند که سلطان دست او بوسه
میزد دلیل که سوگندش دهند اگر بیند که سلطان نجاست همی کند دلیل که دیوانه گردد اگر بیند که
سلطان از تخت یا کرسی بیفتاد یا تخت او بشکست یا اسب او را لگد بزد یا شمشیر او بشکست یا کسی او را
بسته یا او را کاردی بر سر زد چنانکه مجروح گردید این جمله دلیل بر زوال مملکت او کند اگر کسی بیند
که سلطان شد و در سلطانی داد کرد بود دلیل که شرف و بزرگی یابد بقدر آن عدل و داد که
کرده بود اگر بیند که سلطانی بزرگ بساطی گسترد دلیل که مال دنیا بروی فراخ گردد و عمرش دراز
بود جابر گوید اگر کسی سلطانی در خوابگاه خود و شهر را نیکو بیند دلیل که دولت و عز و جاه او
زیاده گردد و اگر سلطانی مرده را بخواب بیند کشاده روی و خرم که وی را سخن لطیف گفت دلیل
که کارهای او نیکو گردد و شغلهای مرده زنده گردد و اگر عزیز مصر یا بر آن حال بیند دلیل که عزیز

جهان کردد و اکر در شهر خویش سلطانی مهمل ببیند دلیل بود که نفس بر وی خیره کردد سماروغ
کیاهی بود که از زمین روید بسبب عفونت زمین از سبب نم و باران و آن را بتازی کماه خوانند
و آن در خواب نیک باشد که او را هیچ خبر نبود اکر زیاده از سر سماروغ ببیند دلیل بر مال و نعمت بود

سماروغ

که از نیک بوی سد کرمانی کوید که اکر سماروغ بزرک ببیند دلیل که او را پسری اید و اکر سماروغ
کوچک ببیند دلیل بود که او را دختری اید جابر کوید اکر کسی ببیند که سماروغ میخورد دلیل که مال
بدست عیال خود هزینه کند سماق کرمانی کوید که خوردن سماق در خواب دلیل بر جنگ و لجاج

سماق

و خصومت کند و اکر ببیند که سماق بخورد دلیل که او را با کسی کفتکو شود و در هر بابی خوردن
سماق هیچ خیر نباشد سمانه ابن سیرین کوید که سمانه در خواب پسر غلام بود یا پسر خدمتکار اکر

سمانه

بیند که سمانه بکرفت یا کسی بدو داد دلیل که خدمتکار یا غلامش هلاک کردد کرمانی کوید که سمانه
در خواب مال و روزی حلال بود قوله تعالی و انزلنا علیکم المن و السلوی و اکر بیند که کوشت سمانه
میخورد دلیل که روزی حلال یابد حضرت صادق فرماید که دیدن سمانه بر چهار وجه بود اول فرزند
غلام دوم روزی حلال سیم منفعت چهارم مال سمور ابن سیرین کوید که سمور در خواب مردی بود

سمور

ظالم کافر راه زن اکر ببیند که با سمور جنگ و ستیزه میکرد دلیل که با مردی چنین او را خصومت افتد اکر
ببیند که کوشت سمور می خورد دلیل که مال مردی کافر ظالم را بخورد بقدر آن کوشت که خورده بود
کرمانی کوید که سمور در خواب مردی غریب توانکر بود و موی و پوست سمور مال آن خواسته بود و
کوشت او مال مردی غریب بود اکر ببیند که سمور را بکشت و کوشت او بر زمین افکند دلیل که مال
مردی غریب را تلف کند سنان ابن سیرین کوید اکر ببیند که سنان بر تن خصم زد و او را بیفکند دلیل که

سنان

خصم را بحجت غلبه کند و بر وی ظفر یابد اکر ببیند که سنانش بشکست یا ضایع کردید تاویلش بخلاف
این بود کرمانی کوید اکر ببیند که سنان فولاد درخشنده داشت اکر از اهل آن بود از بزرکی منفعت یابد
اکر ببیند که سنان او زنک کرفته بود دلیل منفعت اندک بود حضرت صادق فرماید دیدن سنان
در خواب بر شش وجه بود اول حجت دوم ولایت سیم عمر دراز چهارم ظفر یافتن بر دشمن پنجم ریاست
ششم منفعت بر قدر و بهای آن سنان سنبوسه ابن سیرین کوید که سنبوسه در خواب دیدن فرزند بود

سنبوسه

اکر بیند که سنبوسه فراکرفت یا کسی بوی داد دلیل که وی را فرزندی باشد اکر ببیند که سنبوسه داشت

و از او ضایع شد

حرف السین

و از او ضایع شد دلیل بود که فرزندش غایب کردد یا از بار رحلت کند کرمانی کوید که سنبوسه
یا سنبوسه خوردن در خواب مال بود اکر از این سنبوسه در خواب ببیند که فراکرفت یا کسی بدو داد دلیل
کروهی یا بعضی از آن مال حاصل کردد و اکر ببیند که در پای خود سنبوسه داشت چون سنبوسه پا
سنبوسه خرد دلیل که عمر بخوشدلی کذرانند و بعضی از معبران کویند که مال اندک یابد اکر ببیند
که سنبوسه بخشید تاویلش بخلاف این بود سنبل اکر کسی ببیند که سنبل تر داشت دلیل که بقدر

سنبل

آن و بر او مال حاصل کردد و مردمان مدح و ثنای او کویند اکر ببیند که سنبل بود و خشک
داشت تاویلش بخلاف این بود جابر کوید اکر ببیند که سنبل تازه میخورد دلیل که مال حرام بدست
آورد یا او را فرزندی اید و نامش در اندیار منتشر کردد اکر ببیند که سنبل در آتش میسوخت
دلیل که پادشاه مال از وی بستاند بقدر آنکه سوخت سنجاب ابن سیرین کوید که سنجاب در خواب

سنجاب

مردی غریب توانکر باشد پوست و موی و استخوان وی بخواب مال و خواسته بود و کوشت او
مال مردی غریب بود اکر ببیند که سنجاب بکشت و پوست باز کرد دلیل که مال مردی غریب
تباه کند یا بغصب بستاند کرمانی کوید اکر ببیند که سنجاب را خبر کرد و از کردن او خون روان کرد
دلیل که مال مردی غریب بستاند سنجد ابن سیرین کوید که سنجد در خواب مال صالح بود که

سنجد

برنج بدست آورد اکر ببیند که سنجد بخرید یا کسی بدو داد دلیل که مال حلال بدست آورد و نجات
کوید اکر ببیند که سنجد از درخت جمع کرد دلیل که از مردی بخیل مالی بدست آورد اکر ببیند
که سنجد میخورد دلیل که مال بر عیال نفقه کند حضرت صادق فرماید که دیدن سنجد بخواب
بر سه وجه بود اول مال الحاصل کرده دوم مال بدست آوردن سیم منفعت از مردی ناشناس
کار سندان ابن سیرین کوید که سندان بخواب دیدن رئیس و بزرک بود اکر ببیند که سندان

سندان

فراکرفت یا کسی بدو داد دلیل کند که ملک او ... دلیل کند که از رئیسی بزرک خیر و منفعت یابد
او در دو باوی دوستی کردد یا بخدمت پادشاه پیوندد و از او خیر و منفعت یابد کرمانی کوید
که سندان در خواب دلیل بر مهتری را سکرد او کند اکر ببیند که سندانی داشت یا کسی بدو
داد دلیل کند که او را با بزرکی مهتر صاحب افتد و از او خیر و منفعت یابد اکر ببیند که او
سندان بکسی داد دلیل کند که او را از آنکس منفعت رسد اکر ببیند که سندان او ضایع شد

سنگ

باد زد بر رود دلیل که او صحبت با مردی بزرگ جدا افتد امام جعفر صادق ع فرماید که دیدن سنگ
در خواب بر پنج وجه بود اول مهتری دوم منفعت و مال سیم قوت چهارم ولایت پنجم اقبال بد
کارها سنگ کرمانی گوید که سنگ در خواب بر دو وجه بود اول ماه دوم مهتری و هر سنگی که بزرگتر بود
خیرات و منفعت آن زیاده تر بود و هر سنگ که سخت تر بود تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که سنگ
سفید فرا گرفت با کسی بد و داد دلیل که با مهتری خوش خوی گشاده طبع او را صحبت افتد و از او
منفعت یابد اگر بیند که سنگ سیاه داشت با مهتری کینه جوی بدخوی او را صحبت افتد و از او منفعت
نبیند و اگر بیند که سنگی زرد داشت با مهتری کینه دار بدخوی ویرا صحبت افتد و منفعتی بوی
رسد اگر بیند که سنگی سرخ داشت دلیل بود که با مهتری مفسد بدخوی بدخواه او را صحبت
افتد و بد و منفعت رسد اگر بیند که بر کوه شد و سنگهای بسیار دید و از آن سنگها چیزی
برگرفت و در دامن نهاد در منگریست که آن سنگها چه رنگ داشت تاویلش هم بر آن قیاس بود
اگر بیند که سنگ سیاه و سفید داشت دلیل که با مردی منافق ویرا صحبت افتد و بعد از آن
وی نفع یابد ابن سیرین گوید که دیدن سنگها در خواب سختی بود در کارها اگر بیند که سنگ
در زیر آب جمع میکرد دلیل کند که مالی چند بمکر و حیله در رنج جمع کند اگر بیند که سنگ از کوه
میانداخت دلیل که از مردی بزرگ سخت دل بمکر و حیله مال حاصل کند اگر بیند که در میان بیابان
سنگ جمع میکرد دلیل بود که او را بمکر و حیله از سفر مال حاصل گردد اگر بیند که بر کسی سنگ
انداخت دلیل که برنج و کراهیت از مال خود چیزی بکسی دهد اگر بیند که سنگریزه بخانه همی آورد
دلیل کند که بقدر آن مال حاصل کند جابر گوید اگر بیند که سنگ بر کسی انداخت دلیل که
ویرا تهمت کند یا بکار حضرت صادق ع فرماید که سنگ در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم
مهتری سیم سختی در کارها چهارم کسب رنج

سنگخوار

سنگخوار مرغیست که سنگریزه خورد ابن سیرین گوید
اگر بیند که سنگخوار را بگرفت دلیل که ویرا با مردی ابله صحبت افتد جابر گوید اگر بیند که سنگخوار
در دست داشت دلیل که در کاری دشوار افتد و در آن کار خیر و منفعت نباشد اگر بیند که
سنگخوار از دستش بپرید یا در دستش بمرد دلیل که از آن کاری که دشوار است برود وی خلاص
یابد اگر بیند که گوشت سنگخوار بخورد دلیل کند که کار خود بدشواری بدست آورد

سواری

حرف السین

ابن سیرین گوید اگر بیند در خواب که سواری میکرد دلیل کند که از پادشاه مال و نعمت یابد اگر
بیند که با سواران همی گشت و آن سواران فرمان بردار و مطیع وی بودند دلیل کند که او را بر کسی
فرمان روائی باید اگر بیند که سواران در محلی سواری میکردند دلیل بود که در آن مقام باران
سخت آید اگر بیند که سواران مجهول از متاع دنیا چیزی بدو دادند دلیل کند که وی را از کسی
غریب منفعت رسد اگر آن سواران معروف بیند منفعت از آشنا و دوست بود اگر سواران
را در جایها بیند باران باشد لا غیر تاویلش بخلاف این بود

سورهای قرآن

سوره فاتحة الکتاب

ابن سیرین گوید که
کسی بیند که سوره فاتحه خواند دلیل که عمرش دراز بود و کارش را ایمان بیند سوره البقره ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که سوره البقره خواند تاویلش عمر دراز بود و بر بلاها صابر بود کرمانی گوید که سوره
البقره کامکاری بود و خواننده او در خواب از شر دشمنان نجات بود حضرت صادق ع فرماید صاحب
القول گردد آیة الکرسی اگر بیند که آیة الکرسی خواند دلیل که از آفتها ایمن گردد و کارش بالا گیرد
کرمانی گوید اگر درویش بود توانگر گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد
و اگر بنده بود آزاد گردد حضرت صادق ع فرماید که خداوند حاجت روا کند سوره آل عمران ابن سیرین
گوید اگر بیند که سوره آل عمران میخواند دلیل که از همه بلیها پاک گردد و نزد خلق ستوده گردد
کرمانی گوید که عاقبتش نیکو گردد و در عقبی نجات یابد حضرت صادق ع فرماید که دینش قوی
گردد شهد الله ابن سیرین گوید اگر بیند که شهد الله میخواند بقضا خدای تعالی راضی باشد
و خالص از اینجهان برود کرمانی گوید که امانتی که دارد بگذارد و مردمان او را عزیز دارند حضرت
صادق ع فرماید مراد دو جهانی یابد و در راه دین یگانه گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که
آیه قل اللهم میخواند دلیل که پادشاهی و عز و جاه یابد کرمانی گوید که هر امید که دارد بیابد حضرت
صادق ع فرماید که حاجتها او روا گردد سوره النساء ابن سیرین گوید که هر که سوره النساء را در
خواب خواند دلیل که میراث یابد و خویشان و اهل بیت او بسیار گردند کرمانی گوید که
مال و نعمت یابد حضرت صادق ع فرماید که حاجت او روا گردد و پرهیزکار باشد و از زنان
میراث یابد سوره المائدة ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره مائده میخواند دلیل که بر اهل اندیا
شرف و بزرگی یابد کرمانی گوید که خواندن مائده در خواب دلیل بر نیامدی ترقی کند خیر و نعمت

دو جهان یابد حضرت صادق ع فرماید که خواندن مائده در خواب دلیل بر صحت تن و بهروزی کار و
توان شغل کند سورة الانعام ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة انعام میخواند سعادت دنیا
و آخرت یابد کرمانی گوید که جهاد با یاران دنیا را حاصل کرد حضرت صادق ع فرماید که توفیق
یابد با احسان و سخاوت کردن سورة الاعراف ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة اعراف را میخواند
دلیل کند در دین مؤمن و خالص گردد و خاتمه اش محمود بود کرمانی گوید که سورة الاعراف خواند
خوانندگان از اینجهان بیرون رود تا کوه سینا را زیارت کند حضرت صادق ع فرماید که همه خلق
از او خوشنود گردند سورة الانفال ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة انفال میخواند بر دشمنان
ظفر یابد و غنیمت بسیار و مال بسیار حاصل کند کرمانی گوید که قدر و جاه و بلندی یابد و کارش
بنظام گردد حضرت صادق ع فرماید که خداوند اقبال و دولت گردد سورة التوبة ابن سیرین گوید
که سورة توبه در خواب خواندن دلیل بود که توبه نصوح کند از هر گناه کرمانی گوید که سرانجام
کارش خیر و خیر بود حضرت صادق ع فرماید که در میان مردمان محبوب و مقبول گردد سورة یونس ابن
سیرین گوید اگر بیند که سورة یونس میخواند دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و کارش بمراد شود
کرمانی گوید که مکر کافران و کید حاسدان از وی دور گردد و بر دشمن غالب گردد حضرت صادق
فرماید لفظ و عبارتش نیکو گردد سورة هود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند سورة هود میخواند
دلیل که سفر بسیار کند و در جوانی زحمت و جور بسیار کشد و سرانجام کار بکام دل یابد کرمانی گوید
که رنج و محنت که کشیده باشد بزرگی یابد و با امانت بود حضرت صادق ع فرماید راست قول و
با امانت بود سورة الرعد ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة رعد میخواند دلیل که پیوسته
بدعوات و قرآن خواندن مشغول بود و تسبیح و تهلیل کند کرمانی گوید که بکار خیر و طاعت مشغول
گردد حضرت صادق ع فرماید که عمرش کوتاه بود سورة ابرهیم ابن سیرین گوید اگر کسی بیند سورة
ابرهیم میخواند دلیل که مادام بکار خیر و طاعت مشغول گردد حضرت صادق ع فرماید که نزد خدا
عزیز و گرامی بود کرمانی گوید که دنیای او نیکو باشد سورة الحجر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند
که سورة الحجر را میخواند نزد حقتعالی پسندیده بود کرمانی گوید اگر بیند هر آینه کار دنیا
حضرت صادق ع فرماید که جاهش پیش خلق بیفزاید سورة النحل ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره

النحل

النحل میخواند دلیل که روزی حلال یابد و دوستدار اهل دین باشد کرمانی گوید که از محنت و
فتنا ایمن گردد حضرت صادق ع فرماید که حقتعالی او را علم حاصل کند اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد
سورة بنی اسرائیل ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة بنی اسرائیل میخواند دلیل که او نزد حقتعالی
و نزد خلق جاه و منزلت یابد و مؤمن و ترسکار باشد کرمانی گوید که بر دشمن ظفر یابد و بکام دل
برسد حضرت صادق ع فرماید که دینش درست و اعتقادش پاک بود سورة الکهف ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورة کهف میخواند دلیل کند که از همه فتنها و بلاها ایمن گردد و در راه دین
یگانه مخلص بود کرمانی گوید که عمرش دراز بود و سعادت عقبا یابد حضرت صادق ع فرماید که
چندان عمر یابد که بمرادها برسد و ذکر گردد سورة مریم ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة مریم
میخواند دلیل که در دنیا و قیامت در پناه ایزد تعالی باشد از عذاب کرمانی گوید که راه خیر نهد و سنت
رسول بجای آورد حضرت صادق ع فرماید که پنهانی او را نسبت کنند و عاقبت کار در راستی او ختم
گردد سورة طه ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة طه میخواند دلیل که با دشمنان خصومت کند و
ایشان را قهر کند و نامش بخیرات منتشر گردد حضرت صادق ع فرماید که عالم و دانا شود و یگانه
و نامدار شود سورة الانبیا ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة انبیا میخواند دلیل که حقتعالی او را
علم و سیرت پیغمبران بخشد کرمانی گوید که اقبال دو جهان یابد حضرت صادق ع فرماید که عالم و دانا
گردد و بعد از رنج و مشقت راحت و آسانی یابد سورة الحج ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة حج میخواند
دلیل که مالش را در راه حقتعالی بفرقه کند کرمانی گوید که کردارهای پسندیده کند حضرت
صادق ع فرماید که در راه زهد و عبادت یگانه گردد و در راه دین مجتهد شود سورة المؤمنون
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة المؤمنون میخواند دلیل که با مؤمنون در بهشت شود کرمانی
گوید که فضل و درجات یابد حضرت صادق ع فرماید که امانتش قوی بود و سیرت پسندیده اختیار
کند سورة النور ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة النور میخواند دلیل که عالم و عادل گردد و
دلش از علم و حکمت منور شود سورة الفرقان ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة الفرقان میخواند
دلیل کند که راستی خلق را از باطل جدا کند کرمانی گوید که با خلق منصف و دادگر گردد حضرت
صادق ع فرماید که از طرف باطل بطرف حق گراید سورة الشعرا ابن سیرین گوید که اگر بیند که سوره

الشعرا میخواند دلیل که در پناه حقتعالی بود و از گناه و دروغ پاک گردد و در راه دین مجتهد گردد
النمل ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره النمل میخواند دلیل که بزرگی یابد ابراهیم گوید که دولتش
دین مساعد گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که مال فراوان حاصل کند سوره القصص اگر کسی
بیند که سوره قصص میخواند دلیل که مال و نعمت یابد و بدین که حقتعالی مشغول گردد کرمانی گوید
که هم پیوسته در راه دین و صلاح کوشد حضرت صادق فرماید که مال حلال حاصل کند سوره
عنکبوت اگر بیند که سوره عنکبوت میخواند دلیل که در وقت مرگ ایمان او درد و در امان حقتعالی باشد
حضرت صادق فرماید که بر دشمن ظفر یابد سوره الروم اگر بیند که سوره الروم میخواند دلیل که
شهری از روم بدست او کشاده گردد کرمانی گوید که دلیل بجهاد و غزا مجتهد گردد حضرت صادق فرماید
که بر دشمن ظفر یابد سوره لقمان اگر بیند که سوره لقمان میخواند دلیل که عابد و عالم و عاقل و
عامل گردد کرمانی گوید که دین و دیانت ورزد حضرت صادق فرماید که خلایق از علم و حکمت او بهره
یابند سوره السجده ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره سجده میخواند دلیل که در سجده بود که از
دنیا برود حضرت صادق فرماید که عاقبتش محمود بود سوره الاحزاب اگر بیند که سوره احزاب میخواند
دلیل که صفت بنا بنیاد یابد بخداوندش رهد کرمانی گوید که رسول را بخواب بیند حضرت صادق فرماید
که توفیق یابد سوره سبا ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که سوره سبا میخواند دلیل که زاهد و عابد گردد
کرمانی گوید دلیل که در طاعت بجدتر بود که خدای داند حضرت صادق فرماید که سیرت صلحا در راه دین
در پیش گیرد سوره الفاطر ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره فاطر میخواند دلیل که عاقبتش نیکو گردد
حضرت صادق فرماید که در نعمت بروی کشاده گردد سوره یس ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره یس
میخواند دلیل که عاقبتش بخیر بود کرمانی گوید که عمرش دراز یابد و از خدا رحمت یابد حضرت صادق فرماید
که محبت رسول خدا در دلش مستقیم گردد سوره الصافات ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره الصافات
میخواند دلیل که از حقتعالی دیانت و دین یابد کرمانی گوید که امانت خلق نگاه دارد حضرت صادق
فرماید که او را فرزند صالح آید سوره ص اگر در خواب بیند که سوره ص میخواند دلیل که مالش
زیاده گردد و بزرگ گردد سوره الزمر ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره زمر میخواند دلیل که حقتعالی
گناهش را عفو فرماید کرمانی گوید که خاتمه کارش بسعادت بود حضرت صادق فرماید که کارش

بلند گردد

حروف السین

بلند گردد و دولتش قوی گردد سوره المؤمن اگر در خواب بیند که سوره مؤمن میخواند دلیل که از فقر [illegible]
حقتعالی گردد کرمانی گوید که خاتمه کارش بسعادت بود حضرت صادق فرماید که دعا او مستجاب گردد
سوره مصابیح ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره مصابیح میخواند دلیل که از عذاب آخرت برهد حضرت
صادق فرماید که عمرش دراز گردد سوره شوری اگر بیند که سوره شوری میخواند دلیل که نماز بسیار
کند و پیوسته روزه دارد و نیکوکار و پرهیزکار بود سوره زخرف اگر بیند که سوره زخرف میخواند
دلیل که نماز و طاعت کند و راست قول و خوب افعال بود سوره الدخان ابن سیرین گوید اگر بیند
که سوره دخان میخواند دلیل که در شب طاعت بسیار کند کرمانی گوید که راست قول بود و حق را
یاری دهد حضرت صادق فرماید که منعم و توانگر گردد سوره الجاثیه ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره
جاثیه میخواند دلیل که در توبه کوشد و بخدا تعالی بازگردد کرمانی گوید که دست از دنیا بدارد و از
گناه بازگردد و پشیمان شود حضرت صادق فرماید اگر بیند که دار باشد از گناهان توبه کند و بحقتعالی
بازگردد سوره الاحقاف اگر بیند که سوره احقاف میخواند دلیل که فرزندان پدر و مادر دریابد کرمانی گوید
که با مادر و پدر احسان کند حضرت صادق فرماید که عجایبها بسیار ببیند و کند سوره محمد ابن سیرین
گوید اگر بیند که سوره محمد میخواند دلیل کند که بر دشمنان ظفر و پیروزی یابد کرمانی گوید که
خدای تعالی او را از آفات نگاه دارد حضرت صادق فرماید که نیکو خصال و خوب سیرت بود سوره الفتح
ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره فتح میخواند دلیل که حقتعالی او را نصرت دهد و در خیرات بروی
کشاده گردد کرمانی گوید که ایزد تعالی گناه او را عفو کند حضرت صادق فرماید که حقتعالی او را
در دو جهان توفیق دهد سوره الحجرات ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره الحجرات میخواند دلیل
که مردمان را بالقاب بخواند و غیبت نکند کرمانی گوید که آزار کس نجوید و دل همه کس نگاه دارد
حضرت صادق فرماید که با مردمان پیوند و دوستی جوید سوره ق ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره
ق میخواند دلیل کند که بطاعات و عبادات مشغول گردد حضرت صادق فرماید اگر بیند که حقتعالی
روزی بروی فراخ گرداند سوره الذاریات ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره والذاریات میخواند دلیل
که حقتعالی او را توفیق دهد بکارهای صالح کرمانی گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد حضرت
صادق فرماید که حقتعالی او را صلاحیت بخشد و از کشت و زرع بهره‌مند گردد سوره الطور اگر بیند

کوید اگر بیند که سوره والطور را میخواند خدایتعالی او را بر دشمن ظفر دهد و ایشان را قهر کند کرمانی کوید که حق را یاری دهد و باطل را قهر کند حضرت صادق ع فرماید که در مکه مجاور کردد

سوره النجم ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره والنجم میخواند دلیل که حقتعالی در رحمت بروی کشاده کرداند کرمانی کوید که بر دشمن ظفر یابد حضرت صادق ع فرماید که حقتعالی او را پسر صالح خوب روی دهد سوره القمر ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره القمر میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر یابد کرمانی کوید که کارهای دشوار بر او آسان کردد حضرت صادق ع فرماید دو اینجهان نعمت و مال یابد سوره الواقعه ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره واقعه میخواند دلیل که از کناهان توبه کند کرمانی کوید که توفیق طاعت یابد حضرت صادق ع فرماید که طالع سعد یابد از طاعت حقتعالی سوره الحدید ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره الحدید میخواند دلیل که در روزی بر نج و سختی یابد کرمانی کوید که توفیق طاعت یابد حضرت صادق ع فرماید که در راه دین ستوده کردد سوره المجادله ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره المجادله میخواند دلیل که او را با زنان خصومت افتد کرمانی کوید که مجادله کند با همه کس در راه دین حضرت صادق ع فرماید خصومت کند با اهل خانه سوره الرحمن ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره الرحمن میخواند دلیل که از سخنهای دروغ اجتناب کند کرمانی کوید که سبب نیک در راه دین کردد حضرت صادق ع فرماید مال یابد سوره الحشر ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره الحشر میخواند دلیل که حشر او با مخلصان و رستکاران باشد کرمانی کوید که صحبت او با اهل صلاح و علمای دین بود حضرت صادق ع فرماید که بر دشمنان ظفر یابد سوره الممتحنه ابن سیرین کوید اگر کسی بیند که سوره ممتحنه میخواند دلیل که او را بیشتر کارها براستی کند کرمانی کوید که صحبت او با اهل صلاح بود حضرت صادق ع فرماید بمحنتی کرفتار کردد که هلاک او در آن بود سوره الصف ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره صف میخواند دلیل که در راه حقتعالی غزا کند و خیرات کرمانی کوید که پیوسته رضای خدایتعالی طلبد حضرت صادق ع فرماید که در آخر عمر شهید کردد سوره الجمعه ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره جمعه میخواند دلیل که حقتعالی او را علم و نور روزی کند کرمانی کوید که عزت و جاه یابد حضرت صادق ع فرماید که توفیق خیر یابد سوره المنافقون ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره منافقون میخواند دلیل کند که پنهان منافقی کند کرمانی کوید که در دل هوای منافقون دارد حضرت صادق ع فرماید که از منافقی توبه کند

حرف السین

سوره تغابن ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره التغابن میخواند دلیل کند که صدقات بسیار کند کرمانی کوید که ضعفا را دستکیری کند حضرت صادق ع فرماید مستقیم الحال کردد و قول او راست بود سوره التحریم ابن سیرین کوید اگر بیند سوره التحریم میخواند دلیل که در خانه خود کار بنفاق کند و بد نکاه داشتن ایشان بکوید حضرت صادق ع فرماید از محارم دور بود سوره الطلاق ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره طلاق را میخواند دلیل که او را با زن کفتکو کند کرمانی کوید که سر خود را نکاه دارد حضرت صادق ع فرماید که لجاج با اهل خویش کند سوره الملک ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره الملک میخواند دلیل که از عذاب کور رستکاری یابد کرمانی کوید که عاقبت کارش محمود بود و با همه کس خیرات و احسان کند سوره القلم ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره ن والقلم میخواند دلیل که خیرات و صدقات کند و نان دادن دوست دارد کرمانی کوید که با همه کس خیرات و احسان کند حضرت صادق ع فرماید که خدایتعالی او را علم و فصاحت روزی کند سوره الحاقه ابن سیرین کوید اگر بیند سوره الحاقه میخواند دلیل که بر نعمت و مالی که حقتعالی داده باشد شکر کند کرمانی کوید که بر سر شغلی که نهند تمام کند حضرت صادق ع فرماید که در طریق حق کوشد سوره المعارج ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره معارج دلیل که بر جیرو سنکی بنا کند سوره نوح ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره معارج میخواند دلیل که عاقبتش محمود بود حضرت صادق ع فرماید که از ترس و بیم ایمن کردد سوره الجن ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره الجن میخواند دلیل کند که از شر پریان رستکاری یابد حضرت صادق ع فرماید که هیچ دیو و پری مضرت باو نرسانند سوره المزمل ابن سیرین کوید اگر بیند که سوره المزمل میخواند دلیل کند که بشب نماز را دوست دارد کرمانی کوید که بشب طاعت را زنده دارد حضرت صادق ع فرماید که توفیق طاعت و عبادت یابد سوره المدثر ابن سیرین کوید اگر بیند سوره المدثر میخواند دلیل که عمل صالح کند و بدی کس را در دل نکاه ندارد کرمانی کوید که در کارها راستی نکاه دارد حضرت صادق ع فرماید که سنت و راه راست جوید سوره القیمه ابن سیرین کوید اگر بیند سوره القیمه را میخواند دلیل که در وقت مرک شهادت آورد و با توبه از دنیا برود کرمانی کوید که از عذاب خدا ترسان بود حضرت صادق ع فرماید که از سوکند خوردن توبه کند سوره الانسان ابن سیرین کوید اگر بیند که این سوره خواند دلیل که درویشان را طعام دهد و رضای حقتعالی جوید کرمانی کوید که با خلق خدا احسان

کند حضرت صادق فرماید توفیق یابد بر سخاوت و شکر نعمت سورة المرسلات ابن سیرین گوید که اگر بیند
که سورة والمرسلات میخواند دلیل که از دروغ توبه کند و از باطل گوید که معانی گوید که سیرت
و راه حق گیرند حضرت صادق فرماید که روزی بر وی فراخ گردد سورة النبأ ابن سیرین گوید که
اگر بیند که سوره النبا میخواند دلیل که ترس کار بود کرمانی گوید که کارش بزرگ شود نامش بلند
گردد سورة النازعات ابن سیرین گوید اگر بیند سورة النازعات میخواند دلیل بود که بوقت مرگ از جهان
کندن هراس یابد کرمانی گوید توبه کند تا از عقوبت ایمن گردد حضرت صادق فرماید دلش از کبر
پاک گردد سورة عبس ابن سیرین گوید اگر بیند سورة عبس میخواند دلیل که روی بر مردم ترش
کند کرمانی گوید که روزه بسیار دارد حضرت صادق فرماید که با ضعیفان خیرات کند سورة التکویر
ابن سیرین گوید اگر بیند سورة تکویر میخواند دلیل کند که از عذاب برهد کرمانی گوید اگر بیند
سفر بسیار کند از جانب مشرق حضرت صادق فرماید که از آنچه ترسد ایمن گردد سورة الانفطار
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة الانفطار میخواند دلیل که از عذاب خدای تعالی برهد کرمانی گوید
که میل او بمال و نعمت بود حضرت صادق فرماید که در نزد سلاطین عزیز و محترم گردد سورة المطففین
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة المطففین میخواند دلیل که کیل و پیمانه راست دارد و از ترس خدای
تعالی بطاعت میل کند کرمانی گوید که راست گوید حضرت صادق فرماید که با همه کس منصف باشد
سورة الانشقاق ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة انشقاق میخواند دلیل بود که نامه در دست
راست او دهند کرمانی گوید که شمار و حساب بر وی آسان گردد حضرت صادق فرماید که نسل
او بسیار گردد سورة البروج ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة البروج میخواند دلیل که در دنیا اندوه
گین گردد و لکن عاقبت کارش نیکو باشد کرمانی گوید که در آخرت رفیع بود و ثواب یابد حضرت صادق
فرماید که از غمها فرج یابد سورة الطارق ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة الطارق میخواند دلیل
که او را فرزندی آید نیکو حضرت صادق فرماید که کارهای دشوار بر وی آسان گردد سورة الغاشیة
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة الغاشیة میخواند دلیل که از هول قیامت برهد و توبه کند
و از آن ترس ایمن گردد کرمانی گوید که تائب شود و رضای خدا جوید حضرت صادق فرماید که
قدر و محل او بزرگ گردد نام او بخیر منتشر گردد سورة الفجر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سوره

الفجر

حرف السین

الفجر میخواند دلیل که بکارهای خیر مشغول گردد کرمانی گوید که حج اسلام کند حضرت صادق فرماید
که هیبت و شوکت او بسیار گردد سورة البلد ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة البلد میخواند دلیل
که صدقه دادن را دوست دارد کرمانی گوید با همه کس خیر احسان کند حضرت صادق فرماید حق تعالی
او را توفیق خیر و نیکوئی دهد طعام دادن و گرامی داشتن ضعیفان سورة الشمس اگر بیند که سورة الشمس
میخواند دلیل که بر پرستش کاری فاسد رود کرمانی گوید که سرانجام پشیمان گردد حضرت صادق
فرماید از بلاها ایمن گردد سورة اللیل ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة واللیل میخواند دلیل
دلیل که سائلان را منع نکند و زکوة مال بدهد کرمانی گوید حق تعالی او را توفیق دهد سورة
الضحی ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة والضحی میخواند دلیل کند که چیزی بخواهند کان دهد
کرمانی گوید که پیوسته با مردمان احسان کند حضرت صادق فرماید که غریبان را دوست دارد سورة
الانشراح ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة الانشراح میخواند دلیل که دشواری بر وی آسان گردد
کرمانی گوید که حق تعالی کارها بسته بر وی آسان کند حضرت صادق فرماید از تنگی فرج یابد سورة
التین ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة والتین میخواند دلیل که نیک سیرت بود و خوب کردار
گردد کرمانی گوید که مال و نعمت بر وی فراخ گردد حضرت صادق فرماید مراد هر دو جهان بیابد
سورة العلق ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة العلق میخواند دلیل که حق تعالی بر وی علم قران روزی
کند حضرت صادق فرماید متواضع و نیکو سیرت گردد سورة القدر ابن سیرین گوید اگر بیند که سوره
القدر میخواند دلیل که از دنیا بیرون رود تا ثواب شب قدر دریابد کرمانی گوید که عمرش دراز
گردد و مرادها بیابد حضرت صادق فرماید جاه و قدرش عالی گردد سورة البینة ابن سیرین گوید
اگر بیند که سوره البینة میخواند دلیل که با توبه از دنیا رحلت کند کرمانی گوید که مردمان را به راه راست
دارد حضرت صادق فرماید که گروهی را براه راست آرد سورة الزلزال ابن سیرین گوید اگر کسی
بیند که سورة الزلزلة میخواند دلیل کند که او را بکسی کاری افتد و با وی انصاف کند کرمانی گوید
که مظالم مردمان از گردن بیندازد حضرت صادق فرماید قومی را از اهل شرک هلاک گرداند
سورة العادیات ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة العادیات میخواند دلیل که اهل بیت و صحابه را
دوست دارد کرمانی گوید که بغزو و غزا کند و اسباب و ولد را دوست دارد سورة القارعة

ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که سورة القارعة میخواند دلیل که ترازوی اعمال او از کردار نیک
گران گردد کرمانی گوید که در کار خویش متحیر گردد و عاقبت بصلاح باز اید حضرت صادق ع فرماید
مردمان او را گرامی دارند سورة التکاثر اگر بیند که سورة التکاثر میخواند دلیل که زیارت [illegible]
صالحان کند حضرت صادق ع فرماید که زاهد گردد و دوستی مال دنیا بردارد سورة العصر
ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة العصر میخواند دلیل که در کارها صابر و شکیبا بود کرمانی
گوید که او را زیانی رسد و امانتی که در گردن دارد بگذارد و حضرت صادق ع فرماید که او را از
تجارت خیر و نیکوئی زیاده گردد سورة الهمزة ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة همزه میخواند دلیل
که سخن بسیار گوید و نزد مردمان روشناس گردد کرمانی گوید که حریص گردد بمال این جهان و از
عاقبت نیندیشد حضرت صادق ع فرماید برسانا و فتحی یابد و دشمن قهر کند سورة القریش
اگر بیند که این سوره میخواند دلیل که از ترس ایمن گردد کرمانی گوید که کسی را نصیحت کند در راه
دین حضرت صادق ع فرماید که با خلق احسان کند و او را دوست دارند سورة الماعون ابن سیرین
گوید اگر بیند که سوره الماعون میخواند دلیل که نمازها کم کند یا بوقت نگذارد کرمانی گوید که
او را با کسی بد دین و کاهل صحبت افتد و حضرت صادق ع فرماید که بر دشمنان ظفر یابد جابر گوید
کاری نیکو بر دست او بر اید سورة الکوثر ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة کوثر میخواند دلیل بود
که مال و نعمت بسیار یابد لکن فرزندانش کم بود کرمانی گوید عطا یابد از بزرگی و دشمن او را حال بد شود
حضرت صادق ع فرماید که خیرات بسیار کند و اجر و ثواب یابد سورة الکافرون اگر بیند که سورة
الکافرون میخواند دلیل کند که براه بدعت بود و بدنیا مغرور گردد کرمانی گوید که توفیق خیرات
یابد و غزا کند حضرت صادق ع فرماید بر راه دین صلب بود سورة النصر ابن سیرین گوید اگر بیند
که سورة النصر میخواند دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی گوید در غم و سختی گرفتار گردد لکن او را از ان
زود خلاصی یابد و بمراد برسد سوره تبت ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة تبت میخواند
دلیل کند که مکار و فریبنده بود و از عقوبت حق تعالی بر خطر بود کرمانی گوید درازی [illegible] رسد
حضرت صادق ع فرماید که در هی بدی او کوشند اما دست نیابند سورة الاخلاص ابن سیرین گوید
اگر بیند که سورة الاخلاص میخواند دلیل که در راه دین و توحید یگانه بود و توفیق طاعت یابد

کرمانی گوید

حرف السین

کرمانی گوید که پاک دین و با اعتقاد درست بود و حضرت صادق ع فرماید مراد دو جهانی یابد و عیش
وی خوش گردد سورة الفلق ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة الفلق میخواند دلیل که بر وی حاسد
کند اما کارگر نباشد کرمانی گوید از شر بدان ایمن گردد خاصه از شر جادوان و او را مال
بسیار حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که از رنج و آفت این جهان ایمن گردد سورة الناس ابن سیرین
گوید اگر بیند که سورة الناس میخواند دلیل که او را حق تعالی از خشم بدان نگاه دارد اگر بیند که تسبیح
و تکبیر و تهلیل میگفت یا دعا میخواند یا صلوات بر رسول پیغمبر میفرستاد دلیل که روزی بر وی
فراخ گردد و عزت و نصرت او را حاصل گردد اگر بیند که لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم میگفت دلیل کند که مال و خواسته یابد اگر بیند که از قران ایتی یا دو ایتی میخواند
تاویل آن در حرف قاف بیان کنیم

سوزن

سوزن اگر بیند که سوزن داشت و دوستان چیزی می
دوخت دلیل که شغلهای پراکنده وی با هم اید و حاجتش روا گردد کرمانی گوید اگر بیند که جامه خود
میدوخت احوال او نیکو گردد و بمراد رسد اگر بیند که سوزنی گم شد احوال او بد شود امید که رنج داد
رها یابد و احوالش پراکنده گردد و اگر بیند که سوزن او بدزدیدند کارش بد بود اگر بیند که سوزن
بجائی فرو برد سرانجام کارش بخیر و خرمی بود و کام دل یابد جابر گوید اگر بیند که سوزنی بدو بخشیدند
انکس شفیق احوال او بود اگر بیند که سوزن بسیار داشت دلیل بود بر خیر و صلاح او

سوسمار

سوسمار کرمانی
گوید اگر سوسمار او را بگزید دلیل کند که او را از مردم مضرتی رسد اگر بیند که سوسمار بکشت دلیل
که دشمن را قهر کند و سوسمار مردم دلیر بود از نژاد عرب خوردن گوشت او مال منفعت دنیا بود
ابن سیرین گوید که خوردن گوشت سوسمار در خواب دلیل منفعت کند اگر بیند که سوسمار در خانه
بانک میداشت دلیل بود که در ان خانه اوازه مصیبت شود

سوسن

سوسن ابن سیرین گوید که چون سوسن
بخواب بیند بر درخت بو میخورد دلیل کند که چیزی بوی رسد یا او را فرزندی اید و چون
سوسن از درخت جدا بیند دلیل کند که عزاداری بوی رسد اگر زنی بیند که سوسن از درخت
بکند دلیل شوهر دادم او را طلاق دهد و اگر بیند بغلام داد غلامش بگریزد کرمانی گوید اگر
بیند که کسی دسته سوسن بدو داد دلیل کند که در میان ایشان گفتگو افتد جابر گوید درخت
سوسن در خواب دلیل کنیزک بدکردار بدخوی کند

سوگند

سوگند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او را

سوگند همی خورد دلیل که بر دست او کاری نیک رود یا امانت گذارد یا گواهی براستی دهد
یا خیرات کند و از آنچه ترسد ایمن گردد و اگر بیند که سوگند بدروغ خورد دلیل که حق تعالی با آدم
بود و از نعمت و خرم و جهانی بی بهره ماند مگر توبه کند و بجد ایستاد باز گردد تا درسته گردد و اگر بیند
که سوگند خورد دلیل که در دوام غرق گردد و در غم و زیان افتد از قبیل پادشاه کرمانی گوید
اگر بیند که سوگند راست بخورد توبه باید کرد تا از گناه رسته گردد و اگر بیند که سوگند بر
دروغ خورد دلیل که دین او تباه گردد و در اعتقادش خلل افتد قوله تعالی و یحلفون علی
الکذب و هم یعلمون جابر گوید اگر سوگند براست خورد او را از آن هیچ مضرت نباشد و منفعت
بیند و اگر بخلاف این بیند بد بود سوراخ ابن سیرین گوید اگر بیند که در کوه سوراخ بود
و در آن کوه سوراخ درون شد دلیل بود که از راز پادشاه آگاه بود اگر بیند که چیزی از آن
سوراخ بیرون آورد دلیل که از پادشاه عطا یابد بقدر آنچه بیرون آورده بود و اگر بیند
که در زمین سوراخ شد کسی از راز او آگاه گردد و اگر بیند که در اندام وی سوراخ بود و از
آن خون همی رفت بر او زیانی رسد جابر گوید اگر بیند که در شکم او سوراخ بود دلیل بود
که از عیال خود نا امید گردد و اگر بیند که در تنگی سوراخ میگردد دلیل بود که در مسلمانی باید
بود و اگر بیند که درختی سوراخ میکرد تا دلش بخلاف این بود و معبران گویند که بقدر آن
در مالش زیان افتد حکایت در خبر است که مردی بخدمت امیر المؤمنین آمد و گفت یا امیر المؤمنین
بخواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بزرگ بیرون آمد هر چند خواست که باز بجای خود
نتوانست فرمود بدانکه آن سوراخ دهن است چون سخن گفته شود باز بجای خود بر نگردد و مؤکد
در حرف میم در باب ام دیباز کنیم سیب ابن سیرین گوید که چون سیب بخواب سبز بود
دلیل فرزند بود و چون سرخ بود منفعت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازرگان
بود و چون زرد بود بطعم ترش دلیل رنج و بیماری بود اگر بیند که سیب سفید را بدو نیم کرد دلیل
بود که با کسی که شرکت دارد از او جدا شود اگر بیند که سیب سرخ از درخت بر کند و بخورد
دلیل که او را دختری آید کرمانی گوید که سیب در خواب خبر بود از غایبی یا از کسی که دور بود
و اگر در خوردن سیب ترش بود خبر ناخوش شنود و اگر شیرین بود خبر خوش شنود د کیا

سوراخ

سیب

گوید که سیب در خواب همت بیننده خواب بود در شغل و صنعت اگر پادشاه سیب بخواب
بیند تاویلش ملک او بود و اگر بازرگان بیند تجارت او بود اگر بیمار بیند بود دحاجت او بود
و هم بر این قیاس و اگر بیند که سیب داشت و از او بخورد دلیل که بقدر آنکه خورده بود از
همت بود در آن شغل که بود حضرت صادق فرماید که دیدن سیب در خواب بر هشت وجه بود
اول فرزند دوم منفعت سیم بیماری چهارم کنیزک پنجم مال و خواسته ششم فرمان روائی هفتم
همت بیننده هشتم خبر غایب حاضر سیر ابن سیرین گوید که سیر در خواب مال حرام بود کرمانی
گوید که خوردن سیر در خواب رنج و بیماری و غم گریستن بود اگر بیند که بخورد او را مضرت
کمتر بود حضرت صادق فرماید که دیدن سیر در خواب بر پنج وجه بود اول مال حرام دوم
سخن زشت سیم غم و اندوه چهارم گریستن پنجم سختی دیدن سیری دانیال گوید که سیری
از آب بهتر از تشنگی بود و سیری از نان بهتر از گرسنگی بود کرمانی گوید اگر کسی خود را سیر
بیند دلیل کند که بی نیاز گردد اگر خویشتن را گرسنه و ضعیف بیند دلیل که گناه دمعاکند کرمانی
گوید که بهتر آنست که کسی خود را بحال اعتدال بیند چنانکه نه سیر بود و نه گرسنه هر دو بخلاف
حال اعتدال بود سپستر اگر در خواب سپستر بیند دلیل که نامش بخیر و نیکی منتشر گردد اگر
بیند که در زمین او سپستر بود همین دلیل کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر مضرت و رنج کند
سبکی ابن سیرین گوید سبکی در اصل مال حرام بود اگر بیند که در میان سبکی غرق گردید دلیل
کند که در فتنه افتد اگر بیند که سبکی میخورد دلیل که بقدر آن از مال حرام حاصل کند
اگر سبکی بجز میخورد دلیل که مال حرام برنج و سختی بوی بدست آورد اگر بیند که در خانه
سبکی بسیار داشت دلیل که بقدر آن از مرد دهقانی او را منفعت رسد کرمانی گوید اگر
بیند که از سبکی خوردن مست گردید دلیل بود که بقدر مستی بزرگی و جاه یابد اگر بیند
که بی خوردن آن مست گردید دلیل که ترسی سخت بدو رسد و تری الناس سکاری و ما
هم بسکاری اگر بیند که سبالر در دست داشت و ندیمش از دست وی بستد دلیل که بسبب
معیشت گفتگو کند اگر بیند که سبکی میپالود دلیل که خدمت پادشاه کند اگر بیند که جوی
سبکی میرفت و او در میان آن شنا میکرد دلیل که ببلای دنیا گرفتار گردد جابر گوید

حرف السین

سیر

سیری

سپستبر

سبکی

اگر بیند که سیلی با آب آمیخته و میخورد دلیل که در باخورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن سیلی در خواب بر سه وجه بود اول مال حرام دوم ترویج سیم نعمت و دیدن سیلی در شهر بخواب دلیل بر مردی باشد که پیوسته طالب جنگ و فتنه کند

سیل دیدن سیل در خواب دلیل بود دشمنی بزرگ بود یا پادشاه ظالم اگر در خواب بیند که با سیل در کوشش بود دلیل بود که با دشمنی در افتد اگر بیند که از سیل بیرون آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد دیدن سیل در خواب در ملک سردسیر دلیل غم و اندوه بود و در گرمسیر دلیل منفعت و شادی بود اگر بیند که سیل بخانه یا بکوچه در شد دلیل گشایش است قوله تعالی ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر جابر گوید اگر در خواب بیند که سیل در جای خرابی کرد دلیل کند که مردم انجا را از پادشاه منفعت رسد حضرت صادق فرماید که دیدن سیل در خواب بر چهار وجه بود اول دشمنی بزرگ دوم پادشاه سیم لشکر غالب چهارم فتنه و بلا

سیماب ابن سیرین گوید اگر بیند که در معدن سیماب شد یا سیماب برگرفت دلیل که زن بدکاری بدو افتد اگر بیند که سیماب خورد دلیل رنج و زیان باشد اگر بیند که در چشم سیماب غرق شد دلیل که زنان بروی جادوئی کنند

سیم ابن سیرین گوید که بسیار مردمان باشند که در خواب سیم بینند و در بیداری همان بیابند و بسیار بود که رنج افتد این بسبب طبعها مختلف بود ابن سیرین گوید که ابراهیم فرماید که دیدن سیم درست در خواب دلیل بر خبری راست بود و سیم شکسته دلیل بر خبر دروغ اگر بیند که سیم در کیسه او بود دلیل که چیزی یا امانت در پیش او بنهند اگر در خواب کاسه یا آفتابه یا طشت خود سیمین بیند دلیل بر مالی مجموع بود اگر بیند که سیم بسیار بی اندازه یافت دلیل که گنج یابد

سیمرغ دیدن سیمرغ دلیل بر مرد بزرگوار خوش طبع باشد و اگر سیمرغ ماده بیند دلیل بر زنی صاحب جمال باشد اگر بیند که سیمرغ او را بگرفت و بر هوا برد دلیل که بزودی سفر کند ابراهیم گوید اگر بیند که سیمرغ ماده را بگرفت دلیل که دوشیزه دختری را ببرد اگر بیند که سیمرغ از دست او بپرید دلیل که زن را طلاق گوید جابر گوید که دیدن سیمرغ بخواب دلیل پادشاهی بود اگر سیمرغ در خانه او فرود آمد دلیل که پادشاهی در خانه او فرود آید اگر بیند که بچه سیمرغ را بگرفت دلیل که در پناه پادشاه رود حضرت صادق فرماید که دیدن سیمرغ در خواب بر چهار وجه بود اول پادشاه دوم مردی بزرگ سیم [illegible]

چهارم زنی صاحب جمال

حرف السین — سینه ابن سیرین گوید دیدن سینه بخواب دلیل بر شریعت باشد قوله تعالی افمن شرح الله صدره للاسلام اگر در خواب بیند که سینه او فراخ شد دلیل که کار او ساخته گردد اگر بیند که سینه او تنگ شد دلیل که در دین او خلل افتد اگر بیند که بر سینه او خطی سبز نوشته بود دلیل که حق تعالی با وی کرامت کند و اگر خط سیاه بیند دلیل که [illegible] ابراهیم گوید اگر بیند که بر سینه او موی بسیار بود دلیل که وام دار گردد اگر بیند که موی از سینه بسترد دلیل که وام بگذارد اگر بیند که سینه او گرفته بود چنانکه حرف زدن نتواند دلیل که کار دین و دنیا بروی بسته گردد حضرت صادق فرماید که دیدن سینه بخواب بر هفت وجه بود اول علم و حکمت دوم سخاوت سیم ایمان چهارم کفر پنجم ایمان ششم مراد هفتم بخل والله اعلم

حرف الشین من کتاب کامل التعبیر

شاخ ابن سیرین گوید که دیدن شاخ در خواب دلیل بر فرزندان و برادران و خویشان بود اگر بیند که شاخهای درختان نو و بسیار بود دلیل که خویشان او بسیار شوند و اگر بخلاف این بیند دلیل که خویشان او کم شوند اگر بیند که شاخ از درخت خود ببرید دلیل که خویشی را از خود دور کند اگر بیند که شاخی از درخت او کم شد دلیل که یکی از خویشان او بمیرد اگر بیند که شاخ خرما دوست داشت دلیل که فرزندی او را دوست دارد

شادروان ابن سیرین گوید که دیدن شادروان دلیل بر مردی باشد اگر بیند که شادروان از بهر او گسترده بودند و دانست از آن او است دلیل که بقدر آن عیش کند یا عمری دراز اگر بیند که بجای بیگانه گسترده بودند و ندانست که جای کیست دلیل که حالش متغیر گردد و در غربت بمیرد اگر بیند که شادروان بفروخت یا بخشید دلیل بر خطر او گردد در آینده گوید اگر بیند که شادروان گسترده بود دلیل بر درازی عمر بود و هر چند بزرگتر بیند تأویل بهتر بود جابر گوید اگر بیند که شادروان کهنه و دریده بود دلیل که زندگانی بر وی دشوار گردد اگر سرخ بیند دلیل عشرت باشد اگر سیاه یا کبود بیند دلیل غم و اندوه بود اگر زرد بیند دلیل بیماری باشد و اگر سفید بیند دلیل بر روزی حلال باشد حضرت صادق فرماید دیدن شادروان در خواب بر چهار وجه بود اول عمر دراز دوم منفعت سیم روزی حلال چهارم معیشت

شادی دیدن شادی در خواب دلیل غم و اندوه بود اگر بیند که از کسی شاد شد دلیل که خاتمه کارش نیک [illegible]

باشد حضرت صادق فرماید اگر کسی خود را شادان ببیند دلیل که اجلش نزدیک بود قوله تعالی
حتی اذا فرحوا بما اوتوا … **شانه** دیدن شانه در خواب مردی بود که او را حسب و نسبی نبود و دزد
و نفاق بود اگر بیند که سر و ریش خود را شانه میکرد دلیل که از غم فرج یابد ابرهیم گوید که
بیند که ریش را شانه کرد دلیل کند که مال بدهد و دیدن شانه تراش در خواب دلیل بر مردی
باشد که غم و اندوه از دل ببرد **شانه حیوان** ابن سیرین گوید اگر بیند که گوشت شانه باز کرد
… دلیل که در آن سال باران بسیار بود اگر بیند که در آن شانه سیاهی بسیار دلیل که در آن
سال بلا بسیار بود **شاهرود** شاه رود سازیست از سازها اگر بیند که شاه رود میزد دلیل کند که سخن
محال و ضاد هد اگر شاه رود را با چنگ و چغانه میزد دلیل مصیبت بود اگر بیند که شاه رود
با چنگ بود همین بود **شاهسفرم** ابن سیرین گوید اگر بیند که شاهسفرم تازه داشت بوقت
خود دلیل کند بر عز و جاه اگر شاهسفرم زرد بیند دلیل بیماری بود حضرت صادق فرماید
دیدن شاهسفرم بخواب شش وجه بود اول عز دوم بزرگی سیم فرزند چهارم سخن خوش
پنجم مجلس علم و حکمت ششم نام نیکو و ثنا و مدح **شاهین** ابن سیرین گوید که دیدن شاهین
در خواب دلیل که او پادشاه ظالم زیرکی یابد اگر بیند که شاهین مطیع او بود دلیل فرزندی
او بود ابرهیم گوید که دیدن شاهین در خواب دلیل بر مردی بود بسیار … حضرت صادق فرماید
که دیدن شاهین در خواب بر چهار وجه بود اول قدر و منزلت دوم فرمان روائی سیم مال
و نعمت چهارم فرزند **شب** اگر در خواب بیند که شب تاریک بود دلیل غم و اندوه بود اگر روشن
بود یا ماهتاب دلیل خرمی بود ابرهیم گوید اگر بیند که شب تاریک بر او میرفت دلیل بر ستم
او بود **شب بیمائی** … سعید گوید … و در خواب دلیل غم و اندوه بود و خوردن
او دلیل بر هلاک **شبانی** ابن سیرین گوید که دیدن شبانی کردن بخواب از گاو و گوسفند و
اشتر و مانند اینها … بزرگی باشد و شبانی خر دلالت
بر … گوسفند مال … حلال بود دانیال گوید اگر بیند که … بود دلیل
که با مهتری خصومت کند حضرت صادق فرماید … در خواب بر مردی باشد که مال
مردم را گوش دارد **شب بازی** ابن سیرین گوید که دیدن شب بازی بخواب دلیل بر لهو و طرب بود

حرف الشين

بود و محال و دروغ اگر بیند که شب بازی کرد دلیل که بباطل عمر ضایع کرده اگر بیند که شب بازی
کرد با بربط و نای دلیل غم و اندیشه بود **شب پره** دیدن شب پره دلیل بر مردم گمراه بود
اگر بیند که شب پره داشت دلیل که با مردم گمراه صحبت دارد اگر بیند که شب پره از دستش بپرید
دلیل که از صحبت گمراهی جدا گردد **شپش** دیدن شپش در خواب دلیل بر عیال مرد باشد که نعمت
او خورند اگر بیند که بر تن او شپش بسیار بود دلیل مال و حشمت بود اگر بیند که شپش را بکشت
دلیل که دشمن را قهر کند اگر بیند که شپش بسیار او را گزیدند دلیل که بزبان خلق افتد **شپشه**
جانوریست که … و در جامهای پشمین افتد دیدن وی در خواب دلیل بر همسایه دزد بود اگر
بیند که شپشه جامه او را بخورد دلیل که دزد مال او را ببرد اگر بیند که شپشه را بکشت دلیل
کرد دزد را … **شبه** … اگر در خواب بیند که شبه داشت دلیل که دختر
او … اگر دختر … دلیل غم بود اگر شبه را سفید و یا سبز بیند دلیل منفعت بود و بعضی
گویند که دلیل شادی و خرمی بود و دیدن شبه زرد بخواب دلیل بیماری بود **شنالنک** …
گوید اگر بیند که با کسی شنالنک باخت دلیل که مال حرام یابد اگر فریاد داشت و اگر فریاد
نداشت دلیل که با کسی خصومت کند **شراب** ابن سیرین گوید که خوردن شراب چون بطعم شیرین
و خوشبوی باشد مثل شراب سیب و شراب انار شش وجه باشد اول پاکی دین دوم منفعت سیم
علم مفید چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم … مشغولی کردن اما شرابها که ناخوش باشد
مثل شراب ریواس و لیمو و شراب نارنج و آنچه بدین ماند دلیل غم و اندوه باشد و شرابها که
بطعم تلخ باشد و بوی ناخوش مثل شراب … و شرابها … دلیل بر منفعت باشد از دنیا
و آخرت و شرابها که از بهر دارو خورند دلیل بر خیر و صلاح دینی بود و آنچه از بهر هوا خورند
دلیل بر خیر دنیا بود **شرابی** اگر بیند که شرابی داشت دلیل که زن کند اگر بیند که شرابی بخرید
دلیل که کنیزکی بخرد و گویند دیدن شرابی بخواب دلیل بر خادم بود اگر بیند که شرابی بشکست دلیل
که خادم یا کنیزک بمیرد حضرت صادق فرماید که دیدن شرابی در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم
خادم سیم کنیزک چهارم توانگری پنجم صلاح ششم عمر دراز هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم منفعت
از قبل زنان **شرم** ابن سیرین گوید که شرم داشتن بخواب دلیل بر ایمان است چنانکه حضرت رسول

فرمود الحیاء من الایمان جابر کوید که دیدن شرم داشتن بخواب از کاری که فرستادن دران بود
شستن
دلیل بر نقصان ایمان بود و در کاری که خیر و صلاح بود دلیل بر زیادتی ایمان بود شستن تن بکا
شستن سر و تن در خواب بآب جوی یا بآب حوض یا بآب دریا دلیل بر نجات از غم باشد و خلاص
از اندوه اکر بیند بخواب که محبوس دلیل که خلاص کردد و اکر وام دار بیند وامش کذارده کردد
اکر بیماری بود شفا یابد ابراهیم کوید اکر در خواب بیند که مرده خود را می شست دلیل که خویشان
او از غم برهند جابر کوید که دیدن شستن در خواب خود را در آب سرد بر چهار وجه بود اول توبه
دوم عافیت سیم خلاص شدن از زندان چهارم ایمنی از ترس و شستن خود را بآب کرم دلیل
اندوه و بیماری بود و دیدن دست و روی شستن در خواب بر هشت وجه بود اول حصول مراد دوم
شفای از بیماری سیم خلاص از زندان چهارم حج اسلام پنجم فرج از غم ششم دین پاک هفتم ایمنی
شش
از ترس هشتم روا شدن حاجات شستن بخواب دلیل شادی بود اکر بیند که شش بپا داشت
دلیل که خرم کردد اکر بیند که شش بکسی داد دلیل که راحت بوی رساند جابر کوید اکر بیند که
شطرنج
شش خام یا پخته میخورد از ان جانوری که کوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال بود شطرنج
دیدن شطرنج باختن بخواب دلیل بهتان و دروغ بود اکر بیند که شطرنج باخت و بر کسی غلبه
کرد دلیل که بباطل بر کسی غلبه کند اکر بیند که خصم بروی غلبه کرد دلیل که بروی بهتان کویند
شعر کفتن
و کویند کارش بی منفعت باشد شعر کفتن اکر بیند که شعر مدح یا هجو کسی میخواند دلیل که سخن
باطل کوید لقوله تعالی والشعراء یتبعهم الغاوون دیدن شاعر بخواب که مدح و غزل کوید بنا دیل
شغال
نوحه کر باشد اکر توحید کوید دلیل دروغ بود شغال ابن سیرین کوید اکر بیند که با شغال
جنک کرد دلیل که با خویشان خصومت کند اکر بیند که شغال خود را دزدی میابد دلیل که از کسی
نرهد اکر بیند که شغال بازی کرد دلیل که عاشق زنی کردد اکر بیند که کوشت شغال خورد
دلیل که از بیماری شفا یابد و اکر وام دارد بکذارد و موی و کوشت و استخوان شغال دلیل مال باشد
شفتالو
شفتالو دیدن شفتالو وی زرد در خواب دلیل بیماری بود اکر بیند که شفتالو بوقت نبود از
درخت جمع کرد دلیل که از بزرکی منفعت یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن شفتالو در خواب
شکار
بر پنج وجه بود اول بیماری دوم کنیزک سیم صلت چهارم مال پنجم منفعت شکار ابن سیرین کوید

اکر

حرف الشین
اکر بیند که شکار میکرد کوسفند کوهی یا کاو کوهی یا کور خری و کوشت او میخورد دلیل منفعت
بود ابراهیم کوید اکر بیند که شکاری را بدام کرفت دلیل که طالب نان بود حضرت صادق ع
فرماید که دیدن شکار کردن در خواب بر پنج وجه بود اول سخن لطیف دوم دادن بوسه سیم
شکر کردن
منفعت چهارم فرزند پنجم مال شکر کردن اکر در خواب بیند که شکر میکذارد دلیل بود بر زیادتی
دین و قوت و جاه و زیادتی مال لقوله تعالی لئن شکرتم لازیدنکم شکستن اکر بیند که اندامی از اندامها
شکستن
او بشکست دلیل زیان بود بسبب خویشی که بدان اندام تعلق دارد اکر بیند که چیزی از الات
مناهی بشکست مانند چنک و رباب و مثل اینها دلیل بود بر خیر شکم بنا و بیل معبران بر سه وجه
شکم
بود دانیال ع کوید که دیدن شکم از ظاهر و باطن دلیل بر مال بود ابن سیرین کوید دلیل بر فرزندان
بود ابراهیم کوید دلیل بر خویشان کند و اکر بیند که شکمش بزرک شده بود دلیل مال بود و اکر
کوچک بود دلیل بر نقصان مال و فرزند بود اکر بیند که هر چه داشت بیرون اورد و بشکست و با
در شکم نهاد دلیل که برادر رسد جابر کوید اکر بیند که از شکم فرزند بیرون امد دلیل که از رنج
او فرزندی اید که اهل بیت در راحت بنشیند اکر بر شکم خود موی بیند وام دار کردد اکر بیند که از
شکم خود موی بسترد دلیل که وام را بکذارد اکر بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل که عیال
مال او را بخورند حضرت صادق ع فرماید که دیدن شکم در خواب بر چهار وجه بود اول جاه علم
شکنبه
دوم نظام سیم عیش چهارم فرزند شکنبه دیدن شکنبه هر جانوری که کوشت او حلال بود دلیل
بر مال حلال بود و اکر شکنبه را از سرکین بیند دلیل بر مال حرام کند اکر بیند که شکنبه پخته
شکنجه
میخورد دلیل بر منفعت بود شکنجه ابن سیرین کوید شکنجه در خواب دلیل خاری و بیچارکی بود
اکر بیند که کسی وی را شکنجه کرد دلیل که انکس را در میان مردم خوار کند جابر کوید اکر بیند که
انکرم شکوفها
پادشاه او را شکنجه میکرد دلیل که او را از پادشاه مضرت رسد شکوفها دیدن شکوفها
چون بوی خوش باشد نیک باشد و شکوفه کار دلیل بر عروس خوبروی بود و شکوفه
درختهای دیکر دلیل بر سخنهای لطیف است اکر بیند که شکوفه را میبوئید دلیل که مردم او
شل شدن
را ثنا کویند شل شدن اکر بیند که اندامی از اندامها او شل شد چنانکه نتوانست بر
خواستن دلیل که توبه کند و سر خود را از مردم باز دارد و اکر انجو را بر مردم معطل بیند

بخواب دلیل غم و اندوه بود اگر بیند که شلغم بکسی داد دلیل که زحمتی بکسی رساند جابر گوید که
دیدن شلغم پخته بخواب بهتر از خام بود اگر بیند که شلغم از خود دور کرد دلیل که از غم و اندوه برهد

شلوار

شلوار بخواب دیدن دلیل بر زنی عجمی بود یا زنی درون اگر بیند که شلوار نو عجمی دارد دلیل که کنیزکی
عجمی کند اگر بیند که در میان شلوار او ماری یا کژدمی بود دلیل که دشمنی با عیال او فساد کند
اگر بیند که شلواری بوی بخشیدند دلیل که خادمی بوی بخشند اگر در خواب بیند که شلوار
چرکین داشت دلیل عقوبت بود قوله تعالی سرابیلهم من قطران وتغشی وجوههم النار اگر مرد
در خواب بیند که شلواری سرخ در پا داشت دلیل که بیچهره گردد و اگر شلوار زرد بیند
دلیل که بیمار گردد اما شلوار رنگین بخواب دیدن زنان را نیکو بود اگر بیند که شلوار او گم
شد دلیل که کنیزک یا خادمش بگریزد حضرت صادق فرماید که دیدن شلوار بخواب بر سه وجه بود
اول زن دوم کنیزک سیم خادم

شلواربند

شلواربند دیدن شلوار بند دلیل بر عورت مرد کند اگر بیند
که شلوار بندی خوب داشت دلیل که قضیب او سخت و محکم گردد و اگر کهنه بیند تاویلش بخلاف
این بود

شمع

شمع ابن سیرین گوید که شمع در خواب دولت و عز و نعمت بود اگر بیند که بدست خود
شمع افروخته داشت دلیل کند که عز و دولت و نعمتش زیاده گردد اگر شمع افروخته بیند در خانه
خود که خانه از نور او روشن شده دلیل که در آن سال نعمت بر وی فراخ گردد بعضی از معبران گویند
که روی با عیال موافق باشد اگر بیند که شمع افروخته از دست کسی بستد دلیل که از کسی زر و عز و
قوت باشد و اگر بیند که شمع افروخته یا شمعدان کسی بوی داد دلیل که از قبیله بزرگ زنی بخواهد
بر قدر و قیمت آن چنانکه اگر شمعدان سیمین بود از اصل گوهری با صلاح بود و اگر زرین باشد
آن زن از مردم قوی و دلیر باشد و اگر از مس بود آن زن از مردم ملازاده بود و اگر از سفال بود
آن زن از مردمان عامه باشد کرمانی گوید اگر شمع افروخته از دست وی ببرد دلیل کند که زنش بمیرد
و اگر زن ندارد حالش بد شود و اگر بیند که کسی شمع در دست وی بکشت دلیل که کسی بروی حسد برد
و اگر شمع نیفروخته بیند که در دست وی داشت دلیل که از این چیزها که در پیش گذشت اندک
نفعی بوی رسد اینال گوید که اگر زن دارد پسر آورد و اگر عزب بود زن بخواهد یا کنیزک خرد
اگر غایب بود از سفر باز آید و اگر در شهر خویش شمعها افروخته دید دلیل که پادشاه شهر

حرف الشین

عادل و دادگر بود و قاضی منصف گردد و دانشمندان شهر زاهد شوند و رعیت را عروسی
و رامش بود و خرمی در آن شهر پیدا واقع شود و اگر در مسجد یا مدرسه‌ها شمع افروخته بیند
دلیل که مردمان شهر بطاعت و عبادت مشغول شوند حضرت صادق فرماید که دیدن شمع
در خواب بر چهارده وجه بود اول پادشاه دوم قاضی سیم فرزند چهارم عروسی پنجم فرمان
روائی ششم مهتری هفتم سرای هشتم شادی نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش دوازدهم
کنیزک سیزدهم زن چهاردهم چنانکه بیند

شمار کردن

شمار کردن اگر در خواب بیند که با کسی شمار
میکرد دلیل که در محنتی افتد جابر گوید که هر شمار که آسان بود محنت آن کمتر بود و تاویل
عددها در حرف قاف بیان شود ان شاء الله تعالی

شمشیر

شمشیر دیدن شمشیر در خواب بی نیام دلیل
زنی بود و بی نیام دلیل بر جمال بود و فرمان روائی و اگر زنی در خواب بیند که در دست شمشیر
داشت دلیل که او را پسر آید اگر بیند که شمشیر او در نیام بشکست دلیل که فرزند او در شکم
بمیرد و اگر مردی بیند که شمشیر برهنه داشت و خواست که بر کسی زند دلیل که سخنی اندیشد که با
کسی بگوید و اگر بیند که شمشیر بر کسی زد و کارگر نبود دلیل که مضروب او نسل منقطع گردد اگر
بیند که شمشیر بر گردن حمایل داشت دلیل که ولایتی را حکم کند و اگر بیند که بهیچ کسی را شمشیر
زد دلیل که نام مضروب مشهور گردد و اگر بیند کسی که شمشیرها داشت با و دادند دلیل که توانگر
گردد و اگر بیند که از وی شمشیر گرفتند دلیل که از عمل معزول گردد و اگر بیند که شمشیر بر میان داشت
دلیل که عمرش دراز بود اگر بیند که شمشیر زرین داشت دلیل که از مهتری راحت یابد و اگر
شمشیر را آهنین بیند دلیل که کارش قوی گردد و اگر شمشیر ازبکی بود بیند دلیل که از ترکی منفعت
یابد اگر بیند که شمشیر او مروارید بود دلیل که از علما منفعت یابد حضرت صادق فرماید
دیدن شمشیر در خواب بر پنج وجه بود اول فرزند دوم ولایت سیم محبت چهارم منفعت پنجم ظفر
دیدن شمشیر دلیل بر مردی قوی و فصیح بود

شنا کردن

شنا کردن در خواب دلیل مصیبت بود بجمله
اگر بیند که بوقت شنا کردن در آب صاف غرق شد دلیل که در غم دنیا غرق گردد ابرهیم گوید
اگر بیند که در دریا شنا کرد و بکنار نتوانست آمد دلیل که در بند بماند اگر بیند که در آب
بمرد دلیل که در دست خصمان هلاک گردد جابر گوید اگر بیند که در آب غرق شد و بمرد دلیل

کرد و شغلی بنا عرق شود اکر ببیند که از دریا بشنا کردن بیرون آمد و جامه بپوشید دلیل
از شغل پادشاه خلاص کردد اکر بخلاف این بیند دلیل که در کار درمانده بماند یعنی در کار پادشاهی

شنکرف

شنکرف دیدن شنکرف در خواب غم بود اکر بیند که شنکرف خورد دلیل که مقرب پادشاه کردد اکر بیند

شیره

که شیره تازه میخورد دلیل که روزی حلال یابد و اکر شیره را ترش بیند دلیل که روزی بزحمت
حاصل کند ابرهیم کوید اکر بیند که انکور بپالود و شیره از وی بکرفت دلیل که از پادشاه مال
و بزرکی یابد و هر چند در خواب شیره را شیرین تر بیند منفعتش بیشتر باشد حضرت صادق ع
فرماید دیدن شیره در خواب بر چهار وجه بود اول مال حلال دوم منفعت سیم عیش خوش

شیرینیها

چهارم عزت و کامرانی شیرینیها ابن سیرین کوید که دیدن شیرینیها دلیل شادی و روزی
حلال بود اکر بیند که کسی شیرینی بوی داد دلیل که راحتی بوی رساند حضرت صادق ع فرماید
که دیدن شیرینی بخواب بر شش وجه بود اول مال حلال دوم منفعت سیم علم و حکمت چهارم فرزند

شیر

پنجم ثنای نیکو ششم کنیزکی خوبروی شیر اکر در خواب بیند که با شیر جنک کرد دلیل که با دشمن
خصومت کند و از ایشان انکس را ظفر باشد که غالب کردد اکر بیند که شیر از عقب وی می آمد
و بوی نمیرسید دلیل که از پادشاه ترسی بیند اکر در خواب بیند که از شیر میکریخت و شیر
او را طلب نکرد دلیل که از آنچه ترسد ایمن کردد اکر بیند که کوشت شیر خورد دلیل که از پادشاه
منفعت یابد اکر بیند که شیر شیر خورد دلیل که از پادشاه خلعت یابد کرمانی کوید که دیدن شیر
بخواب دلیل پادشاه بود اکر بیند که با شیر مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خواری بیند دانیال ع
کوید که اکر در خواب بیند که او را پادشاه شیری داد دلیل که او را بر دهی حاکم کرداند اکر
بیند که بر پشت شیر نشست دلیل که منزلتی تمام حاصل کند جابر کوید دیدن شیر نر در خواب دلیل
بر پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه اکر بیند که شیر ماده را میکشید دلیل که دبیر پادشاه
کردد و اکر این خواب را زنی بیند ابریشم پادشاه شود اکر بیند که شیر وابریشت کرفته بود دلیل
که بر دشمن ظفر یابد اکر بیند که شیر او را بکزید دلیل که او را از دشمن مضرت رسد اکر بیند
که شیر او را در بر کرفت دلیل که مقرب پادشاه کردد اکر بیند که با شیر طعام خورد دلیل
که مال پادشاه کرد حضرت صادق ع فرماید که دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود اول پادشاه

دوم مرد

حرف الشین

شیرخشت

دوم مردی دلیر سیم دشمن قوی شیرخشت دیدن شیرخشت دلیل بر روزی حلال بود اکر
بیند که در صحرا شیرخشت جمع میکرد دلیل که از سفر مال حاصل کند اکر بیند که شیرخشت
بسیار در خانه داشت دلیل که از مال تمام سود کند اکر بیند که شیرخشت میخورد دلیل که
مال خود را بر عیال نفقه کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن شیرخشت در خواب بر سه

شیشه

وجه بود اول مال حلال دوم فراخی عیش سیم کام یافتن شیشه ابن سیرین کوید که دیدن
شیشه بخواب دلیل زن باشد و کویند دلیل بر خدمتکار خانه بود لیکن بیاقتش نباشد
اکر بیند که شیشه بوی دادند دلیل که زنی درویش بخواهد اکر بیند که در شیشه روغن
کل یا روغن بنفشه بود دلیل که زنی توانکر بخواهد و دیندار اکر بیند که از آن شیشه شراب
انار یا شراب بر خورد دلیل که مال زن بخورد اکر بیند که شیشه بشکست دلیل که زن بمیرد
جابر کوید که اکر در شیشه چیزی خوشبو بود دلیل که بهما کردد اکر بیند که شنکرف بهم ریخت
یا از خود جدا کرد دلیل که از غم برهد اکر بیند که بشنکرف صورت میکرد دلیل که بلهو
باطل فریفته کردد اکر بیند که بشنکرف چیزی نوشت اکر آنچه نوشت قران یا توحید یا دعا

شهادت

بود دلیل خیر و نیکویی بود و اکر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فتنه بود شهادت ابن سیرین
کوید اکر در خواب بیند که شهادت می آورد و بیننده مصلح بود دلیل که با شهادت از دنیا

شاه بلوط

برود و اکر مفسد بود دلیل که از کناه توبه کند و اکر مشرک بیند مسلمان کردد شاه بلوط اکر
در خواب بیند که شاه بلوط داشت دلیل که از بزرکی منفعت یابد جابر کوید اکر بیند که شاه

انکبین

بلوط میخورد دلیل که غمکین کردد انکبین باشد یا موم و تاویل از میراث بود یا غنیمت حلال
اکر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن علم حاصل کند اکر بیند که از آن شهد بمردم میداد
دلیل که خلق از علم او بهره مند کردند و اکر بخلاف این بیند تاویل بخلاف این بود کوید که

شهرستان

دیدن شهد بخواب دلیل قران بود اما بر پنج وجه بود اول میراث دوم غنیمت سیم علم چهارم
روزی فراخ پنجم قران آموختن شهرستان اکر بخواب بیند که در شهرستانی شد دلیل که
دینش قوی کردد و عاقبتش محمود بود اکر بیند که بشهرستانی رفت و ایمن نشست دلیل که
بخدمت پادشاه رسد و منفعت یابد حضرت صادق ع فرماید دیدن شهرستان بخواب بر هفت

شهرها

وجه بود اول پادشاه دوم رئیس سیم قوت دین چهارم عامه پنجم ایمنی ششم ظفر هفتم استواری
کارها شهرها ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که در شهری شد دلیل که دینش قوی گردد و بمراد
برسد اگر بیند که از شهر بیرون رفت یا بیرون کرده ند تاویل بخلاف این باشد اگر بیند که از
شهری بشهری رفت دلیل که زن را طلاق دهد و زن شوهری دیگر کند اگر بیند که از شهر
مسلمان بشهر کفر رفت دلیل که از دین کافران دود اگر بیند که در شهر گرمسیر برف و یخ بود
دلیل که در ان شهر تنگی بود و اگر در شهر سردسیر بیند دلیل فراخی نعمت بود اگر بیند که از
روستا بشهر امد دلیل منفعت بود اگر بیند اگر بیند که از دو شهر بروستا میرفت دلیل که مراد
برنیابد قوله تعالی ربنا اخرجنا من هذه القریة الظالم اهلها جابر گوید اگر خود را در شهرستان
هندوستان بیند دلیل که کارش تباه گردد اگر در شهرهای ترکستان بیند دلیل که بر دشمنان
ظفر یابد اگر خود را در شهرهای بلغار بیند دلیل که باری جنایت کند اگر خود را در شهرها
ماوراء النهر بیند دلیل عز و جاه بود اگر خود را در شهر خوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد اگر
در شهرهای خراسان بیند دلیل که کارش باسامان تمام گردد اگر خود را در شهرهای طبرستان بیند
دلیل که بکار سخت گرفتار گردد اگر خود را در شهر عراق بیند دلیل کامرانی و دولت بود کرمانی
گوید اگر خود را در شهر فارس بیند دلیل که صحبت او با پادشاهان بود اگر خود را در شهر کرمان بیند
دلیل که عیالش زیاده گردد اگر در شهر حجاز بود دلیل که حج بگذارد اگر خود را در شهرهای یمن بیند دلیل
ایمنی بود اگر در شهر مصر بیند دلیل خرمی بود اگر خود را بشهر شام بیند دلیل که غمگین گردد اگر در
شهر اذربایجان بیند دلیل کارها است که برنج و بلا کند اگر در شهر روم بیند دلیل که مرادش
برآید و کامرانی یابد اگر در شهرهای فرنگ بیند دلیل که کار دنیای او بنگ گردد اما در دین ضعیف
بود اگر شهر مغرب بیند دلیل نقصان کار او بود اگر شیروان و شماخی بیند دلیل ایمنی بود اگر
خود را در شهر مدینه بیند دلیل که از تجارة منفعت یابد اگر در شهر واسط بیند دلیل که دین دار و
پارسا بود اگر خود را در شهر بصره بیند دلیل که از دنیا بهره مند گردد اگر خود را در شهر کوفه
بیند که در حجا بود دلیل که از غم و راحت یابد و اگر خود را در شهر موصل بیند دلیل که بمراد
نرسد ان شاء الله گوید اگر خود را در شهر حلب بیند دلیل که از بزرگی منفعت یابد اگر در شهر دمشق

ببیند دلیل

حرف الشین

ببیند دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر خود را در بیت المقدس بیند دلیل که پارسا باشد و
حج گذارد و اگر در شهر اخلاص بیند کارش شوریده گردد اگر در شهر دربند بیند کارش بسته
گردد اگر در شهر تفلیس بیند دلیل که کارش نقصان پذیرد اگر در شهر گنجه بیند کارش زیاده گردد
اگر خود را مراغه بیند دلیل راحت بود اگر خود را در شهر تبریز بیند دلیل اندوه بود اگر خود را
در قزوین بیند دلیل که با بزرگی صحبت دارد اگر در شهر ری بود دلیل که او را سوگند افتد اگر
خود را در شهر گرگان بیند دلیل که کارش ساخته گردد اگر خود را در شهر نشابور بیند دلیل
که با پیرزنان پیوندد و اگر در شهر طوس بیند دلیل منفعت بود اگر خود را در شهر کاشغر بیند
دلیل که غمگین گردد اگر خود را در شهر اسکندریه بیند دلیل که از کاری پشیمان شود اگر در
شهر شیراز بیند دلیل که بعشرت مشغول گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن
شهرها در خواب بر چهار وجه بود اول دین دوم دیانت سیم بعیش گذرانیدن چهارم از زنی که حلال
او بود منفعت بیند چهارم راحت

شوربا

دیدن شوربا بخواب که با گوشت گوسفند پخته باشد
[illegible] بود دلیل منفعت بود اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود جابر گوید که دیدن
شوربا چون بگوشت لطیف پخته باشد دلیل فایده بود و اگر بگوشت غلیظ پخته باشد دلیل
غم و اندوه بود

شیر ابکینه

[illegible] دیدن شیر از بخواب دلیل غم و اندوه بود هر چند ترش تر بیند
غم بیشتر بود اگر بیند که شیراز را بهم زدند دلیل که از غم برهد

شونیز

دیدن شونیز دلیل غم
بود و خوردن ان دلیل بر مضرت و نقصان باشد

شیر

دیدن شیر هر چند تازه تر و شیرین تر بود
منفعت ان بیشتر باشد چون شیر را در خم بیند دلیل زیادتی مال بود و اگر شیر را ترش بیند
تاویل بخلاف این بود و اگر شیر تازه خورد دلیل مال حلال بود و اگر زنی بیند که شیر در پستان
او جمع شد دلیل که او را فرزندی اید اگر بیند که شیر میدوشید بعوض شیر خون می اید دلیل
که مال حرام یابد اگر در خواب بیند که از پستان خود شیر بخورد دلیل که در کسب خود نقصان کنند
و اگر مردی بخواب بیند که کودک شده بود و شیر میخورد دلیل که از مرادها باز ماند ابرهیم گوید که
دیدن شیر چهارپایان دشتی دلیل بر مال اندک بود اگر بیند که شیر خر کور میخورد دلیل صلاحیت
بود اگر بیند که شیر اشتر خورد دلیل فراخی بود اگر بیند که شیر اهو خورد دلیل که دو زن خرج

کود اکر بیند که شیر بز خورد دلیل که از زنی منفعت یابد اکر بیند که شیر پلنک خورد دلیل که بر
دشمن چیره کردد جابر کوید اکر بیند که شیر بز خورد دلیل که مال دشمن بستاند اکر بیند که شیر
پیل خورد دلیل که از بزرکی مال حاصل کند اکر بیند که شیر کاومیش خورد دلیل که از زنی رنج
بیند اکر بیند که شیر خوک خورد دلیل که بخرد کردد اکر بیند که شیر کرک خورد دلیل که عیالش با وی
جنایت کند اکر بیند که شیر کوسفند خورد دلیل که مال حلال حاصل کند حضرت صادق فرماید
کردیدن دوشیدن هر حیوانی که کوشت او حرام بود دلیل کند بر غم و اندوه بود و اکر حلال بود
دلیل بر یافتن مال بود شیره ابن سیرین کوید که دیدن شیره انکور دلیل منفعت بود قوله تعالی
الناس وفیه یعصرون اکر بیند که شیره انکور بیفشرد دلیل که زنی مستوره بخواهد حضرت صادق
فرماید دیدن شیره در خواب بر سه وجه بود اول زن باجمال دوم کنیزک سیم خادم شیطرج
بدانکه شیطرج داروییست که بخوردن آن دلیل بر مضرت باشد نقصان مال دیدن آن در
خواب خیری نباشد و دلیل بر مضرت کند حرف الصاد من کتاب کامل التعبیر صابون
ابن سیرین کوید اکر بیند که جامه خود را بصابون بشست دلیل که از کار بد باز کردد اکر بیند که جا
مه کسی را بصابون بشست دلیل که کسی را از کار بد باز کرداند اکر بیند که صابون خورد دلیل کند که
چیزی حرام خورد کرمانی کوید اکر در خواب بیند که صابون به پا داشت جامه از آن بشست دلیل که
از مراد باز ماند جابر کوید که خریدن صابون در خواب بهتر باشد از فروختن صرافی کردن ابن
سیرین کوید که دیدن صرافی کردن دلیل بر عاملی طامع بود اکر در خواب بیند که صرافی کرد و بیننده
مستور بود دلیل که علم و حکمت اموزد و اکر بازرکان بود از تجارت مال حاصل کند ابرهیم کوید که
در خواب بیند که صرافی کرد بی طمع دلیل که امانت بکذارد و امانت مردم نکه دارد و اکر بطمع کرد
تاویل بخلاف این بود حضرت صادق فرماید که دیدن صراف بخواب دلیل بر مردی حذاقت کوی بود
کوید عهم کند دلیل که او را در بین بان دارد صاروج اکر در خواب بیند که صاروج خورد دلیل که با مردی
سخن لطیف کوید اکر بیند که صاروج میکند تاویل بخلاف این بود حضرت صادق فرماید که دیدن
صاروج در خواب بر سه وجه بود اول سخن لطیف دوم مدارا کردن سیم دشنام مردم جستن صاعقه
ابن سیرین کوید اکر بیند که از ابر آتش صاعقه می افتاد دلیل که بقدر آن آتش اهل آن دیار را آفت

شیر
شیطرج
صابون
صرافی کردن
صاروج
صاعقه

رسد قوله تعالی ویرسل الصواعق فیصیب الخ ابرهیم کوید اکر بیند که صاعقه بیفتاد در او را بسوخت
بعذاب پادشاه کرفتار کردد صبح ابن سیرین کوید اکر بیند که صبح صادق بدمید در شب کث دلیل
که اهل آن دیار ایمن شوند اکر بیند که بعد از روشنی تاریک شد تاویل بخلاف این بود جابر کوید
اکر بیند که صبح بدمید و نشان سرخ بود دلیل که در آن دیار خون ریزش بسیار شود و اکر رنک
آن زرد بود دلیل بیماری بود و حضرت صادق فرماید که دیدن صبح دلیل بر قوت اهل آن دیار بود
صبر ابن سیرین کوید که صبر در خواب دلیل بر عالمی بود که غرض از علم او مال بود اکر بیند که صبر داشت
یا خورد دلیل با چنین عالمی صحبت دارد صحبت اکر در خواب بیند که صحبت با مردی پارسا داشت دلیل
کند که کار او بصلاح بود و اکر با مفسد صحبت داشت دلیل بر فساد کار او بود جابر کوید که اکر بیند
که با پادشاه صحبت داشت دلیل که منفعت از پادشاه یابد اکر بیند که با عالم صحبت داشت دلیل که علم
و دانش اموزد صحبت داشتن اکر در خواب بیند که با کافری صحبت داشت دلیل که توبه باید کرد اکر
بیند که با زنی پیر صحبت داشت دلیل که دل بدنیا بسته باشد صحرا ابن سیرین کوید اکر بیند که صحرا او را
دلیل خرمی باشد از قبل پادشاه بقدر بزرکی صحرا اکر بیند خود را در صحرایی زرد یا سبز دلیل که
مقرب پادشاه کردد و اکر پر خس بیند دلیل که با پادشاه ظالم صحبت نکاه دارد و تاویل بیابان در حرف
باء یاد کردیم صحف اکر در خواب بیند که صحف ابرهیم خواند دلیل که کسی او را ثواب نماید اکر بیند
که صحف ابرهیم او را از بر خواند دلیل که بر او صحبت دارد جابر کوید اکر بیند که قران رها کرد و صحف
خواند دلیل که میلش بکیشهای دیکر بود حضرت صادق فرماید سه معنی دارد اول نامه دوم کاغذ
سیم فرزند دوی صحیفه ابن سیرین کوید اکر بیند که بر صحیفه چیزی نوشت دلیل که میراث یابد اکر چیزی
ننوشته دلیل که میراث طلبد نیابد صدف ابرهیم کوید اکر بیند که صدف داشت دلیل که خادمی
پیدا کند اکر بیند که صدف از وی ضایع شد دلیل که خادمش بکریزد صدقه دادن معبران از ابن
خلاف ابن سیرین کوید اکر عالمی بیند که صدقه داد دلیل که از علم او فایده بمردم رسد اکر
بیند که پادشاه صدقه داد دلیل که عدل او بهمه کس رسد ابرهیم کوید که دیدن صدقه دادن
دلیل ایمنی بود اکر رنجوری بیند از رنج خلاص کردد جابر کوید اکر بیند که صدقه میداد دلیل
که آزاد کردد و اکر وام دار بیند وام کذارده کردد و اکر زندانی بیند خلاص یابد اکر ملحد بیند مسلمان

صبح
صبر
صحبت
صحبت داشتن
صحرا
صحف
صحیفه
صدف
صدقه

صراط
صفه
صلوات
صمغ
صنج زدن
صندل
صندوق

کرد دصدقه دادن بهر نوع که باشد دلیل بر سعادت دو جهانی بود صراط ابن سیرین گوید اگر بیند
که بر صراط ایستاده بود دلیل که کارهای کج بدست او راست گردد قوله تعالی ویهدیک صراطا مستقیما
ابرهیم گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که از بلائی بزرگ ایمن گردد اگر بیند که از صراط
بدوزخ افتاد ببلائی افتد جابر گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه خیر گزیند
عمل صالح کند حضرت صادق فرماید که دیدن صراط بخواب بر شش وجه بود اول کار راست
دوم سخن کا سیم ترس چهارم ستم از قبل پادشاه پنجم گناه ششم نفاق در دل داشتن صفه
دیدن صفه سرای دلیل بر مادر و پدر باشد اگر صفه سرای خود را نو و بلند بیند دلیل بر درازی
عمر بود پدر و مادر را اگر بیند که صفه او خراب شد دلیل بر هلاک پدر و مادر بود صلوات فرستادن
ابن سیرین گوید اگر بیند که بر رسول صلوات فرستاد دلیل که حاجتش روا گردد و روزی بر وی فراخ
گردد و خاتمه کارش بسعادت بود جابر گوید اگر بیند که صلوات بسیار داد دلیل که حج کند
و گویند هر که بخواب صلوات داد سنت رسول بجای آورده باشد صمغ ابن سیرین گوید اگر
بیند که صمغ داشت و خورد دلیل که از مال کسی پرهیز کند اگر بیند که صمغ بسیار داشت و بکسی
داد دلیل که مال خود بکسی دهد جابر گوید دلیل نفع اندک بود از مردی که بدان درخت منسوب
بود چنانکه اگر بیند که از صمغ بادام خورد دلیل که از بخیلی منفعت یابد و اگر صمغ عربی بود دلیل
منفعت بود صنج زدن دیدن صنج زدن در خواب دلیل بر چیزی مکروه بود و کلامی باطل که شنود
اگر بیند که با صنج چنگ و نای زد و چغانه زد دلیل مصیبت بود اگر بیند که صنج بشکست دلیل که از
دروغ گفتن توبه کند حضرت صادق فرماید که دیدن صنج زدن در خواب بر چهار وجه بود اول
خبر مکروه دوم کلام باطل سیم متاع دنیا چهارم غم و اندیشه صندل ابن سیرین گوید اگر در
خواب بیند که صندل داشت دلیل که مردم مدح و ثنای او گویند اگر بیند که صندل سفید داشت
دلیل که از بزرگی منفعت بیند حضرت صادق فرماید که دیدن صندل بخواب بر سه وجه بود
اول ثنا و آفرین دوم خیر و برکت سیم جاه و حرمت و صندل سفید بهتر از سرخ بود صندوق دیدن
صندوق در خواب دلیل جاه بود و بعضی گویند زن باشد اگر بیند که صندوق نو داشت
دلیل که بقدر آن جاه یابد یا زن جابر گوید اگر بیند که صندوق نو و پاکیزه داشت دلیل که زن

صورت
صوف
صوفی شدن
صیقل
صینی آلات
[illegible]
ضرابی
ضعیف

خوبروی پارسا بخواهد و اگر صندوق آهن بیند با وی بخلاف این بود حضرت صادق فرماید
دیدن صندوق بخواب بر سه وجه بود اول عزت جاه دوم بلندی سیم زن صورت ابن سیرین گوید
اگر بیند که صورت او بصورت دیگر مبدل گردید دلیل که چنان بود که دیده باشد اگر بیند که
بصورت خود بازگشت دلیل که بحق تعالی باز گردد ابرهیم گوید اگر در خواب صورت خود را
واژگون بیند دلیل که همه مردم روی از وی بگردانند حضرت صادق فرماید که دیدن صورت
گردیدن دلیل بر کسی بود که بحق تعالی باز گردد دروغ گوید صوف ابن سیرین گوید که دیدن
جامه صوف بخواب منفعت بود صوفی شدن ابن سیرین گوید اگر بیند که صوفی شد با صوفیان
در خانقاه مجاور نشست دلیل که دست از دنیا بدارد و بکار آخرت پردازد اگر بیند که از میان
صوفیان بیرون رفت دلیل که میل او بکار دنیا شود حضرت صادق فرماید که دیدن صوفی شدن
در خواب بر چهار وجه بود اول دست باز داشتن از دنیا دوم از خلق کناره گرفتن سیم پیوسته
بعبادت مشغول بودن چهارم طمع بکسی نداشتن صیقل ابن سیرین گوید که دیدن صیقل
زدن بخواب دلیل پادشاهی بزرگ بود اگر بیند که صیقلی میکرد دلیل که بخدمت پادشاه رود
حضرت صادق فرماید که دیدن صیقلی مردی باشد که بدست او حق از باطل پدید آید صینی آلات
ابرهیم گوید که دیدن صینی آلات بخواب دلیل بر زنی خادمه بود ابن سیرین گوید که دیدن صینی
آلات دلیل بر زنی خواجه دار بود اگر بیند که آلت صینی داشت دلیل بر کنیزکی خواجه دار بود اگر
بیند که آلت صینی داشت دلیل که کنیزکی بخرد اگر بیند که آلت صینی بشکست دلیل که کنیزک یا خادم
بمیرد یا بگریزد بعضی گویند که زنش بمیرد حضرت صادق فرماید که دیدن صینی آلات بر سه وجه بود
اول زن خادمه دوم کنیزک سیم منفعت از زنان حرف الضاد از کتاب کامل التعبیر ضرابی
ابن سیرین گوید که دیدن ضرابی کردن بخواب دلیل که سخنان خود را بسیار آید بفخر باز گوید جابر گوید
اگر بیند که درم و دینار میکرد دلیل که سخنی چند بی اصل بسیار آید که لطیف و شیرین بود اگر بیند که زر
دون میزد دلیل که سخنهای ناخوش بگوید ضعیف ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که سر وی
ضعیف شد دلیل بر نقصان جاه و بزرگی باشد اگر بیند که چشم او ضعیف شد دلیل که دختر یا
زن او بمیرد اگر در خواب بیند که بینی او ضعیف شد دلیل که جاهش کم گردد اگر دهن خود را

ضیاع

ضعیف بیند دلیل که روزی بروی تنگ گردد اگر بیند که گردنش ضعیف بود دلیل که امانت
مردم دور کردن او باشد اگر دوش خود را ضعیف بیند دلیل که زنش رنجور گردد اگر بازوی خود را
ضعیف بیند دلیل که زنش رنجور گردد یا حال برادر و یا فرزندش ضعیف گردد اگر ساعد خود را
ضعیف بیند دلیل که حال خزینه‌اش ضعیف گردد اگر سینه خود را ضعیف بیند دلیل که راه
سخاوت بگذارد اگر شکم خود را ضعیف بیند دلیل که پناه او ضعیف بود اگر دل خود را ضعیف
بیند دلیل که تدبیر و رای او کم گردد اگر سر خود را ضعیف بیند دلیل که مهتری از خویشان او
ضعیف حال گردد اگر همه تن خود را ضعیف بیند دلیل که غمگین و مستمند گردد ضیاع و زمینها
ملک و بود ابن سیرین گوید اگر بیند که در زمین و ملک خود تخم بکشت یا درخت نشاند دلیل
که معیشت بروی فراخ گردد اگر بیند که ضیاع او پر خار و خس بود دلیل که در راه دین نیکو بود
جابر گوید اگر بیند که ضیاع خود را بفروخت دلیل که در رنج و غم افتد اگر بیند که ضیاع او را
سیل خراب کرد دلیل که او را مضرتی رسد از قبل پادشاه والله اعلم

حرف الطاء ترکیب کامل التعبیر

طایع ابن سیرین گوید اگر بیند که پادشاه طایعی بوی داد و گفت بر و خرج نه و امهر کن
دلیل که جاه و بزرگی یابد زیرا که تاویل طایع بهتر از انگشترین بود ابراهیم گوید اگر بیند که امیری
یا بزرگی طایعی بوی داد دلیل که مال خود بوی بسپارد حضرت صادق فرماید کردید طایع
در خواب بر سه وجه بود اول جاه و بزرگی دوم خزانه داری سیم جمع کردن مال **طاس** ابن سیرین گوید
کردیدن طاس دلیل بر زنی بود خدمتکار یا کنیزکی خود و سال اگر بیند که طاسی داشت دلیل
کر زن خادم بخانه برد یا کنیزکی بخرد اگر بیند که طاس از وی ضایع شد دلیل که از زن خادم
یا کنیزک جدا گردد کرمانی گوید اگر بیند که طاس پر آب داشت و بخورد دلیل که از کنیزک فرزند آورد
و اگر بیند که طاس بشکست و آب بماند دلیل که کنیزک بمیرد و فرزند بماند و اگر آب بریخت و طاس بماند
دلیل که کنیزک بماند و فرزند بمیرد حضرت صادق فرماید دیدن طاس در خواب بر چهار وجه بود
اول زن خادم دوم کنیزک سیم فرزند چهارم منفعت **طاعون** دیدن طاعون بخواب دلیل جنگ
و کارزار بود ابن سیرین گوید اگر بیند دلیل فتنه و بلا بود **طاووس** ابن سیرین گوید که دیدن
طاووس بخواب دلیل بر پادشاه عجم بود اگر بیند که طاووسی نر داشت دلیل که از پادشاه عجم

الطاعام

حرف الطاء

مال حاصل کند و اگر طاووسی ماده بیند دلیل که زن خواهد و از او فرزند آورد و مال حاصل
کند دانیال گوید که دیدن طاووس بخواب دلیل بر زن مفسد باشد اگر بیند که طاووس با وی سخن
گفت دلیل که ولایت بیابد اگر بیند که طاووس از خانه او بپرید دلیل که زن را طلاق دهد جابر
گوید اگر بیند که طاووس را بکشت دلیل که دختر او و شوهر کند بمیرد حضرت صادق فرماید که
دیدن طاووس بر دو وجه بود اول پادشاه عجم دوم بزرگی مال دار **طباخی** ابن سیرین گوید که
بخواب بیند که طباخی میکرد اگر آنچه می پخت خوش طعم بود دلیل منفعت بود از پادشاه و اگر آنچه
می پخت بد طعم و ناخوش بود تاویل بخلاف این بود **طبق** ابن سیرین گوید که دیدن طبق در خواب
دلیل بر خادمی بود که بوقت کار سازد اگر بیند که طبقی بزرگ داشت دلیل که خادمی نیکو پیدا
کند اگر بیند که طبق از وی ضایع شد دلیل که خدمتکار از وی جدا گردد ابراهیم گوید اگر بیند
که طبق او در آتش افتاد دلیل که خادم یا کنیزک او بعلت طاعون گرفتار شوند حضرت صادق فرماید
کردیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود اول خادم مجلس دوم کنیزک سیم هدایا چهارم فایده
طشت دیدن طشت بخواب دلیل خادم بود ابن سیرین گوید دلیل بر زنی خوابیده دار بود اگر
بیند که طشتی بخرید دلیل که زن خادم را بزنی کند و دیدن طشت بخواب بر سه وجه بود اول زن
خادم دوم کنیزک سیم منفعت از زنان **طبل** دیدن طبل بخواب دلیل بر سخن دروغ بود اگر بیند که
با طبل و نای رقص میکرد دلیل که کاری کند با منفعت حضرت صادق فرماید اگر بیند که طبل
میزد دلیل که کاری باطل کند **طبیب** ابن سیرین گوید اگر بیند که طبیب بیماری را علاج کرد
دلیل بود که یکی را از راه فسق براه صلاح آورد و اگر بیماری انکس زیاده شود تاویل بخلاف
این بود ابراهیم گوید اگر بیند که طبیب بیمار را دارو داد نافع بود دلیل که علم گوید مردم
بعلم او کار کنند و اگر دارو نافع نبود تاویل بخلاف این بود و طبیبی کردن در خواب مردم
مصلح را دلیل و راه آخرت کند و مردم مفسد را دلیل بر صلاح تن و کسب معیشت بود **طعام** دانیال
گوید هر طعام که بخواب بخوردن بمزه تر و دشوارتر بود تاویل بخلاف خوشی است یعنی دلیل
بر رنج و اندوه کند و هر طعام که در خوردن ترش بود دلیل بیماری بود و طعام سیرین
بخواب دلیل بر عیش خوش بود جابر گوید اگر بیند که هر طعام که در خانه داشت بخورد

طعن **طلاق** **طلع** **طنبور** **طوطی** **طوق**

دلیل که اخر عمر او بود اگر بیند که طعام او را مرده خورد دلیل که ان طعام گران شود طعن نیزه اگر
بیند در خواب که نیزه بر تن کسی زد و در تن او شد دلیل بر سخنی زشت بود اگر بیند که کسی طعنه بر وی
بزد چنانکه درد کرد دلیل که از سخن او غمناک گردد اگر درد نکرد دلیل که غم نباشد طلاق ابرهیم
گوید اگر بیند کسی را اگر زن را طلاق داد او را ابلهی بیش نبود دلیل شرف و بزرگی او بود و اگر
او را زنی دیگر با کنیزکی بود دلیل که در بزرگی او نقصان شود حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر
بیند که زن را طلاق داد دلیل که کاری کند که از ان پشیمان گردد و دیدن خلع کردن دلیل بر توانگری
و غنیمت بود طلع بار خرما باشد ابن سیرین گوید اگر بیند که بخواب طلع داشت دلیل که او را فرزندی
اید اگر بیند که ان طلع خورد دلیل مال و نعمت بود اگر بیند که طلع بسیار داشت و میخورد و بکسی نداد
دلیل که با پادشاه مال او را نعمت بسیار اند حضرت صادق فرماید که دیدن طلع بر چهار وجه بود اول
فرزند دوم نعمت سیم منفعت چهارم مال طلق اگر در خواب بیند که طلق بسیار داشت دلیل که بحیله او
سفر مال حاصل کند جابر گوید اگر بیند که طلق خورد دلیل که مال بسختی حاصل کرده باشد اگر بیند
که طلق از وی ضایع شد دلیل که مالش تلف گردد طنبور ابن سیرین گوید اگر بیند که در خانه طنبور
میزد دلیل که خبر مصیبت شنود اگر بیند که طنبور بشکست دلیل که توبه کند اگر بیماری بیند که طنبور
میزد دلیل که اخر عمر او بود ابرهیم گوید اگر بیند که طنبور بکسی داد دلیل که غم از انکس بوی رسد طوطی
ابن سیرین گوید که دیدن طوطی در خواب دلیل فرزند غلام بود اگر بیند که طوطی از دست او بپرید
دلیل که فرزند غلامش سفر کند اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را
از ان عجب اید اگر بیند طوطی ماده داد در خواب دلیل بر دختری دوشیزه کند طوطی نر دلیل بر مردی
پاکدین یا غلامی پارسا باشد حضرت صادق فرماید که دیدن طوطی در خواب بر سه وجه بود اول
فرزند دوم دختری دوشیزه سیم شاگردی جلد طوق اگر در خواب بیند که طوقی در گردن داشت از
زر یا سیم دلیل که بقدر و قیمت ان ولایت یابد و در ان انصاف نکند دارد و اگر طوق را اهنین بیند دلیل
بر فساد دین بود ابرهیم گوید اگر بیند که طوق در گردن داشت دلیل که دعوی بد دروغ گوید جابر گوید
اگر در خواب طوق زرین بیند دلیل بر ولایت بود و اگر مسین یا اهنین باشد دلیل که با کسی خصومت
کند حضرت صادق فرماید دیدن طوق در خواب بر سه وجه بود اول حج گذاردن دوم ولایت

پانزدهم

حرف الظا والعین **طیلسان** **حرف الظاء ظلم کردن** **ظلمات** **حرف العین عاج**

پانزدهم سیم صلح کردن و امانت علامت و کنیزک اگر در خواب بیند که طوق در گردن اسب بود
دلیل که از پادشاه مال یابد طیلسان ابن سیرین گوید دیدن طیلسان در خواب دلیل جاه و بزرگی
بود اگر بیند که طیلسان پاکیزه داشت دلیل که با خلق سخاوت کند ابرهیم گوید اگر بیند که طیلسان
او بسوخت دلیل که از او عز و بزرگی ببرد اگر بیند که طیلسان او پاره شد دلیل مصیبت بود دانیال
گوید که دیدن طیلسان بخواب دلیل امانت بود و قوت دین اگر بیند که طیلسان پاکیزه داشت دلیل
که دیانتش قوت بود و توفیق یابد و امانت گذاردن اگر طیلسان چرکین بیند تاویل بخلاف این
بود و دیدن طیلسان دلیل فرزند بود اگر بیند طیلسان خود را سفید دلیل بر فرزند مصلح کند
و اگر سرخ بیند دلیل که فرزندش معاشر بود و اگر سیاه بود و بیننده عالم بود فرزند او قاضی یا
خطیب گردد حضرت صادق فرماید دیدن طیلسان در خواب بر نه وجه بود اول عز و مرتبت دوم جاه
و منزلت سیم ولایت چهارم فرزند پنجم دولت ششم بزرگی هفتم مال هشتم علم نهم دین دهم سمتیر
والله اعلم **حرف الظاء من کتاب کامل التعبیر** ظلم کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که بر وی
ظلم رفت دلیل کند که بر ظلم کننده نصرت یابد اگر بیند که او بر کسی ظلم کرد دلیل که مظلوم بر ظالم
ظفر یابد اگر بیند که پادشاه بر وی ظلم کرد دلیل که ان پادشاه مضرت یابد جابر گوید اگر بیند که
مظلوم بود و کسی بر وی ظلم نکرده بود دلیل که او ظالم باشد اگر خواجه بیند که بر بنده ظلم کرد دلیل
که ان بنده از خواجه در زحمت بود ظلمات گمراهی بود در دین ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که
در ظلمات بود ناگاه بروشنی امد دلیل که راه دین بر وی گشاده گردد ابرهیم گوید اگر بخواب بیند
که از ظلمات بیرون امد و باز در ظلمات رفت دلیل که گمراهی بود قوله تعالی و اذا اظلم علیهم قاموا جابر
گوید که دیدن ظلمات دلیل غم بود اگر بیند که در دریا ظلمات ظاهر گردید دلیل که در ان دیار
اندوه ظاهر گردد حضرت صادق فرماید که دیدن ظلمات در خواب پنج وجه بود اول فکر دوم
تحیر سیم فرو بستن کارها چهارم بدعت پنجم ضلالت **حرف العین من کتاب کامل التعبیر**
عاج ابن سیرین گوید که دیدن عاج بخواب دلیل مال بود از پادشاه اگر در خواب بیند که عاج داشت
دلیل که از پادشاه منفعت یابد اگر بیند که عاج از وی ضایع شد دلیل که مالش تلف گردد جابر
گوید اگر بیند در صندوق داشت دلیل که از خویشان او یکی از کسان پادشاه زن خواهد اگر

عاریت
عاشق شدن
عالم
عبادت
عدد

ببیند که دوات عاج داشت دلیل که پادشاه کنیزکی بوی بخشد که از وی عز و جاه یابد و هرچند که عاج
دارد در خواب بعینه ببیند دلیل که مال او بیشتر باشد عاریت ابن سیرین گوید اگر ببیند که چیزی عاریت
بکسی داد دلیل که آن چیز بر وی ثابت بماند و تمتع از او یابد عاشق شدن ابن سیرین گوید اگر ببیند که بر کسی
عاشق شد دلیل که بیمار شد و حریص گردد و اگر عاشق او بچیزی حرام بود دلیل بر فساد دین او بود و اگر
ببیند که از معشوق کام دل یافت دلیل منفعت بود عالم ابن سیرین گوید اگر ببیند که عالم یا فقیه شد
و بیننده جاهل بود دلیل که در زبان مردم افتد به نیکی و اگر عالم بود علم او زیاده گردد کرمانی گوید
اگر ببیند که مردم را علم میگفت و بیننده عالم نبود بجمله مردم اند یار را مسخر خود گرداند و اگر
بیننده عالم بود بجاه و بزرگی یابد اگر بیننده بواسطه علم از مردم عطا بستد دلیل که از مردم رشوه
بستاند حضرت صادق ع فرماید اگر بیننده این خوابها عالم بود حجت او حجت بود اول بزرگی دوم عز
و جاه سیم بقول مردم چهارم ولایت یافتن عبادت ابن سیرین گوید اگر ببیند که حق تعالی را عبادت کرد
دلیل خیر دنیا و آخرت کند و اگر غیر خدا را سجده کند تاویل بخلاف این بود اگر ببیند که
عبادت در مسجد یا در صومعه کرد دلیل که حاجات ببیاکند اگر در جای نکرده کرد تاویل بخلاف این
بود عدد ابن سیرین گوید که دیدن عدد بخواب یکی نیکو بود اگر ببیند بخواب که یکدرم داشت یا
یکدینار یا غیره دلیل نیکی بود زیرا که اصل شمارها یکیست قوله تعالی من جاء بالحسنة فله عشر امثالها
یعنی یک نیکی داده نیکی پاداش استاد هم گوید که عدد یکی نیکو بود اما دو دلیل غم بود اگر
بخواب عدد سه ببیند دلیل که از کاری که کند برخورداری یابد قوله تعالی قال آیتك الا تکلم الناس
ثلث لیال سویا و لفظ سه دلالت بر فرقت کند زیرا که لفظ سه طلاق است اگر ببیند عدد چهار
نیکو بود وقتی که چیزی دیگر با او بنا شد نیز نیکو بود قوله تعالی ما یکون من نجوی ثلثة الا هو
رابعهم اگر عدد پنج ببیند نیکو بود وقتی که نمازها بر پای دارد اگر در خواب عدد شش بود
دلیل که بغایت نیکو بود و مراد یابد قوله تعالی خلق السموات و الارض فی ستة ایام اگر هفت یا هشت
ببیند بد بود قوله تعالی سبع لیال و ثمانیة ایام حسوما اگر عدد نه ببیند دلیل زحمت و فساد بود قوله
تعالی تسعة رهط یفسدون فی الارض عدد ده که ببیند دلیل که مراد دین و دنیای او حاصل گردد
قوله تعالی تلك عشرة کاملة اگر عدد یازده ببیند دلیل که شغل او بر درنگ تمام گردد اگر عدد را

دوازده

حرف العین

دوازده ببیند نیکو بود ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا اگر در خواب عدد را سیزده ببیند
دلیل که کارش بشر گردد اگر عدد را چهارده ببیند نیکو بود اگر عدد را پانزده ببیند دلیل که پراکنده
کار گردد و اگر شانزده ببیند دلیل که کارش نیکو گردد و اگر هفده ببیند دلیل که چیزها تباه گردد
و باز گردد اگر هیجده ببیند دلیل که کارش بر نیاید و اگر نوزده ببیند دلیل که او را با مردم بیزحمت
کار افتد قوله تعالی لواحة للبشر علیها تسعة عشر اگر در خواب عدد را بیست ببیند دلیل که مال
حاصل کند و بر دشمن ظفر یابد اگر عدد سی ببیند دلیل که او را با کسی داوری افتد و مراد یابد
قوله تعالی و واعدنا موسی ثلثین لیلة اگر عدد را چهل ببیند دلیل که کارش بسته گردد اگر عدد را
پنجاه ببیند دلیل رنج و شغل بی نهایت بود قوله تعالی الف سنة الا خمسین عاما اگر در خواب عدد
شصت ببیند دلیل که سوگندی در گردن او افتد چنانکه در هما بپایی او را روزه باید داشتن
یا شصت درویش را طعام دادن قوله تعالی فصیام شهرین متتابعین و اگر عدد را هفتاد ببیند
دلیل که کارش بتاخیر براید اگر عدد هشتاد ببیند دلیل که او را بتهمت زنا بگیرند و هشتاد چوبش
بزنند فاجلدوهم ثمانین جلدة اگر در خواب عدد نود ببیند دلیل که دختری از کی زاده مال دار
بخواهد قوله تعالی تسع و تسعون نعجة و اگر عدد صد ببیند دلیل که ظفر یابد قوله تعالی مائة صابرة
یغلبوا مائتین اگر سلطان در خواب ببیند که با خود صد سوار داشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد
اگر در خواب ببیند که او را صد دانه گندم دادند دلیل خیر و برکت بود و عیش بر وی فراخ گردد
قوله تعالی فی کل سنبلة مائة حبة اگر عدد دویست ببیند دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد اگر عدد
سیصد ببیند دلیل که مرادش بر براید قوله تعالی و لبثوا فی کهفهم ثلث مائة و اگر چهار صد ببیند بر
دشمن ظفر یابد چنانکه رسول ع فرمود خیر الرفقاء اربع و خیر السرایا اربع مائة و خیر الجیوش اربعة الاف یعنی بهترین
لشکر چهار هزار سوار است و بهترین خوابها چهار صد است اگر در خواب پانصد ببیند دلیل که کارش
موقوف نماید اگر ششصد ببیند دلیل که بمقصود برسد اگر هفتصد ببیند دلیل که از کار سخت برهد
اگر هشتصد ببیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد اگر هزار ببیند دلیل بزرگی بود و دشمن را قهر کند قوله
تعالی و ان یکن منکم الف یغلبوا الفین باذن الله اگر در خواب ببیند که عدد هزار ابد بود و اگر سه
هزار ببیند قوت باشد و بجنگ مردی یابد اگر ببیند عدد چهار هزار ببیند دلیل مضرت بود

اگر عدد پنجهزار بیند مبارک و فرخنده بود ابرهیم گوید اگر در خواب عدد شش هزار بیند دلیل
فتح و نصرت بود و هفت هزار گشایش کارها بود و هشت هزار دلیل کارش بنظام گردد و اگر نه هزار
بیند بد بود و اگر ده هزار بیند نصرت بود و اگر بیست هزار بیند دلیل که بر دشمن غلبه کند
اگر سی هزار بیند ظفر بود اگر چهل هزار بیند نصرت بود اگر پنجاه هزار بیند دلیل که درد
و رنج بماند قوله تعالی مقداره خمسین الف سنة اگر عدد شصت هزار بیند دلیل شادی بود
اگر هفتاد هزار بیند دلیل که دشمن بروی ظفر یابد اگر عدد هشتاد هزار بیند یا نود هزار
دلیل که بر خصم غالب گردد اگر در خواب صد هزار بیند دلیل که بمرادها برسد قوله تعالی

عدس

وارسلناه الی مائة الف او یزیدون عدس معبران را در تاویل عدس خلافست ابن سیرین
گوید که دیدن عدس در خواب نیکو بود زیرا که ابرهیم خلیل از او دوست داشتی ابرهیم
گوید که دیدن عدس در خواب بد است جابر گوید که دیدن عدس در خواب دلیل مال بود و ان

عراده

قبل زنان بد بود دل عراده ابن سیرین گوید اگر بیند که در شهری یا قلعه از کافران عراده
انداخت دلیل که اهل ان شهر در مسلمانان سخن ناسزا گویند اگر بیند که بشهر یا قلعه مسلمانان
انداخت دلیل که در مسلمانان سخن ناسزا گویند اگر بیند که سنگ عراده انداخت بجائی دلیل که اهل

عرش

ان موضع را غیبت کنند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین گوید که دیدن عرش در خواب دلیل امری
بزرگ بود یا مال و خواسته دنیا اگر عرش را آراسته بیند دلیل که عزت یابد و گویند که کارش
بلند گردد و اگر در خواب عرش را حقیر بیند دلیل که در پیش مردمان خوار گردد و اگر خود را بر عرش
بیند دلیل که با بزرگی بپیوندد و از وی حرمت یابد و اگر بیند که از عرش بزیر آمد تاویل بخلاف
این بود حضرت صادق فرماید دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود اول بزرگی دوم دولت سیم

عرعر

مرتبت چهارم عزت پنجم بزرگواری عرعر ابن سیرین گوید اگر بیند که درخت سرو داشت دلیل که
با مردی اصیل صحبت دارد و دیدن درخت سرو دلیل مردی بود که خیر کثیر کند عروسی اگر بیند

عروسی

در خواب که عروسی خواست اما او را ندید و نامش ندانست دلیل که زود بمیرد اگر بیند که عروس
را بخانه آورد و با وی بخفت دلیل بزرگی بود ابرهیم گوید اگر در خواب عروسی را با چنگ و نای
بیند دلیل مصیبت بود جابر گوید اگر زنی بیند که عروس شد و او را پیش شوهر میبردند دلیل

عرق

که اخر عمر او بود عرق ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که عرق از تن او روان شد دلیل که
بقدر عرق نقصان مال بود خاصه که بر زمین چکد اگر بیند که جامه او از عرق تر شد دلیل که
بقدر ان مال خود را بعیال دهد اگر در خواب بیند که عرق او سفید بود و بوی خوش داشت
دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود اگر بیماری بیند که عرق

عزل

کرد شفا یابد و مرضش بصحت بدل گردد و مرادش برآید عزل ابن سیرین گوید اگر بیند که پیری
مجهول او را از کاری عزل کرد دلیل که آن پیر جوان شود اگر آن پیر معروف بود دلیل بر نقصان
او بود اگر این خواب را جوانی بیند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بزرگی او را از کاری عزل

عسس

کردند دلیل بر ضعف دین او بود و باید توبه کند عسس ابن سیرین گوید اگر بیند که با عسسان
میگشت و عسسان مردم مصلح بودند دلیل منفعت بود و اگر مفسد بودند مضرت بود ابرهیم
گوید اگر بیند که عسسان جامه او را بر کندند و او را بزندان بردند دلیل که از مردم پادشاهی

عصای

حرمتی یابد عصای اگر در خواب بیند که عصای میکرد دلیل که کاری کند که مردم او را ستایش کنند

عصا

و نامش در جهان منتشر گردد بیندکی عصا ابن سیرین گوید که دیدن عصا بخواب دلیل بر مرد بزرگ
بود اگر بیند که عصا در دست داشت دلیل که بزرگی و جاه و منزلت یابد اگر بیند که عصا او ضایع
شد تاویلش بخلاف این بود ابرهیم گوید اگر بیند که عصا در دست داشت و دراز شد دلیل که
بمراد برسد اگر بیند که عصا او کوتاه شد دلیل نامردی بود حضرت صادق فرماید که دیدن عصا

عصید

بخواب بر سه وجه بود اول پادشاه دوم مردی بزرگ سیم توانگری دکادها عصید نوعی است از
حلواها و بهترین آن آنست که زعفران در آن بسیار باشد و دیدن وی بخواب دلیل بر مالی بود که برحمت
حاصل کند اگر بیند که کسی لقمه عصیده بدهان او نهاد دلیل که سخن خوش شنود عطا دادن

عطا دادن

ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی عطا بوی داد باید که معبر بپرسد که آن عطا چه باشد
عطا دهنده معروف بود یا مجهول یا زن جوان بود یا پیر آنگاه تعبیر کند اگر بیند که آن عطا
چنان بود که مردم او را دوست دارند دلیل کند بر نیکوئی و اگر بخلاف این بیند دلیل مضرت
بود اگر بیند که آن عطا بوعده و خط بود دلیل بر دروغ و عشوه بود و اگر آن عطا جامه
بود یا میوه یا چیزی شیرین دلیل که با بزرگان بپیوندد و منفعت یابد اگر بیند که جهودی یا ترسائی

عطر

عطائی بوی داد دلیل که عطار هسده مثلها شود ابرهیم گوید اگر بیند که کسی عطا بوی داد داد
بکرفت و شکر کفت دلیل بر زیادتی مال بود و تندرستی و اگر شکر نکفت بخلاف این بود عطر
بوی خوش بود اگر بیند که با خود بوی خوش داشت و بیننده عالم بود دلیل که مردم از علم او فایده
برند اگر ابخواب توانگر بیند دلیل که مردم را از مال او فایده رسد حضرت صادق فرماید که
دیدن عطر در خواب بر نه وجه بود اول ثنای نیکو دوم سخن خوش شنیدن سیم علم نافع چهارم
طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مردی کریم هفتم سختی با فرهنگ هشتم دین پاک نهم خبری خوش از دوستی

عطاری کردن

شنیدن عطاری کردن ابن سیرین گوید اگر بیننده در خواب که عطاری میکرد دلیل که مردم شکوه
او گویند اگر بیند که با عطار دوستی و آشنا شد دلیل که مردم در سخاوت نام او را برند عطسه

عطسه کردن

کردن ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که عطسه کرد و الحمد لله کفت دلیل که از بزرگی حاجتش
روا کردد اگر بیننده خواب بیمار بود دلیل که محتاج کردد بطبیب اگر بیند که سر نوبت عطسه داد
نیک بود اگر بیند که عطسه بسیار داد دلیل که مرادش بدشواری بر آید ابرهیم گوید اگر بیند که چون عطسه
داد از بینی او خون روان کردید دلیل که در حق او سخن زشت گویند اگر بیند که چون عطسه
داد جنبنده از بینی او بیرون آمد دلیل که حقتعالی او را فرزندی دهد جابر گوید که دیدن عطسه
دادن در خواب دلیل بر مالی بود که از اسباب دنیا بود عقل اگر در خواب بیند که عقل و بصورتی

عقل

بود چنانکه گوید که سر عقل توام و بیننده داند که عقل اوست و بیننده خواب اهل بود دلیل
کرا و را با پیر پادشاه صحبت افتد و از وی منفعت یابد ابرهیم گوید اگر در خواب عقل خود را چنین
بیند که کفته شد دلیل که توانگر کردد و عز و جاه یابد و اسمعیل گوید که اگر در خواب عقل و جان
خود را بصورت آدمی بیند و بخشنود اندکه ایشانند و ایشان نیز گویند که ما عقل و جان توایم
دولت و بخت و اقبال مساعد او کردند جابر گوید دیدن عقل و جان دلیل بر مادر و پدر باشد
اگر زنده باشند و غایب دلیل که ایشان را باز بیند و اگر ایشان مرده باشند دلیل که دعا صدقه
او بایشان رسیده بود حضرت صادق فرماید که دیدن عقل در خواب بر چهار وجه بود اول
بخت دوم دولت سیم مادر و پدر سیم پادشاه و فرزند و چهارم مال فراوان یابد عقیق ابن سیرین

عقیق

گوید اگر در خواب بیند که عقیق داشت دلیل که از بزرگی منفعت یابد اگر بیند که عقیق از وی

ضایع کردید تاویل بخلاف این بود و اگر بیند که عقیق بخرید و در داشت دلیل که بقدر و قیمت آن
مال یابد علک اگر بیند که علک میخایید دلیل که مال و نعمت بخصومت حاصل کند اگر بیند که

علک

علک بر آتش نهاد دلیل که بقدر آن نقصان مال یابد علم بخواب دیدن دلیل بر مردی دانا بود

علم

یا امامی یا زاهدی یا توانگری یا سخی اگر بیند که علم داشت دلیل کند که از این مردم که تقریر کردیم
منفعت یابد اگر بیند که علم بیفتاد و ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید که دیدن
علم بخواب دلیل سفر بود اگر بیند که پادشاه علمی بوی داد دلیل جاه و بزرگی بود خاصه
علم را سفید یا سبز بیند جابر گوید اگر بیند که علمی سفید بزرگ داشت دلیل بود که با توانگر
صحبت دارد و از وی منفعت یابد اگر بیند که علمی سیاه داشت دلیل که قاضی یا خطیب کردد حضرت
صادق فرماید که دیدن علم بخواب بر چهار وجه بود اول مهتری دوم سفر سیم جاه و بزرگی چهارم

عمارت کردن

نیکی احوال عمارت کردن اگر بخواب بیند که عمارت مسجد یا خانقاه یا مدرسه میکرد دلیل
که صلاح دین جوید و ثواب این جهان اگر بیند که زمین خراب را عمارت میکرد مثل خانه و دکان
و مانند اینها فایده این جهانی بود حضرت صادق فرماید که دیدن عمارت کردن بخواب بر چهار

عماری

وجه بود اول صلاح این جهانی دوم خیر و برکت سیم کامرانی چهارم کشایش کارهای بسته عماری
ابن سیرین گوید اگر بیند که در عماری نشسته بود و آن عماری را بر اسب یا اشتر بسته بودند
دلیل بزرگی و منفعت بود اگر بیند که از عماری بیفتاد تاویل بخلاف این بود حضرت صادق
فرماید دیدن عماری بخواب بر هفت وجه بود اول بزرگی دوم عز و جاه سیم مرتبت چهارم پادشاهی

عمود

پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهتری عمود ابن سیرین گوید که دیدن عمود بخواب دلیل
بر مردی بود در راستی و درستی بعضی گویند دلیل بر سختی سخت بود اگر بیند که عمودی بر کسی زد
دلیل که سخنی سخت با کسی بگوید اگر عمود خود را آهنین بیند دلیل که از پادشاه قوت یابد اگر
بیند که عمود او ضایع شد تاویل بخلاف این بود حضرت صادق فرماید که دیدن عمود در خواب بر

عناب

سه وجه بود اول مردی راستی دوم سخنهای سخت سیم مهتری بزرگ زاده عناب دیدن عناب به
خواب مال بود اگر بیند که عناب بکسی داد دلیل که راحت بوی رساند اگر بیند که عناب داشت
و میخورد دلیل که بقدر آن مال یابد جابر گوید اگر در خواب بیند که عناب را از درخت جمع کرد

عنبر
دلیل که بقدر آن مال حاصل کند عنبر اگر ببیند که عنبر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد اگر
ببیند که عنبر بکسی داد دلیل که راحتی بوی رساند اگر ببیند که عنبر از وی ضایع شد دلیل که زیان
بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن عنبر در خواب بر چهار وجه بود اول منفعت دوم
عنقا
ولایت سیم کامرانی چهارم ثنای نیکو عنقا نوعیست از نواها چون چنگ ابن سیرین گوید اگر
ببیند که عنقا میزد دلیل که بباطل و سخن دروغ مخالف اضداد اگر ببیند که عنقا بشکست یا ضایع
عنکبوت
کرد دلیل که از دروغ توبه کند عنکبوت دیدن عنکبوت در خواب دلیل بر مردی ضعیف گمراه
بود اگر ببیند که عنکبوت را بگرفت دلیل که بر چنین مردی ظفر یابد ابرهیم گوید که دیدن عنکبوت
عود
بخواب دلیل بر مردی جولاه بود عود ابن سیرین گوید که دیدن عود در خواب دلیل بر مردی لطیف خو
بود اگر ببیند که عود در آذر بر خود دود کرد دلیل که از مردم ثنا یابد ابرهیم گوید اگر در خواب بیند
که عود خام داشت دلیل که از پادشاه عطا یابد هرچند که عود در خواب بیشتر بیند منفعت بیشتر
باشد حضرت صادق فرماید که دیدن عود در خواب بر چهار وجه بود اول مردی خوب روی و خوش سخن
عودسوز
دویم پادشاه بزرگ پارسا سیم شادافرین چهارم مال و منفعت عودسوز ابن سیرین گوید که عود
سوز بخواب دلیل غلام باشد یا کنیزک اگر ببیند که عودسوز داشت دلیل که غلام یا کنیزک حاصل
کند اگر ببیند که عودسوز را بکشت دلیل که غلام یا کنیزک بمیرد عورت اگر در خواب بیند که عورت
عورت
او ظاهر شد چنانکه مردم میدیدند دلیل که سر او ظاهر کردد اگر ببیند که عورت خود را بپوشید
دلیل که راز او پوشیده کردد اگر ببیند که عورت او برهنه بود و زود بپوشید چنانکه کسی ندید دلیل
عید
که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد بگزارد و اگر درویش بود ایمن کردد عید ابن سیرین گوید
اگر ببیند که عید قربان بود دلیل که او را با مردم عاقل کار افتد اگر ببیند که عید فطر بود دلیل
که از تنگی و اندوه رهایی بیند ابرهیم گوید اگر ببیند که عید بود و مردم آراسته از شهر بیرون آمدند
اگر از اهل شرف بودند دلیل که شرف ایشان زیاده کردد و اگر محبوس بود خلاصی یابد اگر ابجو را
نزدیک عید بیند دلیل که با مردی عاقل معامله کند که کارش بخوبی برآید اگر در خواب بیند
حرف الغین
که روز عید بود دلیل که کامکاری یابد که این به روز عید باز داشته که الیوم اکملت لکم
دینکم اگر این خواب را در اول سال بیند بهتر بود والله اعلم تم حرف العین من کتاب کامل

التعبیر

حرف الغین
غار
التعبیر غار دیدن ابن سیرین گوید اگر ببیند که در غاری شد و بیجا مقیم شد دلیل که از دنیا
برهد اگر ببیند که در غار رفت و بیرون آمد دلیل که بکاری سخت گرفتار کردد اگر ببیند که در غار
رفت و آن غار روشن بود دلیل که او را در زندان کنند و اگر غار را تنگ و تاریک بیند دلیل که
محبوس هلاک کردد غارت اگر در خواب بیند که مال او را غارت کردند دلیل که بسبب مال غم خورد
جابر گوید اگر ببیند که لشکر اسلام دیار کفر را غارت کردند دلیل که کافران را مصیبت رسد اگر
ببیند که لشکر کفر دیار اسلام را غارت کردند دلیل که اهل اسلام را رنج رسد حضرت صادق فرماید
غالیه
که غارت بخواب بر چهار وجه بود اول جنگ کردن دوم زیان مال سیم غم و اندوه چهارم رنج
از زنان غالیه ابن سیرین گوید که دیدن غالیه بخواب دلیل ادب با موردی بود اگر ببیند که غالیه بر
کسی مالید دلیل که آنکس از آن ادب و فرهنگ آموزد ابرهیم گوید که دیدن غالیه بخواب دلیل
حج بود و بعضی گویند که دلیل بر بها بود که از مهتری بود اگر در خواب بیند که غالیه داشت دلیل
که از زن یا از بازرگانی منفعت بوی رسد حضرت صادق فرماید که دیدن غالیه در خواب بر پنج
وجه بود اول ادب و فرهنگ دوم ثنا و آفرین سیم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و
غایب
منفعت غایب ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که غایبی از سفر باز آمد دلیل که کار بسته بروی
غبار
گشاده کردد اما غایب بعضی نیکو بود و خبرش بوی رسد جابر گوید اگر ببیند که غایبی از سفر
سواره باز آمد دلیل که آن غایب با مال و نعمت باز آید غبار اگر ببیند که غبار بر چیزی نشسته
بود که ملک وی بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند ابرهیم گوید اگر ببیند که روی او پر غبار بود
دلیل که وی را عقوبتی رسد قوله تعالی وجوه یومئذ علیها غبرة ترهقها قترة و اگر در خواب غبار
غربال
دارد در میان مال خود بیند دلیل که بقدر آن مال حاصل کند غربال ابن سیرین گوید که دیدن
غربال بخواب دلیل بر خادمی بود ممیز اگر ببیند که غربال نو داشت دلیل که او را خادمی یا کنیزکی
حاصل کردد اگر ببیند که غربال از وی ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا کردد ابرهیم گوید اگر
در خواب بیند که غله بغربال پاک میکرد یا غربال غله میکرد دلیل که کاری کند که مردم از آن راحت
بود و او را مضرت و اگر ببیند که ابجو پاک میکرد از آن او بود دلیل منفعت بود مر او را حضرت صادق
فرماید که دیدن غربال بخواب بر سه وجه بود اول خادم دوم پادشاه سیم شاگرد بزرگ

غرق شدن

غرق شدن ابن سیرین کوید اکر بیند که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که پادشاه او را هلاک
کند جابر کوید اکر بیند که اب ورا فرو برد و باز او را بالا برد دلیل که از کار دنیا بدست آورد
دست باز ندارد و را اخرت کو بید اکر بیند که ملکی یا جهانی پائی از او غرق شد دلیل که در کاری فرو
ماند و عاقبت رها یابد حضرت صادق فرماید که دیدن غرق شدن بخواب بر چهار وجه بود اول
بسیار دنیا دوم ابتلا در کارها سیم صحبت با مردم بد مذهب چهارم منفعت

غزا کردن

غزا کردن اکر کسی در خواب
بیند که در راه خدا غزا میکرد دلیل که بینوا کردد قوله تعالی و من یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض
مراغما کثیرا و سعة اکر بیند که وی از غزا بکرداند دلیل که منفعت از فرزندان و خویشان یابد
کبرد قوله تعالی فهل عسیتم ان تولیتم اکر بیند که بغزا رفت دلیل که فضل و بزرکی یابد قوله تعالی و
فضل الله المجاهدین علی القاعدین درجة اکر بیند که مردم اندیار بغزا رفتند دلیل عز و جاه
بود ان قوم را دشمن را هلاک کنند جابر کوید اکر بیند که تنها بغزا رفت و با کافران جنک کرد
دلیل که بر دشمن ظفر یابد و روزی حلال خورد اکر بیند که کافر بر وی حمله کرد دلیل که در طلب
روزی مشقت کشد اکر در خواب بیند که کافران در غزا بکشتند دلیل که عمر شدراز کردد و روزی
حلال یابد و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا الی اخره حضرت صادق فرماید دیدن غزا
کردن در خواب بر شش وجه بود اول خیر و برکت دوم سنت سوم خدا سیم ظفر یافتن بر دشمن چهارم
شفا از بیماری پنجم طاعت داشتن پادشاه عادل ششم غنیمت یافتن

غسل کردن

غسل کردن ابن سیرین کوید
اکر بیند که در اب رود یا در اب دریا غسل کرد دلیل بر رستکاری و دیانت او باشد و غم از ایل
کردد اکر این خواب را بیمار بیند دلیل که شفا یابد اکر وام دار بود بکذارد و اکر بندی بیند خلاص
یابد اکر بیند که باب کرم غسل کرد و بعد از ان دست فرو داشت دلیل که در رنجی بکند جابر
کوید اکر در خواب بیند که خود را از جنابت بشست دلیل که کارش تمام کردد ابرهیم کوید که دیدن
غسل کردن دلیل بر پاکی دین بود و هر زیاده و نقصان که در شستن جنابت بیند دلیل بر نا پاکی
دین او بود

غل

غل ابن سیرین کوید که دیدن غل دلیل کفر بود و میل کردن بنا حق اکر کسی غل در
کردن بیند بخواب کرداشت دلیل که کافر میرد و مسلمانی بدروغ کند ابرهیم کوید اکر بیند که
غل در دست داشت دلیل که بخیل بود قوله تعالی و قالت الیهود ید الله مغلولة و معبران کویند

غلاف

کهچون مردی صالح در خواب بیند که در کردن او غل بود دلیل که از کار دنیا دست بدارد
غلاف اکر در خواب بیند که شمشیر از غلاف بیرون کشید دلیل که زنش پسر اورد و غلاف
کارد همین دلیل دارد

غلام

غلام ابن سیرین کوید اکر بیند که غلام کسی شده بود دلیل که از کاری محنت
بجوید کردد جابر کوید که دیدن غلام بخواب دلیل شادی بود قوله تعالی و بشرناه بغلام حلیم حضرت
صادق فرماید اکر بیند که غلام یا کنیزک بعز وخت نیکو بود و اکر بیند که بخرید بد بود

غلبه کردن

غلبه
کردن اکر در خواب بیند که با خصم غلبه کرد و خیره شد دلیل که بر دشمن غالب کردد و اکر بخلاف
این بیند دشمن بر وی ظفر یابد غم ابن سیرین کوید که دیدن غم در خواب دلیل خرمی بود اما
اکر بیند که از غم رسته بود دلیل غم بود اکر بیند که غمکین بود دلیل خرمی بود

غنیمت

غنیمت ابن سیرین
کوید که دیدن غنیمت یافتن چون از مال کافران بود دلیل که در املاک نرخها کران شود و اکر بیند
که مسلمانان از دیار کافران غنیمت اوردند دلیل که در ان دیار نعمت ارزان شود

غوص

غوص اکر در خواب
بیند که بدریا غوص کرد و مروارید برآورد دلیل که بقدر ان علم و دانش حاصل کند یا از مال
سلطان چیزی بوی رسد اکر بیند که بدریا فرو رفت و هیچ بر نیاورد دلیل که بعلم اموختن
مشغول کردد و فایده نیابد جابر کوید اکر بیند که کوهری از دریا برآورد دلیل که عالم و دانا کردد
و از پادشاه منفعت یابد

غوک دیدن

غوک دیدن اکر بیند که غوک میخورد و بوت خود دلیل که مال حاصل
کند بمشقت ابرهیم کوید اکر بیند که غوک خورد دلیل که اندک مال کرد و اکر بیند که غوک
بعز وخت بخورد دلیل که هیچ اندوه بوی نرسد اکر غوک را در خواب بکوشت پخته بیند دلیل
که هیچ اندوه بوی نرسد تا و بال هستی بود والله اعلم

حرف الفاء

حرف الفاء من کتاب کامل التعبیر

فاخته

فاخته ابن سیرین کوید که دیدن فاخته در خواب دلیل بر زنی بود ناقص دین و بدمهر که با کس نسازد
اکر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بدین صفت بخواهد اکر بیند که بچه فاخته بکرفت دلیل
که فرزندی او را اکر بیند که کوشت فاخته خورد دلیل که بقدر ان مال یابد کرمانی کوید اکر بیند
که فاخته بر بام خانه او نشست و اواز کرد دلیل که از غایبی خبری خوش شنود حضرت صادق فرماید
که دیدن فاخته بخواب بر سه وجه بود اول زن دوم فرزند سیم خادم

فال

فال ابن سیرین کوید اکر بیند
که فال میکرفت و فالش نیکو بود دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اکر فالش بد بود تاویل بخلاف این بود

حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن فالکه بخواب بر سه وجه بود اول ظفر یافتن بر دشمن
فالوده
دوم بمراد رسیدن سیم روائی حاجات فالوده ابن سیرین گوید اگر بیند که لقمه فالوده میخورد دلیل
که سخن خوش بگوید اگر بیند که فالوده بره همی کوفت دلیل که از بهر وی کاری نیکو کند حضرت
صادق فرماید که دیدن فالوده بر چهار وجه بود اول سخن خوش دوم مالی که بر حمت حاصل کند
فتنه
سیم کاری نیکو چهارم کاری که بدشواری آید فتنه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که در جای
فتنه پدید آمد دلیل که فسق و فساد در آن ملک ظاهر گردد اگر بیند که فتنه از مقامی زایل شد دلیل
که اهل آن دیار بجا باز گردند حضرت صادق فرماید که اگر در خواب یکی از ده چیز بیند دلیل که
در آن موضع فتنه پدید آید اول تاریکی دوم آتش سیم باد سرخ چهارم باد گرم پنجم سیاهی آفتاب
ششم غبار هفتم باران بیوقت هشتم بر کندن درختها نهم ابر روی سرخ دهم پوشیدن جامهای زرد
فراخی
و سرخ فراخی ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که از مقامی تنگ بمقامی فراخ شد دلیل که کار
بسته او گشاده گردد و از غم برهد اگر در خواب بیند که خانه یا دکان فراخ شد دلیل که دولت
بروی فراخ گردد اگر بیند که مقامی بروی تنگ شد دلیل که معیشت بروی تنگ گردد فی الجمله
فراشی
دیدن فراخ شدن چیزهای تنگ در خواب دلیل گشایش کارها بود فراشی ابن سیرین گوید اگر بیند که
فراشی کرد دلیل بود بر زن دلاله که از برای مردم زن خواهد اگر بیند که فراشی میکرد دلیل که از
فرج
بهر خود یا از بهر دیگران زن خواهد فرج اگر در خواب بیند مردی که چون زنان فرج داشت دلیل
که خوار و رسوا گردد اگر بیند که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجتش از وی روا گردد و اگر دو زن
در خواب بیند که ایشان را یک فرج بود دلیل که ایشان زن یک مرد شوند ابرهیم گوید اگر زنی در
خواب بیند که فرج او آهنین یا مسین بود دلیل که از مرادها نا امید گردد اگر مردی بیند که فرج
زنش آهنین بود دلیل بود که آن مرد لوطی بود اگر فرج خود را بریده بیند دلیل که دشمن بروی
ظفر یابد جابر گوید اگر زنی بیند که از فرج او ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید اگر بیند
که از فرج او موشی بیرون آمد دلیل که دختری آورد نابکار اگر بیند که کودک از فرج او بیرون آمد
دلیل که فرزندی آورد دزد اگر بیند که ماری بیرون آمد یا کژدمی دلیل که فرزند او دشمن گردد
اگر بیند که نان بیرون آمد دلیل که مفلس گردد اگر زنی بیند که کنیزی از فرج او بیرون آمد دلیل

حرف الفا

ز شوهر او را دوست دارد اگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که در حالت حیض شوهر
با او نزدیکی کند اگر زنی بخواب بیند که از فرج او دیو بیرون آمد دلیل که فرزند او معلول بود
اگر بیند که آب صافی بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید صالح و اگر آب تیره بود بخلاف این است
دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که از فرج او آتش بیرون آمد دلیل که فرزند او جهانگیر گردد اگر بیند که
شخصی فرج او را بدید دلیل که از آنکس منفعت بیند اگر بیند که از فرج او شوی برآمده بود دلیل
که بسبب فرزندان اندوهگین گردد اگر بیند که فرجش آماسیده بود دلیل که مال یابد اگر بجای
فرجش قضیب بود و آبستن بود دلیل که پسری آورد حضرت صادق فرماید اگر بیند که از فرج او
فرجی
مروارید یا گوهر بیرون آمد دلیل که فرزند او عالم و پارسا بود فرجی ابن سیرین گوید اگر بیند
که فرجی فراخ و پاکیزه پوشیده داشت دلیل که از نعمتها فرج یابد اگر فرجی را کهنه و چرکن بیند تاویل
بخلاف این بود ابن سیرین گوید که دیدن فرجی دیبا بخواب کسی که دیبا پوش بود نیک بود و مردم
پارسا را بد باشد و فرجی بر دیبا بخواب دیدن دلیل منفعت بود و فرجی پشمین و کرباسین دلیل
بر قوت دین بود جابر گوید اگر بیند که فرجی نو و پاکیزه پوشیده بود دلیل که دین دار و پارسا
بود اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل خیر بود اگر فرجی را کبود بیند دلیل مصیبت بود
فرزند
فرزند ابن سیرین گوید اگر بیند که او را دختری آمد دلیل سلامتی بود و از اهل خود شاد
گردد اگر بیند که او را پسری آمد دلیل که او را دختری آید اگر بیند که دختر آورد دلیل که پسر
آورد ابرهیم گوید اگر بیند که طفلی را جائی افکنده بودند و او باز یافت دلیل که از جائی که امید
فرعون
ندارد چیزی بوی رسد فرعون ابن سیرین گوید اگر بیند که از فرعونیان یا از پادشاهان ستمکار
فرمودن
یکی در شهری فرود آمد و مقام کرد دلیل که آن سیرت فرعون در آن دیار ظاهر گردد فرمودن
ابن سیرین گوید اگر گفتند بکسی در خواب که دیگ بگردان تا نسوزد دلیل که کاری کند بر حمت اگر
بیند که با وی گفتند که نان بشکن دلیل آنکه برادران را نگاه دارد دانیال گوید اگر بیند که او را
گفتند که میان در بند دلیل که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که با و گفتند که با آتش گرم شو دلیل که
فروختن
مال خود را نگاه دارد تا درویش نگردد اگر بیند که با و گفتند چیزی بخور اگر شیرین بود دلیل
که حلال خورد فروختن ابن سیرین گوید اگر بیند که مصحف بفروخت دلیل که مسلمانی ایشان خواد

بود و بدان که هرچه در راه دین عزیز بود فروختن آن بخواب بد بود اگر بیند که چیز بفروخت
مثل غلام خود دلیل که بدنام گردد جابر گوید اگر بیند که چیز بفروخت دلیل که آن چیز خوار

فرود آمدن

گردد فرود آمدن ابن سیرین گوید اگر بیند در خواب که از بامی یا از کوهی فرود آمد دلیل که در
بزرگی و مالش نقصان شود اگر بیند که از بلندی بزیر آمد دلیل که بقدر بلندی او را نقصان مال
بود اگر بیند که از نردبانی از تخت و کل فرود آمد دلیل که در بزرگی خلل گردد و اگر آن نردبان از

فرو نشستن

سنگ یخ بود دلیل که دین او بنفاق بود فرو نشستن ابن سیرین گوید که دیدن فرو نشستن
در خواب فروتنی که چیز و صلاح بود دینا و بیل نیک بود و فرو نشستن که شر و فنا بود بد بود
ابرهیم گوید دیدن فروتنی که در تن بود دلیل که مال و خواسته بود اگر بیند که از آن فروتنی

فستق

که در تن او بود او را مضرت رسید دلیل بر نقصان مال و بیماری بود فستق ابن سیرین گوید که
دیدن فستق در خواب مال و خواسته بود اگر بیند که مغز فستق داشت دلیل که بقدر آن از

فقاع

بخیلی مال یابد فقاع ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که فقاع میخورد دلیل که از خادمی راحت
یابد اگر بیند که فقاع بکسی داد دلیل که مال خود بوی دهد جابر گوید که خوردن فقاع در خواب
دلیل بر خدمت کردن مردی سفله بود اگر بیند که فقاع شیرین خورد دلیل که از آن سفله منفعت
یابد و اگر فقاع ترش بود دلیل که از وی مضرت یابد حضرت صادق فرماید که دیدن فقاع بر

فقیه

چهار وجه بود اول منفعت دوم بوسه دادن سیم خدمت کردن چهارم مردی سفله فقیه ابن
سیرین گوید اگر جاهلی در خواب بیند که فقیه شده فاضل دلیل که ببلائی مبتلا گردد و اگر بیند

فلاخن

عالم بود شرف و بزرگی یابد و نامش در اطراف منتشر گردد اگر عامی بیند که فقیه فاضل شد
دلیل که یار زن گردد و اگر بیننده عالم بود قاضی گردد فلاخن ابن سیرین گوید اگر بیند که سنگ
فلاخن بکسی انداخت دلیل که بر آن کس نفرین کند و دیدن سنگ فلاخن انداختن دلیل بر سخن ناحق

فلوس

بود که بگوید فلوس ابن سیرین گوید اگر بیند که فلوس بسیار داشت دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند

فندق

که فلوس از خود جدا کرد دلیل که از غم برهد فندق ابن سیرین گوید که دیدن مغز فندق
دلیل مال بود اگر بیند که فندق بسیار داشت دلیل که از بخیلی منفعت یابد فنک ابن سیرین

فنک

گوید دیدن فنک در خواب دلیل مردی توانگر غریب بود گوشت و پوست و استخوان او را بخواب

دیدن مال و خواسته بود اگر بیند که با فنک جنگ کرد دلیل که با غریبی خصومت کند اگر بیند که فنک

فواق

را بکشت و پوستش را بکند دلیل که مال غریبی را تلف کند فواق ابن سیرین گوید اگر بیند که
او را فواق بود دلیل که سخنی ناسزا گوید ابرهیم گوید اگر بیند که بوقت نان خوردن او را فواق

فوجه

پیدا شد دلیل که بیمار گردد فوجه خمیر خشک بود که ابکامه از آن گیرند ابن سیرین گوید اگر بیند که
فوجه میخورد دلیل رنج و غم بود اگر بیند که فوجه میخورد دلیل که متفکر گردد و نیز گویند دیدن

فوطه

فوجه بخواب دلیل بیماری بود فوطه ابن سیرین گوید اگر بیند که جامه از فوطه داشت دلیل شادی
و آسانی بود اگر آن فوطه را کهنه بیند تاویل بخلاف این بود جابر گوید اگر بیند که جامه از فوطه پوشید

حرف القاف

بود و بیننده مستور بود تاویل نیکو بود و اگر بیننده مفسد بود دلیل بد بود ابرهیم گوید اگر
پادشاهی بخواب بیند که جامه از فوطه پوشیده بود دلیل بر عدل او بود و اگر قاضی بیند دلیل

قاضی

که قضا براستی بدهد و اگر مشرکی بیند دلیل که مسلمان شود **حرف القاف من کتاب کامل**
التعبیر قاضی ابن سیرین گوید اگر بیند که قاضی شد و بیننده اهل آن نبود دلیل که ببلائی
گرفتار گردد و مالش از دست برود و اگر بیننده عالم بود دلیل که قاضی گردد دانیال گوید اگر
در خواب قاضی بیند دلیل که بعز علما برسد و اگر قاضی مجهول بیند دلیل که با حق تعالی بود قوله تعالی
والله یحکم لا معقب لحکمه جابر گوید اگر در خواب بیند که قاضی بر وی حکم کرد دلیل که درد بیند از جنان
بود اگر بیند که قاضی بنظر شفقت در وی نگاه کرد دلیل که منفعت بیند و اگر بخشم بیند دلیل

قافله

غم و اندوه بود قافله ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که با قافله در راه بود دلیل منفعت بود
اگر مصلح بود دلیل رحمت بود اگر مفسد بود دلیل خیر است اگر دید که در قافله سوار بود دلیل که بمراد
برسد اما اگر پیاده بود و مفلس تاویل بخلاف این بود ابرهیم گوید اگر بیند که قافله بسوی خانه

قالب

رفت دلیل که کار بر بیننده بروی گشاده گردد و اگر بخلاف این بیند بخلاف است قالب ابن سیرین گوید
اگر کسی در خواب بیند که قالب کفش یا قالب موزه داشت دلیل که خادمی حاصل کند اگر بیند که
قالب از وی ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا گردد اگر بیند که قالب بسیار داشت دلیل که از

قالی

خادمان منفعت یابد خاصه بیننده خواب موزه دوز یا کفشگر بود قالی ابن سیرین گوید اگر بیند
که قالی گسترده بود و ندید دانست که طول و سعت دلیل که عمرش دراز بود و روزی بروی فراخ

گردد و اگر ببیند که بر قالی نشسته بود نداند که جای کیست دلیل که حالش متغیر گردد و کرمانی گوید اگر
در خواب بیند که بر قالی کوچک نشسته بود دلیل که عمرش کوتاه بود و اگر ببیند که آن قالی
کوچک بود زیر او دراز شد دلیل که روزی بروی فراخ گردد اگر ببیند که قالی نوشته و بکنج خانه
نهاد دلیل که اقبال خود را بدست خود کند دانیال ع گوید اگر در خواب بیند قالی سبز و پاکیزه
دلیل جمعیت بود در دین و دنیا و اگر قالی را در خانه دیگران بیند که اندک تر بود دلیل که
سفری کند و از آن سفر منفعت دنیا حاصل کند

قبا ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که
قبای نو پوشیده اگر کار بر دلیل که از غم برهد اگر ببیند که قبائی از خز پوشیده بود دلیل
که از بزرگی منفعت یابد امّا در دین مکروه بود مردان را مگر آنکه در جنگ با سلیح جهادی میپوشند
ابرهیم گوید اگر در خواب بیند که قبای سفید پوشیده بود دلیل بر روشنائی بود و اگر قبا را
زرد بیند دلیل بیماری بود و اگر سرخ بیند دلیل منفعت بود و اگر قبای کبود بیند دلیل
مصیبت بود و اگر قبای سیاه بیند کهنه دلیل که زن را طلاق دهد اگر در خواب بیند که قبای
پوستین بسته داشت دلیل که زنی توانگر خواهد و از وی منفعت یابد حضرت صادق ع فرماید که
دیدن قبا در خواب بر شش وجه بود اوّل پناه دوم قوت سیم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم
ریاست کردن شهری

قبله ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که سوی مشرق نماز کرد دلیل که مر
بدین رسول ع ندارد اگر بیند که پشت بقبله نماز کرد دلیل که در راه دین صادق بود و توفیق
طاعت یابد

قدح ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که قدحی پر آب یا جلاب داشت و از آن بخورد
دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و از ایشان فرزندی پارسا آیدش حضرت صادق ع فرماید که
دیدن قدح در خواب بر سه وجه بود اوّل زن دوم کنیزک سیم خادم حوائج دار

قدید ابن سیرین
گوید اگر در خواب بیند که گوشت گوسفند قدید کرده داشت دلیل غنیمت بود و اگر گوشت اسب
بود مردم او را عیب کنند و خوردن گوشت قدید در خواب خیری نباشد

قرآن خواندن اگر
در خواب بیند که آیت رحمت میخواند دلیل بشارت بود از حق تعالی پس شکر باید کرد و اگر ببیند که آیت عذاب
میخواند دلیل خشم حق تعالی بود پس توبه باید کرد ابرهیم گوید اگر ببیند که بنماز قرآن بخواند دلیل
که بیم از عمر او گذشته باشد اگر ببیند که حافظ قرآن شد دلیل که علم و امانت نگهدارد و اگر ببیند

که آواز

حرف القاف

که آواز قرآن خواندن شنید دلیل که دینش قوی گردد جابر گوید اگر ببیند که قرآن را ختم کرد دلیل
که مرادها یابد و بعضی گویند آخر عمر او بود و اگر ببیند که قرآن را بلند میخواند دلیل که کارش بلند
گردد اگر ببیند که کدام آیه خواند تفسیر آن آیه تعبیر خواب او بود اگر ببیند که یک سبع قرآن بخواند دلیل
که از غم برهد اگر کسی ببیند که در خواب قرآن میخواند و نمیداند و نمیتواند خواندن دلیل که اجلش
نزدیک بود قوله تعالی اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا حضرت صادق ع فرماید که خواندن
قرآن در خواب چهار وجه بود اوّل سلامتی یافتن از آفتها دوم توانگری سیم مراد دل و کام یافتن
چهارم پرهیزکاری فرمودن از مناهی خدای تعالی

قربان کردن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند
که اشتری یا گوسفندی قربانی کرد اگر بنده بود آزاد گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر
وامدار بود رستگاری یابد و حج اسلام بگذارد و اگر ترسیده بود ایمن گردد و اگر در تنگی بود فراخی
یابد و اگر این خواب را در نزدیک عید قربان بیند دلیل که اثر آن بیشتر بود ابرهیم گوید اگر بیند
که گوشت قربانی خورد دلیل منفعت بود اگر ببیند که گوشت قربانی قسمت کرد بمردم دلیل که مردی
محتشم را بجای پدر و مال او را قسمت کند جابر گوید که دیدن قربان کردن در خواب دلیل نجات
بود قوله تعالی فبشرناه باسحق نبیا من الصالحین حضرت صادق ع فرماید که دیدن قربان کردن بر
چهار وجه بود اوّل ایمن شدن از ترس دوم یافتن مراد و حاجتها سیم خیر و برکت چهارم زوال قحطی و
تنگی

قرابه ابن سیرین گوید که دیدن قرابه در خواب دلیل بر پراکندگی بود و مال ناخواسته بدو
رساند اگر در قرابه چیزی بیند که مستی کند دلیل که آن حرام خواره بود جابر گوید اگر ببیند که قرابه
داشت دلیل که او را پاکیزه پیری صحبت کند اگر ببیند که از آن قرابه آب یا جلاب بخورد دلیل که از آن
کس بهره منفعت یابد اگر ببیند که چیزی ترش بود غم و اندوه باشد اگر قرابه را تهی ببیند دلیل که هیچ
خیر و شر بدو نرسد اگر ببیند که قرابه بشکست دلیل که از آن کس بهره خلاص یابد

قرنفل ابن سیرین
گوید که دیدن قرنفل بخواب دلیل بزرگی بود و ثنای نیکو اگر ببیند که قرنفل بسیار داشت و بهر کس
میداد دلیل که اهل ایشان ثنای او گویند اگر ببیند که قرنفل میخورد دلیل مصیبت بود

قز ابن
سیرین گوید که دیدن قز و ابریشم در خواب چون سفید بود دلیل منفعت بود اگر زرد بود دلیل
بیماری باشد و دیدن ابریشم در خواب پخته بهتر از خام بود اگر ببیند که قز یا ابریشم او ضایع شد

قسط
قسمت کردن
قصاب
قصر
قضیب
قطایف
قطران
قفای

دلیل زیان بود اگر قرص عسل ببیند دلیل منفعت باشد و دیدن جام قزح خوردن بهشت و دلیل کرامت
بود و زنان را نیکو بود قسط ابن سیرین گوید اگر ببیند که قسط در زیر خود مجبوس دلیل که مردم او را
ثنا گویند و نامش در جهان منتشر گردد به نیکی اگر ببیند که دو دان کنده و ناخوش بود تاویل بخلاف
این بود جابر گوید اگر ببیند که قسط میخورد دلیل که غمگین گردد قسمت کردن ابن سیرین گوید اگر ببیند که
در میان خلق قسمت براستی کرد دلیل که با خلایق انصاف کند و اگر ببیند که مال خود را بخیر و صلاح
قسمت کرد دلیل که فرزند خود را زن خواهد اگر ببیند که مال خود را بشر و فساد قسمت کرد دلیل که
حالش پراکنده گردد اگر ببیند که مال کسی را برضای او قسمت کرد دلیل که صلاح و فساد ان بوی باز
گردد قصاب ابن سیرین گوید که دیدن قصاب چون مجهول بود دلیل بر ملک بود اگر در خواب بیند
که قصابی در سرای او بامد گوسفند او را کشت دلیل که در ان جا کسی بمیرد اگر ببیند که قصابی منکر و قصاب
بود دلیل که کسی را بکشد یا مجروح کند و ملال ببیند قصر ابن سیرین گوید اگر ببیند که از بهر مردم
قصر میکند دلیل که از ترس ستمکاران ایمن گردد کرمانی گوید اگر در خواب ببیند که از بهر مردم
قصر میکند دلیل که مرادش براید اگر ببیند که قصر خیر و صلاح میکند دلیل که در بیداری همان
ببیند و اگر قصر شر و فساد کند دلیل که در بیداری چنان ببیند قضیب قضیب بتاویل شاخ درخت
بود ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که او را شاخ درختی دادند یا دهنده شاخ معروف بود دلیل
که از انکس منفعت یابد و اگر دهنده مجهول بود دلیل که از بیگانه منفعت یابد و اگر ان شاخ را خشک
ببیند هیچ خیر و فساد باو نرسد قطایف اگر ببیند که قطایف از شکر و بادام میخورد دلیل که مال
بسیار یابد و اگر از مغز جوز هندی ببیند که با دوشاب خورد دلیل که منفعت ان کمتر بود حضرت صادق
فرماید دیدن قطایف بر چهار وجه بود اول سخن لطیف دوم مال حلال سیم نعمت چهارم منفعت قطران
ابن سیرین گوید اگر ببیند که قطران داشت دلیل که بعد ان مال حاصل کند اگر تن خود را باشر
بقطران الوده کرد دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بلائی گرفتار گردد قفای ابن سیرین
گوید اگر ببیند که سیلی بر قفای او زدند چنانکه اماس کرد دلیل که از انکس منفعت یابد اگر بر قفای
خود موی بسیار ببیند دلیل که وام دار گردد اگر ببیند که موی از قفا خود بسترد دلیل که وامش
گذارده کرد ابراهیم گوید اگر در خواب ببیند که او را سیلی بر قفا زدند چنانکه خون روان شد دلیل

حرف القاف
قفس
قفل
قلعه
قلم
قلیه
قمع

که با کسی خصومت کند و زیان یابد جابر گوید اگر دید که روغن بقفا آغشته بود دلیل که منافق بود
قفس ابن سیرین گوید اگر ببیند که قفسی داشت دلیل که در جای تنگ گرفتار گردد و معبران گویند
گرد زندان اتش کند اگر ببیند که قفس بشکست دلیل که از زندان خلاص گردد حضرت صادق فرماید
دیدن قفس در خواب بر سه وجه بود اول زندان دوم جای تنگ سیم خانه قفل ابن سیرین گوید
اگر در خواب ببیند که قفل بگشاد دلیل که کارها بروی گشاده گردد و ممکن که حج کند اگر ببیند که
قفل را نتوانست گشود دلیل که کارش بتانی براید حضرت صادق فرماید که دیدن قفل در خواب
بر پنج وجه بود اول ساختن کار دوم حجت سیم شفعت چهارم زن پنجم اعتماد کردن بر مصلحتی که بوی
پیوندد قلعه دیدن قلعه بخواب در حرف دال گفته شده قلم معبران را در تاویل قلم خلافست
ابن سیرین گوید که دیدن قلم بخواب بتاویل امر حق است و حقتعالی بقلم و لوح جابر گوید که دیدن
قلم بخواب بتاویل فرشته است که بفرمان حقتعالی کار کند اگر در خواب قلم را بدان صورت که
هست ببیند دلیل که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و مراد خود بیابد قوله تعالی ن والقلم وما
یسطرون اگر در خواب ببیند که قلم را بدست گرفت دلیل که او را فرزندی اید عالم و عاقل اگر
ببیند که بقلم چیزی نوشت دلیل که علم اموزد و مال حاصل کند علم بالقلم علم الانسان ما لم
یعلم حضرت صادق فرماید که دیدن قلم بخواب بر پنج وجه بود اول امر حقتعالی دوم فرشته
سیم توانگری چهارم حقیقت کردارها پنجم فرزند و قلم را بزبان عربی خامه گویند و در حرف خا
بعضی را گفته ایم قلیه ابن سیرین گوید که دیدن گوشت قلیه که باب پخته باشد بهتر بود که بی اب
و هر چند طعم قلیه در خواب خوشتر ببیند منفعتش بیشتر بود اگر ببیند که قلیه از گوشت گاو فربه خورد
دلیل که ان سال از ترس ایمن گردد و اگر قلیه از گوشت نزار ببیند منفعت ان کمتر بود اگر ببیند
که قلیه از گوشت اسب خورد دلیل که از پادشاه منفعت یابد اگر ببیند که قلیه از گوشت ماهی خورد
دلیل که از سفر مال حاصل کند اگر ببیند که قلیه از گوشت اشتر خورد دلیل که از بزرگی مال حاصل کند
ابراهیم گوید اگر ببیند که قلیه از گوشت چهارپایان خورد که گوشتشان حلالست دلیل که مال حلال
خورد و اگر از گوشت چهارپایانی بود که گوشتشان حرام است دلیل بر مال حرام بود قمع ابن سیرین
گوید که دیدن قمع بخواب دلیل غلام بود یا کنیزک اگر ببیند که قمع بسیار داشت دلیل که غلام

خود یا کنیزک اگر بیند که قمع او ضایع شد دلیل که غلام یا کنیزک او جدا شوند قند ابن سیرین گوید
اگر بیند که قند خورد دلیل که تعجیل کاری کند و از آن پشیمان گردد اگر بیند که بخروار قند داشت
دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اگر بیند که قند بفروخت دلیل زیان بود و خریدن قند بهتر
از فروختن بود قندیل ابن سیرین گوید که دیدن قندیل افروخته دلیل بر توفیق عبادت بود اگر
بیند که در خانه یا در دکان او قندیل و بختر با افروخته بود دلیل که او زن صالحه بخواهد اگر این
خواب بازنی بیند دلیل که طاعت بسیار کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن قندیل افروخته
بخواب چهار وجه بود اول زن خواستن دوم توفیق طاعت سیم عز و دولت چهارم گشایش کارها
قنوت ابن سیرین گوید اگر بیند که دعاء قنوت خواند دلیل که حاجتش روا گردد و مردم ثنای او
گویند جابر گوید که خواندن قنوت در نماز مردم مصلح را روا شدن حاجت باشد و گشایش کارهای
اخرت و مردم مفسد را دلیل بر گشایش کارهای دنیاوی از بزرگان قیامت ابن سیرین گوید اگر بیند
که قیامت برخواسته بود دلیل که در آن دیار حق تعالی عدل بگستراند و اگر اندیار ظالم باشند دلیل
که حق تعالی ایشان را ابتلائی مبتلا گرداند و اگر مظلوم باشند دلیل که بر ظالمان نصرت یابند ابرهیم
گوید اگر بیند که علامتی از علامات قیامت ظاهر شد چنانکه افتاب از مغرب پیدا شد یا دجال
پیدا شد یا یاجوج و ماجوج پدید آمدند دلیل که بتوبه باز گردند اگر بیند که کوهها بشکافت
و مرده کان برآمدند دلیل بر دشمنان ظفر یابد اگر بیند که در شمارگاه بود دلیل بر غفلت بود
قوله تعالی اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون اگر در خواب بیند که شمار باوی بکردند
دلیل زیان بود قوله تعالی وحاسبناها حسابا شدیدا اگر در خواب بیند که کردار او را بسنجیدند
و نیکی بیشتر آمد دلیل که عاقبت کار او نیک بود قوله تعالی فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون
اگر بیند که بدی او بیشتر آمد دلیل که سرانجام کار او بد بود قوله تعالی ومن خفت موازینه فاولئک
الذین خسروا انفسهم اگر بیند که نامه اعمال بدستش دادند و گفتند بخوان اگر بیننده مصلح بود
کارش نیکو گردد و اگر مفسد بود کارش بد بود قوله تعالی اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا
اگر بیند که بر صراط ایستاده بود دلیل بر راه راست بود حضرت صادق ع فرماید دیدن صراط در
خواب بر چهار وجه بود اهل صلاح را اول رستکاری دوم فرج از غم سیم ظفر یافتن بر دشمن چهارم دوم

قند
قندیل
قنوت
قیامت

اقبال

اقبال و خاتمت با سعادت اما اهل فساد را تاویل بخلاف این بود قی ابن سیرین گوید که دیدن
قی در خواب دلیل روزی بود اگر بیند که قی در داشت دلیل که بقدر آن مال یابد اگر بیند که قی
میخورد دلیل که بقدر آن چیزی حرام خورد دانیال ع گوید اگر کسی در خواب بیند که قی کرد
و آسان بروی آمد دلیل که از گناه توبه کند و اگر قی نتوانست کرد دلیل که دنیا بوی برسد و بعضی
گویند دلیل مصیبت باشد و تاوان مال بود ابن سیرین گوید اگر بیند که قی کرد و خون برآمد دلیل
زیان بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن قی کردن در خواب بر شش وجه بود اول توبه کردن
دوم پشیمانی از کارها سیم مضرت چهارم فرج از غم پنجم امانت باز دادن ششم گشایش کارهای
بسته اگر بیند که قی کرد و همچنان باز خورد دلیل که چیزی بکسی بخشیده باشد باز ستاند والله
اعلم حرف الکاف من کتاب کامل التعبیر کاجی ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که
کاجی با شکر و بادام و کنجد خورد دلیل که بقدر آن از بزرگی منفعت یابد و اگر بعسل خورد همچنین
بود و اگر بماست و روغن خورد دلیل که منفعت کمتر بود اگر بیند که کاجی با چیزی ترش خورد دلیل
غم و اندوه بود کارد ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که کارد در دست داشت و آن که
ملک او نیست دلیل که او را پسر آید و اگر بیند که با کارد سلاحی دیگر داشت دلیل بزرگی بود و
بعضی گویند تاویلش آنکه غلامی حبشی بخرد جابر گوید اگر بیند در خواب که کارد از غلاف بکشید
دلیل که زنش پسری آورد اگر بیند که کارد در غلاف بشکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان او
بمیرد اگر بیند که بکارد چیزی میتراشید دلیل که بیکاری مردم کند اگر بیند که کارد دو دی (?) ناک
یا عیبی در وی پیدا گردید دلیل بر نقصان مال بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن کارد در خواب
شش وجه بود اول محبت دوم فرزند سیم ظفر چهارم پناه پنجم توانائی ششم ولایت کارزار
ابن سیرین گوید که دیدن کارزار در خواب دلیل بر علت طاعون بود اگر بیند که در کارزار
دشمن را قهر کرد دلیل که از علت طاعون برهد اگر بیند که دشمن بروی غالب گردید دلیل که در آن
علت بماند کاردی (?) ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که کاردی میکرد و کاردی سود دلیل
که از گناه توبه کند و توفیق طاعت یابد تیر اگر چون جامه بتاویل غم است و کاردی پاک کنند غم
حرکت پس دلیل بحق باز گردد ابرهیم گوید اگر بیند در خواب که جامه وی ببرید دلیل لغو

قی
قی
حرف الکاف
کاجی
کارد
کارزار
کاردی

بشکند اگر بیند که جامه از شستن سفید شده دلیل که توبه نصوح کند اگر بخلاف این بیند
دلیل که پیوسته در گناه بود جابر گوید که دیدن گازر بخواب دلیل بر مردی بود که بر دست او احسان
و خیرات رود و ثواب یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن گازر بخواب دلیل بر مردی بود که غم
از دلها ببرد و بعضی گویند شستن جامه در خواب دلیل که از غم برهد یا از گناه توبه کند نجاست
جامه را پاک شوید

کار دنیا

کار دنیا ابن سیرین گوید اگر بیند که کار دنیا میکرد دلیل که کار آخرتش
در نقصان بود اگر بیند که کار آخرت کرد دلیل که کار آخرتش در راست بود اگر بیند که کار
دنیائی او راست شده بود دلیل که اجلش نزدیک بود اگر بخلاف این بیند دلیل که عمرش دراز
بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که اگر کار دنیای او بر هم آمد بغایت نیکو بود

کاروان

کاروان ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند در خواب که با کاروانی در راه بود و اهل کاروان مصلح بودند دلیل خیر و
صلاح بود ندد اگر مفسد بودند دلیل شر و فساد بود ابرهیم گوید اگر در خواب بیند که با
کاروان بخانه خود میرفت دلیل که کارها بروی کشاده کردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بستگی
کار بود اگر بیند که با کاروان سواره میرفت و برگی تمام داشت دلیل که نعمتی تمام حاصل کند

کاریز

کاریز ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در جای کاریز میکند معروف دلیل که با مردم خود
مکر سازد این تاویل وقتی بود که آب پدید نشده بود اما چون پدید آمد و روان شد حکم
تاویل آن بنکاح کند ابرهیم گوید اگر بیند که از کاریز آب روان شد دلیل که مال بحیله جمع
کند اگر بیند که در کاریز افتاد دلیل که بمکر و حیله گرفتار گردد جابر گوید اگر بیند که باغ را از
کاریز آب داد دلیل که با زن خود مجامعت کند

کاسه

کاسه ابن سیرین گوید که دیدن کاسه چوبین
بخواب چون خوردنی در وی بود دلیل که از سفر روزی حلال یابد اگر کاسه را تهی بیند
دلیل بر فقر و ماندگی بود دیدن کاسه در خواب دلیل بر خادمی بود که بر دست او خیرات بود اما
کاسه سیمین و زرین چون خوردنی در روی بود دلیل بر روزی حرام بود و کاسه قلعی و سفید
روی دلیل بر روزی شبهه زده بود و کاسه بکینه دلیل بر زن بود ابرهیم گوید اگر بیند که
در کاسه چیزی خوش بود و در بخورد دلیل منفعت بود و اگر چیزی ترش بود دلیل غم و اندوه
بود و دیدن کاسه تهی در خواب دلیل بر فقر و ماندگی و مفلسی بود

کاغذ

کاغذ ابن سیرین گوید

اگر بیند که کاغذ

حرف الکاف

اگر بیند که کاغذ سفید پاکیزه داشت دلیل که بقدر آن مال یابد و بزرگی اگر بیند که کاغذ
او در آب افتاد و یا بسوخت دلیل نقصان مال و بزرگی بود جابر گوید اگر در خواب بیند که کاغذ
بسیار داشت دلیل که در علم و فضل شهرت کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن کاغذ بخواب سه
وجه بود اول مال حلال دوم کسب معیشت سیم کام دل یافتن

کاهو

کاهو اگر کسی بیند که کاهوی
شیرین خورد دلیل غم و اندوه بود و اگر کاهو تلخ بود دلیل بر زیان بود

کاورس

کاورس ابن سیرین
گوید که دیدن کاورس در خواب دلیل مال خواسته بود و خوردن کاورس همان تاویل دارد
اگر بیند که کاورس بپزد و خورد دلیل مضرت بود

کاو

کاو دانیال گوید اگر بیند که بر کاو نشسته بود
دلیل عمل بود از قبل پادشاه اگر ملک او بود اگر کاوی نر ببیند در خانه او آمد دلیل که حق تعالی
در خیر بروی کشاید اگر بیند که کاو او را سر بود دلیل که غلامش هر سری یکسال عمل کند
کرمانی گوید اگر بیند که کوشت کاو نر داشت و فروخت دلیل بر خرید و فروخت و سود او را بود
اگر بیند که کاو نر در خانه یا کوچه او آمد دلیل خیر و برکت بود اگر بیند که کاو نر او را بسر و زد
و بیفکند اگر بیننده عمل دار بود معزول گردد و اگر بازرگان بود دلیل بر نقصان مالش اگر
پادشاه بود دلیل که از پادشاهی بیفتد جابر گوید اگر بیند که کاوی نر از آن کاوان را بکشتند
و کوشت او را قسمت کردند دلیل که بزرگی را در آنجا بکشند و مال او را ببرند اگر بیند که کاوان زمین
را میشکافتند دلیل که مال بسیار یابد اگر بیند که با کاوان نر جنگ کرد دلیل که او را با بزرگی
خصومت افتد ابن سیرین گوید اگر بیند که ماده کاو فربه داشت و دانست که ملک او بود دلیل که
در آن سال فراخی نعمت یابد اگر ماده کاو لاغر بود بخلاف این بود و کوشت کاو ماده دیدن دلیل
مال بود و پوست او دلیل بر میراث بود اگر بیند که ماده کاو بزاد و شیر آن بخورد دلیل
که مال او زیاده شود اگر این خواب را بنده ببیند آزاد کردد اگر دلیلی ببیند عزیز کردد اگر کاو را
آبستن بیند دلیل امیدواری بود اگر بیند که کاوی فربه بخرید دلیل که زنی توانگر بخواهد
اگر بیند که ماده کاوی بخرید با او سخن کفت دلیل که عیش بروی فراخ کردد اگر بیند که با ماده
کاوی جنگ کرد و او را بکریزانید دلیل که با زن خود خیانت کند اگر بیند که ماده کاوی در خانه او آمد
دلیل بر مال و نعمت کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن ماده کاو در خواب بر شش وجه

بود اول عزمان دوانی دوم ماه سیم بند کی چهارم ریاست پنجم سال نیکو ششم منفعت بسیار که بدو

کاو دشتی

رسد کاو دشتی ابرهیم کوید که دیدن کاو دشتی بخواب دلیل مردی توانکر بود اکر بیند که کاو
دشتی یاد و شکار بکرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال یابد اکر بیند که بچه کاو دشتی بکرفت

کاو میش

دلیل که او را فرزندی اید اکر بیند که کوشت کاو دشتی خورد دلیل که دولت و قوت یابد کاو میش

کاو چشم

ابن سیرین کوید که دیدن کاو میش بخواب مردی توانکر بود و تاویلش کاوان دیکر بود کاو چشم
کیاهیست ابن سیرین کوید که دیدن آن بخواب دلیل بر کنیزک بود جابر کوید اکر در خواب کیاه کاو
چشم را بوقت خود بیند بر درخته دلیل که او را فرزندی اید اکر بیوقت بیند بتاویل بد بود اکر در

کاو زبان

خواب کاو چشم را بزهره بیند دلیل که غمکین کردد کاو زبان ابرهیم کوید که دیدن کاو زبان بخواب
دلیل کفتکو بود و در دیدن و خوردن او چیزی بنباشد ابن سیرین کوید که دیدن کاو زبان

کوشت پخته

دلیل بر کفتکو کند کوشت پخته ابن سیرین کوید که دیدن کوشت پخته در خواب بهتر از خام بود یا
کباب اکر بیند که کوشت کوسفند پخته خورد دلیل که بقدر آن مال یابد برنجه اکر بیند که کباب

کبر شدن

از کوشت کاو خورده یا از اسب دلیل که از پادشاه منفعت یابد کبر شدن ابن سیرین کوید اکر کسی
در خواب بیند که کبر شد دلیل که طالب دنیا شود جابر کوید اکر بیند که کبر شد و با کبران در
کنشت شد دلیل که صحبت او با بد دینان بود و تابع اهل فسا کردد اکر بیند که از کبری پشیمان شد

کبک

مسلمان کردید دلیل که از کناهان توبه کند و بکار خیر مشغول کردد کبک ابن سیرین کوید کبک
در خواب دلیل بر زنی خوبروی باشد یا کنیزکی صاحب جمال اکر در خواب بیند که کبکی بکرفت دلیل
که زنی بخواهد یا کنیزکی بخرد اکر بیند که کوشت کبک خورد دلیل که لباسی نو بوی بخشند ابرهیم
کوید اکر بیند که کلوی کبک ببرید دلیل که دختری را دوشیزه کی ببرد جابر کوید اکر بیند که کبک
نر داشت دلیل بر پسر باشد و کبک ماده دلیل بر زنی یا کنیزک موافق بود حضرت صادق فرماید که

کبوتر

دیدن کبک در خواب چهار وجه بود اول پسر دوم دوستی سیم دانش چهارم کام دل یافتن کبوتر
ابن سیرین کوید که دیدن کبوتر دلیل زن بود اکر بیند که کبوتری بکرفت یا کسی بوی داد دلیل که
زن خواهد اکر بیند که کوشت کبوتر خورد دلیل که مال زن خورد اکر بیند که کبوتری را از دو
بیفکند دلیل که زن را رها کند بسبب سخنی که در حق او بکویند اکر بیند که کبوتر بچکان بسیار

دا

هرد

داشت دلیل که از زنان منفعت یابد و بعضی کویند دلیل غم بود بسبب زنان جابر کوید اکر در
خواب بیند که کبوتری داشت دلیل که غایبش از سفر باز اید اکر بیند که کبوتری در خانه او بمرد همین
دلیل بود اکر بیند که کبوتر بسیار در خانه داشت دلیل که او را فرزندان بسیار باشند و بعضی کویند
که مال تمام حاصل کند و بهترین کبوتر در خواب سفید سبز بود و اکر زنی کبوتر بیند دلیل که شوهر
کند و دختران او را دو دیدن کبوتر بازی در خواب دلیل بر کاری باطل کند و کبوتر خانه دلیل بر زن
حق بود حضرت صادق فرماید که دیدن کبوتر در خواب پنج وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم

کتاب

مال چهارم نامه که از غایب رسد پنجم ریاست و کویند که دیدن هر کبوتری در خواب دلیل بر صد
درم بود که بوی رسد کتاب ابن سیرین کوید اکر کسی در خواب بیند که کتاب میخواند دلیل که راه
دین کزیند و کارها بسته بروی کشاده کردد اکر بیند که کتاب اخبار و حدیث میخواند دلیل که مقرب
پادشاه کردد اکر بیند که کتاب فقه میخواند دلیل که از ناکردنی باز ایستد و اکر بیند که اصول میخواند
دلیل که بکاری مشغول کردد و فایده دینی یابد اکر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل که بقصه‌های انبیا
و اولیا حریص بود اکر بیند که کتاب ملوک میخواند دلیل بلا امر بود اکر بیند که حکمت میخواند دلیل
که قران خواند اکر بیند که نحو میخواند دلیل که بشغل دنیائی مشغول کردد ابرهیم کوید اکر بیند که
کتاب شعر میخواند دلیل که کاری کند که مردم او را ملامت کنند اکر بیند که کتاب حساب میخواند دلیل

کتان

که اندوهکین کردد اکر افسانه و مضاحک میخواند غیبت مردم کند و رسوا کردد کتان
ابن سیرین کوید که دیدن کتان در خواب مال حلال بود اما منفعت او کمتر از پنبه بود چنانکه در

کتف

حرف با بیان کردیم و پوشیدن جامه کتان دلیل مبارک بود اکر بیند که تخم کتان میخورد دلیل که مال
تمام حاصل کند کتف دانیال کوید که دیدن کتف بخواب دلیل آهستکی مردم بود و زینت و
جمال اکر بیند که کتفا و قوی بود و درست دلیل بر زیادتی زینت او بود و اکر بخلاف این بیند

کتیرا

دلیل که حق مردم در کردن او بود و بعضی کویند اکر در خواب بر کتف خود موی بیند دلیل که از جای
که خبر ندارد مال یابد کتیرا ابن سیرین کوید که دیدن کتیرا در خواب دلیل آنکه بقدر آن مال از

کج

بخیلی بستاند حضرت صادق فرماید که دیدن کتیرا در خواب سه وجه بود اول فضله مال دوم
نفع اندک سیم کاری خیر با منفعت کج ابن سیرین کوید که دیدن وی در خواب جنک و خصومت بود

كحالی كردن

اگر بیند که کج فروخت بتاویل نکو نباشد کحالی کردن ابن سیرین گوید که کحالی کردن در خواب
دلیل که کارهای بسته بگشود و راه بردن در کارها که بدان کمره بود اگر در خواب بیند که کحالی
کرد و دارو در چشمها نافع بود دلیل که گمراهان را راه نماید و از وی مردم منفعت یابند

گدائی کردن

اگر دارو در چشمها نافع نبود تاویل بخلاف این بود گدائی کردن ابن سیرین گوید اگر در خواب
بیند که گدائی میکرد و مردم او را چیزی میدادند دلیل که خیر و برکت بود اگر در خواب بیند که
از درها چیزی میخواست و نمیدادند دلیل که کارهای وی بسته گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن

کدو

گدائی کردن در خواب بر چهار وجه بود اول خیر و برکت دوم منفعت سیم معیشت چهارم عزت کدو
ابن سیرین گوید اگر بیند که در خانه او کدو رسته بود بوقت خود دلیل که جاه و نعمتش افزون گردد
و اگر بیمار این خواب بیند شفا یابد و اگر بنده بیند آزاد گردد و اگر کافر بیند مسلمان شود اگر مسافر
بیند بوطن باز رسد اگر فاسقی بیند توبه کند جابر گوید اگر بیند که کدوی پخته داشت و خورد
دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن کدو در خواب سه

کرک

وجه بود اول عز و جاه دوم مال و نعمت سیم نظام کارها کرک ابن سیرین گوید که دیدن کرک بخواب دلیل
مال بی‌خواسته بود اگر بیند که کرک خارش کرد و ریم داد بود دلیل که مال یابد و اگر بیند که
بر تن او کرک بسیار بود دلیل که مال حرام یابد جابر گوید اگر بیند که کرک داشت همه از دامن او فرو ریخت

کرباس

دلیل که مال جمع کرده را تلف کند کرباس جامه‌ای بود که از ابریشم خوانند بتازی و دیدن وی در

گربه

خواب دلیل بر مردی بود که در میان مردم فتنه اندازد گربه ابن سیرین گوید که دیدن گربه در خواب
دلیل بر مردی مفسد دزد بود اگر بیند که گربه در خانه او آمد دلیل که دزدی در خانه او آید اگر بیند که
گربه از خانه او چیزی خورد دلیل که دزد از آن خانه چیزی ببرد اگر بیند که گربه را بکشت دلیل که
دزد را بکشد یا قهر کند ابراهیم گوید اگر بیند که گربه را بکشت و پوستش بکند دلیل که مال
دزدی بستاند اگر بعد از صبح گربه را در خواب بیند دلیل که شش روز بیمار گردد حضرت صادق ع
فرماید دیدن گربه در خواب پنج وجه بود اول دزد دوم غماز سیم بیماری چهارم زنی مشفقه پنجم

کرته

جنگ و خصومت کردن کرته جامه بود کوتاه و او را بفارسی پیراهن گویند پوشیدن آن در خواب
دلیل قوت بود ابن سیرین گوید اگر بیند که کرته سفید نو پوشیده بود دلیل که از غم برهد و اگر

سبز

حرف الکاف

سبز بیند دلیل که او را از عالی قوت بود و اگر زرد بیند دلیل که بیمار گردد اگر کبود بیند مصیبت
بود اگر سرخ بیند بعشرت دنیا مشغول گردد ابراهیم گوید اگر در خواب بیند که کرسی آهنین
بود دلیل بزرگی بود اما در دین ضعیف بود اگر بیند که کرسی او ضایع شد دلیل نقصان قوت و

کرسی

حضرت صادق ع فرماید دیدن کرسی در خواب چهار وجه بود اول قوت دوم پناه سیم منزلت چهارم
نظام کارها کرم ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که کرم بر چیزی نشسته بود که ملک
دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اگر بیند که میان آسمان و زمین کرم کرد بود دلیل که کاری
پوشیده بود در آن موضع که مردم انجا ندانند که چگونه از عهده کار بیرون آید اگر بیند که

گردن

روی دیگر کرم بود دلیل که او را عقوبتی رسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن کرم در خواب
سه وجه بود اول مال دوم بلا سیم عقوبت گردن دانیال ع گوید که دیدن گردن بخواب دلیل
امانت بود و محل دین اگر بیند که گردن او شیر شد دلیل قوت بود و صلاح دین و امانت
نگه داشتن و اگر گردن خود را ضعیف بیند تاویل بخلاف این بود اگر بیند که مار در گردن
او حلقه شده بود دلیل که زکوة مال نداده باشد قوله تعالی سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بر گردن خود گرانی بیند دلیل که بیمار گردد اگر بیند که
باری بر گردن داشت و بر خود هیچ رنج از آن بار بر خود ندید دلیل بر درستی دین بود و
عمر دراز ابراهیم گوید اگر گردن خود را سیاه بیند دلیل که امانت را خیانت کند اگر در خواب
گردن خود را کوتاه بیند دلیل که امانت بگذارد جابر گوید اگر در خواب بیند که بر گردن موی
داشت دلیل که وام دار شود اگر گردن خود را شکسته بیند دلیل که برادر برسد و در دولتش خلل
افتد اگر گردن خود را کج بیند دلیل که امانت را خیانت کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن

گردن بند

گردن پنج وجه بود اول امانت دوم توانائی سیم جاه چهارم وام پنجم بیماری گردن بند
ابن سیرین گوید اگر بیند که گردن بند از مروارید داشت دلیل که حقتعالی کلام خویش را
روزی او کند و هرچند که گردن بند قیمتی تر بیند دلیل که علم و دانش او بیشتر بود ابراهیم
گوید اگر در خواب بیند که گردن بندی مروارید در گردن داشت دلیل شرف و بزرگی بود و نیز
گویند که امانتی بوی سپارند اگر در خواب بیند که گردن بند بجواهر مرصع کرده بود دلیل

جاه و دولت بود اگر ببیند که گردن بند بسیار داشت دلیل که در علوم کامل گردد حضرت صادق ع
فرماید که دیدن گردن بند بخواب بر شش وجه بود اول حج اسلام دوم ولایت سوم خصومت
چهارم امانت پنجم معالجت ششم کنیزک **گردن زدن** ابن سیرین گوید اگر ببیند که او را گردن زدند
و سرش از تن جدا شد اگر بیننده بنده بود ازاد گردد اگر بیمار بود شفا یابد اگر وام دار بود
وامش گذارده گردد و حج اسلام کند اگر کافری بیند مسلمان شود اگر ببیند که در وقت
گردن زدن سرش از تن جدا نشد دلیل که ان چیزها که گفتیم که از گردن زننده بوی رسد
فی الجمله دیدن گردن زدن در خواب روی ایشان را نیکو بود و توانگران را بد **گرده** دانیال ع
گوید که دیدن گرده در خواب دلیل بر مال نهانی بود که بیابد و هزینه کند اگر گرده پخته داشت
دلیل که ان مال نهان کرده باشد باز جوید جابر گوید اگر در خواب بیند که گرده جوانی بخورد که
گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال بود و اگر گوشت او حرام بود دلیل بر مال الحرام بود
و بعضی گویند دیدن گرده بخواب دلیل فرزند بود **گردون** ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند
که بر گردون نشسته بود و گردون میرفت دلیل بر شرف و بزرگی بود اگر ببیند که پادشاه گردونی
بوی داد دلیل که از پادشاه بزرگی یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن گردون بخواب بر هشت
وجه بود اول عز و جاه دوم ولایت سوم مرتبه چهارم بزرگی پنجم هیبت ششم خرمی هفتم دولت
هشتم اسانی کارها **گرسنگی** ابن سیرین گوید اگر در خواب ببیند که گرسنه بود دلیل که بهتر از
سیری بود که گرسنگی و سیری بهتر از تشنگی بود اگر در خواب بیند که گرسنه بود و چیزی نداشت
که بخورد دلیل حرص بود جابر گوید اگر در خواب ببیند که گرسنه بود مصیبت بود اگر ببیند که گرسنه
بود و چیزی خورد چنانکه سیر شد دلیل که از گناه توبه کند حضرت صادق ع فرماید دیدن
گرسنگی در خواب بر چهار وجه بود اول تنگی دوم حرص سوم گناه چهارم طمع داشتن بمردم
کرسی ابن سیرین گوید که دیدن کرسی بخواب دلیل علم بود ابرهیم گوید که دیدن کرسی بخواب
دلیل احاطت بود و قدرت حقتعالی جابر گوید تاویل کرسی بخواب دلیل بر امامی مطیع یا زاهدی
بکمال یا پادشاهی عادل بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن کرسی در خواب شش وجه بود اول
عدل دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم بلندی و قدر و جاه اگر ببیند

کرد و

که در اسمان بر کرسی نشسته بود دلیل که کارش بالا گیرد و مرادها برسد و در دنیا خلایق عزیز
و مکرم بود اما در رود گران تراشیده اند دلیل زن بود و هر عیبی که در او ببیند بزن باز گردد
گرفتن ابن سیرین گوید اگر در خواب دید که گرفتن بوقت خورد دلیل که غمگین و مستمند گردد
و بعضی گویند اگر گرفتن دید بخورد دلیل ان روح کمتر بود **گرگ** ابن سیرین گوید اگر
ببیند که گرگ او را بدید دلیل که زن را طلاق دهد اگر ببیند که گرگ را بکشت و گوشت او را
بخورد دلیل که بقدر ان میراث یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن گرگ بخواب بر سه وجه
بود اول زن دوم کنیزک سوم خادم **کرکس** بهتر مرغان و قوی تر و دراز عمرتر از همه مرغان باشد
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب ببیند که کرکسی داشت دلیل که از پادشاه شرف و بزرگی یابد
استخوان و گوشت او همین دلیل بود **گره** اگر در خواب ببیند که بر ریسمان گره انداخت دلیل که بر
کاری اعتماد کند اگر ببیند که چیزی را محکم ببست و گره کرد دلیل بستگی کار او بود و هر چند گره
سخت تر ببیند بستگی کار او بیشتر بود اگر ببیند که گره بتوانست گشود دلیل که کارهای او بسته
ماند **گرو** ابن سیرین گوید اگر ببیند در خواب که تن خود را در جایی گرو نهاد دلیل که از گناهان
ترسد اگر ببیند که فرزند یا عیال خود را گرو نهاد دلیل که بروی ستم کنند اگر ببیند که کسی خود را
پیش او بگرو نهاد دلیل که انکس محتاج او شود کرمانی گوید اگر در خواب ببیند که خود را بگرو
کرد دلیل بر فساد دین او بود لقوله تعالی کل نفس بما کسبت رهینة **گرویه** ابن سیرین گوید اگر کسی در
خواب بیند که گرویه میخورد دلیل که غمگین گردد یا با کسی خصومت کند زیرا که تلخ است و هر چه تلخ
بود دیدن ان در خواب دلیل غم بود **گریختن** ابن سیرین گوید که دیدن گریختن در خواب دلیل
رستگاری بود و بعضی گویند دلیل که بر دشمن ظفر یابد زیرا که موسی ع در خواب دید که از
فرعون میگریخت بعد از شر فرعون رستگاری یافت و بر وی ظفر یافت جابر گوید اگر در
خواب بیند که مردان از زنان میگریختند دلیل که بیننده را از بزرگی خیر بود حضرت صادق فرماید
دیدن گریختن دلیل شادی بود و وقتی که فریاد و زاری نکند و اگر فریاد کند دلیل مصیبت بود
گریستن ابن سیرین گوید دیدن گریستن در خواب دلیل شادی بود از حقتعالی اگر در خواب بیند
که بر گناه میگریست یا در مجلس علم یا قران خواندن و امثال این ماند دلیل که حقتعالی از فضل

خود بر وی رحمت کند و گناهان او را بیامرزد او دید که بگریست و اشک از چشم او نمی آمد
دلیل زیان بود و اگر دید که میگریست و خون بجای اشک آمد دلیل که از کاری گذشته
حیرت و حسرت و ندامت خورد و حضرت صادق ع فرماید اگر بیند که بگریست و بعد از آن بخندید
دلیل که اجلش نزدیک بود قوله تعالی انه هو اضحک و ابکی و انه هو امات و احیا کری بخواب

کری

دیدن دلیل درویشی بود ابن سیرین گوید که دیدن کری بخواب دلیل بر تباهی دین بود و
نامرادی و بیننده در دنیا قوله تعالی صم بکم عمی فهم لا یرجعون ابرهیم گوید که دیدن کری
بخواب دلیل بر بینائی بود و بستگی کارها اگر کری ببیند که شنوا شد دلیل که کارهای بسته
بروی گشاده گردد و مراد او برسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن کری بخواب چهار وجه بود اول
درویشی دوم تباهی سیم غم و اندوه چهارم بستگی کارها ابن سیرین گوید که دیدن کری بخواب
دلیل بر بی منافقی بود و بعضی گویند فتنه و مصیبت بود کرنکبین ابن سیرین گوید که دیدن

کرنکبین

کرنکبین دلیل بر روزی حلال بود که بوی رسد قوله تعالی و انزلنا علیکم المن و السلوی اگر ببیند
که کرنکبین بسیار داشت و بکسی نداد دلیل که مال حلال یابد و او را از آن راحتی بود و اگر خود
و بمردم داد دلیل که او را از آن مال منفعت بود کژدم ابن سیرین گوید که دیدن کژدم بخواب

کژدم

دلیل بر دشمنی ضعیف بود اگر ببیند که کژدم او را بگزید دلیل که دشمن با او سخنی گوید که
چنانکه غمگین گردد اگر ببیند که کژدمی را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد ابرهیم گوید اگر ببیند
که کژدمی داشت و مردم را میگزید دلیل که بد مردم را بگوید اگر ببیند که کژدمی بخرمی خورد دلیل
که دشمن با زنان او وفا کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن کژدم در خواب بر سه وجه بود اول
دشمن دوم حاسد سیم سخن چین کژدم خواره جانوریست که در شهر خوزستان می باشد و دم

کژدم خوار

خود بر زمین میکشد و هر کس که زخم او خورد هلاک گردد ابن سیرین گوید که دیدن کژدم خواره
در خواب دلیل بر دشمنی ادمی بود اما در دشمنی صعب بود اگر ببیند که کژدم خواره او را بگزید
دلیل که از دشمن چنین مضرت ببیند اگر ببیند که او را از کژدم خواره گزندی نرسید دلیل که از
دشمن ایمن گردد گزر ابن سیرین گوید که دیدن گزر در خواب دلیل غم بود اگر ببیند که گزر داشت

گزر

و بخورد دلیل که غم بوی رسد ابرهیم گوید دیدن گزر در خواب چون شیرین بود دلیل منفعة

بود بزحمة

بود بزحمت و اگر شیرین نبود دلیل غم بود و بهتران بود که بگوشت پخته باشند گزیدن ابن

گزیدن

سیرین گوید که اگر کسی در خواب بیند که یکی او را بگزید دلیل که بقدر گزیدن از وی با
بوی رسد اگر بیند که خود او را بگزید دلیل که کارش از بخت بخلل بود اگر بیند که کاوی او را بگزید
دلیل که دوران سال او را رحمت رسد گزیدن همه ددگان و جنبندگان در خواب دلیل دشمنی
بود حضرت صادق ع فرماید دیدن گزیدن در خواب چهار وجه بود اول مضرت دوم دشمنی سیم
خصومت چهارم نقصان مال و جاه کشتی گرفتن ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که با کسی کشتی گرفت

کشتی گرفتن

و او را بینداخت دلیل که حالش نیکو گردد و بر آنکس ظفر یابد و اگر هر دو قایم بودند دلیل که در
یکدیگر گزندی رسانند کشت زرع دانیال ع گوید که دیدن کشت سبز غم و اندوه بود و در خواب چیزی
نباشد کشت و زرع ابن سیرین گوید که دیدن کشت و زرع بخواب دلیل توکل کردن بر حق تعالی و

کشت زرع

یافتن روزی حلال بود و گویند دیدن کشاورزی دلیل روزی حلال بود ابرهیم گوید اگر
بیند که زمین میشکافت و تخم می انداخت و باز جمع کرد دلیل که نعمت فراوان یابد اگر بیند
که از آنچه کشت چیزی حاصل نشد دلیل غم و اندوه بود جابر گوید اگر بیند که گندم کشت دلیل
که از پادشاه نعمت یابد اگر دید که جو کشت دلیل که مال بسیار حاصل کند اگر بیند که کاورس
کشت دلیل که منفعتش کمتر است ابن سیرین گوید اگر بیند که در زمین خود تخم کشت دلیل که کارش
نیکو گردد اگر بیند که کشته او بر آمده بود دلیل که نعمتش زیاده گردد حضرت صادق ع فرماید که
دیدن کشت و زرع در خواب بر پنج وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم بیماری چهارم

کشت زار

عز و جاه پنجم معیشت کشت زار ابن سیرین گوید که دیدن کشت زار در خواب چون معروف نبود دلیل
بر فرزندان مرده بود اگر بیند که کشت زاری درو کرد دلیل که بعضی مردم آنجا کشته گردند دانیال ع
گوید اگر بیند که در کشت زاری معروف بود دلیل که عملی کند که دین و دنیای او را نیک بود اگر
بیند که در میان کشت زاری میرفت دلیل که بغزا رود جابر گوید اگر بیند که آتش در کشت زار او
افتاده بود و بسوخت دلیل قحط بود اگر در خواب کشت زاری ببیند و نداند که از آن کیست دلیل
بر زیان بیننده بود نساؤکم حرث لکم الخ کشتن دانیال ع فرماید دیدن کشتن و درویدن

کشتن

و خوشه رسیده در وقت خود دلیل منفعت بود و چون نارسیده و سبز بود دلیل وبا و بیماری

بود اگر بیند که بوی خود کشته در وی بد دلیل بر امر خفی بود که بجای آورده و خیر از بسیار کند قوله
تعالی و آتوا حقه یوم حصاده ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین

کشتن

ابن سیرین گوید اگر در خواب
بیند که او را بکشتند دلیل که عمرش دراز گردد اگر بیند که کسی را بکشت بی آنکه سرش را از تن
ببرید دلیل که منفعتی بدانکس رساند ابرهیم گوید اگر بیند که او را گروهی بکشتند دلیل منفعت یابد
قوله تعالی و من قتل مظلوما اگر بیند که کسی او را بکشت دلیل بظلم گر بیننده مظلوم بود و حق تعالی
کسی را با او بگمارد تا مکافات آن باز کنند قوله تعالی ثم بغی علیه لینصرنه الله جابر گوید اگر بیند که
فرزند خود را بکشت دلیل که روزی حلال یابد قوله تعالی ولا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم
حضرت صادق ع فرماید اگر بیند که ستوری یا جانوری یا چیزی دیگر را بکشت انحضرت دلیل که بر
خصم غالب گردد

کشتی

دانیال ع گوید که دیدن کشتی در خواب دلیل غم و اندیشه بود خاصه کر از کشتی
بیرون نیامده و در دریا فرو ماند ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که در کشتی بود و بسلامت
بیرون آمد دلیل که از غمها برهد قوله تعالی و انجیناه و من معه فی الفلک اگر بیند که کشتی او بشکست یا بلا
[در بیان] مصیبت بود اگر بیند که در میان کشتیها قماش میفروخت دلیل که بسفر رود و مال بسیار حاصل کند قوله تعالی
وله الجوار المنشآت فی البحر کالاعلام اگر بیند که در کشتی بود و کشتی ایستاده بود دلیل که در سفر مقیم
گردد ابرهیم گوید اگر بیند که در کشتی نشسته و باد سخت و امواج کشتی را براند دلیل که از غمها فرج
یابد اگر بیند که کشتی او بایستاد و از همه سوی موج بکشتی می آمد دلیل که بعضی که فساد کرده قوله تعالی
وجاءهم الموج من کل مکان اگر بیند که کشتیها تهی در دریا میرفت دلیل که پادشاه از ملک سوی
جاها فرستد اگر بیند که آن کشتیها غرق شدند دلیل که رسولان را باز دارند جابر گوید اگر بیند
که در کشتی نشسته بود و از دریا بیرون رسید دلیل که مقرب پادشاه گردد و مال جمع کند اگر بیند که
کشتی او بقعر دریا شد دلیل که از پادشاه قوت تمام حاصل کند اگر بیند که کشتی غیر رفت تاویل
بخلاف این بود اگر بیند که در کشتی نشسته بود دلیل که بکار پادشاه مشغول گردد و مال جمع کند
حضرت صادق ع فرماید که دیدن کشتی در خواب بر هفت وجه بود اول فرزند دوم پدر سیم زن
چهارم مرکب پنجم ایمنی ششم عیش هفتم توانگری

کشف

سنگ پشت بود دیدن او در خواب دلیل
بر مردی عالم بود که از صحبت او فایده بمردم رسد ابن سیرین گوید اگر بیند که کشفی داشت یا در خانه

او را بد

او آمد دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد اگر بیند که گوشت کشف خورد دلیل که بقدر آن علم
آموزد حضرت صادق ع فرماید که دیدن کشف در خواب بر سه وجه بود اول مردی عالم دوم مردی
زاهد سیم مردی صناع

کشکاب

ابن سیرین گوید اگر بیند که عناب یا بنفشه و کشکاب کرده بود
و میخورد دلیل که مال حلال یابد و از غم برهد اگر بیند که نتوانست خورد تاویل بخلاف این بود

کشمش

ابن سیرین گوید اگر بیند که کشمش داشت و بخورد دلیل که بقدر آن منفعت یابد اگر بیند که
کشمش بکسی داد دلیل که راحتی بوی رساند ابرهیم گوید اگر در خواب بیند که کشمش بخرید و بخانه
برد دلیل که مال تمام حاصل کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن کشمش در خواب بر سه وجه بود اول
منفعت دوم مال حلال سیم کسب معیشت

کعب پای دیدن

دانیال گوید اگر در خواب بیند که کعب بسیار
داشت دلیل غم بود اگر بیند که کعب پای او بشکست دلیل که فرزندش بمیرد یا بعضی کار فساد کرده

کعبتین

ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که کعبتین بازی کرد و قمار باخت دلیل که بعضی کار فساد
کرده یا در حیلتی افتد جابر گوید اگر بیند که کعبتین بازی کرد دلیل خصومت بود حضرت صادق ع فرماید
که دیدن کعبتین بخواب پنج وجه بود اول مقام دوم ذل سیم فرزند چهارم مال پنجم گفتگو قوله تعالی
و کواعب اترابا و کاسا دهاقا

کعبه

ابن سیرین گوید که دیدن کعبه در خواب خلیفه بود بر آنکه کعبه
قبله او بود اما هر زیادت و نقصان که بیند دلیل بر خلیفه بود اگر بیند که طواف کعبه میکرد دلیل
بر صلاح دین و دنیا او بود و از خلیفه فایده یابد اگر بیند که احرام بسته بود و روی در کعبه داشت
دلیل بر دنیا و دین صلاح او بود اگر بیند که سرای او کعبه بود و مردم آنجا او را زیارت میکردند
دلیل که امام مردم کند و حرمت یابد جابر گوید اگر پادشاه در خواب کعبه بیند رفته دلیل که از [ببیند م]
جانب حق تعالی حرمت بدکیش زیاده گردد اگر بیند که کعبه بیفتاد دلیل که حال خلیفه تباه گردد اگر [باسوخته]
بیند که در کعبه نماز کرد دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد ابرهیم گوید اگر بیند که در کعبه بود
دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و من دخله کان امنا اگر بیند که روی بحجر الاسود نهاد دلیل که
حج بگذارد اگر بیند که بر بام کعبه بود دلیل که بیننده بدمذهب بود حضرت صادق ع فرماید
دیدن کعبه در خواب چهار وجه بود اول خلیفه دوم امام سیم امان چهارم ایمنی

کفتار

ابن سیرین
گوید که دیدن کفتار در خواب دلیل بر زنی زشت پلید بود اگر بیند که کفتاری در خانه او

بستر بود دلیل که زنی زشت بخواهد و دیدن کفتار در خواب هیچ نباشد **کفچه** ابن
سیرین گوید اگر در خواب بیند که کفچه پاکیزه داشت دلیل که خادم او مصلح بود و اگر کفچه را
شکسته یا کهنه بیند تاویل بخلاف این بود **کفچه آتش** ابن سیرین گوید اگر پادشاه کفچه آتش
در خواب بیند دلیل بر مردی بود دلیر و اگر قاضی کفچه آتش در خواب بیند ناسپاس بود و
هر که جز این دو کس کفچه آتش بیند در خواب دلیل بر خدمتکار خانه بود **کفش** ابن سیرین گوید
که دیدن کفش در خواب زن بود اگر بیند که کفش نو در پای کرد دلیل که زنی بخواهد یا کنیزک
بخرد اگر در خواب کفش خود را سیاه بیند دلیل که آن زن توانگر بود و اگر کفش را سبز بیند دلیل
که آن زن مستوره بود و اگر کفش را سرخ بیند دلیل که آن زن مشوش و معاشر بود و اگر زرد
بیند دلیل که آن زن بیمار گونه بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن کفش در خواب هفت وجه
بود اول زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم قوت پنجم معیشت ششم مال هفتم سفر و دیدن کفش
در خواب دلیل بر مردی بود که میراث قسمت کند **کفها** ابن سیرین گوید اگر بیند که کفها بر هم می
سود دلیل که از خویشان مفارقت کند و نیز گویند درد یا بخار رسی بود اگر بیند که کفها
خسته بود دلیل که از سفر باز ماند و اگر کفها خود را گشاده بیند و قوی دلیل فراخ دستی او
بود و اگر بخلاف این بیند دلیل تنگدستی بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن کف در خواب
شش وجه بود اول فراخ دستی دوم مال سیم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم زنی
خواستن بحرام **کف دریا** ابن سیرین گوید که دیدن کف دریا بخواب دلیل منفعت بود از بزرگی
کفن ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که از بهر مرده کفن میساخت و آنکس معروف بود دلیل
رنج و بلا بود اگر بیند که کفن از مرده بکند دلیل که در دنیا طرفان مرده جوید اگر بیند که
از مرده کان کفن میکند دلیل که او فرده مال حرام بدست آورد و اگر بیننده مفسد بود منافق
باشد دین **کلاب** ابن سیرین گوید که دیدن کلاب در خواب دلیل تندرستی بود آنکه
مرهم او را ثنا گوید اگر بیند که کلاب بر کسی ریخت دلیل تندرستی آنکس بود اگر بیند که
کلاب خود دلیل غمگین گردد جابر گوید اگر بیند که کلاب بر کسی ریخت دلیل تندرستی آنکس
بود جابر گوید اگر بیند که کلاب بهمه کس میداد دلیل که به نیکوئی مشهور گردد اگر بیننده عالم

بود دلیل

بود دلیل که مردم از علم او بهره یابند **کلاش** مرغیست و صید او در خواب دلیل بر مردی
پلید بود و بیفایده بود اگر بیند که کلاش را بکشت و گوشت او را بخورد دلیل که دشمن را قهر
کند و مال او بستاند **کلاغ** ابن سیرین گوید دیدن کلاغ دلیل بر مردی فاسق بود و بدعهد
اگر بیند که کلاغی داشت دلیل با چنین مردی صحبت کند ابرهیم گوید اگر بیند که کلاغی شکار کرد دلیل
که بحیله مال مردم را بستاند اگر کلاغ را دید که از شاخ آواز داد و بانگ کرد دلیل که زحمت او از
سفر بود **کلاه** ابن سیرین گوید که دیدن کلاه بخواب دلیل عز و جاه بود بقدر قیمت کلاه اگر
بیند که کلاه او گوشه بر سر داشت دلیل که عمل بود از قبل پادشاه دانیال ع گوید اگر
بیند که کلاه بود در سر داشت دلیل بر خیر دین بود اگر بیند که دستار بر سر کلاه نهاده بود
دلیل سر از خود را از مردم پنهان کند اگر بیند که کلاه ابریشمین بر سر داشت دلیل خیر بود
اگر بیند که کلاه زرین بر سر داشت دلیل مال بود اگر کلاه را از سر وا دید بیند دلیل که عزیز
گردد اگر کلاه آهنین بیند دلیل که از پادشاه قوت یابد ابرهیم گوید اگر بیند که کلاه
چوبین در سر داشت دلیل که خود را در پیش مردم عزیز پندارد و سخنها محال گوید جابر
گوید اگر بیند که کلاه تابستان در زمستان در سر داشت دلیل که کام دل یابد و اگر بخلاف این
بیند دلیل که بمراد نرسد ابرهیم گوید اگر در خواب بیند که کلاهی سیاه بر سر داشت اگر
در بیداری داشته باشد دلیل منفعت بود اگر بیند که کلاه از سر او بیفتاد دلیل که در غم
افتد اگر بیند که کلاه از سر او بر گرفتند دلیل که از جاه بیفتد اگر کلاه نو بر سر داشت دلیل
که مهتری او زیاده گردد و اگر کهنه بیند بخلاف این باشد اگر بیند که کلاه سفید بر سر داشت
دلیل دین پاک بود و اگر سبز بیند طاعت گذار باشد و اگر سرخ بود نقصان دین او بود و
اگر زرد بود بیمار باشد و اگر سیاه بیند کسی را نیک بود اما دلیل آنکه در بیداری داشته باشد
اگر بیند که کلاه مرصع در دست یا در سر داشت دلیل که بقدر قیمت کلاه بزرگی یابد اگر کلاهش
در ربایند دلیل که پادشاه مال او را مصادره کند و بستاند حضرت صادق ع فرماید که دیدن
کلاه در خواب بر شش وجه بود اول ولایت دوم ریاست سیم بزرگی چهارم عزیزی پنجم
مقدار ششم منزلت دیدن کلاه در خواب دلیل بر مردی کاردان بود که خدمت بزرگان کند

کل

کل ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که او را با گلی صحبت افتاده دلیل که او را با بزرگی دوستی
کند اگر گل بیند که سر بش موی بر آورده بود دلیل که وام دار گردد

کلها

کلها ابن سیرین گوید که دیدن کلها بخواب بر دو وجه بود اول آنکه بر درخت بود دویم آنکه از درخت جدا بود دگلی
که از او بقائی نباشد دیدن آن در خواب دلیل غم و اندیشه بود و اگر بی وقت ببیند دلیل مصیبت
بود بسبب فرزندی چون گل را از درخت جدا ببیند دلیل غم و گریستن بود جابر گوید اگر ببیند
که درخت گل در خانه داشت دلیل که بسبب فرزند خرم گردد و اگر کلها را از هر نوع شکفته ببیند
دلیل که از خویشان شاد گردد و دیدن گل در خواب دلیل بر مردی دون همت بود که با کس وفا نکند
یا نا امر که از غایب رسد حضرت صادق فرماید که دیدن گل بخواب بر شش وجه بود اول فرزند دویم
دوست سیم مردی دون همت چهارم کنیزک پنجم غلام ششم نامه

کلشکر

گلشکر ابن سیرین گوید این هر دو
در خواب دلیل مال و غنیمت بود بقدر آنکه خورده بود

کل

گل ابن سیرین گوید اگر بیند که گل خورد
دلیل که مال بر عیال هزینه کند اگر بیند که خانه خود را بگل اندود کرد دلیل غم بود اگر
بیند بخواب گلهای سبز و سرخ و سفید را دلیل لهو و طرب بود و گل سیاه غم و اندوه بود اگر
بیند که در میان گل غرق شد دلیل که بیماری در ماند حضرت صادق فرماید که اگر بیند که از میان
گل بر آمد و خود را بشست دلیل که از غم برهد

کلبتین

کلبتین ابن سیرین گوید دیدن کلبتین در خواب دلیل
خادمی بود دلیر که بجوبی مال از دست پادشاه بیرون آورد و بر مردم نفقه کند اگر بیند که بکلبتین
چیزی از آتش بیرون آورد و بر مردم داد دلیل که از پادشاه منفعت یابد

کلم

کلم ابن سیرین گوید دیدن
کلم بخواب دلیل منفعت بود از قبل زنان و پخته وی بتاویل بهتر از خام بود اگر بیند که کلم خورد
دلیل که از زنی منفعت یابد

کلنار

کلنار ابن سیرین گوید که دیدن کلنار در خواب دلیل منفعت بود
دعروسی اگر بیند که کلنار از درخت بکشت دلیل که از عروس جدا شود یا از کنیزک

کلنک

کلنک
ابن سیرین گوید که دیدن کلنک در خواب دلیل بر مردی غریب درویش بود اگر بیند که کلنکی
بگرفت دلیل که با مردی غریب پیوندد و از بکدیگر منفعت یابند و اگر بیند که کلنکان بسیار
داشت دلیل که بر گروهی غریبان مهتر گردد اگر بیند که بر کلنکی نشسته بود دلیل که بسفری رود
اگر بیند که خانه کلنک داشت دلیل که زنش بمرد و یش گردد

کلو

گلو ابن سیرین گوید دیدن گلو در خواب

دلیل بر :.

حرف الکاف

دلیل بر امانت بود و گذاردن وام اگر ببیند که گلوش از آنها بسلامت بود دلیل که امانت
نگه دارد و وام بگذارد اگر ببیند که رنجی در گلوی او بدید آمد تاویل بخلاف این بود اگر در
خواب گلوی خود را فراخ ببیند دلیل که روزی بر وی فراخ گردد و اگر تنگ ببیند دلیل که امانت
نگه دارد حضرت صادق فرماید که دیدن گلو در خواب دلیل بر خرج و دخل بود و هر چه زیاده و
نقصان که در گلو ببیند دلیل بر خرج و دخل بود

کلبچه

کلیچه ابن سیرین گوید دیدن کلیچه در خواب دلیل بر
عیش خوش بود و مال دنیا اگر ببیند که کلیچه بیخورد دلیل که مال حاصل کند اگر ببیند که کلیچه
در دهان نهاد و نتوانست خورد دلیل که مال او از دیگران بود حضرت صادق فرماید دیدن
کلیچه در خواب چهار وجه بود اول مال حلال دویم روزی فراخ سیم نعمت دنیا چهارم عیش خوش

کلید

کلید ابن سیرین گوید دیدن کلید دلیل بر مردی بود کشاینده کارها و ظفر یافتن بر دشمن
اگر بیند که کلید بسیار داشت دلیل که بزرگی یابد قوله تعالی له مقالید السموات والارض دانیال
گوید اگر در خواب بیند که کلید آهنین داشت دلیل قوت بود اگر بیند که کلید مسین یا برنجین
داشت دلیل که سخنش کیرا شود و اگر کلید چوبین ببیند دلیل که منفعت آن کمتر بود اگر
بیند که کلید سیمین داشت یا زرین دلیل که مال حاصل کند جابر گوید اگر بیند که قفل را
نتوانست گشود دکلید ضایع کرد تاویل بخلاف این بود اگر بیند که بکلید قفل گشود دلیل
که زن خواهد و کنیزک خرد حضرت صادق فرماید که دیدن کلید در خواب هشت وجه
بود اول کشادن دویم فرج از غم سیم شفا از بیماری چهارم یافتن مراد پنجم قوت دین ششم گذاردن
حاجات هفتم اجابت دعا هشتم علم

کلیدان

کلیدان ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که کلیدان
در ببست دلیل که کار دنیا بر وی گشاده گردد و اگر کلیدان را نتوانست گشودن تاویل بخلاف
این بود

کلیسا

کلیسا ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که در کلیسا شد و سوی قبله اسلام نماز
کرد دلیل که توبه از گناه کند و دینش قوی گردد بسبب آنکه کلیسا جای عبادت است

کنشت

کنشت حضرت
صادق فرماید اگر بیند که در کنشت شد بود اگر بیننده مصلح بود دینش بود و اگر مفسد
بود بد باشد

کلیم

کلیم ابن سیرین گوید اگر بیند در خواب کلیم داد دلیل بر مردی بود که دین دارد
ابراهیم گوید اگر بیند در خواب که کلیمی یافت دلیل که زنی توانگر بخواهد اگر آنچه او را

زنی ببیند شوهر کند جابر گوید اگر در خواب کلیچی را سبز ببیند دلیل که زنی مستوره بخواهد
اگر کلیچی را سرخ ببیند دلیل که او زن معاش بود و اگر کلیچه را زرد ببیند دلیل که او زن بیمار گونه
بود و اگر سپید ببیند دلیل که او زن خالصه بود اگر ببیند که کلیچه او ضایع شد دلیل که از زن جدا گردد
حضرت صادق ع فرماید دیدن کلیچه در خواب پنج وجه بود اول دخترک دویم مهتری سیم زن توانگر
چهارم کنیزک پنجم منفعت.

کمان

کمان ابن سیرین گوید اگر در خواب ببیند که تیر در کمان داشت دلیل
که از سفر غایب باز آید اگر ببیند که کسی کمان باو داد دلیل که او را پسری آید یا برادر و اگر ببیند که از
کمان تیر انداخت دلیل که سخن چون باطل گوید اگر ببیند که کمان بکسی داد یا بفروخت یا ضایع
شد دلیل که از زن جدا گردد ابرهیم گوید اگر ببیند که بدست خود کمان ساخت دلیل که کارش
ساخته گردد اگر ببیند که کمان را بفروخت و درم بستد دلیل که قوم را بر دین اجتبا کند و اگر در بهای
کمان جنسی بستد دلیل که مرادش حاصل گردد اگر ببیند که کمان را در کمان دان نهاد دلیل که او دنیا
برد و اگر ببیند که کمان نو و پاکیزه داشت دلیل که کردار نیکو کند قوله تعالی فکان قاب قوسین او ادنی
حضرت صادق ع فرماید دیدن کمان در خواب شش وجه بود اول سفر دویم فرزند سیم زن چهارم
قوت پنجم کردار نیکو ششم مردم دوست.

کمان گره

کمان گره ابن سیرین گوید اگر در خواب ببیند که کمان گره
داشت و گل می انداخت دلیل غم و اندوه بود اگر ببیند که کمان گره داشت دلیل که آزار مردم بجوید

کمان حلاجی

کمان حلاجی ابن سیرین گوید اگر ببیند کمان حلاجی داشت دلیل که منافق بود و نیز گویند زنی
ممتنع بخواهد اگر ببیند که کمان حلاجی او ضایع شد دلیل که از زنی چنین جدا گردد

کمان آسمان

کمان آسمان
اگر ببیند که کمان زرد بود دلیل که مردم اندر آن بیمار گردند و اگر سبز بود دلیل بر فراخی نعمت بود
و اگر سرخی آن بیشتر بود تاویل بخلاف این بود

کمر

کمر ابن سیرین گوید اگر ببیند کمری بر میان بسته
دلیل که بقدر و قیمت کمر مال یابد و نیز دلیل است که پشت و پناه او از فرزندان او بود اگر ببیند که
کمر مرصع بر میان بسته بود دلیل که بقدر و قیمت کمر مال یابد و نیز گویند که فرزندی آرد که محتشم
قبایل بود ابرهیم گوید اگر در خواب ببیند که کمری بر میان داشت دلیل که مال و حشمت یابد و عمرش
دراز بود اگر ببیند که کمر بگسست یا ضایع شد تاویل زیان بود جابر گوید اگر در خواب ببیند که
شمشیر مرصع داشت دلیل که مهتری یابد اگر ببیند که کمر شمشیر را بکسی بخشید دلیل که از مهتری

پادشاه سفری کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن کمر در خواب بر شش وجه بود اول منفعت
دویم فرزند سیم بزرگی چهارم عمر دراز پنجم مراد ششم پاکی دین.

گم شدن

گم شدن ابن سیرین گوید اگر
کسی ببیند که گم شد دلیل که در آن موضع ضایع بماند و قدر او ندانند اگر ببیند که فرزندش گم
شد دلیل زیان بود اگر ببیند که چیزی از آن او گم شد اگر آن چیز بها ویرا تاویل نیک بود و غم بود و اگر
بد بود کارش نظام گیرد.

کمند

کمند ابن سیرین گوید اگر در خواب ببیند که کمند بینداخت و مردی
بگرفت دلیل که از بزرگی یاری جوید اگر کمندش از ریسمان بود دلیل که یاری از قومی طلبد اگر
ببیند که کمند انداخت و نتوانست کسی را گرفت دلیل که او را یاری ندهند. کنار ابن سیرین گوید
که دیدن کنار در خواب دلیل مالی بود که بخش بود و گویند میوه آدم در بهشت کنار بود اگر ببیند
که کنار خورد دلیل که مال حلال یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن کنار در خواب دلیل مال

حلال م

بود و روزی فراخ.

گناه

گناه ابن سیرین گوید اگر ببیند که گناه میکرد و ندانست چه گناه بود دلیل
که در فتنه افتد ابرهیم گوید که دیدن گناه کردن دلیل مصیبت بود و در بیداری توبه باید
کردن.

گنبد

گنبد ابن سیرین گوید که دیدن گنبد در خواب دلیل زن بود اگر در خواب گنبد پاکیزه
ببیند دلیل که زنی خوب روی بخواهد جابر گوید که دیدن گنبد در خواب چهار وجه بود اول زن
دویم بزرگی سیم منفعت چهارم عز و جاه.

گنج

گنج ابن سیرین گوید اگر در خواب ببیند که گنج یافت دلیل که
بیمار گردد اگر ببیند که گنج ناپدید شد تاویل بخلاف این بود جابر گوید یافتن گنج در خواب در
جای خراب صعب تر بود تا در جای آبادان بسبب آنکه جای آبادان بیمار زود شفا یابد و در جای
خراب بیمار هلاک گردد.

کنجد

کنجد ابن سیرین گوید که دیدن کنجد در خواب مالی حلال بود که هر روز
زیاده گردد اگر ببیند که کنجد بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند.

گنده پیر

گنده پیر ابن سیرین
گوید که دیدن گنده پیر در خواب دلیل بر دنیا بود و دیدن گنده پیر مسلمان را دلیل بر مال حلال
بود و دیدن گنده پیر کافر دلیل بر مال حرام اگر ببیند که با گنده پیری مجامعت کرد دلیل که مراد
دنیائی او حاصل گردد.

گندرود

گندرود ابن سیرین گوید که دیدن گندرود در خواب دلیل که داروی
کار خورد جابر گوید اگر ببیند که گندرود داشت دلیل که غمگین گردد زیرا که طعم او تلخ و ناخوش بود

گندم

گندرود در خواب دلیل خصومت بود. گندم ابن سیرین گوید که دیدن گندم دلیل بر روزی حلال

کندنا — کندوی — کنکر — کنك — کنه — کهربا — کوارش — کوال

بود که برنج بلبست باید اگر ببیند که کندم پخته میخورد دلیل غمگین کردد اگر ببیند که شکم او پر از
کندم خشك بود دلیل هلاك او بود ابراهیم کوید اگر ببیند که خوشه کندم میخورد دلیل
خط بود اگر ببیند که کندم کشت دلیل که کندم در آن دیار ارزان کردد حضرت صادق ع فرماید
دیدن کندم در خواب سه وجه بود اول معزولی دوم تصرف سیم غریبی کندنا دانیال ع کوید
دیدن کندنا در خواب دلیل بر مردی بود که او را بد دوستی یاد کنند کندوی ابن سیرین
کوید اگر در خواب ببیند که کندوی عسل داشت دلیل که از زنان مرادش حاصل کردد و مال
حلال یابد کنکر ابن سیرین کوید اگر در خواب ببیند که کنکر داشت و میخورد دلیل که غمگین کردد
و اگر نخورد غم نباشد کنك ابن سیرین کوید اگر در خواب ببیند که کنك شده بود دلیل بر
نقصان دین بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن کنك شدن در خواب هفت وجه بود اول
درویشی دوم بدحالی سیم غم چهارم نقصان عیش پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم نقصان
دین اگر کنکی در خواب ببیند که کویا شد دلیل که کارها بروی کشاده کردد کنه ابن سیرین کوید که
دیدن کنه در خواب دلیل عیال بود اگر ببیند که اندامش را میخورد دلیل که بقدر آن مالش تلف
کردد اگر ببیند که بر تن چهارپایان او کنه بود دلیل که مردم را از چهارپایان او فایده بود
حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن کنه در خواب سه وجه بود اول عیال دوم خادم سیم مال
اگر ببیند که کنه را میکشت دلیل بر نقصان این سه چیز بود اگر ببیند که کنه را از خود می انداخت
دلیل که چیزی نهان باو رسد و از آن متفکر کردد ابراهیم کوید دیدن کنبزك بخواب مال بود اگر
ببیند که کنبزك بخرید دلیل که مال یابد و اگر ببیند که بفروخت دلیل بر نقصان مال بود کهربا ابن
سیرین کوید کهربا در خواب دلیل بیماری بود اگر ببیند که کهربای بسیار داشت دلیل که رنج و سختی
منفعت بد باید کوارش ابن سیرین کوید که دیدن کوارش در خواب چون شیرین بود دلیل منفعت
بود و تلخ و ترش دلیل غم و اندوه بود و هر کوارش که در خواب بوی آن خوش بود دلیل بر مدح و ثنا
او بود و اگر بوی ناخوش داشت تاویل بخلاف این بود کوال ابن سیرین کوید که دیدن کوال بخواب
دلیل بر مرد عالم بود و بدین قول دلیل آرند از علی ع که فرمود ان القلوب محبرها اوعاها اگر
کسی در خواب ببیند که کوال نو و فراخ داشت دلیل منفعت بود اگر کوال کوچك بیند منفعت

کمتر بود

کوهر — کورستان — کوز — جوزبویا — کوه

کمتر بود کوهر دانیال ع کوید که دیدن کور در خواب دلیل زندان بود اگر در خواب ببیند که کوری
از بهر خود کند دلیل که عیش بروی تنك کردد و بعضی کویند بجای کور کند دلیل که خانه بنا
کند اگر ببیند که وی را در کور نهادند دلیل که معیشت بروی تنك کردد و نیز کویند که بسفر رود قوله
تعالی ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره اگر ببیند که او را در کور نهادند و خاك بر سر او ریختند
دلیل بر نقصان دین بود ابن سیرین کوید اگر ببیند که او را در کور نهادند دلیل که او را در زندان
کنند اگر ببیند که بر بام خانه او کور میکنند دلیل که عمرش دراز بود ابراهیم کوید اگر کسی ببیند
که منکر و نکیر از وی سوال پرسیدند دلیل که پادشاه با وی مطالبتی کند اگر جواب ایشان را
صواب داد دلیل که از عذاب پادشاه برهد اگر جواب را خطا داد بخلاف این بود کورستان ابن سیرین
کوید که دیدن کورستان در خواب دلیل صحبت بود با جاهلان که در بند دنیای ایشان بفتد بود
ابراهیم کوید اگر ببیند که کورستان را زیارت میکرد دلیل که اهل زندان را دلداری کند جابر
کوید اگر ببیند که در کورستان میرفت و سلام بر کورها میکرد دلیل که درویش کردد زیرا که کورستان
جای مفلسان است حضرت صادق ع فرماید دیدن کورستان در خواب سه وجه بود اول غم دوم
محنت سیم زندان کوز ابن سیرین کوید دیدن کوز در خواب دلیل بر مالی بود که برنج حاصل
کردد اگر ببیند که با کوز بازی میکرد دلیل که با کسی خصومت کند ابراهیم کوید اگر ببیند که کوز می شکست
دلیل که از مردی جزئی مال حاصل کند جابر کوید اگر ببیند که کوز داشت دلیل که از مردی بخیل منفعت
یابد اما اگر ببیند که کوز بسیار داشت دلیل که خصومت بود اگر ببیند که از مغز کوز روغن داشت یعنی
می آورد دلیل که از بخیلی مال حاصل کند جوزبویا اگر ببیند که جوزبویا داشت دلیل که سخنی از
منجمی شنود جوزبویا ابن سیرین کوید دیدن جوزبویا بخواب دلیل بر صلاح دین بود و دانستن
علم شریعت اگر در خواب ببیند که جوزبویا خورد دلیل که علم شریعت آموزد اگر ببیند که جوز هندی
بسیار داشت چنانکه خورد و بمردم داد دلیل که در علم حکمت یگانه شود و اگر نخورد و بکسی نداد
دلیل که او را از آن علم منفعت نباشد و بعضی کویند که خوردن جوزبویا دلیل بر تعلیم علم
نجوم بود کوه ابن سیرین کوید که دیدن کوه در خواب دلیل مال بود که بجمله بدست آورد اگر ببیند
که در کوه پنهان شد و راه بیرون آمدن نداشت دلیل که او را بجمله در کاری اندازند و از آن کار

کوزه

بد شواری خلاصی یابد ابرهیم کوید اگر بیند که کوه میکند دلیل که با مردم حیله کند اگر بیند که در
کوهی رفت و بیرون نتوانست آمد دلیل که در کاری بماند و خلاصی نیابد کوزه ابن سیرین کوید
اگر در خواب بیند که کوزه از سفال داشت دلیل که کنیزکی حاصل کند و اگر از مس سفید یا روی
بیند دلیل بر خادم بود اگر بیند که از کوزه آب خورد دلیل که با کنیزکی جمع کرد جابر کوید اگر بیند که
کوزه اش بشکست دلیل که کنیزک بمیرد اگر بیند کوزه را در خواب دلیل مال و نعمت بود اگر بیند که کوزه
زرین یا سیمین داشت دلیل که مال تمام حاصل کند و اگر آهنین بیند دلیل بر مال اندک بود
کم باشد حضرت صادق ع فرماید که دیدن کوزه در خواب بر نه وجه بود اول زن دوم خادم سیم
کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم میراث
از قبل زنان و دیدن کوزه آویخته دلیل زن بزرگزاده مالدار بود کوساله ابن سیرین کوید

کوساله

اگر بیند که کوساله نر داشت دلیل که او را پسر آید و اگر ماده بیند دختر بود ابرهیم کوید اگر
بیند که کوساله در خانه او آمد و شد میکرد دلیل غم بود اگر بیند که بر پشت کوساله نشست دلیل
که با پادشاهی پیوندد و بزرگی یابد جابر کوید اگر بیند کوساله او بمرد دلیل که فرزندش بمیرد
اگر بیند کوساله را بکشت و از کوشت او بخورد دلیل که میراث فرزند خورد و اگر بیند که
کوساله سفید داشت دلیل که فرزند او پارسا و خوب رو بود و اگر کوساله سیاه بیند دلیل که فرزند
او توانگر و مستور بود و اگر کوساله ابلق بیند دلیل که همه چیز در آن فرزند بود اگر در خواب کوساله
را فربه و قوی بیند دلیل که فرزند او تندرست و نیکو حال بود اگر بیند که کوساله ضعیف بود

کوسفند

تاویل بخلاف این بود کوسفند ابن سیرین کوید که دیدن کوسفند در خواب دلیل غنیمت بود
اگر بیند که کوسفند میچرانید دلیل که بر قومی مهتری یابد اگر بیند که کوسفند بسیار داشت
و دانست که ملک اوست دلیل که نعمت بسیار حاصل کند اگر بیند که کوشت کوسفند پخته میخورد
دلیل که بقدر آن غنیمت یابد اگر بیند که کوسفند را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال او را
بخورد ابرهیم کوید اگر در خواب بیند که بز میشی داشت دلیل که از بزرگی مال حاصل کند اگر
بیند که سروهای بز و میش قوی بود دلیل که بیننده خواب توانا کردد اگر بیند که بز و میش
بسیار داشت و دانست که ملک وست دلیل که بقدر ایشان از بزرکان منفعت یابد و نیز کوید

لم بجود

که بعد از هر میشی ساله بزرگی یابد جابر کوید که دیدن ماده میش در خواب دلیل بر زنی بزرگ بود
قوله تعالی ان هذا اخی له تسع و تسعون نعجة ولی نعجة واحدة اگر بیند که ماده میشی داشت دلیل که
زنی بزرگزاده بخواهد اگر بیند که کوسفند با او سخن کفت دلیل که روزی بر وی فراخ کردد
حضرت صادق ع فرماید دیدن کوسفند در خواب پنج وجه بود اول مهتری دوم زنی بزرگ سیم
مال چهارم فرزندان پنجم منفعت یافتن کوشتها ابن سیرین کوید دیدن کوشتها بخواب هر

کوشتها

چند که پخته تر بیند دلیل که مال آسان تر بدست آید و آنچه خام خورد دلیل بر غم بود که برخیزد
بل شاید خریدن و فروختن در خواب بد بود دانیال ع کوید اگر بیند که کوشت آدمی
میخورد دلیل که غیبت اهل خانه کند اگر بیند که کوشت کوسفند پخته میخورد دلیل مال بود جابر
کوید که دیدن کوشت فربه بهتر از کوشت لاغر بود اگر بیند که کوشت بزغاله بخانه برد دلیل هلاک
بود ابرهیم کوید اگر بیند که کوشت اسب خورد دلیل که از پادشاه منفعت یابد اگر بیند که کوشت
اشتر خورد دلیل که مال یتیمی خورد برنجوری اگر بیند که کوشت آهو خورد دلیل که از زنی منفعت یابد
اگر بیند که کوشت بز خورد دلیل که مال دشمن خورد اگر بیند که کوشت پرستو خورد دلیل بر مال
اندک بود اگر بیند که کوشت بز خورد دلیل بر بیماری بود و مصیبت اگر بیند که کوشت بط خورد
دلیل مال بود اگر بیند که کوشت پلنک خورد دلیل که قدح بنام او در کرد اگر بیند که کوشت
کنجشک خورد دلیل که مال فرزند خورد اگر بیند که کوشت تذرو خورد بجود کرد و اگر بیند که
کوشت بوزینه خورد همین بود اگر بیند که کوشت پیل خورد دلیل که از قبل پادشاه مال یابد
اگر بیند که کوشت جغد خورد دلیل که مال دزدیده خورد اگر بیند که کوشت چکاوک خورد دلیل
که مال بسیار یابد اگر بیند که کوشت خرکوش خورد دلیل که از زنان میراث یابد اگر بیند که
کوشت خرچنگ خورد دلیل که از زنان مال حاصل کند اگر بیند که کوشت دراج خورد دلیل
که مال از زنی بستاند اگر بیند که کوشت راسو خورد دلیل که مال دزدی خورد اگر کوشت روباه
خورد دلیل بیماری و ترس بود اگر بیند که کوشت زاغ خورد دلیل که مال مردی فاسق خورد
اگر کوشت سنکخواره خورد دلیل که مال ابلهی خورد اگر بیند که کوشت سوسمار خورد دلیل
که مال بر خصم یابد اگر کوشت سار خورد دلیل که از مسافری راحت یابد اگر بیند که کوشت سک

خورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که گوشت سیمرغ خورد دلیل که از بزرگی راحت یابد اگر
اگر بیند که گوشت شاهین خورد دلیل که از ستمکاری راحت یابد اگر گوشت بره خورد دلیل که با کرم
پیوندد اگر بیند که گوشت شیر خورد دلیل که از سلطان منفعت یابد اگر بیند که گوشت طاوس
خورد دلیل که مال تمام بود اگر بیند که گوشت طوطی خورد دلیل که علم اموزد اما او را سود
ندارد اگر بیند که گوشت قمری خورد دلیل که از زنی خوب روی راحت یابد اگر بیند که گوشت گاو
یا گاومیش خورد دلیل منفعت بود اگر گوشت گاو کوهی خورد دلیل که مال از کنیزک بستاند
و گوشت کبوتر همین دلیل بود اگر گوشت گوبر خورد دلیل که از سفر بود و مال حاصل کند اگر
بیند که گوشت کشف خورد دلیل که از عالمی علم اموزد اگر گوشت کفتار خورد دلیل که پیرزنی
با جادو کند اگر بیند که گوشت کلاغ خورد دلیل که مال مردی بیابانی خورد اگر گوشت خرگوش
خورد نعمتی بسیار حاصل کند اگر بیند که گوشت ماهی خورد دلیل که مال فراوان بدست آورد
اگر بیند که گوشت ماکیان خورد دلیل که مال کنیزک و خادم خورد اگر بیند که گوشت مرغابی خورد
دلیل که بزرگی و ولایت یابد اگر گوشت نهنگ خورد دلیل بلائی بوی رسد اگر بیند که گوشت
هدهد خورد دلیل که مال [illegible] خورد اگر گوشت همای خورد دلیل که از پادشاه راحت یابد
حضرت صادق ع فرماید که خوردن گوشت جانوران چهار وجه بود اول مال دویم میراث سیم توانگری
چهارم مصیبت و دیدن گوشت هر جانوری که حلال بود دلیل بر مال حلال بود و انچه گوشت ان
حرام بود مال حرام بود **کوش** ابن سیرین گوید اگر بیند که گوش او بیفتاد دلیل که زن را طلاق دهد
و یا دخترش بمیرد و گویند دلیل که اجلش نزدیک بود اگر بیند که گوش او کوشد دلیل بر فساد دین
بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن گوش بخواب هفت وجه بود اول زن دویم دختر سیم دوست
چهارم دقیق پنجم پسر ششم غلام هفتم ترس و بیم **کوشواره** اگر بیند که بهر دو گوش گوشواره داشت
دلیل که از مردم زینت و جمال یابد اگر بیند که از هر دو گوش او مروارید او یخته بود دلیل که
علم قران اموزد و دانا گردد ابرهیم گوید اگر مردی در خواب بیند که زن او دو حلقه در گوش داشت
یکی انداخت و دیگری از سیم دلیل که زن را طلاق دهد و بیرون کند حضرت صادق ع فرماید که
دیدن گوشواره در خواب چهار وجه بود اول فرزند و جمال دویم اموختن علم سیم جاه و بزرگی

چهارم غم و اندوه **کوشک** ابن سیرین گوید اگر بیند که در کوشکی رفت دلیل مال و خواسته بود
خاصه ان کوشک را اگر از خشت خام و گل ساخته بیند و اگر کوشک را از گچ و سنگ ساخته بیند
دلیل مال بود اما در دین نقصان بود ابرهیم گوید اگر در خواب بیند که کوشک او خراب شد
دلیل بر تلف مال بود اگر بیند که اتش در کوشک او افتاد دلیل که پادشاه با او مصادره
کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن کوشک در خواب هفت وجه بود اول نعمت دویم ولایت
سیم مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری ششم پادشاهی هفتم از امر کاری **کوکرد** ابن سیرین
گوید که دیدن کوکرد در خواب دلیل غم و اندوه بود **کودکی** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب
بیند که کودک شده بود دلیل غم و اندوه بود زیرا که کودک صلاح از فساد نداند و نیز
گویند که کارش ضعیف بود ابرهیم گوید که دیدن کودک خوبروی دلیل فرشته بود و کودک
زشت روی دلیل مال بود اگر مردی در خواب بیند که کودکی را شیر میداد دلیل که او را در
زندان کنند **کوه** دانیال ع گوید اگر کسی خود را در سر کوهی بیند دلیل که در پناه بزرگی
رود اگر بیند که کوه از جای برکند دلیل که بزرگی را قهر کند اگر بیند که در کوهی مقام ساخت
دلیل که مقرب پادشاه گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که بر سر کوهی بانگ نماز گفت یا نماز کرد
دلیل که کارش بالا گیرد اگر بیند که بر دامن کوهی بیفتاد دلیل غم بود جابر گوید اگر بیند که کوه
بجنبید دلیل که بزرگی از اندیار در بجور گردد اگر بیند که کوهی بکند و بر وی اسان بود دلیل
که کسی چیزی بوی دهد اگر بیند که بر کوه قاف نشسته بود دلیل که اجلش نزدیک شده باشد
ابرهیم گوید اگر خود را در کوه طور بیند دلیل که معتمد پادشاه گردد و اگر بر کوه لسان بیند
دلیل که با علما صحبت دارد و اگر بیند که بدن کوهی در شد دلیل که در زندانش کنند یا بمیرد
اگر بیند که در کوه سوراخی بود و در انجا رفت دلیل که او را از پادشاه اگاه کند و اگر بیند
که بکوهی رفت دلیل که بخدمت بزرگی رود اگر بیند که از کوه سنگ بر میگرفت و از هر جا که بود
می انداخت دلیل که نامهای پراکنده نویسد اگر بیند که از کوه بیفتاد دلیل که مرادش بر نیاید
اگر بیند که نردبانی بسته بود از گچ و او بدان نردبان بر سر کوه رفت دلیل که مرادش زود بر اید
و اگر نردبان را از گل و خشت بیند بنا و بل نیکوتر بود و اگر نردبان را از مس و برنج بیند دلیل

نامرادی بود و اگر از آهن بیند دلیل قوت بود اگر بیند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود دلیل
که مقرب پادشاه گردد حضرت صادق فرماید که دیدن کوه در خواب پنج وجه بود اول
پادشاهی دوم دبیر سیم ظفر یافتن چهارم بلندی پنجم رئیسی اگر بیند که بر کوه بالا نتوانست شد

کوهر

دلیل نامرادی بود کوهر ابن سیرین گوید که دیدن کوهر بخواب دلیل بر زنی توانگر صاحب جمال بود
اگر بیند که کوهر داشت دلیل که زنی چنین بخواهد اگر بیند که کوهر او ضایع شد دلیل که زن
را طلاق دهد ابرهیم گوید اگر بیند که کوهر بسفت دلیل که دلالی کند و دختر را بشوهر دهد
اگر بیند که کوهر سفته داشت دلیل که فرزندی آورد حضرت صادق فرماید که دیدن کوهر
بخواب هشت وجه بود اول مال مذکور دوم علم مشهور سیم فرزند معروف چهارم چیزهای گرانبها
پنجم زنی باجمال ششم سخنی مفید هفتم خیر و برکت هشتم کاری نیکو دیدن کوهر فروش در خواب

کوچه

دلیل بر خداوند علم و دین بود کوچه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که در کوچه آبادان
شد دلیل منفعت بود خاصه که آن خانه و کوچه مردم صالح باشند و اگر ویران کوچه مفسدان بود
دلیل مضرت بود جابر گوید اگر بیند در کوچه فراخ مقیم شد دلیل که کار بسته بروی کشاده گردد

کوی

و اگر کوچه را تنگ و تاریک بیند تاویل بخلاف این بود کوی ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که
با پادشاه کوی زد دلیل که بر دشمن ظفر یابد اگر در جای بیند که کوی میزد دلیل که با کسی خصومت
کند جابر گوید که دیدن کوی زدن در خواب مردم [illegible] را نیکو بود و غیر [illegible] را بد بود کیاه ابن سیرین
گوید دیدن کیاه تازه بخواب دلیل بر دین بود و روزی فراخ اگر بیند که در میان کیاه زار مقیم شد
دلیل که در دین ثابت بود اگر بیند که بر تن او کیاه رسته بود دلیل که نعمت بروی زیاده گردد اگر
بیند که کیاه از صحرا بخانه برد دلیل که از سفر مال حاصل کند اگر بیند که کیاه از خانه بیرون برد
دلیل که مال خود بکار خیر صرف کند اگر بیند که کیاه میخورد دلیل که بیمار گردد حضرت صادق فرماید
دیدن کیاه در خواب پنج وجه بود اول دین دوم مال سیم فرزند چهارم ولایت پنجم نیکوئی حال

کیسه

کیسه ابن سیرین گوید اگر بیند که کیسه درم و دینار یافت دلیل که بعد از آن معیشت و روزی بروی
فراخ گردد و اگر کیسه را تهی بیند تاویل بخلاف این بیند و بعضی گویند اجلش نزدیک بود جابر
گوید اگر در خواب کیسه خود را دریده بیند دلیل که راز او آشکارا گردد و اگر بیند که کیسه [illegible]

دوخته دلیل که راز او پوشیده بماند ابرهیم گوید اگر بیند که کیسه او با درم ضایع شد دلیل که
کسی را پند دهد و نشنود اگر بیند که کیسه او کشوده بود و درمها بریخت دلیل که از خصومت برهد حضرت
صادق فرماید که دیدن کیسه تهی در خواب سه وجه بود اول تن مردم دوم راز پنهان سیم درویشی

کیسوها

کیسوها ابن سیرین گوید که دیدن کیسوها بخواب دلیل عز و جاه بود و گویند اگر کیسو دارد مثل سادات و زنان
و توانگران را دلیل مال بود و صوفیان را دلیل بر دوست گرفتن بود با اهل پیغمبر

کیک

کیک ابن سیرین گوید که دیدن کیک بخواب دلیل بر دشمن ضعیف بود اگر بیند که کیکی او را بگزید دلیل
که از دشمن سخنی سخت شنود اگر بیند که کیکی را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که کیکان

کیسکر

بسیار بر تن او جمع شدند دلیل که بر زبان مردم عام افتد و مضرت بیند کیسکر ابن سیرین
گوید که دیدن کیسکر در خواب خوردن او دلیل غم و اندوه بود اگر بیند که کسی کیسکر بوی داد
دلیل که غمی بوی رساند خوردن کیسکر بخواب چیزی نباشد والله اعلم

حرف اللام

حرف اللام من کتاب کامل التعبیر

لباچه

لباچه ابن سیرین گوید دیدن لباچه در خواب دلیل بر نیکوئی بود
و کرمانی گوید [illegible] چهار وجه بود اول زن دوم امانت داری سیم صلاح کارها چهارم منفعت

لباس

لباس ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که لباس تابستان بر زمستان پوشیده بود دلیل که [illegible]
لباس مالش زیاده گردد اگر بیند که لباس زمستان بتابستان بود دلیل ترس و بیم است اگر زنی بخواب
بیند که لباس مردان پوشیده بود دلیل منفعت بود ابرهیم گوید اگر بیند که در تن او لباس مهتران
بود دلیل بزرگی بود و اگر لباس فاسقان بیند دلیل گناه بود اگر بیند که لباس سلاطین
پوشیده بود دلیل که کارش بنظام گردد جابر گوید اگر بیند که لباس پادشاهان داشت دلیل که
از پادشاه منفعت بیند اگر بیند که لباس علما داشت دلیل که از علما بهره مند گردد اگر بیند
که لباس صوفیان داشت از دنیا دست بدارد اگر بیند که لباس توانگران داشت دلیل که در جمع
کردن مال حریص بود اگر بیند که لباس ترسایان و جهودان داشت دلیل که بیننده را میل باطل
شود حضرت صادق فرماید که دیدن لباس در خواب هفت وجه بود اول دین پاک دوم توانگری

لب

سیم عز و جاه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم عمل هفتم عدل لب ابن سیرین گوید که دیدن لبها
در خواب دلیل حاجت روائی بود و دیدن لب زبرین در خواب بهتر از لب بالا بود و بعضی گویند که

دیدن لبها بخواب دلیل بر قرابت و خویش بود اگر ببیند که لبهای او نبود دلیل بر نقصان مال
بود و نیز گویند که زنش بمیرد اگر ببیند که لبهای او ببریدند دلیل که زن را طلاق دهد ابرهیم
گوید که لبهای او درد کرد دلیل که غمگین گردد اگر ببیند که لبهای او بر هم چسپید بود چنانکه باز نتوان
کرد دلیل که کارش بسته گردد اگر زنی ببیند که خالی سیاه بر لب داشت دلیل عز و جاه بود و اگر این
خواب را مردی ببیند دلیل که مالش زیاده گردد اگر ببیند که لبهای او سرخ بود دلیل که سخن روا گردد
اگر ببیند که لبهایش سبز بود یا سپید دلیل که از بهر دوستان غم خورد اگر لب خود را ضعیف ببیند
دلیل که عاجز گردد حضرت صادق ع فرماید دیدن لب بالا بخواب دلیل پسر بود و لب زیرین دلیل
دختر بود

لحاف

لحاف ابن سیرین گوید دیدن لحاف در خواب دلیل زن بود اگر ببیند که لحاف نو بخرید
دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد یا زن خواهد اگر ببیند که لحاف او چرکین بود دلیل که زن او سلیطه
بود جابر گوید اگر ببیند که لحافی سبز داشت دلیل که زنی دیندار بخواهد اگر سپید ببیند آن
زن توانگر و پارسا بود اگر سرخ ببیند زنا و مطرب دوست بود اگر سیاه ببیند زن ادعا المه بود
اگر زرد ببیند زن او بیمار گونه بود اگر ملون ببیند زن او فریبنده بود حضرت صادق ع فرماید دیدن

لوزینه

لحاف در خواب بر سه وجه بود اول زن عالمه دوم کنیزک دوشیزه سیم عز و جاه لوزینه دیدن ابن سیرین
گوید اگر کسی ببیند که سر او میلرزید دلیل رحمت بود اگر ببیند که گردن او میلرزید دلیل که امانت نگاه دارد
اگر ببیند که کتفهای او میلرزید دلیل که سخنی سخت شنود اگر ببیند که شکم او میلرزید دلیل که در
سفر رحمت افتد ابرهیم گوید اگر ببیند که همه اندام او میلرزید دلیل که سبب مراد سختی ببیند

لرزه

اگر ببیند که پایش میلرزید دلیل در سفر رحمت افتد دانیال ع گوید که دیدن لرزیدن اندامها
بخواب چهار وجه بود اول ضعف احوال دوم ترس و بیم سیم غم و اندوه چهارم مضرت ابن سیرین گوید لرزه
ابن سیرین گوید اگر ببیند که آسمان میلرزید دلیل که در اندیار ظلم بود اگر ببیند که آفتاب یا ماه
میلرزید دلیل که پادشاه آن ملک را مضرت رسد جابر گوید اگر ببیند که عرش میلرزید دلیل بر
بی باکی علما بود اگر لوح و قلم میلرزید دلیل بد حالی دبیران بود اگر ببیند که هفت آسمان میلرزید

لشکر

دلیل محنت بود لشکر ابن سیرین گوید اگر ببیند که لشکریان بر اهل آن موضع گرد آمدند و بسایدند
دلیل قوت اهل آن موضع بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن لشکر در خواب پنج وجه بود اول

ملخ

لعل

ملخ دوم سیل سیم باد چهارم خصومت پنجم محنت لعل ابن سیرین گوید دیدن لعل در خواب دلیل
زنی بود صاحب جمال اگر در خواب ببیند که لعلی داشت دلیل که زنی بزرگ بخواهد
یا کنیزک صاحب جمال بخرد و گفته اند دلیل که دختری آورد جابر گوید اگر ببیند که لعل بسیار
داشت دلیل که بقدر آن مال یابد اگر ببیند که آشنائی پاره لعل بوی داد دلیل که از خویشان
زنی توانگر بخواهد حضرت صادق ع فرماید که دیدن لعل در خواب چهار وجه بود اول زن

لفاح

دوم کنیزک سیم نعمت چهارم دختر لفاح دست شوی بود ابن سیرین گوید که دیدن لفاح
در خواب شش وجه بود اول سخن خوش دوم جمال سیم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم

لقلق

غلام لقلق ابن سیرین گوید که دیدن لقلق در خواب دلیل بر زنی بود حجازی و عاقبت اندیش
و با حسب و نسب اگر ببیند که لقلقی داشت دلیل که با چنین مردی صحبت دارد اگر ببیند که لقلق را
بکشت دلیل که دشمن را بکشد اگر ببیند که لقلقی بر بام خانه او نشست دلیل که مهتری بخانه او
آید حضرت صادق ع فرماید که دیدن لقلق در خواب چهار وجه بود اول مردی دهقان دوم

لقمه

پادشاهی ضعیف سیم پاسبان چهارم غریبی درویش لقمه ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که
لقمه شیرین در دهان نهاد دلیل که سخنی خوش گوید اگر آن لقمه ترش بود تاویل بخلاف این
بود جابر گوید اگر ببیند که لقمه گرم در دهان نهاد دلیل که در بلائی افتد اگر لقمه در دهان
او خوش بود تاویل بخلاف این بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن لقمه در خواب سه وجه

لقوه

بود اول بوسه دادن دوم سخن لطیف سیم منفعت لقوه ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که
روی او از علت لقوه کج شد دلیل که پیش مردم خوار گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن
لقوه در خواب مردی منافق بود اگر دید که بعلت لقوه گرفتار شد دلیل بر آشکار اشدن

لکام

دین او بود لکام ابن سیرین گوید اگر در خواب ببیند که لکام او بگسست دلیل بر نقصان
بزرگی او بود اگر ببیند که چون اسپان لکام بر سر داشت دلیل که روزه دارد اما سخن نیکو
بسیار بگوید علی ع فرماید که هر کس در بیداری بد سگال بود بخواب لکام در دهانش
بد بود جابر گوید اگر بنده ببیند که لکام در دهان داشت دلیل که آن بنده بفرمان خواجه
بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن لکام در خواب بر سه وجه بود اول ادب و فرهنگ

لگدزدن

دوم دوبه داشتن سیم بندگی و دیدن لگام فروش دلیل بر مردی بود که زن بیرولایت کند و
راستی کارها لگدزدن ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که کسی را لگد زند دلیل که حال او
بد گردد اگر بیند که استری او را لگد زد یا اسبی دلیل بر نقصان حال او بود اگر بیند که خر وی را
لگد زند دلیل که کارش بخلل افتد اگر اشتر وی را لگد زند دلیل که از سفر زحمت یابد اگر گاو لگد زند
دلیل زیان بود حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن لگد زدن در خواب چهار وجه بود
اول نقصان شرف دوم مضرت سیم غم و اندوه چهارم فساد عیال

لوبیا

لوبیا ابن سیرین گوید که دیدن لوبیا
بخواب خام و پخته و تر و خشک بوقت و بیوقت دلیل غم بود و در دیدن او چیزی نباشد

لوح محفوظ

لوح محفوظ ابن سیرین
گوید که دیدن لوح محفوظ در خواب دلیل علم و حکمت بود جابر گوید اگر بیند که لوح محفوظ گم کرده
بود دلیل که حالش بد گردد اگر بیند تمام چیزها بر لوح محفوظ نوشته دلیل که کارش نیکو گردد و اگر
بیند که نام او در آنجا نوشته بود دلیل که اجلش نزدیک بود حضرت صادق فرماید که دیدن لوح که
طفلان بر آن چیزی خوانند شش وجه بود اول زیادتی مال دوم پیری سیم علم چهارم هدایت پنجم
فرمان روائی ششم حکمت

لوزینه

لوزینه ابن سیرین گوید اگر بیند که لوزینه در خواب بدهان نهاد دلیل
که سخنی خوش شنود اگر بیند که لوزینه بسیار داشت دلیل که مال فراوان یابد اگر بیند که لوزینه
بکسی داد دلیل که راحتی بوی رساند

لنگ شدن

لنگ شدن ابن سیرین گوید اگر بیند که لنگ شده بود دلیل
که پیش خویشان خوار گردد ابراهیم گوید اگر خود را در خواب لنگ بیند دلیل که مقصودش بر نیاید
اگر بیند که لنگ بود و بعصا رفت دلیل که از کسی یاری خواهد و مرادش بر آید جابر گوید اگر بیند
که بهر دو پای لنگ شده بود دلیل که اعتقاد که خدائی یکی کرده بود اگر لنگ در خواب بیند
که لنگ بود و پایش درست گردید دلیل که مقصودش بر آید و مرادش حاصل گردد حضرت صادق
فرماید که دیدن لنگی در خواب پنج وجه بود اول منفعت دوم ناتوانی سیم درویشی چهارم غم و
اندوه پنجم عیش نقصان

لولید

لولید ابن سیرین گوید که دیدن لولید در خواب دلیل بر خدمتکار خانه بود
اگر بیند که اصل لولید از مس بود دلیل که آن خدمتکار [illegible] بود اگر لولید را در خواب بزر دید و یا کبر
بیند دلیل که خدمتکارش صالح بود و اگر لولید را کوچک بیند دلیل که خدمتکار او مفسد
بود و اگر بیند که لولید بشکست دلیل که خدمتکار از وی جدا گردد

لیمو

لیمو ابن سیرین گوید که دیدن

لیمو

لیمو در خواب بیماری بود و در دیدن آن چیزی نباشد والله اعلم

حرف المیم من کتاب کامل التعبیر

مار

مار ابن سیرین گوید دیدن مار بخواب دلیل دشمنی نهان بود اگر مار را
در خانه بیند دلیل دشمنی خانگی بود و اگر در صحرا بیند دشمن بیگانه بود اگر بیند که با مار
جنگ کرد دلیل که با دشمن خصومت کند اگر مار بیند که بروی چیره شد دلیل که دشمن بروی غالب
گردد و اگر خود را چیره بیند دشمن را قهر کند اگر بیند که گوشت مار خورد دلیل شادی بود
اگر بیند که مار را بزد و پاره کرد دلیل که مال دشمن خورد اگر در خواب بیند که ماری مرده بود
دلیل که آفتی از وی بگردد ابراهیم گوید اگر بیند که ماری سفید بگرفت دلیل بزرگی بود اگر
بیند که مار از وی بگریخت دلیل ضعف دشمن بود اگر ماران سیاه بیند دلیل که دشمن بسیار بود
اگر مار را سبز بیند دلیل که دشمن او زاهد و صالح بود اگر زرد بیند دلیل که دشمن او بیمار
گونه بود اگر مار را سرخ بیند دلیل که دشمن او معاش بود اگر بیند که ماران بسیار پیش او
جمع شدند دلیل که خویشان دشمن او باشند جابر گوید اگر کسی بیند که از سوراخ دهان یا
بینی او یا گوش یا ذکر یا مقعد او ماری بیرون آمد دلیل که فرزند دشمن او بود اگر بیند که مار
را بگرفت و گزندی بوی نرسید دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن غالب گردد و مقصودش حاصل شود
حضرت صادق فرماید که دیدن مار در خواب ده وجه بود اول دشمن پنهان دوم زندگانی سیم
سلامتی چهارم پادشاهی پنجم سیلابی ششم دولت هفتم زن هشتم مرگ نهم پسر دهم
سیلاب باران

مازو

مازو ابن سیرین گوید اگر بیند که مازو از درخت جمع کرد دلیل که بسختی مال حاصل کند
اگر بیند که بخروار مازو داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند اگر بیند که مازو خورد دلیل که
مال حرام خورد ابراهیم گوید که دیدن مازو در خواب دلیل بیماری بود و مازوی سبز و سیاه غم
و اندوه بود حضرت صادق فرماید دیدن مازو در خواب چهار وجه بود اول مال مکروه
دوم غم و اندوه سیم بیماری چهارم ملامت در کارها

ماچوبه

ماچوبه ابن سیرین گوید اگر بیند که ماچوبه
از زمین بوقت خود جمع کرد دلیل منفعت بود و اگر خام خورد مضرت بود

ماست

ماست ابن سیرین
گوید که دیدن ماست شیرین دلیل منفعت بود و ماست ترش دلیل غم و اندوه بود دانیال گوید
دیدن ماست در خواب مالی بود که از سفر حاصل کند ابراهیم گوید اگر بیند که ماست خورد و شیرین

ماش

بود دلیل بر مال حلال بود ماش ابن سیرین گوید اگر بیند که ماش پخته میخورد دلیل که اندک
مال یابد اگر بیند که ماش خام خورد دلیل غم بود جابر گوید که دیدن ماش تر و خشک پخته و خام

ماکیان

دلیل غم و اندوه بود و اگر نخورد هیچ غم و اندوه نباشد ماکیان ابن سیرین گوید دیدن ماکیان
بخواب دلیل خادم و کنیزک بود اگر دید که مرغ خانگی داشت دلیل که کنیزکی بخرد یا خدمتکاری اگر
بیند که مرغ خانگی بسیار داشت دلیل که سروری یابد ابرهیم گوید دیدن ماکیان بخواب دلیل زنی
بود با جمال و مال اگر بیند که ماکیان در خانه او خایه کرد دلیل که از زنی منفعت یابد حضرت صادق
فرماید که دیدن ماکیان در خواب سه وجه بود اول زن صاحب جمال دوم کنیزک سیم خادم خانه

مامیران

مامیران ابن سیرین گوید که دیدن مامیران بخواب و خوردن آن دلیل بیماری بود اگر بیند که مامیران
از بهر درد چشم بچشم کشید دلیل که کاری کند که او را از آن ثواب حاصل کرد مامینا بخواب

مامینا

دیدن در وقت و بیوقت غم بود شادانیال گوید که دیدن ماه بخواب دلیل وزیر بود اگر بیند که ماه

ماه

از آسمان فرا گرفت دلیل که وزیر پادشاه شود ابن سیرین گوید که دیدن ماه دلیل بر پادشاه بود
اگر بیند که ماه بدو نیمه شد دلیل که پادشاه یا وزیر هلاک کردند اگر بیند که ماه باوی سخن گفت
دلیل که بر ولایتی حکم کند اگر بیند که دو ماه با هم جنگ کردند دلیل که در میان دو پادشاه خصومت شود
اگر بیند که یکی از آن دو ماه ناقص شد یعنی یکی از آن دو پادشاه معزول شود جابر گوید اگر کسی در خواب
دید که ماه در بر گرفت یا در دست دلیل که زنی صاحب جمال بخواهد اگر بیند که ماه هلال کرده بود دلیل
که زن از اصل کمتر بود اگر این خواب با زنی ببیند دلیل که شوهری کند بدین نوع ابرهیم گوید اگر
کسی بیند که ماه بدر بود و در خانه او بتافت دلیل که اهل آن خانه را از پادشاه منفعت رسد
اگر بیند که ماه بدر بود تاریک شد دلیل که از پادشاه مضرت یابد اگر بیند که ماه هلال بود
از مطلع خود بیرون آمد لکن بر اول ماه بود و بزیادت شد و بدر گشت دلیل که در آن موضع فرزند
او پادشاه گردد و بعضی گویند که دیدن ماه بخواب دلیل بر آن باشد که پادشاه را پسری آید یا
وزیر بود اگر بیند که ماه را بدست بگرفت یا در کنار او آمد دلیل که او را پسری آید عالم و دانا
اگر این خواب را یکی از مقربان و نزدیکان سلطان ببیند فرزندش پادشاه گردد حضرت صادق فرماید
که دیدن ماه در خواب هفت وجه بود اول پادشاه دوم وزیر سیم ندیم چهارم رئیس پنجم شرف

جاه ششم

ماهی

جاه ششم کنیزک هفتم غلام هشتم کار باطل نهم والی دهم عالمی مفسد یازدهم شهر دوازدهم مادر
سیزدهم پدر چهاردهم زن پانزدهم فرزند شانزدهم پسر هفدهم بزرگواری ماهی دانیال
گوید که دیدن ماهی در خواب در دریا کم سیر دلیل بلا و سختی بود و در پارسی دستبر تا و تشن
نیکو بود اگر بیند که ماهی بسیار داشت تازه و بزرگ دلیل غنیمت بود اما ماهی کوچک غم بود اگر
بیند که از شکم ماهی مروارید یافت دلیل که پسری آورد ابن سیرین گوید اگر بیند که کسی
ماهی شور و خشک بوی داد دلیل که بزرگی ظلم کند اگر ماهی خورد دلیل که از غلام
مضرت بیند و بعضی گویند دلیل سفر بود جابر گوید که دیدن ماهی تازه در خواب دلیل غنیمت
بود زیرا که بر خوان عیسی ع که از بهشت آورده بودند ماهی بود اگر بیند که از دهان او بیرون
آمد دلیل که دروغ بسیار گوید اگر بیند که از قضیب او ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید
اگر بیند که ماهی تازه پخته میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اگر بیند که ماهی فروشی
میکرد دلیل که منفعت یابد اگر بیند که ماهیان دریا با او سخن گفتند دلیل که از آن پادشاه کار
کرده و مراد خود حاصل کند حضرت صادق ع فرماید دیدن ماهی در خواب شش وجه بود اول

ماهی خام

وزیر دوم لشکر سیم دختر دوشیزه چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کنیزکی هندی ماهی خام
ابن سیرین گوید دیدن ماهی خام در خواب دلیل زن بود اگر بیند که ماهی خام داشت دلیل
که زنی بخواهد اگر بیند که ماهی خام از دستش بیفتاد دلیل که زن را طلاق دهد جابر گوید که

مبرد

دیدن ماهی خام در خواب دلیل غم و اندوه بود مبرد بفارسی سوهان گویند ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که مبردی داشت و زنگ آهن بدان میزد دلیل که کارها بروی گشاده گردد و بعضی

مطهره

گویند دیدن مبرد بخواب دلیل بر آنست که آنچه طلب نماید مطهره ابن سیرین گوید اگر بیند که
مطهره بود داشت دلیل منفعت بود از سفر و اگر بیند تا و بیل بخلاف این بود حضرت صادق ع

منقبه

فرماید که دیدن مطهره در خواب بر سه وجه بود اول سفر دوم مال سیم زندگانی منقبه ابن سیرین
گوید اگر بیند که چوبی بمنقبه سوراخ کرد دلیل که بحیله از مردم چیزی بستاند مجلس علم ابن

مجلس علم

سیرین گوید که در مجلس علم نشسته بود و عالم تفسیر قرآن در حیله میگفت دلیل که اعتقادی
محکم عبادتی بکند بقدر دوستی قرآن خواندن جابر گوید اگر بیند که در مجلس علم منکری است دلیل

مجلس

کرادن کاری که بدین تعلق دارد شاد کردد اگر بیند که در مجلس علم او را جا بدید آمد از خود برفت دلیل که او را کاری پیش اید که از ان متحیر کردد و عاقبتش محمود بود مجلس ابن سیرین گوید اگر بیند که در مجلس شراب با حریفان شراب میخورد دلیل که بهوای نفس حرام خوردن مشغول کردد اگر بیند که در مجلس شراب نشسته بود و شراب نمیخورد دلیل که بفساد و حرام رضا دهد اگر بیند که در مجلس چنگ و چغانه بود دلیل حسبت بود

مجمره

مجمره عود سوز بود و در حرف عین گفته شد

محبره

محبره ابن سیرین گوید که دیدن محبره در خواب دلیل بر زنی بود پاک و عالمه اگر بیند که محبره داشت دلیل که زنی بدین صفت بخواهد و از وی منفعت یابد اگر بیند که محبره او ضایع شد دلیل که زنش بمیرد و اگر زن ندارد زنی از خویشان او بمیرد

محراب

محراب ابن سیرین گوید اگر بیند که در محراب نماز کرد دلیل که او را فرزندی صالح اید اگر بیند که در محراب نشسته بود دلیل که در نماز کاهلی کند جابر گوید اگر بیند که محراب را عمارت کرد دلیل بر صلاح دین او بود اگر بیند که در محراب را تاخت دلیل که او را فرزندی اید عالم حضرت صادق فرماید که دیدن محراب در خواب پنج وجه بود اوّل پادشاه دوم امام مسجد سیم قاضی چهارم محتسب پنجم مباحی کردن

مخنث

مردمان مخنث ابن سیرین گوید اگر بیند که مخنث شده و خود را چون زنان بیاراست دلیل که بلائی بوی رسد اگر بیند که با مخنثان نشسته بود دلیل که با مفسدان اختلاط کند

مداد

مداد ابن سیرین گوید که دیدن مداد دلیل بر طلب معیشت یا فتن مراد بود اگر بیند که مداد از کسی بستد دلیل که معیشت بر او فراخ شود اگر بیند که مداد جامه او را سیاه کرد دلیل زیان بود امّا اگر ببیند که دبیر بود بهتر کردد حضرت صادق فرماید دیدن مداد در خواب چهار وجه بود اوّل مهتری دوم رامش سیم معیشت چهارم شادی

مذکر

مذکر ابن سیرین گوید که مذکر معنی پند دهنده بود اگر کسی بیند که مردم را پند میداد دلیل شادی بود اگر این خواب را بیمار بیند شفا یابد اگر بیند که مردی را پند میداد و در ان پند صلاح دنیا و اخرة او بود دلیل که کار دین و دنیای او نیک کردد

مذی

مذی آب نشاط است ابن سیرین گوید اگر بیند مذی داد در خواب دلیل شادی بود بیقدر

مرجان

مرجان ابن سیرین گوید دیدن مرجان بخواب دلیل زن بود یا فرزند اگر بیند که مرجان داشت دلیل که زنی خواهد که او را فرزند بود اگر بیند که مرجان او ضایع شد دلیل

کردن

حرف المیم

کردن را طلاق دهد ابرهیم گوید دیدن مرجان فرزند بود امّا اگر مرجان را با دیگر جوهرها

مرکب

بیند دلیل مال بود حضرت صادق فرماید دیدن مرجان در خواب بر چهار وجه بود اوّل فرزند دوم زینت سیم جمال چهارم مال مرد ابن سیرین گوید اگر کسی مردی معروف را بخواب بیند دلیل کردد بیداری همان بود اگر مردی مجهول بیند دلیل دشمن او بود حضرت صادق فرماید که دیدن

مرد

مرد پیر دلیل حیله بود و خبر مکروه

مرداسنگ

مرداسنگ ابن سیرین گوید که دیدن مرداسنگ دلیل بیماری بود چنانکه در ان بیم هلاک بود حضرت صادق فرماید که دیدن مرداسنگ بخواب سه وجه بود اوّل بیماری دوم غم سیم غربت و شکنجه

مرده

مردن دانیال گوید اگر بخواب بیند که بمرد و همه بروی بگریستند تا و قتیکه ویرا بشستند و با کفن در کور کردند اینهمه دلیل بر فساد دین بود اگر بیند که او را در جنازه نهادند و مردم از پیش و پس او میرفتند دلیل بزرگی بود اما دینش بنقصان بود و بعضی گویند که هر چند مردم که بر جنازه او بودند حکم کند اگر بیند که مرده بود و زنده شد دلیل که از گناه توبه کند و عمرش دراز بود اگر بیند که در میان گورستان بود دلیل که با جاهلان اسفر کند ابن سیرین گوید هر که خواهد که بداند که حال او نزد حق تعالی چونست احتیاط کند که حال او نزد صالحان دین از مردگان چگونه است اگر بیند که ویرا مرده کان بشارت دادند یا با او سخن گفتند دلیل که حال او نزد حق تعالی نیکو بود و اگر با وی سخنان ناخوش گفتند بخلاف این بود جابر گوید که دیدن مرده مفاجا در خواب دلیل بر راحت مؤمن بود و عذاب کافر و هر چند جان کندن خود را در خواب معتبر بیند دلیل که عذاب او سخت تر بود اگر بیند که بمرد و او را بشستند دلیل که در دین ثابت بود کرمانی گوید اگر بیند که بمرد و او را بر جنازه نهادند و خلق در پی او میرفتند بعد دفن خود بزرگی یابد اگر بیند که او را مرده بر پشت کرفته بود و میبرد دلیل مال حرام بود اگر بیند که زنده بمرد و او را بر جنازه نهادند دلیل بخدمت پادشاه رود و منفعت یابد اگر بیند که بمرد و دیگر بار زنده شد بغایت نیکو بود و اگر مرده را بیند که دیگر بار بمرد و او را بر جنازه نهادند دلیل که خود بخدمت پادشاه رود و منفعت یابد اگر بیند که مرده دیگر باره بمرد دلیل که فرزندش بمیرد اگر بیند که فرزند بمرد دلیل که توانگر کردد و بعضی گویند که از شر دشمن ایمن کردد اگر بیند که مادر و پدر او بمردند دلیل که کارش نیکو کردد و نیز گویند که کارش

مرده زنده شدن

شوریده شود اگر زنی آبستن ببیند که مرده او را بشستند دلیل که او را پسر آید اگر ببیند که
مرده او را بشستند و بر جنازه نهادند بتاویل نیکو بود اگر دفن کردند بد بود مرده زنده شدن
ابراهیم گوید اگر ببیند که مرده زنده شد دلیل که حالش نیکو بود خاصه مرده را گشاده روی ببیند
اگر زنده را مرده ببیند بخلاف این بود اگر در خواب پدر مرده خود را با جامهای نیکو ببیند خرم
دلیل که کارش ساخته و دولتش زیاده گردد و اگر زن مرده خود را در خواب ببیند دلیل که درویش
گردد و اگر پسر مرده خود را ببیند دلیل که از غم برهد اگر زنی ببیند که پسر مرده او زنده شد
دلیل که غایبش از سفر باز آید اگر ببیند که مرده را زنده کرد دلیل که زندیقی را مسلمان کند ابن
سیرین گوید اگر کسی مرده را ببیند و از او پرسد که تو مرده بودی او گوید که من زنده ام دلیل که
احوال مرده در آن جهان نیکو بود و حق از وی خوشنود بود قوله تعالی ولا تحسبن الذین قتلوا فی
سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم حضرت صادق ع فرماید که اگر ببیند که مرده او را در کنار
گرفت دلیل تندرستی بود اگر مرده را از اهل خود شادمانه ببیند تاویل بخلاف این بود اگر
ببیند که مرده از اهل او با وی مناظره کرد یا روی از وی بگرداند دلیل که وصیتی کرده بود و بجا
نیاورده باشد اگر چند ببیند که خندان پیش او آمد دلیل که کافر مرده بود قوله تعالی فاما الذین
اسودت وجوههم الخ اگر ببیند که مرده در نماز بود دلیل که آن مرده در دنیا استغفار بسیار
کرده باشد و مرده را چیزی دادن را تاویل نیست گوید اگر کسی ببیند که مرده او را چیزی داد از متاع دنیا
دلیل منفعت بود از جائی که امید ندارد اگر ببیند که مرده چیزی خوردنی بوی داد دلیل که روزی
حلال یابد ابن سیرین گوید اگر ببیند که جامه خود بمرده داد دلیل غم و اندوه بود اگر ببیند که
مرده قرآن بوی داد یا کتاب فقه دلیل بر توفیق یافتن طاعت بود اگر ببیند که جامه مرده سفید و خشن
دلیل که از آن نوع جامه گران گردد مرده نالیدن ابن سیرین گوید اگر در خواب مرده را نالان ببیند

مرده نالیدن

دلیل که آن مرده بد کردار بود در دنیا اگر ببیند که مرده از درد سر مینالید دلیل که در دنیا با
مردم تکبر کرده باشد اگر ببیند که مرده از درد چشم مینالید دلیل که در دنیا بعیال مردم نگاه
کرده بود اگر ببیند که از درد گوش مینالید دلیل که غیبت مردم شنوده باشد اگر ببیند که از درد
دندان مینالید دلیل که فحش بسیار بمردم گفته باشد اگر از پهلو مینالید دلیل که با زنان بد کرده

بوده

حرف المیم

مجامعت

بوده باشد اگر از درد شکم مینالید دلیل که حرام خورده باشد جابر گوید اگر ببیند که مرده
از درد پشت مینالید دلیل که زنا بسیار کرده باشد و با پدر و خویشان بدی کرده باشد
مجامعت حضرت صادق ع فرماید اگر کسی ببیند که با مرده مجامعت کرد و آب منی از وی جدا شد
دلیل منفعت بود و اگر از وی جدا نشد بد بود اگر ببیند که با زن مرده مجامعت کرد دلیل که حاجتش
روا گردد اگر ببیند که با مادر یا خواهر خود که مرده بودند مجامعت کرد دلیل که از مال مرده
چیزی بوی رسد اگر ببیند که مرده را بشهوت بوسه داد دلیل که زن خواهد و بمرادها برسد

از پس کسی مرده شدن

از پس مرده شدن ابراهیم گوید اگر ببیند که از پس مرده شد اگر آن مرده مصلح بود دلیل که راه
او گزیند و اگر مفسد بود دلیل که بیمار شود و شفا یابد مرده جامه پوشیدن ابن سیرین گوید اگر

مرده جامه پوشیدن

ببیند که مرده جامهای نیک پوشیده بود دلیل که با ایمان از دنیا رفته باشد و اگر مرده را با
جامهای سفید ببیند دلیل که در آخرت حال او نیکو بود اگر مرده را با جامهای سیاه ببیند بخلاف
این بود و جامه زرد و کبود دلیل مصیبت بود اگر ببیند که مرده را جامه پوشانید دلیل که اجلش
نزدیک بود تاویل کفن مرده ابراهیم گوید اگر ببیند که کفن مرده معروف بکند دلیل که در دنیا

تاویل کفن مرده

طریق امر بیه جوید اگر عالم بوده باشد بعلم و اگر مال دارد بمال اگر ببیند که خواست تا کفن مرده
را بکند و مرده را در گور زنده دید دلیل امر دین دار بود اگر ببیند که آن مرده را کفن کرد دلیل
که از خویشان مرده یکی را کفن کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن کفن مرده در خواب سه وجه
بود اول کمال دوم ظاهر شدن مشکل سیم فساد دین اگر ببیند که مرده زنده شد و معروف بود دلیل
عمل بود و اگر پادشاهی این خواب ببیند دلیل که علم و حکمت آموزد و از شغلی که طمع بریده بود باز
یابد قوله تعالی فاماته الله مائة عام ثم بعثه مرده نکوس ابن سیرین گوید اگر ببیند که مرده نکوس

مرده نکوس

بود دلیل که او را پسری آید عالم و دانا اگر ببیند که مرده نکوس شد مرده بود بتاویل بد بود
مرغ ابن سیرین گوید هر چند که در خواب مرغ را بزرگتر ببیند همت ببیننده خواب در آنچه

مرغ

طلبد عظیم تر بود اگر ببیند که مرغان بسیار در جائی بانگ کردند دلیل که مصیبتی پدید آید
اگر ببیند که خایه مرغ داشت دلیل فرزند بود ابراهیم گوید اگر در خواب ببیند که مرغ با او
سخن گفت دلیل که کارش بلند گردد اگر ببیند که مرغ پاره گوشت از اندام او در ربود دلیل

که مال اندوی برود بستانند جابر گوید که دیدن خروس در خواب دلیل بر مردی نخاس بود
اگر بیند که مرغان مختلف در شهری جمع شده بودند دلیل که لشکر بیگانه بدانجا رسد اگر بیند که مرغ
چشم او را برکند دلیل که دین بر او تباه گردد اگر بیند که خون مرغ خورده نقصان مال بود مرغابی ابن
سیرین گوید که دیدن مرغابی در خواب بهتر از مرغان دیگر بود اگر بیند که مرغابی داشت دلیل با مال
بود و بکام دل برسد اگر بیند که مرغابی با بگرفت دلیل بزرگی بود و استخوان و پر او را در خواب
دیدن همین دلیل بود جابر گوید اگر بیند که مرغابی داشت دلیل که او را فرزند اید حضرت صادق ع
فرماید که دیدن مرغ ابی در خواب چهار وجه بود اول مال دویم بزرگی سیم ریاست چهارم فرمان روائی
یافتن مردم ابن سیرین گوید اگر بیند که مردم جامها سفید یا سبز داشتند دلیل عیش خوش بود و اگر
جامها دون یا سیاه داشتند تاویل بخلاف این بود اگر بیند که جامها کبود داشتند دلیل مصیبت بود
و دیدن جامهای نو و فراخ بر مردمان در خواب عیش و فراخی بود مرغزار ابن سیرین گوید که دیدن مرغزار
بخواب دلیل بر اسلام بود اگر بیند که در مرغزاری بود و ندانست که ملک او است دلیل که دین او
پاک بود و اگر ان مرغزار از ان دیگری بود و او تماشا میکرد دلیل که با پادشاهان و بزرگان صحبت
دارد اگر بیند که در مرغزار خود میگشت دلیل که عیش بر وی فراخ گردد و عاقبتش محمود بود کرمانی
گوید که دیدن مرغزار در خواب دلیل بزرگی بود اگر بیند که در مرغزاری سبز بود و گلها شکفته
بود و بوقت خود و ابها روان دلیل که مرگ او بشهادت بود و اگر بیند که گل و ریاحین سبز شده دلیل
که او را با بزرگی صحبت افتد که از خلعت و حشم دور ماند اگر بیند که در ان مرغزار گوسفندان بودند دلیل
که پادشاه و اموال بسیار گرد اگر بیند که در ان مرغزار گاوان و خران بودند دلیل که لشکر شاه بود یا باشند
اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد دلیل که مال بسیار حاصل کند جابر گوید که دیدن مرغزار
در خواب دلیل زن بود اگر بیند که در مرغزاری سبز شد دلیل که زن ستیره بخواهد اگر ان مرغزار
سبز نبود تاویل بخلاف این بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن مرغزار در خواب هشت وجه بود
اول دین دویم اعتقاد سیم معیشت نظام کار چهارم پادشاه پنجم مرتبه بزرگ ششم خیر و منفعت هفتم
زن هشتم مراد یافتن مرهم ابن سیرین گوید اگر بیند که مرهم بر اندام ریش نهاد دلیل بر صلاح دین او
بود اگر بیند که مرهم خورد دلیل که چیزی حرام خورد اگر بیند که مرهم بر مردم داد دلیل که فرزند

مرغابی

مردم

مرغزار

ازان مرغزارم

مرهم

مرهم را

مردم را راحت رساند مروارید دانیال ع گوید که دیدن مروارید در خواب دلیل بر فرزند خوب
بود یا فرزند کنیزک ابن سیرین گوید که دیدن مروارید در خواب دلیل بر زنی صاحب جمال بود یا کنیزکی
خوبروی اگر بیند که مروارید بسیار داشت دلیل که بقدر ان مال حاصل کند و بعضی گویند که چون
مروارید را پراکنده ببیند دلیل بر سخن علم و حکمت بود و نیز گویند دلیل پسران و دختران بود اگر از
دهان خود ببیند که عقد مروارید بیرون امد دلیل که سخن علم و حکمت گوید ابرهیم گوید اگر بیند که
مروارید میخورد دلیل که علم و حکمت را بپوشاند یا قران را فراموش کند اگر بیند که بجای هیزم مروارید
میفروخت دلیل که علم و حکمت بکسی اموزد که سزاوار ان نباشد اگر در خواب بیند که مروارید بسیار
داشت دلیل بر زیادتی علم و مال او بود ابرهیم گوید اگر بیند که مروارید نیکو دلیل که او را فرزند
خوبروی اید بقوله تعالی کانهم لؤلؤ مکنون اگر بیند که مرواریدی در دهان نهاد و فرو برد دلیل که حق تعالی
قران را روزی او گرداند اگر بیند که مروارید را بفروخت دلیل که قران را فراموش کند اگر بیند که عقد
از مروارید بر دست بسته بود دلیل که او را دختری اید خوبروی جابر گوید اگر در خواب بیند که مروارید
از دهان او بیرون امد دلیل که همه بزرگان سخن او را بپسندند اگر بیند که عقد از مروارید بود و از
دست او بیفتاد و بشکست دلیل گریستن بود اگر بیند که مروارید را بجا انداخته دلیل که پلید بود و علم
و حکمت را پیش نادان بگوید اگر بیند که مروارید را با تش بسوخت دلیل که کاری کند که خلاف شریعت
بود اگر بیند که از ذکر او مروارید بیرون امد اگر سوراخ نداشت دختر بود و اگر سوراخ داشت
پسر بود اگر بیند که عقدهای مروارید در گردن بسته بود دلیل که از هر نوع علم حاصل کند اگر بیند
که عقد مروارید بر گردن کسی بسته بود دلیل که او را علم اموزد اگر بیند که مروارید فروشی میکرد دلیل
که مصلح و پارسا بود و از علم بهره مند گردد حضرت صادق ع فرماید دیدن مروارید در خواب شش
وجه بود اول قران دویم حکمت سیم مال چهارم زن خوبروی پنجم کنیزک صاحب جمال ششم فرزند
مزدوران ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در خانه او مزدوران کار میکردند دلیل که با کسی
خصومت کند اگر بیند که در خانه دیگری مزدوری کرد دلیل که بکاری بیهوده گرفتار گردد و صاحب خانه با
کسی خصومت کند اگر بیند که خاک از خانه بیرون میبرد بخلاف این بود مژکان ابن سیرین گوید که
دیدن مژکان چشم در خواب دلیل بر نگه داشتن دین بود اگر بیند که مژکانش فرو ریخت دلیل بر فساد

دین بود

دین بود اگر بیند که مژکان چشم او می جنبید دلیل که بیمار گردد حضرت صادق فرماید دیدن مژکان
در خواب چهار وجه بود اول نگه داشتن دین دوم دوست سیم مال چهارم خرمی مزقه‌ها ابن سیرین
گوید که دیدن مزقه‌ها در خواب چون نوش بود و چون تلخ بود در وی بناشد دلیل منفعت است و اگر
نوش و ناخوش بیند دلیل مضرت و رنج بود مشک ابن سیرین گوید اگر بیند که مشک داشت و دانست
که ملک اوست دلیل که بقدر آن مال یابد ابراهیم گوید که دیدن مشک بر سر مسجد و افشاندن در خواب
دلیل خادم خانه بود و آنچه بدین چراغ و غیره ماند دلیل بر کدخدای خانه بود اگر بیند که مشک خشک
و صافی میکرد دلیل که کاری مشکل بر دست او گشاده گردد و بعضی گویند مال حلال بدست آورد
مستی ابن سیرین گوید دیدن مستی بخواب دلیل بر مال حرام بود و کاهل نمازی قوله تعالی یا ایها
الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة و انتم سکاری جابر گوید دیدن مستی بخواب چون از شراب بود
ترس بود بقدر ترس مستی حضرت صادق فرماید که دیدن مستی در خواب چهار وجه بود اول
مال حرام دوم توانگری سیم نقصان مال چهارم ترس و بیم بقدر مستی مسجد ابن سیرین گوید که دیدن
مسجد بخواب آبادان او دلیل بر مردی عالم بود که مردم پیش او آیند از بهر صلاح دین اگر بیند که
مسجدی بنا کرد دلیل که با مسلمانان نیکی کند جابر گوید که دیدن بنا نهادن مسجد در خواب دلیل
زن خواستن بود اگر بیند که مسجدی بنا کرد دلیل که زنی دین دار بخواهد اگر بیند که چراغ مسجد را افروخت
دلیل که در کاری که دارد روشنائی ظاهر گردد اگر بیند که چراغ مسجد بکشت دلیل که فرزندش بمیرد
ابراهیم گوید اگر بیند که در مسجد نماز کرد بی قبله دلیل بر بیدینی بود اگر بیند که دست و روی خود
در مسجد شست دلیل که مال خود در آن مسجد هزینه کند و مرادش حاصل گردد اگر بیند که
مسجد خراب شد دلیل که عالمی از آنجا بمیرد اگر کسی بیند که جایگاهی که ملک او بود مسجد گردید
دلیل شرف و بزرگی بود در دین اگر بیند که با قومی در مسجد رفت دلیل که زنی بخواهد جابر گوید
اگر بیند که در مسجد یا مکه یا مدینه رفت دلیل که از همه ترسها ایمن گردد و مرادهای دنیوی
و اخروی حاصل کند حضرت صادق فرماید که دیدن مسجد در خواب دوازده وجه بود اول
پادشاه دوم قاضی سیم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم مسجد هفتم خطیب هشتم مؤذن
نهم قیم دهم نام نیکو یازدهم خیر و برکت دوازدهم زن نیکو مسح کردن ابن سیرین گوید اگر مردی

در خواب بیند که مسح کرد دلیل که او را فرزندی آید عالم و مردم متابعت او کنند اگر بیند که
مسح بر موزه کرد دلیل که از سفر مال حاصل کند و کارش بنظام گردد مسکه روغن تازه بود ابن
سیرین گوید که دیدن مسکه در خواب دلیل مال حلال بود اگر بیند که مسکه داشت و بخورد دلیل
که بقدر آن مال یابد دیدن مسکه گاو در خواب دلیل بر فراخی سال بود و خیر و برکت و دیگر
مسکه هر جانوری که گوشت او حلال است دلیل بر مال حلال بود حضرت صادق فرماید که دیدن مسکه
در خواب چهار وجه بود اول مال حلال دوم گواهی دادن راست سیم علم و دانش چهارم معیشت
نیکو مسلمانی ابن سیرین گوید اگر بیند که مسلمان بود و دیگر باره مسلمان شد دلیل که
کار او مستقیم گردد اگر بیند که کافر شد دلیل که در بلائی افتد اگر بیند که در دست کافری
او مسلمان شد دلیل که یکی را از فسق باز دارد مسمار ابن سیرین گوید که دیدن مسمار در
خواب دلیل بود بر مردی که بکارهای مردم پیوندد اگر بیند که چیزی بمسمار بدوخت دلیل که
کار پراکنده خود جمع کند اگر بیند که مسمار او ضایع شد تاویل بخلاف این بود حضرت صادق
فرماید که دیدن مسمار در خواب چهار وجه بود اول مردی بزرگ دوم مردی که بامر دین عمل کند
سیم امیری بزرگ چهارم مضرت در کارها مسواک ابن سیرین گوید اگر بیند که مسواک میکرد دلیل
که مال خود را بچیزی صرف کند که در آن ثوابی نباشد جابر گوید اگر بیند که دندانهای خود را
مسواک کرد دلیل که با همه خویشان خود احسان کند مشرف ابن سیرین گوید اگر بیند که بر جائی
مشرف شد دلیل که دشمن با وی حیله کند اگر بیند که بر ابر جائی مشرف شد دلیل که معتمد
پادشاه گردد اگر بیند که او را از مشرفی معزول کردند دلیل مضرت بود اگر بیند که بر کاری صلاح
مشرف شد دلیل خیر بود و اگر بر کاری فساد مشرف شد دلیل شر بود مشرق ابن سیرین گوید
که دیدن مشرق بخواب دلیل بر ملوک عالم است و بر آمدن آفتاب دلیل بر حاجت روائی بود و
فرو رفتن آفتاب بخلاف این بود اگر بیند که مشرق در جائی نیکو بود دلیل که حاجتش روا گردد
و اگر مشرق را بجای بد بیند بخلاف این مغرب ابن سیرین گوید که دیدن مغرب بخواب بتاویل
چندان نیکو نباشد زیرا که جای فرو رفتن آفتاب است معبران گویند که جای بر آمدن آفتاب دلیل
او نیکو بود مشرک ابن سیرین گوید اگر مشرکی بیند که مسلمان شد دلیل که در مسلمانی بمیرد اگر

مسکه
مسلمانی
مسمار
مسواک
مشرف
مشرق
مغرب
مشرک

ببیند که مشرکی سوی قبله نماز کرد باشکر حق تعالی کند ارد دلیل که مسلمان شود و نعمتش زیاده گردد
قوله تعالی الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح حضرت صادق ع
فرماید اگر کسی در خواب مشرکی را ببیند و ببیند مستور بود دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن
ظفر یابد و اگر مستور نبود دلیل که با مردم بد مذهب صحبت دارد و بدنام گردد **مشعبد بازان** ابن سیرین
گوید اگر ببیند که مشعبد باز شده بود دلیل که کارها باطل کند اگر ببیند که در مشعبد بازی نگاه
کرد دلیل که بکاری بد افتد **مشك** ابن سیرین گوید اگر ببیند که مشك داشت دلیل که مردم او را ثنا
گویند اگر ببیند که مشك می سود دلیل که نیکوئی با کسی کند که قدر آن نداند اگر ببیند که مشك بر خود
میمالید دلیل که با خلق احسان کند جابر گوید اگر ببیند که مشك نافه بیرون آورد دلیل که زنی
توانگر بخواهد اگر ببیند عالم بود دلیل که علمش زیاده گردد و اگر بازرگان بود مالش زیاده گردد
حضرت صادق ع فرماید دیدن مشك در خواب شش وجه بود اول زن دوم فرزند سیم عیش خوش چهارم
کنیزک پنجم مال ششم سخن خوش **مشك آب** ابن سیرین گوید که دیدن مشك آب در خواب دلیل
سفر بود اگر ببیند که مشکی پر داشت دلیل که بسفر رود و مال تمام حاصل کند اگر مشك کهن بیند
بخلاف این بود اگر ببیند که در مشك سوراخی بود دلیل که زیان بود از سفر کرمانی گوید اگر ببیند
که مشك آب داشت و از آن بمردم میداد دلیل که با مردم احسان کند و اگر آب بمردم نداد دلیل
بخلاف این بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن مشك آب در خواب سه وجه بود اول سفر دوم مال
سیم زندگانی **مصحف خواندن** ابن سیرین گوید که دیدن مصحف خواندن دلیل بر علم و حکمت بود
اگر ببیند که قرآن میخواند یا در وی نگاه میکرد دلیل که علم و حکمت آموزد اگر ببیند که مصحفی بخرید دلیل
که طالب علم گردد اگر ببیند که مصحف را باتش بسوخت دلیل بر فساد دین او بود ابرهیم گوید اگر کسی
ببیند که مصحف گشاده بر سر نهاد یا بر دیده میمالید دلیل که والی شهر گردد اگر ببیند که ورقهای
مصحف می خورد دلیل که قرآن بسیار خواند اگر ببیند که ورقهای مصحف بدرید دلیل که نماز
نگذارد اگر ببیند که قرآن از تفسیر میگفت دلیل که در کاری شروع کند که انکار نا روائی بود اگر
ببیند که مصحف داشت چون بنگاه میکرد هیچ نوشته نبود دلیل که دل او دنیا را دوست دارد باشد اگر
ببیند که مصحف را بوسه داد دلیل که کاری خیر کند جابر گوید اگر کسی ببیند که برهنه بود و قرآن

میخواند دلیل که معاش وی بسبب قرآن بود اگر ببیند که کسی مصحف را از وی بگرفت دلیل که
علمها فراموش کند اگر ببیند که مصحف حمایل داشت دلیل که از همه خوفی ایمن گردد حضرت صادق ع
فرماید که دیدن **مصحف** در خواب پنج وجه بود اول علم دوم میراث سیم امانت چهارم روزی
حلال پنجم مال و نعمت **مصطکی** ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که مصطکی میخائید دلیل که با کسی
گفتگو کند اگر ببیند که مصطکی بسیار داشت دلیل معیشت بود **مصور** تصور نکو بود اگر ببیند که
صورت جانور میکشید دلیل که بر خدای تعالی دروغ گوید و حرام را حلال داند جابر گوید اگر ببیند
که صورت آدمی یا چیزی دیگر میکشید دلیل که بدمذهب بود و در دیدن صورتگر در خواب خیری
نباشد **مطبخ** ابن سیرین گوید دیدن مطبخ بخواب دلیل بر زنی خادمه بود اگر ببیند که در خانه خود
مطبخ ساخت از گل و خشت دلیل که او را زنی دین دار حاصل گردد و اگر از گچ و آجر ساخت دلیل
که آن زن بیدیانت باشد اگر داند که آن مطبخ ملك او نبود دلیل که خیر و شر آن بخداوند مطبخ باز
گردد **مطبوخ** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب ببیند که مطبوخ از برای بیماری می پخت و آن موافق
بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر موافق نبود بخلاف این بود ابرهیم گوید اگر ببیند که مطبوخ بخورد
و قی کرد بد بود **مطرب** ابن سیرین گوید اگر ببیند که مطربی کرد و رود میزد دلیل که بچیزهای حرام آید
و دیدن مطربی کردن چیزی نباشد **معبر** ابن سیرین گوید که دیدن معبر در خواب دلیل بر واعظ
و مقری بود زیرا که ایشان خلاف نذکر بهر و زاد بند و دیدن ایشان دلیل بر فساد این بود **معجون**
ابن سیرین گوید اگر در خواب ببیند که معجون از برای درد سر میساخت دلیل که از مردم منفعت یابد
اگر ببیند که از معجون چیزی بکسی نرسید دلیل که ببیننده مردی بی منفعت بود اگر ببیند که معجون مفرح
خورد دلیل که از پادشاه منفعت یابد **معده** ابن سیرین گوید اگر ببیند که معده او بیرون بود دلیل
که زندگانی او دراز بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که زندگانی او کوتاه بود جابر گوید اگر ببیند
که معده او بسلامت بود و طعام هضم میکرد دلیل که فرزندانش از بیماری ایمن گردند و اگر بخلاف
این بیند دلیل که فرزندانش ضعیف و بیمار گونه باشند حضرت صادق ع فرماید که دیدن معده
در خواب شش وجه بود اول مال حرام دوم صناعت سیم سخنهای ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم
کاری که آن را حیا باید **معزول شدن** ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که از کاری معزول شده دلیل

معلم کردن کردن را طلاق دهد و اگر زن ندارد دلیل زیان بود معلمی کردن ابن سیرین گوید اگر بیند که معلمی
میکرد دلیل بزرگی و شرف بود و اگر بیند که معلمی کودکان میکرد دلیل که در آن موضع سخن رود و اگر دید
حضرت صادق فرماید که دیدن معلمی کردن در خواب شش وجه بود اول فرمان روائی دوم عز
مغز سیم منفعت چهارم حکم کردن پنجم معیشت ششم داوری مغز دانیال گوید که دیدن مغز سر و مغز
استخوان در خواب دلیل بر مال بود که ظاهر نباشد اگر بیند که مغز خود میخورد دلیل که مال را هزینه کند اگر
بیند که مغز دیگران میخورد دلیل که مال مردم هزینه کند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مغز
سر او بزمین افتاد دلیل که مال از دستش برود اگر بیند که مغز را برگرفت و در سر خود نهاد دلیل
که مایه بدست آورد جابر گوید اگر بیند که مغز جانوری میخورد که گوشت او حلال بود دلیل بر مال
حلال بود و اگر گوشت او حرام بود دلیل مال حرام بود حضرت صادق فرماید که دیدن مغز در
مبتلا خواب بر سه وجه بود اول مال نهانی دوم عقل سیم بصر مبتلا ابن سیرین گوید اگر بیند که مبتلا
شده بود دلیل که در کارها فرومانده اگر مبتلائی در خواب بیند که درست شده بود دلیل که تایب
بود اگر بیند که مبتلائی مادرزاد بود دلیل که از معصیت توبه کند اگر بیند که مبتلائی برانو می
مقراض دلیل که تنگ روزی گردد اگر بیند که کسی را دلیل که مضرت بکسی رساند مقراض ناخن چین بود و
در حرف نون گوئیم مقعد ابن سیرین گوید که دیدن مقعد دلیل بر شغل او بود اگر بیند که مقعد
مقعد بیرون آمده دلیل که کار وی تباه گردد اگر بیند که از مقعدش خون می چکید دلیل زیان بود اگر بیند
که از مقعد او کرم یا پاره گوشت بیرون آمد دلیل که فرزندش بمیرد اگر بیند که مقعد او دریده بود
دلیل که بسبب مال غم خورد جابر گوید اگر بیند که از مقعد او خون یا پلیدی بیرون آمد جامه او را
آلوده کرد دلیل که مال حرام یابد اگر بیند که از مقعد او تیر بیرون آمد دلیل که بمقصود رسد اگر
مقل بیند که ماری یا کژدمی در مقعد او درفت دلیل مضرت بود مقل ابن سیرین گوید اگر بیند که مقل
از درخت باز میکرد دلیل که کاری بی منفعت کند اگر بیند که مقل خورد دلیل منفعت بود مقنعه
مقنعه ابن سیرین گوید که دیدن مقنعه زن را دلیل شوی بود و مرد را دلیل زن بود اگر زنی بیند
که مقنعه از سر او در افتاد دلیل که از شوهر جدا گردد اگر بیند که از مقنعه او پاره بسوخت
دلیل که شوهرش را از حاکم ترسی بود ابراهیم گوید زنان را هرچه مقنعه بود شوی بود و اگر ندارد

بشوهرش دهند جابر گوید اگر زنی بیند که مقنعه سبز در سر داشت دلیل که مرد شو دین دار بود و
اگر سفید بود همین دلیل بود و اگر سرخ بود دلیل که شوهرش طرب دوست بود اگر سیاه بیند
دلیل که شوهرش اندوهگین باشد و اگر کبود بیند دلیل مصیبت بود و اگر زرد بیند دلیل بیماری
بود حضرت صادق فرماید که دیدن مقنعه در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم
مگس خادم چهارم منفعت یافتن از زنان مگس ابن سیرین گوید که دیدن مگس بخواب دلیل بر مردم
سفله بود اگر بیند که مگسان بروی جمع شدند دلیل که از سفله مال حاصل کند اگر بیند
مگسی در گوش وی رفت دلیل که از سفله سخنی بشنود و برنجد ابراهیم گوید که دیدن مگس دلیل
بر مردم فرومایه بود اگر بیند که مگسان ورا میگزیدند دلیل که مردم بر وی حسد برند اگر بیند
مگس انگبین که مگس را میکشت دلیل که حاسد را قهر کند مگس انگبین ابن سیرین گوید که دیدن مگس انگبین
در خواب دلیل بر مردم فراخ روزی بود اگر بیند که از مگس انگبین میگرفت دلیل که فایده یابد
مکه مکه ابن سیرین گوید اگر بیند که در کعبه بود دلیل که زیارت و بکند اگر در خواب مکه را آباد
ملح بیند دلیل مال بود اگر خراب بیند بخلاف این بود ملح ابن سیرین گوید که دیدن ملح زنده به
خواب دلیل مال بود و ملح پخته دلیل بر درم و دینار بود اگر بیند که ملح در موضعی بدید آمد
و باد میکرد دلیل که لشکر انجا رسد و خرابی کند جابر گوید اگر بیند که ملح جمع میکرد و در ظرفی
می انداخت دلیل که مال جمع کرده بکابین زن دهد اگر بیند که ملخ بسیار در جائی جمع شدند
منادی و بنامات آنجا را میخوردند دلیل که مال تمام از آن ملک تاراج کنند منادی ابن سیرین گوید
اگر بیند که منادی کرده بود دلیل چنانکه کلامش موافق علم و حکمت بود و بنفس خود مردی
مناره صالح بود دلیل خیر بود مناره ابن سیرین گوید که دیدن مناره در خواب دلیل بر مردی بود
که مردم را براه راست خواند اگر بیند که مناره بنا کرد دلیل که کاری کند که جماعتی را از اسلام
جمع دارد اگر بیند که مناره را خراب کرد دلیل که جمع اسلام را متفرق کرده اند و بعضی گویند
دلیل که مؤذن آن مناره بمیرد ابرهیم گوید که دیدن مناره در خواب دلیل بر پادشاهی بود
یا مردی بزرگ اگر بیند که در کوچه او مناره بود دلیل که بزرگی آنجا نزول کند اگر مناره
از آجر و سنگ بیند دلیل که آن بزرگ از سلطان بود و اگر گل و خشت بود آن بزرگ از زر

بود و اگر آن مناره را از چوب بیند دلیل که آن بزرگ دو رویه بود و اگر در خواب مناره را در
مسجد بیند دلیل بر شرف بود که خلایق را براه دولت آرد اگر بیند که مناره مسجد بیفتاد دلیل
که بزرگی از آن دیار بمیرد جابر گوید اگر بیند که بر مناره مسجد بانگ نماز میگفت دلیل که بکاری
بزرگ مشغول گردد و حق تعالی حج را روزی او کند واذن فی الناس بالحج اگر بیند که بر مناره
اقامت کرد دلیل درازی عمر بود اگر بیند که باد مناره را بیفکند دلیل که پادشاه دیگر آید و
آن پادشاه را قهر کند حضرت صادق علیه السلام فرماید دیدن مناره در خواب بر چهار وجه بود اول
پادشاه دوم مردی بزرگ سیم امام چهارم مؤذن منبر ابن سیرین گوید دیدن منبر در خواب
دلیل بر پادشاه مسلمان بود اگر بیند که بر سر منبر رفت و خطبه خواند با علم گفت اگر بیننده عالم
بود دلیل که از پادشاه شرف یابد و بزرگی و اگر عالم نبود دلیل که از خویشان او یکی حاکم گردد و
از پادشاه منفعت یابد اگر بیند که بر سر منبر شعر خواند یا غیر شریعت سخن گفت دلیل که به بیهدی
رسوا گردد و گویند آنکه او را بر دار کنند اگر پادشاه بیند که بر منبر بود و بیفتاد و بشکست دلیل
که معزول گردد جابر گوید اگر بیند که بر سر منبر شد و بیننده عالم بود دلیل جاه و بزرگی بود و اگر
عالم نبود دلیل که او را بر دار کنند حضرت صادق فرماید که دیدن منبر در خواب بر پنج وجه
بود اول پادشاه دوم قاضی سیم امام چهارم خطیب پنجم مرتبت و مهر زیاده و نقصان گردد منبر بلند
نهادند بدین پنج کس و اوّد منجم شدن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که منجم شد دلیل که نزد
بزرگان منزلت یابد و بدروغ نسبت گوید حضرت صادق فرماید که دیدن منجم در خواب دلیل بر
دروغ زن بود که شکر حق تعالی بجا نیاورد منجنیق ابن سیرین گوید اگر بیند که در شهری از مسلمانان
منجنیق انداخت دلیل که غیبت مردم کند اگر بیند که منجنیق در شهر کافران انداخت دلیل که بد کافران
گوید اگر بیند که منجنیق بشکست دلیل که اهل آن شهر ایمن گردند مندیله دستار بود ابن سیرین
گوید که دیدن مندیله دلیل بر خادم خانه بود اگر بیند که مندیله پشمین یا کرباسین داشت دلیل
که خادم تن درست دیندار بود اگر بیند که مندیله بسوخت دلیل که خادم خانه بمیرد منشور نامه ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که پادشاهی یا عالمی یا مرد صالحی منشور بوی داد که در آن کلامها نوشته بود
دلیل بر سعادت دنیا و آخرت بود اگر در آنجا سخنان بد نوشته بود تاویل بخلاف این است ابراهیم

منبر
منجم شدن
منجنیق
مندیله
منشور نامه

کوید اکر

گوید اگر بیند که پادشاه منشور بوی داد که بخط سبز نوشته بود دلیل که حق تعالی او را بسیار زر و
از وی خوشنود شود منقار ابن سیرین گوید اگر بیند که او را بسان مرغان منقار بود دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند اگر بیند که کرکس یا ... او را بمنقار بزد چنانکه درد کرد دلیل مضرت بود
و نقصان مال اگر بیند که منقار مرغی داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند منی ظفر بود ابن
سیرین گوید که دیدن منی در خواب دلیل بر مال پایدار بود اگر بیند که از قضیب او آب منی
بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال یابد ابراهیم گوید اگر بیند که از قضیب او آب منی بیرون آمد
دلیل که مال بیگانه بدست او افتد حضرت صادق فرماید که دیدن منی در خواب بر چهار وجه بود
اول پادشاه دوم زیادتی مال سیم نقصان مال چهارم بزرگی مهد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که
در مهد نشسته بود و سن او از مهد بود دلیل بر عیش بود و از ترس ایمن گردد و اگر بیند که
مهد بیفتاد یا بشکست تاویل بخلاف این بود ابراهیم گوید اگر کسی بیند که در مهد نشسته بود
دلیل که زنی خواهد یا کنیزکی خرد و گویند که دیدن مهد در خواب کسی را که سزاوار نباشد دلیل
زندان بود حضرت صادق فرماید که دیدن مهد در خواب توانگری را هشت وجه بود اول کرامت
دوم عیش سیم عزت چهارم دولت پنجم مرتبه ششم ایمنی هفتم زنان مهربان هشتم کنیزک مشفق و
درویش را بر چهار وجه بود اول زندان دوم جایگاه تنگ سیم غم و اندوه چهارم رنج و محنت
مهر نهادن ابن سیرین گوید اگر بیند که بر گل مهر نهاد دلیل راحت بود اگر بیند که بزرگی انگشتری
بوی داد و گفت بر در خزینه را مهر کن دلیل که آنکس خزینه را بوی سپارد اگر بیند که پادشاه
مهر بوی داد دلیل که حاجتش روا گردد حضرت صادق فرماید که دیدن مهر در خواب هفت وجه بود
اول بالا گرفتن کارها دوم قوت دین سیم دیانت چهارم حقیقت پنجم منفعت ششم دولت هفتم
کامرانی مهره ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که مهره یافت دلیل که بقدر و قیمت مهره مال یابد یا از
سفر راحت یابد جابر گوید که دیدن مهره در خواب دلیل خدمتکار بود و اگر در خواب مهره را سفید
یا سبز بیند دلیل که آن خدمتکار مصلح بود و اگر مهره را زرد بیند دلیل که آن خدمتکار بیمارگونه
بود و اگر سیاه بیند خدمتکار بدخوی بود حضرت صادق فرماید که دیدن مهره در خواب هفت
وجه بود اول زن دوم خدمتکار سیم کنیزک چهارم مال پنجم ادب ششم فرهنگ هفتم فرزند

منقار
منی
مهد
مهر نهادن
مهره

مهمانی

مهمانی ابن سیرین گوید دیدن مهمانی کردن در خواب دلیل بر اجتماع بود در چیزی اگر بیند که قومی را
مهمان خواند دلیل بر کاری بود که او را از شغلها باز دارد اگر بیند که او را بباغ بردند بمهمانی و
در آن باغ میوه بسیار بود دلیل که در غزا شهید گردد ابراهیم گوید اگر بیند که مهمانی با چنگ و چغانه
و نای و رقص بود دلیل مصیبت بود حضرت صادق ع فرماید دیدن مهمانی در خواب بر چهار وجه بود
اول امن دوم فرزند صالح سیم مال فراوان چهارم منفعت

موزه

موزه دانیال ع گوید که دیدن
موزه در خواب بزمستان دلیل بر خیر بود و تابستان دلیل غم و اندوه بود و اما معبران را در تاویل
موزه خلاف اند ابن سیرین گوید که دیدن موزه در خواب چون با خود سلیح داشته دلیل که دشمن او
او مستغفر گردد و اگر بی سلیح بیند دلیل غم بود اگر بیند که موزه او بهم باشد دلیل که زن خواهد
ابراهیم گوید اگر بیند که موزه داشت دلیل که بقدر آن مال یابد اگر بیند که موزه او دریده بود
دلیل که زنش بمیرد اگر بیند که موزه را از خانه بیرون ریخت دلیل که زن را طلاق دهد اگر
بیند که موزه او را ببرد زدند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند حضرت صادق ع فرماید که
دیدن موزه در خواب هفت وجه بود دفع که پای او را بلا نیازارد اول زن دوم خادم سیم کنیزک چهارم
قوت پنجم عیش ششم ظفر هفتم منفعت

موش

موش ابن سیرین گوید که دیدن موش در خواب دلیل زن
بود که بظاهر مستوره نماید و در باطن فاسق بود اگر بیند که موشی بگرفت دلیل که زنی چنین بخواهد
اگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند همه یکرنگ بودند دلیل که بقدر موشان
زنان در خانه جمع گردند ابراهیم گوید اگر کسی در خواب بیند که از سوراخ بینی او یا از سوراخ
گوش او موش بیرون آمد دلیل که او را دختری آید نابکار اگر بیند که از گلوی او موشی بیرون
آمد دلیل که او را پسری آید اگر بیند که از مقعد او موشی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید
نابکار جابر گوید که تاویل موش دشتی و موش خانگی هر دو یکسان بود اگر بیند که موشی در دست
او بود دلیل که بازنی قصد فساد کند و گوشت موش خوردن دلیل که مال از زن مفسده بخورد

موم

موم ابن سیرین گوید که دیدن موم سفید در خواب دلیل مال و نعمت بود و موم زرد دلیل
بیماری بود اگر بیند که موم از وی ضایع شد دلیل بر نقصان مال بود و دیدن موم بخواب سیاه
رنگ که بود دلیل مال و نعمت بود اما موم سفید بهتر بود اگر بیند که موم را با تش میسوخت

دلیل که پاد

دلیل که پادشاه مال او را بستاند اگر بیند که موم بر مرهم میداد دلیل که مال خود بجز اسراف
کند

مومیائی

مومیائی در خواب دیدن و خوردن دلیل غم و اندوه بود

موی

موی ابن سیرین گوید که دیدن
موی بخواب مردان را دلیل غم بود و زنان را دلیل زینت موی چهارپایان دلیل بر مال اندک
بود اگر صوفی در خواب بیند که موی سر او دراز شد دلیل بر زینت صلاح دین او بود و اگر
صوفی بلند شد دلیل غم بود دانیال ع گوید اگر بیند که در موسم حج سر را تراشید دلیل بر صلاح
دین و کفارت گناهان او بود اگر امیری بیند که موی سر بسترد دلیل که معزول گردد اگر پادشاهی
که موی سر او انبوه بود دلیل که لشکر او انبوه بود و اگر این خواب را یکی از رعیت بیند دلیل غم
بود اگر بیند که موی را با آهک یا باستره بسترد دلیل منفعت بود ابراهیم گوید اگر درزی بیند
که سر او اصلع شد دلیل که خویشان مال او را تلف کنند اگر بیند که موی خود را شانه
میکرد دلیل که درد کار خود تمام بود و منفعت یابد جابر گوید اگر بیند که موی بغل یا موی زهار
باستره بسترد دلیل بر یافتن مراد بود و ناستردن او دلیل بر بی رونقی بود اگر بیند که بر سینه
او موی بسیار بود و در بیداری هیچ نبود دلیل که وام دار گردد و بعضی گویند موی بر تن دلیل
مال بود اگر بیند که موی از سر خود بسترد دلیل که از غم ایمن گردد و اگر وام دارد بگذارد و
اگر توانگری بیند که موی از تن خود بسترد دلیل که درویش گردد و اگر این خواب را درویش بیند توانگر
گردد و اگر زنی بیند که سر خود را تراشیده بود دلیل نقصان دین او بود حضرت صادق ع فرماید
که دیدن موی ستردن در خواب پنج وجه بود اول حج اسلام دوم سفر سیم عز و جاه چهارم ایمنی
پنجم دولت

می پخته

می پخته ابن سیرین گوید که دیدن می پخته دلیل بر مال حرام بود اگر بیند که می پخته خورد
دلیل که بقدر مستی مال حاصل کند اگر بیند که بی می مست بود دلیل که او را ترس و بیم بود
قوله تعالی و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری اگر بیند که در می غرق شد دلیل که در
خصومت هلاک گردد اگر بیند که آب در وی می پخته کرد و بخورد دلیل که مالی چند یابد بعضی
حلال و بعضی حرام اگر بیند که می پخته میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد

میخ

میخ ابن سیرین
گوید اگر دیدن میخ در خواب دلیل برادر بود اگر بیند که میخی بر دیوار زد دلیل که برادرش را
در آنجا باز دارند اگر بیند که میخ را بر ریسمان بست دلیل بود که برادرش با مردی پیوند دهد ابراهیم

گوید که دیدن میخ بخواب و چیزی دلیل شرف و بزرگی بود در دنیا و آخرة اگر بیند که میخ را در
دیواری یا در ستونی زند دلیل که با منافقی دوستی کند اگر بیند که میخ از برنج بود یا از مس یا بد
بد بود اگر میخ از استخوان بیند دلیل قوت بود اگر بیند که میخی هیزم داشت دلیل که او را فرزندی
آید که بسبب او بزرگی یابد اگر بیند که میخ بر زمین زند دلیل که از کسب خود توانگر گردد حضرت صادق ع
فرماید که دیدن میخ در خواب چهار وجه بود اول مراد دوم فرزند سیم دوستی چهارم زن خواستن

میش

میش ابن سیرین گوید که دیدن میش در خواب دلیل بر زنی بود که بمیرد یا مردی بزرگ اگر بیند که میش
داشت دلیل که از بزرگی منفعت یابد اگر بیند که پوست آن میش جدا کرد دلیل که بر شخصی غالب گردد
و مالش بستاند ابرهیم گوید اگر بیند که با میشی جنگ کرد دلیل که زنی با او حیله کند اگر بیند
که شیر میش خورد دلیل که بسیار کرد اگر بیند که میشی را بوی بخشیدند دلیل که او را فرزندی آید
حضرت صادق ع فرماید دیدن میش در خواب چهار وجه بود اول امام دوم خلیفه سیم امیر چهارم

مویز

رئیس مویز ابن سیرین گوید دیدن مویز بخواب دلیل مال و نعمت بود ابرهیم گوید اگر بیند که
آب از مویز جدا کرد دلیل که مال حلال یابد اگر بیند عالی آن مویز خورد دلیل که علمش زیاد
گردد و اگر بازرگان بیند مال فراوان حاصل کند حضرت صادق ع فرماید که دیدن مویز در خواب

میوه‌ها

بر سه وجه بود اول مال و نعمت دوم منفعت سیم عیش خوش میوه‌ها دانیال ع گوید که هر میوه که در
وقت خورد دلیل که بقدر آن مال جمع کند و اگر بی وقت میوه خورد دلیل که مالش تلف گردد
و بدان هر میوه که در خواب بیند تأویل آن بدرخت آن میوه باز گردد یعنی اگر درخت تأویل
نیک بود دلیل نیکی بود و اگر بد بود تأویل بد است دیدن میوه‌های ترش بخواب بیند دلیل
غم و اندوه بود و دیدن میوه‌های نارسیده دلیل بر مال حرام بود اگر بیند که میوه‌های تابستان بر زمین
میخورد دلیل بیماری بود ابن سیرین گوید هر میوه که در خواب تر و شیرین بود دیدن آن بخواب
دلیل منفعت بود وقتیکه بخورد اگر بیند که از درختی میوه چید دلیل که بقدر میوه مال
یابد اگر بیند که میوه از درخت پیش او افتاد دلیل که مال بی رنج حاصل کند حضرت صادق ع
فرماید دیدن میوه فروش در خواب چون میوه خوش طعم بود فروشد دلیل مضرت بود حرف

نابینا

النون من کتاب کامل التعبیر نابینا اگر کسی در خواب بیند که نابینا شد دلیل که در اسلام

گمراه بود

گمراه بود اگر بیند که یک چشم او نابینا شد دلیل که نیمه از دین او برود یا گناه بزرگ کرده باشد
کرمانی گوید اگر بیند که نابینا را دست بگرفت و میبرد دلیل که مؤمن و رحیم بود اگر بیند که چشم
کسی را نابینا کرد دلیل که آن کس را از راه ببرد حضرت صادق ع فرماید که دیدن نابینائی در
خواب شش وجه بود اول درویشی دوم بدحالی سیم غم و اندوه چهارم نقصان پنجم مال
ششم تباهی دین قوله تعالی صم بکم عمی فهم لا یرجعون اگر نابینا بیند که بینا شد بود دلیل

ناخن

که از رحمت برهد ناخن ابن سیرین گوید که دیدن ناخن در خواب دلیل بر قوت بود اگر بیند که ناخنها
ن بمقراض برید دلیل که دشمن قوی گردد ابرهیم گوید که دیدن ناخنها در خواب دلیل بر توانائی بود
و مال حاصل کند اگر بیند که ناخن از بن بیفتاد دلیل بر نقصان مال بود اگر بیند که ناخن او
باز برست دلیل که مال رفته را باز یابد اگر در خواب ناخنها را روشن و پاکیزه بیند دلیل که
منعم گردد و اگر سیاه یا کبود بیند دلیل مصیبت بود اگر بیند که ناخنهای او دراز بود بد بود
حضرت صادق ع فرماید دیدن ناخن در خواب شش وجه بود اول قوت دوم مقدار و مردم سیم دلیری

ناخن پیرا

چهارم فرزند پنجم منفعت ششم بنده ناخن پیرا ابن سیرین گوید که دیدن ناخن پیرا
در خواب دلیل قسمت کننده بود اگر بیند که موی سر خود را یا جامه خود را ناخن پیرا برید تأویلش
نیک بود اگر بیند که ناخن پیرائی بوی دادند دلیل فرزند بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که
ناخن پیرائی بوی دادند اگر بیند اسبی دارد یکی دیگر بخرد و اگر ملکی دارد یکی دیگر بخرد حضرت
صادق ع فرماید دیدن ناخن پیرا در خواب سه وجه بود اول مردی قسام دوم مردی اصیل سیم

ناربا

دوستی موافق ناربا ابن سیرین گوید که خوردن ناربا چون شیرین بود و بگوشت گوسفند پخته
باشند یا مرغ دلیل منفعت بود و چون ترش بود و بگوشتهای دیگر پخته باشند دلیل غم و اندوه بود

نارنج

نارنج دانیال ع گوید اگر چه نارنج زرد است اما بوی خوش دارد و از میوه‌های بهشت است لاجرم دیدن آن
در خواب تأویل نیکو بود ابن سیرین گوید اگر بیند که نارنج داشت آن یکی تا سه عدد دلیل فرزند
بود اگر بیشتر بیند دلیل مال بود و نعمت ابرهیم گوید اگر بیند که نارنج بخرد و او داشت دلیل که
مال تمام حاصل کند حضرت صادق ع فرماید دیدن نارنج بخواب چهار وجه بود اول کدخدا دوست دوم

ناطف

منار عمر سیم فرزند چهارم منفعت ناطف ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که ناطف داشت دلیل

که بقدر آن مال حاصل کند و بد بود [illegible] جابر گوید که دیدن ناطف عسل بخواب
دلیل مال و نعمت بود و ناطف و شاب دلیل بر منفعت اندک بود حضرت صادق علیه السلام فرماید
که دیدن ناطف بخواب سه وجه بود اول سخن شیرین دویم مال حلال سیم معیشت.

ناف

ناف ابن سیرین
گوید دیدن ناف بخواب دلیل زن بود یا کنیزک اگر بیند که ناف او بیفتاد دلیل که زن را طلاق
دهد و یا کنیزک بمیرد اگر بیند که ناف او بزرگ شد دلیل مال و نعمت بود و اگر ناف خود را کوچک
بیند بخلاف این بود اگر بیند که در ناف او سوراخی بود دلیل که کدخدائی او بخلل بود جابر گوید اگر
بیند که از ناف تا سینه او خطهای موی بر آمده بود دلیل که بر تنهائی پیغمبر راغب گردد اگر بیند
که ناف او از اصل بریده بود دلیل که از مادر و پدر جدا گردد ابراهیم گوید اگر بیند که از ناف تا سینه
شکافته بود دلیل که عالم و دانا گردد اما مالش از دست برود حضرت صادق فرماید دیدن ناف
در خواب بر پنج وجه بود اول نیکوروی دویم کنیزک سیم مال چهارم پسر پنجم مادر و پدر.

ناقوس

ناقوس ابن سیرین گوید که دیدن ناقوس در خواب دلیل بر مردی منافق بود اگر بیند که ناقوس میزد دلیل با مردی
منافق نشیند و سخن دروغ گوید اگر بیند که ناقوس بشکست دلیل که از دروغ توبه کند حضرت صادق
فرماید دیدن ناقوس در خواب سه وجه بود اول دروغ گفتن دویم منافقی سیم مهر اهل کفر
در دل داشتن.

نام گردانیدن

نام گردانیدن ابن سیرین گوید که دیدن نام گردانیدن اگر این نام اول بهتر بود چون
محمد و احمد و سعید و صالح و امثال اینها [illegible] دلیل خیر بود و اگر از نام اول بدتر بود دلیل فساد
بود امام فرماید که نام نیکو یا کنیت نیکو شنید بعد خواب چون ابو الخیر و ابو الفضل و بوسعید
مانند این دلیل خیر و صلاح بود و اگر بخلاف اینها است مانند ابوجهل و ابولهب بخواب دیدن
و شنیدن دلیل شر و فساد بود.

نامه

نامه ابن سیرین گوید اگر بیند که نامه سر بمهر داشت دلیل که سخن
پوشیده بشنود و اگر نامه را گشاده بیند دلیل که سخنی فاش شنود ابراهیم گوید اگر در خواب بیند که
نامه سر بمهر داشت دلیل که خبری بوی رسد اگر بیند که نامه را بگشاد دلیل که بیغم گردد و اگر بیند
که مهر از نامه بر داشت و بخواند دلیل عز و جاه بود و وقتی که بیند خواب امی بود و نیز گویند که آخر
عمر او بود قوله تعالی اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا جابر گوید اگر در خواب بیند که
پادشاه نامه بوی داد و در وی سخنان خوش نوشته بود دلیل راحت و خرمی بود و اگر سخنان ناخوش

بود دلیل

حرف النون

بود دلیل ترس و بیم بود اگر بیند که شیخی یا زاهدی نامه بوی داد دلیل که آن زاهد یا شیخ او را پند دهد
حضرت صادق فرماید اگر بیند که در نامه سخن خیر نوشته بود دلیل که حاجتش روا گردد و اگر سخن شعر
نوشته بود دلیل که کارش بر نیاید.

نانها

نانها ابن سیرین گوید دیدن نانهای پاکیزه در خواب دلیل عیش خوش
بود و اگر نانهای ناخوش بیند دلیل بر عیش ناخوش بود اگر بیند که نان خرید و بخانه برد دلیل بر روزی
حلال بود و زیادتی مال اگر بیند نان بکسی داد دلیل که [illegible] بوی رساند [illegible] گوید اگر کسی
بیند که دو سه نان یافت دلیل آنکه از غم برهد اگر بیند که نان نتوانست خورد دلیل که اجلش نزدیک
بود اگر بیند که نان بسیار داشت و میخورد دلیل که غنی بوی رسد ابراهیم گوید دیدن نان گرم بخواب دلیل
عیش و نعمت بود و دیدن نان خشک بخلاف این بود و خوردن نان سبوس بخواب دلیل قحط بود جابر
گوید دیدن نان گاورس بخواب دلیل بر تنگی عیش بود و پرهیزکاری و نان جوین دلیل زهد و ورع بود
و نان برنج دلیل بر بستگی کار بود و نان عدس و باقلا و نخود دلیل غم و تنگدستی بود اگر سلطان بیند
که [illegible] نان داشت دلیل که ملکش زیاده گردد و [illegible] دیدن نان بخواب [illegible]
دیده و گویند دیدن هیچ چیز در خواب بهتر از نان نباشد و دیدن نان پختن بخواب دلیل بر قلیل
کردن معیشت بود حضرت صادق فرماید که دیدن نان بخواب چهار وجه بود اول عیش خوش دویم
مال حلال سیم ولایت چهارم خیر و برکت.

نانخواه

نانخواه ابن سیرین گوید اگر بیند که نانخواه داشت دلیل غم بود
و اگر بیند که نانخواه بپخت یا بکسی داد دلیل که از غم برهد.

ناودان

ناودان ابن سیرین گوید اگر بیند که
ناودان از جائی بزیر آمد دلیل که در آنجا [illegible] پدید آید اگر بیند که باران می بارید و از
ناودان بزیر میآمد دلیل که مردم آن ملک را از پادشاه منفعت رسد اگر بیند که بی ابر باران میبارید و
از آن ناودانها روان بود دلیل که حق تعالی مردم آنجا را بنظر عنایت مشرف گرداند اگر بیند که ناودان
بر بام خانه خود نهاد دلیل که از بزرگی منفعت یابد اگر بیند که ناودان بیفتاد دلیل مصیبت بود حضرت صادق
فرماید دیدن ناودان بخواب سه وجه بود اول بخشش دویم مهتری سیم منفعت اندک.

نای

نای ابن
سیرین گوید که دیدن نای در خواب دلیل مصیبت بود و شنیدن آن غم اگر بیند که نای میزد دلیل
که باندوهی گرفتار گردد ابراهیم گوید دیدن نای زدن در خواب دلیل بر هوی بود که مردم را خبر دهد
از سخنی که در آن خیری نباشد.

بنات

بنات ابن سیرین گوید که [illegible]

نبات حلاب
نویسنده
نخاس
نرد باختن
نخود
نردبان

نباشد دلیل منفعت بود و از اکر شاخ و شاخ بود دلیل بر فرزندی مال حلال بود بقدر سطبری و باریکی
بلندی و کوتاهی اگر بیند که بر چشم و دهان و گوش او نبات رسته بود و بغایت نیک بود حضرت صادق
فرماید دیدن نبات در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم نعمت سیم بزرگی و جاه سیم منفعت خوش
چهارم زیادتی حرمت نبات حلاب ابن سیرین گوید که دیدن نبات حلاب بخواب بر پنج وجه بود اول سخن
خوش دوم بوسه دادن سیم مال چهارم فرزند پنجم دوست نویسنده دانیال گوید اگر بیند که چیزی
نوشت نویسنده بود دلیل که بحیله مال از مردم بستاند ابن سیرین گوید اگر عالمی بیند که نویسندگی کرد
دلیل منفعت بود اگر بیند که شعر و افسانه مینوشت دلیل که بکار دنیا مشغول گردد و آخرت را فرو گذارد
اگر بیند که قران یا توحید یا دعوات نوشت دلیل خیر و منفعت بود اگر در خواب بیند که نامه بتری نوشت
دلیل خیر و منفعت است اگر صالح بود و اگر فاسق بود دلیل که توبه کند اگر بیند که بسرخی نوشت دلیل
که بعبث دنیا مشغول گردد و اگر بزردی نوشت دلیل بیماری بود و اگر بیند که بسبزی نوشت دلیل که نیک
نام گردد و اگر بر دیباسیم نوشت دلیل که از پادشاه منفعت یابد حضرت صادق فرماید دیدن نویسندگی
در خواب بر پنج وجه بود اول خیر و نیکی دوم مال و منفعت سیم چیزی که بمکر حاصل کند چهارم معزولی از عمل
نخاس ابن سیرین گوید اگر بیند که نخاسی میکرد دلیل که دروغ بسیار گوید نبیند حکم می نخیزد وارد در
دروغ میم کفته شده نخجیر ابن سیرین گوید اگر بیند که نخجیران صحرا مطیع وی گشتند دلیل که مهتر قوم گردد
و گویند که سالار دزدان گردد اگر بیند که خود بصورت نخجیران بود دلیل بد دین بود و توبه باید کرد
جابر گوید اگر بخواب بیند که نخجیران را بدام یا تبله میگرفت دلیل که بحیله مال از مردم بیابانی بستاند
اگر بیند که نخجیران با وی سخن گفتند و مطیع او شدند دلیل که مقرب پادشاه گردد نرد باختن ابن
سیرین گوید اگر نرد باختن را در خواب بیند دلیل بر کاری باطل بود اگر بیند که نرد باخت و ببرد
دلیل که بر خصم غالب گردد و اگر ببرد تاویل بخلاف است نخود دیدن نخود بخواب تر و خشک دلیل غم
بود اگر بیند که نخود بگوشت پخته میخورد غم کمتر بود نردبان ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که نردبان
از گل و خشت میرفت دلیل صلاح کار او بود و اگر چوبین بود دلیل ضعف دین او بود و اگر از سنگ
و آهن بود دلیل که بیننده قوة یابد ابراهیم گوید اگر بیند که بر نردبان بالا رفت دلیل بزرگی و منفعت
بود اگر بیند که از نردبان بزیر آمد بخلاف است حضرت صادق فرماید که نردبان بخواب مردم مصلح را

دلیل غم

نرگس
نرم
نسرین
نشاسته
مقیم بودن
نشستن
نعل
نعلین
نعناع

دلیل ظفر بود بر دشمن و فاسق را دلیل منافقی بود نرگس دانیال گوید دیدن نرگس بخواب دلیل
بر مردی لطیف بود اگر زنی بیند که نرگس تاج داشت دلیل که او را زنی بود صاحب جمال و اگر شوهر ندارد
شوهر کند اگر در خواب بیند که نرگس را از زمین بر کند دلیل که زن را طلاق دهد یا فرزندش بمیرد و اگر
زنی بیند که نرگس را بشوهر داد دلیل که از وی جدا گردد حضرت صادق فرماید که نرگس بخواب بر سه
وجه بود اول مردی لطیف دوم فرزند سیم دوستی ثابت قدم نرم ابن سیرین گوید اگر بیند که نرم همه
جا فرو گرفت دلیل گمراهی بود در دین اگر بیند که نرم همه جا فرو گرفت بر روشنایی بکشد دلیل که کارش
نیکو گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و ناگاه نرم گرفت دلیل مرگ مفاجا بود حضرت صادق فرماید که دیدن
نرم در خواب چهار وجه بود اول تحیر دوم پوشیدن کارها سیم بدعت چهارم گمراهی نسرین دیدن نسرین
بخواب دلیل راحت بود و گویند دلیل فرزندان بود اگر بیند که کسی دسته نسرین بوی داد دلیل که میان
ایشان گفتگو باشد یا شوهر نشاسته اگر در خواب بیند که نشاسته میخورد دلیل غم بود و گویند بیمار گردد اگر
بیند که نشاسته حلوا کرد و خورد دلیل منفعت بود اگر بیند که از گندم نشاسته کرد دلیل بکسب خود نعمت
حاصل کند مقیم بودن ابن سیرین گوید اگر بیند بر زمین مقیم نشسته بود دلیل که از سفر مال حاصل
کند اگر بیند که بر زمین خفته بود همین دلیل بود نشستن حضرت صادق فرماید که دیدن نشستن با
یا استر یا خر چهار وجه بود اول بخت دوم دولت سیم مرتبه چهارم فرمان روائی اگر بیند که با مصلحان نشسته
بود دلیل بر صلاح دین او بود اگر بیند که با مفسدان نشسته بود بخلاف این بود نعل اگر بیند بخواب که
نعل اسبان داشت دلیل که از پادشاه منفعت یابد اگر بیند که نعل استران داشت دلیل که از بزرگی داخل یابد
اگر بیند که نعل خران داشت دلیل که از سفر مال حاصل کند اگر بیند که نعل بر دست چهار پایان میکرد دلیل
که بسفر رود نعلین ابن سیرین گوید اگر بیند که نعلین پوشیده بود و براه میرفت دلیل که بسفر رود و اگر
بیند که دوال نعلین او سوراخ شد دلیل که در سفر بماند ابراهیم گوید اگر بیند که نعلین نو بخرید و در
پای کرد دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و گویند که زن معاشر بخواهد اگر بیند که در وقت رفتن یک نعلین
او بیفتاد دلیل که از برادر و خواهر جدا گردد اگر بیند که نعلین او بسوخت دلیل که زنش بمیرد حضرت
صادق فرماید دیدن نعلین بخواب بر سه وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم سفر نعناع دیدن نعناع
بخواب دلیل غم بود اگر بیند که نعناع و نعناع رسته بود دلیل که با اندوهی گرفتار گردد اگر بیند که نعناع

اندر میان بکند و بیند اخ دلیل که از غم برهد **نفط** دیدن نفط بخواب دلیل تندکانی او بود اگر بیند که
نفط بخورد مالیده دلیل که بار زنی نابکار جمع گردد و نیز گویند که چیز حرام خورد حضرت صادق فرماید
دیدن نفط در خواب بسه وجه بود اول زنی نابکار دوم مردی غماز سیم مال حرام **نفرین کردن** ابن سیرین
گوید اگر کسی بیند که ظالمی را نفرین کرد دلیل که بر آن ظالم ظفر یابد و گویند بخلاف این بود ابرهیم گوید که
در خواب بیند بیگناهی نفرین کرد دلیل که بر بیننده باز گردد و نفرین بر مردم صالح زود اثر کند نقره اگر
کسی در خواب بیند که نقره از کان میگرفت دلیل که از شهر خود زن خواهد اگر بیند که از معدن نقره
گرفت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند جابر گوید اگر بیند که یکدرم نقره داشت دلیل که او را فرزندی
آید صاحب جمال حضرت صادق فرماید دیدن نقره در خواب بچهار وجه بود اول زن دوم فرزند سیم
معیشت **نقصان** اگر بیند که در تن او نقصان بود دلیل که بقدر آن نقصان مال یابد مگر نقصان زیان کند
آن صلاح بود اگر بیند که از مال او چیزی نقصان شده دلیل که متفکر گردد **نگار** ابن سیرین گوید اگر
بیند که در سقف خانه و دیوار نگار میکرد دلیل که بدنیا مغرور گردد ابرهیم گوید که دیدن نگار کردن
و صورتگری در خواب دلیل باطل بود قوله تعالی ما هذه التماثیل التی انتم لها عاکفون اگر بیند
که دست خود را بخضاب نگار کرد دلیل که در کسب خود حیله کند حضرت صادق فرماید
که دیدن نگار کردن در خواب بچهار وجه بود اول آرایش دنیا دوم کار باطل سیم فریب چهارم دروغ
گفتن **نگین** ابن سیرین گوید که نگین در خواب دلیل بزرگی بود اگر بیند که نگین او بشکست یا ضایع شد
دلیل که مالش نقصان شود یا فرزندش بمیرد جابر گوید اگر نگین در تاج بیند دلیل بر ولایت بود و زنان را
دلیل شوهر بود و مردم عامه را دلیل جاه و بزرگی بود **نماز** اگر در خواب بیند که نماز از جانب مشرق
میکرد دلیل که حج کند و اگر محل ندارد دلیل که میلش بکیش ترسایان باشد اگر بیند که نماز از جانب مغرب
کرد دلیل که میلش بجهودان بود اگر بیند که نماز از سوی شمال کرد چنانکه پشت او بجانب قبله بود دلیل
که اسلام را پس پشت انداخته اگر بیند که نماز کرد و نداند که قبله کدام است دلیل که در راه دین متحیر
گردد اگر بیند که نماز سوی قبله کرد دلیل که در راه دین مستقیم گردد ابرهیم گوید اگر بیند قومی را امامت
کرد دلیل که سروری کند اگر بیند که نماز قطع کرد یا نماز نگذارد یا بی وضو نماز کرد دلیل که طالب
چیزی بود و نیابد اگر بیند که در تمام سر یا بجای [illegible] نماز کرد دلیل که حاکم او را مطیع

گردد

گردد اگر بیند که در نماز رکوع و سجود تمام میکرد دلیل که کار دنیای او برآید جابر گوید اگر بخواب بیند
که نماز فریضه پیشین میگذارد دلیل که بحق تعالی نزدیک گردد اگر بیند که نماز پیشین میگذارد دلیل
با امیدها برسد و اگر نماز شام میکرد دلیل شادی بود اگر نماز خفتن بود دلیل که حاجتش روا
گردد اگر بیند که نماز صبح میکرد دلیل که بسفر رود اگر بیند که در باغ نماز کرد دلیل که توبه کند اگر
بیند که در کشتی نماز گذارد دلیل که وام دار بود و وامش گذارده گردد اگر بیند که در کعبه نماز گذارد
دلیل که از خلیفه مرادش حاصل گردد اگر در خواب بیند که بر تهجد نشسته بود دلیل که از غم برهد
اگر بیند که سلام اول بدست چپ داد دلیل که کارش شوریده گردد اگر بیند که نماز نشسته میکرد
دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و گویند گناه کرده مرا مدد کند و از وی بیند اگر بیند که در تاریکی
نماز کرد دلیل که از غمها فرج یابد اگر بیند که بپهلو خفته نماز گذارد دلیل که بیمار گردد اگر بیند که نماز
جمعه کرد دلیل که بسفر رود و صلاح حاصل کند اگر بیند که در بیت المقدس نماز کرد دلیل که میراث
یابد و روزی بروی فراخ گردد آنیال گوید که دیدن نماز کردن سه نوع است اول فریضه دوم
سنت سیم تطوع اگر بیند که نماز فریضه میگذارد دلیل که حق تعالی حج را روزی او کند قوله تعالی
ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر اگر بیند که نماز سنت کرد دلیل که بر مردم شفقت کند اگر بیند
که نماز تطوع گذارد دلیل که عالم را نیکو دارد اگر در خواب بیند که در ستور نماز کرد دلیل که حق تعالی
در کسب او برکت کند حضرت صادق فرماید که دیدن نماز گذاردن در خواب هفت وجه بود اول ایمنی دوم
شادی سیم عز و جاه چهارم مرتبت پنجم رستکاری ششم یافتن مراد هفتم نقصان و دیدن رکوع و سجود در
خواب پنج وجه بود اول مراد یافتن دوم جمعیت سیم نصرت چهارم ظفر پنجم امر حق تعالی بجای آوردن
و نماز گذاردن بیند که نماز را تمام کرد دلیل که دعای او مقبول بود اگر بیند که تمام نکرد بخلاف این بود **نمک**
ابن سیرین گوید اگر بیند که نمک سفید داشت دلیل بر مال حلال بود و اگر سیاه بیند دلیل که بکسب خود
مال حاصل کند و اگر نمکش بسوخت مالش تلف گردد نمک دیدن نمک در خواب دلیل بر درم سفید
بود اگر بیند که نمک سفید داشت دلیل که درم نقد حاصل کند اگر بیند که نمک خورد و داشت دلیل که
زاهد گردد و دیدن نمک در خواب دلیل خصومت بود **نمکسو** دیدن نمکسود در خواب دلیل بر روزی حلال
بود وقتی که از گوشت گوسفند فربه بیند و اگر از گوشت لاغر بیند دلیل زیان بود [illegible]

در خواب دلیل بر بدی ... نبود اگر بیند که نهنگ او را ببوی آب کشید و غرق کرد دلیل که در آب غرق
کردد اگر بیند که نهنگ او را بکزید دلیل که از دشمن مضرت بیند ابراهیم گوید اگر بیند که نهنگ او را فرو
برد دلیل که ماهی او را هلاک کند اگر بیند که با نهنگ جنگ کرد و بر وی غالب گردید دلیل که بر دشمن
ظفر یابد و اگر غالب نشد بخلاف این بود و دیدن پوست و گوشت و پوست و استخوان او بخواب دلیل
نو بودن مضرت بود نو بودن ابن سیرین گوید که هر چیزی نو که بخواب بیند دلیل خیر و برکت بود و کهنه او در
نوحه کردن حق کان گفته ایم نوحه کردن ابن سیرین گوید که دیدن نوحه کردن دلیل که خلق آنجا متفرق گردند اگر
بیند که والی آن شهر بمرد و بر وی نوحه کردند دلیل که آن والی مضرت بیند اگر بیند که نوحه میکرد و فریاد
نوشادر میداشت دلیل مضرت بود نوشادر دیدن نوشادر بخواب غم و اندوه بود نیزه ابن سیرین گوید اگر
نیزه کسی بیند که با نیزه سلاح دیگر نداشت دلیل که او را فرزندی آید یا برادری اگر بیند که با نیزه سلاحهای
دیگر داشت دلیل که حکمش در ولایتها روان گردد اگر بیند که نیزه او بشکست دلیل که فرزند یا برادرش
نی بمیرد اگر بیند که نیزه او را ببریدند دلیل که کارش شوریده گردد نی دانیال ع گوید اگر بیند که نی بسیار
نیشکر داشت دلیل که اندک چیزی بوی رسد نیشکر اگر بیند که نیشکر بفروخت یا بکسی داد دلیل که از
نیکی کردن گفتگو خلاص گردد نیکی کردن ابن سیرین گوید که دلیل نیکی کردن در خواب پرهیزکاری بود و دلیل
رستگاری از عذاب آخرت ابراهیم گوید اگر بیند که با مردی نیکی کرد و بعد از آن او را خوار داشت دلیل
که در کار ناسپاس بود اگر بیند که نیکی با اهل شهر کرد دلیل که مال خود را بر کوه صرف کند که نزد
نیل دنیا بکار او آید نه در آخرت نیل دانیال ع گوید دیدن نیل در خواب دلیل غم و اندوه بود اگر
بیند که نیل داشت دلیل که اندوهی بوی رسد اگر بیند که نیل او ضایع شد دلیل که از غم برهد اگر
بیند که جامه خود را بنیل رنگ کرد دلیل مصیبت بود اگر بیند که نیل خورد دلیل که آفتی بوی رسد
نیلوفر نیلوفر ابن سیرین گوید اگر در خواب نیلوفر را بر جای خود بر درخت بیند دلیل منفعت بود و چون از
درخت جدا بیند دلیل غم بود ابراهیم گوید اگر بیند که نیلوفر بکند یا بغلام داد دلیل که از غلام بگریزد
دانیال گوید که دیدن نیلوفر در خواب دلیل کنیزکی بود که بخرد

حرف الواو من کتاب کامل التعبیر

واشه واشه ابن سیرین گوید دیدن واشه در خواب چون مطیع بود چنانکه چون بانگش کنی باز آید دلیل
که خداوندش منزلت یابد اگر بخواب بیند که واشه داشت مطیع او بود دلیل که از بزرگی جاه یابد اگر

بیند که واشه بر دست ... نشسته در دست او بماند دلیل که بزرگی او زایل گردد جابر گوید اگر بیند که
واشه او بمرد و بیننده پادشاه بود دلیل که ملکش از دست برود و اگر امیر بیند دلیل که منزلت او
والی کم شود و اگر توانگر بیند دلیل که درویش گردد و اگر درویش بیند فرزندش بمیرد والی دانیال ع گوید اگر
بیند که از تخت بیفتاد یا تختش بشکست یا شمشیری بستد یا چهارپای او ببرد و امیری او را
بیند آخت بجمله دلیل بر عدالت بود ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که دست راستش پادشاه
وحوش قاضی والی بوست دلیل که بر زیر دی پایدار بود وحوش چهارپایان دشتی باشند هر چیزی بود
تاویل بجدا او ندکند هر چه ماده بود تاویلش را پنهان کنند ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که وحوش را
صید کرد یا کسی از وحوش چیزی بوی داد دلیل منفعت بود و دیدن گوشت و پوست ایشان بخواب
همین دلیل بود اگر بیند که همه وحوش مطیع او شدند دلیل که گروهی در اسلام ایشان خلل افتد و
وزغ مطیع او گردند وزغ اگر کسی در خواب بیند که وزغ داشت دلیل که با مردی از اهل صحبت دارد اگر
بیند که وزغان بسیار در جا جمع شدند و فریاد کردند دلیل که عذاب حق تعالی بدان موضع رسد اگر
بیند که وزغ را بکشت و گوشت او را بخورد دلیل که زاهدی را متهم کند و مال او را بستاند اگر بیند
وزغ او را بکزید دلیل که از زاهدی مضرت بیند اگر بیند که وزغی از آب گرفت و بر زمین انداخت دلیل
وزیر که با زاهدی ظلم کند وزیر اگر بیند در خواب که وزیر پادشاهی بود دلیل دولت بود و اگر آن پادشاه
بد بود تاویل بخلاف این بود اگر بیند که وزیری او را کلاه و خلعت داد دلیل که بر مردم حاکم گردد اگر
بیند که وزیر در خانه او آمد دلیل غم است از قبل پادشاه اگر بیند که با وزیر طعام میخورد دلیل بزرگی بود اگر
بیند که خانه وزیر بیفتاد یا وزیر بمرد یا پادشاه وزیر را معزول کرد یا اسبش لگد زد یا از ستور بیفتاد
یا کاوش پسر زد این همه دلیل بر عزل وزیر بود حضرت صادق ع فرماید دیدن وزارت کردن در خواب چهار
وجه بود اول آنکه بیند که چشم او ماه گشته بود دوم آنکه بیند که چشم او دجله بود سیم آنکه بیند که پادشاه
وسمه کمری بر میان بست چهارم آنکه بیند که یکی از ائمه نامی بر سر او نهاد این چهار دیدن دلیل بر وزارت بود وسمه اگر
کسی در خواب بیند که در ملک او وسمه بسیار بود دلیل که بغم و اندوه گرفتار گردد اگر بیند که وسمه را بکند
وضو و بینداخت دلیل که از غمها برهد اگر بیند که وسمه بر زن خود داد دلیل که از یکدیگر جدا شوند وضو اگر بخواب
بیند که وضو تمام کرد دلیل که مقصودش حاصل گردد اگر آب پلید بود تاویل بخلاف این بود ابراهیم گوید

وکیل — وادی — ویرانی — حرف الهاء — هاون — هدهد — هزار دستان — هوا — هیزم — باب اللام

اگر بیند که وضو با آب صافی ساخت دلیل که از غمها برهد و اگر در ترس بود ایمن گردد و اگر وام دارد بگذارد و اگر
بیمار بود شفا یابد جابر گوید اگر بیند که وضوی نماز ساخته بود و ناگاه او را حدث پدید آمد دلیل که در کار
خود بیچاره گردد حضرت صادق فرماید اگر بیند که وضوی ساخت و کسی بی وضو ساختن او نگاه میکرد دلیل
که بدست او توبه کند وکیل اگر در خواب بیند که وکیل پادشاه بود و در کار خود منصف بود دلیل اقبال
بود اگر بیند که وکیل قاضی بود دلیل همین بود و اگر بیند که در شغل وکالت منصف نبود تاویل بخلاف این
بود وادی علم حبنام بود اگر بیند که بر تل او وادی پدید آمد و اما سیاه بود دلیل مال بود و اگر وادی اندک
بود دلیل که او را کاری در پیش پدید آید ویرانی ابن سیرین گوید دیدن ویرانی دلیل گمراهی بود اگر در خواب بیند
که جای آبادان خراب کرد دلیل که در شغل گمراه گردد حضرت صادق فرماید اگر در خواب بیند که مسجد یا محله یا
خانقاه را ویران کرد دلیل نقصان دین و دنیای او بود والله اعلم

حرف الهاء از کتاب کامل التعبیر

ابن سیرین گوید دیدن هاون در خواب دلیل بر دو شریک باشند که از یکدیگر نگریزند و اگر از ایشان یکی بخواب بیند
فایده نباشد اگر بیند که در هاون چیزی میکوفت و نخوردی دلیل منفعت بود و اگر آن چیز داروها گرم بود
دلیل مال بود و اگر آنچه میکوفت شیرین بود دلیل منفعت بود و اگر تلخ بود دلیل مضرت بود ابراهیم گوید
اگر بیند که از جوهرها بعضی در هاون کوفت دلیل خیر بود ابن سیرین گوید اگر کسی هدهد در خواب
بیند دلیل بر مردی بزرگ با خبر بود اگر بیند که هدهد با او سخن گفت از چیزهای جهان آگاه بود حضرت صادق
فرماید دیدن هدهد در خواب چهار وجه بود اول خبر دوم خوشی سیم ... چهارم ظفر یافتن هدهد ابن سیرین
گوید اگر کسی دید که چیزی بکسی هدهد داد یا فرشته یا بر قدر آن خیر و منفعت و نعمت یابد ابراهیم گوید که فرزند بود
جابر گوید اندیشه مکروه بود حضرت صادق فرماید اگر گوشت لطیف بود خیر و نیکی بود هزار دستان ابن سیرین
گوید اگر هزار دستان در خواب بیند فرزندی بود لطیف و خوش آواز اما لاغر بود اگر هزار دستان در خواب
بیند که در باغ بود و گرفت با مردم خوش طبع توانگر پیوندد ابراهیم گوید هزار دستان خوش آواز بود هما ابن
سیرین گوید هما در خواب عز و دولت بود ابراهیم گوید یا پادشاه بود یا مردی بزرگ خیر اندیش هوا در خواب ابن سیرین
گوید اگر دید که هوا سرخ رنگ بود قتل بود و اگر سبز دید غله و نباتات بسیار بود اگر هوا ابر کرد و سیر دید
پادشاه بکاهد و اگر ... موضع را ایلی دیگر رساند هیزم ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب هیزم تر یا خشک بیند دلیل
جنگ بود اگر دید که هیزم را از صحرا جمع کرد بدکار و غماز شود و هر صفت که بیند بر آن قیاس کند باب اللام

لادن — لاله — لاغر — لانه — باب الیاء — یاسمن — یافتن — یاقوت — یخ — یشم — یوز

اگر دید که لاحول تمام میگفت مال بسیار یابد لادن ابن سیرین گوید اگر بیند که لادن بسیار داشت
نامش منتشر گردد و مشهور جهان شود لاله ابن سیرین گوید اگر در وقت خود دید که بر تنه بود فرزند
بود اگر بی وقت بود در درخت خود دید خبر بود اگر از درخت جدا دید غم بود اگر زنی دید لاله ببرید و به
شوهر داد طلاق بگیرد و اگر مرد نیز اینکار کند همین دلیل دارد لاغر ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب دید
که لاغر شد نقصان مال یابد اگر دید که بالاغری ضعف داشت درویش زرد بود غم و بیماری بود لانه ابن سیرین
گوید اگر در خانه او لانه مرغ بود او را بر قدر آن مرغ و لانه فایده باشد که باو رسد اگر دید که لانه بکند کاری
مکروه کند اگر باز بجای خود نهاد یاری کسی کند اگر دید در لانه مرغ بزرگ بود در پیش زنی گیرد باید و خبر
بیند باب الیاء ابن سیرین گوید اگر یاسمن در خواب بیند اگر بوقت بود فرزند نیک بود و مقبل و بی وقت او غم بود
اگر دید که کسی بدو داد میان ایشان جدائی افتد و درخت یاسمن نیک توانگر بود بدخواه اگر دید که یاسمن بیند
بود رنج بود و خون بر جام یافتن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که چیزی یافت از ... و عز
بود اگر دره بود مال بود اگر بعدد سی بیند مضرت بود اگر هزار بود دیر بود هر چند بیشتر بیند نیکوتر بود اگر
دید در کوه کان زر یافت ولایت یابد اگر دید که کان نقره یافت زنی با جمال خواهد یاقوت ابن سیرین گوید
یاقوت در خواب زن بود پاکیزه اگر یاقوت سرخ دید پاسبانی بود و خوب منظر اگر زنش حامله باشد
دختر زاید با جمال اگر دید که یاقوت طبقها داشت مال یابد اگر دید که یاقوت یافت حاجتش روا گردد اگر
دید که یاقوت ... لالکی کند ... اگر دید یاقوت بیحد داشت مال بسیار یابد اگر یاقوت بکرد فرزند
مفسد بود یخ ابن سیرین گوید یخ در خواب غم بود خاصه در وقت سرما جابر گوید یخ فراخی بود اگر دید
در تابستان یخ جمع کرد مال جمع کند ابراهیم گوید اگر در زمستان دید عیش خوش بود یشم ابن سیرین گوید
یشم در خواب زنی بود بی اصل اگر دید که انگشتری از یشم داشت زن خواهد یا دختری بود او را اگر
بیند که یشم بسیار داشت از زنان مال حاصل کند یوز ابن سیرین گوید یوز در خواب دشمنی بود ظاهر
و کینه دار و فرومایه اگر دید با یوز طعام میخورد از شر دشمن ایمن گردد اگر دید که یوز در خانه او آمد دیگر
با ناله همی کرد به سبب دشمنان او را رنج و بلای عظیم رسد اگر دید که یوز بدو حمله کرد از دشمن با او مضرت
رسد اگر دید که یوز با او جنگ کرد او بر یوز چیره شد بر دشمن ظفر یابد والله اعلم بالصواب

فقد تم ۱۲۸۴ بعد الهجره

٥



سوگند همی خورد دلیل که بر دست او کاری نیک رود یا امانت گذارد یا گواهی براستی دهد باخبرات کند و از انچه ترسد ایمن گردد اگر بیند که سوگند بدروغ خورد دلیل که حق تعالی با او خشم بود و از نعمت و خیر و جهانی بی بهره ماند مگر توبه کند و بحق تعالی باز گردد تا رسته گردد اگر بیند که سوگند خورد دلیل که در دوام عزت گردد و در غم و زیان افتد از قبیل پادشاه کرمانی گوید اگر بیند که سوگند راست بخورد توبه باید کرد تا از گناه رسته گردد اگر بیند که سوگند بدروغ خورد دلیل که دین او تباه گردد و در اعتقادش خلل افتد قوله تعالی ویحلفون علی الکذب و هم یعلمون جابر گوید اگر سوگند براست خورد او را از ان هیچ مضرت نباشد و منفعت بیند و اگر بخلاف این بیند بد بود

سوراخ

سوراخ ابن سیرین گوید اگر بیند که در کوه سوراخ بود و در ان کوه سوراخ درون شد دلیل بود که از راز پادشاه اگاه بود اگر بیند که چیزی از ان سوراخ بیرون اورد دلیل که از پادشاه عطا یابد بقدر انچه بیرون اورده بود و اگر بیند که در زمین سوراخ شد کسی از راز او اگاه گردد اگر بیند که در اندام وی سوراخ بود و از ان خون همی رفت یا برازیانی رسد جابر گوید اگر بیند که در شکم او سوراخ بود دلیل بود که از عیال خود نا امید گردد اگر بیند که در تنگی سوراخ میگرد دلیل بود که در مسلمانی باید بود اگر بیند که درختی سوراخ میکرد تاویلش بخلاف این بود و معبران گویند که بقدر ان در مالش زیان افتد حکایت در خبر است که مردی بخدمت امیر المؤمنین آمد و گفت یا امیر المؤمنین بخواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بزرگ بیرون امد و هر چند خواست که باز بجای خود رود نتوانست فرمود بدانکه ان سوراخ دهن است چون سخن گفته شود باز بجای خود بر نگردد

سیب

در حرف سیم در باب امرود بیاوردیم سیب ابن سیرین گوید که چون سیب بخواب سبز بود دلیل فرزند بود و چون سرخ بود منفعت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازرگان بود و چون زرد بود بطعم ترش دلیل رنج و بیماری بود اگر بیند که سیب سفید را بدو نیم کرد دلیل بود که با کسی که شریک او بود از او جدا شود اگر بیند که سیب سرخ از درخت ببرید و بخورد دلیل که او را دختری اید کرمانی گوید که سیب در خواب خبر بود از غایبی یا از کسی که دور بود و اگر در خوردن سیب ترش بود خبر ناخوش شنود و اگر شیرین بود خبر خوش شنود

